











جلد ثانیہ بیان امامت و اثبات امامت سید  
 ہر فرقہ کا ثبوت و بیان اور دلائل عقلی و نقلی و اصولی و  
 احادیث و صلوات و تفسیر ہر مکتبہ و فتن و تاریخی و احادیث  
 سے مجموعہ اور مسائل کی حکمت ظاہر فرمائی ہے۔

فهرست ابواب و فصول علیہ المتقین که مشتمل است بر چارده باب و خاتمه  
و هر بابی متضمن است بدوازده فصل

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۳	باب اول در آداب لباس	۱۷	فصل دوم در بیان آنچه انگشتان سازند
۴	فصل اول در فضیلت تجل و زینت کردن	۱۸	فصل سیوم در فضیلت عقیق
۵	فصل دوم در بیان جامه های حرام	۲۰	فصل چهارم در فضیلت یاقوت و زبرجد و زرد
۶	فصل سیوم در پوشیدن پنبه و کتان	۲۱	فصل پنجم در فضیلت فیروزه و مرجع یاقتی
۷	فصل چهارم در بیان رنگبانی که در جامه	۲۱	فصل ششم در فضیلت درخسف و بلور و جید
۸	سنت است یا مکروه	۲۲	چینی و سایر نگین ها
۹	فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن	۲۲	فصل هفتم در بیان آنچه سزاور است که دیگرین
۱۰	فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص	۲۳	نقش کنند
۱۱	زنان یا کافران است	۲۴	فصل هشتم در زیور طلا و نقره پوشیدن
۱۲	فصل هفتم در آداب عامه بر سر بستن	۲۵	و بزبان و اطفال پوشانیدن
۱۳	فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن	۲۶	فصل نهم در آداب سر کشیدن
۱۴	فصل نهم در آداب جامه نویدن و پوشیدن	۲۷	فصل دهم در آداب نظره و آئینه کردن
۱۵	فصل دهم در سایر آداب جامه پوشیدن	۲۸	فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان
۱۶	و کندن	۲۹	و زنان
۱۷	فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش	۳۰	فصل دوازدهم در کیفیت خضاب
۱۸	فصل دوازدهم در آداب پوشیدن نعل و کفش	۳۱	باب سیوم در آداب خوردن و آشامیدن
۱۹	و کفش	۳۲	فصل اول در بیان نظرفمائی که در خوردن
۲۰	باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن	۳۳	و آشامیدن و غیر آن استعمال توان نمود
۲۱	و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب	۳۴	فصل دوم در تجویز خوردن طعام های لذیذ
۲۲	کردن	۳۵	و لذت حرص و افراط در آن
۲۳	فصل اول فضیلت انگشتر بست کردن و آداب	۳۶	فصل سیوم در بیان بعضی از آداب و
۲۴	آن	۳۷	اوقات طعام خوردن

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۳۹	فصل چهارم در سائر آداب طعام خوردن	۸۶	فصل پنجم در بیان ادعیه طلب برزند و فضیلت آن
۴۲	فصل پنجم در بیان دعاها و وقت طعام	۹۰	فصل ششم در بیان احکام آیام حل و آداب
۴۷	فصل ششم در بیان آداب بعد از طعام		روز ولادت و نام نهادن طفل
۴۹	فصل پنجم در فضیلت نان و سوختن گوشت و روغن و سائر آنچه از حیوانات حاصل می شود و سرکه و شیرینی ها	۹۷	فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب آنها
۵۶	فصل هشتم در فوائد خوب و سیرینا و میوه ها و سائر کولات	۹۷	فصل دهم در خستنه کردن و سوراخ کردن گوش
۶۲	فصل نهم در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن	۹۹	فصل یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان
۶۷	فصل دهم در فضیلت خلل و آداب آن	۱۰۳	فصل دوازدهم در بیان حق پرست و اود و جود رعایت حرمت ایشان
۷۰	فصل یازدهم در فضیلت آب و انواع آن	۱۰۶	باب پنجم در بیان مسواک کردن و شانه کردن و کماخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و اشال آن
۷۴	فصل دوازدهم در آداب آب خوردن	۱۰۷	فصل اول در فضیلت مسواک کردن و فواید آن
۷۸	باب چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان	۱۰۸	فصل دوم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن
۷۹	فصل اول در فضیلت تزویج کردن و فواید از بهائیت	۱۱	فصل سیوم در آداب موی سر تراشیدن
۸۳	فصل دوم در اوصاف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان	۱۱	فصل چهارم در فضیلت شارب گرفتن
۸۵	فصل سیوم در آداب نکاح و اراده آن	۱۱۱	فصل پنجم در آداب ریش بلند کردن
۸۶	فصل چهارم در آداب زفاف و مجامعت	۱۱۲	فصل ششم در فضیلت موی سفید کردن و بستن آن
۸۷	فصل پنجم در آداب نماز و نماز شب و زفاف و در وقت طهارت با زنان	۱۱۳	فصل پنجم در کندن موی بینی و بینی باری کردن بالین
۸۸	فصل ششم در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام آن	۱۱۵	فصل ششم در فضیلت ناخن گرفتن
			فصل نهم در آداب اوقات ناخن گرفتن
			فصل دهم در مدفن کردن و ناخن کشیدن

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۱۶	فصل یازدهم در فضیلت شانه کردن سر	۱۲۹	فصل دوم در آداب داخل شدن و بیرون آمدن
۱۱۷	فصل دوازدهم در آداب اوقات شانه کردن	۱۲۸	فصل سیوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد
۱۱۸	باب ششم در آداب بوی خوش و گل	۱۲۹	فصل چهارم در فضیلت شستن سر و بدن
۱۱۹	فصل اول در روغن مالیدن	۱۳۰	فصل پنجم در فضیلت شستن سر با برگ سره
۱۲۰	فصل ششم در گرگرفتگی و گرگدن بوی خوش	۱۳۱	فصل ششم در فضیلت دار و کشیدن
۱۲۱	فصل هفتم در فضیلت شک و غیره و زعفران	۱۳۲	فصل هفتم در آداب غسل مخصوصا از غسل
۱۲۲	فصل هشتم در فضیلت ناله	۱۳۳	فصل دوازدهم در آداب غسل و شمار غسلهای واجب و مستحب
۱۲۳	فصل نهم در فضیلت سائر روغنها	۱۳۴	باب ششم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن
۱۲۴	فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب آن	۱۳۵	فصل اول در بیان اوقات خواب
۱۲۵	فصل یازدهم در فضیلت گلاب و گل سرخ و انواع گلها	۱۳۶	فصل دوم در وضو و ختن پیش از خواب
۱۲۶	فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن	۱۳۷	فصل سیوم در مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب
۱۲۷	باب هفتم در آداب حمام رفتن و سر و بدن شستن و دار و کشیدن و آداب غسل	۱۳۸	فصل چهارم در سائر آداب خوابیدن
۱۲۸	فصل اول در فضیلت حمام	۱۳۹	فصل پنجم در آداب پیش از خواب باید خواند

صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۱۳۵	فصل ششم در دفع ترسیدن خواب و خواب پریشان دیدن و تحمل شدن	۱۸۴	فصل هفتم در معالجه سائر امراض سر درد و کوفه
۱۳۶	فصل هفتم در ذکر ادویه دفع بیداری و بوی بیدار شدن در آخر شب	۱۹۰	فصل هشتم در معالجه خنازیر و قروح و جروح و آلوان و بثور و خوره و پیسی و بهق و غیره
۱۳۷	فصل هشتم در بیان نماز و دعا از برای خواب	۱۹۲	فصل نهم در معالجه امراض اندوه و قویج و باد و آزار معده و شرفه
۱۳۸	نیک دیدن و آداب بیدار شدن	۱۹۸	فصل دهم در معالجه اوجاع مناسل و بواسیر و امراض شانیه و غیره
۱۳۹	فصل نهم در بیان سبب خواب رخت و دروغ و تغییر خواب	۲۰۳	فصل یازدهم در بیان بعضی از تعویذات برای دفع سحر و سموم گزندگان و سائر طبایا
۱۴۰	فصل دهم در آداب بیداری و نیت بسیار خوابیدن	۲۰۴	فصل دوازدهم در فوائد تربت شریف خنجر امام حسین و خواص بعضی از ادویه مفرده
۱۴۱	فصل یازدهم در آداب بیت الخلا	۲۱۲	باب نهم در آداب معاشرت با مردمان و حقوق اصناف ایشان
۱۴۲	فصل دوازدهم در بیان احوال و ادعای و کباب بول و غایب کردن که نمی از آن داده شده	۲۱۱	فصل اول در بیان حقوق خویشان و غلامان
۱۴۳	باب نهم در آداب حجامت و تنقیح و بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر برخی از ادویه و اعزاز	۲۱۱	فصل دوم در حقوق همسایگان و یتیمان و مردمان قبیل و غیره
۱۴۴	فصل اول در ثواب بیماری و صبر کردن بر و شدت ابتلای مؤمنان	۲۲۱	فصل سیم در حقوق صداقت و اخوت
۱۴۵	فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت	۲۲۳	فصل چهارم در حقوق مؤمنان بر یکدیگر و حسن معاشرت با خلق
۱۴۶	فصل سیم در بیان انواع تداوی که از اندک و اندیشه و جواز رجوع با طبباء	۲۲۶	فصل پنجم در قضای حاجت مؤمنان و نمودن در کارهای ایشان و شاد کردن ایشان
۱۴۷	فصل چهارم در معالجه انواع تب	۲۳۱	فصل ششم در دیدن مؤمنان و عیادت بیمارانشان
۱۴۸	فصل پنجم در ذکر ادویه جامد و ادویه مرکب و نافع	۲۳۲	فصل هفتم در آداب طعام دادن و جامه پوشانیدن مؤمنان و سائر اهانتها
۱۴۹	فصل ششم در معالجه درد سر و شقیقه و کوفه و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن		ایشان و باری کردن مظلومان

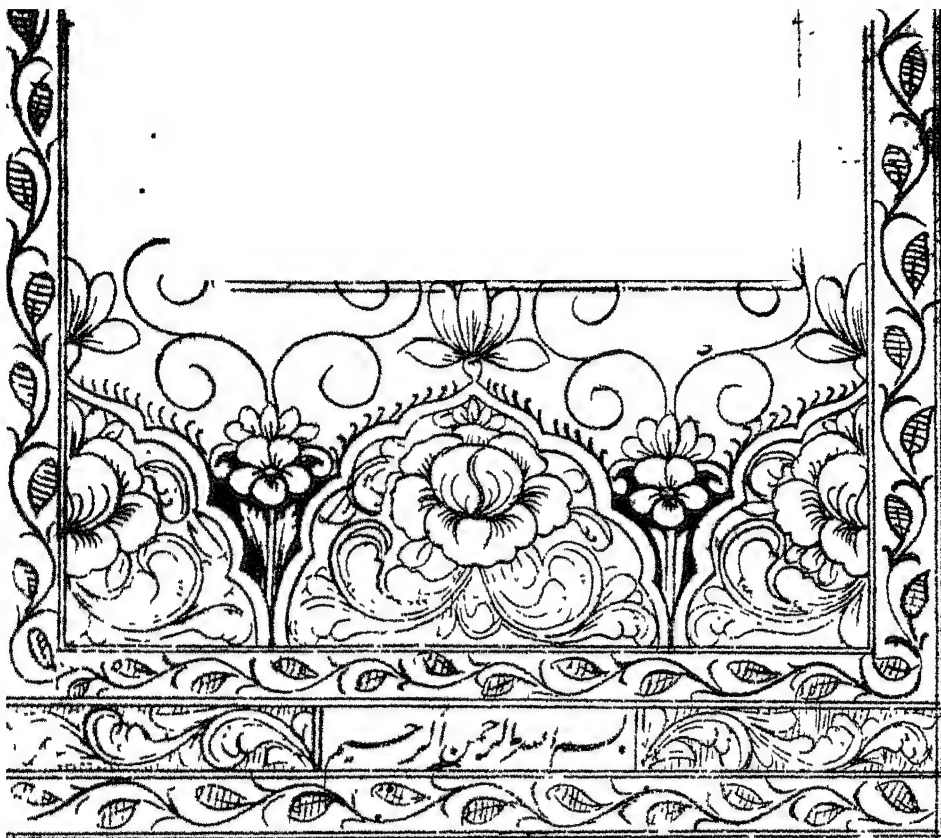


صفحه	مضمون	صفحه	مضمون
۲۳۹	فصل هشتم در حقوق فقر و مظلومان و ضعیفان	۲۸۱	کردن و آداب محبت و دشمنی و راز مجاہدین
۲۴۰	و پیران و اصحاب بلا و آداب معاشرت با ایشان	۲۸۲	پنهان و دشمنی
۲۴۱	فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان و غیبت ایشان	۲۸۳	فصل نهم در سائز آداب محالست و حقوق اصحاب مجلس بر یکدیگر
۲۴۲	فصل دهم در آداب معاشرت با طالان و طیلی از احوال ایشان	۲۸۴	فصل نهم در فضیلت ذکر خدا کردن در مجاہد
۲۴۳	فصل یازدهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان	۲۸۵	فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام کردن در مجاہد
۲۴۴	فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان	۲۸۶	مباحثه علوم ایشان نمودن و احادیث فضائل ایشان را یاد کردن
۲۴۵	باب یازدهم در آداب مجالس از سلام کردن در مصافحه و معانقه و آداب عطسه کردن و آداب نشستن و برخاستن و اشغال آن	۲۸۷	فصل یازدهم در مشورت کردن با برادران و آداب آن
۲۴۶	فصل اول در فضیلت سلام کردن و آداب آن	۲۸۸	فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن
۲۴۷	فصل دوم در فضیلت مصافحه و معانقه و آداب هر یکی از آن	۲۸۹	فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن
۲۴۸	فصل سیوم در آداب نشستن در مجلس	۲۹۰	فصل اول در کشادگی خانه
۲۴۹	فصل چهارم در آداب ملاقات کردن صحابه	۲۹۱	فصل دوم در مذمت تکلف بسیار و خانه کردن و بسیار بلند ساختن آن
۲۵۰	فصل پنجم در آداب ملاقات کردن صحابه	۲۹۲	فصل سیوم در نقاشی کردن و صورت صاحب روحی کشیدن که سایه داشته باشد
۲۵۱	فصل ششم در آداب ملاقات کردن صحابه	۲۹۳	فصل چهارم در آداب فرشتن خانه
۲۵۲	فصل هفتم در بیان مجالس که در آنجا داخل شدن رواست و جماعتی که هم نشین ایشان سزاوار است	۲۹۴	فصل پنجم در عبادت کردن در خانه
۲۵۳	فصل هشتم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن	۲۹۵	فصل ششم در نگاه داشتن حیوانات در خصوصاً کبوتر و خر و دس
۲۵۴	فصل نهم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن	۲۹۶	فصل هفتم در نگاه داشتن گوسفند و بز و غنای
۲۵۵	فصل دهم در آداب عطسه و آروغ و آب دهان انداختن	۲۹۷	فصل هشتم در بیان احوال سائر طایفه و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن آنها رویت یار و مستحب است



۳۰۰	فصل نهم در منع از نگاه داشتن سگ در خانه	۳۲۵	فصل دوم در دفع نحو سگها سفر به صدق
۳۰۳	فصل دهم در آداب پراغ افروختن و خانه خریدن		گرویدن و دعا خواندن
۳۰۴	فصل یازدهم در بیان سائر آداب خانه	۳۲۷	فصل سیم در آداب غسل و نماز و دعا و عادت
۳۰۶	فصل دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن		بیرون رفتن
۳۰۸	باب سیزدهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و باز رفتن و تجارت کردن و زحمت کردن و	۳۲۸	فصل چهارم در سائر آداب بیرون رفتن و
	حیوانات نگاه داشتن		بیان چیزی چند که باید با خود بردن
۳۰۹	فصل اول در سوار شدن اسب و ستر و شتر و انواع هر یک	۳۲۹	فصل پنجم در فضیلت قوشه بردن و در سفر
۳۱۰	فصل دوم در آداب نگاه داشتن چهارپایان و رعایت حقوق آنها	۳۳۰	فصل ششم در رفیق با خود بردن در سفر و آداب
۳۱۳	فصل سیم در آداب زین و لحام		ساعت ایشان
۳۱۳	فصل چهارم در آداب سوار	۳۳۱	فصل هفتم در بیان سائر آداب سفر
۳۱۶	فصل پنجم در آداب پیاده رفتن	۳۳۲	فصل هشتم در آداب راه رفتن و فرو دادن
۳۱۷	فصل ششم در نگاه داشتن شتر و گاو و گوسفند	۳۳۰	فصل نهم در بیان عتاک و درله و درشتها و بایه خوا
۳۱۸	فصل هفتم در آداب رسیدن و نگاه داشتن حیوانات	۳۳۳	فصل دهم در آداب سفر در پایا و گداز شدن از پایا
۳۲۰	فصل هشتم در بیان مجالی حیوانات		وجه
۳۲۲	فصل نهم در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن	۳۳۵	فصل یازدهم در آداب مشایعت و استقبال
۳۲۵	فصل دهم در بیان آداب تجارت		مسافران و آداب برگشتن از سفر
۳۳۱	فصل یازدهم در فضیلت زحمت کردن و درخت کشتن	۳۳۶	فصل دوازدهم در آداب با سپاه رفتن و تیر انداختن و احکام گرو بندی
۳۳۲	فصل دوازدهم در آداب زحمت کردن و درخت کشتن	۳۳۲	خاتمه کتاب در بیان بعضی از آداب متجسسه و فوائد آن
۳۳۳	باب چهاردهم در آداب سفر		
	فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام و ساعتهای نیک و بد از برای سفر		

طبع می گرامی منشے نوکل کشور بمقام لکھنؤ یو طبع پو شید



الحمد لله الذي جعل انبياءه المرسلين باحسن حليۃ المتقين وبعث نخبۃ اصفيائه  
محمد صلی الله علیه وآله لتقيم مكارم اخلاق المومنين واملک فی اوصيائه المنتجبين  
افضل خصال النبيين فصلاوات الله عليه وعلى همدادنا نفاس المستبحين من  
الملائكة والناس اجمعين ولعنة الله على اعدائهم ملائكة السموات والارضين  
اما الجرحين گوید تراب اقدام مومنين وخدام طلبه علوم الله طاهرين محمد باقر بن محمد تقی وشراسه مع موالیه طاهر  
صلوات الله وسلامه عليهم جميعا که چون عمده افتاب زینى نوع انسان از سایر انواع حيوان بتخلق اخلاق حسنه  
وتميز با دایب مستحیست وبقضاء صامی صديقه شریفه صلی الله علیه وآله بعثت کما اتم مکارم الاخلاق تمام آداب  
پسندیده و اخلاق حمیده در شرع آورودین انظار آنحضرت ظاهر و مبین گردید و چون مختصری از مکارم خلقت  
در کتاب عین الحیوة بیان شده بود و جمعی از سالکان مسالک سعادت و ناهجان مناجح متابعت اهل بیت  
رسالت صلی الله علیه وآله ازین ذرۃ حقیر التماس نمودند که رساله نور بیان محاسن آداب که در طریقه الله طاهرین  
صلوات الله عليهم چنانچه با سائید معتبره باین قلیل البضاعت رسیده باشد بر وجه اختصار تحریر نماید  
و بجهت عموم نفع نسبت بابل این دیار مضامین اخبار را در باب اس لغت فارسی تیر البقم بکلمه در آورد لهذا

۴۷  
 با ضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت ایمانی لازم دانسته و بمقتضای حدیث **الکمال**  
**کل الخیر کفا حلیه** امید دارد به اجابت قلمس ایشان بنود ویر چارده باب خاتمه عرب گردانید باب اول  
 در آداب لباس باب دوم در آداب حلی و زیور پوشیدن و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن و خضاب کردن  
 باب سوم در آداب خوردن و آشامیدن باب چهارم در فضیلت تزویج و طوبی جماعت و معاشرت زنان و کیفیت  
 تربیت فرزندان معاشرت ایشان با بچه و آداب واک کردن و اخراج و شارب قن بر سر کشیدن و نشانه کردن و امثال اینها باب ششم  
 در آداب بوسه خوش کردن و گل خوش بوئیدن و روغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن و دارو  
 کشیدن و امثال آن باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن و بیت الخلاء رفتن باب نهم در آداب  
 جماعت و تنقیه و ذکر بعضی انواع عیله و لوازم و خواص بعضی از اینها و بعضی از آداب طاعات و معاشرت مومنان  
 حقوق اصناف ایشان باب یازدهم در آداب مجالس و سلام و خطبه و مصافحه و معاذنه و امثال  
 اینها باب دوازدهم در آداب خانه داخل شدن و بیرون رفتن باب سیزدهم در آداب سوار شدن و  
 راه رفتن و باز رفتن و تجارت نموده و چار بایان نگه داشتن باب چهاردهم در آداب سفر خاتمه و بیان بعضی  
 از فوائد متفرقه و هر یک از این ابواب را بر دوازده فصل مشتمل ساخت و بکتاب حلیه المتقین منسی گردانید  
 مامول از ناظران درین رساله تشافی و عاملان باین عجا که دافیه آنکه این مجرم خطا پیشه را بدعای مغفرت و استغفار  
 رحمت یار نماید و خطاهای لفظ و معنی این معترف بجز و تصور را موافقه نمایند و الله الموفق و المعبود  
 باب اول در بیان آداب جامه و کفش پوشیدن **فصل اول** در فضیلت تجل و زینت کردن بدانکه موافق  
 احادیث معتبره بسیار زینت کردن و جامهای پاکیزه و ناخود پوشیدن هرگاه که از حلال بهم رسد و مناسب حال  
 او باشد سنت است و موجب خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود باید قناعت  
 نماید و تحصیل زیادهای لباس المانع عبادت الهی نگرداند و اگر حق تعالی روزی را بر او فراخ گرداند  
 و در خور آن بخورد و پوشد و صرف نماید و به برادران مومن بدهد و اگر روزی به او تنگ شود و قناعت نماید و بخور  
 و شبیه خود را اگود و نکند چنانچه در حدیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که  
 هرگاه خدا تعالی نعمتی به بنده که راست فرماید و اثر آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا میماند و یاد کند  
 نعمت پروردگار خود خواهد بود و اگر بر او ظاهر نشود او را دشمن خدا نامند و نکند بهر نعمت پروردگار خود  
 خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه حق تعالی به بنده نعمتی

اگر امت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت بر دغا گردد و بپندد از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول  
 است که باید از برای برادر مومن خود زینت کند چنانچه برای بیگانه زینت نمیکند که خواهر شمارا  
 بر یکوترین تنی بپند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در تابستان بر  
 روی حصیری نشسته و در زمستان بر روی پلاس و در خانه جامهای گنده میپوشیدند و چون بیرون  
 می آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی زینت  
 و اظهار نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بد حالی را دشمن میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت  
 را در بنده خود بپندد باینکه جامه خود را پاکیزه کند و خود را خوشبو دارد و خانه خود را نیکو دارد و ساحتها  
 خانه را برود بحتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن آفتاب روشن کردن فقر را زایل میکند و در زیر ازاده  
 میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که حق تعالی جمیع را خلق کرده است که برای  
 شفقت بر ایشان دنیا را تنگ کرده است بر ایشان و محبت دنیا را زایل ایشان بر داشته است پس  
 بسوی آخرت که حق تعالی ایشان را تسکین خوانده است را غلب گردیده اند و بر تنگی معاش و کمبودات دنیا  
 صبر میکنند شتافتند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای خدا باخته اند و آخر کار ایشان  
 شهادت است پس چون نشاء آخرت در روند حق تعالی از ایشان خوشنود باشد و میداند که مرگ را بخت است  
 که هر رادر پیش است پس توشه برای آخرت خود انداخته اند و طلا و نقره جمع نگرفته اند و جامهای گنده بپوشیدند  
 و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیادتها را در راه خدا میدهند که توشه آخرت ایشان باشد و از برای  
 خدا بانیکان دوستی و از برای خدا بایران دشمنی مینمایند ایشانند چهره غمهای راه هدایت و ایشانند  
 قنعم منبعیر آخرت و یوسف بن ابراهیم گوید که بخت حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفتن و جامهای  
 خنر پوشیده بودم پرسیدم که چه میفرمایند در جامه خنر فرمود باس که نیست بدرستی که چون حضرت امام  
 حسین صلوات الله علیه شهادت میدادند جامه خنر پوشیده بودند و چون حضرت امیر المومنین علیه السلام علیه  
 بن عباس و فرستاد که باخارج نهدان سخن گوید بهترین جامهای خود را پوشید و بهترین بویهای  
 خوش خود را خوش بوی کرد و بر بهترین اسبان سوار شد و در برابر ایشان رفت گفتند تو از بهترین  
 مردمی چرا لباس جباران را پوشیده و بر اسبان ایشان طرشد عبد الله بن عباس این آیه کریمه را خواند قُلْ  
 مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّقْلِ يَعْنِي بَلُو



ای حجره که حرام کرده است زینتی که حق تعالی بر آنگاهان نهاده است و رویهای طیب و نیکو را  
پس حضرت فرمود که جامهای نفیس بپوش و زینت کن خود را که خدا نیکوست و نیکو را دوست میدارد اما  
باید که از حلال باشد و در حدیث معتبر وارد شده است که سفیان ثوری که از مشایخ صوفیه است  
بسی الحرام آمد دید که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نشسته و جامهای پر قیمت نیکو پوشیده  
است گفت و الله بدم و او را برین جامه با سز نش کنم پس نزدیک آمد و گفت ای پسر رسول خدا صلی  
علیه و آله پیغمبر خنجرین جامه با پوشیده و هیچ یک از بدانت چنان جامه با پوشیده اند حضرت فرمودند که  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله در زمانی بودند که روزی بر مردم تنگ بود امر وزیر مردم روزی  
است سزاوارترین مردم بصرف کردن نعمتهای خدا نیکانند پس این آیه خوانند که گذشت و فرمودند  
که مانند او آخرین مردم بصرف کردن در آنچه خدا عطا کرده است ای ثوری این جامه را که می بینی  
برای مردم پوشیده ام پس دامن جامه را بالا کردند و باینگونه جامه گنده که در زیر پوشیده بودند و  
فرمودند که این جامه گنده را برای خود پوشیده ام و این جامه نیکو را برای مردم پس دست زدند و جامه  
بالای سفیان زد و کردند و در زیر جامه گنده جامه نازکی پوشیده بود و فرمودند که جامه پائین را بر  
لذت نفس خود پوشیده و جامه بالا را برای فریب دادن مردم پوشیده و در حدیث معتبر از عبد الله  
بن بلال منقول است که گفت عرض کردم بخدایت حضرت امام رضا علیه السلام که چه بسیار خوش می آید  
مردم را احوال کسیکه طاهای بد مزه و ناگوار میخورند و جامهای گنده بپوشند و اظهار شکستگی  
و خشوع بنمایند فرمود که مگر نمیدانی که حضرت یوسف پیغمبر و پیغمبر زاده بود و قبا بای دیبا و طلا بافت  
بپوشید و در محاسن آل فرعون می نشست و حکم در میان مردم میکرد و مردم را با لباس او کار می  
نمود و از و عدالت در حکم میخواستند امام میباید نه آنچه گوید و هرگاه وعده کند وفا کند و حکم  
بدران کند خدای تعالی حلال کسی حرام نکرده است و اندک و بسیار حرام را حرام کرده است پس خوانند  
این آیه را قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْبَارَ أَنْسَابُهَا مِنْ أَطْوَابِهَا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْبَارَ أَنْسَابُهَا مِنْ أَطْوَابِهَا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْبَارَ أَنْسَابُهَا مِنْ أَطْوَابِهَا قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْبَارَ أَنْسَابُهَا مِنْ أَطْوَابِهَا  
فصل دوم در بیان جامهای که حرام است پوشیدن آنها بد آنکه مردان را جامه حریر محض پوشیدن  
و جامهای طلا بافت پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین و کبسه و چیزهای که عورت را بد آن  
نستوان پوشیده هم از حریر نباشد و باز احوط آنست که از جامه نهند خفایت پوشیده هم حریر نباشد و بهتر

آنست که چیزیکه با بریشیم مخلوط کنند یا پشم یا رسیان یا کتان باشد و اولی آنست که بقدر رده یک  
پاز یا ده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده  
نباشد هر چند که دباغت کرده باشند بنا بر شهر بین الاصحاب پوست حیوانی چند که قابل تذکیر نیست نباشد  
و در نماز باید که پوست و پشم و مو و شاخ و دندان و سایر اجزائی حیوانا تیکه گوشت شلوان حرام است  
نباشد و در سمور و سنجاب و خری که الحال معروفست خلافت و احوط اجتناب است اگر چه احوط در سنجاب  
و خر آنست که نماز در آنها جائز است و بهتر آنست که جامه که در زیر آن جامه های در بالای آنها پوشیده باشند  
نماز نکنند مبادا که موی چسبیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن طلا  
و حریر و کتبت معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین جعلوات علیه  
فرمودند یا علی انگشتری طلا در دست بکن که آن زینت است در بهشت و جامه حریر بپوش که آن پوشش  
قیست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که جامه حریر بپوش که حق تعالی بسبب این بار و قیامت است  
را باقیش و در بخ میسوزاند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است مرد را که اهل  
خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کثیران را اما پسران را نه و در حدیث دیگر وارد شده است که  
آنحضرت فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام فرزندانش و زنان خود را نیز بطلا و نقره زینت میفرمود  
و بایکی نیست و ممکن است که بپوشد و از فرزندانش دختران باشند و احتمال دارد که شامل پسران نابالغ  
هم باشد و احوط اجتناب است فصل سوم در پوشیدن پنبه و کتان و پشم و بهترین جامه جامه است  
که از پنبه بافته باشند و بعد از آن کتان است و جامه پشمینه را همیشه پوشیدن و لباس خود قرار دادن کتان  
دارد اما گاهی برای قناعت یا دفع سرما پوشیدن پنبه است چنانچه بسند معتبر از حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه منقول است که پوشید جامه پنبه که آن پوشش رسول خداست صلی الله علیه و آله  
و پوشش ما ائمه است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله جامه پشمینی پوشیدند مگر از  
برای طاعتی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید پوشید جامه  
پشم و مو مگر از برای عذرخی و در ردایت دیگر از حسین بن کثیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام  
را دیدم که پیراهن کهنه پوشیده و جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده گفت خدا تو شوم مردم را است از  
از پوشیدن جامه پشمینه حضرت فرمود که پدرم می پوشید و حضرت امام زین العابدین علیه السلام

نیز پوشیدند و هرگاه بنام می ایستادند گنده ترین جامه می پوشیدند و این چنین میکنیم و از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود هیچ چیز است که تا مردن ترک نمیکنیم بر روی زمین  
باغیان نیز خوردن و بر الاغ بی محل سوار شدن و نیز را بدست خود دوو شدن و سلام بر اطفال کردن  
و جامه تشمین پوشیدن و وجه حج میان این احادیث آنست که اگر پوشیدن مثال از بی خود قرار دهند  
و بآن محتار شوند از دیگران مذموم است اما اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند  
قصود ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابو ذر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
فرمود که در آخر زمان گروهی بهم رسند که جامه تشمین در تابستان و زمستان بپوشند و گمان کنند که  
ایشان را باین سبب بزرگوارانی فضیلت و زیادتی هست آنجماعت را لعنت کنند ملائکه آسمانها و زمینها  
و از حضرت امیر المومنین صلی الله علیه و آله منقول است که کتان از پوشش پیغمبران است و از حضرت  
صادق علیه السلام منقول است که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت  
علی بن الحسین علیهما السلام جامه خمر را بهتر از هر جامه ای بپوشیدند و در زمستان می پوشیدند و چون  
زمستان میگشت می فروختند و قیمتش را تصدق می نمودند فصل چهارم در بیان رنگهای  
که در جامه سنت است یا کراهت بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن  
سبز و بعد از آن سرخ نیم رنگ و بعد از آن سبز و بعد از آن سبز و بعد از آن سبز و بعد از آن سبز  
جامه سیاه کراهت شدید دارد و در همه حال مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد  
بهتر است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که بپوشید جامه سفید  
که آن کیستون پاکیزه ترین رنگها است و مردمانی خود را در آن کفن کنند و از حضرت امام جعفر صادق  
علیه السلام مرویست که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در اکثر اوقات جامه سفید  
پوشیدند و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را  
در میان قبر و منبر نماز میکردند و جامه زردی برنگ بپوشیده بودند و در حدیث حسن از زرار  
منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام بیرون آمد و عجب خمر زرد و عمامه خمر زرد و در آن  
خمر زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقول است که حکم بن عنبه بن عبد الله بن محمد باقر علیه السلام  
دید که جامه سرخ تیره که بگل کافیش رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که درین جامه



چه میگوی حکم گفت که چه گویم در چیزیکه شالو پوشیده باشد و باشد اما جو اتان شوخ که در میان ما این جامه را پوشیدند  
 اما ایشان را عجب میگویم حضرت فرمود که بزرگوار که حرام کرده است بعد از آن فرمود که بایست  
 این جامه را پوشیده ام که تازه دانای شده ام و در حدیث حسن از حضرت اسام بن حماد  
 جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای اندام  
 و حدیث معتبر از یونس منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام را دیدم که طلیسان کبود  
 پوشیده بودند و از حسن زیادت منقول است که دیدم حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه را که  
 جامه بزرگ گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت امام موسی علیه السلام  
 را دیدم که جامه حدسی پوشیده بودند و از ابی العلاء منقول است که حضرت صادق علیه السلام را دیدم  
 در حال احرام بر رویا میسب پوشیده بودند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل در روز  
 آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد بعد از نماز عصر چون  
 بر آسمان رفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را طلب نمود و  
 فرمود که شوهر خود علی را بطلب پس چون حاضر شد حضرت رسول امیر المومنین علیه السلام را در جانب  
 راست نشاند و دستش را گرفته برداشتن خود گذارشته و حضرت فاطمه صلوات الله علیها را در جانب چپ  
 نشاند و دستش را گرفت و در دامن خود گذارشته پس فرمود که میخواهم شمار اخبار دهم با آنچه جبرئیل  
 مرا بآن خبر داده گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام گفت که در قیامت  
 من در جانب راست عرش خواهم بود و خدا تعالی دو جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ بزرگ گل  
 و تو یا علی در جانب راست من باشی و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض کرد که مردم  
 رنگ سرخ چنین را کرده میدادند حضرت فرمود که چون خدا تعالی حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام  
 را با سالمان بردارد و جامه چنین بر او پوشانند و کتب معتبر از حضرت امیر المومنین منقول است که پوشیده هائیه سیاه که آن  
 پوشش فرعون است و حدیث معتبر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که رنگ و سیاه انداز بکنم فرمود که کنار  
 در آن کن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که کرده است سیاه مگر در سه چیز و در  
 موزه و عمامه و عبا فصل پنجم در بعضی آداب جامه پوشیدن بدانکه جامه های دراز پوشیدن و استتار  
 جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکریر خاک کشیدن مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه رفت بیازار و سه جامه برد  
خود خرید یک اشرفی پیراهن اتانزد یک به بند پا و لنگ تانیمه ساق و دراز از پیش تا پستان و از  
عقب تا پائین حرز کمربست دست با سمان برداشت و پیوسته حمد آئی می نمود و بر این نعمت تا بخانه  
بازگشت و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جامه آنچه از خود پاک پامیکند و در آتش جهنم است  
و از امام سوکاکم علیه السلام منقول است که حق تعالی به پیغمبرش فرمود که ثیاب پاک قطعه ای که ترجمه  
لفظش آنست که جامه ای خود را پس پاک گردان حضرت فرمود که جامه ای آن حضرت پاک بود و لیکن  
مراد آئی آنست که جامه را کوتاه کن که آلوده نشود و در روایت دیگر یعنی بردار که بر زمین نشود و در روایت  
حسن آن حضرت امام محمد باقر منقول است که حضرت رسول شخصی را وصیت فرمود که زینهار پیراهن و از از خود را  
بلند مینماید که این از تکبر است و خدا تکبر را دوست ندارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه چون پیراهن می پوشیدند آستین را میکشیدند آنچه از سر انگشتان میگذاشت میزدند  
و حضرت رسول صلی الله علیه و آله با بوز فرمودند که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد  
حق تعالی از او قیامت نظیر حمت باو نفرماید و اگر مرد و آن نصف ساق است و تا بند پا هم جائز است  
و زیاده در آتش است فصل ششم در پوشیدن لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد  
حرام است مردان را پوشیدن لباسی که مخصوص زنان باشد و مانند لچک و تخته و متقعه و همچنین  
حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و هیچ یک را  
جائز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست زنان را که شبیه مردان شود زیرا که رسول خدا  
صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه زنان شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه مردان شوند  
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که خدی غر و جل و حی فرمود به پیغمبری از غیر ما  
که بگویم زنان که پوشند با جامی دشمنان مرد و خود را طهارت دشمنان مرد و بسک دشمنان من  
سلوک نمایند که ایشان نیز مانند شما دشمنان من خواهند بود فصل هفتم در آداب عتق عمامه  
بستن سنت است و با عمامه تحت انگشت سبته است و یکبار عمامه را از پیش و دیگر بر آستین  
انداختن بر روش سادات مدینه منوره سنت است و شیخ شیهه علیه الرحمه گفته است که عمامه

ایستاده پیچیدن سنت است و از رسول صلی الله علیه و آله منقول است که عمامه تاج عربان است هرگاه  
 که عمامه را بطرف کنند خدا عزت شان را بر طرف میکند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام منقول است که هر که عمامه پیچید بر سر و تحت الحنک نه بندد و باو دردی برسد که دوا نداشته  
 باشد پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم عمامه بستند و یک طرف عمامه را بطرف پیش انداختند و دیگر را بعقب و حضرت جبریل  
 علیه السلام نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که ملائکه در روز بدر  
 عمامهای سفید بر سر داشتند و علاقه با آنها نداشتند بودند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه  
 عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یکسر عمامه را از پیش و دیگر از ختند و طرف دیگر بقدر چهار انگشت  
 کوتاه تر از عقب سر او ختند پس فرمودند بر و رفت فرمودند بیا آمد انگاه فرمودند که چنین است و آن  
 تاجهای ملائکه و در نقه رضوی علیه السلام مذکور است که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان  
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ذِكْرِي وَأَعْلَى شَأْنِي وَأَعَزَّ نِي بِعِزَّتِكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَرَمِكَ  
 بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّحْ بِنِجَاحِ الْكَرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ  
 و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اللَّهُمَّ سَوِّ مَنِي  
 بِسْمَاءِ الْإِيمَانِ وَتَوَجَّحْ بِنِجَاحِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْ نِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا  
 تَخْلَعْ رَابِطَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي وَ گفته است که باید که عمامه را ایستاده بر پیچید و حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله چند قسم کلاه داشتند که بر سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که بر طه  
 میگویند وارد شده است که پوشیدن آنها زنتی یهودانست و علما گفته اند که کرده است و از  
 بعضی احادیث ظاهر میشود که پائین کلاه را شکستن و برگردانیدن مکروه است و از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هرگاه کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار  
 شود و زن که در آن در میان ایشان شائع شود و کلاه ترک دار را بر مانتد قادی و کلاه یکتا  
 و امثال آن باشد فصل هشتم در آداب زیر جامه پوشیدن از حضرت امجد الله صلوات الله علیه  
 منقول است که حق تعالی نوحی فرمود و حضرت ابراهیم علیه السلام که زمین بمن شکایت میکند

از دیدن عورت تو پس میان عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیر جامه تاز او بجل آورد  
و پوشیده و از جامع بر فطری روایت شده است که هر که زیر جامه را ایستاده بپوشد تا سه روز حاشا  
بر آورد و پیشود و در رفقه رضوی مذکور است که زیر جامه را نشسته بپوش و ایستاده بپوش که  
مورث هلاکت و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این عابجوانم **اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي بِرَوْحِكَ**  
**وَلَا تُفْتِكْنِي فِي عَدَصَاتِ الْقِيَمَةِ وَأَعِثْ فَرَجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ**  
**الْإِيمَانِ وَرِثَامَ الْأَخْلَاقِ** از کتاب نجات نقل کرده است که این عابجوانم **اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي**  
**وَأَمِنْ رَوْعَتِي وَأَعِثْ فَرَجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ لَصِيبًا**  
**وَلَا لَهَ إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا فَيَضَعُ مَعَالِيَ الْمَكَائِدِ وَيُهَيِّجَنِي لِإِتِّكَافِكَ أَرْوَاحِي**  
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پیغمبران علیهم السلام پیرایه را پیش از  
زیر جامه بپوشیدند و در روایت دیگر وارد شده است که ایستاده و در بقبله و رو بآدم بپوش  
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که زیر جامه را ایستاده پوشیدن مورث  
اندره است **فصل نهم در آداب جامه نو بریدن و پوشیدن** بسند صحیح از حضرت امام محمد  
باقر علیه السلام منقول است که چون کسی جامه نو بپوشد این عابجوانم **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ**  
**تَوْبَ يَمِينٍ وَتَقَى وَبَرَكَهَةً** **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا**  
**بِطَاعَتِكَ وَأَذِئًا شُكْرِ نِعْمَتِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ**  
**عَوْرَتِي وَاجْعَلْ بِهِ فِي النَّاسِ وَبَسْمَةً** معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم می نمود که در وقت پوشیدن  
جامه نو بخواند **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللَّبَاسِ مَا أَجْعَلُ بِهِ فِي النَّاسِ**  
**اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نَبَاتَ بَرَكَهَةٍ أَسْعَى فِيهَا لِمَا ضَانِكَ وَأَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ**  
پس فرمود که یا علی هر که این دعا بخواند چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر  
از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که سزاوار است که کسی که جامه نو بپوشد  
بر آن بگوید **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاجْعَلْ بِهِ**  
**فِي النَّاسِ وَاتَّقِينَ بِهِ بَيْنَهُمْ** و از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقول است

هر که آبی در ظرف نوبکند و سی و دو مرتبه سوره انا انزلناه بر آن بخواند و بر جامه نوباشد و در هنگام پیشانی  
 پیوسته و فراخی روزی باشد تا تاری ازان جامه باقی باشد و در حدیث دیگر از حضرت مرویست  
 که چون جامه نوبوشی بگو **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی رَسُوْلِكَ** تا از آفتاب نجات یابی و پذیرا که دوست  
 بسیار او را یاد مکن که آنرا در هر پیشکشند و چون یکسوی کاری داشته باشی در غایت آن او را ششام مده  
 که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقول است که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام چون جامه  
 میپوشیدند جامه را در جانب راست میگذشتند و چون رخت نوبوشیدند قدح آبی میطلبیدند  
 و سوره قل هو الله احد و آیه الکرسی و قل یا ایها الکافرون هر یک را ده نوبت در آن ظرف میخواندند  
 و آب آنرا بر جامه میپاشیدند و میفرمودند که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد و اما یکبار  
 ازان جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که چون خدای  
 تعالی جامه نوبکسی عطا فرماید و پوشد باید که وضو بسیار و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره  
 حمد و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلۃ القدر بخواند پس حمد کند خداوندی که عزت  
 او را پوشانید و در میان مردم او را فروین ساخته و بسیار بگوید **اَلْحَوْلُ وَ الْقُوَّةُ لِلّٰهِ الْبَاطِنِ**  
**الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند بعد و بهر تاری که در آن جامه  
 است ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بدو ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که هر که جامه نوبرد و آنرا در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند و  
 هر گاه که بآیه تنزل الملائکة برسد اندکی از آب نرم بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا  
 کند و بگوید **اَللّٰهُمَّ الَّذِيْ كَانَ فِيْهِ مَا اَجْمَلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ اَوْكِرِيْ بِهِ عَوْرِيْ** پس  
**وَ اَصْلَحْ فَيَكُنْ لِيْ رَاقِيْ** و خدا را شکر کند پیوسته و در فراخی نعمت باشد تا آنکه جامه کهنه شود فصل  
 و هم در سار آداب جامه پوشیدن و کندن آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است  
 که منی فرمود از عریان شدن در شب و روز و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول  
 است که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی او نظر میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت  
 ورا آورد و فرمود که نه او را نیست مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند و در فتنه در میان جماعت  
 نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را از بدن بیرون آورد بدین اسم بگوید تا جنبان نباشد

و اگر نگویید جفیان آن جامه را میپوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول  
 است که من را در نیست زن مسلمان را که رو پاک و پیراهنی بپوشد که تنها باشد و از حضرت  
 امام محمد باقر علیه السلام منقول است که عرض موقت حضرت فاطمه صلوات الله علیها آنقدر  
 بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان را باید که چنین کنند از حضرت صادق  
 علیه السلام بسند معتبر منقول است که ادناسی اسراف آنست که جامه اندرون و بیرون  
 یکی باشد و در حدیث دیگر منقول است که اسحق بن عمار از آن حضرت پرسید که میتوان بود  
 که مومن ده پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی این اسراف نیست  
 اسراف آنست که جامه که باید برای زینت لگا داشت بوض جامه که در وقت دیگر پوشند پوشی  
 و در روایت دیگر از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کردند که کسیکه ده پیراهن داشته باشد  
 اسراف است فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه اسراف آنست که جامه  
 لگا داشتی را در جامه های کثیف باشد پوشی و از حضرت باقر منقول است که گوناگاه کردن  
 جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند و فرمودند که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند  
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که شستن جامه آمده و غم را بر طرف میکند  
 و موجب قبول نماز میگردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که جامه پوشد باید که پاکیزه  
 باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شش چیز است که از  
 اخلاق قوم لوط است کمان کلوله انداختن و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و فندان خانه  
 در راهها و جامه بر زمین کشیدن از روی تکبر نه برای قبا و پیراهن را کشودن و بسند معتبر منقول است  
 که شخصی بخد مت حضرت صادق علیه السلام آمد و دید که گریبان جامه را پنبه کرده اند آن شخص  
 متعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین نظر میکنی گفت که این پنبه جامه تعجب میکنم که ای در پیش  
 حضرت گذاشته بود فرمود که بخوان را بخوان نوشته بود که ایمان ندارد کسی که جامه ندارد و مال نیست کسی که همیشه  
 خود را باندازه میکند جامه نویست کسی که جامه نداشته ندارد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که پنبه  
 پنبه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آن کسی که بران نمیپند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که  
 گریبان جامه را پنبه زند و کفش را پنبه زند و چیزی بیکه بر آخانه خود خرد و خرد و در دو بخانه بر آزارد و بیکه



گرد فصل یازدهم در رنگ نعلین و موزه و کفش و چگونگی آسنا بهترین رنگها در نعل و کفش  
 رنگ زرد است و بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در  
 سفر سرخ خوب است و در حضر که است دایود در نعل سنت است که پیش و عقبش بلند  
 باشد و میانش تنی باشد و همه اش بزین نخسپید و غیر این مکره است و ظاهر کفش نیز  
 این حکم داشته باشد که کفش سریانی مکره است و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله  
 علیه منقول است که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلا نگاه میدارد و معین است بر تمامی  
 نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خوابد و عمرش دراز شود چاشت بامداد بخورد و کفش نیکو  
 بپوشد و در او بالا پوش را سبک کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق علیه السلام  
 فرمود که اول کسیکه نعلین پوشید حضرت ابراهیم علیه السلام بود و در حدیث معتبر از آنحضرت  
 منقول است که نعلین هموار پوشیدن که همه اش بزین برسد پوششش بیودانست و بر قدمت  
 این قسم نعلین احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث معتبره وارد شده است  
 که نعل سیاه مپوشش که چشم را ضعیف میکند و ذکر راست میکند و مور  
 اندوه و غم است و بر تو باد نعل زرد که چشم را بلامیدهد و ذکر راست میکند و غم را بر طرف میکند  
 که پوشش پیغمبران است و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل سیاه موجب خیلا  
 و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران محشور شود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول  
 است که هر که نعل زرد را بپوشد تا آنرا پوشیده باشد و سر و شادی باشد زیرا که حق تعالی در  
 وصف بقره بنی اسرائیل میفرماید که صَغْرَاءُ فَاقْعُ كَوْنُهَا نَسْرًا النَّاطِرِينَ یعنی زرد و بسیار  
 زرد و یک شاد گردانند نظر کنندگان را و بسند معتبر از سید صراف منقول است که بخدمت حضرت  
 امام جعفر علیه السلام رفتم و نعل سفید پوشیده بودم فرمود که ایادانسته این نعل را پوشید پس  
 فرمود که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد و نعل نگیرد آنرا بکسب کند مالی را از جائے  
 که گمان ندایسته باشد را وی گوید که سدید مرا خبر داد که هنوز آن نعل کنه نشده بود که صد  
 اشرفی از جائے بیستم آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که نعل زرد  
 یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد هیچیک را نیابد و در

حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در  
 روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سمل و از مرگ بد و او در قی  
 روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در سفر که موزه سرخ پوشیده بودند بزرگوار  
 که این موزه سرخ چیست فرمود که این را برای سفر گرفته ام و از برای گل و باران خوب است اما در  
 حضرت هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست فصل دوم از دهم در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش پسند با  
 معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون نعل پوشی ابتدا پای  
 راست بکن و در وقت کندن ابتدا پای چپ کن و فرمودند که هر که با یکپای کفش براه رود یعنی یک  
 پا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان بر او دست یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر منقول  
 است که گفت در خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام برای میرفتم بند نعل آنحضرت گسیخت من بند  
 دیگر از بستن خود برد آوردم و نعل را با صلاح آوردن حضرت دست برداشتن من انداخته بودند پس  
 فرمود که هر که مومنی را بر دارد برای اصلاح نعل او چون دق یا است از قبر بیرون آید حق تعالی او را  
 بر ناله گرم روی سوار کند تا در بهشت را که بدو از یعقوب سراج منقول است که برای در خدمت  
 آنحضرت میرفتم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت پای برهنه روانه شدند عبد الله بن یعقوب بند نعل  
 خود را کشود و بنزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب صحبت اولی تراست که بران صبر  
 نماید و عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده است که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتم چون  
 داخل شدم نعل از پای بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را از پای بیرون کنید که کندن نعل راحت و قدم  
 است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله منی فرمود از راه رفتن با یکپای نعل  
 و از ایستاده پوشیدن نعل و در میست که گرا هست ایستاده پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندانش  
 را باید بست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که دیوانه  
 شود غافل کردن در میان قبرا و با یک موزه راه رفتن و در خانه خوابیدن و از حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام منقول است که مداومت نمودن بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و دود  
 فقه الرضا علیه السلام مذکور است که چون خواهی موزه و کفش پوشی ابتدا پای راست بکن و دیگر  
 بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ وَحَسْبُكَ



فَالْذُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَتِلْكَ أَعْيُنُ عَلَى الْإِيمَانِ وَلَا تُزَكِّرُهُمَا يُؤْمَرُ أَنْ يَكُونَ الْكَافِرُ  
وَقَدْ مَنَ جَمِيعُ الْأَفْئَاتِ لَهَا طَبَاتٍ وَمَنْ أَكَاذِبِي وَجُونِ كَبْنِي بَكُو الْكَافِرُ فَزَجَّ عَنَّا  
كُلَّ غَمٍّ وَهَجٍّ وَلَا تَنْزَحُ عَنِّي حُلَّةُ الْإِيمَانِ وَدَرَكَا مِ الْأَخْلَاقِ مِنْ كِتَابِ نَجَاتٍ نَقَلَ نُوُودُ  
كَه مَوْزَه وَنَعْلُ الشَّصْتِ بِهوشِ دُرُوقَتِ بِهوشِ بَكُو لِسُحْرِ اللَّهِ الْكَافِرُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَوَلَّحْنِي قَدْ مَنَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتِلْكَ أَعْيُنُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَالُ فِيهِ الْأَفْئَاتُ  
وَدُرُوقَتِ كَنْدَنِ الْيَتَادَه بَكُو لِسُحْرِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَقْنِي بِهِ قَدْ مَنَ  
مَنْ أَكَاذِبِي الْكَافِرُ تِلْكَ أَعْيُنُ عَلَى الصِّرَاطِ وَلَا تُزَكِّرُهُمَا عَنَّا صِرَاطُكَ السُّوُودِ  
باب دوم در آداب حلی و زینت پوشیدن مردان و زنان و سر کشیدن و در آئینه نظر کردن  
و خضاب کردن فصل اول در فضیلت انگشتری بست کردن و آداب آن سنت موكده است  
مردان را و زنان را انگشتر در دست راست کردن در بعضی از احادیث تجویز فرمودند که دو دست چپ  
بکنند اما اگر نقش شیخی یا گلین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجای بیرون آورد و در حدیث صحیح از  
حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که اگر خواهی انگشتر را بر دست راست کن و اگر خواهی بر دست  
چپ و بکنند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت  
رسول الله صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر در دست راست  
بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدامند مقربان فرمودند که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل  
که چه انگشتر در دست کنم فرمود که عقیق سرخ بدرستی که آن اقرار کردی برای خدا بیگانه ای و برای  
من به پیغمبری و برای تو یا علی بآنکه وصی منی و برای فرزندان تو بااست و برای دوستان تو بهشت  
و برای شیعیان فرزندان تو بهشت الفردوس و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام موسی  
علیه السلام سوال کردند که بچه حلت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله انگشتر در دست راست  
میکردند فرمودند زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب است که در قیامت نامه های شان را بر دست  
راست میدهند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله در دست راست میکردند انگشتر را و این علامت است

برای شیعیان که باین علامت ایشان را بشناسند و بجا نطق کردن بروقت فطرت ناز  
 پنجگانه و بدادن زکوة و بقبولت کردن مال خود را بابرادران بوسن خود و بامریکینا کردن و بپوشیدن  
 لباس بدیها کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت جبرئیل علیه السلام  
 بحضرت رسول صلی الله علیه و آله گفت که هر که انگشتر را در دست راست کند و غرضش بیعت  
 سنت تو باشد و به پیغمبر او را در قیامت که تحیر مانده است دستش را بگیرم و چون امیر المومنین علیه السلام  
 برسانم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از سنت پیغمبر این است انگشتر  
 در دست راست کردن و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که انگشتری  
 در دست چپ داشته باشد که نام خدا در او باشد باید که در وقت استنجاء نذر آورد  
 و در دست دیگر کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله منی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادت و انگشت میان و از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که انگشتر را به بند پائین انگشت برسانید و در روایتی وارد  
 شده است که انگشتر را بر انگشتان کردن عمل قوم لوط است و در نفع الرضا علیه السلام  
 مذکور است که در وقت انگشتر در دست کردن بگو **اَللّٰهُمَّ مَنِّیْ بِسْمِیْکَ اِلَیْکَ اِيْحَابُکَ اَخْلَفُ**  
**لِیْ غَدْرٍ وَّ اَجْعَلْ عَاقِبَتِیْ اِلَیْ الْخَیْرِ اِنَّکَ الْعَزِیْزُ الْکَرِیْمُ** و این طائوس همه  
 روایت کرده است که این را بخواند **اَللّٰهُمَّ سَوِّ مَنِّیْ بِسْمِیْکَ اِلَیْکَ اِيْحَابُکَ** و تو جانی بیاورد  
**اَلْکَرَامَةُ وَ قَلِّدْ لِّیْ حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِيْحَابِ مِنْ عُنُقِیْ**  
**فصل دوم در بیان آنچه انگشتر از آن سازند سنت است که انگشتر از نقره باشد**  
 و مردان را انگشتر طلا در دست کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان را  
 و زنان را مکروه است چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه السلام بسند معتبر که  
 رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست کن  
 که آن زینت نیست و آخرت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که  
 انگشتر غیر نقره در دست نکنید بجز سبکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که پاک نیست

دستیکه در آن انگشته این باشد و در حدیث دیگر فرمود که پاک کننده خدا هستی را که در آن انگشته این است  
 باشد و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که نماز کن مائة و  
 انگشته این سخن فرمود از انگشته برنج در دست کردن و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که انگشته حضرت رسول صلی الله علیه و آله از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش نموده بودند  
 رسول الله فصل سوم در فضیلت عقیق منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله  
 چهار انگشته در دست میکرد و انگشته با قوت برای شرافت و زینتش و پیروزه برای نصرت و یاریش  
 و حدید چینی برای قوت و عقیق برای حرز دفع دشمنان و دلباها و در حدیث صحیح از معمر بن یحیی  
 بن موسی الرضا علیه السلام مرویست که عقیق نقره درویشی را به او بخشید و او دست کردن  
 عقیق را با آنکه این که در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقول است که هر که در ده انگشته با آن  
 بهره او تمامت بیرون می آید و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است  
 که انگشته عقیق در انگشت کند که مبارک است و هر که انگشته عقیق در دست داشته باشد آید  
 که عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از بریه الرای منقول است که در دست حضرت امام زین العابدین  
 علیه السلام انگشته عقیق دیدم پرسیدم که اینچه نگین است فرمود که عقیق روم است و حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که انگشته عقیق در دست داشته باشد حاجتش برآورده است  
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که انگشته عقیق موجب آئینی است در سفر و آئین  
 دیگر از آن حضرت منقول است که هر که انگشته بگوید و نگینش عقیق باشد پیرش آن نشود و ناوقت کارش  
 البته نیکی باشد و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که عالم آدمی شخصی فرستاده بود بسبب جزیه  
 حضرت صادق علیه السلام فرمود که انگشته عقیقی با او برساند چنان کردند و او همی با و نرسید و در  
 حدیث دیگر منقول است که شخصی بنزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و شکایت کرد که در  
 در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت فرمود که چرا انگشته عقیق در دست نداشتی که آن از هر  
 نگاه میخارده می راند و بکند معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که انگشته عقیق در دست کند  
 که مادامکه آدمی آن انگشته را با خود دارد و اندوختنی با و نرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشته  
 عقیق در دست کند که آن دل گواهی است که اقرار کرده است برای خدا بیگانه گلی داد برای خیمه

به پیغمبری و از برای تو یا علی با ما است و در حدیث معتبر منقول است از بشیر دغان که عرض کردم که  
کدام یک از گنبدان را بر انگشته خود بنشانم فرمود که چراغانی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید  
که اینها سه کوهند در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرف است بر خانه حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله اما کوه عقیق زرد پس مشرف است بر خانه حضرت فاطمه صلوات الله علیها اما کوه عقیق سفید پس  
مشرف است بر خانه امیر المومنین علیه السلام و هم یک خانه است و از زیر هر کوهی نهری جاریست  
از برف سرد تر و عسل شیرین تر و از شیر سفید تر و نخل در آن نهر با کمال محمد و شیعیان ایشان و هر  
سه نهر از کوهی آید و بیکجا میریزد و این سه کوه تسبیح و تفسیر و توحید الهی میکنند و از برای حجاب  
آل محمد طلب آمرزش میکنند پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته  
باشد نین گم خیر و نیکی و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و آفات یابد از شتر باد شاه ظالم و از  
هر چه آدمی از آن میترسد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی را بر ابر حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
گذرانیدند که تازیانه بسیار بزور بودند حضرت فرمود که انگشته عقیق او کجاست اگر با او میبود تا دیان  
آن میخورد و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستی مبهوی آسمان را  
بانه نیشود که نزد دوست تردد از آن گذرد آن انگشته عقیق بوده باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام حسین  
صلوات الله علیه منقول است که چون حضرت موسی علیه السلام بر کوه طور با حق سبحانه تعالی  
مناجات کرد نهرین نظر کرد حق تعالی از نور روی او عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خورم بذات  
مقدس خود که ندانم با تش جنم دستی را که انگشته عقیق در آن باشد اگر اعتقاد ولایت علی  
بن ابیطالب علیه السلام داشته باشد و در حدیث دیگر منقول است که جبرئیل علیه السلام تازیانه  
شد بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا محمد پروردگار سلام میرساند و میگوید که انگشته را  
به دست راست بکن و گینش را از عقیق بکن و بگو یعنی بن ابیطالب پس عمت که انگشته در دست  
راست بکند و گینش را عقیق بکند حضرت امیر المومنین علیه السلام پرسید که یا رسول الله عقیقه  
کدام است فرمود که کوهی است در بین که برای خدا اقرار کرده است بیگانگی و برای من به پیغمبری  
و برای تو و اولاد تو با ما و بر شیعیان تو به بهشت و برای دشمنان تو به جهنم و از حضرت امیر المومنین  
علیه السلام منقول است که نماز کسیکه انگشته عقیق در دست داشته باشد بر نماز حاکم عقیقه غیر

عقیق در دست داشته باشند بچل درجه زیاد دارد و سلیمان اعظم وایت کند که در خدمت حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام بودم در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون آوردند که تازیانه خورده بود  
 حضرت فرمود که ای سلیمان بر بین که انگشترش چه نگین دارد گفتم یابن رسول الله عقیق نیست  
 فرمود که ای سلیمان اگر عقیق بود تازیانه نمیخورد گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ای  
 سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان امان می  
 بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود که ای سلیمان خدای غر و جبل دوست میدارد که بلند کند بدعا  
 بسوی او دوستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از دستیکه در آن نگین  
 عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاهدارند  
 آدمی است از هر بلایی گفتم یابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که این سبک انداز فقر گفتم یابن رسول  
 الله وایت بکنم این حدیث را از جده حسین بن علی از پدرش امیر المومنین صلوات الله علیهما فرمود  
 بلی و در روایت دیگر بقول است که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار  
 رکعت که بی آن باشد فصل چهارم در فضیلت یا قوت و زبرد و زمره در حدیث معتبر  
 از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقول است که انگشتر یا قوت در دست کنید  
 که پریشانی رازا نزل میکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که سنت است  
 انگشتر یا قوت در دست داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقول است که انگشتر  
 زمره در دست که دن موجب آسائیس است که در آن هیچ دشواری نباشد و در حدیث دیگر از  
 حضرت امام رضا علیه السلام بهین لفظ وارد شده است اما بلفظ زبرد و فرمود که انگشتر زمره در  
 دست داشتن فقر را بتو نگر می بدهد و فرمود که هر که انگشتر یا قوت زمره در دست کند  
 فقیر نشود فصل پنجم در فضیلت فیروزه و جبرع یمانی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که هر که انگشتر فیروزه در دست کند دشمنش فقیه نشود و آخر حسن بن علی  
 بن هران منقول است که بخد مت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم در انگشتر  
 آنحضرت انگشتری دیدم که گینش فیروزه و نقشش الله الملائک بود من آنرا بپوشیدم  
 در آن انگشتر فرمود که چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المومنین علیه السلام انگشتر فیروزه داشت

است که نقش الله الملک بود فرمود که از اشیای شناسی گنیم نه فرمود که همان انگشتر است و این سنگی است  
که جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آورده است از بهشت و آنحضرت بجزئی  
امیر المومنین علیه السلام داد تا بارسید و آنحضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که انگشتر جرج یانی  
در دست کنید که رویکنه مکر ستر و آن شیاطین را و از حضرت امام رضا منقول است که حضرت امیر المومنین  
علیه السلام فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون آمدند و انگشتر جرج یانی در دست  
کرده بودند و با نماز کردند چون از نماز فارغ شدند انگشتر را بمن دادند و فرمودند که این انگشتر را در دست  
راست خود کن و بآن نماز کن که نماز و جرج یانی برابر افتاد نماز است و هیچ دستغباری گوید و ثوابش  
برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد قمی گفت که در خبر جعفر بن محمد اخو ششم و او را بسیار دوست  
میداشتم و از فرزندانش بوجود دنیا در ختم بخد مت حضرت امام علی نقی علیه السلام و این طلب عیسی  
نمودم پس حضرت قسم کرد و فرمود که بگیر انگشتری که نگینش فیروزه باشد و بر آن نقش کن این آیه را در دست  
لا تلهی عن ذکر الله و انک خیر الوالدین چنان کردم یکسال که نشست که از آن زن پسری بوجود آمد  
و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خداوند عالمان میفرماید که هر ششیم میکنم  
از دستیک بسوی من میآید و در آن دست انگشتر فیروزه باشد پس آنرا امید برگردانم فصل ششم  
در فضیلت و نجف و بلور و حمیدینی و سایر نگینهاست معتبر از مفضل بن عمر منقول است که گفت روزی  
بخد حضرت صادق علیه السلام رفتم و انگشتر و نجف در دست داشتم فرمود که ای مفضل این نگین  
بسیار گاه دیدهایم مردان بنوعی و فرزندان بنوعی یا دور کرده اند و در دست از دیدن ایشان و من  
دوست میدارم برای هر نموس که هیچ انگشتر در دست نداشته باشد با تو و آن فاجر ترین است و متوهم  
و آن خالص تر است برای خدا و برای بالبلبیت و فیروزه آن چشم را قوت میدهد و وسینه انگشاش  
میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون پی کاری رود آنرا در دست کن پس چون برگردد و حسابش  
بر آورد شده باشد و حمیدینی و آنرا دوست میدارم که همیشه در دست داشته باشد ولیکن نگینها  
موردت کردن آن را دوست میدارم که برین کسی رود که از فرسودگی از اهل شبه بلندی آنکه شر او ساکن شود  
و حمیدینی شیاطین را دور میکند این سبب دوست میدارم که داشته باشد و پنجم آن نجف شرف است  
خدا تعالی ظاهر میسازد و بستیکم هر که آنرا در دست کند بهر نظر کردنی آن خدا تعالی زیارت صحیح است



در نامه عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خوار رحم میکرد شیعیان ما هرگز همتی  
 از ان نفیست بسیار رسید و لیکن چند ارزان کرده است برانی ایشان که تو اگر ان همتی را ان ایشان  
 تواند در دست کرد و الوطام هر سگ و پیر این حدیث را حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام عرض کرد دم فرمود  
 که این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است گفتیم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود  
 بلی برای فضیلت عبادی که در ان وارد شده است بهشتیکه پدرم خبر داد مرا که اول کسیکه انکثر عقیق سرخ در دست  
 کرد حضرت آدم علیه السلام بود و بعد از او نوح علیه السلام و بعد از او عیسی علیه السلام و بعد از او ابراهیم علیه السلام و بعد از او  
 صفوی من خلقی اَبَدًا لَنَا بِالْخِيَالِ عَلَى وَجْهِ كَرَامَةٍ تا آخر نامهای پنجگانه آل عباس چون حضرت آدم  
 از آن رخت نبوده و ساول نمود بر زمین میروست شد بسوی خدا این نامهای مبارک و بیکرست این نامها خدا  
 تو پیش را قبول نمود پس حضرت آدم انکثری از نقره ساخت و نگینش از عقیق سرخ کرد و این نامهای  
 پنجگانه را بر نقش کرد و ان انکثر را در دست راست خود کرد و پس این سستی شد که بر هیزگاران از فرزندان  
 هاست او عمل نمود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نیکو نگینی است مبرور و آن  
 حسین بن عبداللّه مرویت که سوال کرد از حضرت امام علی نقی صلوات الله و سلامه علیه و آله که آیا  
 خوب است انکثر کردن سگ ریزه که از جایه زعفران بیرون آورند فرمود بلی اما چون خواهد که استنجاء کند  
 از دست بیرون آرد یعنی اگر مرد دست چپ باشد فصل من هفتم بیان آنچه سزاوار است که در نگین نقش  
 کنند حسین بن خالد بن محمدت حضرت امام رضا علیه السلام و انکثر عقیق سرخ کرد که جائز است شخصی  
 استنجاء کند و در دستش انکثر بکشد که نقش نگینش لا اله الا الله باشد حضرت فرمود خوب است و نام این را  
 از برای او گفت بگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بدان شما انکثر استنجاء میکرد و فرمود بلی  
 و لیکن ایشان انکثر را در دست راست میکرد و اند پس از خدا ترسید و فقر را ایشان نه بندید پس فرمود  
 که نقش نگین حضرت آدم علیه السلام لا اله الا الله و محمد رسول الله بود و با خود از بهشت آورده بود و  
 حضرت نوح علیه السلام چون کشتی سوار شد حق تعالی با او وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن  
 ترسی نترس زیرا که من تو را و منار از غرق نجات دهم پس چون کشتی برافقار باد تند  
 و دایه و حضرت نوح از غرق شدن ترسید و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بگوید زبان  
 سرای گفت هو لبنا الف الف یا ما یا القن پس طوفان بند شد کشتی برافقار پس حضرت نوح فرمود

نخعی که ظاهر آن نجات بخشید سزاوارست که همیشه با من باشد و انگشت خود را بر صدر ایمنی نقش کرد  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَآلِهِمْ وَارْحَمَهُمْ  
که در آتش اعزاز حضرت جبرئیل غفر له آن حضرت علی با و وحی کرد که چه چیز باعث غضب تو گردیده است  
گفت پروردگار اخیل نیست و در یوقت هیچکس نیست که از اینکار می پرستد بغیر از دشمن خود و دشمن  
او را بر و سلاطین گردانیدی پس خداوند عالم با و وحی فرستاد که ساکت باش که کسی تعجب را بر تو نمیکند که  
چون تو بنده عاجزی باشی که نرسد از دستش بر و رو پس آن بنده من است هرگاه خواهیم او را ببسم  
چین جبرئیل خاطرش مطمئن شد و بجانب بریم علیه السلام گفت شد و گفت ایاز احاجتی و کاری  
است در یوقت فرمود است اما بنده پس تعالی انگشت ایمنی او فرستاد که در آن شش حرف نقش شده  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَآلِهِمْ وَارْحَمَهُمْ  
حتی الله پس خدا وحی نمود که این انگشت را در دست کن که آتش را بر تو سر و وسایلت میگردانم  
و نقش گنین حضرت موسی علیه السلام در حرف بود که از توریت بیرون آورده بود و اصبی و تبحر  
اصداق تیغ یعنی صبر کن امر و یابی راست گو تا نجات یابی و نقش گنین حضرت سلیمان این بود  
سُبْحَانَكَ مِنَ الْجَمْعِ الْخَيْرِ نِكَاحًا و نقش گنین حضرت عیسی علیه السلام این دو حرف بود که جبرئیل  
بر آورده بود طوبی اعبده کی انعم الله علیه و قیل اعبده شی الله من اجله یعنی خوشحال خدای  
که خدایا کرده شود بسبب او وای بر بنده که خدا فراموش شود از خاطر بسبب او و نقش گنین حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم این بود لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ و نقش گنین حضرت امام  
حسن علیه السلام اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و نقش گنین حضرت امام حسین علیه السلام اِنَّ اللَّهَ بِالْحَقِّ اَمْرًا  
بود و حضرت علی ابن حسین انگشتی پدیدار نمود در دست میگرداند و حضرت امام با و علیه السلام  
نیز انگشت حضرت امام حسین علیه السلام را در دست میگرداند و نقش گنین حضرت امام جعفر صادق  
علیه السلام اَللَّهُ وَلِيُّيْ وَاعْصِمْنِي مِنْ خَلْقِهِ بود و نقش گنین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام  
حَسْبِيَ اللَّهُ بود و حضرت امام رضا علیه السلام دست دراز کردند و نمودند انگشتی پدیدار که در دست  
داشتند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که نقش گنین حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم مُحَمَّدٌ رَسُوْلُهُ بود و نقش گنین حضرت امیر المومنین علیه السلام اَللَّهُ



الملك بود نقش نگین حضرت امام محمد باقر علیه السلام الله بود و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت  
 رسیدند که آیا که است دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نمی نقش کند حضرت فرمود که نقش  
 اکثر من الله خالق کل شیء است و نقش نگین اکثر پیغمبر الهی بود و اکثر حضرت امام زین العابدین  
 علیه السلام أخذ الله الخی بود و نقش اکثر امام حسن و امام حسین علیهما السلام حبشی الله بود و نقش نگین  
 امیر المومنین علیه السلام الله الملك بود و در روایت معتبر و دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام این کلمات بود الله انت نبی صلی الله علیه و آله و در حدیث صحیح و دیگر از حضرت  
 امام رضا علیه التحية و شاست منقول است که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق علیه السلام انت نبی  
 فأخضعني التلوی بود و نقش نگین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حبشی الله بود و در زیرش شکل کلی بود  
 و در بالاش طایفه نقش کرده بود و در حدیث صحیح و دیگر منقول است که نقش نگین حضرت امام رضا  
 علیه السلام ثناء الله لا اله الا الله بود و در حدیث معتبر و دیگر از حضرت امام رضا منقول است که نقش  
 نگین حضرت امام زین العابدین علیه السلام این بود خدیجی فاعل حسین بن علی و عبد الله بن  
 میگوید که حضرت صادق علیه السلام اکثری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بمن نمود نگین  
 سیاهی داشت و در وسط نوشته بود محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و در حدیث معتبر منقول است که  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از حیوانات بر اکثر نقش کنند  
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نقش مرد را در سبزه استخوان می توان کرد و در دراز  
 ریش و نقش اکثر و بیشتر و در حدیث دیگر منقول است فرمود هر که نقش کند بر اکثرش ثناء الله لا اله الا الله  
 استغفر الله این شود از فقر شدید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که نقش نگین حضرت  
 امام محمد باقر علیه السلام این بود که طایفه بالله حسن و بالتی المؤمنین و بالوصی فی المن و  
 بالحسن و الحسین و در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که اکثر حضرت  
 امیر المومنین علیه السلام از نقره بود و نقش نگینش نعم الصادق الله بود و در بعضی مقامات و احوال است  
 که نقش نگین حضرت امیر المومنین علیه السلام الملك الله بود و در روایات دیگر اکثری داشتند  
 از عهد پیشین سفید و صاف و این کلمات را بر آن نقش فرموده بودند و هفت سطره و جنگها داشته با  
 در دست میکردند و کلمات است اعد ذل لکل مؤمن لا اله الا الله و لکل کذب لا حق

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَكُلِّ مِثْلِهِ بَارِئٌ بِمَنْ لَدُنَّهِ وَكُلِّ حَسْبُ كَيْفٍ لَا اسْتَعِينُ إِلَّا  
 بِكُلِّ شَيْءٍ مَعَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ نَفْسٍ مَقْدَرٌ مِمَّا عَمِلَتْ وَفِي الْحَدِيثِ مَا لَيْلِي مِنْ لَيْلِكَ  
 مِنْ نَفْسٍ إِلَّا وَفِيْنِ اللَّهِ وَارْحَمْتَ سَامِعِيلَ بْنَ يَرْبُوعَ يَقُولُ سَمِعْتُكَ أَنْتَ حَضَرْتَ إِمَامَ هَرَجِ  
 عَلَيْهِ السَّلَامُ تَمَاشَى زَنْقَهُ جُودِ وَرَأَى أَيْتَشِسَ لَوْ دَعَا فَعَقِي قَفِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَارْحَمْتَ إِمَامَ  
 مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ أَسْتُ كَرْدُ الْكُشْرِ خُودَايَ أَنْزَلَ فِي نَفْسِي كَنْزَ زَبَدِ خُودِ وَفِي طَبَقِ  
 عَلَيْهِ الرَّحْمَةِ بِرَوَايَةِ قَاسِمِ بْنِ عَلِيٍّ رَوَيْتُ كَرْدَهُ إِذَا صَافَى خَادِمَ حَضَرْتَ إِمَامَ عَلِيِّ نَفْسِي صَلَوَاتُ اللَّهِ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرَضَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَفْخَرِ كَبَرِيَّاتِ جَدِّشَ إِمَامَ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرْدُ مَوْجِ دِيَاكِهَ بَاخُودِ  
 الْكُشْرِ يَشْتَبِهَ بِشَيْءٍ كَرَمِيَّتِهِ عَقِيْقَ زُرْدِ بَاشُو نَفْسِ كَلْبِيْنَ مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَقْوَلَا إِلَّا بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ  
 بَاشُو بِرُوحِي وَبِغَرِ كَلْبِيْنَ فَكُلُّوْهُ عَلَى نَفْسِ كَرْدِهِ بَاشُو جَوْنِ إِيْنِ الْكُشْرِ رَا بَاخُودِ شَبْتِ بَاشِي اَمَانِ يَا بِي اَبَشْتِ  
 رَاهِ زَنَانِ وَبِرَاسِي سَلَاةِي تُوْنَا مَرْتِ اسْتُ وَدِيْنِ تَرَا حَفْظَ كُنْفَتِهِ تَرَا سَتِ خَادِمِ كُوِيْدِ بِرُونِ بَادِمِ وَالْكَشْرِ  
 كَرَضَتْ فَرْمُوْهُ دِهْمِ سَايْنِدِمِ دِهْمِ شَتْمِ كَرْدِ وَدَاعِ كَرْمِ چُونِ وَدَاعِ كَرْدِمِ وَدُوْرُ شَدِمِ فَرْمُوْدَكِ مَرَا بِرُ كَرْدِنْدِ  
 چُونِ شَتْمِ فَرْمُوْدَايِ صَافِي كَرْمِ لَتَبِيْكَ اَبِي خَافِي مِنْ فَرْمُوْدَايَكِ الْكُشْرِ فَرْمُوْهُمِ بَاخُودَايِ كَرْمِيْنَ  
 طُوسِ وَفِيْشَا پُوْشِيْرِي رُوْخَاوَدِ تُوْوَ قَاظِلِدِ رَا سَحْ خَوَاوَدِ كَرْدِ وَزَرَقِنِ وَتُوْشِيْشِ بِرُوْدَايِيْنِ شَتْرِ اَبَشْتِ رَا  
 وَكُو كَرْمُوْلَايِيْ مِنْ سِيْگُوِيْدِ كَرْدِ وَشُوْزَرَاوِ بَايَكِ بِرِيْكَ طَرَفِ كَلْبِيْشِ بِرُوْدِ وَهُوَ اللَّهُ الْمَلِكُ نَفْسِ كَلْبِيْ وَبَرُوْشِ  
 وَبِغَرِ الْمَلِكِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ زِيْرَا كَرْمِشَ الْكُشْرِ حَضَرْتَ اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُ الْمَلِكُ بُوْدِ  
 چُونِ خَلَاْفَ بَا حَضَرْتَ بِرُكْشَتِ الْمَلِكِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ نَفْسِ كَرْدِ كَلْبِيْشِ فَرْمُوْدِ بُوْدِ وَچُونِ  
 چِيْنِيْنِ كَلْبِيْ اَمَانِ مَحْمُودِ اَزْ جَوَانِمَاتِ دَرَنْدِ وَبَاعَثَ طَهْرَ وَغَلْبَهُ مِشُوْدِ وَرَجُلُهَا خَادِمِ كَرْمِ بَقَمِ بَقَمِ  
 وَبَعْدَا سُوْگُوْدِ دَرِ هِمَانِ مَحَانِ كَرْمِشَ فَرْمُوْدِ بُوْدِ شِيْرِيْ بِسَرَاوَدِ اَبْجَدِ فَرْمُوْدِ بُوْدِ لَعْلِ اَوْرُوْدِ شِيْرِيْ  
 بِرُكْشَتِ وَچُونِ اَزْ زِيَارَتِ بِرُكْشَتِمِ اَبْجَدِ كَشْتِ بُوْدِ وَبَعْدِ زِيَارَتِ اَبْجَدِشَ فَرْمُوْدِ كَرْمِشَ فَرْمُوْدِ كَرْمِشَ  
 نَفْلِ كَرْدِيْ اِگَرِ خَوَايِيْ مِنْ نَفْلِ كَرْمِ كَرْمِشَ اَمِيْ خَافِي مَحْمُودِ كَرْمِشَ فَرْمُوْدِ كَرْمِشَ فَرْمُوْدِ كَرْمِشَ  
 نَزْدِيْكَ رُوْحُهُ اَمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَوَايِيْدِ بُوْدِيْ كَرْمِشَ اَزْ جِيْبَانِ بِزِيَارَتِ قَبْرِ سَيِّدَتِ اَنَ كَلْبِيْنَ  
 دَرِ دَسْتُ تُوْدِيْنِدِ نَفْسِ اَزْ رَا خَوَايِيْدِ اَزْ اَزْ دَسْتُ تُوْبُوْرُ گُوْرُوْدِ وَبَرُوْدِ نَزْدِ بِمَارِيْ كَرْمِشَ دِهْمِشَتِنْدِ  
 وَاَنَ الْكُشْرِ رَاوَرَايِيْ شَسْتِنْدِ وَآزْ اَبْرِيْمَارِ دَاوَنْدِ بِمَارِشَانِ مَحْمُودِ يَافْتِ اَبْجَدِشَتْرَا اَبْرُگَرِ دَايَنْدِ وَتُو

دست راست که در دهنش و ایشان دوست چپ که بر دهنش بسیار سیب کزوی و سیب  
 نعلانی و بر این خود باقی باقی حکم از دهنش و احوال هر دو دست بر سر ناز و ملازمت و شرفی خواست  
 و دوست و این با قوت و به این جهان است که برای تو آورده بودند خادم گفت که یا قوت مردم باز از  
 این حکم شرفی فرستم و ایضا سید بن طاووس روایت کرده است که شخصی نزد حضرت الم جعفر صادق علیه السلام  
 آمد و گفت که من بنیم از حاکم شهر مرز و در شهرم که دشمنان او را با من شمشیر آورده و من شمشیرم که مرز  
 حضرت فرمود که اگر شمشیری پیدا کنی آن صید صیدی باشد و بدوی گویی سطر نقش کن سطر اول اَعُوذُ  
 بِجَلَالِ اللَّهِ و سطر دوم اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ و سطر سوم اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ و در زیر گنبد و سطر  
 نقش کن سطر اول اَمْسُ بِاللَّهِ وَ كَتَبَهُ و سطر دوم وَ اِنِّي وَ اَقِي بِاللَّهِ و در زیر گنبد نقش کن

اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ	اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ	اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ
و	و	و
و	و	و

اَمْسُ اَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا و این صورت گنبد است  
 و در دست کن این اگر شکل آورده حاجتی که بدو شود روا شود و هر وقت  
 که از راهی از مردم بترسی بپوشید که با جهالت بر آورده شود  
 و در نهایت با این عمل شود و نسی که زانچین بر و دشوار شود

بر و به بند که بشیت الهی بر دوی وضع محل او میشود و من چنین وضع میکند از چشم بد را و خدا کن که بجا  
 و میری آن گنبد برسد و با خود بجام و بیت اخلاص و خوب محافظت نماید که از اسرار خداست و شما  
 شهبان که از دشمنان غیر تیر سید باید که برابر جان خود این انگشت داشته باشند و از دشمنان پنهان طایفه  
 و تعلیم کنید مگر کسی که اعتماد بر داشته باشد را دوی حدیث گوید که من تجربه کردم و اثرش با فقم و از حضرت امام  
 صاحب فرمود سلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در پیش انگشتی عقیق باشد که در انگشت دست  
 راست کرده باشد پیش از آنکه نظرش بر کسی نیفتد گنبد از اجانب گفت دست بگرداند و آن نظر کند  
 و سوره اَلْاَزْلَاهُ فِی لَبَدَةِ الْقَدَرِ مَا اَحْرَجُوا نَبِيًّا مَّا كُنَّا نَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ هُوَ الَّذِي لَا يَلْمُكَ لَهُ وَ كَفَرَتْ  
 بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ اَمْسُ بِسِرِّ اِلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ طَاهِرِهِمْ وَ بَارِئِهِمْ وَ اَقْلَامِهِمْ  
 و آخر هیچ چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد و در آرزو از شر کجای آسان نازل میشود  
 و آنچه بالا میرود و بسوی آسمان و آنچه در زمین و آنچه بر زمین و آنچه در زمین و آنچه در زمین و آنچه در زمین  
 و بستان خدا باشد شام و در حدیث دیگر سوال است که هر که انگشتی از عقیق بپا زند و در گنبد آن

نفس گنده باشد **صلی الله علیه و آله** و **رسول الله** و از هر یک بر گاه دارد و میبرد که برین حدیث  
**فصل ششم** در زیور طلاء و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن و در حدیث صحیح منقول است  
 که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که آیا این است بهر آن مایل را زیور طلاء پوشانیدن  
 فرمود که حضرت امام زین العابدین علیه السلام نیت میکرد که آن اطفال خود را زیور طلاء و نقره و در  
 حدیث صحیح دیگر از آن حضرت پرسیدند درین باب فرمود که پدرم امام محمد باقر علیه السلام زنان و بزرگان  
 خود را زیور طلاء و نقره می پوشانیدند و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آن حضرت اندکی زیور کردن زنان بطلا  
 و نقره فرمودند باکی نیست و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که سر غلاف شمیر حضرت رسول خدا  
**صلی الله علیه و آله** و سلم پوشانده اند از نقره بود و در میان طلقه یعنی نقره داشت و زره آن حضرت سه حلقه نقره  
 پوشید و دو حلقه نقره و در عقب داشت و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که دو اطفال  
 که جبرئیل علیه السلام برای رسول خدا **صلی الله علیه و آله** و سلم از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در  
 حدیث حسن از آن حضرت منقول است که باکی نیست از زیور کردن و پوشیدن بطلا و نقره و در حدیث دیگر  
 فرمود که زیورش شمیر حضرت رسول خدا **صلی الله علیه و آله** و سلم تمام از نقره بود و در حدیث دیگر پرسیدند  
 حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزیور کردن و زیور پوشیدن بطلا و نقره و بلبس کردن دیگران از  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که همیشه زنان زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر دیگر  
 از فضل بن یسار منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم از کسی که در آن طلا  
 باشد آیا میتوان از آن طلا کلاه پوشانید حضرت فرمود که اگر طلا باشد و اگر آب طلا آن مالیده باشند باکی نیست  
 و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که سزاوار نیست که زن خود را محفل بخزند و در نیت کند اگر چه  
 اگر در نیت باشد که در کردن به بند و سزاوار نیست که پوشش از خضاب خالی باشد اگر چه بمالیدن  
 خنسا باشد هر چند ساله باشد و در روایت معتبر وارد شده است که جائز نیست که زنان و دناها بطلا  
 یک دیگر بپوشند مگر در باب زیور طلاء احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند اگر چه در شمیر  
 و مصنف باشد **فصل ششم** در آداب سر کشیدن در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که حضرت رسول **صلی الله علیه و آله** و سلم سر نه سنگ بپوشید و در وقت خواب طلاق طلاق خود  
 حدیث معتبر از حسن بن جهم منقول است که گفت حضرت امام رضا علیه السلام بلی از آن بمن بخورند و

در حدیثی از استخوان و فرموده که اینها از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود بین میل سره کشیدن  
پس سره کشیدم و بستم و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سره کشیدن و در شب چشم را نفع میرساند  
و در روز زیت است و در حدیثی دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سره کشیدن  
در دیده کشیدن و باز آن خوب میکند و مرگاز احکم نمیکند و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که سره کشیدن در آن روشیرین میکند و در حدیثی دیگر فرموده که سره کشیدن موسی مرگاز را میرساند و بیانی را  
نمیکند و اعانت میکند بر طول و اذن وجود و در حدیثی دیگر فرموده که سره کشیدن موسی مرگاز را میرساند  
و چشم را جلا میدهد و آب چشم را زایل میکند و در روایتی دیگر فرموده که سره کشیدن قوت جلا میدهد  
نمیکند و فرموده که هر که شب سره کشد که شک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیارد  
و در حدیثی معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر که سره کشد باید طاق بکشد و اگر  
چنین نکند چشم بالی نیست و در حدیثی صحیح دیگر منقول است که حضرت یحیی علیه السلام و سلم  
چشم از خواب می کشیدند چهار میل در دیده است و سه میل چشم چپ و در حدیثی دیگر معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی  
نیکو و در آب جانی و در کسبه زار و سر کشیدن در وقت خواب و از حضرت امام رضا علیه السلام  
منقول است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سره کشد و حضرت صادق علیه السلام  
فرموده که سره کشیدن در وقت خواب ایمان می بخشد از آب آوردن چشم و از حضرت امام رضا علیه السلام  
در شأن منقول است که هر که نصف در با صره هر سه هفت میل از سره کشد در وقت خواب چشم  
کشید چهار چشم راست و سه در چشم چپ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت یحیی  
صلی الله علیه و آله و سلم در هر چشم سه میل سره کشیدند در وقت خوابیدن و در روایت دیگر وارد شده  
است که سه میل چشم راست و دو میل چشم چپ می کشیدند و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
که بر شما ادواک کردن که چشم را جلا میدهد و بر شما باد بر سر کشیدن که باز آن خوب میکند زیرا که چون  
آدمی سوک میکند بنظم می شود از چشم و جلا نمیدهد چون سره میکشد بنظم از چشم بر طرف میشود  
و بدان مانع میشود و بدان خوب میشود و در نقد از ضافه کور است که چون اراده نماند که سره کشی  
میل را راست است گیر و در سره و آن بر زن و بگویم الله و چون میل در چشم کشی بگو الله تعالی



بَصْرِيَّ وَاجْعَلْ فِيهِ نُورًا أَضِيءَ بِكَ وَاجْعَلْ فِيهِ طَرِيقًا حَقِيًّا وَارْتَدِ فِيهِ إِلَى سَبِيلِ  
الرَّشَادِ اللَّهُمَّ تَوَكَّلْ عَلَى خُلَاقِي وَاجْعَلْ فِي دُورِي حَقًّا وَارْتَدِ فِيهِ إِلَى سَبِيلِ  
دُرُوسِ سِرِّ شَيْدِنِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِيَّ وَالْبَصِيرَ لِي فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاقَ فِي  
فِي عَمَلِي وَالْإِكْرَامَ فِي نَفْسِي وَالنَّعَاةَ فِي رِزْقِي وَالْمَنَاسِكَ كَالْأَبْلَاءِ أَمَّا الْبَقِيَّةُ فَفَضْلُ  
وَهُمْ دُرُودُ أَطْبِيبِهَا يُنْفِثُ كَرْدَنَ سَبَدِ مَبَرِّارِ حَضْرَتِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٌ عَنْ حَضْرَتِ رَسُولِ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زَمُودُ خَدَاوندِ عَالِيَانِ وَاجِبِ مِیْگَرْدَانِ دِهَشْتِ رَا از برای جَوَایِ بسیار  
نَظَرِ دُرُوسِ مِیْنِه کُنْد و جَوَایِ بسیار کُوبِ رَا بِنِکِه خَدَاوندِ بَصُورِ نِکُو آفریده و اودِ مَسْجُوبِ مِگَرْدَانِیده است و  
بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نظر میکردند در مِیْنِه دُمُوسِ  
مِیْدارِکِ ویرِش رَا شَا مِیْگَرْدَانِ و از برای اصحابِ خود و زنانِ خود خود را مِیْباختند و مِیْفرمودند که  
خُدایِ مِیْپسند و دوست مِیْدارد از بِنده مِیْشَن که چون بِنزدِ برادرانِ مِیْجُوسِ برودند برای شَانِ نِیْت  
کُنْد و خود را مِیْبازد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون کسی  
دُرُوسِ مِیْنِه کُنْد بَا یَکُوبِ رَا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَاسْئَلُكَ خَلْقِي وَصَوِّرَنِي فَاسْئَلُكَ مَوْتِي وَنِشَانِ  
مِیْتِي مَا شَأْنُ مِنْ غَيْرِي وَآكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ وَدَرَقَهُ الرِّضَا وَغَيْرَ ذَلِكَ مَذْکُورِ است که چون خواهی  
دُرُوسِ مِیْنِه نَظَرِ کُنْدی مِیْپسند رَا بِنِست چپ بَگِیر و بَگُویَمِ اللَّهُ بِسِ چون دِلِ نَظَرِ کُنْدی دِست رَا  
پِشِ مِیْگَزَارِ و بر و کِشِ و پِشِ خود رَا بِنِست بَگِیر و دُرُوسِ مِیْنِه نَظَرِ کُنْد و بَگُویَمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
خَلَقَنِي لِئَاسْأَلَنَّكَ مِنْهُ وَآذِنَنِي وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ وَمَنْ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ  
وَمَرْصِيَّةً لِي دِينًا أَكْسَنُهُ دِست مِیْگَزَارِ و بَگُویَمِ اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بَيْنَ يَدَايِنِ بَيْنَكَ وَاجْعَلْنَا  
لَا تُغَيِّرْكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لِيَايِكَ مِنَ الدَّاكِرِينَ و در روایت دیگر وار شده است که مِیْپسند  
بِنِست چپ بَگِیر و چون رُویِ خود رَا دُرُوسِ مِیْنِه دِیَمِ بَگُویَمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَآخَلَّ  
خَلْقِي وَحَسَّنَ خَلْقِي وَخَلَقَنِي خَلْقًا سَوِيًّا وَكَمْ يَجْعَلُنِي جَبَّارًا شَقِيًّا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
رَزَانِي مَا شَأْنُ مِنْ غَيْرِي اللَّهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَسِّنْ خَلْقِي وَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ



قَرْنِي فِي عُيُونِ خَلْقِكَ وَتَحْمِلُنِي فِي عُيُونِ بَنِيكَ وَأَنْزَعْنِي الْمُبُولِينَ الْمُهَابَةَ وَالزَّاهِلَةَ  
 وَالنَّحْطَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 به حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در آئینه نظر کنی بگو اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي تَحْسِنْ  
 خَلْقِي وَتَمِيزْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وَفَضَيْتَ خَضَابَ كُرُونِ مِرْدَانٍ وَزَانٍ بِرَأْسِهِ مِثْلَ مِثْقَالِ  
 مِوْصِيٍّ وَرَيْشَ سَنْتٍ مِثْلَ مِثْقَالِ مِوْصِيٍّ سِرُّ دُوسْتٍ وَبَاسَنْتَ مِثْقَالَ مِوْصِيٍّ وَدُوسْتِ  
 خَضَابِ دُوسْتٍ وَبَاكَرِ هَيْتٍ مِثْقَالِ مِوْصِيٍّ وَبَاسَنْتَ مِثْقَالَ مِوْصِيٍّ وَدُوسْتِ خَضَابِ دُوسْتٍ  
 أَلْفُ دُوزَانٍ بِرُوسْتٍ بِمَالِهِ كَرْنَاكَ نَاحِلٍ بِسُحْبَةٍ مَالٍ شُودِ چنانچه بسند هاشمی معتبر از حضرت رسالت  
 پناه صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که چهار چیز است که آیه تشبیهای پیغمبران است بوی خوش کردن  
 و زدن کمی زان و سواک کردن و خضاب کردن بخا و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که یک  
 دهم که در خضاب خرج شود بهتر است از هزار دهم که در راه خدا صرف شود و در آن چهار وجه است  
 هست باور از آنگوشتها دور میکند و عبا را از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دانه را خشک میکند  
 و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند و سوسه شیطا را و ملاک سبب آن  
 شاد میشود سبب خوشحال مومنان و خشم کافران میشود و نیت است و بوی خوش است و موجب  
 خلاصی از عذاب قبر میشود و فکیه و منکر شرم می کنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موئی سفید  
 خود را رنگ نسبد و شبیه میشود به پودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام  
 رفتم دیدم که آنحضرت خضاب برایش برنگسپاه کرده بودند پس فرمود که خضاب کردن ثواب  
 عظیم است و خود را ساخن موجب غفت زان است و جسمی از زان دست از غفت  
 بر روشتن سبب آنکه شوهران ایشان خود را برای ایشان نیاسند و بعضی عرض کردند که بپاشیده  
 است که نما موئی سفید را زیاد میکند حضرت فرمود که موئی سفید خود را زیاد میشود بی خدا و در  
 حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم آمد و حضرت  
 نظر کرد که دینی سفید در ریش او پدید آمده است فرمود که این موئی سفید نور است پس فرمود  
 که هر که در اسلام یک موئی سفید در ریش او پدید آید از برای او نوری باشد در قیامت پس آن  
 شخص بخا خضاب کرد و بزد آنحضرت آمد چون آنحضرت او را دیدند فرمودند که هم نور است

و هم اسلام پس رفت و خضاب پیاده گرد و آمد پس آنحضرت فرمود که نور است و اسلام است و ایمان است  
 و محبوب یگرواند بسوی زنان و خوف و بیم می آنگذرد دل کا فزان و در حدیث معتبر منقول است که گروهی از حضرت  
 حضرت امام حسین علیه السلام آمده و دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است و درین باب از آنحضرت  
 سوال کردند دست برایش گذاشته فرمودند که امر کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از جنگها که مسلمانان  
 بسیاهی خضاب کنند تا باعث علیه ایشان شود و بر کا فزان و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق  
 علیه السلام پرسیدند که خضاب هر ویش آیا سنت است فرمود که بلی حضرت امیر المومنین علیه السلام بر ویش آن  
 خضاب نمی فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بود که یا علی موئی پیش تو از خون سست  
 خضاب خواهد شد انتظار آن خضاب کشید و حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام مهدی علیه السلام هر دو  
 خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که من بر آن خضاب  
 نمیکردم که هنوز صاحب غزیه ام در مصیبت و فاجعه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و در احادیث بسیار منقول  
 است که حضرت رسول خضاب می فرمودند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام نظر کردند بر ویش  
 که از حرام بیرون آمده بود و در دستهایش خضاب بود و حضرت فرمودند که آیا ترا خوش بیاید که خدا ترا چنین  
 خلق کند گفت نه والله ولیکن با خبر رسیده است که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام بر او دیده شود یعنی خضاب  
 حضرت فرمود غلط فهمیده بلکه مراد آنست که چون سلامت از حمام بر آید یا بشکیر این نیست و در کتب تألیف شده  
 و در حدیث حسن منقول است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند که از جمله علامات برسی که در نظر آن  
 ظاهر شود آنست که آثار زنان در مردان عیان تر ظاهر شود مردان خضاب کنند و خود را تشامکی کنند  
 بر ویش زنان و ظاهر آنست که مرد از خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب هر ویش نیست است و از  
 علامات مردان است و در حدیث معتبر منقول است از آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بست  
 و پامال بهجت ز کفایتی که در دست و پا بهر مرد از بابت و اما خوشتر نمی آید که همیشه این کار کنند و خلوق  
 بوی خوشی بپوشد است که عطر آن داشته است در رنگ از آن فربان بمانده است و در حدیث دیگر  
 از ابی بصیر منقول است که گفت اثر خدا در دست حضرت امام محمد باقر علیه السلام دیدم نبی اثر  
 ضعیفی که از خضاب بدن بعد از دار و میانه چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که مراد از نیست آنرا که دستش را از خضاب خالی بگذارد اگر چه بالین

حق باشد هر چند پیر باشد و فرمود که اگر در رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنان شوهر دار و بی شوهر را  
بجناب کردن اما شوهر دار برای شوهرش و آفر شوهر دار از برای آنکه بکوشش دست مردان خانه  
فصل دوازدهم در کیفیت جناب و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
منقول است که باکی نیست در جناب کردن بوسه برائی مرد پیر و در حدیث صحیح موثق از حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام منقول است که فرمود جناب کردن بوسه و زدنهای مرستست کرد و در هر  
شکست و در چندین حدیث معتبره وارد شده است که چون حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد  
جناب بوسه در ریش مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جناب کردن  
بوسه موجب انس زمان است و مهابتی ازان در دل کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از آنحضرت  
منقول است که جناب کردن بجا ابر و رازیاوه میکند و سفیدی مو را هم زیاده میکند و در حدیث صحیح  
و مستعمل است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام جناب بجا میفرمودند جناب بسخ رنگین و در حدیث  
دیگر فرمودند که جناب بجا بویهای برابری میکند و آبرو را بسیار آید و دوازده خوشبو میکند و فرزندان  
خوش بو میگرددند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را وقت حیض قطع شده  
باشد بجا جناب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام حسین علیه السلام  
و حضرت امام محمد باقر علیه السلام جناب بجا و بوسه بایم میکردند و از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
و سلم منقول است که بهترین جنابها نزد حق تعالی رنگ سیاه است و در حدیث دیگر از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رخصت فرمودند از آنکه سه خور را  
بسیای جناب کنند بآنکه مشهور میان علما آنست که جنب را جناب کردن مکروه است و همچنین  
مکروه است در حالتی که جناب تمه باشد جنب شدن و از بعضی آجایع خبره ظاهری شود که چون خار رنگ خود را  
داده باشد بعد از آن جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروه است زن عاقل را جناب کردن باب  
سوم در آداب خوردن و آشامیدن فصل اول در بیان ظرفها و نحوه خوردن و آشامیدن و سایر  
استعمالات توان استعمال نمود و آنچه از آن نهی شده است جائز نیست خوردن و آشامیدن از ظرف  
طلا و نقره و در استعمال غیر اکله شرب خلاف است و احوط اجتناب است و همچنین بدنگاه شدن بر آبی  
زیت احوط اجتناب است و بعضی گفته اند طحالی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگر چه طعام را

در جائی دیگر گفته اند اگر چه طبعی نازد اما احوط اجتناب است و جمعی باطل می دانند و بعضی گفته اند اگر چه  
طاهر است و بسیار از این گفته اند در دال و غیره و سر قلیان و قندیلها که هر دو طریقی شکر شده باشد که در وقت پخت  
مشرقیه سیاه و قندیلها سفید و در جاهای دیگر گفته اند اگر چه طاهر است و طاهر است و طاهر است و طاهر است  
و احوط اجتناب است اگر چه هر سه اینها فقیر است نیست و در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که  
در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که  
استعمال پوست حیوانی که در حال حیات پاک باشد و آنرا اینگونه استعمال شود کشته باشند  
یا از دست مسلمانی گرفته باشند و حرام است استعمال پوست حیوان مرده و هم چنین پوستی که از دست  
باشد اگر چه گمان باشد که از دست مسلمانی افتاده است مثل کفش در مسجد کمالان بعضی گفته اند که  
جائز است استعمال پشه و در عملی که مشروط بطهارت نباشد مثل آب به زراعت و حیوانات دادن  
و امثال اینها و این قول قویست و احوط اجتناب است و همچنین بعضی جائز نوشته اند استعمال پوستی  
که طبعی بهر سه که از مسلمانی کشته است یا از دست مسلمان افتاده است و خطای از قولی نیست  
و احوط اجتناب است و پوست حیوان طاهر که گوشت آنرا نخورند و قابل تزکیه باشد استعمال  
پوست آن کرد و اما پیش از دباغی کردن مکرره است استعمال آن و طریقی که در آن شراب کرده باشد  
هر چه نجاست در آن نفوذ کند مثل شیشه و ششستن پاک میشود و هم چنین هر چه کاشی داشته  
باشد و منفذی نداشته باشد که شراب و هر چه آن چکانند و در مثل سبزه و ورمی کاشی و امثال  
اینها خلافت و اشهر آنست که با کشیدن پاک میشود و خصوصاً قنیه آنقدر است که بگوید از نیکه  
آب در آن نفوذ کند و اگر شراب در آن نماند احوط اجتناب است و از حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله منقول است که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بخورد و در آخرت از ظرف طلا  
و نقره زیادت محروم می شود و به تعبیر منقول است که محمد بن الحنفی از علی بن ابی طالب از حضرت امام همام  
علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره حضرت اظهار کرد است که در وقت گفتن بار و ابیت رسیده  
است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام آئینه داشتند که نقره گرفته بودند حضرت فرمودند  
به احمد که همین حلقه داشت از نقره و آن آئینه کمال نیست فرمود که برادر من عیسی را بگو

که در بعضی از اینها چون ساقی خوردند و از آن نقره گرفته بودند که قبضه نقره اش از یکت به ده درهم بود که سه صد  
 و سیاهمیش حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که آنرا شکستند و در حدیث معتبر از حضرت  
 موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که ظروف طلا و نقره متاع مجتنب است که یقیناً بآخرت فایده ندارد و خوردن  
 دیگر از اینها این ابی القاسم منقول است که ظرفی آوردند نزد امام جعفر صادق علیه السلام که آب بخورند  
 یاره از نقره بر آن چسبانیده بودند و دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از آن ظرف میکنند و در حدیث  
 موثق از آنحضرت منقول است که مکروه است آب خوردن از ظروف که نقره کوب یا بعضی از آن  
 نقره باشد و در غناییدن از روغن دان چنین و شانه کردن از شانه دان چنین مکروه است و در حدیث  
 معتبر از آنحضرت منقول است که کرمیست وارد خوردن چیزی که در سخا لکه از مصری آورده اند نمیشد  
 و در روایت موثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که  
 از مصر میآورند و از بزرگ علما منقول است که بخد مت حضرت امام محمد تقی علیه السلام آمدم دیدم که  
 حضرت طعام میخوردند در میان کاسه سیاهی که در میان آن رنگ زرد و سوره قل هو الله افشش  
 کرده بودند فصل و دوم در تجویر خوردن طعامهای لذیذ و لذت حصر فی سراط در آن بدان که  
 از احادیث ائمه علیهم السلام ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خوراندن و تکلف  
 در خوبی و پاکیزگی آنها خوب است و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که از حلال  
 باشد و آنقدر بخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات پیوسته به تنش مهر و فخر خود  
 و آشناسیدن نباشد بلکه باید که منظور و مقصود او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد  
 و باید که آنقدر صرف کند که نسبت بحال و اسراف نباشد که خدا سرافرازد دست نیسار و بوسند  
 سبزه منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بسیار بود که آنها و فرقی نفیس و حلو الی الذیله  
 بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما نوسعه میدهد یا نوسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگی  
 میگذرد یا تنگی میکنیم و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که سه چیز است که حق تعالی نمون  
 در قیامت آنها حساب نکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن مساک که یار او باشد و فرج  
 او را از حرام نگاه دارد و ابو خالد کاظمی میگوید که بخد مت حضرت امام محمد تقی علیه السلام رفتم حضرت  
 چاشت علیحد من خوردم آنحضرت هرگز نیکوتر و پیمانه تر طعامی از آن نخورده بودم پس فرمود



که گویند و می‌گویند که ما را که می‌فرمودیم هرگز این عملی نکرده بودیم و لیکن می‌دانیم که آن که گویند  
 در کتاب خداست **يَوْمَئِذٍ يَخْلَعُ كُلُّ نَفْسٍ ثِيَابًا بِمَا كَسَبَتْ** که البته سوال کرده و اینست  
 در روز قیامت از نسبت الهی حضرت فرمود که مرا و از نعم دین آیه من است بیع و ولایت الهیت به  
 علیه السلام است که در روز قیامت از شما سوال خواهد کرد و پسندیدم از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که حق تعالی از آن که یکم است که سوال کند از مؤمن از خوردنی و فلان می‌دانی که در دنیا  
 بر و حلال کرده باشد پسند من از آن حضرت منقول است که طعام بعمل بیاورد و نیکو عمل بیاورد و اصحاب  
 خود را بیاورد و بایشان بخورد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که با سیری چیزی نخورد  
 بهوش پیی است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر چیزی است که خدا و من  
 میدارد و صاحب قنبر اخواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن و غیر محل تعجب و خوردن  
 طعام بهر گام سیری و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مؤمن در یک شکم  
 چیزی بخورد و کافور و مفت شکم چیزی بخورد یعنی بسیار بخورد و در حدیث دیگر منقول است که اگر چه  
 بخورد از آن حضرت آمد و آروق میزد و از چیزی حضرت فرمود که آروق خود را منع کن که هر که در دنیا سیر  
 است در قیامت گرسنه تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد و از دنیا رفت و در حدیث  
 دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا و من نمیدارد و مانند شکم پر از طعام و از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
 منقول است که حضرت عیسی علیه السلام شهری رسید که مردی دزدی قزاقا می‌کرد و دایک دیگر نزد  
 داشتند از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن زن من است و صاحب است و عیبی ندارد اما  
 من او را دوست نمیدارم و میخواهم از او جدا می‌شوم یا کنم فرمود که همه مال سبب این که اینست اگر  
 چیست گفت که رویش کهنه جل اطراوت شده است بی آنکه پر شده باشد حضرت عیسی علیه السلام آن  
 زن را سیر می‌خواست که آب رویت برگردد و تازه شود گفت بی فرمود طعام که بخوری سیر خود را که  
 طعام زیاده در معده که بخوشش آب رو را سیر و آن زن چنین کرد و رویش بحالت طراوت گشت  
 و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم منقول است که اگر مردم میانند نه بخندند در طعام  
 خوردن پرسته بن ایشان هیچ باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که بیخ خصلت است که مورث بر من و پیی است و اگر کسی این در روز جمعه و چهارشنبه و پنجشنبه



و غسل کردن آن را کند و آفتاب گرم شده باشد در حالت جهالت چیزی خوردن و در حال هیض  
از آن جماع کردن و در وقت سرخ شدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است  
که آدمی را که در وقت سرخ شدن چیزی خورد یا بیاد و هم گاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم پاشی  
طعام قرار دهد و یک حصه برانی آب و یک حصه برانی لبن و آن وسیع تر است و بعد از آن خوردن خود و چنانچه  
حیوانات برانی کشتن نیز میکنند و فرمود که هرگاه شکم برشته باعث غنایان و فساد میشود و فرمود که  
هر دردی و بیماری از بسیار خوردن و بیاد و هم گاه است که با گاه میرسد و در حدیث  
دیگر منقول است که حضرت جعفر صادق علیه السلام فرمود که کسی که چیزی خورد اگر نه شود چیزی خورد و هرگاه  
اگر نه شود چیزی خورد و هرگاه چیزی خورد که نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد  
خود را فاسد نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کفر آن نیست الهی  
است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خورد و هم و از آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است که در حدیثی شیر و عمل نیز و آن حضرت آورد و خانه کی تناول نمود و بر زمین گذاشته گفتند  
یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن این را فرمودند نه اما تو واضح بگو که کسی که برانی خورد و یا او بسیار  
طیب و خوشبوی از حضرت امیر المومنین علیه السلام آورد و از کشتی بانی سر و بردند و بدان گفتند  
فرموده که حرام نیست اما بخورم خود را عادت فرمایم چیزی که عادت نکردم و در حدیث دیگر وارد  
است فرمود که چیزی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نخورده است نیز شما هم نخورم و در حدیث دیگر  
از آن حضرت منقول است که همیشه این است باخیر و نعمت باشد مادام که لباس عجز از انبوشد و  
طعامهای عجز از نخورند پس چون چیزی که نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد و نه باشد  
علیه و آله و سلم منقول است که نیکو آن خوشبوی است که در حدیث دیگر است و در حدیث دیگر است  
بیاورد و خوشبوی دارد و نخورد و فصل سوم در بیان بعضی آداب و اوقات طعام خوردن است  
که چاشت باید از بخورد و در میان روز و دیگر چیزی نخورد و بعد از نماز خفتن بار در طعام بخورد و لقمه  
کوچک بردارد و نیکو نباید و نظر بر روی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم نهد  
بلکه بگذارد و سرد شود و بعد از آن بخورد و نامرنگار و بزرگ است و از آن پاک نکند و گفته از آن انگشت  
چیزی نخورد و از پیش خود بخورد و دست در پیش دیگران دراز نکند و کاس و گشتان را طیب و در دست

جنابت کرده است طعام و آب خوردن و اگر خوب سازد است بشوید و منصفه است شستن و کفایت  
 در دوشوید و منصفه بکند یا دوشوید که آتش ضعیف میشود و در حدیث دیگر وارد است که اگر چیزی بخورد در حال  
 جنابت بی آنکه اینها را بجل آوردیم آنست که پیش شود و در حدیث معتبر منقول است که پس برادر  
 شهاب بخند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از درد پا و ابتلا و فساد معده  
 حضرت فرمود که چاشت و شام بخورد و در میان چیزی نخورد زیرا که خداوند عالمیان در وصف طعام  
 این است **سُفْرَ بَابٍ لَهُمْ وَ لَوْ تَقَرُّوا فِيهِ أَبَدًا لَكُم مِّنْهُ جَزَاءٌ مِّمَّا كَسَبْتُمْ** و عیناً ترجمه است که بسیار است برای بهشت  
 روزی ایشان در بهشت در باره او پس این جفتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
 منقول است که طعام خوردن غیر از آن چهار روز یا بعد از نماز منقضی است پس از ترک نمکسید  
 که ترکش موجب غریبی بدن است و در حدیث دیگر منقول است که ترک طعام خوردن طرف  
 شب آدمی را پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شود باید که در شب پیش از خواب سبته چیزی بخورد  
 که بهتر خواب میرود و دانهش خوشبو میشود و خلقش نیکو شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است  
 که چیزی خوردن شب از ترک نمکسید اگر چه پاره نان خشکی باشد که باعث قوت جماع است و آن  
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب سبته و یکشنبه  
 پیجم از وقتی طریقه شود که تا چهل روز باز نرود و فرمود که طعام شب نافع تر از طعام روز است  
 و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در بدن آدمی رنگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف  
 شب چیزی بخورد و آن رنگ را از بدن بکشد تا صبح نیکو شود که خداوند اگر سبته بار دوم چنانکه مرا  
 اگر سبته داشتی و خدا تر نشدنی بار و چنانچه مرشدی داشتی پس سبته ترک نمکسید عشا را اگر چه طعمه نان  
 یا دم آبی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سزاوار نیست که مؤمن  
 از خانه بیرون رود مگر با آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود  
 که اگر خواهی بچه حاجتی بروی نان با نمک بخور که بیشتر باعث عزت است و حاجت زودتر برمی آید  
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که طعام گرم را بگذارد تا سرد شود و سبته که طعام  
 نزدیک رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند فرمودند که بگذارد تا سرد شود که خدا آتش طعام  
 نگراندانیده است و برکت در طعام سرد است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است

که طعام گرم برکت ندارد و شیطان در آن بهره دارد و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد نقل  
 است که گفت حاضر شدم شب بر سفره امام جعفر صادق علیه السلام در یمنان خوانی آوردند که در آن  
 نانی بود و کاسه آوردند که در آن ژیرید و گوشت بود پس دست در آن گذاشتند و بر پشت خود فرمود  
 که امان بطلیم بخدا از آتش و وزخ تاب این گرمی ندادم و صبر بر آن نیست و آنم کرد و چگونه تاب دیدیم  
 و مبرکت آنم آتش چشمم این اگر گرمی نمودند تا طعام سرد شد چنانکه میتوانست خورد پس تناول فرمود  
 و با هم خوردیم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که نهی فرمود از دیدن  
 هر خوردنی و آشامیدنی و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکره است سه دیدن  
 در کرمها و افسونهاد و در طعام و در موضع سجده و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که  
 اگر از برای سه کردن بدید حضور ندارد و محل بر ضرورت و حالت استعجال استخوان کرد و از حضرت  
 امیر المومنین علیه السلام منقول است که نخورد از بالائی ژیرید و از پهلوی پیش نخورد که برکت در با  
 طعام است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گاه یکی از  
 شما طعام خورد باید که پیش خود بخورد و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت کاسه طعام را  
 میسیند و میفرمودند که هر گاه کاسه را بپسند چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشند  
 و منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تمام انگشتان طعام تناول میفرمودند و گفتند  
 که هر گاه که کاسه طعام را بپسند ملائکه بر وصلوات میفرستند و عاقلند برای ادب خاصی بودند و  
 حسانت مضاعف برای او میسیند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در  
 وقت طعام خوردن و وزانو بروش نبندگان نمیستند و دست بر زمین نمیگذاشتند و به  
 انگشت چیزی تناول نمیدادند و میفرمودند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم چنین طعام تناول  
 میفرمودند نه بروشش بلکه آن وجباران که بد انگشت چیزی میخورند و بکند منقول است  
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر گاه کسی طعام خورد و انگشتان خود را بکند  
 و بپسند خداوند عالمیان نمیباشد که خدا برکت دهد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که آنحضرت که است داشتند این که دست را بر شمال یا راست نه در قستی که چیزی از طعام در آن  
 باشد یا آنکه خودی بکیند یا طفل که در پهلوی آنحضرت میبود میدادند که میبکشد بر آنحضرت طعام

و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند مگر سینه نشود  
و معده پاک شود چیزی نخورد و چون خواهد بخورد بسم الله گوید و نیکو بخاید و دست از طعام وقتی بکشد  
که هنوز خواهش طعام داشته باشد و بسند معتبر منقول است از حضرت علی ابن حسین علیه السلام که  
استخوان را پاک نمائید که حیوان از آن بهره است و چون پاک کنید ایشان از خانه شما میزد چیز که  
بهر آنان باشد بکشد معتبر از حضرت امام حسین علیه السلام منقول است که در خوردن دوازده حصلت  
است که بر هر مسلمان واجب است که باند چهار از آن فرض است و چهار دیگر سنت و چهار دیگر  
تأدیب است اما فرض آنست که نعم خود را بشناسد و داند که نعمت از جانب پروردگار است و را  
باشد آنچه طلب او کرده است بسم الله گوید و خدا را شکر کند و آمنت پس دست شستن پیش از  
طعام خوردن و بر جانب چپ شستن و به انگشت چیزی خوردن و انگشتان را بیدین و اما تأدیب  
پس از پیش خود خوردن و لغوه را کوچک بشوین بسیار خائنین و در هر کج مردم کم نگاه کردن و در  
حدیث معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام بحضرت امام حسین علیه السلام فرمود  
که بخوابی ترا تعلیم نمایم چهار چیز اگر بجا آوری از طبابت طبیبان سختی شوی گفت بلی یا امیر المومنین  
که نشین بر طعام مگر قوتیکه گرفته باشی و برنجیر از طعام مگر قوتیکه خواهش داشته باشی و نرم بجائی و  
هر گاه که خواهی که بخوابی به بیت اخطا برد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که  
قوتیکه طعام بخورد بسم الله می گفتند و از پیش دیگر چیزی بر نمیداشتند و پیش از همان شروع  
بطعام میکردند و انگشت همین و انگشت شهادت بعد از آن با انگشت میامین طعام میخوردند و گاهی  
انگشت چهارم هم ضم میکردند و گاهی تمام انگشتان میخوردند و هرگز به انگشت چیزی نمیخوردند و خوب بود  
که این خوردن شیطان است **فصل چهارم در سائر آداب طعام خوردن سنت است که بدست**  
**راست چیزی بخورد و دوز آنو بشنید و خوابیده چیزی نخورد و اما اگر بدست چپ مکیده بکشد باکی نیست**  
**و چهار زانو نشستن مکروه است و اگر بار بار بگردد و بگردد و بدتر است و نهان خوردن مکروه است**  
**و باغیر دیگران و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین چپ خوردن سنت است و شهوات است که**  
**در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروه است پیش از طعام و بعد از طعام دست شستن سنت است و در شستن**  
**پیش از طعام سنت است که دست را برمال خشک کند و اقل صاحب خانه دست بشوید و بعد از هر که در سب**

است دوست و برتر نباشد تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام از جانب چپ صاحبخانه  
ابتدا کند و خود آخر هم بشوید سنت است که همه در یک طشت بشویند و آب در بریزند و بر سر خود آغشته  
در آن خورند چیزی خوردن حرام است و بعضی گفته اند هر عرایی که خورند بکشند در آن مجلس چیزی خوردن  
حرام است حتی بر سر سفره جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بحرام است که حداقل و آخر طعام  
نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله وسلم لعنت فرمود کسی که گوشه خود را تنها بخورد و کسی که در سفر تنها برود و کسی که  
در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن طعام  
است هر گاه از حدال باشد بسیار دست در آن دراز شود و نام خدا در او شل گرفته شود و در آخر شش  
حلالی گویند و در حدیث صحیح منقول است که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلام حاضر  
میشد کاسه طلبیدند و از طعامها نیکه لذیذ تر بود و از هر طعامی قدری بر میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میخوردند  
کبسا کین در دوشان بپزند و در احادیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حضرت  
یعقوب علیه السلام بمقامت فرزند برای آن بسلاشید که روزی گوشت فربه کشت و بریان نمود  
و مرد صالح روزه دار و نزدیک خانه اولاد و بولوی آنرا شنید و غافل شد که با بخورد و آنچنین میل  
علیه السلام در همان شب آمد و گفت مینائی بلا بخش از جانب خدا تعالی در همان شب حضرت  
یوسف علیه السلام آن خواب را دید یعنی ملاقات حضرت یعقوب علیه السلام در وقت چاشت  
میخورد که ندانم یکدیگر را که هر که چاشت بخورد طعام حضرت یعقوب علیه السلام  
حاضر شود و در شب نیز چنین ندانم یکدیگر و در حدیث دیگر منقول است که چون خوان طعام حاضر  
شود هر سالی که بیاید و گفتید که صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ملعون است کسی که بشنید  
بر خواستگاری و در آن شراب بخورد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که ایمان بخدا و در قیامت دارد و بخورد  
چیزی بر سفره که در آن شراب بخورد و در حدیث امام رضا علیه السلام منقول است که بخورد طعام بر سر سفره که در آن  
شراب خورند و در چندین حدیث وارد شده است که چیزی در حالت جنابت خوردن فقر و بیزاری شود و در احادیث بسیار  
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از خوردن و آشامیدن بر سر چپ گر آنکه مضطر باشد  
و در دست راستش عطشی باشد و بسند ای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که حضرت رسول



صلی الله علیه و آله هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و بر پهلوی چپ چیزی تناول فرمود تا از دنیا  
 رحلت نمود و در روشنندگان می نشست و بروشندگان چیزی نمی خورد و از جهت تواضع و  
 فروتنی نزد پروردگار خود در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که تکیه کرده و خوابیده چیزی  
 نخورند و در حدیث حسن منقول است که روزی عباد نصری که از مثل کعبه صوفیه و علمای عامه است  
 در خدمت حضرت صادق علیه السلام نشسته بودند و حضرت طعام تناول می فرمود و دست چپ خود را  
 بر زمین گذاشته بود و دعا گفت مگر نسیانی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرموده است  
 از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن حضرت خطا و دست برداشتن و باز بر زمین گذاشتن  
 دست را باز عباد اعاده آن سخن کردند تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که و الله که حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله هرگز این نمی فرمود و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
 که هرگاه بخوردن طعام بنشینید بروشندگان و وزانو بنشینید یک پا را بر روی پای دیگر گذارید  
 و چهار زانو بنشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن میدارد و ظاهر این حدیث آنست  
 که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروشندگان چاربان یکپایی را بر بالائی ران بگذارد  
 و در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود  
 طعام می خوردند و بروشیکه در تشهد نماز می نشستند همان روش می نشستند و زانو راست را  
 بر بالائی زانوی چپ و پای راست را بر شکم پای چپ می گذاشتند و می فرمودند که من بنده ام  
 بروشندگان نشینم بروشندگان بخورم و از حضرت صادق علیه السلام نقل است که هر گاه آدمی لگلا  
 دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بآین بر دارد و حال آنکه تواند از دست راست برداشتن  
 و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که باکی نیست در حال راه رفتن  
 چیزی خوردن و در حدیث دیگر فرمود که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پیش از نماز  
 بیج بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند که در میان شیر فرو برده بودند و می خوردند و نماز  
 نمی کردند و لایق اقامت نماز میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که نخور چیزی در حالت راه رفتن مگر آنکه مضطرب باشی و در حدیث معتبر بسیار از  
 حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر که خواهد که خیر خانه او بسیار شود



دست را پیش از طعام خوردن بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام واجب است و بعد از طعام غیر  
 زائل میکند و روزی را زیاده میکند و چهره را از جامه دور میکند و چشم را جلای میدهد و دور و بار از بدن  
 دور میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دستها را هر چه در یک طرف بشوید که اخلاق شما  
 نیکو شود و در حدیث معتبر از آنحضرت منقول است که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه  
 بشوید که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کف می شستند که در جانب  
 راست درگاه نشسته است و در روایت دیگر اینست که دست پیش از طعام اول صاحب خانه  
 بشوید و بعد از آن هر که در جانب راست او نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا دست چپ  
 صاحب خانه میکند و خود آخر همه دست می شوی زیرا که او اولی است با آنکه صبر کند بر آنکه دست  
 و در حدیث حسن از امیر از منقول است که دیدم حضرت موسی علیه السلام را که چون دست را  
 پیش از طعام می شستند دست را برستمال پاک میکردند و بعد از طعام دست را که می شستند  
 برستمال پاک میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دست را  
 که برانگیخته خوردن بشوئ دست را برستمال پاک مکن زیرا که تا تری دست است برکت و طعام  
 هست و فرمود که بعد از دست شستن دست را بر روی مالیدن کف را از روی بر طرف میکند  
 و روزی را زیاده میکند و از فضیل بن عمر منقول است که شکایت کردم به آنحضرت از آن چشم  
 حضرت فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئ دستها را برابر و با مال و سه نوبت بگو **الحمد لله**  
**للحسن الجمیل المنعم الفضیل** مفصل گوید که چنین کردم هرگز از آن چشم ندیدم و از حضرت  
 امام رضا علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از طعام  
 دست می شستند آب در دهان میکردند و مضغه میفرومودند و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که در شستن آن که بان دست میشوید بعد داخل کنید که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می آید  
 و منقول است که چون حضرت امام رضا علیه السلام دستها را شستن دست می شستند شستن را  
 در دهان میکردند و میخامدند و می انداختند و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام  
 بعد از آنکه چاشت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بر روی مالیدند پیش از آنکه برستمال  
 پاک کنند و فرمودند **اللهم اجعلنی ممن لا یهتق وجهه قتل ولا ذلّه و در روایت**

دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون دست را بعد از طعام بشوئی بر رو و دیده با مال  
 پیش از آنکه به ستمال پاک کنی و بگو **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ الرَّیْثَةَ وَ الْحَبَّةَ وَ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْغَتِّ**  
**وَ الْبُخْصَةِ** و از حضرت امام رضا منقول است که هر که دستش پاکیزه باشد باکی نیست که طعام بخورد و بداند  
 آنکه دستش بشوید و از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بمنزل من آمدند  
 و چون طعام حاضر شد ستمال آوردم که در دامن ایشان بیندازم قبول نفرمودند و فرمودند که این طبع  
 عجاست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون بعد از طعام دست بشوئی بآن تری که  
 در دست باشد دیده بائی خود را مسح کن که این آمان است از در چشم و در روایت دیگر منقول است  
 که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از دست شستن بعد از طعام فارغ میشدند دست را  
 بر روی شستند و این دعا بخوانند **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَاَنَا لِهَٰذَا وَ اَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا وَ کُلَّ بَلَاءٍ صَلَیْکَ**  
**اَوَّلَ کَافٍ** و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخت امیر المؤمنین علیه السلام  
 فرمودند که یا علی در اقل و آخر طعام نمک بخور که هر که در طعام شتاج و خست تمام نمک کند خدا دفع کند  
 از او هفتاد نوع از انواع بلا را که کسان تر آن خنده باشد و در روایت حسن دیگر که عافیت یابد از  
 هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله آنها دیوانگی و خوره پیوست و در روایت حسن دیگر از در دهک و در  
 دندان و در شکم و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در نمک شتاد هفتاد  
 نوع از انواع دروست و اگر مردم بلند که چه نفعها در نمک است مداوا میکنند مگر آن قسمی که خدا  
 تعالی وحی نمود بموسى علیه السلام که امر کن قوم خود را که شتاج و خست تمام نمک نکنند و اگر نه کنند  
 و بجای مبتلا شوند بلامت میکنند مگر نمودا و در روایت دیگر از حضرت منقول است که حضرت رسول صلی  
 علیه و آله وسلم را در آشنائی نماز عتقی گزید حضرت نعل بر آورده او را گشت و چون فارغ شد حضرت فرمود  
 لعنت خدا بر تونی که کار را بیگانه ای و نه بدکار را مگر آنکه از ارمیرسانی پس نمک پاره طلبید و بر موضع  
 عقب گزیده مالید و فرمود که اگر مردم شتاجی نمک را بدانند محتاج بتریاک فاق و غمیزان  
 نشوند و در بعضی روایت معتبره آمده است که ابتدا بمر که نیز خوب است و عقل را زیاده میکند و در روایت  
 دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویت که ابتدا نمک و اختتام بمر که میکنم و در روایت  
 دیگر از حضرت منقول است که هر که نمک بپاشد بر اقل لقمه که میخورد و بر تو نگرانی آورد و در حدیث

دیگر منقول است که آنحضرت فرمود که من روزی به مجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود  
 رفتم در وقتیکه سفره اش گسترده بود و پن دست مرا گرفت و بر زخم خود کشید و پانچ من در کنار سفره  
 واقع شده پس آنقدر تلکین کردم که خدا دادند مرا که این کفران نعمت است و در روایت دیگر از آن  
 حضرت منقول است که طول دهید بر سفره نشستن که این بر ما عجب است که از عمر شما حساب نمیشود و در  
 حدیث معتبره منقول است از پیامبر خادم حضرت امام رضا علیه السلام که چون آنحضرت بر سفره می نشستند  
 هیچ کویک و بزرگ را نمیکشیدند مگر آنکه بر سفره می طلبیدند حتی مهر و حجام و از ابراهیم بن محمد  
 مرویت که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره می آوردند غلامان خود را به سپردن می طلبیدند  
 حتی در بان و خدمتکاران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون طعام به  
 خوردید نعل و کفش را از پای بردارید که سنت نیکوست و بیشتر راحت بیاید پاهای شما و در اخبار معتبره  
 وارد شده است که یک امتیاز انسان از حیوانات دیگر نیست که بهت چیزی نمیتواند خورد پس این  
 که بهت چیزی بخورد و بواسطه معتبره منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون به جماعتی  
 چیزی بخوردند یعنی همانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه دست میکشیدند بآنکه  
 ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر جوان مسرگاز  
 نمیخوردند بلکه بر سفره میخوردند و از محتوای اخبار چنین معلوم میشود که در آن زمان خوانها را پایدار و بلند  
 میافشاندند از روی تکریم که برای طعام خوردن ختم نباشد و الله اعلم و در حدیث موثق منقول است  
 از سماع بن مهران که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که وقت نماز میشود و طعام رسید است  
 بکدام یک ابتدا کنم فرمود که اگر اول وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اگر پاره گشته باشد و بیم آن  
 باشد که از طعام خوردن وقت فضايلت بدر رود ابتدا نماز کنید **فصل پنجم** در بیان دعاهاست  
 وقت طعام خوردن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که چون خوار میگردانید چهار  
 هزار بار بزرگ بود و آن احاطه نمیکنند اگر بنده بسم الله گفتند ملائکه میگویند که خدا بکثرت فرستد بر شما و طعام شما  
 پس شیطان میگوید که بیرون روای فاسق که ترا بر ایشان تسلطی نیست و بعد از آن غشیدن طعام  
 اگر گفتند الحمد لله ملائکه میگویند که ایشان جماعتی اند که نعمت خدا بر ایشان پس ادا کردند تکریم و بر کمال  
 خود را و اگر بسم الله گفتند در اول ملائکه میگویند که بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور

و اگر خواند بر پشت و ایشان جدا آید و اگر ندانند که چگونه بخوانند که ایشان گروهی بودند که خدا بایشان نعمت داد  
و ایشان پروردگار خود را خواست و شکر کرد و در حدیث معتبر از ابی عبد الله علیه السلام منقول است  
که چون خواند بگوید بگوئید بقیه الله و چون شروع بخورد بگوئید بقیه الله علی اقلیه  
و اگر بخورد و چون بخورد بگوید بگوئید الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است  
که هر که نام خدا را در اقل طعام برد و حمد خدا را در آخر طعام بگوید هرگز از آن طعام از دست او نبرد  
و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر گاه مسلمانى خواهد که طعام بخورد و چون  
لقمه بردارد بگوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین پیش از آنکه لقمه پیش برسد و گنگان پیش  
بیامرز و در حدیث دیگر منقول است که چون سفره نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
می ستروند این دعا را بخوانند سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ مَا أَحْسَنَ مَا تَبَيَّنَّا سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرُ  
مَا عَطَيْتَنَا سُبْحَانَكَ مَا أَكْثَرُ مَا عَافَيْتَنَا اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيْنَا وَ عَلَى فُقَرَائِ الْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ در روایت خبر دیگر منقول است که چون طعام نزد حضرت امام  
زین العابدین علیه السلام میگذاشتند این دعا میخواندند اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ فَضْلِكَ  
وَ عَطَايَكَ مَبَارَكَةً لَنَا فِيهِ وَ سَوْغَنَا لَهُ وَ زَوْفَنَا لَخُلَفَائِهِ إِذَا أَكَلْنَا لَهُ وَ رَبِّ مُتَحَاجِّ  
إِلَيْهِ وَ رَقَّتْ فَأَحْسَنْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ و چون خواند بر سر می گذاشتند  
این دعا میخواندند الحمد لله الذى علّمنا فى البرّ و البحر و رزقنا من الطّيّبات و قصّلنا  
على الكثير من خلقه لمن خلق تقضيلاً و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که نام خدا را بر طعام ببرد و چون فارغ شود بگوید الحمد لله الذى يطعم ولا يطعم و در  
حدیث دیگر منقول است که چون خواند بر سر می گذاشتند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم این  
دعا میخواند اللَّهُمَّ اكْرِمْنِي وَ اطْبِئْ وَ بَارِكْ فَأَشْبَعْتُ وَ أَمْرِيَتِ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي  
يُطْعِمُ وَ لَا يَطْعَمُ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمودید مردم  
بعد از طعام این دعا میخوانند الحمد لله الذى استعصمنا فى جاكهين و استرنا فى غمسين و اوافانا فى  
صاحبين و جعلنا فى راجلين و آمننا فى خائفين و أخذنا فى غائبين و در حدیث کاظم از  
زراره منقول است که با حضرت صادق علیه السلام طعام میخورد و بسیار میگفت الحمد لله الذى

بجای آشتیه در حدیث منبر دیگر از آنحضرت منقول است که روزی حضرت امیر المومنین علیه السلام  
فرمود که من فها من ام از برای کسیکه بسم الله در طعام بگوید که از ارشش نکند این کو گفت که یا  
امیر المومنین علیه السلام شب طعام خوردم و بسم الله گفتم و از ارشیدم حضرت فرمود شاید چند  
جنگ طعام خورده باشی و بر بعضی بسم الله گفته باشی و بر بعضی نگفته باشی ای احمق و در حدیث صحیح  
منقول است که شخصی بآنحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که از طعام از ارشیدم فرمود که بسم الله  
نیگویی گفت بیگویم و باز از ارشیدم فرمود که هرگاه سخن بیگویی باز بسم الله بیگویی گفت نه فرمود  
که باین سبب از ارشیدم هرگاه که از سخن خارج نشوی و خود بخوردن میکنی بسم الله بگو و در حدیث  
صحیح دیگر منقول است از آنحضرت که هرگاه چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو او می گفت اگر  
فراخوش کنم چه کنم فرمود که بگو **بِسْمِ اللَّهِ عَلَى آوَالِهِ وَآخِرِهِ** و در حدیث معتبر دیگر منقول است  
که آنحضرت بعد از طعام این دعا میخواند **اللَّهُمَّ هَذَا أَمْنُكَ وَبِحَقِّكَ سَأَلْتُكَ اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَاللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكُنْ عَلَى خَلْقِكَ قَائِلٌ بِحَقِّكَ** و از آنحضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که غذا را  
یا چیزی دیگر بنگام طعام خوردن و حرف بسیار نگوید که آن طعام و نعمت روزی خداست و بر شما  
واجب است که در وقت صرف کردن آن شکر خدا و یا خدا و حمد خدا کنید و در حدیث معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و گویا  
برای برائی ایشان آورد و گفت بخورید گفت نخورم تا گوئی که قیمت این نیست حضرت  
ابراهیم فرمود که چون شروع بخوردن کنید بگو **بِسْمِ اللَّهِ** و چون فارغ شوید بگو **الحمد لله** حضرت  
جبرئیل و کربل و ربوبی سه ملک دیگر و گفت لازم است و سزاوار که حق تعالی چنین شخصی را خلیل خود  
گرداند پس معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که طعام خورده شکر کنند  
بمعراست از روزه دار خاموش و در حدیث دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام بآنحضرت فرمود  
که ای امام بخور و حمد خدا کن و بخور که خاموش باشی و متوکلست پسند صحیح از حضرت علی بن حسین  
علیه السلام که بعد از طعام این دعا میخواند **اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكُنْ عَلَى خَلْقِكَ قَائِلٌ بِحَقِّكَ  
وَاللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكُنْ عَلَى خَلْقِكَ قَائِلٌ بِحَقِّكَ** و در حدیث معتبر از  
حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که فرمود که هرگز از امتلاهی طعام از ارشیدم

زیرا که هیچ لغت و بیان نبرد مگر آنکه نام خدا بر آن گفته شود و در حدیث متبر و دیگر منقول است که آنحضرت فرمود  
 که من ضامنم که هر که این کلمات بگوید هیچ طعام او را از آنگاه که **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ خَيْرُ**  
**الْأَسْمَاءِ مِلَادًا لِكُرْبِصَ وَالسَّمَاءِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا يَصُومُ مَعَهُ دَاعٍ** و در روایت دیگر  
 منقول است که شخصی از ضعف معده بجزیت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود چون از  
 طعام فارغ میشوی دست بر شکم بمال و بگو **اللَّهُمَّ هَبْنِيهِ اللَّهُمَّ سَوِّغْنِيهِ اللَّهُمَّ أَمْرِي تِلْبِهِ**  
 و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که چون بخوان **بِسْمِ اللَّهِ** که از عافران بسم الله گوید از ده دیگران  
 سبب است **فصل ششم** در آداب بعد از طعام در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست  
 که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پانی راست بر پائی چپ گذار و در حدیث معتبر از حضرت  
 امیر المومنین علیه السلام نقل است که بخورید آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفا می آورد  
 است بامر الهی برای کسی که آن طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بسخف حضرت  
 صادق علیه السلام شکایت کرد و از درد شکم فرمود که بر تو باد آنچه در خوان بر زمین می افتد  
 بخور پس چند کسی که صاحب این درد بودند آن محل نمودند زائل شد و در ایشان و در حدیث دیگر  
 منقول است و هب گوید که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان ببرد داشتند بر سنجید و آنچه  
 از خوان افتاده بود تناول نمی نمودند بعد از آن فرمودند که خوردن این فقر و درویشی را بر طرف  
 میکند و فرزندان را بپیکند و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که پاره نانی بیابد و بر او بخورد  
 یک حسنه از برای او نوشته میشود و هر که پاره نانی از میان جامی شیفی یا نجبی بیابد پس بردارد و بخورد  
 آنرا و بخورد برای او هفتاد حسنه بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم روزی بخانه عائش آمدند پاره نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول  
 فرمودند و فرمودند که ای عایشه گرامی بدار نعمتائی خدا را بر خود که نعمت الهی از جماعتی که گریخته است  
 دیگر بسوی ایشان بر میگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که  
 در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی بهیفتد آنرا بر دارد و بخورد و اگر در صحر باشد بر آن مرغان  
 و حیوانات بگذارد و آنحضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که اگر در صحر باشد بر دارا اگر  
 همه گیوان گوشتند باشد و از عبد الله ارجانی منقول است که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام



یوم ویرم که بعد از طعام میگرد و دو پنج بر زمین افتاده بر میدارم حتی کعبه و اشال آنرا گفتم فدای تو شوم  
 اینهارا هم بر می پسیند فرمود که اینهارو زنی است گداز از برای دیگر کسی که اینها شفا یابد از همه درد  
 و در حدیث دیگر منقول است که خوردن آن فقر را بر طرف میکند از خورنده آن و فرزندان فسرزدان  
 افتاد فرزندان بهنم و در روایت دیگر هر که بخورد خدا را بدارد و از دیوانگی و خوره و پستی و زرداب  
 و حماقت و در حدیث دیگر منقول است که هر که پاره نانی یا خرمائی پسیند که بر زمین افتاده است  
 پس بر دارد و پاک کند و بخورد و در کشش فراز دیگر دیگر آنکه هشتاد بار واجب شود و بستانهای معتبر  
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که آنچه از خوان و سفره میریزد هر حور العین  
 است و بستانهای معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت امام حسین علیه اسلام داخل بیت اخلا  
 شدند لقمه نانی دیدند که افتاده است برواشتنند و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که  
 هرگاه بیرون آیم این را بمن و پس چون بیرون آمدند پرسیدند چه شد لقمه نان گفت خوردم فرمود  
 که ترا آزاد کردیم از برای خدا شش پیس از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که هر که لقمه نانی بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس  
 بخورد و در کشش فراز دیگر آنکه خدا او را از آتش چشم آزاد گرداند و من میخواهم که در بندگی بگذارم  
 کسیر که خدا از آتش چشمم آزاد گردانیده است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه اسلام منقول است  
 که نیم خورده مؤمن شفاعت دهد است و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت فرمود  
 که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میسوسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است و  
 همچنین بیت بسببیکه تعالی نعمت و امان عطا فرمود برای من هزار بار بیکه از مغز کندم نان نفیض نشیند  
 و آن استنجای میگرد و بر مقدار اطفال خود میمالیدند تا آنکه کوه عظیمی از آن ناهنجار جمع شد و زهی مرد  
 صالحی گذشت و دید که زنی از زنان نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا ترسید و نعمت  
 خدا را از خود بر گردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی سیرسانی تا این نهر جاریست از گرسنگی  
 زهرسیم پس تعالی بر ایشان غضب کرد و باران آسمان و گیاه زمین را بر ایشان باز داشت  
 تا آنکه محتاج شدند بآن ناهنجار که استنجای کرده بودند و تر از و در میان خود قسمت میکردند و پسند  
 سبب نهمه و نادر نادان حضرت امام رضا علیه اسلام منقول است که آنحضرت می فرمودند

خداوند خود که اگر من بالایی ششها بستم در وقت طعام خوردن باید که بر مغز نه تا فارغ شوید بسیار  
بودی که یکی از ما را می طلبیدند گفتند که چیزی بخورند میفرمودند که بگذارند تا فارغ شوند و در وقت  
طعام خوردن ما را خدمت نمیفرمودند فصل هفتم در فضیلت نان و سبوی و گوشت و روغن و سایر  
انچه از حیوان حاصل میشود که در شیرینیها بر آید مقبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است گرامی دارید آنرا که کار کرده اند در و ملائکه از بابینش از زمین و بسیار از اهل زمین  
تا آنکه برای ششها عمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد و گرد  
انی با و او که مرا از آب بگذران کشتی بانی ما را انداخت و گفت که این ما را چه کنم بش ازین نان  
در زیر پای مردم افتاده است و پابران میالیند پس دانیال دست بسوی آسمان بلند کرد و گفت  
پروردگار! ان را گرامی دار تحقیقی که دیدی که این بنده چه کرد با نان و چه گفت پس خداوند عالمیان  
وحی نمود با آسمان که باران مبارک بر ایشان وحی نمود برای زمین که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه  
کار ایشان بجای رسید که اگر سنگی بکند بگرانی خوردند پس وزن که مهر یکی فرزند می داشتند  
روزی بدیگری گفت که یکا که من تو ام و فرزند خود بخویم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون توبت بفرزند زن دیگر  
رسید ایا که از خوردن فرزند و نزاع کردند و فحاصه نزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود  
که کار با شما رسیده است گفتند بل و بد تر پس دست با آسمان برداشت و گفت پروردگار! بخون  
بر افضل خود و رحمت خود و عذاب کن اطفال و یگانه ما را بر گناه کشتیمان پس حق تعالی وحی کرد  
با آسمان که باران ببارد و بر زمین حکم رسید که مرویان برای خلقم آنچه در نیمدت از ایشان فوت  
شده است بدستیکه من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که ما را در زیر کاسه گذاید و در حدیث دیگر فرمود که ما را اگر امی دار گفتند گرامی  
داشتن ان کدام است فرمود که چون نان حاضر شود بخورید و انتظار چیزی دیگر کشید و از  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت که ما را ابو کنین بروش درندگان که نان مبارک است و  
بان نماز نمی کنید و روزه میدارید و حج خانه پروردگار خود نمی کنید و در روایت دیگر فرمود  
له خداوند ابرکت ده از برای مادران و در میان ما و ان جدای میگویند که اگر ان نباشد ما نماند  
نمی نسیم و روزه نمیداریم و نه الف خدارا او ایستویم کرد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون نان

و گوشت جانور و ابتداء بنان کشید و در خانه گرسنگی را بنان به بند پیر گوشت بخورد و بسند صحیح از حضرت  
امام رضا علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که گرد بانی نازا کو چاک  
کنید که باهر کرده برکت است و در حدیث دیگر معتبر منقول است که نازا بر دوش عجم بکاره مسریه  
ولیکن برست بشکنید و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نازا خوش نباشد نازا بکاره مسرتوان  
بریزد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که فضیلت نان جو بر نان گندم بسیار است  
مانند فضیلت ابل بیت بر سایر مردم و هیچ مغیر بی نیست مگر آنکه دعا کرده است برای خورنده نان جو  
یا هشن جو و برکت فرستاده است و در داخل هیچ شکمی نخورد مگر آنکه هر در دیکه همان است بیرون میکند  
و نان و طعام جو قوت مغیران را دارد و حقیقتی نگر داند است قوت مغیران را اگر در آن  
فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نشود و چیزیکه نافع تر از نان برنج باشد و در حدیث دیگر از حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای صاحب اسهال نان برنج نیکوست و هم چنین  
برای صاحب سل و در دیوار بدن و در یکشنبه و در حدیث دیگر از حضرت منقول است که پیوسته  
خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نان جو بود و از دنیا مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت  
امام رضا علیه السلام منقول است که نیکو خوراک است سویق یعنی آرد بوداده گستره میر میکند و طعام را  
هضم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سویق بوی آبی ساخته شده است گوشت  
برویانده است و از آن حکم میکند و خوراک مغیران است و قوت خشک بوسی را زایل میکند و بازیت  
خوردن گوشت را میر و یانده است و از آن قوت میکند و بشیر و از آن میکند و قوت جاع را زیاد میکند و اگر که سویق خورده  
شود بزم و سفر را دود میکند و در حدیث دیگر فرمود سویق به نفع انواع بارافع میکند و هر که چهل صبح بخورد  
کتفین او بر می شود و از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق حدیث تشنگی را زایل میکند و معده را قوت  
میدهد و مغرا را فرو می نشاند و معده را پاک میکند و شفای مقدار در دست و سبجان خون و حرارت را  
بر طرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که زنی که خون حیضش بند نشود  
با دسویق خوراند که نابد شود و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است  
که بهترین نان جو ششمار دنیا و آخرت گوشت است مگر کشید که حقیقتی در وصف بهشت فی  
لحم کائنات مؤن یعنی بخورید گوشت مرغ از آنکه خواست داشت باشید آنرا و در تندی معتبر

منقول است که عبد الاعلی و مسیح با حضرت عرض کردند که نزد ما روایت می کنند از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم که غذا از من سبزه خانه پر گوشت را فرمود که راست بگویند اما کن معنی ندارد که ایشان  
فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن بسیار و خانه که گوشت مردم در آنجا بخورد زینبیت و در حدیث  
دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گوشت بسیار بخورد و دوست  
میداشتند و فرمود که پدرم گوشت را بسیار دوست میداشت و روزی که فوت شد سحری دهم بر آن  
خردین گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که ما اگر دوستش گوشت را  
دوست میدادیم و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گوشت خوردن در بن  
گوشت میروید و آنکه گوشت بخورد کج خلق میشود و هر کج خلق شود اذان در گوشش بگوید  
و فرمود که هر که چهل روز بگذرد گوشت نخورد توکل بر خدا کند و فرض کند و بخورد که فرضش ادا می شود  
و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بجهت حضرت امام رضا علیه السلام آمد و عرض کرد که این بیت ما  
گوشت گوشت میخورند و میگویند که سودا بگرفت مباد و روز و اذان در دست و پا دیگر بهم میرسد  
حضرت فرمود که اگر خدائی عز و جل گوشتی بهتر از گوشت گوشت میدانت فدای اسماعیل و اسحق  
قرار میکرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بنی اسرائیل بجهت موسی صلی نبینا  
شکایت کردند از پی که در میان ایشان بسیار شده بود و حق تعالی وحی نمود بجهت موسی علیه السلام  
که امر کن ایشان که گوشت گاوها را بخورند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مرق  
گوشت گاوی را از اهل بیکنند و فرمود که شیر گاوی است و روغن گاوی شفاست و گوشت گاوی  
در دست و در چندین حدیث معتبر منقول است که هر که یک ساله چربی گوشت بخورد بقدر آن درو  
ایشش بیرون رود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که از دگ گاویش مرغ است چون  
لبن بخورد و مرغ خاکی خوک مرغان است زیرا که فضل آدمی بخورد و راجع بشی مرغان است چنانچه بخورد  
که برتر بچرا که تازه پرواز آمده باشد و زکی بریادتی قوت پاکیزه خود ایشان را تربیت کرده باشند و در  
احادیث معتبر وارد شده است که هر که خواهد که خشم او کم شود و اندوهش اقل گردد گوشت در آنج  
بخورد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که گوشت کبک ساق پاره قوی بگرداند  
و تب را دور میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که گوشت اسفود

مبارک است و پدرم آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنی  
 و با بخور انید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که گوشت آهو بره را خوردن بانیست  
 و از برای دفع بواسیر و دفع درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیار جماع و از حضرت امام  
 رضا علیه السلام سؤال کردند از گوشت گوسفند فرمود که چون خشی است خوردنش جائز است اما خوردنش نزد من  
 بهتر است و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که بانیست در خوردن گشت شیر و درغن گاومیش و در  
 حدیث حسن منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از خوردن گوشت خام  
 و فرمود که این خوردن حیوانات درنده است بلکه نباید خورد با انگشت یا آفتاب آنرا تغیر دهد و در حدیث  
 صحیح منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از خوردن گوشت خام فرمود که طعام  
 درندگان است و در احادیث بسیار منع وارد شده است که از گوشت فدی که در سایه خشک کرده  
 باشند و در حدیث دیگر وارد شده است که در دها را حرکت میاد و در معده رست میکند و در بعضی  
 احادیث بخور خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سب چیز است  
 که بدن را خراب میکند و بسیار باشد که آدمی را بکشد خوردن گوشت فدی بکرده و با استلانی معده به تمام  
 رغن و جماع با زنان پیر کردن و بر روایت دیگر با شلجاحت باز پان کردن و در حدیث دیگر از حضرت منقولست  
 که سب چیز است که خوردنی نیستند و بنزافرم میکنند و سب چیز است که خوردنی اند و بنزافرم میکنند و دو چیز است که بهر چیز  
 نفع میرساند و سب چیز ضرر میرساند و دو چیز است که بهر جهت ضرر میرساند و سب چیز نفع  
 میرساند اما آنها که خوردنی نیستند و فریب نمیکنند پیر این گمان پوشیدن بلوئی خوش کردن و نود و  
 و اما آنها که خوردنی اند و لاغرمی کنند گوشت خشک و نیز و شکوفه خرا و اما آن دو چیز که بهر جهت  
 نفع میرساند آب نیم گرم و انار و اما آن دو چیز که بهر جهت ضرر میرساند گوشت خشک کرده و پیر  
 و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گوشت است  
 و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند که اهمیت میداشتند برای کتف و کتف  
 نزدیک است و چندین سند منقولست که حضرت آدم علیه السلام گوسفندی تسبیحی کرد و برای  
 پیغمبران از فرزندان خود و برای پیغمبری خصوصی نام برد و از انجیل برای پیغمبر آخر الزمان است گوسفند  
 نام برد و این سبب آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل میداد و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که گوشتی که با شیر نجسته باشند مقبست که مخصوص پیغمبران  
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هرگاه ضعف بر سلامتی مستولی شود گوشت را با شیر بز و گاو و  
و در حدیث دیگر منقول است که یکی از پیغمبران بختیالی شکایت کرد از ضعف و سستی و من بجا آورد که گوشت با شیر طلخ کن  
و بخور که بدن را قوت میدهد و در روایت معتبره دیگر منقول است که محبوب ترین طعامها نزد حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آتش ابله و بسنج منقول است که حضرت صادق علیه السلام زبسیه  
دوست میشدند و آن آتش با قلیله بوده است که مویزدوان میکردند و احادیث بسیار در مدح مرقه  
گوشت که فائز در آن نرید میکردند و وارد شده است و احادیث بسیار در مدح کباب منقول است که با  
ضعف را زایل میکند و رنگ را سرخ میکند و تب را دور میکند و در حدیث معتبره منقول است که اصبع  
بن نباه گفت روزی پنج دست امیر المومنین علیه السلام رفتم و پیش آنحضرت گوشت برائی گفتم شسته بودند  
فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیر المومنین علیه السلام مرا ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که دعائی ترا  
تعلیم میکنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز ترا ضرر نرساند بگو لبتم الله خیر لک کما کاه و ملائک الا و علی  
و التماکیر الوخلین الرحیم الذی لا یضیی مع ائمه شیعی و کذا کاه و مدح کله نیز در حدیث وارد  
شده است که محل تزکیه است و بجز آگاه از همه نعمانزدگتر است و از کثافات دورتر و از حضرت امیر المومنین  
علیه السلام منقول است که بر شما باد خوردن هر چه که با چهل روز قوت عبادت سیدیه و از جمله مایه است که خداوند عالیهان  
بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردانید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری  
از پیغمبران شکایت کرد بوقت نقالی از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را فرمود بخور و در هر سه و در  
حدیث دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که خداوند عالیهان هدیه فرستاد برای پیغمبرش هر سه از  
هر سه های بهشت که دانه اش و دباغهای بهشت روئیده بود و دوزخ را با بهشت برست خود بعمل آورده بودند  
پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از اهل فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آن حضرت افزود  
و این چیز است که خدا میخواست که پیغمبرش را این خوشحالی گرداند و مدح شگفته وارد شده است و انطباع  
بوده است که پیغمبر بخور و یک پیغمبر با قهار میگویند و میخندند و پیغمبر روز و گاهی بعضی از آنها و دیگر میگردند  
در مدح تبیین نیز وارد شده است و آن حلوائی روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل و لبن میآورد و عرواز  
یا بون بن موفی منقول است که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روزی مرا طلبید و در خدمت آنحضرت



طعام خوردم و حلوائی بسیار آورده بودند گفت چه بسید است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی  
خلق شده ایم پس دوست میدایم حلوا را و از عبد الله بن مسعود است که روزی در خدمت حضرت صادق  
علیه السلام طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از روغن و خربار کرده بودند و در حدیث موثق  
منقول از یونس بن یعقوب است که او گفت ما در مدینه بودیم که حضرت صادق علیه السلام نزد کسی  
فرستاد که برای ما پالوده بسازد و کم بفرستید ما کاسه کوچکی بخدشت آنحضرت فرستادیم و در حدیث  
دیگر از آنحضرت علیه السلام منقول است که هر که در شب ماهی بخورد و بعد از آن خربار یا غسل نخورد تا صبح  
در بدن او رگ فاجع حرکت شود و فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چون ماهی  
تناول می نمود می گفت: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَآمِنْ لَنَا مِنْهُ وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ  
وین با وجود این بهتر از عطا کردن کباب است معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که بر شما باد  
بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید کافی است و اگر با نان بخورید گواراست و از حضرت امیر المومنین  
علیه السلام منقول است که ما دوست مینماید بر خوردن ماهی که بذرا میکانند و در روایت دیگر  
منقول است که ماهی تازه پیچتم را میگذارد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدشت حضرت  
امام حسن عسکری علیه السلام نوشت که هرگاه حجامت میکنم صفرا بیجان میآید و اگر بیکم خون آزار  
میکند حضرت جواب نوشتند که حجامت کن و بعد از آن ماهی تازه که آب نمک کباب کرده باشند  
بخور پس آنقدر چنین کرد همیشه در عافیت بود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که زنده تخم مرغ سبک است خواهش گوشت را ذائل میکند و مفسده گوشت ندارد و تخم بخت  
حضرت امام جعفر علیه السلام سکایت کرد از کسی فرزند فرمودند که استغفار کن و تخم مرغ با پیاز بخور  
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که پیچری بخدایت عالی شکایت کرد از کسی اسل او  
و می رسید که تخم گوشت بخورد و در حدیث دیگر فرمود که زنده تخم سبک است و مفیده پس سنگین است  
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که بسیار خوردن تخم مرغ زیاد میکند فسد غذا را  
و احادیث دیگر در مع سرکه زیت وارد شده است که خوراک پیچران است و از علیهم السلام علی  
پیچرمودند و در مع سرکه احادیث معتبر وارد شده است که منقول است که بهترین ماخوردن سببند  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سرکه بود و پیچرمودند که خانه که سرکه در آن باشد بی آنخورش نیست

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که نیکو ناخوردنی است سرکه که مضاف از قوی نشانه و دل درازند  
میکنند و از حضرت صادق علیه السلام بطریق متعدد منقول است که سرکه که از شراب بصل آورده باشد  
گرم شده را میگذرد و بن دندان حکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوت را تا از قطع میکند و فرمود که بنی اسرائیل  
در اقل و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اقل طعام نمک و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار  
مدح خوردن روغن زیت و بر خوردن لادن آن وارد شده است و منقول است که ناخوردن  
پیغمبران و برگزینیانست و مدح میوه زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقول است که دفع باد  
میکند و همچنین سبزه از آن طاهرین تسلیم است و منقول است که مردم طلب شفا نموده اند بچیزی مانند  
عسل و آن شفا بی هر دو است و خوردن عسل و تلاوت قرآن و خائیدن کندر بغم را میگوید از دور  
مدح شکر احادیث بسیار وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قند یا از قبیل نقل چیزی که  
از شکر می ساخته اند و منقول است که حضرت موسی علیه السلام در وقت خواب تناول می نمودند  
و منقول است که بهر جهت نافع است دفع بغم میکند و در روایتی وارد شده است که اگر کسی هزار درم داشته باشد  
و بقیه آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر یا خرما بخرد و مصرف نماید بود و در مدح روغن خصوصاً روغن گاو  
احادیث بسیار وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال یا زیاده داشته باشند منع از خوردن  
روغن وارد شده است و منقول است که روغن گاو شفاست و در حدیث معتبر وارد شده است  
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر چه میخوردند و میاشامیدند می گفتند **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ**  
**وَابْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ** یعنی خداوند بركت ده بهائی ما درین که خوردیم و بپوش آن بهتر از آن بپاش  
و چون شیر تناول میکردند میفرمودند **اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَخَيْرًا مِنْهُ** یعنی خداوند بركت ده مال  
درین که آشامیدیم و ازین شیر بپاش و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیر یک  
گوسفند سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ و شیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر دو گاو سیاه  
و منقول است که شیر خوراک پیغمبران است و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد  
که شیر خوردم و از آن کشیدم حضرت فرمود که شیر از آن می کشد و لیکن با چیزی دیگر خورده و از آن کشیده از آن  
و شخصی آن حضرت شکایت نمود و ضعف بدن حضرت فرمود که شیر بخور که گوشت را میبرد و باید که شکر  
مکمل میکند و حضرت امام موسی کاظم فرمود که هر که آب شیش متغیر شود یعنی فرزند از او حاصل نشود شیر

باصلی خورد و بسند و ثقیل کا الصبیح و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که شبها و بزرگواران را به  
دستی بخورد و خاصیت هر گیاه در شیر است و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که شیر گاو دوست  
و در حدیث دیگر منقول است که برای فساد صده نافع است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود  
که بول شیر نافع تر است از شیر او و حقیقتی در شیرش شفا قرار داده است و در روایت دیگر منقول است  
که شیر شتر غائی همه دروست و در روایتی چند منجشیر الاغ و خاصیت آن وارد شده است و در حدیث  
مقبول از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که هر که خواهد است با و ضرر نرساند آب نیان  
بخورد و حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که دوست میدارم پیغمبر را و در روایتی وارد شده است که  
در طرف چاشت مفراست و در طرف شام نافع و موجب تولد فرزند میشود و از حضرت امیر المومنین  
علیه السلام منقول است که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندودن را بکمرکت می آورد و در وقتها  
در بدن احداث میکند و در زمستان گردبارا گرم میکند و سرما را دفع میکند و در چند روایت و ایرست  
که پیغمبر و مغز گردکان را چون با هم بخورند دو است و هر یک را که تنها بخوردی در دست قصه ششم  
در خواند خوب و بسیار سودمند است و کولات و غیره از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است  
که نیکو طعامی است برنج روده هارا میکشاید و بواسیر را قطع میکند و در چند روایت وارد شده است  
که با یار آن خود را به برنج دو آن می خورند و در حدیث موثق منقول است که شخصی خدمت حضرت امام جعفر  
علیه السلام آمده از روشم شکایت نمود که برنج را بشو و در سایه خشک کن و آنکی بریان کن  
و نرم بکوب و هر صبح یک کف بخورد و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت را در شکم بود فرمود  
که برنج را با ساق بپزند و چون تناول نمود بر طرف شد و در حدیث مقبر منقول است که حضرت امام  
رضا علیه السلام بخورد بریان کرد پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند و در روایت دیگر از  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هنگام پیغمبر بران برکت فرستاده است و در  
روایت مقبر بسیار آورده است که خوردن حدیسی دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در  
روایت مقبر منقول است که خوردن با قلا ساق یا پرنفر میکند و دماغ را زیاد میکند و تولید خون  
زیاد میکند و در روایت دیگر مر و بست که با قلا یا پوست بخورید که صده را و باغی میکند و منقول است  
که خوردن لویا باد بائی از دوفی را دفع میکند و منقول است که شخصی خدمت امام موسی کاظم علیه السلام

حکایت که ما زیهتی فرمود که باش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقول است که اگر چند  
 طعام نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرابا بود ابتدا بخوردن قسم می  
 می نمود و حضرت علی بن سیدین دوست میداشت کسی را که خرابا را دوست میداشت بهجت آنکه ...  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خرابا را دوست نمیداشت و ابسیلیمان جعفری منقول است  
 که رفیق مجتهد حضرت امام رضا علیه السلام و نزد آنحضرت خرابائی برنی گذاشته بودند و آنحضرت  
 به تمام از روی خویش میخوردند فرمود که ای سلیمان نزدیک بیا و بخور پس گفتم فدایتو شوم  
 بسیار بجد تناول نمی سائی فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 و حضرت امیر المومنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق  
 علیهم السلام و پدرم بکلی خرابا را دوست نمیداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند  
 زیرا که اذلیت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب را دوست میدارند زیرا که ایشان از منقش  
 خلق شده اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز هفت دانه خرابائی بخورد  
 که خرابا با نامی طرف مدینه است بخورد و ناشایع نبهری و اسبج سحری و شیطان با و ضرر رساند و در  
 حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه بخورد هیچگاه خواب بخورد و در کمرهای شکمش را میکشد و در احادیث  
 معتبره منقول است که هیچ میوه هست که از بهشت آمده است اما را ابلیسی و سیب شامی و ببه و اگر از زنی  
 و رطب نشان و در حدیث معتبره دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کراهیت دارد  
 پوست میوه را کردن و در حدیث دیگر فرمود که هر دو میوه زمهری هست پس چون بیاورند  
 برای شام یا بفرموده بخورید و در حدیث صحیح دیگر منقول است که از حضرت موسی بن جعفر  
 علیه السلام پرسیدند از انجیر و خرمای و سائر میوه با دو دانه خوردن با هم چون است فرمود که حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله نه میوه را از این پس اگر تنها با خنجر برشوش که خوابی بخورد و اگر با جمعی از مسلمانان  
 خوری چنین نکن و یک دانه یک دانه بخورد و در حدیث دیگر فرمود که اگر خوابی دو تا دو تا بخوری  
 رفیق خود را اعلام کن و از در خست بگیر و بخورد و در روایت معتبره منقول است که روزی امام زمان  
 علیه السلام دیدند که غلامان میورانی خوردند می خوردند فرمود که سبحان الله اگر شما استغنی شدهاید  
 دیگران استغنی نمیشد بکسی که محتاج باشد بخورانیسد و در حدیث موثق از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که دو چیز است که بدو دست بیاید خور و انگور و انار و حضرت امام موسی کاظم  
 علیه السلام فرمود که سبب جز است که خور و انگور را نانی و نیشکر و سیب و در احادیث معتبره از  
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد از دیدن آنخوان  
 مرده یا غم عظیم او را عارض شد پس حق تعالی باو وحی کرد که انگور سیاه بخور تا غمت از دل نائل شود  
 و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بکد اشکایت نمود از آنده و غم باو وحی رسید که انگور بخور  
 و در حدیث حسن منقول است که حضرت علی بن حسین علیه السلام انگور را بسیار دوست میداشتند  
 روزی روزه بود و نه چون وقت افطار شد ام ولد آنحضرت خوشه انگوری بنزدیک آنحضرت  
 گذاشت پس سائلی رسید حضرت آن انگور را بسائل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را  
 از سائل خرید و نزد حضرت گذاشت پس سائل دیگر رسید باز حضرت آنرا بسائل دادند باز کنیز رفت  
 و خرید و آورد و چهار مرتبه پس ر مرتبه چهارم تناول فرمود و منقول است که ابو عکاشه بنجدست حضرت  
 محمداً علیه السلام آمد انگوری بنزد او گذاشتند حضرت فرمود که مرد پیر و طفل خوب یک دانه یکدانه  
 میخورد و کسیکه بیز سرده که نیر شود سه دانه و چهار دانه میخورد و نود و دو دانه میخورد که مستحب است  
 و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که بیت و یک دانه میوز سرخ بنها  
 خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض هرگ و بدو کند از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که میوز طالع حبسهای بدن را محکم میکند و کلال و مانگی را ببرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث  
 معتبر از آنحضرت منقول است که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که  
 بر شما باد بخوردن انار که اگر سنه را بیهوده میگذرانید و طعام میکنید و فرمود که هیچ میوه نزد حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم محبوب تر از انار نبود و میخورد که کسی با او در خوردن شریک  
 باشد و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که در هر اناری یک دانه از بهشت در قیامت و چون  
 کافر میخورد ملکی سیاه و آن دانه را بر میدارد که او بخورد و باین سبب مستحب است که یک انار را  
 تنها تمام بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مومنی که یک انار تنها بخورد و خدا  
 شیطان از کشتن او قایل رود و در گرداند و هر مومنی که دو انار تمام تنها بخورد و خدا شیطان را از کشتن  
 دل او صد روز دور گرداند و هر مومنی که سه انار تمام تنها بخورد و خدا شیطان را از کشتن دل او یکسال

دور گرداند و هر که یک سال شیطان از او دور شود گناه نمیکند و هر که گناه نمیکند داخل بهشت میشود  
و در حدیث صبیح از آنحضرت منقول است که پیش از خوردن انار شیرین که هیچ جنه از آن در معده نمومد  
نمی خورد مگر آنکه در وی را بر طرف میکند و سوسه شیطان از او بر طرف شود و در حدیث حسن منقول است  
که هر که یک انار بهشت بخورد و دلش با چهل روز روشن باشد و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیش  
بخورید که معده را دباغی میکند و شعور را می افزاید و فرمود که انار ترش و شیرین شایسته تر است و در حدیث  
از آنحضرت موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر که روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز در بهشت  
بماند و اگر دو تا بخورد تا ششاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز و سوسه شیطان از او دور گردد  
و هر که سوسه شیطان از او دور گردد و مصیبت خدا کند و هر که مصیبت خدا کند داخل بهشت شود و در حدیث  
و در حدیث دیگر فرمود که دو چوب درخت خرمشیرات و گزنه هائی زمین را بر می اندازد و بکشد  
معتبر از آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که سیب معده را جدا میدهد و حضرت امام موسی  
علیه السلام فرمود که سیب خوردن نافع است برای هر زهر و سم و استیلائی اجنه و غلبه بلغم و هیچ چیز  
منقش تر از آن نیست و در حدیث معتبر وارد شده است که خوردن سیب دفع تب و رطافت  
و طاعون میکند و در روایت معتبر وارد شده که سویی سیب خشک نیز قطع رطافت میکند و فرمود  
که هیچ دوائی برای دفع زهر با بهتر از سویی سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها  
در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا کنند مگر سیب و از آنحضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از آنحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است  
که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند و معده را پاک میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسان را  
شجاع میکند و از آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو  
می کند و در حدیث دیگر فرمود که هر یک از اینها بخورد آب بنی او پاک می شود و فرمود که شر  
و جسم می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که یک به بخورد حق تعالی حکمت را بر زبان او  
گویند تا چهل صباح و فرمود که خدا هیچ غمخیزی را نافرستاده است مگر آنکه بومی بی باق بوده و فرمود  
که بغم و اندوه و سایر دچانچه دست غرق چین را میریزد و در حدیث حسن از آنحضرت امام رضا علیه السلام  
منقول است که بخور کند و باز از آن می کند و استخوان را سخت میکند و مور را میرواند و درد را میبرد و با



بدوایی و دیگر حاجت نیست و شبیه ترین میوه با است میوه پایی نهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه و آله منقول است که بخورید امرود پاک که جلا میدهد جل را و در دوائی اندودن در ساکن  
سکند با امر آبی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که امرود دوائی میکند  
معه را و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافع تر است از آن تا خوردن و از حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه و آله منقول است که خوردن آن بخیمر شده با نرم میکند و برای باد دوائی قوی نافع  
است و در روز بخورید بسیار بخورید و در شب بخورید بسیار بخورید و منقول است که دفع بواسیر  
و نفوس میکند و قوت مجامعت را می بخشد و آنرا زیاد قندی منقول است که گفت رفعم بخدمت حضرت  
امام موسی کاظم علیه السلام و دیدم نزد آنحضرت ظرف آبی گذاشته اند و در میان آن آلوئی پخته اند  
رفتم و دیدم که حرارتی بر من غالب شده بود و الوئی تازه حرارت را فرو می نشاند و من را ساکن میکرد و از  
آلوئی خشک بخور تا ساکن میکند و دوائی کند از از بن بر طرف میکند و در حدیث معتبر از حضرت  
صادق علیه السلام منقول است که از شخصی سؤال نمودند که اطباء میگویند در باب ترنج  
گفت میگویند که پیش از طعام بخور پس بود که من میگویم بعد از طعام بخورید و در حدیث دیگر فرمود  
که بخورید ترنج را که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بخوردند آنرا فرمود که آن خشک بهضم میکند  
ترنج را و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خوش  
می آمد نگاه کردن بسوی ترنج پس ترنج را که عذرا بامرو و ترنج را هم ترنج میگویند و در بعض  
احادیث مع موز و ارد شده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سبزه منشد  
گوشت را میر و یاند و پستش پوست را میر و یاند و استخوانش استخوان را میر و یاند و خوردن سبزه  
گرویده با نرم میکند و معده را دوائی میکند و امان میدهد از بواسیر و تقطیر بول و سلق با قوت  
میدهد و رگ خوره اقطع میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بخورید ترنج را  
که در آن ده فصلت است در دمی و فساد می دهد آن نیست و خوردنی است و آشامیدنی است  
و میوه است و گل است و آشناس است که در باز پاک میکند و آن خوش تر است و قوت جماع را  
زیاده میکند و مثانه را میشوید و او را ر بول میکند و دیگر مثانه را دفع میکند و از حضرت امام رضا  
علیه السلام منقول است که خر بزه خوردن نهشتامورث فایده است و حضرت رسول صلی الله علیه

و آنکه سلم با خرپوزه میل میفرمودند و دوست میداشتند و گاه گاهی میگویند با خرپوزه میخوردند و پسند  
 متبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم  
 سیوه تازده میدیدند میبوسیدند و بهر دوریده میمالیدند و میگفتند و نمی گفتند اللهم كما آتانا  
 اولها في عافيه فآتنا اخرها في عافيه یعنی خداوند اچنانچه نمودی با اولش را در عافیت پرخا  
 با آخرش را در عافیت و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که هر که سیوه بخورد و اقل اسم الله بگوید با ضرر نرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخورد  
 نزد حضرت امیر المومنین علیه السلام نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود فرمود که دلپهای مؤمنان  
 سبزی است و سبزی مائل است و فرمود که هر که شب بخوابد و هفت برگ کاسنی در معده او باشد  
 در شب از قوا بچ این شب و فرمود که کسی که خواهد کمال و فرزندان زیاد شود بسیار بخورد برگ  
 کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود که نیکو سبزی است کاسنی و سیب برگی نیست از آن مگر آنکه قطره آبی  
 از بهشت بر روی آن هست پس در وقت خوردن حرکت میداد که قطره آبش بریزد و فرمود  
 که کاسنی بهترین سبزیهاست و فرزندان بسیار نیکو میکند و پیری آورد فرمود که فضیلت آن بر سایر  
 سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلائق و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خوردن کاسنی  
 شفای همه دردهاست و سیب دردی در اندرون فرزند آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بیچ میکند  
 شخصی آب عارض شد و صداع داشت حضرت فرمود که کاسنی را بگوید و بر روی کاغذی بپزند  
 و روغن بنفشه بر آن بریزد و بر پیشانی نشیند ازید که تب و صداع را بر طرف میکند و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که کاسنی سبزی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است و با نود و پنج سبزی  
 امیر المومنین علیه السلام است و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و اما حدیث  
 بسیار در تعریف باذرع مرویت و آنکه باید که در اقل طعام خورده شود که فتح معده میکند  
 و شتهای طعام را زیاد میکند و سبزی را می برد و آروق را بخواب میکند و امانست از خوره و خون  
 و چون شکم پاکن میشود همه دردها لائل میکند و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام  
 منقول است که شخصی اعفت پیر عارض شده بود فرمود که سه روز باوتره بخوراند چنان کردید  
 بصحت تبدیل گشت و از حضرت صادق علیه السلام مرویت که بخور تره را که در آن چهار فصلت

گفته اند از هر طرف بپایند و با در ارفع میکنند و بوسه را قطع میکنند و هر که مداومت نماید بر آن از خوره  
 این است منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام تریه را با نمک سائیده تناول میکردند  
 و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم فرمود که بر شما باد بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس بیع و یوشع بن نون است و از  
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مرویست که خوردن سیب کشنیزه مورت فراموشی است و از  
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بر روزین سبزی شریف تر و دفع تر از برگ  
 غرقه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بخوردن  
 کاهو که خون را صاف میکند و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تریه  
 تیزک را بعد از نماز بخفتن بپوشد و با صبح نفس او را کشد بسوی خوره و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی  
 و با در و ج از ناست و تریه تیزک از نبی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی کاظم  
 علیه السلام منقول است که هر گاه آنحضرت امر میکردند ما را بخوریدن سبزی میفرمود که تریه تیزک بسیار  
 مخیریم فرمود که چه بسیار احق اند بعضی مردم میگویند که تریه تیزک در کنار بوخانه جهنم پیروید و حال آنکه حقا  
 میفرمایند که آتش جهنم در جهنم مردم اند و سنگهای بنان و سنگهای کبریت پس چگونه تواند بود که سبزی  
 در جهنم برآید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی دفع کرد از یهودان خوره را  
 بخوردن چقدر و بدون آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که نیکو  
 سبزیست چقدر و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بخورانید بیماران خود را بگو چقدر که  
 بدان شفاست و در آن در دمیست و وفرت ندارد و بیمار از آن جواب راحت میرود و شش  
 سودا را حرکت می آورد و در حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات کجاست شده است  
 چیزی مثل برگ چقدر یعنی از جهت تداوی او و در حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم که در میان داخل غست که بر بنی اسرائیل نازل شده و برای من از بهشت  
 آمده بشنایم چشم است و در چندین حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم دوست میداشتند که در میان دیگ و میان صحن بر میچیدند و میفرمودند زمان خود را  
 که که در طعام بسیار کنید و وصیت نمود بفرستادن امیر المومنین علیه السلام که یا علی بر تو باد بخوردن

که دو کرم دماغ و عقل را زیاد میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تربت نه خلعت  
دارد و برگشتن دفع باد میکند و تخم طعام را هضم میکند و ریشش دفع بلغم میکند و در وایت دیگر  
فسه بود که برگشتن صورت او را بر لب است و در روایت دیگر تخم او را بر لب میکند و در حدیث  
معتبر از حضرت امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقول است که خوردن گز و تخم جماع از زیاد  
میکند و اما آن میدهد از قولنج و دفع بواسیر میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که  
بخوریش غلیم و مداومت بر خوردنش بکشد که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در او هست و غلیم  
از رگ را میگذارد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خیار را  
با نمک بخوردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خیار را از تهش ابتدا بخورد و کند  
که باعث زیادتی رکت آن شود و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقول است که بخورید با زبان  
که در او را میرود و آن دعوت و احادیث در منافع و دشمن شمار است و از حضرت صادق  
علیه السلام بخندیدن منقول است که پیاز کند و با زرا میرود و بلغم را زایل میکند و سستی و ماندگی را  
بر طرف میکند و بند های جن را محکم میکند و بن دندان را محکم میکند و قوت مجامعت را میسر  
و نسل را زیاد میکند و تپ دایمی بر در و بزرگ میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است که چون داخل شهری شوید پیاز آن شهر بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور  
میکند و در حدیث حسن از امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله و سلم فرمود که هر که سیر بخورد و بواسطه بوی بیش داخل مسجد نشود و اما اگر مسجد نزدیکی  
نیست که آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سیر و پیاز و تره خام و پخته  
خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهیت دارد بسبب از آنکه سیر و تره  
پهلوی او می نشیند و احادیث در مدح صغر که او را بشتم میگویند وارد شده است که تقویت معده  
میکند و اگر صبح شش ساعت مسکون کند و بخورد و رطوبت معده را بر طرف میکند و در حدیث معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقول است که حقاً حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را  
فرسه زند او حرام گردانید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که گن بخورد  
و ببرد و زخون خود شریک است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بزرگ ترین

دامهای شیطان خوردن خاک و گشت در دیوار و بدن حادث میکند و عارش بدن بخور  
 از آن بهیچ رسد و در دهای سودا و از آن متولد می شود و قوت را از ساق و قدم میرود و هر چه از قوتش  
 بسبب آن کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بدان حساب و عذاب می کشند  
 و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که چهار چیز است که از وسوسه شیطان است خوردن  
 کل و گل را بدست خورد کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خاییدن و در احادیث معتبره  
 واروده است که خوردن هر گلی حرام است مانند مر و دار و خون و گوشت خوک مگر خاک قبر حضرت  
 امام حسین علیه السلام که خوردن آن بقدریک نخورد شفاست از هر دردی و اما نیست از هر خونی  
 فصل نهم در فضیلت ضیافت مومنان و آداب آن از حضرت امام محقق جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید باو تکلیف خوردنی مکن و اگر قبول نکند تکلیف  
 آشامیدنی مکن و اگر اینهم قبول نکند تکلیف دست و شستن بآب یا بعرق خوشبو مکن و از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از جمله گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنتر است که  
 نخه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته باشد برائی او بجهت بیارود و چیزی که نداشته باشد برائی او نه  
 تکلیف کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه حاضر دارد و از  
 آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه برادر مؤمن نزد او می آورد و بس  
 صحیح حسن از آنحضرت منقول است که هرگاه برادر مؤمن تو را طلبیده نزد تو آید آنچه حاضر داری بر او  
 او بیار و اگر طلبیده باشی او را برائی او تکلیف کن و در حدیث حسن از هشام منقول است که با آن  
 ابی جعفر بخد مت حضرت صادق علیه السلام رفتم آنحضرت چاشت طلبیده هشام گفت که من  
 کمتر چیزی بخورم حضرت فرمود مگر نیدانی که محبت مؤمن نسبت به برادر مؤمن او بقدر آنست  
 که از طعام او بخوری چیزی او را بیشتر دوست میدارد و طعامش را بیشتر بخورد و درین باب احادیث  
 بسیار وارده شده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که سخی و صاحب بهت از طعام  
 مردم نخورد تا مردم از طعام او بخورند و بنحیل طعام مردم را بخورد که مبادا مردم از طعام او بخورند  
 و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که دل به میانی بیخچ بهت است در غرضی و در عقیقه  
 خسته کردن پسر دغا نوبنا کردن یا خریدن و در ویکه از سفر بخانه خود برگردد و در حدیث دیگر

وقتی که از خراج برگرد و منقول است که آن حضرت نمی فرمودند از دلیله که مخصوص تو انکاران شد  
 و خوار و انجا طلبند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که داخل شهری شود همان بباد اهل  
 و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و هموار است که همان روزه ندارد و دیگر رخصت صاحبخانه  
 که بباد اطعمای برای او عمل بیاورند و ضایع نشود و سر و آریست اهل خانه را روزه داشتن مگر نه  
 رخصت همان که بباد بسبب روزه داشتن ایشان شرم کند و طعام نخورد و بجهت تبر منقول است  
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که حد فضا یافت سه روز است و بعد از سه روز تصدق و تبر است  
 که نسبت با و یکی فسرمود که ایقدر همان نماند بنزد برادر مؤمن خود که او را در شرم کند که دیگر چیزی  
 همیشه باشد که خرج شایکند و این ابی بصور روایت کرده است که در خانه حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام جهانی دیدم که برخاست بی کاری حضرت او را منع کردند و خود بر سجده و آن کار را بجا  
 آوردند و فرمودند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود از خدمت فرمودن همانان  
 و در حدیث دیگر منقول است که جهانی در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام بود دست دراز کرد  
 که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح پسراغ کردند و فرمودند که ما اهل بیت  
 خدمت نمی فرماییم همانان خود را و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که از جمله ضعف  
 و شستی است که کسی بتواضعان کند و تو بعضی مکافات او کنی و از خلاف آداب است  
 خدمت فرمودن بهمان پس چون همان بیاید او را عانت و یاری کنی و سرود آمدن و وقتیکه  
 خواه که بار کند و برود او را و بکنید بر رفتن کلین دلیل رخصت نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش  
 بکنید و توشه انیکو و کتو بوجمل بیاورد که این دلیل جوایز و دست و بسته معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله و سلم منقول است که از جمله حق همان نیست که همراه او بر آید و از خانه و از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقول است که چون شخصی بخانه کسی برود و درم جا بکند صاحب خانه بفرمایند بشیند که  
 صاحب خانه امور مخفی خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول  
 است که هشت کس اند که اگر ایشان را اندلی و خواری سه ملامت نکنند مگر خود را کسی که برهنه  
 برسد که او را از طلبید و بشیند و کسیکه بر صاحب خانه تحکم کند و کسیکه طلب خیر از دشمنان خود بکنند  
 و کسی که طلب فضل و احسان از بیچارگان و بخیلان کند و کسیکه خود را داخل درازی که میان دو کس باشد



بی هفت ایشان بکنند و سیکه استخفاف کند پادشاهان و صاحب علم و سیکه در مجلسهای نشینند  
 که فراخور او نباشد و سیکه شخصی گوید که گوش او بکند و در حدیث دیگر فرمود که بطعام خود  
 ضیافت کن سیر که از برای خدا و راه دست میداری و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که  
 یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادر گفتم و سیر کنم بهتر است نزد من از آنکه ده سگین را سیر کنم  
 و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مهمانان طعام تناول فرمودند پیش از همه  
 شروع میکردند و بعد از همه دست کشیدند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کسی با چای  
 آب دهد باید که خودش بعد از هر آب بخورد و سید صاحب از حضرت صادق علیه السلام منقول است که  
 چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید پرس کن امر و زنجری خورده و لیکن هر چه واکار نزد او بیار که جوهر و دست  
 که هر چه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن  
 بخورد و اسراف نکرده است و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت  
 دارد باید که مهمان خود را گرمی دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که از جمله حق مهمان  
 آنست که او را گرمی داند و خلل از برای او متیال کنند و در احادیث بسیار وارد شده است که  
 هر گاه مهمانی آید و چون طعام خورد و خاصا صاحبان خانه را می آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون  
 میرود گفتم بآن تو و عیال تو بیرون می برد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که یک لقمه که برادر مؤمن نزد من بخورد و دست نرمیدارم از بنده آزاد کردن و حضرت  
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سه مؤمن با طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد کردن  
 و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که صدائی مهمانی بشنود و شاد شود گناهی  
 آمرزیده شود اگر چه میان زمین و آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقول است که هر خانه که مهمان بآن خانه نرود و ملائکه داخل آن خانه نمی شوند و از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آنست که چون ضیافت او را بطلبه قبول کند و حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که دعوت  
 مسلمان را قبول کنند بضيافت اگر چه پنج میل راه باشد که این امور است که در دین لازم است و هر یک  
 یک شت فرسخ است و فرمود که اگر مرا برای دست گو سفندی بطلبید میروم و فرمود که بدترین

عجز بانست که شخصی بر او شش در اطعام بخواند و او قبول کند **فصل دهم در فضیلت خلل و آله**  
 آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که جبرئیل علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه  
 وآله وسلم سواک و خلل و حجامت آورد و فرمود که خلل بن دندان را محکم میکند و در کنار دانی  
 و حضرت امام موسی علیه السلام خلل کشید و بکلی در کجوب و رخت انداخت و هر دو رنگ خود را بمرکت  
 می آوردند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که بر بنی خلل کند شش روز حاجتش برآورده نشود  
 و فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم بهر چه می پاشند خلل میکشد و نیز از برگ درخت خرما  
 و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم نهی فرمود از خلل کردن بکجوب  
 درخت انار و بنی و فرمود که بکجوب می آورد و عرق خود را و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
 که خلل کردن بکجوب کرم و سورت فقر و بخیاریست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله  
 علیه وآله وسلم امر میکرد و ارا که چون خلل کنیم آب بخوریم تا سه نوبت مضغه کنیم و چون بابا از حضرت رسول  
 صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که از جمله حق همان آنست که خلل از برای او میانی کنی و فرمود  
 که خلل کشید که ملائکه هیچ چیز را دشمن نمیدارند اما آنکه پسیند که در دندان بند طعانیست و در حدیث  
 صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر چه از طعام در بن دندان مانده باشد بخورید  
 و آنچه میان دندان مانده باشد بیندازید و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که هر چه را  
 بزبان از میان دندان بدر می آوری بخور و آنچه را بخلل بدر می آوری خواهی بخورد خواهی پسیند از  
 و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه بخلل بیرون می آید و فرو بر که جراحت باشد  
 اندرون بهم میرساند و احادیث بسیار واروده است که هر چه را بخلل بیرون می آوری پسیند و در  
 حدیث معتبر واروده است اندرون و بیرون و ما را بعد از طعام بسد و شش شستن **فصل پنجم در فضیلت آب**  
 و فضیلت آب و انواع آن و احادیث معتبره واروده است که بهترین آن شامیدنی های بنیاد و آخرت  
 آب است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مخطوط و مثله و باشد از آب بنیاد  
 او را مثله ذکر و اندازد شامیدنیها هست و شخصی از حضرت پرسید که آب چه مزه دارد فرمود که مزه  
 زندگی و حقیقی میفرماید که از آب آفریده ایم هر چیز صاحب حیاتی را یا ایمانی آوردند خدا کاف  
 و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقول است که فرمود در تفسیر آیه کریمه **لَقَدْ كُنْتُمْ**

یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّهْمِ یعنی پس سوال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمتهائی دنیا فرمود که مراد از آن  
نعمت طلب و آب سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که آب زفرم بهترین آب است  
بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آب است که در برجهوت است که در بلاد یمن است که در لوح  
کافران در آن وارد می شوند در شب و معذب می شوند و در حدیث دیگر فرمود که آب زفرم دوست  
الزبانی هر دردی که برای آن بخورند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که آب زفرم شفاست از هر  
وعدوئی دیگر برائی هر مطلق که بخورند آن مطلب حاصل میشود و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام  
منقول است که فرمود بخورید آب باران بیهوشی که بیدار کند و بیمار بیمار را در دوار از بدن دفع میکند  
و از حضرت صادق علیه السلام نهی وارد شده است از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده  
است که خوردن تگرگ بزرگدانه ناخوش است و مصاحف روایت کرده است که شخصی از یاران ما  
در کعبه چار شد تا آنکه بجالت تگرگ افتاد و خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم حال او  
فرمود که اگر سن بجائی شامی بودم از آب ناودان کعبه باو آبی میخورانیدم پس اطلسه کردیم و بزرگش  
نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر گردید و باران آمد قدیمی گرفتیم از آب ناودان پر کردم  
و آوردیم نزد او و از آن آب شکر و ساعت شفا یافت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که گمان  
ندارم که طفلی را که کاش از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهل بیت باشد و فرمود که بپوشید و ناودان  
از آب بهشت آن بزرگوار فرمود که اگر میان من و آب فرات راه بسیار باشد برائی شفا بخور آن  
میروم و در حدیث دیگر فرمود که اگر نزدیک فرات میروم دوست میدهم که هر صبح و شام بنزد  
آن بروم و از حضرت امیرالمومنین علیه السلام منقول است که اگر اهل کوفه کام فرزند آن خود آب فرات  
بردارند هرگز اینهمه شعیبها نشوند و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که هر که در شب  
می آید و به مثال از شک بهشت و آب فرات می آید از دو هیچ نهی هر شرق و مغرب عالم بر شش  
زیاده از نه فرات نیست و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
نهی کرد و از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوتهای می باشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آن  
از گرمی جهنم است و حضرت امام حسن بن علی علیه السلام فرمودند که ولایت دوستی ما را بر همه  
نحوه که داند آب که قبول کرشمیرین شد و بگوید آب که قبول نکرد و تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر

علیه السلام که میت داشته اند از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبی که از ان نبوی گوگرد و شنبلیله  
 و غیره بود که حضرت نوح در وقت طوفان همه آنها را طلبید همه اجابت او کردند مگر آب تلخ و آب  
 گوگرد پس برین لعنت کرد و در دور او حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که آب نیل صر  
 و لهارا میزند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب سرد حرارت را فرومی نشاند و صفرا را  
 ساکن میکند و طعام را در معده میگذارد و تب را زایل میکند و سرد بود که آب جوشانیده برای همه دردی  
 نافع است و هیچ جفت فریدارد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که خوردن آب سرد لذت  
 بیشتر است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه بخورند و از ظرف  
 بطرف دیگر بگردانند پس از آن میزند و قوت میدهد ساق و قدم را و این آب طیفور قویست منقول است  
 که بخورند حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفت و آن حضرت انهی کرد از خوردن آب جوشانیده  
 که خوردن آب بزمین طعام را در معده میگذارد و غضب را فرومی نشاند و عقل را زیاد میکند و صفرا را  
 کم میکند و شخصی دیگر بخورند حضرت صادق علیه السلام رفت حضرت خرمات اهل میفرمودند و بعد از آن آب  
 بخورند نگفت که اگر آب بعد از خرمات بخورید بهتر است فرمود خرمات را برای آن بخورم که لذت آب بیام  
**فصل دوازدهم** در آداب خوردن آب از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر بنده  
 که آب بخورد و حضرت امام حسین و اهل بیتش علیهم السلام بیاورند و لعنت کند بر شنگال آن حضرت حق تعالی  
 صد هزار حسنه برای او بنویسد و صد هزار گناه از او بخوناید و صد هزار درجه برای او بلند کند و چنان باشد  
 که صد بار بنده آزاد کرده باشد و حق تعالی در قیامت او را خوشحال و مطمئن خاطر محسور گرداند و اگر این نحو  
 بگوید خیر است صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَآصْحَابِهِم وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى قَتْلِهِ  
 الْحُسَيْنِ وَآهْلِ بَيْتِهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که گاه باشد که شخصی یک شربت آب  
 بخورد و خدا او را بهمان آب خوردن بهشت برساند بلکه آب بخورد و هنوز خوشش داشته باشد که از آب  
 لب بردارد و حمد خدا بگوید پس از بخورد و هنوز سر نشده از لب بردارد و حمد خدا بگوید پس از بخورد و  
 بسبب این بهشت بر او واجب گرداند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله پس چون آب بخورد ندانند یا بخورند اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَن بَابِكَ الْاَوَّلَ وَلَمْ يَمَيِّسْنَا  
 مِنْكَ اَجَابًا وَلَمْ يَخُذْ فَايِدُ نَفْسًا و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که هر گاه کسی بیشتر

آب خوردن بسم الله گوید و می بخورد و آنکه الله گوید پس بسم الله گوید و می بخورد و آنکه  
 الله گوید پس بسم الله گوید پس ز بعد از خوردن آنکه الله گوید مادام که آن آب در شکم او باشد  
 تسبیح خدا گوید و ثوابش از او باشد و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه خواهی شب آب خوری طرف آب را  
 حرکت ده و بگو *لَقَدْ مَاءٌ ذَرَمْتُمْ وَمَاءٌ فَرَأَيْتَ بَرَكَاتِ السَّلَامَةِ* و در روایت دیگر فرمود که هر که در شب  
 آب بخورد و مرتبه گوید *عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءٍ ذَرَمْتُمْ وَمَاءٍ فَرَأَيْتَ* آب خوردن شب با وضو  
 نرساند و در حدیث دیگر منقول است که در وقت آب خوردن این دعا بخواند *اللَّهُمَّ الَّذِي سَقَاكَ  
 فَأَوْفَى وَأَعْطَاكَ وَأَوْصَاكَ وَعَمَّا فَانِي وَكَفَانِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ تَقِيَةٍ فِي الْمَاءِ مِنْ حَوْضِ  
 فَحْلٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَتَعَدَّ لَا يَمُرُّ أَقْبَتُهُ بِحَبْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ* و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که آب بسیار بخورد که هر دردی را بسوی تو می کشد و نابود شود و اگر دو آن بخورد  
 و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بالائی طعام آب بسیار خوردن ضرر نرساند اما در غیر آن حال  
 آب بسیار بخورد و فرمود که اگر کسی بقدرد و کف طعام بخورد و آب بعد از آن بخورد عجب دارم که چرا  
 معده هشت تن نمی شود و شهر میان علماء آنست که آب پیاده خوردن مکروه است و سنت است  
 که نفس آب خورده شود و احادیث بسیار وارد شده است که آب پیاده خوردن خوب است  
 و آب یک نفس خوردن خوب است اما بهتر آنست که نفس خورده شود و در روایت پیاده بخورد و در  
 شب پیاده چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که آب پیاده خوردن در روز طعام اگر آلوده  
 و در شب پیاده خوردن آب باعث غلبه زرداب و صفرا می شود و در حدیث دیگر فرمود که آب پیاده  
 خوردن در روز بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
 که آب پیاده بخورد که باعث دردی شود که ده روز بماند مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح  
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که آب پیاده بخورد و بر دو سیح قیسبگر دید و آب  
 ایستاده که باری نباشد بول کشید پس هر که چنین بکند بلائی با او برسد ماست نکند مگر خود را ابن بابویه  
 علیه السلام گفته است که از این احادیث آب خوردن شب است و بدو سخن از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که آب را به نفس خوردن بهتر است از آنکه نفس خوردن و در حدیث دیگر منقول است  
 که شخصی بخورد و حضرت عرض کرد که اگر کسی دم از آب بزند و تا سه آب شود چو نیست حضرت فرمود

حضرت فرمود که مگر لذت هست در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب میم است یعنی شسته  
 نشسته حضرت فرمود که شرب میم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر منقول  
 است که اگر آنکس کسی آب بنویسد و بنده نوا باشد بلفظ تسبیح بخورد و اگر ادا باشد بیک نفس بخورد از  
 حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله دو سق مبداشتند  
 آب خوردن در قیج شامی و میفرمودند که پاکیزه ترین سقهای شام است و برای آن حضرت قدما از  
 شام بهدیه می آوردند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از کوزه سفالی  
 آب میخوردند و در روایت دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گدازندند چنانچه  
 که دهان آب گدازند بودند و میخوردند حضرت فرمودند که بدست خود بخورید که بهتر ظریف سقهای شام است  
 و در احادیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که آداب آب خوردن آنست  
 که در ابتدا بگوئیم اللهم اغفر لی و چون فارغ شوی از آن بگوئی و از پیش و کوزه و از جایی که شکسته  
 باشد یا زخم داشته باشد بخوری که این دو موضع جایی شیطان است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم نهی فرمود از دیدن بدان در آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که درین دو باب  
 وقتی کرده است که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن بخورد که مبادا او را خوشت نیاید و در حدیث دیگر  
 از آن حضرت نهی وارد شده است از آب خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بکف و کم کم بخورید  
 و دهان را بپوشید که باعث در شکم و دیگر میشود و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم گاهی در قیج چاه گیسنه که از شام می آوردند آب تناول میکردند و گاهی در قیج چوب و گاهی  
 در پوست و گاهی در ظرف و گاهی که ظرفی حاضر نبودی آب در کف میکردند و می آشامیدند  
 باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت  
 فرزندان و معاشرت ایشان **فصل اول** در فضیلت تزویج کردن و نهی از زهانت بستن  
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از اخلاق پیغمبران است دوست داشتن زنان  
 و فرمود که گمان ندارم کسی را که در این شیز چیزی زیاده شود مگر آنکه او را محبت زنان زیاده می شود  
 و فرمود که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر می شود و در حدیث صحیح از حضرت  
 امام رضا علیه السلام منقول است که سه چیز است که از سنت پیغمبران است بوی خوش کردن او



و موهای زیادتی بدتر از ازاله کردن و زان بسیار دشوارتر با بسیار متعارف با ایشان کردن و بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرمود که از دنیا می شایسته است که مرد زان و بوی خوش را دور نشی دیده من در نماز است و در حدیث معتبر منقول است که سبکین نجفی اختیار عبادت کرده و ترک زان و بوی خوش و طعاهائی لذیذ کرده بود و درین باب نامه بحضرت صادق علیه السلام نوشت آنحضرت در جواب نوشتند اما زان پس میدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چند عدد از زانان میشدند اما طعام لذیذ پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم گوشت و عسل تناول فرمودند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که زنی بقتل خود درمی آورد نصف دین خود را حفظ کرده است از ضایع هرگز در نصف دیگر فرمود بدترین مرد با عریان اند و فرمود که چیز مانع است مؤمن را از آن که زنی بگیرد شاید که او را فرزند روزی شود که سنگین کند زمین را گفت لا اله الا الله و فرمود که هر که دوست دارد سنت مرا باید که خدا شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خوشم نمی آید که دنیا و آنچه در دنیا است داشته باشم و یک شب بی زن بخوابم پس فرمود در رکعت نماز که که خدا میگذارد بهتر است از عربی که شبها تمام نماز گذارد و روزها را دارد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ترک کند خدای کند از ترس و نشانی پشیمانی که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی بفرماید ان یتکونوا فقرا ً یتخیم الله من فضله یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز دیگرانند ایشانرا خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن عثمان بن مطعون آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و گفت یا رسول الله عثمان روزها را میباید و شبها نماز میکند و نزد من نمی آید حضرت غضبناک نزد عثمان آمد و فرمود که ای عثمان خدا را بر بهانیت نفرستاده است ولیکن بدین تقیم سهل و آسان فرستاده است روزه میگیرم و نماز میکنم و با زان خود نزدیکی میکنم پس که دین مرا میخواهد باید که بغت من عمل نماید و از جمله سنت من نکاح زان است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است که سه زن آمدند بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم یکی گفت شوهرم گوشت نمی خورد و یکی گفت شوهرم بوی خوش نمی بویید و یکی گفت که شوهرم با زان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی غضب ردائی خود را از زمین کشیدند تا بر زان برآمدند و صد و شصت و شصت نفر را گفتند و فرمود که چرا جماعتی از اصحابم گوشت

نیزوند و بوی خوش نمی بویند و نزدیک زمان نیروند من گوشت بخورم و بوی خوش می بویم و بنزد  
زمان میروم هر که سنت مرا بخواد از من نیست و در حدیث دیگر منقول است که زنی آمد بخدمت  
حضرت رسول الله علیه و آله و سلم و شکایت کرد که شوهر من نزد من نمی آید حضرت فرمود که خود را  
خوش بکن تا نزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی نگذاشتم مگر آنکه خود را بان خوشبو کردم و از من  
دو سی پیکنده حضرت فرمود که اگر میدانش که چه ثواب دارد و آن نزد تو دوی نیکو و خوشبو کرد چون  
مستوبه جانب تو میشود و ملک با او احاطه نمیشد و ثواب آن دارد که شتر کشیده در راه خدا چاده  
پس چون با تو بجاست کند گناهان از او میریزد چنانچه میریزد برگ از درخت پس چون غسل میکند  
از گناهان بر میرود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز که خدا میکند برایت  
با هفتاد رکعت که عزرب کند **فصل دوم در سناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده ایشان**  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن بمنزله قلاوه است که برگردن خود فی گنجی پس  
برمی که چگونه قلاوه برای خود گسی پی و فرمود که زن صامه و غیر صامه هیچ یک نیستند زن صامه قلاوه  
قیمت او نیست بلکه او بهتر است از قلاوه و زن غیر صامه تنجاک هم نمی آرد بلکه خاک بهتر  
از است و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که دختر کفو و مانند خود بدهید و از کفو مانند خود بخواهید  
و از برای الطفه خود زنی را بپسندید که شبانه آن باشد که فرزند از او بهرسانید و در حدیث صحیح از حضرت  
صادق علیه السلام منقول است که هر که زنی بخواد برائی حسن و جمال یا برائی مال از هر دو محروم مان  
و اگر برائی دین و صلاح او بخواد حقشالی مال و جمال او را روزی میکند و حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله فرمود که زن پاکیزه بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن مقبول که فرزند نیاورد نخواهید که من  
سبابت میکنم شما با آنتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر عرش است  
از برای پدران خود طلب آمرزش نمایند و حضرت ابراهیم علیه السلام ایشان را نگاه میدارند و حضرت سارا ایشان  
تر میت میکنند و بالا گوئی از شک و غیره و عفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران پاکیزه نخواهید که منافع ایشان  
خوشتر و درجه ایشان کشاده تر و خشک تر است پستانها ایشان شیر تر و فرزند آورنده تر و بزرگ نمیدانند  
که من سبابت میکنم بسیاری شاد و روز قیامت حتی بفرزند که ناتمام از شکم افتاده باشد او  
می آید و ششاک بر در بهشت می آید پس حق تعالی میفرماید که داخل بهشت شویم گوید که نیروم ناچهر

و مادر من پیش از من نروند پس حق تعالی بکلی امر کند که پدر و مادرش با پیاورد و داخل بهشت کن پس  
بطل خطاب میفرماید که ایشان را داخل بهشت کردم برای زیادتى رحمت من نسبت بتو و از حضرت  
امیر المومنین علیه السلام منقول است که بخواجه زن گندم گون فراخ پیشانی سیاه چشم بزرگ سبزه  
بالا پس اگر میخواهی او را همراه من بگیر و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
چون بخواستگاری زنی میفرستادند نمی نمودند که اگر دلش بلبو کنند که خوشبو باشد و عطرک پیش بپاشد  
باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از سعادت آدمی است که زن فسیدی داشته باشد  
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون خواهی دینی را خواستگاری نمایند : دمیوشن رسید چنانچه  
از رویش می پرسید که مونسف حسن است و بکند مقبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول  
که بهترین زنان شامانی است که کسی را بسیار آورد و دوست شوهر باشد و صاحب عفت باشد  
و در میان خوشان خود عزیز باشد و ز شوهرش ذلیل نباشد و از برای شوهر خود زینت و نباشد کند و از  
دیگران شرم کند و عفت و ورزد و هر چه شوهرش گویشود و آنچه فرماید اطاعت کند و چون شوهر مرده  
خلوت کند آنچه از او خواهد مضائقه کند اما شوهر در دنیا و دوزخ که او را تکلیف بر جماع دارد و بعد از آن فرمود  
که بدترین زنان شامانیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند یار و دو کیسه  
باشد و از اعمال سیمه پرو کند و چون شوهر غائب شود زینت کند و خود را بدگران نماید و چون شوهرش  
بیاید خود را ستور نماید و بخش را نشنود و اطاعت نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب  
مضائقه بکند از آنچه شوهر با او داده دارد و حدیثش را قبول نکند و از تقصیرش درگذرد و در حدیث  
دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت زنی دارم که هرگاه  
بخواند میردم مرا استقبال میکند و چون ببردن می آیم متابعت میکند و چون مرا انگین می بیند میگویی  
چه غم داری اگر برای روز غمی سم بخوری خدا تعالی متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برائى  
آخرت غم بخوری خدا غم ترا زیاده کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد و این زن از کارکنان  
خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد  
و زانیتش دشوار نباشد و شوهری زن آن باشد که مهرش گران و زانیه نشد و شوهر باشد و حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین زنان شامانیست ایشانند مهربان ترین زنانند شوهران حسیب ترین

ایشانند بفرزدان و مانند بنوهران و با عفت اندازد دیگران و صدق قریش و این عالم  
سادات اند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که خداوند عالیان بفرماید که چون خواهم  
که جمع کنم برای مسلمانی یکی مای دنیا و آخرت را باو میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر گسخته و بونی  
صبر گسخته بر بلا و زن مومن که هرگاه نظر او کند شاد شود و چون غائب شود شوهر خود را نگاها دارد  
مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در بی اسرائیل  
شخصی بود بسیار عاقل و مال پرستار داشت و یک فرزند داشت از زن سیفه و در شکل و شمایل شبیه باو  
بود و فرزند دیگر داشت از زن دیگر که عقلی نداشت چون وقت فوت او شد گفت همه مال من  
یکی از شماست چون مرد دیگر از آن دعوی کردند که مال از من است بنزد قاضی فرستند قاضی گفت  
که بنزد آن سه برادر که بتعل مشهور اند بروید پیش یکی از آنها فرستند مرد پیری دیدند گفت بروید بنزد فلان  
برادر که از من بزرگتر است بنزد او که فرستند پیر بود و نه جوان او گفت که بنزد برادر بزرگتر از من  
بروید چون نزد او فرستند او را جوان دیدند پس اقل حال کردند که بچه سب برادر کوچکتر از همه پیر بود  
و نو که از همه بزرگتری از همه جوان تر می گفت اما آن برادر کوچک زن بیدار دارد و بر بریهائی او  
مهر میکند که بسا ابدی و دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از همه پیرتر است و اما برادر دیگر  
زنی دارد که گاهی بخوشحال میکند او را و گاهی غمگین میکند بدین سبب میان حال مانده است و من را  
دارم که همیشه مرا خوشحال میکند و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران حال  
خود را نقل کردند اقل برود و استخوان پدر خود را آورد و بسوزانید بعد از آن بپایند تا در میان شما  
حکم کنم چون فرستند برادر کوچک شیرینی برداشت و برادرش کلنگها برداشتند چون بر قبر رسیدند  
آن برادران کلنگ بر قبر نهند که قبر را بکافند برادر کوچک شیر کشید که نمیکند دارم که قبر پدرم را بشکافم  
من از حصه خود گذشتم و مال را بشمار گذشتم بروید چون بنزد قاضی آمدند قاضی مال را پس برادر کوچک داد  
و آنها گفت اگر شما فرزندان اومی بودید چنانچه برادر کوچک شفت فرزندی مانع شد از بر آوردن ده  
و من استخوانها را بر شمارا هم مانع شد فصل سوم در آداب نکاح و اراده آن در حدیث حسن از حضرت  
صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی گوید  
و این دعا بخواند اللَّهُمَّ رَاقِ اَنْفِیْ اَوْ رَاقِ قَلْبِیْ مِنْ النَّسَاءِ الْعَقَمَاتِ فَرِحُوا وَ احْفَظْ لَیْسَ مِنْ خُفَرِیْ

وَمَالِي وَأَفْئِدَتِي رِزْقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً وَقَدْ نَزَلِي وَلِلَّهِ طَبِيعًا يَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا  
فِي خَلْقِي وَبَعْدَهُ مَوْفِي وَدَرِثِ مَقْبَرِ مَنْقُولِ سِتِّ سِتِّ است که در شب تزویج واقع  
شود و در حدیث موثق منقول است که بچهرت امام محمد باقر علیه السلام خبر رسید که شخصی زنی خواسته  
در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که در میان آنها اتفاق  
و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که عقد کردن در ماه  
شوال خوب است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که  
عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد نیکو عاقبت می بیند و در روایت دیگر منقول است  
که هر که در تحت الشماع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که از او منعقد شود پیش از تمام شدن سقط  
میشود و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دوز جمعه روز خوشتر است از  
و نكاح است و بدانکه مومن را طلبیدن و مهمانی کردن در نكاح سنت است پیش از عقده  
نكاح خطبه خواندن سنت است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که از سنت  
پیغبران است طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون برون  
تزویج کردند و ولیمه حسین مردم خورانیدند و آن چنگالی بوده است که از خرمادر و غن و کشتن  
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که ولیمه روز اقل لازم است و روز دوم  
نیست و روز سوم ربا و سمه است و منقول است که حضرت امام محمد تقی علیه السلام چون  
دختر را موزع عقد کردند این خطبه را خواند اَللّٰهُمَّ اِنِّكَ اَرَاكَ بِعَيْتِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
اِخْلَاصًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بْنِ بَيْتِهِ وَ عَلَى الْأَصْفِيَاءِ مِنْ عَشِيرَتِهِ  
اَمَّا بَعْدُ فَتَدَنَّ كَان مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَى الْأَنْفَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ  
سُبْحَانَكَ وَ اَلْحَمْدُ الْاِيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ اَمَّا بَعْدُ اِنْ تَكُونُوا  
حُضَرَ اَعْلَمُكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَ سَارَ خُطْبَةً طَوَّلَانِي وَ كَتَبَ بِسُوطِهِ  
بِكَوْرٍ است و این رساله گنجائش را که آنها ندارند و در کتاب صیغه نكاح رساله بعد از آنکه  
فعل چهارم در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در نیکو ماه و در برج  
مستحب و یا تحت الشماع باشد مکرده است و جماع کردن در برج زن در نیکو عاقبت باشد

یا خون نفاس شسته باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروه است و بعد از  
پاک شدن پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط اجتناب است مگر آنکه ضرورتی  
باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با او مقاربت کند و زن استحاضه اگر غسل و سایر اعمال مستحاضه  
که او را می باید کرد اگر بجا آورد و با او جماع بستاند که در و در و طلی و بر زن خلاف است بعضی حرام  
میدانند و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتناب است و بهتر آنست که با زن تحوکه جماع کند  
و آزاد باشد نمی خود بیرون نسج نرزد و بعضی علماء حرام میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست  
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که نباید مرد را دخول کردن بزنی خود در شب چهار  
شنبه و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که هرگاه جماع کنی با زن خود در تحت الشعاع  
پس با خود قرار بدهی افتادن فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
که جماع کن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث آن میشود که فرزند سقط شود و نزدیک است  
که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد نمی بینی که کسی را که صرع میگیرد اکثر آنست که یادر  
اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه میباشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه  
جماع کند با زن خود در حیض پس فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیس یا پس یا است نکند مگر نفس خود را  
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دشمن با ایلبیت نیست مگر سیکه ولد از نا باشد یا مادرش به  
در حیض با و حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر منقول است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
و سلم که چون کسی خواهد که با زن خود مجامعت کند بروش مرغان بنزد او نرود بلکه اول با و دست  
بازی و خوش طبعی بکند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت جماع  
سخن مگوئید که فرزند یکم بهم رسد لال باشد و در آنوقت نظر بفرج زن کنید که بیم آنست که فرزندی که  
بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر آنحضرت منقول است که باکی نیست نگاه کردن بفرج زن در وقت  
جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده است که مرد و زن در سیکه خضاب بجا و غیر آن بسته باشد  
جماع نکنند و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از مرد و زن  
دور شود چو نیت فرمودند باکی نیست باز پرسیدند که اگر کسی نسج زنش را بپوشد چو نیت فرمود که باکی  
نیست و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که اگر کسی زن خود را بپوشد و با و نظر کند چو نیت فرمود



که مکرراتی بهتر از این میباشد پرسیدند که اگر کسی بدست و انگشت با فروز زن خود و کیز خود بازی کند  
چونست فرمود که بایک نیست اما بغیر از اجزائی بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند پرسیدند که آیا میسوزاند  
که در آب جماع کند فرمود که بایک نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند از جماع کردن در حمام  
فرمود که بایک نیست حضرت صادق علیه السلام فرمود که مرد با زن و کیز خود جماع نکند در خانه که طفل  
باشد آن طفل ذماتر شود یا فرزندى که بهم رسد زنا کاری شود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقول است که فرمود بخوانند ای که جانم در قبضه قدرت اوست که اگر شخصی با زن خود جماع  
و در آنخانه شخصی چهار باشد که ایشانرا ببینند یا سخن و یا صدای نفس ایشانرا بشنود فرزندیکه از ایشان  
بهر کسی متولد گشت نیاشد و زنا کار باشد و چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام اراده تعاقب زنان نمودند  
خدمتگاران را دور میکردند و در بار می بستند و پرده می انداختند و از حضرت صادق علیه السلام  
منقول است که کسی که با کیزی جماع کند و نخواهد که با کیز دیگر پیش از غسل جماع کند و وضو سازد و در حدیث  
صحیح وارد شده است که بایک نیست که مرد با کیز خود و طفلی کند و در خانه دیگری باشد که ببینند و بشنود  
و شهر میان علماء اینست که بایک نیست که مرد با بین و کیز خود بخوابد اما مکرده است که در میان  
دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بایک نیست  
که مرد در میان دو کیز خود بخوابد اما مکرده است که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بایک نیست که مرد در میان دو کیز خود و آزاد بخوابد و فرمود  
که اگر است دارد که مرد در قبضه جماع کند و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع  
میتواند کرد فرمود که نه و در قبضه و پشت بقبله جماع نکند و در شتی جماع نکند و حضرت امام موسی کاظم  
علیه السلام فرمود که دوست ندارم که کسی که در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف  
ضرری داشته باشد بر خود و بعضی علماء قائل بمرحمت شده اند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
نهی فرمود از آنکه کسی متعمد باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود که اگر کند فرزندى که بهم  
دیوانه باشد طاعت نکند مگر خود را و حضرت صادق علیه السلام فرمود که مکرده است جنب شدن و قیستیکه  
آفتاب طلوع نمیکند و زرد می باشد و هم چنین در زردی آفتاب و قیست فرود رفتن و حضرت  
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که مستحب است در شب اقل ماه مبارک رمضان

جماع کردن و از ابوسعید خدری منقول است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم صفت نمود بحضرت امیر المومنین علیه السلام که یا علی چون سر و دست داخل خانه نشود و کفش بپایش مکن بنشیند و پایها بر نشاند و آن آب را از در خانه میستهای بخانه بپاش چون چنین کنی خدا یتقایی هفتاد هزار نوع پریشانی را از خانه تو دور میکند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانه تو کند و هفتاد هزار نوع حمت بر تو فرستد که بر سر و رخسار تو آید تا آنکه آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گرد و دعوس از دیوانگی و خوره و دهمی آدران خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه کشنیز و سبب تش پس حضرت امیر المومنین علیه السلام گفت یا رسول الله بچه سبب او را منع کنم از اینها فرمود که زیرا که رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم می شود و فرزند نمی آید و در دھیری که در ناهیه خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و در میان ماه و آخر ماه که دیوانگی و خوره و خط و ماغ رله می یابد آن زن فرزندانش یا علی جماع مکن بعد از پیشینگی اگر فرزندی بهرسد احوال خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی بهرسد این نیستی که دل باشد و نگاه نکند احدی بسبب زن خود و چشم پوشد در آن حالت که نظر کردن در آن حالت عیبت کوری سرزند می شود یا علی شهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد محنت یاد یواند باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراشی خوابیده بتواند بخوابد بر سر که آتش از آسمان بهر دو نازل شود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع مکن با زن خود مگر آنکه تو دستمال بر آن خود خفته باشی و او از بر آن خود دستمال داشته باشد و هر دو خود را یک دستمال پاک بکنند که دشمنی میان شما پیدا نشود و آخر بجائی کشید یا علی استاده با زن خود جماع مکن که از فضل خزانست و اگر فرزندی بهرسد مانند خزان خست خواب بول کند یا علی در شب عید فطر جماع مکن که چون سر زندی بوجود آید شر بسیار از او بوجود آید یا علی در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شش انگشت یا چهار انگشت درست داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد جلا دشمنه مردم بود یا رئیس و سرگروه ظلم بود یا علی در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده یا ویزی که اگر فرزندی بهرسد همیشه در بد حالی و پریشانی بود تا ببرد یا علی در میان اذان و اقامت جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید راغب باشد و رخون بخشن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بے وضو که اگر چنین کنی فرزندی که بهرسد کور و فلج باشد

یا علی در شب نیمه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد شوم باشد و در رویش نشان سیاه باشد یا علی  
در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد عشار و یاور طالمان باشد و ملاک بیاری از  
مردم برست او نشود یا علی بر پشت بام خانه جماع مکن که اگر فرزندی بهرسد منافق و ریاضت‌کننده  
و صاحب بدعت باشد یا علی چون بستر بروی در آن شب جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید مالش  
بناحق صرف کند و اسراف کند گان برادر شیاطین اند و اگر بستر بروی که سه روز راه باشد جماع  
مکن که اگر فرزندی بهرسد یاور طالمان باشد یا علی در شب دوشنبه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید  
حافظ قرآن و داضی بقیمت خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه فرزندی که بهرسد بعد از  
سعادت اسلام او را شهادت روزی شود و دوازده سالش خوش بود و دلش رحیم و دوشش جوانمرد و زبانش  
از رغبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب شنبه فرزندی که بهرسد حاکی از احکام شریعت  
یا عالمی از علمای باشد و اگر در پنجشنبه قتی که آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود  
فرزندی که بهرسد شیطان نزدیک او نشود و ناپیر شود خدا و اسلاستی در دنیا و دین رو به کند  
یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه فرزندی که بهرسد حلیب و سخن گو باشد و اگر در روز جمعه بعد از نماز عصر  
جماع کنی فرزندی که بهرسد از دانا یا دانش‌سهر باشد و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن است  
که آن فرزند از ابله باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی که بهرسد انیسبتی  
ساهر باشد و نیاز را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من بپاسوز چنانچه من از جبرئیل  
آموختم و در حدیث معبر منقول است که در روز عقد حضرت فاطمه علیها السلام حقیقی امر کرد و صدقه  
که آنچه دارم می‌سوزد و بریز برائی نثار حضرت فاطمه علیها السلام پس آنچه داشت از مردارید و مرجان و جواهر  
بر این بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را بار بودند و از روز قیامت معاشرت کمی شدند و بهرید  
یک دیگر می‌فرستند و میگویند که این نثار حضرت فاطمه علیها السلام است و در شب زفاف اشتر  
آشوب حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند و قطیقه بر روی آن انداختند و حضرت  
فرمود که امی فاطمه سوار شو و سلمان لجام اشتر را کشید و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
از عقب روان شدند و دشمنانی راه صدائی ملاک که بگوش مبارک آنحضرت میرسد و جبرئیل با هزار  
ملک و میکائیل با هزار ملک فرود آمدند و گفتند که ملاک حقیقی بحجت زفاف حضرت فاطمه علیها السلام

فرستاده است پس برئیل و میکائیل اللہ اکبر می گفتند و ملائکہ با ایشان موافقت میکردند باین  
سبب سخت شده است کہ در زفاف اللہ اکبر میگونیید و در روایت دیگر منقول است کہ شخصی خدمت  
حضرت صادق علیہ السلام عرض کرد کہ ما طعامها جعلی آوردیم و بسیار پاکیزه و خوشبو می بوی  
طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود زیرا کہ ہر طعام عروسی ہمیشہ می دزد چون آن طعامی  
کہ از برای حلال قہیامی کنند و در آحادیث معتبرہ وارد شده است کہ سنت آنست کہ عروسی  
در شب واقع شود و طعام چاشت بخند شود و در بعضی اخبار وارد شده است کہ نثار عروسی را بپول  
پرداشت اما چون غارت کنند و از یک دیگری را باند کہ است دارد و ملائکہ انکہ قہی جائز است  
برداشتن کہ بقرآن معلوم شود کہ صاحبانش راضی اند کہ مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر  
علیہ السلام منقول است کہ ہر گاہ شمار العروسی بطلبند دیر برود زیرا کہ دنیا را بیا دشامی آورد  
و چون شمار را بچازہ بخوانند زود برود چون آخرت را بیا دشامی آورد و در حدیث دیگر منقول است  
کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ ہنرمند بود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راہ کہ مردم در  
کنند و فرمود کہ ہر کہ در میان راہ جماع کند خدا و ملائکہ و مردم او را لعنت کنند و حضرت رسول  
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ باموزید از کلانہ خصلت را پنهان جماع کردن و بامداد طلب  
روزی رفتن بسیار حذر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ فرمود کہ ہر گاہ کسی  
خواہد کہ باز نوزد یکی کند تعجیل کند کہ زنان را کارہا بسیار پیش از جماع و ہر گاہ کسی زنی را بیند  
و خوشش آید پس برود و باہل خود جماع بکند کہ انچه باین مست با انہم مست و شیطا نرا بیل خود راہ  
ندہد و اگر زن نہاشتہ باشد دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر محمد وآل و بہر کنند  
پس از فضل خدا نانی سوال کند کہ ہستہ خدا و عطا یفرماید انچه او را از حرام باز دارد و در حدیث معتبر  
از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند  
مانند دو خر زیرا کہ اگر چنین کنند ملائکہ از ایشان دور می شوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام  
محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ جائز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکہ نہ سالتش تمام شود  
پس اگر بکند عیبی بآن دختر برسد ضامن است و در حدیث دیگر منقول است کہ مکروه است جماع  
کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و آنوقت فرو رفتن آفتاب تا بر طرف شدن سترخی طرف مغرب بدو و دیگر آن نوز

آفتاب گیرد و در غمی که در آن شب باده بگیرد و در شب باروزی اگر در آن روز با وسایه یا سرخ باز رود  
 حادث بشود و در شب باروزی که در آن زلزله حادث شود و الله که اگر کسی جماع کند درین اوقات  
 پس از آن روز نند بهر سه نبیند و آن فتنه چیزیکه دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل  
 نموده است و در تفهیم الرضا مطهر است که چون بعد از غسل دادن مبت پیش از آنکه غسل مس میت  
 کنی خواهی که جماع کنی اول وضو بپاش و بعد از آن جماع کن و از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست  
 که هرگاه کسی را در دهی بهر سیاه عورت در مراجعش غالب شود پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود  
 و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با زن خود در حالت خضای جماع کند فرزندی که  
 بهر سه منجست باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع کن  
 تا کنیز نزد او بر آید و بر آنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست  
 که حضرت صادق علیه السلام هرگاه که بعد از جماع و پیش از غسل اراده بنزدیکی میکرد و اقل وضو  
 می ساختند و در روایت دیگر منقول است که اگر کسی انگشتی را با او باشد که بر آن نام خدا نقش کرده  
 باشد جماع نکند **فصل پنجم** در آداب نماز و عادت شب زفاف و در وقت مقاربت زمان و در حدیث  
 صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را بنزد تو بیاورد و ند بگو که پیش از آن  
 وضو بپاش و وضو بپاش و دو رکعت نماز کن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس  
 آهی بگو و صلوات بر محمد و آتش نبیست پس حاکم و امر کن زن را که با او آمده اند که آمین بگویند  
 و این دعا را بخوان **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهَامَ وَدِّهًا وَرِضًا هَادٍ وَأَنْصِبْ فِيهَا وَاجِّعْ قَيْنَا بِأَخْسَرِ**  
**الْجَمَاعِ وَأَيُّهَا بِلَدَائِفِ فَلَا تَكُ تَحِبُّ الْحَلَالَ وَفَكْرُهُ الْحَرَامَ** بعد از آن فرمود که الفت از جای  
 خدایت و دشمنی از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال گردانیده مکر طمع مردم  
 گرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف  
 نزد عروس بروی پیشانی را بگیر و رو بقبله آورد و بگوید **اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا بِكُلِّ أَمَانَةٍ**  
**اسْتَحَلَّهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا**  
**تَجْعَلِ الشَّيْطَانَ فِيهِ شِرْكًَا وَلَا تَضَيِّبًا** و در حدیث معتبر دیگر از حضرت منقول است که دست  
 بر آید پیشانی را بگذارد و بگوید **اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ تَرَوُّهُمْ وَأَوْفَى أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا بِكُلِّ أَمَانَةٍ**

استحکمت فرجهها فان قضیت لی فی رَحْمَتِهَا شَيْئًا فَأَجْعَلَ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا أَجْعَلُهُ شُرْكًَا  
شیطانا را دمی پرسید که فرزند چگونه شرک شیطان میشود فرمود که اگر وقت جماع نام خدا برود و  
شیطان دور میشود و اگر نه برود ذکر خود را با ذکر شخص اغل میکند پس جماع از هر دو میباشد و نطفه کی است  
پرسیدند که بچه چه میزان است که شیطان در گهشیده یک شده است فرمود که هر که مرا  
دوست میدارد شیطان با دشمن است و هر که دشمن است شریک او شده است  
و برین مضمون احادیث از طرق عامه و خاصه بسیار واروده است و از حضرت امیر المومنین  
علیه السلام منقول است که در وقت زفاف این دعا بخواند اللَّهُمَّ بِكَ إِنِّ اسْتَحَلَلْتُهَا وَبِأَمَانَةٍ  
أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَوْ دَوْدَ دَاوُدَ وَلَا تَجْعَلْهُ نَافِلًا حَالًا وَلَا تَقْتُلْهُ عَمَّا سَرَحَ وَ در  
روایت مغرب دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا بخواند جَلِّ ابْنِ ابْنِ اللَّهِ اسْتَخَلَّتْ  
فَرْجُهَا وَفِي أَمَانَةٍ اللَّهُ أَخَذَ ثَمَّ اللَّهُمَّ إِنِّ قَضَيْتُ لِي فِي رَحْمَتِهَا شَيْئًا فَأَجْعَلُهُ بَارَأً تَقِيًّا  
وَأَجْعَلُهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شَرَكًا لِلشَّيْطَانِ وَ در حدیث دیگر از حضرت منقول است  
که حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند راوی گفت که چه  
باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته باشی بگو یٰ اَللّٰهُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ  
اَلَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَ اَلْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِنِّیْ فِیْ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ  
خَلِیْقَةً فَلَا تَجْعَلِ الشَّیْطَانَ فِیْهِ شَرِكًا وَلَا تَقْضِیْهَا وَلَا تَخْطَا وَ اجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصْغًی مِنْ  
الشَّیْطَانِ وَ بَرِّحْ بِلَّحْلِ شَأْنِیْ وَ در حدیث دیگر فرمود که چون خوابد که شیطان شریک نشود  
بگو یٰ اَللّٰهُ و پناه بزو سجد از شر شیطان و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
که چون کسی اراده جماع داشته باشد بگوید اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنِی الشَّیْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّیْطَانَ مَا رَفَقْتَنِیْ  
پس اگر فرزندی بوجود آید شیطان هرگز با وضو نرساند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
منقول است که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اَلزُّقْنِیْ وَلَدًا وَ اجْعَلْهُ تَقِیًّا زَكِیًّا  
اَیْنَ فِیْ خَلْقِهِ زَیَادَةٌ لَا تَقْصَانُ وَ اجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اِلَی خَیْرِ فَصل ششم در بیان حق  
شهریک دیگر و احکام ایشان از حضرت محمد باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام منقول  
است و جمعی برائی مان غیرت جائز نموده است و از برای مردان غیرت فرموده است



اندر برای مردان چهار زن و از شصت و یک نفر آنچه خواهد حلال گردانیده است و از برای زن پنج نفر یک  
 شوهر حلال گردانیده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا اراده آن نماید نزد خدا تعالی زناکار است  
 و غیرت و رشک نمی برند مگر زنان بدو زمان مومن صاحب رشک نمی باشند و در حدیث غیر  
 دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که رشک بدون زمان از بسیاری دوستی ایشان است  
 نسبت شوهران و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گفتن مرد با زن که ترا  
 دوست میدارم هرگز از لای او بدر نمی رود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
 که زنی آمد بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر بر زن  
 حضرت فرمود که لازم است اطاعت شوهر نماید وافرایی او کند و از خانه او بی رخصت و تصدیق  
 نکند و روزه سنت بی رخصت او نگیرد و هر وقت که اراده نزدیکی او کند مضایقه نماید اگر چه بر  
 پالان شتر باشد و از خانه شوهر بی رخصت او بدر نرود اگر بدر دوی رخصت او ملائکه آسمان زمین  
 و ملائکه غضب دلا که حمت همه او را لعنت کنند تا بجا نهد برگردد و گفت یا رسول الله حق که بر مرد  
 عظیم است فرمود که حق پدر گفت حق که بر زن عظیم است فرمود که حق شوهر پرسید که من شوهر  
 آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود و نه از صدیکی نیز آن زن گفت قسم بخورم بان خدائی که  
 ترا بخت فرستاده است که هرگز شوهر نکندم و در حدیث دیگر منقول است که زنی بنجد حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله آمد و سوال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آن است که توان گفت  
 پس فرمود که از جمله آنها آنست که روزه سنت بی رخصت او ندارد و از خانه بی رخصت او بدر  
 نرود و به نیکوترین بویهای خوش خود را خوشبو کند و به نیکوترین جامه با خود را بپوشد و به بهترین  
 زینت با خود را بیاید و هرگاه دوشام خود را بر عرض کند که اگر اراده جماع داشته باشد یا نکند و در  
 حدیث دیگر فرمود که هیچ چیزی بی رخصت او کم نمی آید و اگر بعد کنایه اش از برای آن زن است و ثوابش  
 از برای شوهر و هیچ شب تنهایی که شوهر از دشمنانک باشد زن گفت هر چند شوهر بر تو ظلم کرده باشد  
 فرمود که ای و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر زنی که شب بسر آرد شوهر از او آزرده باشد  
 نمازش مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که بویی خوش را بر شوهر خود بکشد نمازش  
 مقبول نشود تا آن بویی خوش را از خود بشوید و فرمود که سه کس اند که هیچ عمل آنها بالا میرود و خطام

اگر خجّه وزنی که شوهرش از و راضی نباشد و کسیکه جامه خود را از روی کبر بلند آویخته باشد و در احادیث  
 معبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته  
 شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار شوهران و غیرت آوردن ایشان بپسند و حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر امر بیکر دم که کسی برای غیر خدا بکند هر آینه میگفتم که زمان بر اسم  
 شوهران بکشد و فرمود که زن نماز خود را طول ندید برائی اگر منع کند شوهر خود را از آنچه او  
 میخواهد و فرمود که هرگاه شوهر او برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود بپوسته ملاکد او را  
 لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقول است که زن از مال خود به هیچ چیزی خصمت شوهر نمیتواند داد  
 اگر حج یا زکوة یا نیکی به پدر و مادر خود یا صلوات بخواند و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
 علیه السلام نقل است که هر زنی که شوهر بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده‌ام ثواب عملهایش همه بر طرف شود  
 و در احادیث معبره بسیار وارد شده است که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدیش را بپوشاند  
 و اگر بی کند بر و بچشمه و غوغا کند و در حدیث دیگر منقول است که رویش نکند نزد او و یک روز نه  
 یک روز او غن برائی بایین بدن با و بدد و هر سه روز یک مرتبه نوشتن بر او بسیار در روزگاری  
 و سده و خنایشش ماه یک بار با و بدد و در هر سال چهار جامه شش بدد و از برای برستان و دواز  
 برای بانستان و باید که خانه اش خالی نگذارد و غن برائی باییدن سر و از سر که وزیت و روزی  
 یک من که نه قوت با و بدد و سیو با که همه اش بخورند با و بخوراند و در عید باز یاده از اوقات دیگر خوردن  
 از برای او بگیرد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر سید از خدا در حق و ضعیف یتیمان  
 و زنان و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین شما آن کسی است که با زنان بهتر  
 سلوک کند و فرمود که خیال مرد سیران اویند و محبوب ترین نزد خدا کسی است که احسان با سیران  
 نمیشتر کند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موجب هلاک صاحب مرویت که در شهر می که  
 زارش بدان شهر باشد و شب در خانه دیگر بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است  
 نموده و حضرت امام حسن علیه السلام که زهار مشورت با زنان مکن که برای ایشان ضعیف است و علم ایشان  
 نیست است ایشان را بپوشد و پرده بار و بیرون مغرست قاتلانی چنان کن که بغیر از تو مردانشانند و ایشان خدتی  
 که بغیر از آنچه تعلق بر ایشان دارد نگذارد که این از برای حال ایشان و خوشنویسی ایشان و حسن و جلال

ایشان بهتر است زیرا که زن گفت خدا نگذاشت و همین خودش اگر می داند و چنان در او حق  
 دیگران قبول کن و خود را بدست او بسپارده و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 و سلم منقول است که زنا را او غرضه و بالاحاقه جامه میدهد و چیزی نوشته است بایشان میاموزید و میفرمود  
 یوسف بایشان تعلیم مکنید و چرخ رشتن ایشان را میاموزید و سوره نور بایشان تعلیم کنید و حضرت  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود از آنکه زنا را بر زن میگویند و فرمود که در تکلی اطاعت  
 زنان کنید آنکه بطبع نیفتند در امر کردن شما به بدیها و بخدا پناه برید از بهان ایشان و از نیکان ایشان  
 در صبر باشید و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رازی بایشان گویند و درباره خویشان  
 شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که مردی که کارهای او را این  
 تدبیر کند ملعون است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون اذنه بگشودند بانان خود  
 مشورت میکردند آنچه ایشان گفتند خلاف ایشان میکردند و حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 و سلم فرمود که هر که اطاعت زن خود بکند خدا او را سرنگون بکند انداز گفتند یا رسول الله این اطاعت  
 که ام ایست که از درخت طلبد برای پیروی و بجام و عروسها و عید کاها و غایبها برود و از دست بهم و  
 جامه پاشی نازک از او طلبد که در بیرون پوشد و برانی او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که زن مثل  
 استخوان کج پهلوست که او را بحال خود بگذاری مستفیع میشود و اگر نواهی راست کنی می شکند  
 پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان بدانکه از جمله حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکبار بوی  
 با وضو کند اگر حاضر باشد و عذری نباشد و این واجب است و اگر چندین داشته باشد پیش  
 یک زن یک شب بخوابد واجب است که پیش زنها می دیگر هر یک یک شب بخوابد و جمعی را افتاد  
 آنست که مطلقا واجب است که پیش هر زنی چهار شب یک شب بخوابد خواه یک زن داشته باشد  
 خواه زیاد و این احوط است و در کثیر و متعه اینها واجب نیست اما بهتر آنست که کثیر می که داشته باشد  
 خود دفع شهوت او بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر کند و آنها را نکند  
 گناهش بروت و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته باشد و زن دیگر بخوابد اگر با مرد  
 است تا هفت شب مخصوص است و اگر غیرا کرده است تا سه شب غسل میبفشد و بیان دنا  
 طلب مزند و فضیلت آنها از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرزند صالح

گلیست از گلهائی پشت و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار هر سانید  
 که من بسیار شیخا در قیامت بمات خواهم کرده حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله فرمود  
 که بیماری که بفرزند میرسد کفاره گناه پدر و مادر است و در حدیث صحیح منقول است که روزی جبرئیل  
 علیه السلام نازل شد و حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت امیر المومنین علیه السلام ناله  
 میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که دو طفل مادر داشتند  
 و بگریه ایشان منادی می شدیم جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد حق تعالی برای فرزندان شما شیعی چند برگزید  
 که چون اطفال ایشان گریه کنند تا هفت سال گریه ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد  
 گریه ایشان طلب آمرزش نباشد بزرگوار و مادر پس چون بحد بلوغ برسد پدر و مادر ایشان شریک در ثواب باشند  
 و در گناه شریک نباشند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که زن از روزی که  
 حامله می شود تا روزی که وضع حملش شود و تا فرزند را شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سه صد  
 بار خزان مرالطه نماید و وقع ضرر ایشان از مسلمانان کند و اگر درین بابین بمیرد ثواب شهیدان دارد و در  
 حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حضرت عیسیٰ بقبری گذشت که  
 صاحبش را عذاب میکرد پس در سال دیگر بهمان قبر گذشتند صاحبش را عذاب میکردند از آن حال  
 سوال کرد از پروردگار خود و می بایست که درین سال فرزندش آید از بحد بلوغ رسیده و همی لاصلاح  
 گرفت و قسمی با جاده پایین سبب او را از کرده فرزندش آمرزیدیم پس حضرت فرمود که میراثی که از برای خدا  
 از بنده میماند فرزند است که بعد از و بعبادت خدا قیام نماید و در روایت دیگر منقول است که کسی که بی  
 بمیرد و گویا هرگز در میان مردمان نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندش از بحد بلوغ رسیده است و در حدیث صحیح  
 معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که حق تعالی بر دختران مهران ترست  
 از پسران و هر مردی که شادی برساند بزرگی که با و خوشی داشته باشد و محرم او باشد خدا تعالی او را در  
 قیامت شاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران جنات اند و پسران نعمت اند و خدا بر حسب  
 ثواب میدهد و از نعمت سوال میکند و از حضرت یکی از اصحاب خود فرمود که شنیده ام که دختری هر شیئی  
 میخواهی او را بفرموده تو گلیست که او را بوی میکنی و روزش بر خداست و حضرت رسول در دختران  
 بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت ابراهیم از پروردگار خود سوال کرد که دختری او را روزی که

که بعد از مرگ هر که کند و فرمود که هر که آرزوی مرگ دختران خود کند و میرد ثواب بیست و هشت باشد  
و در قیامت نزد خدا عاصی باشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله وسلم نشسته بود خبر داد رسید که دختری برائی افتاده شده است زانکه متغیر شد حضرت فرمود که  
زمین او را بر میدارد و آسمان بر او سایه می افکند و خداوند زایش میدهد و کلبه است او را و بی پسند احباب  
خود رو گرداند و فرمود که هر که یک دختر دارد بارش گران است و هر که دو دختر دارد بخت او گدازد  
بغیر او و او بری و سبک است و دختر داشته باشد جهاد و ساز آزار باز و بر داید و سبک چهار دختر داشته باشد  
ای بندگان خدا و او را یاری کنید ای بندگان خدا و هر که ضعیف است ای بندگان خدا و او را رحم کنید  
و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقول است که هر که سه دختر باشد و نفقه بدیست او را واجب است او را  
واجب شود بعد از آن فرمود که هر که دو دارایی یکی را هم نفقه بدیست او را واجب نمود و آنحضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه کسی پدر فرزند بپرستد این دعا بخواند اللَّهُمَّ لَا تَنْسَني فَوْكَ الْوَأْتِ  
خَيْرَ الْوَارِثِينَ وَبِعْدَ الْوَحْشَةِ أَفْقَوْ شُكْرِي عَنْ فَكْرِي بِلِ هَبْلِي عَافِيَةَ صِدْقِي ذِكْرِي وَآفَاتِي  
أَنْتَ يَهْمُ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاسْكُنْ الْيَهْمُ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاسْكُرْ عِنْدَ تَمَامِ الْبُعْثَةِ مَا هَابَ يَاعَظِمُهُ  
يَا عَظِيمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ تَكُونُ حَتَّى تُلْعِنِي بِهَا وَضَوَائِكَ فِي صِدْقِي الْحَدِيثِ وَأَدَائِي  
الْمَا قَدْ وَفَّاءُ الْعَهْدِ بِالْعَهْدِ وَبِهِ يَتَحَسَّنُ دِينُ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ  
بِخَيْرِ الْوَارِثِينَ وَدَرِ رَوَايَتِ دُخَانِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ  
بِمَدَدِ الْوَارِثِينَ وَبِهِ يَتَحَسَّنُ دِينُ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ  
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرَ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً اللَّهُمَّ سَمِعْتُكَ سَمِعْتُكَ سَمِعْتُكَ سَمِعْتُكَ سَمِعْتُكَ  
يَا سَمِيكَ اسْتَحْلِلْهَا وَفِي أَمَانِكَ أَهْلُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِكَ وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ عِلْمًا مَبَارَكًا  
مَرْكَبًا وَلَا تَحْلِلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَلَا كُفْيَسًا وَدَرِ رَوَايَتِ دُخَانِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ الْغُلَامِ  
امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد که ما فرزند نمیشویم و فرمود که در هر روز یا هر شب صد نوبت استغفار بکن  
و بهتر است که استغفار الله ربی و اتوب اليک بگویند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است  
که هر که صد نوبت استغفار الله ربی و اتوب اليک بگویند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است

سُبْحَانَ اللَّهِ بگوید پس یک نوبت استغفر الله رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید رولای گوید که جمعی  
 کثیر باین عمل در اوست نمودند فرزندان بسیار بهر سانیدند و در هر یک ازینها بگفتن استغفر الله شهادت  
 اکتفا بنوان کرد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای  
 فرزندان در محضر استغفار صد مرتبه بکن و اگر کسی فراموش کند در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر آن  
 حضرت شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللَّهُمَّ إِنِّي تَرَفَّقْتُ ذَكَرًا  
 سَمِيَةً فَحَسْبُكَ وَدر حدیث دیگر منقول است که شخصی تجددت حضرت امام رضا علیه السلام شکایت  
 کرد که من همیشه بیچارم و مرا فرزند نمی شود فرمود که در خانه خود صد بار اذان گفتن بلند کن چنان کرد  
 بزشت یافت و فرزندان بسیار بهر سانید و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که شخصی شکایت کرد که مرا فرزند نمی شود فرمود که چون خواهی که بز فرزند بروی این  
 سه آیه بخوان که انشاء الله ترا فرزند می گرامت میکند وَذَاقُوا النَّوْنُ إِذْ ذَهَبَ مَعَاذِبُهَا فَقُلْتُ  
 إِنَّ لَنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ  
 الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُبْرِئُ الْمُؤْمِنِينَ وَذَكَرْنَا إِفْدَاءَ بَنِي مَرْيَمَ  
 رَبِّهَا لَا تَنْكُرْ فِي فَرْدٍ أَوْ أَنْتَ خَيْرُ الْوَكَارِثِينَ وَدر حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود وقت کند  
 که اگر مرا فرزند نشود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را پسری روزگار کند و از حضرت امام زین  
 العابدین منقول است که هر که این دعا بسیار بخواند هر چه خواهد از مال فرزند و خرد و دنیا و آخرت بدو  
 عطا فرماید رَبِّ لَا تَنْكُرْ فِي فَرْدٍ أَوْ أَنْتَ خَيْرُ الْوَكَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثَنِي فِي  
 حَيَاتِي وَكَتَفُرْ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْفًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ تَقْيِينًا  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْخَظِيمُ الرَّحِيمُ واز برای فرزندها مفاد مرتبه  
 این دعا بخواند از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر گاه زنی را حمل باشد و چهار ماه برود بگذرد  
 روی او را قبله کن و آیه الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي فَدَّ سَمِيَةً فَحَسْبُكَ  
 یعنی خدا یا من او را محمد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را بر گرداند پس اگر او را محمد نام کند  
 مبارک باشد و اگر او را محمد نام کند و نام دیگر بگذارد خدا اگر خواهد و بگیرد و اگر خواهد یا بخشد و در  
 چند حدیث منبر وارد شده است که هر که زن او حمل داشته باشد و عزم کند که او را محمد یا علی نام کند او را



پرس شود در حدیث دیگر آنست که او را اصلی نام کن که عمرش طهر باشد و در کتاب طب الاثره  
 روایت کرده که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از یکی فرزند حضرت  
 فرمود که سه روز بعد از نماز صبح و غرض مفاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه استغفر الله بگوید  
 این بخوان استغفر و اذکاره اِنَّهٗ كَانَ عَقْدًا اَوْسَلَ السَّمَاءِ عَلَیْكُمْ مِنْ دَارِ اَوْفَیْهَا ذَکَرُ  
 بِالْحَوَالِ وَتَبْنِیْ وَیَجْعَلُ لَکُمْ جَنَافٍ وَیَجْعَلُ لَکُمْ اَهْمَادًا یَسْ وَشَبَّ یَوْمَ بَارِئِ خَوْفِ جَعَلِ کُنْدَ کَ  
 خدا پسری که خلقش درست باشد تو عطا فرماید و در کتاب نوادر الحکم روایت کرده است که شخصی  
 به نزد امام محمد باقر علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله هفت و ختر بهر سانیده ام در وی پس  
 حامل ندیده ام حضرت فرمود که وستی که میان پائی زن نشینی دست راست خود را بر جانب راست  
 ناف زن بگذارد و سوره انا انزلنا هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون اثرش ظاهر  
 شود شهادت بر جانب راست ناف او بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد  
 گفت چنین کردم حقیقی امر هفت پسر بهم روزی کرد و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است  
 که هر که فرزند خواهد باید که استغفار بسیار بگوید فصل هشتم در بیان احکام ایام حمل و آداب روز  
 ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن حامله پنج جور تا فرزند  
 بخوشتر و زنگ فرزندی صاف تر باشد پسند منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله وسلم فرمود اول چیزی که زن زاینده بخورد باید که رطب باشد چنانچه حق سبحانه تعالی بحضرت یم  
 فرمود بعد از زاینده حضرت عیسی علیه السلام رطب بخور گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کنند  
 فرمود که بر دانه خرمائی مدینه بخورد و اگر نباشد به دانه از خرماهای که باشد بخورد پسند که حضرت  
 و جلال خودم سوگند که هر زن تازه زاینده که رطب بخورد و فرزند او را بردارد و بارگردد و نام و در حدیث معتبر  
 از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که بزنان حامله کند بخور زاینده پسند که چون  
 طفل را در شکم مادر گذارد خدا شود دلش محکم و عقلش زیاده میشود و اگر پسند شجاع می شود و اگر دختر باشد  
 شیرش زنگ می شود پس این نزد شوهر عزیز می باشد و در حدیث معتبر منقول است که حضرت علی بن  
 حسین علیهما السلام چون وقت ولادت زن می شد میفرمود که نماز از خانه ببرد و پسند که اول آن  
 نظر بر عورت طفل نهد و منقول است که چون آن حضرت بشمارت فرزند میدادند می پرسید که پسر است

یا دختر بلکه اول می پرسید که خلقتش درست است پس اگر غمی نداشت که درست است و عیسی  
در خلقتش نیست میفرمود **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَ شَيْئٍ مِمَّا خَلَقَهَا** یعنی سپاس خداوندی را  
که از من نیافرید فرزندی که تسبیح و محبوب باشد و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است  
چون سرزند متولد شود بقدر حدی از با و نیز بخیر و در آب حل کن و دو قطره و بیسی است و یک قطره  
در بینی چپ او بریزد و در گوش است او اذنان و در گوش چپ او اقامت بگویش از آنکه نافرمانی  
که اگر چنین کنی هرگز ترس با و نمیرسد و امام حسین با و ضرر نیرساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا  
دیگری را بگویند که اقامت در گوش راستش بگوید که هرگز فرزندت میان با و نرسد و دیوانه نشود و حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کام طفل را با آب فرات بردارید و بگوشتش اقامت بگویند و در  
روایت دیگر وارد شده است که کاش با آب فرات به تربت قبر امام حسین علیه السلام بردارید  
و اگر آب فرات نباشد آب باران بردارید و آن حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که  
کام فرزندان خود را بخار بردارید که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و حسن و حسین و حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که فرزند از او متولد شود باید که اذنان و گوش راست و  
اقامت در گوش چپ او بگوید که نگاهدارنده اوست از شر شیطان و آن حدیث ولادت  
حسین علیه السلام ظاهر می شود که مکروه است طفل را در ابتدای ولادت در جامه زرد  
پیمچین و سنت است در جامه سفید پیمچین و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که کام  
طفل خود را تربت امام حسین علیه السلام بردارید که امان میدهد او را از مردها و بلاها و آن حضرت  
صادق علیه السلام منقول است که ششمی از نسبت فرمود بر او پسری که خدا با و عطا کرده بود و گفت  
**رَزَقَكَ اللَّهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ الْوَقَائِبِ وَ جَارَكَ اللَّهُ فِي الْمَوْجِبِ وَ قَلَعَ بِأَشْدَّ لَا وَرَقَكَ**  
پس یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند را به تو بخشیده است و برکت و برکت تو در آنچه  
بخشیده و او را به نجات قوت برساند و روزی کند ترا ایکی او یعنی تو نیکو کار باشی و روزی که این  
عبارت بسیار از حضرت امام حسین علیه السلام وارد شده است و آری امیر المومنین علیه السلام از حدیث و کتاب  
سر از آن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه دشوار شود بر زن زاییدن  
نبوی از برای او این آیات را بر پوست و بر جامانی به بند برانگیزد و چون وضع حملش شود باز کن



وَفِيهِ مَا يَكُونُ وَإِنْ تَأْتَوْهُمْ فَلَا تَصْرُخْ لَهُمْ وَلَا لَهُمْ مَقْنَدُونَ إِلَّا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ  
 وَإِذْ أَقْبَلَ لَهُمُ الْفَوْا جِئُوا بِكُمْ وَمَا خَلَقَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا نَأْتِيهِمْ مِنْ أَلْفٍ مِنْ  
 الْهَاتِ تَنَبَّهْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَإِذْ أَقْبَلَ لَهُمُ الْفَوْا جِئُوا بِكُمْ وَمَا خَلَقَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ  
 كَهْرًا لِلَّذِينَ آمَنُوا لِنُظَاهِرَ مِنْ لَّدُنِّي أَهْلَهُ أَطِيعُوا إِنِ اتَّبَعْتُمُ الْإِنْفِ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ يَقُولُونَ  
 مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا تَسْمِئَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ  
 يَخِصِّمُونَ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ وَلَقَدْ فِي الصُّورِ لَآذًا لَهُمْ  
 مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْلَوْنَ وَوَرِثَتْ كَاغْدَابُ آيَاتِ رَبِّهِمْ كَانَتْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَؤُوعُونَ  
 لَمْ يَلْبِسُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَدَاغٍ قَبْلَ يَحْمِلُنَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ كَانَتْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَؤُوعُونَ  
 لَمْ يَلْبِسُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَدَاغٍ قَبْلَ يَحْمِلُنَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ كَانَتْ يَوْمَ يَوْمٍ مَا يَؤُوعُونَ  
 نَاهِيَا مِي سَت كِه دِلَالَت بَر بَنَكِي خَدَا كَنَدَنَسَل مِبِلَلَلَه وَبَهَرِيَن لِهَامَا مِ بِغِيرَان سَت هَارِصَرْت مِرِ اَشُون  
 صَلَوَات اللّٰه عَلَيْهِ وَاَلِهٖ مَنَقُولِ اِسْت كِه خَزَنَدَر دَرْ شَكَم دَا دِيَا مِ بَكْدَا رِبِد وَا كَرَام كَذَارِي دِه مَقْطُوشُو  
 دَرْ قِيَا ت بَا دِرْ خُو دِ بَكُو يَد كِه مَرَا جِ اَنَام كَذَشْتِي وَحَضَرَت سَعَلِ مَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَاَلِهٖ وَسَلَّم مَشْرُفِ زَنَد  
 حَضَرَت فَاطِمَه رَا دَرْ شَكَم نَام كَذَشْتِي حَسَن اَز نَسَر زَنَد اِسْت كِه بَعْدَا زَرْ سَوَالِ خُدَا نُو زَرْ شَكَم بُو دِ كِه اَوَا  
 عَمَر شَيْبِه كِرْدِه اَز حَضَرَتِ مَام مَوْسَى عَلَيْهِ السَّلَام مَنَقُولِ اِسْت كِه اَوَّلِ شَيْخِي نَه پِدَر بَا فَرْ زَنَد خُو دِ كَنَدَنَسْت  
 كِه اَوَا اَنَام نِيَا كِ بَكْدَا رِد وَحَضَرَتِ رِيعَلِ مَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَاَلِهٖ وَسَلَّم فَرْمُو دِ كِه هَر كِه چَا فَرْ زَنَد اَز بَرَا سِي اَو  
 بُو جُو آيَدِه يَكِي بِيَا نَام سَن سَتِي نَسَا زِ دِمَرَا جَا كِرْدِه اِسْت وَدَرْ حَدِيثِ دِي كَرَا زِ حَضَرَتِ اَمَامِ مَوْسَى  
 عَلَيْهِ السَّلَام مَنَقُولِ اِسْت كِه فَرْمُو سِي خَوَالِي دَا ضِلْ فَا نَه نَمِي شُو دِ كِه وَرَا نِ نَمَانَه نَام مَحْسَدِيَا اَحْمَدِيَا  
 يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ يَاحَسَنُ  
 كِه شَخْصِي بَخْدَنَسْت حَضَرَتِ سَعَلِ مَلِي اللّٰه عَلَيْهِ وَاَلِهٖ وَسَلَّم اَدُو گُفْت مَرَا بَرِي يَهْم سِيَا هِ اِسْت چَا نَام كَنَم  
 اَوَا فَرْمُو دِ كِه نَام كَرْنِ اَوَا بَهَرِيَن نَاهَا نَزْدِ مَن دَا نِ حَمْرَه اِسْت وَآزَا جَا بَرْتِ مَنَقُولِ اِسْت كِه بَغْنَتِ يَا حَضَرَتِ  
 اَمَامِ مُحَمَّدَا قَرِ عَلَيْهِ السَّلَام سَخَا شَخْصِي فَرْمُ طِفْلِي بَرِ دُونِ اَكِه حَضَرَتِ اَزُو پَر سِي دِنْدِ چَا نَام دَارِي گُفْت مُحَمَّد  
 پَر سِي دِنْدِ كِنِي ت دَا بَتِي گُفْت اَبُو مَلِي حَضَرَتِ فَرْمُو دِ كِه خُو دَرَا زَرْ شَرِ شَيْطَانِ دَرْ حَضَرَتِ كُحْكِي دَرَا وَرُو دِه  
 بَر سِي كِه مَر كَا شَيْطَانِ شَمَشْتِه وَكِه كَسِي رَا وَآزَا يَكُنْدَنَسَا اَحْمَدِيَا عَلِي آيَشِي دِه چَا نَمِي اَشِي شُو دِه وَآلَا كِه اَشِي شُو دِه كَسِي بَرَا

آواز کی سند بنام کی از دشمنان مٹا دیا شود و محسوس یکنہ و در حدیث دیگر منقول است کہ شخصی بخدمت  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت کہ خدا بر من پیکر داده است فرمود کہ مبارک باشد چنان  
کردی و اورا گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین نہ دو آورد و مکرر رسم محمد را می فرستند آنکه نزدیک  
شد کہ روی مبارک ایشان بر زمین برسد پس نہ نمود کہ جان خود و فرزند نام و زنانم و پدر و مادر و جمیع  
اہل زمین فدای حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باد ایچون اورا چنین نام کرد پس اورا ہشتنام  
مدہ و اورا مران و بدرسانا بر آنکہ بیچ خانہ نیست کہ در آن اسم محمد باشد مگر آنکہ ہر روز آن خانہ رفتند  
و ہنر گردانند و در چندین حدیث وارد شدہ است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نہی  
فرمودہ است ہشنام گذشتن اسم حکم و مکیم و خالہ و مالک نہی فرمود از چہا کنیت ابو عبدی و ابو الحکم و ابو المالک  
و ابو القاسم فرستید کہ نام کنیت ہر روز موافق حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باشد و نہی فرمود کہ  
دشمن ترین نامہا نزد خدا حارث و مالک و خالہ است و در حدیث وارد شدہ است کہ یاسین نام  
نگینہ کہ مخصوص حضرت پیغمبر است و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر  
گرمی کہ جمع شوند برای مشورت و در میان ایشان کسی باشد کہ نامش محمد یا حامد یا احمد یا محمود  
باشد البتہ کہ بچہ خیر است رائی ایشان بران قرار بگیرد و فرمود و فرزند می را کہ محمد نام کنید اورا اگر  
واردید و جائز برای او در مجلس بگشاید و رو بہوی او ترش کنید و فرمود ہر اہل مٹی کہ در میان ایشان  
نام پیغمبری باشد بے بیعتی ہر روز در صبح و شب ہفت بار نامی میفرستند کہ دعا کند برای ایشان بقدر  
چہا و در دفعہ الزمان مذکور است کہ نام را در روز ہفتم نقیص کنید بد آنکہ از جملہ اعمالی کہ در روز ولادت  
سنت ہو کدہ است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست کہ نیت کند  
کہ غسل میدہم این طفل را از برای رضائی خدا و سرور و خوشی و اعلیٰ شعیب بعد از ان بابا سہ شش و بعد از ان  
جانب پیش را فصل نہم در عقیدہ کہ دین و سرتر ازین و آداب ہر یک ازینہا بدان کہ عقیدہ  
فرزند سنت ہو کدہ است چہا بیک نامہ بران باشد و بعضی اہل علم واجب میدانند بہتر آنست کہ  
در روز ہفتم واقع شود و اگر تاخیر کند از روز ہفتم تا بلوغ طفل بر بہت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر  
بر خیر و شہادت است و در احادیث معتبر و بسیار وارد شدہ است کہ عقیدہ واجب است کہ بیک  
اورا فرزند نمی بہم و در احادیث بسیار منقول است کہ ہر فرزندے در گرد و غفیفہ است یعنی اگر

نکند و در معرض مردن و انواع بلاهاست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه  
لازم است بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آن که بهر ساند بکند و اگر بهر ساند بر و چیزی نیست  
و اگر عقیقه برای فرزند نکند و هر وقت یک قربانی برای او بکند قربانی از عقیقه مجزی است و در  
حدیث دیگر منقول است که از آن حضرت پرسیدند که ما طلب کردیم گوشت برای عقیقه است ما  
نیامد چه میفرمایید که تصدق کنیم پیش از فرمود که نه طلب کنید بایا باید که خدا دست میدارد و بخوانید  
طعام و رختن خون را و در حدیث دیگر وارد شده است که پرسیدند از حضرت فرزندی که بمیرد در وقت  
عقیقه اش باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و در حدیث  
معتبر از عمر بن زید منقول است که بخدشت آن حضرت عرض کرد که نمیدانم که پدرم برای عقیقه کرده است  
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است  
که فرزند را روز هفتم نام بگذارد و عقیقه بکند و سرش بشوید و موی سرش را بشوید و بشوید و آن فقره را تصدق  
بکند و یک آن عقیقه را برائی قابل که مد کرده است در زائیدن بفرستد و باقی را بخورد و مردم  
پرسید و تصدق بکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه  
بکنی در روز هفتم گوشتی یا شتری دام بگذارد و سرش را بشوید و در روز هفتم و بوزن موی سرش  
طلا یا نقره تصدق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوشت را بجا بگذارد و اگر بی قابل  
زائیده باشد از اموال و سکه که هر که خواهد بدو آفلان بخورد و ده سال مسلمانان بکشد هر چند زاده باشد  
بهتر است و خود از گوشت عقیقه بخورد و اگر قابل زن یهودیه باشد قیمت ربع گوشت را بدهد و بکشد  
و شهر میان علما آنست که عقیقه شتر یا گوسفند یا بز میباشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز ولادت امام حسین علیه السلام او را در گوش ایشان  
گفتند و حضرت فاطمه صلوٰت الله علیها در وقت عقیقه برائی ایشان کردند و بجا بپای گوشت را دادند  
یا یک شترنی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد و یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا در دو باشد  
یا بیشتر و اگر گوسفند باشد افلاشش یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و باید که  
خصیه اش را کشیده باشند و بهتر آنست که نالیده باشند و مغز ناخن شکسته باشد و گوشتش بخریده  
باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و گاو یا گوسفند یا بز باشد که بپخته باشد و شتر باشد اما در حدیث معتبر از حضرت



صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوشتی که باشد خوب است غرض که  
گوشتش هر چند که فربه باشد بهتر است و مشهور میان علماء آنست که سنت است که عقیقه پسر ز باشد  
عقیقه دختر را و ده شد و گمان شیرینست از برای هر دو گوشت ز خوب است موافق احادیث بسیار  
و از برای هر دو گوشت مادم خوب است و سنت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه بخورند بلکه  
بهتر آنست که از طعامی که در آن گوشت را پخته باشند بخورند و خوردن مادر اگر بهتر است  
و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می باشند از آن گوشت و طعام بخورند و سنت است  
که استخوانها را نشکنند بلکه از بند بجهند و سنت است که پسرند و غلام تصدق بکنند و قش  
آنست که بابت نمک پزند بلکه محفل است که این بهتر باشد و اگر غلام تصدق کنند و این هم خوب است  
و اگر حیوان عقیقه بنیم قشیش را تصدق کردن فائده ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهر سه طیفست که  
جامعتی که بخورد و تنبیه بهر سه خیر باشد اما اصلی و فخر از طلبیدن بهتر است و مشهور آنست که سنت  
است اقل سر بشیند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث وارد شده است که سر ترشیدن عقیقه را  
کشتن موی سر را بطلایا نفر کشیدن و تصدق نمودن یکسجا و یک وقت میباید کرد و در سرشیدن  
سنت است که همیشه بر آب ترشند و زلف و کامل نگذارند و در روایتی وارد شده است که طفلی را نزد  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آوردند که از برای او دعا کنند و آن طفل کامل داشت حضرت  
از برای او دعا نکرد و فرمودند که کاکش را برشند و در روایتی وارد شده است که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو گیسو دو جانب چپ را ایشان  
گذاشتند و در روایت دیگر در میان سه و ممکن است که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در ترشیدن  
اول که ایت و شسته باشد و در روایتی وارد شده است که سنت است که زعفران بعد از سر  
ترشیدن بر او مالند و در احادیث بسیار همی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر طفل  
که این از عمل جاهلیت است و در روایتی متنبیه در روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
که در وقت کشتن گوشت عقیقه این دعا بخواند اللهم الله و بالله اللهم عقیقه عن فلان نام او را  
بگیرد و بگوید اللهم و دمه اید و عظمها بعظمها اللهم اجعلها وقایع ل محمد صلی  
الله علیه و آله و در روایتی غیر دیگر فرمود که این دعا بخواند اللهم الله و بالله و الحمد لله

وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَيْمَانًا بِاللَّهِ وَتَسَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْعِصْمَةُ لِأَمِيرٍ  
وَالشُّكْرُ لِرَبِّهِ وَالْعَرَفَةُ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بِسِائِرِ أَهْلِ الْبَيْتِ بِكُمُورِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ  
وَهَبْتَ لَنَا ذِكْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أَنْعَمْتَ وَكُلَّمَا أَصْنَعْنَا فَتَقَبَّلَهُ مِنَّا  
عَلَى سُنَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخْسَعْنَا الشَّيْطَانُ لِرَحْمَتِكَ  
لَكَ سَفَلَتْ الدِّمَاءُ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَالْعَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كَحَمْدِكَ بِحَمْدِهِ  
وَدَمْدَمَائِدِهِ وَعَظَمَتِهَا بِعَظَمَتِهِ وَشَعَرُهَا بِشَعَرِهِ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا  
وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَبِجَائِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ نَامِ طِفْلٍ وَبِشَرِّ الْبُكُورِ وَدَرِّهِ مِثْلَ مَوْتِ مَكْرٍ  
فَسُودَ كِهْ إِنْ دَعَا بِنَوَازِنَهُ يَهْوُمُ إِلَى بَرٍّ كَيْ يَمُوتَ أَشْرُكَونَ إِلَهِي وَجَهَنَّمَ وَجَعَلِي لِلَّذِي فَطَرَ  
الْسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنْ صَلَوَاتِي وَلَيْسَ بِي وَحْيَايَ  
وَعَمَلِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَبِنَا لَكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ السُّلَمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ  
وَلَاكُ يَسْمِي اللَّهُ وَيَا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ  
فُلَانٍ بِجَائِ إِنْ نَامِ فَرْزَنَدِ وَبِشَرِّ أَسْرَافِئِيلَ أَنْزَاكَ فَصَلِّ وَهَمَّ خُشْتَنَ كَرْدَنِ پَرَانِ وَخُشْتَنَ  
وَسُورَاخِ كَرْدَنِ كُوشِشِ اِنْتَانِ وَأَوَابِ هَرِيكَ بِاَلْكَوَرِ وَهَفْتَمِ سَنَتِ تَوَكَّده است خُشْتَنَ كَرْدَنِ پَرَانِ  
وَاَلْكَوَرِ وَهَفْتَمِ تَكْنِدِ هَمَّ سَنَتِ است بعد از آن تا بالغ شدن طفل و بعد از بالغ شدن بر خود شرب آب  
است و بعضی گفته اند نزدیکی بلوغ بر ولی طفل واجب است خُشْتَنَ كَرْدَنِ پَرَانِ و سَنَتِ شُوبِ  
است که آنکی بزرگ بسیار بزرگ و سورَاخِ كَرْدَنِ زَمَنِ كُوشِشِ است و بالائی كُوشِشِ چپ از برائے  
پَرَانِ سَنَتِ است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خُشْتَنَ كَرْدَنِ  
فَرْزَنَدَانِ خُودِ رَا در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را و گوشت در بدن او زودتر میرود و زین  
کَرِهیتِ دَاوَرِ از بول کسی که خُشْتَنَ اش نکرده باشند و فرموده گوشتش سرد است و سورَاخِ كَرْدَنِ و در روز هفتم  
خُشْتَنَ كَرْدَنِ از سَنَتِ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که زین چپ  
می شود و از بول کسی که خُشْتَنَ اش نکرده باشند پا چهل روز در حدیث صحیح دیگر فرموده که زمین ناله میکند  
بسوی خدا از بول او و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که پس را در روز  
هفتم خُشْتَنَ كَرْدَنِ سَنَتِ است و اگر پس اندازند هم ایکی نیست و حضرت امیر المومنین صلوات الله

علیه و آله فرمود که کسی که مسلمان شود خسته نشود اگر چه پشیمان باشد و در چند حدیث  
وارد شده است که فتنه کردن مردان سنت است و زنا زناست است اما باعث این می شود  
که نزدشوم این گرامی باشند و چه چیز ازین بهتر می باشد و در روایتی از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
منقول است که فتنه کنیز زنا را اگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقول است که چون زنان  
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حجت کردند زنی آمد که او را هم سبیه می گفتند  
و زنا را فتنه می کرد حضرت فرمود که ای احب سبیه انکار می کنی کشتی هنوز داری گفت بلای رسول الله  
مگر آنکه نمی فهمی سبائی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلال است بیا تا ترا یا سوزانم که چه باید کرد  
چون سبیه کنی زنا را بسیار مبر و انکی بگیر که رو را نورانی و رنگ را صاف تر میگرداند و نزدشوم عزیز  
می باشد پس ام علیه خواهد آورد که زنا را اشاعه می کند حضرت یاد فرمود که چون زنا را اشاعه می کنی  
برای جلا دادن پارچه های جامه بر روی ایشان مالیدن خوب نیست آبروی ایشان می برد و سبیا  
دیگر از اربوبی ایشان پیوند من و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در وقت فتنه کردن  
پسران ایند عاجز اند و اگر در آن وقت میسر نشود بالغ شدن طفل هر وقت که میسر شود بر آن طفل  
بخواند که از وصارت آهن را مانند کشتن و غیره آن دفع میکند دعا این است اللَّهُمَّ هَذَا سُنَّتُكَ  
وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتْبَاعُ مَنَّا لَكَ لِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَإِذَا ذَكَرْتَ وَقَفَّا  
لَا كَرِيَّةَ وَفَضَاءَ حَقَّتْهُ وَأَكْرَأَ فَذَنَّا فَادَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خَنَائِهِ وَجَهْلِيَّتِهِ لَا كَرِيَّةَ  
أَنْتَ أَعْرَفَ بِمَا مَنِ اللَّهُمَّ فَظْهِرْهُ مِنَ الذُّلِّ وَفِي عُمُرِهِ وَادْفَعْ الْآفَاتِ عَنْ  
بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعِ عَنْ جَنَابِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا تَعْلَمُ  
و از حسین بن خالد منقول است که از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد که تنبیت و مبارکباد  
فرزند را چه روز باید گرفت فرمود که چون حضرت امام حسن علیه السلام متولد شد جبرئیل برای تنبیت  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و در روز هفتم و امر کرد که او را نام بگذار و دو سرش را  
بتراند و عقیقه از برای او بکند و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین علیه السلام  
در روز هفتم جبرئیل آمده و اینها امر کرد و ایشان را دو کیس بود و در جانب چپ سر در گوش راست  
و در گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش و از حضرت صاحب الامر علیه السلام

منقول است که اگر کسی اخته کند و باز غلاف بود و در سر خشفه را پنهان کند باید که با او دیگر خشفه  
 کند و او را زیر که زمین ناله میکند بسوی خدا نوبل یک خشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح  
 و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی را اخته نکرده باشد پیش نمازی مردم نکند  
 و گواهی او مقبول نیست و اگر بشیر و بروی نماز کنند زیر که بهترین شتهای پیغمبر از آن کرده است  
 مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث دیگر منقول است که اول زنی را که اخته کرده اند  
 با جره بود و آن حضرت اسمعیل که ساره مادر اسحاق از روی غضب اخته کرد و باعث زیادتى خوبی او  
 شد و از آن روز سنت جاری شد که زنا را اخته کنند فصل یازدهم در آداب شیر دادن و تربیت  
 فرزندان و رعایت ایشان بدانکه سنتهای شیر دادن فرزندان دو سال است و شهر میان  
 علما آنست که بی حدیثی زیاده از دو سال شیر دادن جائز نیست مگر آنکه آزاری داشته باشد و مضطر  
 باشد و از بیت و یک ماه کمتر ندید مگر آنکه ضرورتی باشد که دایم بهم برسد یا قادر بر اجرت او نباشد  
 و مادرش شیر نداشت باشد یا آزاری داشته باشد و بعضی علما واجب میدهند که مادر بفرزند بخوراند  
 شیر اقل که بیستانش آید و آنرا شیر پاک می نامند و گفته اند که اگر آن شیر را نهند طفل آینه ها و باقی  
 نمی یابد و آن حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که نافع ترین و مبارک ترین شیر برای  
 فرزند شیر مادر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دیدند  
 که مادر اسحاق فرزند خود را شیر میدهد فرمودند که ای مادر اسحاق از یک پستان شیر ده از هر دو پستان  
 شیر ده که یکی بوض طعام است و یکی بوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیت و یک ماه شیر دهند  
 بفرزند خود ظلم است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گزینند بفرزند شما دایه یهودی و نصرانی  
 میتوان گرفت اما فرزندان را ایشان نباید داد که بخانه خود ببرند و منع می باید کردشان از خوردن  
 شراب و گوشت خوک و سایر چیزهای که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در  
 احادیث معتبره نمی کرده اند از شیری که از زنا بهر سیده باشد و در بعضی اخبار وارد شده است که  
 اگر گزینی نماند و فرزند بهر سانه اگر صاحبی نه حلال کند بفرزند او آن مردی که نکرده است آن شیر را  
 بفرزند میتوان داد و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنا بهر سیده باشد و حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که شیر زن با حق یا زنی که چشمش مصیوب باشد زیرا که شیر

در فرزند تاثیر میکند و حضرت امیر المومنین علیہ السلام فرمود که بایه گیرید که بصورت و سیرت  
 نیکو باشد زیرا که شیر در طفل سرازیر میکند و طفل شپیه می شود بایه در صورت و سیرت و آزار  
 حضرت صادق علیہ السلام منقول است که فرزند خود را تا هفت سال بگذارد که باز کمی کند  
 و بعد از آن تا هفت سال دیگر سعی کن در تربیت او اگر نیک شود دیگر سعی کن و اگر نه امید  
 چیزی از او نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال او بگذارد که باز کمی کند و بعد از آن  
 تا هفت سال دیگر خط و سواد او را بیاموز و هفت سال دیگر حلال و حرام خدا را بیاموز  
 و آن حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقول است که طفل را تا هفت سال نگهدارد و تربیتش  
 باید کرد و هفت سال دیگر آداب باو باید آموخت و هفت سال دیگر حدتش باید نه نمود  
 تا بیست و سه سال قدش بلند شود و ناسی و پنج سال عقلش زیاده میشود بعد از آن او را تجربه  
 حاصل می شود و در روایت دیگر وارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که  
 با یک دیگر ایشان را در یک لحاف بخوابانند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران  
 و دختران که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را بچندند و حضرت صادق علیہ السلام  
 فرمود که فرزندان خود را از دو احادیث بیاد بدهید که مخالفان بهیچ ایشان اگرا نمکنند  
 و در احادیث معتبره وارد شده است که تا یکسید فرزند خود را بر محبت علی ابن ابیطالب  
 علیہ السلام اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرشان یعنی این علامت فرزند زناست که قبول  
 محبت امیر المومنین علیہ السلام نمیکند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود که هر که محبت ما را بپذیرد  
 را در دل خود بیاید مادرش را بسیار دعا کند که بایدش خیاات نکرده است و آن حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند  
 و نیکو نادید نماید و کتب نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقول است که سکونی بخد مت  
 حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام آمد و گفت من غمگین ام فرمود که سبب غم تو چیست  
 گفت خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و روزش  
 بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی ترا بخورد و پس نه مود که او را چه نام کرده  
 است فاطمه حضرت فرمود که آه و دست بر پیشانی گذاشتند و گفتند که رسول خدا

صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که حق فرزند بر پدر اگر سپید باشد آنست که دایه نیک برای او بگیرد  
 و نامش نیک تعیین کند و قرآن با او بیاموزد و او را ختنه کند و شنگری او بپاورد و هرگاه اگر  
 دختر باشد مادر برنگ او دایه نیکست و او را نامش نیک کند و سوره نوبه را بخواند و سوره یوسف  
 بیاموزاند و در بالا خانه او را جاند و زود او را بخانه شوهر فرستد پس سه مود که چون فرزند  
 خود را فاطمه نام کرده او را دشنام ده و تقرین کن و مزان و از حضرت امیرالمومنین صلوات  
 الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که بفرزند ان خود  
 بیاموزانید شنگردن و تیز انداختن را و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی و کج خلقی  
 طفل در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و پیر و بار خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزند می باشد و عاق فرزند ان می شوند  
 چنانچه فرزند ان عاق پدر و مادر می شوند فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که بایکدی خشنند فرزند ان  
 خود را در نیکی کردن بایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که خدا رحم کند سیرا که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او را و الا  
 عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعل آید قبول کند و کاری که بر او دشوار  
 باشد نگیرد از دور گذرد و تکلیف های دشوار با او نکند و سفاهت و سندی با او نکند و در حدیث  
 دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که باینکی کنم  
 فرمود باید رومادرت گفت ایشان مرده اند فرمود با فرزند ان خود نیکی کن و در حدیث دیگر  
 فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید  
 بایشان و اگر دودعه کنید بایشان فاکند بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شمار و بیدید بایشان و حضرت امام  
 موسی علیه السلام فرمود که خدا غضب نمی کند برای چیزی باشد آنکه غضب کند از برای ظلم بر زمان  
 و طفلان و در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که فرزند خود را  
 ببوسد خدا سینه برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند در قیامت خدا او را شاد کند و هر که  
 قرآن بیاموزاند بفرزند ان خود در قیامت پدر و مادر او را بطلبند و دودعه بایشان بپوشانند  
 که از نور آن دو جامه روی اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت



حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و گفت که هرگز اطفال خود را بنویسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که این مرد نزد من از اهل جہنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته باشد باید که با او طفلانہ بازی کند و حضرت صادق علیہ السلام فرمود که خدا رحم میکند بنده خود را بسبب آنکه بسید دوست میدارد و فرزند خود را و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دیدند شخصی را که دو پسر داشته یکی را بنویسید و یکی را بنویسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی بد آنکه بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهند مگر آنکه یکی عالم تر و صالح تر باشد باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام مرویست که چهل پسر سه ساله شود با و بگوید که هفت مرتبہ بگوید لا اِلهَ اِلاَّ اللہ و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمر او بگذرد بگوید که هفت مرتبہ بگوید مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللہ پس چون چهار سال تمام شود بگوید با و که هفت مرتبہ بگوید صَلَّى اللہُ عَلَیْکَ وَآلِکَ وَآلِکَ پس چون پنج سال تمام شود او را میدارند که خدا را سجده کند پس چون شش سال تمام شود نماز بنیادش بپوشند و چون هفت سال تمام شود وضو و نماز خوب بیاد او بدهند و امر بنمایند او را و چون هشت سال تمام شود وضو و نمازش را خوب بیاد او بدهند و بر ترک وضو و نمازش بزنند پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا پدر و مادرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقول است که حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ وآلہ و آله فرمود از آنکه حریر آهمن باطفال پوشانند یا بدست ایشان بپوشند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که از چربی و کسافت دست و روی اطفال را در شپش پس از خواب بشوئید که شیطان می آید و ایشان را بوی میکند و در خواب می ترسند و ملائکہ نویسندگان اعمال متادمی میشوند و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است که هر که بازار رود و تخمه بخرد و بردارد و برائی عیال خود بخانه آورد چنانست که تصدقی برای جمعی از فقرا بر داشته و بایشان رسانیده است باید که اول بدختران بد بد پیش از پسران بد بد شیک هر که دختری را خوشحال کند چنانست که بنده از فرزندان اسماعیل آزاد کرده است و کسی که دیده پسر را روشن کند و او را شاد کند چنانست که از ترس خدا اگر بسته باشد و هر که از ترس خدا بگریه خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است که باطفال خود بخورانید تا دود را که گوشت در بدن ایشان

بر میانه استخوان ایشان را محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که مادر بخورانی پیش از آنکه زود زای شود بر بخت  
 برساند ایشان را زود زود و بحد بلوغ و جوانی میرساند و در کتاب طب الایمه از حضرت امیر المومنین  
 علیه السلام منقول است که اگر طفل گری بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی را از روی بیداری  
 بروتولی شود این آیه را بخواند فَصَرَبْنَا عَلَىٰ أَذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَّةً أُنْمِثُوا بَعْثًا هُمْ  
 لِنَعْلَمَ أَى الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمْدًا و در احادیث معتبره وارد شده است که دختری که  
 شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در این نشانده و در حدیث دیگر منقول است که حضرت  
 امام رضا علیه السلام بچلی بودند دختری را بچاس آردند مردم می بوسیدند و در این نشانده  
 چون نوبت بحضرت امام رسید پرسیدند که چند سال دارد گفتند که پنج سال است حضرت او را دود  
 کردند و نبوسیدند و در این نشانده و در حدیث دیگر وارد شده است که دختری که شش سالش  
 تمام شود مادر او را برهنه در پهلوی خود نهد و بگوید که بمنزله زنان است و در حدیث دیگر وارد شده  
 است که دختری که از شش سال بگذرد پسران او را نبوسند و پیری که از هفت سال بگذرد  
 زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است که طعون است کسی که عیال خود را  
 ضایع گذارد و خرج نه پیش از این با قدرت و حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که عیال و  
 اسیران او نبند پس بیکه خدا نمتی باو اگر است کند باید که بر اسیران خود توشع کند و اگر نکند بر او  
 آن نمت از و زائل شود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که خرج دود دختر یا دود خواهر  
 یا دود عمه یا دود خاله را بکشد حاجب و مانع او باشد از آتش جهنم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 فرمود که در بهشت درجه هست که بآن درجه نرسند مگر کسی که امام عادل و شخصی که احسان بخواند  
 خود بکند و صاحب عیالی که بخرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که پنج کس اند که نفقه دادن ایشان واجب است فرزند و پدر و مادر و بنده و زن  
 و فرزند شام فرزند فرزندان هم میشود هر چند پائین روند و پدر و مادر شامل جد و جدی است  
 هر چند بالا روند **فصل دوم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت حرمت**  
 ایشان بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشان را از خود راضی  
 داشتن از جمله اشرف طاعات است و عاق ایشان بودن و ایشان را از خود آزرده داشتن

از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی از قرآن فرمود که اگر پدر و مادر تو کافر باشند و ترا آفرینند  
که کافر شود درین باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا با ایشان نیکو معاشرت کن و در حدیث  
معتبر منقول است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا وصیتی کن  
حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا شرک نیاوری هر چند ترا باتش بسوزانند مگر آنکه بزبان  
عربی گوی دولت ثابت بر ایمان باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر کنی و با ایشان نیکو  
کنی خواه زنده باشند خواه مرده هر چند ترا گویند که از زن و مال خود بگذری مکن که این از جمله ایمان است  
و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که نام و رنگ و پدر  
پیش از راه نرود و پیش از آنکه پدر بشیند او نشیند و کاری نکند که مردم بر پدرش شهادت دهند و حضرت  
صادق علیه السلام فرمود که چه مانع است احدی از شمارا که احسان بپدر و مادر خود خواهد کرد  
باشند خواه مرده یا آنکه بعد از مردن نماز برای ایشان بکند روزی برای ایشان بار و حج به نیابت  
بکند و آنچه میکند ثوابش با آنها عائد می شود و هم بخود مشرب آن نیکو که با ایشان کرده است خدا  
ثواب بسیار بآوردید و در حدیث حسن فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
آمد و گفت یا رسول الله با که نیکو کنم فرمود که با مادر ت نامه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبه  
چهارم فرمود که با پدر ت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله و سلم آمد و گفت یا رسول الله بسیار غیبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد کن در راه خدا  
اگر شته شوی زنده خواهی بود و زود خدا روزی در بهشت خواهی یافت و اگر نگیری مزدت  
بر خدا است و اگر زنده برگردی از گناهان بدرائی مانند روزی که از مادر متولد شدی گفت  
یا رسول الله پدر و مادر پیروی دارم که با من شش دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت  
فرمود که پس باید که با پدر و مادر خود باشی حتی آنقدری که جانم بدست قدرت اوست که انسی که  
یک شبانه روز ایشان با تو داشته باشند بهتر است از یکسال در راه خدا جهاد کردن و حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی بیهوشی حق پدر را نماند اگر در دو چیز یکی که  
پدر نباشد و او بخیر شد و آزاد نماید دوم آنکه برو قرضی باشد او را ادا کند و در حدیث دیگر فرمود  
که گاه هست که کسی نیکو کار است با پدر و مادر و زندگی ایشان و بعد از مردن قرضشان را ادا

نمیکند پس خدا او را عاق پدر و مادر بسنید و گاه هست که کسی عاق ایشان است در زندگی  
ایشان پس چون مرد قرض شان را داد میسکند و استغفار از برائی ایشان میکند پس خدا او را نیکو  
می نویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است که خدا بهیچ وجه در آن رخصتی نداده است اول  
نزدادن امانت از هر که باشد خواه نیکو کار خواه بدکار و دوم وفا به عهد و پیمان خود و کردن خواه نیکو کار  
باشد خواه بدکار سوم نیکی با پدر و مادر نکردن خواه نیکو کار باشد و خواه بدکار باشند و در حدیث  
دیگر فرمود که ادبای معقوق پدر و مادر آنست که اُف بر رؤیای ایشان بگوئی و در حدیث دیگر فرمود  
که چون روز قیامت شود پدیده از پرده های بهشت بکشایند پس هر صاحب جانی بوی آن از پانصد  
ساله را بشنود مگر کسیکه عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از روی غضب و خشم  
نظر بر پدر و مادر بکند در قیامت بر او ظلم کنند ایشان خدا هیچ ناز او را قبول نمیکند و در حدیث دیگر  
فرمود که از معقوق است آنکه کسی تند نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست که حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام فرمودند که پدرم دید که شخصی پیش پا او راه میرود و تخمیه بردست پدرم کرد  
است پدرم دیگر آن پسر مخمّن نکرد و مانده بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که با پدران خود نیکی کنید  
تا فرزندان شما با شما نیز نیکی کنند و از زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما با شما عفت کنند  
و فرمود که هر که خواهد که سکرات مرگ بر او آسان شود باید که با خویشان خود احسان کند و با پدر و  
مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حقیقی بر او آسان کند و هرگز در زندگی او باو پریشانی  
نرسد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چهار خصلت است که هر که  
از مؤمنان در آن خصلتها جمع شود حقیقی در اعدا علیتین مراتب بهشت و در بلندترین مرتبه  
عزت و شرف او را جاد کند یکم یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او شود و برای او بجائی پدر باشد  
و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارها را او را متکفل شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را  
بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان کند پیش از هرگز آزرده نکند و کسی که باندۀ خودیاری نماید  
و سخاوت و مندی کند و اعانت کند او را در خدایائی که باو میفرماید و کاری که باو دشوار باشد نفقه  
و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سه دعا است که الهیست ستیجاست  
دعائی پدر و مادر را فرزند نیکو کار و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و

مظلوم برای سیکه انتقام او از آن ظالم بکشد و دعائی مومنی که برای برادر مومن کند که او را از برای  
رعایت مال اهل بیت شریک در مال خود ناخته باشد و نفرین مومنی بر کسی که برادر مومنی را و محتاج  
شده باشد و قدرت داشته باشد که او را عانت کند و نکند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
منقول است که هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند  
بهر گاه کردنی ثواب یکسجده مقبول برائی او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی صد مرتبه  
نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریم تر است و در حدیث دیگر فرمود که نگاه کردن بر روی عالم عبادت  
است و نظر کردن بسوی امام عادل عبادت است و نظسه کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و رحمت  
عبادت است و نظر کردن بر روی برادر مومنی که از برای خدا دوست داری او را عبادت است  
و فرمود که سه گناه است که عقوبتش نزد در دنیا با کسی سبب عتق و پدر و مادر و ظلم کردن بر مردم  
و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت امام باقر علیه السلام منقول است  
که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را هیچ می نامیدند در صومعه خود پیوسته عبادت مشغول  
بود روزی مادرش نزد او آمد و مشغولی نماز بود او را داد او جوابش نداد و بار دیگر آمد و او را  
طلب کرد باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سوم آمد و او را طلب کرد باز باو سخن نگفت  
و مشغول نماز شد مادرش گفت از خدائی بنی اسرائیل میخواهم که ترا باین گناه بگیرد روزی دیگر زن  
زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد صومعه او نشست و فرزند زانید و گفت این فرزند از جبرئیل  
است که با من زنا کرد و این فرزند از و بهر سید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آنکه مردم را  
بر ناطق است بیکر و خود زنا کرده پادشاه فرمود که او را بکشتن پس مادرش آمد و بر رو خود میزد  
چون گفت خاموش باش که این بلا نفرین تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از بسبب  
آن واقعه پرسیدند عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند چون بدانیم که تو هست میگوئی گفت آن  
طفل را بیاورید چون بیاورند عابد از آن طفل پرسید که فرزند کیستی طفل ما را کی بسخن آمد و گفت که فرزند  
فلان کس که شبانی گویند آن فلان میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که مازنده باشد  
خدمت مادر بکند و از و جدا نشود و احادیث در باب پدر و مادر زیاده ازان است که استیفا  
توان نمود تا پانچم در بیان آداب سوگند کردن و نشانه کردن و ناخن و شمار بگرفتن

و سر تراشیدن و امثال آن فصل اول در بیان فضیلت مسواک کردن در آحاد و مشایخ و  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مسواک کردن از سنت نبویان است و حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که پیوسته جبرئیل مرا امر بمسواک میکرد تا آنکه رسیدیم که دندانها  
ساییده شوند یا بریزند و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک میکرد که گمان برود که هر  
آنست من واجب خواهد بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که در مسواک دوازده خصلت  
است از سنت نبویان پاکشونده و آن است و جلاد هفت چشم است و موجب خوشنودی  
پروردگار است و بغم را دفع میکند و حافظ را زیاد میکند و دندانها را سفید میکند و حساسات را  
مضاعف میکند و پوست انداختن و بوسیدن دندان را میبرد و دندان را محکم میکند و آفتها  
طعام را زیاد میکند و ملاک آن خوشحال نشوند و در حدیث دیگر فرمود که آب بخن چشمت را  
بر طرف میکند و نورش را زیاد میکند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که من دندانها  
شمار از روی پنجم هر مسواک نمیکنی و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات  
الله علیه و آله و سلم فرمود که بر تو باد مسواک کردن بر هر نمازی پسند معتبر منقول است از حضرت  
امام موسی و امام رضا علیهما السلام که سنتها حنیفه حضرت ابراهیم علی نبینا و علیه السلام  
ده است پنج دوسره و پنج در بدن اما آنها که کوسه است پس مسواک کردن و شارب گرفتن و موی  
سر را دوحه کردن که جای مسح کشوده شود و مضمضه کردن یعنی آب در دهان کردن و گردانیدن  
و ریختن و استنشق کردن یعنی آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدن است  
پنجشنبه کردن و نیت زهار تراشیدن و موی بظهار کردن و استنجا کردن و ناخن گرفتن  
و در روایت دیگر منقول است که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن و ریش را بلند گذاشتن  
و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و غلطال کردن و آن پنج که در بدن است مویهای بدن را از آله  
گرفته و نیت کردن و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا با آب کردن و از حضرت رسول صلی  
علیه و آله و سلم منقول است که اگر این نه بود که برایت من و شواری شدم هر سینه واجب بگیرد و انیدم  
پیشین که در وقت هر نماز مسواک نکنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نماز  
شستنبی مسواک کنی که مکتب آید و همان خود را بردان تو میگردد و هر چه از قرآن و حدیث



و ذکر بخوانی آسمان میبرد پس باید که دهان تو خوشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت  
امام موسی علیه السلام پرسید که آیا میتواند کسی که نماز شب بر خیزد و با نجاست مسواک کند و او  
تواند که مسواک بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث دیگر  
منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام دو سال پیش از فوت ترک مسواک کردند  
بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقول است که سه چیز است که حافظه را زیاده میکند و در دو یا بدترای بر و کند رخامیدن  
و مسواک کردن و قرآن خواندن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سخت پیغمبران  
است بوی خوش کردن و بازمان نزدیکی کردن و مسواک و خضاب بخاک کردن و از امام  
مجتهد اقر علیه السلام منقول است که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای بدبوی کافران حقتالی  
باو وحی فرمود که ای کعبه قرار گیر که بعضی ایشان جماعتی را بسوختن خواهم فرستاد که دندانهای  
خود را بشاخ درختان پاک کنند پس چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل  
علیه السلام مسواک و خلل برای آن حضرت آورد و در حدیث معتبر منقول است که شخصی از  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سوال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که  
مسواک را پیش از وضوی باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو مسواک  
کند پس سمر تبه مضغه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه  
منقول است که اگر کسی با وضو مسواک کند و نماز بایستد ملاک آید و دهان را بر دهان او میگذارد  
و آنچه میگوید بخاطر نگاه میدارد و اگر مسواک نکند بکناری میآید و قرائت می شود و از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد  
رکعت نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که مسواک کند باید  
که بعد از آن مضغه کند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مسواک  
بعضی دندانها میباید حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که مسواک کردن در بیت الخلا مورث  
ندمان است و از حضرت امام مجتهد اقر علیه السلام منقول است که مسواک کردن در حمام  
بندانها را میریزد و فرمود که مسواک را نزدیک کن در هر سه روز اگر چه بیک مالیدن باشد

فصل دوم در فضیلت سرتر اشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر چه است که هر که لذت آنرا یابد هرگز ترک نمیکند مورا از بیخ گرفتن و جابجاء را کوتاها کردن و وطنی کنسیران و حضرت صادق علیه السلام فرمود که موسی سررا از بیخ بگیر تا جوک بگیرد و جانوران در آن جا نمکنند و گردنت گنده شود و دیده ات جلایا بد و برنت راحت یابد و نیز فرمود که من هر جمعه سری ترا شوم و در حدیث دیگر فرمود که موسی پشت سر ترا بشیدن غم را زایل میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چون بگو سر بلند شود چشم را ضعیف میکند و نورش را کم میکند و مویش را از الاله کردن چشم را جلایا میدهد و در حق الرضا منقول است که چون خوابی که موسی سر را بر تاشی رو قبله کنی و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بر آن تا دو تا خون که از پهلوی گوش بلند شده اند و در صحن شروع آیند عا بنحو ان بسم الله و بالله و علی و علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خنیفا مسلما و ما انما من الشریکین اللهم اعطنی کل شجرة نوراً ساطعاً یؤتم الفیقه پس چون فارغ شوی بگو اللهم ربی بالتقوی و جبتنی الذی و جبت شمری و بشری المعاصی و جمیع ما تکره منی فانی لا املک لنفسی نقماً ولا حقاً و در روایت دیگر منقول است که در وقت شروع آیند عا بنحو ان بسم الله و بالله و علی و علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اعطنی کل شجرة نوراً یؤتم القیامه و چون فارغ شود بگوید اللهم ربی بالتقوی و جبتنی الذی فصل سوم در آداب مکرر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زانرا بی ضرورتی و عندی موسی سر ترا بشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موسی سر را تراشند و این بهتر است و یا آنکه موسی سر را بگذارند و زیت نمکنند یا آنکه بشویند و شانه کنند و بگو پیش سر را در و حکم کنند که در میان سر ترا موسی ظاهر شود و چون در اول اسلام موسی سر ترا بشیدن عیب عظیم بود در میان عرب پیغمبر و امام نمی باید که کاری بکنند که در نظر با قبیح نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم موسی سر را بقدر چهار انگشت میکند اشتند و در حج و عمره می تراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که موسی سر را بلند بگذارد و نیکو رعایت و تربیتش کند یا آنکه از تیره و دگر گذارد و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا حضرت

رسول صلی الله علیه و آله و سلم موی سر را در حصه میکرد و میانش را می شکافتند فرمود که  
آنحضرت موی را بچوبند میگذاشتند که احتیاج باین نبود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که بر سر  
گوش برسد و بچوبیک از بغیر آن موی سر را بچوبند میگذاشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که  
موی سر را بلند بگذارد و میانش را بکشیاید حق تعالی در قیامت باره از آتش کبشاید و در حدیث  
وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود از آنکه زنی بحد بلوغ رسید و  
مویهای سر را در پیش سر یا در میان سر یا در اطراف سر برش مردان گره زند و در حدیث  
دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نمی فرمود از آنکه کل گدازش و موی  
در پیش سر گره زند و نقش خضاب کردن و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب  
آنکه موی سر را در پیش سر گره می زدند و نقش خضاب میکردند و محتمل است که مراد از نقش خضاب  
آن باشد که متعارف است در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و غیره  
و غیر آن در آن میریزند که رنگش همانند و احتمال دارد که نقشهای خاراهم شامل باشد و در  
حدیث دیگر منقول است که آنحضرت صادق علیه السلام پرسیدند از زنی که موی بالا سئ  
پیشانی خود را می برد و یا میکند و موی روبرو را بکشد از برای زینت یا آنکه کس خود را با کینه باف  
می بافد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ششم یا موی حیوانات یا موی همان  
زن خودش یا با فدا باکی نیست اما با موی زن دیگر یا با فدا موی زن دیگری را با موی خود پیوند  
نکند بد آنکه اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشش حرام باشد در حال نماز با و نمی آید  
باشد که بدان نماز کردن درست نیست مگر ششم و موی که پیشتر مذکور شد که در آن نماز میتوان کرد  
فصل چهارم در فضیلت شارب گر قن یعنی موی لب بالا اگر قن سنت مومنه است  
هر چند بیشتر بگمیرند بهتر است و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که شارب  
خود را در آنکه که شیطان در آن پنهان می شود و چنان میکند و آنحضرت صادق علیه السلام منقول  
است که شارب گر قن دفع غم و دوا میکند و از سنت رسول است و حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله و سلم فرمود که سنت است شارب گر قن تا آنکه برسد بدم لب بالا و حضرت صادق  
علیه السلام شارب را آنقدر می گرفتند که به موی میرسید و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است

که ناخن و شارب گرفتن اجماعی است و دیگر آنان میگویند از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است  
که شخصی خدمت آنحضرت آمد و عرض کرد که دعائی تعلیم من کن که باعث زیادتى روزى شود حضرت  
فرمود که شارب و ناخن بگیر و بایه که در روز جمعه باشد و در حدیث صحیح دیگر آنحضرت منقول است  
که هر که ناخن و شارب در هر جمعه بگیرد و در وقت گرفتن گوید بسم الله و یا الله و علی سینه و شکم  
و آل محمد بعد و هر روز که از خود ناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک بنده از فوئدان اسماعیل  
آرد و اگر در آن با وعطا کند و بیمار نشود مگر به بیماری درگ و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است که هر که در روز شنبه و چشنبه شارب و ناخن بگیرد عافیت یابد از درد دندان و چشم  
و در حدیث دیگر فرمود که شارب را از نه بگیرد و ریش را بلند نگذارد و بهر یهودان و گسبران خود را  
شنبه بکشد و فرمود که از نایست هر که شارب را بگیرد و فصل پنج جسم و آداب ریش بلند نگذاشتن  
بدانکه سنت نبویه است ریش را میان گذشتن بسیار بلند بسیار کوتاه و زیاده از یک قبضه گذشتن  
مکروه است و احتمال حرمت نیز دارد و مشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است  
اما بر دو طرف لب پایین را تراشیدن جائز است و احوط آنست که اصلاح بسیار کنند  
که شبیه تراشیدن باشد نکند و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که آنچه از ریش زیاده  
از یک قبضه است در آنش است و در حدیث دیگر منقول است که دست بر ریش بگیرد و آنچه زیاده  
از یک قبضه است برود و از محمد بن مسلم مذکور است که گفت دیدم که مصلحی اصلاح ریش حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام میکرد حضرت باو فرمود که ریش را دور کن و آنحضرت صادق علیه السلام  
منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بشخصی گذشتند که ریش درازى داشت  
فرمودند که چه پیش این مرد اگر ریش خود را با اصلاح می آرد و چون این خبر باو رسید ریش خود را میان  
ساخت و بخدمت آن حضرت آمد فرمود که چنین رسید ریش ما را و در حدیث سمر منقول است  
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام پهلوانی را راتیک میگردند و مویش را در دهان رانده و میچیدند  
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت ریش را نازک میکردند و انبوه نیگذاشتند و علی بن جعفر  
از حضرت امام موسی رضا علیه السلام پرسیدند که از روی ریش میتوان گرفت حضرت فرمود  
که از عارض یعنی از پهلوانی رودی و از پیش روی و در حدیث دیگر است که حضرت امیرالمؤمنین

صلوات الله علیه فرمودند که در زمان پیش گرویی بودند که ایشان می ترسیدند و شارب می تابیدند  
 حق تعالی ایشان را مسخر کرد و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون حقیقتاً  
 توبه آدم علیه السلام را قبل فرمود و سجده گناشت و چون سجد داشت رو با آسمان کرد و گفت  
 پروردگار احسن و جمال مرا زاده کن پس بعد از آن ایشان بسیار سیاهی بر رویش رویید و بیشتر تریش  
 نداشت گفت پروردگار این چیست باد و می آمد که این زینت تو زینت مروان فرزند انست  
 تا روز قیامت فصل ششم در بیان فضیلت موسی سفید و حکم کردن آن از حضرت امیر المومنین  
 صلوات الله علیه و آله منقول است که پیش از زمان حضرت ابواسمعیل علیه السلام موسی سفید در سر  
 دریش بهم نمی رسید گاه بود که کسی بمجلس می آمد و پدر و فرزندان او در آن مجلس حاضر بودند میان پدر  
 و فرزندان فرق میکردی پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت ابواسمعیل علیه السلام  
 شد و عاگرد که خداوند ابرائی من موسی سفید قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موسی سفید  
 سفید شد و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که اول کسی که موسی سفید در محاسن او به رسید  
 حضرت ابواسمعیل علیه السلام بود و چون نظر کرد موسی سفید در تریش خود دید گفت پروردگار این چه  
 چیز است خطاب با و رسید که این باعث وقار آدمی است گفت پروردگار او قار را زاده  
 گردان و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که چون حضرت ابواسمعیل موسی سفید  
 در محاسن خود دید گفت محمد و پاس خداوند را سزا است که مرا با این سن رسانیده و در یک  
 چشم زدن مصیبت او کرده ام و آن حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که موسی سفید  
 گفتند که آن نور مسلمانی است و هر که یک موسی سفید در تریش او پیدا شود در اسلام نور باشد  
 از برای او در قیامت و آن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که کسی اند که خدای تعالی  
 در روز قیامت ایشان سخن نگوید و رحمت بسوی ایشان نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پستند  
 و برای ایشان عذاب الیم مهیا است کسی که موسی سفید خود را بکند و کسی که با ذکر خود دست بازی  
 کند که او را منی بیاید یا با جابجایی دیگر بدن خود بمالد و کسی که دیگران را با و لواط کنند و این حدیث  
 دور نیست که محمول بر آن باشد که برای غرض فاسدی موسی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از  
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که باکی نیست موسی سفید را بریدن و کندن اما

بریدنش را دوست تر میدارم از کندن او در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که  
 کندن و بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله  
 علیه تجویز بریدن موئی سفید فرمود اما کندنش را نکرده میدانست و آنحضرت امام رضا علیه السلام  
 منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که موئی سفید در پیش سر بیمنت  
 و مبارک است و در عارضها علامت سخاوت و جوادیت است و در جای الف علامت شجاعت است  
 و در پشت سر شوم است و ظاهر امر را بدینامی سفید شدن است فصل نهم در کندن موئی بینی  
 و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که باید که هر کس موئی شارب و موئی بینی را بگیرد و باحوال بدن خود پردازد که اینها باعث زیاده  
 جمال اوست و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که موئی بینی را گرفتن روز انگیوشی  
 و آنحضرت امام موسی علیه السلام منقول است که چهار چیز است که از وسوسه شیطان است  
 گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خائیدن و آنحضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که بسیار دست بر ریش گذاردن ریش را معیوب و بدنام میکند  
 فصل هشتم در فضیلت ناخن گرفتن آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که ناخن گرفتن در دهائی بزرگ را منع میکند و روزی سه بار میگرداند و حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام فرمود که برای این امر کرده اند ناخن گرفتن که چون بلند شود شیطان در آن جا  
 میکند و مورث فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود که سنت مؤکده است  
 ناخن گرفتن و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مردان را  
 میفرمود که ناخن را بته بگیرند و زمان را میفرمود که اندکی بلند نگذارید که زینت شماست و در  
 روایت دیگر وارد شده است که چند روزی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل  
 نشد از سبب آن پرسیدند فرمود که چگونه از من باز نهیستد و حال آنکه شما ناخن نیگیرید و هر کس  
 انگشتان را از آن نمی کشید فصل نهم در بیان آداب و اوقات ناخن گرفتن منقول است  
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نبی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن است  
 حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند و از



مخوره و پیسی و کوری و اگر مستیاج گرفتن داشته باشی بسائی که ازان ریز بار بریزد و در  
 چند حدیث دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد بسوآن غسیه آن مک کن  
 نادو انگلی و خوره و پیسی بتوزسد و در حدیث دیگر فرمود هر که در هر جمعه ناخن و شارب بگیر و پچسته  
 در هلات باشد تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سرانجامی شستن  
 در هر جمعه سر را بر طرف و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر منقول است که با حضرت عرض  
 کردند که خبر ما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای  
 زیادتی روزی از سفر کردن شهر با حضرت فرمود میخواهی تو تعلیم کنم چیزی که ازین هم نافع تر باشد  
 گفتن می فرمود که ناخن و شارب را در هر روز جمعه بگیر اگر چه بساییدن باشد و در حدیث دیگر منقول  
 است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمود که میخواهی تو چیزی  
 بیا موزانم که اگر بجا آوری هرگز آزار چشم نه بینی گفت می فرمود که هر پنجشنبه ناخن بگیر آن شخص  
 چنین کرد هرگز درد چشم نید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر که هرین دست  
 کند آزار چشم نبیند هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا با انگشت  
 کوچک دست چپ بکند و وسطی بگیر و بسیار بگیر و با انگشت کوچک دست راست ختم کند  
 و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارشنبه ناخن بگیر و ابتدا کند با انگشت کوچک  
 دست راست و ختم کند با انگشت کوچک دست چپ او را امان دهد از درد چشم و در حدیث  
 دیگر وارد شده است که اگر در روز پنجشنبه ابتدا کند ناخن انگشت کوچک دست راست و تا  
 انگشت همین بگیر دست راست ابتدا کند با انگشت کوچک دست چپ و تا انگشت همین بگیر و امان  
 یابد از درد چشم و روایت که اگر در روز چهارشنبه بگیر و ابتدا با انگشت دست چپ کردن بهتر باشد  
 و اگر در روز پنجشنبه بگیر و در هر دستی ابتدا با انگشت کوچک آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سایر  
 روزهای دیگر بگیر و ابتدا با انگشت کوچک دست چپ کند و ختم با انگشت کوچک دست راست  
 نماید خوب است و اگر در هر وقت ابتدا با انگشت کوچک دست چپ کند هم خوب است  
 چنانچه علی ابن ابویه گفته است و در حدیث دیگر منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز  
 پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد خدا پریشانی را از او رانل گرداند و از حضرت

امام رضا علیه السلام منقول است که در روز سه شنبه یا پنجشنبه ناخن بگیرد و در حدیث معتبر از  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حقیقاً  
 در دو بار از سر انگشتان او بیرون کند و در او را روان داخل کند و سیکه در روز سه شنبه یا پنجشنبه  
 ناخن و شارب بگیرد از درد دندان و در چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
 منقول است که ناخنهای او را در روز جمعه گرفتن هر روزی را بر طرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن  
 روزی را زیاده میکند و در حدیث دیگر منقول است که بجهت امام موسی علیه السلام عرض کردند  
 که اصحاب ما میگویند که بسته در روز جمعه ناخن باید گرفت فرمود که اگر خواهی در روز جمعه بگیر  
 و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر گرفته باشی و در او باشد صبر نماید که تا روز جمعه چنانچه در  
 حدیث دیگر وارد شده است که هرگاه بلند شود بگیرد از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که هر که در روز جمعه ناخن بگیرد شش گردن بن ناخنهای او بر طرف شود و از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقول است که هر که پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندان او چشم نمیند و اگر کسی خواهد که ثواب پنجشنبه و جمعه  
 هر دو بیابد در روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد یا همه در روز پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوا  
 بران بآلده که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن بگوید اللهم الله و الله و علی سنة محمد  
 و آل محمد چنانچه در باب شارب گرفتن گذشت و آنچه مشهور است که در ناخن گرفتن  
 دست راست اول انگشت شهادت را بگیرد و بعد از آن انگشت کوچک و بعد از آن انگشت  
 میمین و بعد از آن انگشت میان و بعد از آن انگشت دیگر و در دست چپ اول انگشت میمین  
 و انگشت کوچک را بگیرد پس انگشت میان انگشت میمین پس انگشت کوچک پس انگشت  
 شهادت در اخبار اهل سنت چنین وارد شده است و آنچه قبل ذکر کرده ایم از اخبار شیعه  
 و عمل آن کردن اولی است فصل دهم در دفن کردن و ناخن و سایر چیزها که دفن باید کرد از حضرت امام جعفر  
 صادق علیه السلام منقول است که در تفسیر این آیه کریمه اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا اَحْيَاءُ وَاَمْواتٌ  
 یعنی آیا اگر ندانیدیم زمین را محل انقضاء و اجتماع و پنهان شدن در سیکه زنده اند و در مستحکم  
 مرده اند حضرت فرمود که مراد از حال زندگی دفن کردن و مرده اند و ناخن است و در حدیث معتبر  
 از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه

وَأَلَا مَرُفُوعُوا رَأَكَ هَاجِرٌ مِنْ كَسْبِهِمْ وَوَدَّانَ وَفَاحٍ وَتَجُونُ وَازْهَرْتَ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَأَلَا وَتَسْلَمُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
وَفَاحٍ وَخُونُ وَخُونُ جِيفِ وَتَجِدُ دَانَ وَوَدَّانَ وَنَظْفُكُ كَمَا بَابُ خُونُ شُودَ فَضْلُ بَابُ وَهَمِ  
وَفَضِيلَتِ شَانَهُ كَرْدَنِ مَوْحِي سِدْرِ رِيشِ وَرَحْمَتِ مَعْبَرِ ازْهَرْتَ إِمَامُ جَعْفَرُ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَمَا بَابُ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
پَرِشَانِي رَا زَائِلٌ مِيكَنْدُ و سَرِشَانَهُ كَرْدَنِ تَبِ رَامِي بَرْدِ و رِيشِ رَا شَانَهُ كَرْدَنِ رِندَانِهَارَا مُحْكَمٌ مِيكَنْدُ  
و ازْهَرْتَ رَسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَسْلَمُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
دَرُونِي رَامِي آوَرُو وَوَقْتُ جَمَاعِ رَا زِيَادَهٌ مِيكَنْدُ و ازْهَرْتَ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
شَانَهُ كَرْدَنِ فَعْرَ رَا زَائِلٌ مِيكَنْدُ و در دِهَارَامِي بَرْدِ و در حدیثِ دیگر فرمود که روزی رَا زِيَادَهٌ مِيكَنْدُ و سَرِشَانَهُ كَرْدَنِ تَبِ رَامِي بَرْدِ و رِيشِ رَا شَانَهُ كَرْدَنِ رِندَانِهَارَا مُحْكَمٌ مِيكَنْدُ  
نِيكُو كَنْدُ وَحَاجَتِ رَا رَاوَا مِيكَنْدُ و پِشْتِ رَا مُحْكَمٌ مِيكَنْدُ و بَلْعَمِ رَا قَطْعٌ مِيكَنْدُ و در روایتِ دیگر موجب  
بسیار نیمی سَرِشَانَهُ مِشُودُ و در حدیثِ دیگر فرمود که شَانَهُ كَرْدَنِ عَارِضِ رِندَانِهَارَا مُحْكَمٌ مِيكَنْدُ و شَانَهُ  
كَرْدَنِ پَانِیْنِشِ طَاعُونِشِ رَا زَائِلٌ مِشُودُ و سَرِشَانَهُ كَرْدَنِ لَیْفِ دَسُو اسْتِ سِنِهَارَامِي بَرْدِ و شَانَهُ  
كَرْدَنِ سَبْعُمِ رَا قَطْعٌ مِيكَنْدُ فَصْلُ دَوَا زِ دَهَمِ در آدابِ اوقاتِ شَانَهُ كَرْدَنِ و انواعِ شَانَهُ بَا در حدیثِ  
مَعْبَرِ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
فَارِغِ مِشُودِ شَانَهُ مِشُودُ و در حدیثِ حَسَنِ ازْهَرْتَ إِمَامُ جَعْفَرُ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
إِنِ آيَةُ كَرِیْمٌ خَلَّدَ وَفَرِیْقَتُكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیری بزیارتِ خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود که  
مَرَادِ ازْ زِيَارَتِ شَانَهُ كَرْدَنِ پِشِ ازْهَرْتَ إِمَامُ جَعْفَرُ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
حدیثِ دیگر فرمود که هر گاه سِرِّهَ رِيشِ رَا شَانَهُ كَرْدَنِ شَانَهُ رَا بَرِ سِنَهَ خود كُشِ كِهَ اَنْدَوَهَ و در دِهَارَامِي رَا  
مِی بَرْدِ و ازْهَرْتَ صَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولٌ هَاسَتْ كَيْهَافُ جِزْرِ اسْتِ كَمَا إِذَا دَمِي جَدَامِي شُودَ وَأَنْهَارُ دَفْنِي بَابُكَ كَرْدُ شُودِ  
بَشْمَلِ كُو كِي شَيْطَانِ تَاهِلِ رُوزِ زَادَا و بِنَايَدِ و در حدیثِ دیگر فرمود که شَانَهُ كَرْدَنِ دَر حَامِ كَمَنِ كِهَ مَوْرَا  
تَنَكٌ مِيكَنْدُ و در حدیثِ دیگر فرمود که سَبَكُ اَرَادَهٌ شَانَهُ كَرْدَنِ دَشْتَهَ بَاشَدِ شَانَهُ بَدَسْتِ رَهْتِ  
كَبِيرِ و در حالتی كِهَ نَشْتَهَ بَاشَدِ و پَرِ اِلَاسِي سَرِ بَگَزَدَدِ و پِشِ سَرِشَانَهُ كَرْدَنِ و كَوِيهَ اللَّهُمَّ حَسَنِ شَعْرِي  
و بَشْرِي وَ طَيِّبَتُهَا وَ اخْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ عَسَ قُبِ سَرِشَانَهُ كَرْدَنِ و كَوِيهَ اللَّهُمَّ لَاقِنِي عَنِّي عَمَقِي

وَاَصْرَفَ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تَمْلِكُنِي مِنْ قِيَادِي فَيُؤَدِّيَنِي عَلَيَّ عَقْبِي پس بردها می‌شانه  
 کند و بگوید اَللّهُمَّ زَيِّنِي بِرِيْثَةِ الْهُدَى پُرسش را از طرف بالا بر شانه کند و شانه را بر سینه بگذارد  
 و بگوید اَللّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَالْعُيُومَ وَخَشَاةَ الْعُتَدِ وَرِقْدَ سَوَةِ الْقَبْلَابِ  
 پس از پانین ریش طرف بالا شانه کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي الْبَيْتِ الْقَدَرِ بخواند و روایت دیگر دارد  
 شده است که چون خواهی ریش را شانه کنی از زیر ریش طرف بالا چهل مرتبه شانه کن و سوره اِنَّا  
 اَنْزَلْنَاهُ نَحْوَانِ و از طرف بالا بجانب پانین هفت مرتبه شانه کن و سوره وَالْعَادِيَاتِ بخوان  
 پس بگوید اَللّهُمَّ سَرِّحْ تَاْخِرَ دَعَاكَ وَازْهَرْتَ اِمَامَ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ منقول است که هر که هفت  
 مرتبه شانه بر سر و ریش و سینه بکشد در روی نزدیک او نیاید و از حضرت امام موسی علیه السلام  
 منقول است که پیاده شانه کن که باعث ضعف دل می شود و شسته کن که دل را قوی میکند  
 و پوست را پر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 آب شانه میکرد یعنی شانه را آب فرو می بردند و میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است  
 که در وقت شانه کردن ریش است که این دعا بخواند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 وَابْنِي جَمَاعًا فِي خَلْقِكَ وَبِرِيْثَةٍ فِي عِبَادِكَ وَحَسَنَ شَعْرِي وَكَثِرَتِي وَلَا تَبْلُغْنِي بِالْإِفْكَاقِ  
 وَانْزُرْنِي الْمَقَابِلَ بَيْنَ بَوْتِكَ وَالرَّحْمَةِ مِنْ عِبَادِكَ يَا اَدْنَمَ الرَّاحِمِينَ و از حضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که هر که پیاده شانه کند صاحب ضحی شود و از حضرت امیر المومنین  
 علیه السلام منقول است که پیاده شانه کردن باعث فقر و پریشانی می شود و در حدیث دیگر منقول  
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ریش را از طرف پانین چهل مرتبه و از طرف بالا  
 هفت مرتبه شانه میکرد و میفرمودند که روزی را زیاده میکند و لغم را قطع میکند و از قاسم بن ولید  
 منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از روغن دان و شانه که از استخوان فیل باشد  
 فرمود که باری نیست و از حسن عاصم منقول است که بخندمت حضرت امام موسی علیه السلام رفت  
 دید که حضرت شانه استخوان فیل در دست داشتند و آن شانه میکردند گفتم فدایتو شوم جمعی در سبزه  
 تافتند که شانه کردن از استخوان فیل حلال نیستند گفت چرا پدرم یک شانه یادو شانه این شانه  
 پرس فرمود که شانه استخوان فیل که تپ را می برد و در حدیث بسیار وارد شده است که

ابره علیه السلام بشانه استخوان میل شانه میکردند و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که بشانه نقره و نقره نشان شانه کردن کرده است باب ششم در آداب بوی خوش  
 کردن و گل بوئیدن و در سخن مالیدن فصل اول در بیان سبب پیداشدن بوئهای خوش  
 در زمین در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون آدم و حوا علیهما السلام  
 از بهشت بر زمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار کرده و حضرت حوا بر کوه مرده و حضرت حوا  
 چون در بهشت از بوی خوش آنجا گیسوی خود را شانه کرده بود و بسته بود چون بر زمین آمد گفت  
 چه امید داشته باشم از مشاطگی که در بهشت کرده ام و حال آنکه خدا از من در ششم است پس گیسوی  
 خود را کشود پس آن بوی خوش که از گیسوی او بویست و بویست باد شرق و مغرب برده و کشته را در  
 زمین همدفرو ریخت باین سبب اکثر بوئهای خوش در سینه میرود و در حدیث دیگر از آنحضرت  
 منقول است که چون حضرت آدم علیه السلام از آن خست یکم نهی شده بود از خوردن آن تامل نمود  
 جامه ها و زیورهای بهشت همه از و فرو ریخت پس رنگی از برگهای بهشت را گرفت و عورت  
 خود را بآن پوشانید چون بر زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برگ را به نذر رسانید و درختها  
 و گیاههای هند را خوشبو گردانید باین سبب گیاههای خوشبو در هند میباشد و اهل جالور  
 که از آن برگ بهشت یا از آن گیاهها خورد آهوی مشک بود چون از آن برگ خورد بوی خوش  
 در گوشت و خون او جاری شد تا آنکه جمیع شد و در پیش ناقش و از آن شک بهم رسید فصل دوم  
 در بیان فنیست بوی خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطسه بوی  
 خوش کندن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبران است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام  
 منقول است که سزاوار نیست مردی که ترک کند بوی خوش را هر روز و اگر قادر نباشد یک روز در  
 یک روز و اگر قادر نباشد در هر جمعه و این را بهیسته ترک نکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است  
 که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبران است و اگر می توانی طالع است که اعمال آدمی را  
 می نویسد سبب آنکه پیش از خوشی آید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در اول  
 روز بوی خوش بر خود مالید تا شب عقلش بالا باشد و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز

بی بوی خوش و سه مود که سه چیز است که خدا پیغمبران را داده است بوی خوش و زنان و سواک  
و در حدیث دیگر فرمود که لازم است هر بالغی را که در هر جمعه تار ب و ناخن گیرد و چیزی از بوی خوش  
بریزد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم چون روز جمعه میرسید بوی خوش نزد آن حضرت  
نبود و پاک بعضی از زنان میطلبیدند که بوی خوش داشتند و میگردیدند و بر روی مبارک خود میمالیدند  
و در حدیث دیگر منقول است که امام جعفر صادق علیه السلام هر موضعی که مسجد فیه مود مذموم است  
بعد از آن شناختند آن موضع را از بوی خوش آن حضرت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمودند که چیزی را نگفت  
که یک روز در میان خود را خوشبو کن و در روز جمعه بسته ناچار است ترک کن و سه مود که در روز  
جمعه بسته خود را خوشبو کنی اگر چه از بوی خوش زنان باشد و روزی عثمان بن طلحون نزد حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض نمود که میخواهم که بوی خوش و چیزی چند از لبتا ترک کنم  
حضرت فرمود که ترک بوی خوش کنی که ملائکه بوی خوش مومن را می بویند و در هر جمعه بسته  
ترک کن و سه مود که هر چه صرف نمائی در بوی خوش سه اف نیت و در حدیث دیگر منقول است  
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم زرد در بوی خوش زیاده از طعام صرف میکردند و فرمودند  
که بوی خوش زنان باید که رگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان باید که بویش ظاهر و رگش  
مخفی باشد و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که ناخن بگیرد در روز شنبه و حمام  
بروید در روز چهارشنبه و حجامت کشید در روز پنجشنبه و به بهترین بویهای خوش خود را خوشبو  
کنید در روز جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار چیز است که دل را بکشد  
و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و غسل خوردن و سواکی کردن و سبزه نظر کردن و حضرت  
امیرالمومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که باید زن مسلمان پوسته برای شوهر خود خوشبو کند  
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نه خلعت  
بود که در دیگری نبود اول آنکه آنحضرت را سایه نبود دوم آنکه از هیچ راهی نیگداشت مگر آنکه دور  
یاسه روز که کسی از آن راه میگذاشت میدانست که آنحضرت از آن راه عبور نموده اند از بوی خوش که در آن  
راه مانده بود و سوم آنکه بهر سنگی و درختی که میگذاشت آن حضرت را سجد میکردند و عبور آنحضرت معلوم بود  
سبب بوی خوشی که آن حضرت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است



که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید بوی خوش بپوشد لعنت الهی بر او باشد تا بخانه برگردد  
فصل نهم در که است رد کردن بوی خوش که حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا کسی  
میتواند که بوی خوش را که برای او پیاورد رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوارست او را که رد کند و در حدیث  
و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبوی  
حضرت گرفتند و بر خود مالیدند و در آن روز روغن مالیده بودند بعد از آن فرمودند که ما هرگز بوی  
خوش را نپوشیم و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روی خود را  
بوی خوش نشویدند و اگر از برای آنحضرت می آوردند و از حسن بن جهم منقول است که گفت ختم نبوت  
حضرت امام رضا علیه السلام برای تمام شیعیان در آن مشک بود آوردند و فرمود که بردار و بر خود بمال  
قدری برداشتم و بالیدم فرمود که دیگر بردار و در آنجا بمالین گردن خود بمال بر دوشتم و بالیدم پاره دیگر  
که مانده بود فرمود که این را هم بر آنجا بمال بالیدم بعد از آن فرمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
میفرمود که رد نمیکند که است را اگر خرگفتم گریست که ام است فرمود که بوی خوش و بالشی که برای  
نشر تر و فکیه کردن نواضح که نهند و مانند آن فصل چهارم در فضیلت مشک و بر عطر  
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که بوی خوش مشک است و غیره و عطران و عود  
و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام مشک را از قلمی داشتند  
و هر وقت که اراده رخت پوشیدن میکردند آنرا می طلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند و در حدیث  
دیگر وارد شده است که شیشه پر از مشک میگذاشتند در جائی نماز و هرگاه نماز بر میخواستند  
بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آنقدر مشک  
بر خود میمالیدند که رنگه مشک از فرق مبارک ایشان ظاهر بود و در حدیث صحیح منقول است  
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مشک را داشتند از عاچ هرگاه وضو میخواستند بابت  
آنرا بر میگرفتند و چون بر می آمدند میبستند بسبب بوی خوش که می آیند بمسجود و در حدیث دیگر روایت  
که حضرت امام رضا علیه السلام عطر بیرون می آوردند از آنسوس و در آنجا میمالود که در یک خانه بوی  
خوشی بود و یکی از آنها مشک بود و در حدیث صحیح منقول است که علی بن جهم از حضرت امام موسی  
علیه السلام سوال کرد که آیا مشک که بر خود میمالند داخل سینه تران کرد فرمود که من نمیکشم

هیکلی نیست و در روایت دیگر منقول است که باکی نیست که مشک را داخل طعام کنند و در روایت  
دیگر وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خود را بشک نشوید و بشوید و بشوید و بشوید  
و آحادی در مدح خلوق بسیار وارد شده است و آن بوی خوشی بوده است که از چندین چیز  
بعل می آوردند و یک جزو ش عبیه آن بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که  
مداومت بر آن کنند و در روایت دیگر وارد شده است که شایب صباح بر بدن نگذارند و دو  
نیت که این نبی با برائی آن باشد که رگش در بدن بسیار نماند فصل پنجم در فضیلت غالیه است  
مثنوی منقول است که اسحق بن عمار بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من با چهار  
مسو یکم و غالیه بر خود میمالم برای آنکه فحشیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش سادی است  
کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافی است و اسحق گفت که من سبیه موده آنحضرت عمل  
نمودم و سالی بده در هم غالیه سیخرم و تمام سال بآن خوشبو می شوم و در حدیث دیگر منقول است که  
علی بن ابی طالب علیه السلام شبی از خانه بیرون آمدند و خبیثه و عبا بنی سبیه پوشیده بودند و ریش  
خود را بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که درین شب با من چیست برای چه بیرون  
آمدید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران پشت را از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت  
زینت و بوی خوش کردن است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام  
فرمود که روغن برای آنحضرت بعل آوردند که در آن مشک و عنبر داخل کردند فرمود که اگر کاغذی تیره لکری  
و سوره حمد و سوره تین و آیة چند از آیات حفظ نوشته و در میان خلاف شیشه آن روغن گذاشتند  
و پیوسته بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود  
که روغن را با مشک برای آنحضرت بعل آوردند بیست صد و بیست و یکم بر آید فضل بن سهل و ذیرامون  
بخدمت نوشته که مردم شمارا درین باب عیب می کنند حضرت در جواب فرمود که اگر نمیدانی  
که یوسف پیغمبر خدا بود و جانه طلا با فمی پوشید و بر کرسیای طلایی نشست و اینها از حکمتش  
چیزی کم نمی شد پس حضرت فرمود که باز غالیه سیستند چهار در هم فصل ششم در فضیلت و آداب  
رقین بر بدن مالیدن از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که روغن مالیدن بشیره را  
نرم میکند و دماغ را زیاد میکند و مکار آب در بدن آسان میکند و شونت جلد را بد مالی و رنگی نوژی

بر طرف میکند و روثورانی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که روغن مالیدن  
 تو نگر می را ظاهر میکند و در حدیث دیگر فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 منقول است که در شب روغن مالیدن در سروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند و روثورانی  
 سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مومنی روغن بمالد حق تعالی برای او بعد و هر مومنی نوری  
 بنویسد که در قیامت با او عطا فرماید و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون  
 روغن را بر کف دست بریزی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْوَيْسَانَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَآخُوذِيكَ**  
**مِنَ الشَّيْءِ وَالشَّيْءِ وَالْمَقْتِ** پس کف را در بالای سر بگذارد و از آنجا ابتدا کند بر روغن مالیدن  
 و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بر کف بریزی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْوَيْسَانَ**  
**وَالزَّيْنَةَ فِي الدُّنْيَا وَآخُوذِيكَ مِنَ الشَّيْءِ وَالشَّيْءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** و در چند حدیث  
 همی وارد شده است از مداومت بر روغن مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است  
 که ماهی یک بار بمالد و در روایت دیگر هفت یک مرتبه یا دو مرتبه از آن زمان را هر روز مالیدن  
 بنیت فصل هفتم در فوائد روغن بنفشه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه  
 بر سایر روغنهای مثل فضیلت است بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان است  
 بر سایر خلق و در حدیث دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان و فرمود که نسکو  
 روغنست روغن بنفشه بسیار بمالید که در دل از سر و چشم میبرد و در حدیث دیگر فرمود که از آنجا شما  
 چیزی نمی آید که مابیشتر دوست داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از تبه منقول است که شخصی  
 از اشتراقتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن بنفشه در  
 دماغش بچکانند چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای عقبه روغن بنفشه در زستان گرم است  
 و در تابستان سرد است و برای دشمنان مایه شک است اگر  
 مردم فضیلت آنرا بدانند هر پسرینه را و قیقه از آن قیمتش یک شمشیر فی شود حضرت امیر المومنین علیه السلام  
 علیه وآله فرمود که روغن بنفشه نویسی بچکانند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که اگر  
 مردم فوائد این روغن را بدانند هر آینه از آن بسیار بخزند و در حدیث دیگر فرمود که گرمی تب را

تنگنید بر روغن بنفشه و در حدیث دیگر منقول است که در دسر را زائل میکند و دماغ را با صلاح می آورد  
 فصل هشتم در فوائد روغن بان و زنبق بدانکه بان بنوعی هندی است که آن برگی است که از ان  
 روغن میگیرند و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو روغنی است روغن بان در حدیث  
 دیگر منقول است که شخصی با آن حضرت شجاعت کرد از ترکهائی که در دست و پایش هم میرفتند مود که  
 پسند را بگیرد روغن بان بر او بریزد و بر ناف خود بگذارد یا روغن را بریزد و ناف آن شخص یک مرتبه  
 آن کار کرد آن آزار از او زائل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش وی شیطان بخوابد بقدرت الهی با و ضرر نتوان رسانید  
 و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر خود بمالد روغن بان لا اله الا الله  
 از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرمودند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام موسی  
 و امام رضا علیهما السلام درین می چکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 و سلم منقول است که در روغن زنبق منافع بسیار است در آن شفا از هفتاد درد است و آن حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمود است که روغن زنبق منافع بسیار دارد و ظاهر نیست که مراد  
 زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث بلفظ رازقی وارد شده است  
 فصل نهم در فوائد سایر روغنهای منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت  
 امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که یا علی روغن زیت بخور و بر بدن بمال که هر که بخورد و  
 بمالد شیطان تا چهل صباح نزدیک او نیاید و در بعضی از اخبار وارد شده است که روغن گل خیر  
 روغن لطیف است و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی علیه السلام روغن گل  
 خیری بر بدن خود بمالیدند و در حدیث موثق منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 فرمود که صدراع ایشان را عارض شد روغن بکنجد برینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است  
 که آن حضرت دوست میداشتند که روغن کنجد چینی بچکانند فصل دهم در فضیلت بخور و انواع و آداب  
 آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سزاوار است مرد را که هرگاه قادر باشد جامه بپوشد  
 خود را بدو خوشبو دارد و آن حضرت امام رضا علیه السلام مردم بوی بخور بسیار می شنیدند و مرازم

روایت کرده است که با حضرت امام موسی علیه السلام به کام رفتم چون حضرت بیرون آمدند در  
 رخت کن عود سوز طلبیدند و خود را خوشبو گردانیدند پس سه مود که مرازم را نیز خوشبو گردانید  
 و در روایت دیگر واروده شده است که چون زمان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام میخواستند که  
 بخور کنند اقل یک بسته از خرمای صیجانی که نوعی است از خرمای مدینه میگرفتند و خرمای و پوست را  
 ازان دانه دو میگردند و در آتش می انداختند چون انکس دود میکرد و بعد ازان بوی خوش می آمد  
 و جامه را بر بخور میداشتند و می گفتند این بیشتر باعث خوشبوی میشود و از حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام منقول است که عود خالص بویش بدن پاچهل روز میماند و عودی که با بویهای خوش دیگر  
 پرورده باشند بویش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام  
 با عود سندی خالص بخور میکردند و بعد ازان گلاب و مشک بر خود میمالیدند و در روایت دیگر  
 وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخور قناری بخور میکردند و در حدیث  
 دیگر از آنحضرت منقول است که بر شما باد بخور سندی که در آن هفت نوع از شفاست و در روایت  
 دیگر منقول است که تخم که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را بر روغن مالند و جامه اش  
 را بخور بدارند و تخم زن روزه دار آنست که گیسویش را شانه کند و جامه اش را بخور بدارد و سید بن  
 طاووس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در وقت بخور  
 کردن این دعا میخواندند **لَهُمَّ الَّذِي يَنْتَهِي بِكُمْ الصَّالِحَاتِ اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَمَّا ذَكَرْتُ**  
**مَرَّوَجًا وَخَيْرِيْنَ مُنْقَلِبًا وَاجْعَلْ الْمُتَّقِيْنَ ذَاةَ نَارٍ وَالْجَنَّةَ مَعَادًا يَا أَكْثَرَ رَحْمَةً بَيْنَ رَحْمَتَيْ**  
**عَالَمِيْنِكَ يَا نَارُ كَرَامَتِكَ لَنَا أَتَيْتُ عَلَى كَيْفِيَّةٍ قَدِيرَةٍ وَكُفْتُ أَنْدَكُ** در روایت دیگر منقول است  
 که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخواند **اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اللَّهُمَّ آمْنَعْنِي بِمَا ذَكَرْتُ**  
**وَالْأَسْبَغِي مَا خَوَّلْتَنِي وَاجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَةً لِّكَ وَلا تَجْعَلْهُ وَبَالَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ طَيِّبْ ذِكْرِي بَيْنَ خَلْقِكَ**  
**كَمَا طَيَّبْتَ بَشَرِي وَصَوَابِي وَفَضْلِي عِنْدَكَ فَصَلِّ يَا زَوْهَرِيْ بِيَانِ فَضْلِ كَلَابٍ وَكُلِّ رُخْ**  
 و انواع گلاب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که گلاب بر روی خنجر آب روزانه میکند  
 و بر شانی را بر طرف میکند و در حدیث دیگر فرموده که هر که گلاب بر روی مالد در آن روز بد حال نمیگردد  
 و بر شانی با نرسد و چون گلاب بر دستمال محمد کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و آن

حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که دواصل فذاه مبارک رمضان یک کف گلاب بریزد و  
دوازده این گرد و از خواری و پریشانی و هر که در آن روز بر سرش یک کف گلاب بریزد و آن سال  
از مرض سهام و ذات کجنا این گرد و تسبیح معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول  
است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هر دو کف را از گل سرخ پر کردند و این عطر خوشبو  
چون نزدیک بشام خود بر دم فرمودند که این بهترین گلهایی بهشت است بعد از گل نورد و در حدیث  
دیگر از آنحضرت منقول است که چون مرا با آسمان بر دند از عرق مقطب و چند بر زمین بخت و گل سرخ  
از آن روئید پس آن گل بدینا افتاد مایهی خواست که بر دارد و غموص گرمی است و در پاکه سپین  
دارد و دم باریک و دراز خواست که بر دارد در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی را فرستاد  
که در میان ایشان محاکمه کرد و نصف را با ما پس داد و نصف را بنمونه من این سبب پنج برگ سبزی  
در زیر گل می باشد و ما بشکل دم مایهی است که آن بر طرف پری دارد و در آن گل دم غموص است که باریک  
است و از هیچ طرف پری ندارد و یک طرف پری دارد و طرف دیگر ندارد که شکاش مثل نصف  
دم مایهی است و نصف دیگر بشکل دم غموص است و در روایت دیگر منقول است که چون آنحضرت را  
بجمله بر دند زمین از مفارقت آنحضرت محزون شد این سبب که بر دند زمین روئید و چون شربت  
شاد شد و گل سرخ در آن روئید یکسبک خواهد که بوی عطر رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم  
است تمام کند گل سرخ را بوی و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم دارد شده است که گل سفید از عرق من روئید و سبب علاج و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل  
از عرق براق و در روایتی دارد شده است که بوئیدن زنگنه و غش را مالیدن خضال بسیار دارد  
چون حضرت ابراهیم را در آتش انداختند حق تعالی آتش را بر دود و آسلا مگرد در میان آتش  
از برای آنحضرت زنگنه هم رسید و آنحضرت امام موسی علیه السلام منقول است که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که نیکو گویست مرزن گوش در دیرش میروید و آبش باعث شفای  
چشم است و در روایت دیگر منقول است که بسیار بوئیدن مرزن گوش را که قوت شامه را می آید  
و آنحضرت صادق علیه السلام منقول است که گل حبت و یک نوع دارد و سید و بهترین همه گل  
مورد است فصل دوازدهم در آداب گل بوئیدن در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام



و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هرگاه شما گلی بپسندید  
 بپسندید و بر دید بانی خود بگذارد که آن از بهشت آمده است و در حدیث معتبر مالک جینی روایت  
 کرده است که گلی بخرت امام جعفر صادق علیه السلام دادم گرفتند و بپسندیدند و بر هر دو دیده  
 گذاشتند پس نمودند که هر که گلی را بگیرد و بپسندد و بر دید بانی خود بگذارد پس بگوید **اللَّهُمَّ صَلِّ**  
**عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ** هنوز بر زمین بگذاشته باشد که گنااهش آمرزیده شود و از حضرت امام  
 حلی نقلی علیه السلام منقول است که هر که گلی را بپسندد و بر دیده بگذارد یا گداشته صلوات بر محمد و آل محمد  
 بفرستد حقیقی است که او از حسنات بقدر یک بیابان عالج که در مابین یک دشام و سدوق کشیده است  
 بنویسد و از گناهای او بعد در یک آن بیابان بخواهد پیاپی هفتم در آداب حمام رفتن بپسندد  
 شستن و داروشیدن و آداب بعضی از اغسال **فصل اقل** و فضیلت حمام منقول است که عمر  
 گفت که بخانه ایست حمام که عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میبرد و حضرت امیر المومنین صلوات  
 علیه و آله فرمود که نیکو خانه ایست حمام که جهنم را بیاد می آورد و کپس را از بدن می برد و از حضرت  
 امام موسی علیه السلام منقول است که حمام یک روز در میان گوشت بدن را زیاد میکند و در هر روز  
 رفتن پیه کرده بار میگذارد و بدن را لاغر میکند و از سلیمان جعفری منقول است که گفت بیمار شدم  
 تا آنکه گوشتم همه تحلیل رفت بخد مت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم فرمود که اینجا گوشت بدنت  
 برگردد گفتیم بی فرمود که یک روز در میان بحمام برو که گوشت بدنت عود میکند و زنجار هر روز زد  
 که باعث مرض حل می شود و در حدیث دیگر فرمود که سیکه خواهد که فربه شود یک روز در میان  
 بحمام برود و دیگر روز زرد و سیکه گوشت زیاد داشته باشد و خواهد که غلاسه شود هر روز بحمام  
 برود و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بهترین دوا بانی شما حقنه و حجامت کردن  
 دوا و دیرینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر وارد شده است که دوا بی طعم حمام است  
 و در چند روایت وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام  
 بفرستد و علما و اهل کرده اند بوجوه اقل آنکه این در بلادی است که در آن بلاد آبست بارگرمی هوا  
 استیلاج ندارند بحمام خستن و دوش آنکه مراد این است که زن خود را رخصت ندهد که برای سیر کردن  
 بحمامها برود **فصل دوم** در آداب داخل شدن و بیرون آمدن از حمام و دعاها که باید خواند در آنجا

معتبر بسیار واره شده است هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد و باید که بی لنگ داخل حمام نشود  
 و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که با لنگ داخل حمام شود حقتعالی آنگاه  
 او را بر پرده سر خود پوشاند و در حدیث دیگر فرمود که هر که داخل حمام شود و دیده خود را از نظر  
 کردن بعورت دیگران پوشاند حقتعالی او را از عیم جهنم ایمن یگر داند و حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم نهی فرمود از غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهیابی لنگ  
 و فرمود که در نهی با ساکنان اند از ملاکمه و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی لنگ و از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که داخل حمام شو مگر آنکه اندک چیزی در معده تو باشد که حرارت  
 معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث قوت بدن است و داخل حمام شود و تشبیه معده تو  
 پر باشد از طعام و در حدیث دیگر منقول است که هرگاه آنحضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک  
 چیزی تناول میفرمودند و راوی گفت که مردم میگویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است فرمود که نه بلکه  
 اندک چیزی بسیار بخور که صفر را فرومی نشاند و حرارت اندرون را ساکن گرداند و در روایت  
 دیگر فرمود که حمام رفتن ناشتا بغم را پاک میکند و بعد از چیزی خوردن صفر او سودا را پاک میکند و فرمود  
 که اگر خواهی که گوشت بدنت زیاده شود بعد از چیزی خوردن بحمام برو و فرمود که اگر خواهی که گوشت  
 کم شود بیشتر و بجهت ستر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در تشبیه درخت کن جام  
 جامه پار از خود میکنی بگو **اللَّهُمَّ أَنْفِ عَنِّي رِقَّةَ الْتَفَاقِ وَ تَيْبِثْنِي عَلَى الْإِيمَانِ** پس چون داخل  
 خانه اول حمام شوی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ أَسْتَعِذُّ بِكَ مِنْ إِذَا هَا وَ جَن**  
 داخل خانه دوم شوی بگو **اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرَّجْسَ النَّجِسَ وَ طَهِّرْ صَدْرِي وَ قَلْبِي وَ بَكْرِي** از  
 آب گرم و بر سر بریز و بعضی از آن آب را بر پا بریز و اگر توانی که جرعه از آن آب بخوری بخور که مجرا  
 بول را پاک میکند و در خانه دوم ساعتی مبر کن پس چون داخل خانه سوم شوی بگو **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و در خانه  
**وَسَلِّ عَلَى النَّبِيِّ** و مکرر این را بگو تا هنگام بیرون آمدن خانه گرم و زنها آب سرد و غریزه در حمام  
 منور که معده را فاسد میکند و آب سرد بر خود میریز که بدن را ضعیف میکند و چون از حمام بیرون آ  
 آب سرد بر پا بریز که در دوازده بخت کمی شد پس چون مشغول جامه پوشیدن شوی بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي**  
**التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى** پس چون لباسها که گفتم بکنی از همه دردی ایمن شوی و از حضرت امیر المؤمنین

صلوات اللہ علیہ وآلہ منقول است کہ چون بعد از بیرون آمدن تو از حمام برادر مومن بگوید تو طاعت  
حمامت و حیمت کردی و جواب بگو انفع الله بک و در روایت دیگر وارد شده است کہ حضرت  
امام حسن صلوات اللہ علیہ از حمام بیرون آمدن شخصی آنحضرت گفت طاعت استجماعتک حضرت ادریغ  
کردی پس گفت طاعت حمامت باز ادریغ کردی پس گفت طاعت حیمت باز منع کردی ادریغ گفت  
پس گویم فرمود کہ بگو طاعت ما طهرت منک و طهر ما طاعت منک یعنی خدا طیب و پاکیزه و نیکو  
گرداند به نیکی منوی منجست گناہان و تو حق طاعت آنچه پاک شده است در حمام از اعضا علی بدن  
و پاک گرداند از لوث گناہان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو کہ آن دل و نفس و عقل  
و سایر قوی و اعضا شریفه باشد و در روایت دیگر منقول است کہ سیکه از حمام بیرون آید با و بگویند  
انفعی الله نفسك و ادر جواب بگوید طهرتک الله و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ ہر گاہ  
از حمام بیرون می آید عامہ پیر بہ بندید فرمود کہ بعد از بیرون آمدن از حمام پایا را بشوید کہ در وقت سقرا  
زائل میکند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت امام محمد بہر و امام جعفر صادق علیہما السلام ہر گاہ کہ  
از حمام بیرون می آمدند درستان و تابستان عامہ پیر خمی سپیدند و میفرمودند کہ امان است از دروس  
و در روایتی وارد شدہ است چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او غالب آید آب سرد بر خود بریزد  
تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی علیہ السلام وارد شدہ است کہ در روز چارشنبہ بجام بروید  
فصل سوم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شدہ است منقول است از حضرت امام جعفر صادق  
علیہ السلام کہ حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ وآلہ میفرمودند کہ در حمام بر پشت نخوابید کہ پیہ گردہ یا  
میگہ از دستخالی و آجر بر پای خود مسائید کہ مورث خورہ است و حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام  
فرمود کہ مرد با پیر خود بجام نرود کہ نظر کند بعورت او و جائز نیست فرزند را کہ نظر کند بعورت پدر و مادر  
خود و پدر و مادر را جائز نیست کہ نظر کند بعورت فرزند خود و فرمود کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم  
لعنت فرمود کہ کسی کہ نظر بعورت کسی کند در حمام یا بی لنگ رود کہ دیگران بعورت او نظر کنند  
و در حدیث دیگر فرمود کہ بر پهلوی خواب در حمام کہ پیہ گردہ یا را میگرداند و پیہ میکند آدمی را و در حمام  
شانہ کن کہ موتنگ بشود و سر را بجل مشوک غیرت را می برد و سفال بر بدن مال کہ مورث پسبی است  
و لنگ بر روی مال کہ آب رو را می برد و این بابو علیہ الرحمہ گفته است کہ مرد کل مصر و سفال شام

و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از قرآن خواندن در حمام  
 و جماع کردن در حمام فرمود که بآی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند  
 که آیا حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله نهی فرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمودند  
 وقتی نهی فرمود که کسی سران باشد پس اگر رنگ بسته باشد بآی نیست و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 علیه السلام منقول است که بآی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر عرض رضائی خدا باشد  
 نه خوشحالی و در حدیث دیگر منقول است که روزی آنحضرت میخواستند بهام بروند حامی گفت که اگر  
 بهنجایی حمام را بر آنحضرت ملاحظت کنم فرمود که در کار نیست مومن را کارش از این سبکتر میباشد که حمام را  
 برای او قورق کنند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند که هر که از حمام سفالی برود و بر بدن خود  
 بمالد پی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و کسیکه غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام  
 و خوره باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول  
 است که زخار در حمام بر پهلوی خواب که پیر کرده بار آب بیکند و بر پشت خواب که در و اندرون بهم  
 میرسد و شانه کن که مورامی ریزاند و سواک کن که دندان را میریزاند و سدر الحلی شو که در را بدینا و  
 سم میکند و لنگ را بر سر و در حال که آب در او میریزد و کفهای پارسیغال مسائی که باعث پی می شود  
 و از آبی که در حیضهای کوچک در حمامهای سیان جمع شود از غسل مردم غسل کن که در آن غسل الیه بود  
 و نصرانی و کبر و دشمن با اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سنگ پس تر خلق کرده است  
 و بیک حدادت با اهل بیت دارد آن از سنگ نجس تر است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه  
 آن منقول است که ببل کردن در حمام مورث خرد و پشانی است و در حدیث دیگر فرمود که بآی نیست  
 که مردم با کتیزانش حمام بروند اما پاک که لنگ بسته باشد و مانند خزان بر سینه نباشد که نظیر صورت  
 یک دیگر کنند و در این باره شده است که در حمام نگاه نکنند و آن در صورتیست که لنگ بسته  
 باشند زیرا که در احادیث بسیار وارد شده است که اگر علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم  
**فصل چهارم در فضیلت شستن بر بدن و دفع بویایی بدان خود کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه**  
 و آله منقول است که کافی است آب از برای خوشبو کردن بدن پس فرمود که هر که حمام پیش باید که  
 پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که شستن هر چه گشایی بر

و از ششم را دفع میکند و شستن با سه غم و اندوه رومی بود و پاکیزگی است برای نماز و فرمود که خود را  
 پاکیزه کنید بآب از بویایی بجا که مردم از آن متذق میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بستر که خدا  
 دشمن میدهد از بندگانش آن شیف گندیده را که پهلوی هر که بنشیند از متذقی شود و سه مود که  
 آب را بوی خوش گردانید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که حقیقتا غضب نکرد  
 بر بنی اسرائیل مگر قتی که ایشان را داخل مهر کرد و راضی نشد از ایشان مگر قتی که ایشان را از مصر  
 بیرون کردند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سر خود را بگل مهرشوید و از کوزه که  
 در مهر سازند آب بخورید که خواری و مذلت می آرد و غیرت رومی بود و از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقول است که دوست نیدارم که سر خود را از گل مهرشویم از ترس آنکه مرا ذلیل گردانند  
 و غیرت را برود و از جابر جعفی منقول است که شکایت کرد و بجزرت امام محمد باقر علیه السلام از آن که  
 گرمی در شکم است و بسیاری ریزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که مورد را بکوب و آتش را بگیر  
 و با سر که که بکشد آب بجل آورده باشند و بسیار تند باشد بر هم زن آنقدر که کف کند پس وریش را  
 بآن بقوت تمام مهال و بشوئی پس بر دشمن شیر تازه سروریش را چرب کن که آن علت زائل می شود  
 فصل پنجم در فضیلت شستن بر با سدره و خطمی در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که ناخن و شارب گرفتن و سر را با خطمی شستن فقر و درویشی را زائل میکند و روزی را  
 زیاده میکند و در حدیث موثق دیگر فرمود که شستن بر با خطمی در هر جمعه امان میدهد از بیماری و دیوانه  
 و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد  
 که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که شستن بر با خطمی دل را می کشاید و سودا و اندوه را  
 بر طرف میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که شستن بر با سدره  
 روزی از زیاده میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون  
 حقیقتا حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم را امر کرد که اسلام را ظاهر گردانند آنحضرت کس  
 مسلمانان بسیاری کافران را دید بسیار تلکین شد حقیقتا حضرت جبرئیل را بایک برگ سدره از درخت  
 سدره المنتهی فرستاد که سر را بآن بشوید پس بآن شستن اندوه آن حضرت بر طرف شد و در حدیث  
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شستن بر با خطمی امان میدهد از درد سدره

و بیز از میگرداند از پریشانی و سر راپاکی میکند از گرمی و در حدیث دیگر فرموده که حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم سر خود را با سرده می شستند و میغرمودند که بشوید سر خود را با برگ سدره  
 که هر یک هفت سب و هفت پیله بر سر آن ریخته است یا اگر کرده است و هر که سرش را با آن بشوید حقیقی از دوسو  
 شیطان را هفتاد و روز دور گرداند و هر که هفتاد و روز دوسو شیطان از او دور شود معصیت بخشد  
 و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله و سلم منقول  
 است که شستن سر با خطمی کپه و جانفون هر را بر طرف میکند فصل ششم در فضیلت کشیدن  
 در حدیث حسن از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دارو کشیدن پاک کننده  
 بدن است و در حدیث صحیح منقول است که عبد الرحمن بن عبد الله گفت که با حضرت امام جعفر  
 صادق علیه السلام به جام رقم فرمود که دارو بکش گفتم چند روز است که کشیده ام فرمود که دیگر بکش  
 که پاک کننده بدن است و برین مضمون چندین حدیث دارد و شده است و در حدیث دیگر منقول  
 است که حضرت شخصی را تکلیف داد و کشیدن کرد و او گفت که سه روز است که دارو کشیدم فرمود که  
 باز بکش که پاک کننده بدن است و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که دارو  
 کشیدن دفع دلگیری و پریشانی می کند و بدن را پاک میکند و آن حضرت امام موسی علیه السلام  
 منقول است که گفت موی بدن را از خود بپندازید که نجس و شیف است و در حدیث صحیح از آن حضرت  
 منقول است که موی بدن چون بلند شود آب پشت را قطع میکند یعنی سر زدن بوجوهی آید و بندها را  
 ست میکند و ضعف و تنگی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند  
 و پدید کرده ها را زیاد میکند و بدن را نرم میکند و آن حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چهار  
 چیز است که از اخلاق پیغمبران است بوی خوش کردن و تر ترا کشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع  
 کردن و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که موی شارب و زیر بغل و پشت زبانه  
 را بلند نگذارید که شیطان در آنجا پنهان می شود فصل هفتم در از آنکه موی زیر بغل در حدیث معتبر از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در از آنکه موی زیر بغل را که شیطان در آنجا پنهان  
 میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام زبانه را موی بغل را دارو میکشیدند  
 و میغرمودند که کشیدن موی بغل دوشهبار است میکند و در حدیث دیگر منقول است که دارو کشیدن



ازیر فعل بهتر است از ترشیدن و ترشیدن بهتر است از گندیدن و در حدیث دیگر وارد شده است  
 که بسیار بود که آنحضرت از برای از الله مومنی زیر بغل تمام میفرستند و همین آن موقع را دارو یکشیدند  
 و بیرون می آندند و آنحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مومنی زیر بغل از گند  
 گند بغل را بر طرف میکند و پاک کننده است و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است  
 فصل هشتم در غایت زمانی که نوره را ناخیز میتوان کرد و در حدیث معتبر از حضرت رسول الله  
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر مردی که ایمان بخدا آورد و زیارت دارد باید که مومنی  
 پشت زهار را زیاد از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا آورد و زیارت داشته  
 باشد اینکه ترک کند از الله مومنی زهار را زیاد از بیست روز و آنحضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در هر چه دارد و می کشیدند مومنی پشت زهار را و میان  
 دو پار در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سنت در نور کشیدن نیست  
 که هر بازده روز یک مرتبه بکشد و اگر کسی بیست و یک روز هم یک مرتبه بکشند خوب است و در  
 روایت دیگر هشت روز بگذرد که نور کشیده باشد فرض کند بر خدا و نوره بکشد و اگر چه هر روز  
 برو بگذرد که نوره نکشد او مومن و ایمان نیست و او را هیچ گاه است نزد خدا نیست و آنحضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که ایمان بخدا آورد و زیارت دارد و مومنی زهار را زیاد  
 از چهل روز نگذارد پس اگر چیزی نیاید بعد از چهل روز فرض کند و نگذارد و حضرت امیر المومنین صلوات  
 علیه و آله فرمود که دوست میدارم از برای مومن که هر بازده روز نوره بکشد و آنحضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که باید که پشت زهار را یک هفته بیشتر نگذرد و یک نوره را زیاد از یک ماه  
 نگذرد نمازش مقبول نیست فصل نهم در دعاهای وقت نور کشیدن از حضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که هر که پیش از نور کشیدن اندکی نوره بر دارد و بگوید و بر کسی بگذارد و بگوید صلی الله  
 تعالی سلیمان بن داود کما امر قلوبا و النور و انما نوره و آنحضرت علی بن ابی طالب علیه السلام منقول  
 است که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را از هر که و کثافت های دنیوی  
 و از گناهان پاک گرداند و بوض آن مومنی با و که است فرماید که در آن موگانه نکند و بعد و هر که  
 از پیش طه خلق کند که از برای او تسبیح الهی بکند تا روز قیامت بر تکیه است تسبیح از تسبیح ملائکه و ثواب

برابر است با ثواب هزار تنج اهل زمین و ما این است اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهَّرَ مِنِّي وَطَهِّرْ مَا طَابَ  
 مِنِّي وَابْدِلْنِي شِعْرًا طَاهِرًا لَا يَعْصِيكَ اللَّهُمَّ إِنِّي نَظَرْتُ ابْتِغَاءَ سُنَّةِ الرُّسُلِينَ  
 وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ فَحَرِّمْ شِعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَطَهِّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خَلْقِي  
 وَزَكِّهِ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ عَلَى الْخَنِيفَةِ لَسْتُ بِمَلَأَةٍ أَوْ أَهْلِيمَ خَلِيلِكَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ عَامِلًا لِشَرِّ أَعْيُنِكَ ثَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَآلِهِ اخذ آیه متاذ با تادیب و تادیب رسوالت و تادیب اولادك الذين غدا و تهم  
 باديك و زرع الحكمة في صدورهم و جعلهم معادين لعليك صلواتك عليهم  
**فصل دهم** در اوقات نور کشیدن و سایر آداب آن از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که یک مرتبه در ایستان مارکشیدن بهتر است در فضیلت و نفع از ده مرتبه که در رستان باشند  
 و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله مرویست که اگر کسی از نوره مالیدن در روز  
 چهارشنبه که روز خمس است و جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقول است که پنج چیز است که مورت پیوسته نوره در روز جمعه و چهارشنبه  
 مالیدن و وضو و غسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در حالت جنابت چیزی خوردن  
 و جماع در وقت حیض بازمان کردن و در حال سیرجی پیچ خوردن و از حضرت امام رضا علیه السلام  
 منقول است که هر که در روز جمعه نوره بکشد پیش شود ملامت نکند مگر خود را و در نیست که این دو  
 حدیث محمول تفسیه باشد یا آنکه یکی از طریق اهل سنت است زیرا که حدیث گذشته که حضرت پیغمبر  
 صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه دارو می کشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقول است که بخدمت حضرت  
 صادق علیه السلام عرض کردند که مردم میگویند که نور کشیدن در روز جمعه کرده است حضرت فرمود  
 که چنین نیست که تو گمان کرده چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث  
 دیگر منقول است که علی ابن نقیطنی خواست که بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام بنویسد که آیا  
 مرد در حالت جنابت دارو می کشید و فراموش کرد که حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که باکی  
 نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق علیه السلام نیز پرسیدند فرمود  
 که باکی نیست و در حدیث حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که کسی که درو

گفته استاده بول سیواند کرو فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقول است کسی که بوقت  
دار و مالیدن برائی بول نشیند بیم آنست که بعیت فوق مستلا شود و بشیر نهال با حضرت امام  
محمد علیه السلام به تمام رفت حضرت انگلی بستند از ناف تا زانو و در حمام طلبیدند که آنچه  
بالا و پائین انگ بود دار و مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا زانو خود را بشیر نهال کشیدند  
که هرگاه دار و آب و کشتی چنین کن و در بعضی احادیث تجویز این واروده است که غیر عورتین را دیگری  
بمالد پسند حسن منقول است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا جائز است که کسی آرد را  
ببار و غن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه دفع بوی نوره شود فرمود که باکی نیست  
و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام چنین میگردند و در حدیث دیگر منقول  
است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آرد را بعد از نوره بر بدن میتوان مالید فرمود که  
باکی نیست راوی گفت که مردم میگویند که اسراف است حضرت فرمود که در چیزی که صلاح بدن  
از آن نیست اسراف نیست پس بار وقت است که میفرمایم که آرد پخته را با روغن زیت مخلوط می کنند  
و در بدن بمالیم اسراف در چیزی نیست باشد که مال آن لغت کند و بدن را برساند فصل یازدهم در  
فضیلت خنای مالیدن بعد از نوره حسین ابن سحر روایت میکند از پدرش که حضرت موسی بن جعفر  
علیهما السلام هرگاه اراده حمام میکرد میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بر تنه که داخل نمیشد  
شد پس میفرمودند که نه بار زمین حمام می افتد و بعد از آن داخل می شدند روزی از حمام بیرون آمدند  
شخصی از آن بزرگان حضرت رسید و اثر خنای دست آنحضرت دید گفت این رنگ چیست که دست  
نست فرمود که رنگ خناسبت که پدرم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند  
که هر که به تمام رود و دار و آب بکشد و بعد از دار و خنای سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پی  
و اکثر نوره کشیدن دیگر در حدیث معتبر منقول است که حکم عین شبهه دید که حضرت صادق علیه السلام  
خبر بر او شنید و بر ناخنهای خود گذاشتند فرمودند که ای حکم چه میگوئی درین باب گفت چه تو را نگفتم  
و کاری که شما بکنید امان این کار را پیش از آن کسی شنید حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره شبهه  
میشود بناخن مردگان را رنگ شان را میگویند و اینم بخند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام  
محمد تقی علیه السلام از حمام بیرون آمدند و از سرتاپای پاهایشان گل سرخ شده بود

از خا و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خا مالیدن بوی برامی پروا آب دروزنایا میکند  
و در بازان خوشبو میکند و فرزند را نیکو میکند و هر که بعد از دار و از سر تا پا عا با مالده فقره پریشانی از او ببرد  
میشود فصل دوازدهم در آداب غسل جمعه و سایر اعمال با کمال غسلهای واجب بنا بر مشهور میان  
علمائش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و نفاس و منی و غسل میت و مستحب است که در  
وقت غسل جنابت این دعا بخواند اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ ذَرِكْ عَلَيَّ وَ تَقَبَّلْ سَخِيٍّ وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ  
خَيْرًا لِي اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و اگر این دعا بخواند بهتر است  
اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ اجْعَلْ عَلَى لِسَانِي مِثْلَ حَتِّكَ وَ الشَّيْءَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ  
اجْعَلْهُ طَهْرًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده  
و در تفسیر حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این  
دعا بخواند گناهایان از او بریزند چنانچه برگ از درختان میریزند و هر قطره از قطرات وضو و غسل او  
حق تعالی ملکی خلق فرماید که تقدیس و تسبیح و تهلیل و تکبیر الهی کند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و  
ثوابش از او باشد و گناهانش آمرزیده شود و دعای این است سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ  
أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ  
وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَ خَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَكَ خُلَفَاؤُكَ  
وَ أَوْصِيَاءُكَ أَوْصِيَاءُكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ سِتْرًا وَ غُفْلًا وَ اجْعَلْهُ سِتْرًا وَ غُفْلًا  
و بعضی از علماء واجب میدانند و احوط آنست که تا مقدر باشد ترک نکند و در امامیست مستبره  
وارد شده است که غسل جمعه واجب بر مردان و زنان و بفرقه حضرت اگر که خست داده اند  
نه آنرا که ترک کنند در سفر برای کس آب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل جمعه  
پاکیزه کننده و کفاره گناهان است از جمعه تا جمعه دیگر و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است  
که هر که غسل جمعه بکند و بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ  
و بعضی از علماء این غسل و دعا پاک بگرداند و از جمعه دیگر و بهتر نیست که این دعا را نیز بخواند اللَّهُمَّ  
طَهِّرْ لِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ أَنْفِي وَ غُفْلًا وَ اجْعَلْ عَلَى لِسَانِي مِثْلَ حَتِّكَ وَ الشَّيْءَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي

مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَخَافُ مِنْهَا دِينِي وَبَطْلُهَا عَمَلِي وَدَرْفَةُ الرِّضَا مَذْكُورٌ هِيَ أَنْ تَكُونَ مِنْ جَسَمِ  
 فَارِغٍ تَتَوَلَّى بِكَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ دِينِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَأَنْقِ عَمَلِي وَأَجِرْ عَلَى لِسَانِي ذِكْرَكَ وَذِكْرَ نَبِيِّكَ  
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَوَقْتُ أَنْ يَرْجِعَ صَادِقٌ  
 است روز جمعه تا نماز پیشین و سهوا نیست که هر چند نزدیک تر است پیشین بهتر است و اگر خوف  
 داشته باشد که در روز جمعه آب یافته نشود و در روز پنجشنبه میتواند کرد و اگر فوت شود بعد از پیشین  
 تا شام روز جمعه میتواند کرد و نیت قضا و کار نیست و از صبح روز پنجشنبه تا شام بقصد قضا میتواند  
 کرد و در دفعه الرضا مذکور است که در روزهای دیگر هفته نمیتوان کرد و ظاهر کسی از علمای این قائل  
 نشده است و سنت است غسل کردن در شبهای طاق ماه مبارک رمضان خصوصاً در شب اول  
 و شب نیمه و شب هفدهم و آن شبی است که مومنان و کافران در بدر جمع شده اند و در روز شش  
 اعظم فتنهای اسلام واقع شد و شب نوزدهم آن شبی است که تقدیر است سال در شب نوشته  
 میشود و بنا بر بعضی احادیث و شب بیست و یکم آن شبی است که اوصیا و ائمه بعد از آن شب شهادت  
 یافتند و حضرت عیسیٰ آتش با سمان فرستاده و حضرت موسی علیه السلام از دنیا رفته و احتمال قوی دارد  
 که شب قدر بوده باشد و شب بیست و سوم و آن شب قدر است با احتمال قوی و قول اکثر و در آن  
 شب دو غسل است یکی معارف غروب آفتاب و دیگری در آخر شب و در بعضی از روایات وارد شده  
 است که در شبهای دهه آخر هر شب غسل بکند و سنت است غسل در شب یفطر و در روز شش و در  
 عید قربان و اظهر آنست که درین دور و در غسل را تا شب میتوان کرد و لیکن افضل آنست که پیش از نماز  
 عید واقع سازد و در روز ششم ذی الحجه و در روز سه فروردین و شب نیمه رجب و منقول است  
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که ماه رجب را در یابد و غسل کند در اول ماه و میان ماه  
 و آخر ماه از گناهایان بد آید مثل روزی که از او متولد شده باشد و روز بموت و آن میت و هفتم  
 رجب است و اکثر علما گفته اند اگر چه حدیثی مخصوص بنظر رسیده است و شب نیمه ماه شعبان و روز  
 غید خدیجه که بیست و یکم ذی الحجه است و روز مبارک که بیست و چهارم ذی الحجه است و بعضی گفته اند روز  
 بیست و پنجم است و روز حوالا در فضیلت بسیار مشهور و آن روز بیست و پنجم ذی الحجه است و درین غسل نیز  
 حدیثی بنظر رسیده است و روز نوروز بنا بر مذاهب بعضی و در حدیث معلی بن خنیس بران دلالت دارد

و مشهور آنست که روزی است که آن فایده بزرگ حاصل منقلب شود و همچنین سنت غسل برای  
 احرام حج یا عمره و بعضی واجب میدانند و احوط آنست که ترک نکند و غسل زیارت حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک و دور و غسل استخاره مطلقاً  
 خصوصاً نمازهای خاص استخاره و برای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت وارد شده است و غسل  
 از گناهان و باز سنت است غسل از برای قضائ نماز کسوف هرگاه عمدتاً ترک کرده باشد و قرص تمام  
 گرفته باشد و بعضی گفته اند که واجب است و احوط آنست که ترک نکند و بعضی گفته اند که بواسطه قضا  
 غسل کند اگر عمدتاً ترک کرده باشد اگر چه تمام قرص نگرفته باشد و از برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته باشد  
 و این قول قویست و سنت است غسل از برای دخول حرم و از برای داخل شدن مکه معظمه از برای داخل  
 شدن خانه کعبه و از برای طواف و از برای داخل شدن حرم مدینه و از برای داخل شدن شهر مدینه منوره  
 و از برای داخل شدن مسجد رسول صلی الله علیه و آله و سلم و از برای شستن می و غسل فرزندی که متولد  
 شود و چنانچه گوشت و غسل روز ولادت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر قول بعضی و آن  
 هفدهم ماه بیج الاقل است و آنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارت است در آرزو و سنت است  
 غسل از برای طلب باران و از برای شستن چلباسه و غسل بعد از کشتن است و هم چنین هرگاه شخصی برود  
 برای دیدن سیکه او را بکلی کشیده باشند غسل سنت است بعد از دیدن و بعضی واجب میدانند و اکثر گفته  
 اند گفته اند که هرگاه سی بعد از سه روز باشد سنت است خواه بخت او شسته باشند خواه باطل و بعضی  
 از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه بعنوان ناقصی بر وجه ضرورت بخیل آمده باشد مثل جیره  
 و تقیه و هم چنین گفته اند که هرگاه جامه میان دو تن مشترک باشد و می در آن بیابند و معلوم نباشد که از  
 کدام یک بوده است هر دو غسل کردن سنت است و نیز گفته اند برای کفن کردن میت سنت است  
 و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است که پیش از کفن کردن بجا آورد  
 و هم چنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخصی جنب  
 هر چه باشد سنت است که غسل جنابت بدهند و پیش از غسل سنت است یا بعد از آن و از حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون خواهی که غسل روز عید فطر بجا آویی در زیر سقفی بکن  
 چون خواهی که شروع کنی بگو **اللهم انما نأياك و نصدق انما نأياك و اتباع سنة نبيك**



نماز است ان شاء الله تعالی در کتاب عبادت نوشته خواب باشد و الله فوق بابت ستم در ادب خواب رفتن  
 و بیدار شدن و میت اخلاص رفتن فصل اول در بیان اوقات خواب بدان که خواب کردن بعد از  
 طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و غفتن بعد از عصر مکروه است پیش از ظهر در وقت گرمی  
 هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و سنت است و از حضرت علی بن حسین صلوات الله  
 علیه منقول است که به ابی حمزه ثمالی فرمود که خواب کن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست  
 شیدایم زیرا که حق تعالی روزی بندگان را درین وقت قسمت میکند و هر که درین وقت خواب است  
 محروم میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که زمین بسوی خدا مال و فساد  
 میکند از سه چیز از خون حرامی که بران ریخته شود و یا غلی که از خاک اند بر روی آن یا خواب کردن بران  
 پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خواب بامداد شوم است و در وقت  
 منع میکند و رنگ رازر میکند و در هیچ و تغیر نمیکند و این خواب را نهند هر شومی است برستیکه  
 حق تعالی روزی با از ما بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می نماید پس نه این خواب را کمباید فرمود  
 که مرغ بران و ترنجبین بر بنی اسرائیل درین وقت نازل میشد هر که در خواب بود بجهه او نازل میشد  
 و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که در جائی نماز خود نشیند از طلوع صبح تا طلوع  
 آفتاب خدا او را ستور گرداند از آتش جهنم و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کنندۀ خانه کعبه  
 داشته باشد و گناهایش آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز کند و قدری  
 تعقیب بخواند پیش از آمدن آفتاب بخوابد بکی نیست چنانچه در حدیث صحیح منقول است که حضرت  
 امام رضا علیه السلام شخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من بعد از نماز صبح خواب میکنم و از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که شخصی فرمود که چون نماز صبح کردم و ذکر خدا خواندم اگر پیش از طلوع  
 آفتاب بخوابم بکی نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که خواب اول روز سفاهت  
 است و خواب قیلوله نعمت است و خواب بعد از نماز عصر طاقت است و خواب میان نماز شام  
 و غفتن از روزی سرد میگرداند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است

که خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز نختن بر پشالی همتی آورد و در خواب دیگر  
 منقول است که شخصی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد که من حافظ قوی  
 داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است فرمود که آیا خواب بیلوله میکردی و کامل  
 ترک کرده گفت بل فرمود که باز خواب بیلوله بکن چنان کرد و حافظه اش برگشت و در خواب  
 دیگر وارد شده است که قیلوله کنسید که شیطان قیلوله نمیکند و منقول است که نیکو یاوری است  
 خواب بیلوله بر بیداری و عبادت شب فصل و قوم در وضو ساختن پیش از خواب از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که هر که وضو بسازد و برخت خواب برود رخت خواب برای او  
 حکم مسجد شسته باشد و اگر در میان رخت خواب بیاوشد آید که وضو ندارد از لحاف خود بکشد  
 و اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا صبح بیا و خداست چنان است که نماز میکند و از حضرت امیر المومنین  
 علیه السلام منقول است که خواب مسلمان در شبیکه جنب باشد بخوابد مگر با وضو و اگر آب از پای  
 وضو غسل بهم رسد تیمم کند بجا که زیرا که روح مومن را در وقت خواب با آسمان مجرب و متصل  
 است و جلی می نماید و برکت برومی فرستد پس اگر اجلس رسیده است او را در گنجائی رخت نشین  
 می سپارد و اگر اجلس رسیده است او را با آمینان خود از طایفه پهلان او بگریزاند و در  
 حدیث معتبر دیگر منقول است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با اصحاب خود  
 فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارد سلمان گفت که من فرمودم که کدام یک از شما  
 هر روز ختم قرآن میکند سلمان گفت که من فرمودم که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان  
 گفت که من پس عمر بنختم آمد و گفت این مردی است از فارسی نخواهد که بر آید که او قریش ایم بخشد کند  
 و روزه بگوید اکثر روزها روزه نیست و در اکثر شبها بخواب است و در اکثر روزها خاموش است  
 حضرت فرمود که او مانند لقمان حکیم است از او سوال کن تا جوابت گوید عمر پرسید سلمان گفت که روز  
 سال من هفت روز روزه میدارم و حقیقی میفرماید که هر که حسنه کند ده برابر با و ثواب میدهم  
 این روزه سال میشود یا آنکه ماه شعبان را هر روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب  
 هر شب با وضو میخوانم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که میفرمود که هر که با وضو  
 بخوابد چنان است که تمام شب را عبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز سه مرتبه

ایمان در وکل شده است یا علی بن ابی طالب که مرابری فرستاده است نوگند میخورم که اگر ترا  
ال نهین دوست بداشتند چنانچه اهل آسمان را دوست میدارند خدا بچسب را از آتش عذاب  
بکورد پس ساکت شده که گویا علی برایش گذاشتند فصل سیوم در مکان خوابیدن و  
آداب پیش از خوابیدن که بسیار میان علمای است که خوابیدن در ساجد مکره است و ظاهر  
حدیث است که مکره نیست مگر در مسجد امام و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنها  
تجویر واقع شده است در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
کس را لعنت کرد کسی را که تنها چیزی بخورد و تنها بفرمود و دیورت تنها بخوابد و فرمود که اگر  
تنها بخوابم نیست که دیوانه شود و آخرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که در خانه تنها بخوابد  
یا در بیابانی تنها بخوابد بگوید اللَّهُمَّ اِنِّیْ وَحْشَتِیْ وَ اَعِیْتِیْ عَلٰی وَحْدَانِیْ و در حدیث دیگر منقول است  
که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی نموده خوابیدن بر بامی که دیوار داشته باشد فرمود  
که هر که بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد از آمان خدا بر نیرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که مکره است کسی که بر آتخا بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد و فرمود که  
مرد زن درین علم مساوات پیدا میکند که اگر سه طرف دیوار داشته باشد چون است فرمود که بکی هر چهار طرف  
می باید دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار دوازده ذراع است  
و در بعضی از احادیث یک ذراع و یک شبر هم وارد شده و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که  
از خوابیدن بر سراه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از آنکه کسی  
با دست چپ و با ده خورنی بخوابد و اگر چنین کند شیطان بر دست یا بدیوانه شود و لامت نکند

له برست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و دست چپ خوابیدن  
 و بر رو خوابیدن کرده است چنانچه از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که  
 خواب بر چهار قسم است غیر آن بر پشت بخوابد و بدنامی ایشان بخواب نبرد و مستطرد می پرد  
 خودی باشد و نموس است دست راست بخوابد و بقبله و پا دشانان بر زمینان ایشان برست  
 چپ بخوابد که هر چه خورده اند گوارا شود و شیطان در او ران او هر دیوانه و بسلام بر رو در افتاده  
 می خوابد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو بخوابد و هر که بپسند که بر رو خوابیده است او را  
 بیدار کنسید و بگذارد پیش بران حال و فرمود که هر گاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را  
 بر زیر جانب راست بگذارد و دست چپ را بر زیر گدازد این خواب بیدار خواهد شد بیانه و اما در حدیث فضیلت  
 خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار وارد شده است فصل پنجم  
 در آیات و احادیث که پیش از خواب باید خوانده شود در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول  
 است که هر گاه کسی دست راست را در زیر سر گذاشته بخوابد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ  
 إِلَيْكَ وَتَحْتِ ظَنِّي إِلَيْكَ وَفَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَالْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ  
 عَلَيْكَ رَهْبًا مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ أَمْتُ إِلَيْنَا يَا  
 الَّذِي أَوَّلْتَ وَيَسْأَلُكَ الَّذِي أَسْأَلْتَ بَعْدَ أَنْ تَسْبِيحَ حَضْرَتِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بخواند  
 و در حدیث صحیح دیگر فرمود که ترک کنسید در وقت خواب این دعا را اَعِيْنْ لَفْئِي وَذَوْبِي  
 وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ غَيْرٍ  
 لَا مَقْتَهُ كَرَامَتِ بَابِ دَعَا تَعْوِيذِ مَبْفُورِ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِيَّاهُمْ حَسْبُ  
 صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سوره قل هو الله

و سوره قل یا ایها الکاسدین پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکاسدین بفرموده از شریعت  
 نقل نموده الله اعلم بجهت بهر دو گاه است و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که بعد از خوابیدن  
 و برخت خواب سه مرتبه گوید الحمد لله الذی علّا فقهر و الحمد لله الذی بطن فخر  
 و الحمد لله الذی ملک مقدر و الحمد لله الذی یحیی الموتی و هیئت الاخیاء و هو علی کل شیء قدیر اگر بنا  
 بیاوریم آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
 که هر که آیه الکرسی در وقت خواب بخواند از فلج این گردد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 منقول است که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حق تعالی هزار ملک با دو موکل گرداند که او را از  
 شیطان و هر بلا محفوظ کنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر سوره یس  
 اذ وقت الواقعة هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی او مانند ماه شب چاره باشد  
 و در حدیث دیگر فرمود که هر که سوره یس را فل شان سبج نشود و سبج شد است پیش از خواب  
 بخواند نیر و ما بخدست حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه برسد اگر کبیر و در هر سالگی رسوا  
 خدا صلی الله علیه وسلم بادهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر شب این دعا بخواند تا صبح  
 اَعُوْذُ بِكَ وَسَبِّحْ كَرْمَهُ كَرْدِ كَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَجَاوِزُ هُنَّ بَرَقًا فَاجِدْ  
 مِنْ شَرِّ مَا دَرَأَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذَا بَقَاءٍ هُوَ اخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا اِنَّ رَبِّيْ  
 عَلٰى جَوَارِحِ الْمُتَّقِيْمِ و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت خواب  
 این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود اِنَّ اللّٰهَ يُمِيسُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا  
 وَلَكِنْ رَّا لَنَا اِنْ اَمْسَكْتُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِ اِيَّاهُ كَانَ خَلْقًا غَفُوْرًا و از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که چون کسی برخت خواب رود گوید اللهم انی احسبت  
 نَفْسِيْ عِنْدَكَ فَاحْتَسِبْهَا فِيْ مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَ مَخْفِرَتِكَ وَاِنْ دَدْتُهَا فَانْتِزَعْ  
 مُؤْمِنَةً عَادِقَةً بِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ حَتّٰى تَتَوَقَّعَهَا عَلٰى ذٰلِكَ و در حدیث دیگر فرموده که  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم درین وقت آیه الکرسی بخواند و بعد از آن می گفت سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ  
 بِاللّٰهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجَنَّةِ وَ الطَّاعُوْبِ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِيْ فِيْ مَسَائِيْ وَ فِيْ يَفْعَلَتِيْ وَ بَهْرَمِ  
 که آیه الکرسی را نا هم میا خالدهن بخواند و حدیث دیگر فرموده که چون برخت خواب رو تسبیح حضرت

عاشر عليه السلام بخوان و آية الكرسي و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و ده اید از  
 اول سوره و احکامات و ده آیه آخر سوره و الصافات بخوان و در حدیث صحیح مقول است  
 که آنحضرت بفرمود خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله الا الله  
 و ان محمداً صلی الله علیه و آله عبد و رسول الله اعوذ بحضرة الله و اعوذ بعزة الله  
 و اعوذ بقدرته الله و اعوذ بحلال الله و اعوذ بسطان الله بن الله على كل  
 شئ قدير و اعوذ بعفو الله و اعوذ بحمرك الله و اعوذ برحمه الله من شر  
 السامة و من شر كذابة صغيرة او كبيرة و ليل او نهار و من شر فسقة الجن  
 و الانس و من شر فسقة العرب و الحمير و من شر الصواعق و البرد اللهم صل  
 على محمد عبدك و رسولك و آله الطاهرين و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که صد  
 نوبت سوره قل میخواند احد در وقت خواب بخواند گناه پنجاه ساله ایش مرزیده شود و در  
 حدیث دیگر فرمود که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیه الكرسي و یک مرتبه آیه شهادت را بخواند  
 سحر و آیه آخر سوره حم هم را بخواند حق تعالی دو ملک را موكل گرداند که شیاطین را از دور  
 لرزاند و سی لك را از فریاد که میزند و کبیر و هلیل جدا بگویند و استغفار کنند تا بیاوردند  
 و این دعا را بخواند و بسند معتبر است امیر المومنین صلوات الله علیه و آله مقول است که کسی که  
 در وقت خواب ده مرتبه باشد بگوید اللهم اغفر لي ذنوبي و اغفر لي ذنوبي و اغفر لي ذنوبي و اغفر لي ذنوبي و اغفر لي ذنوبي  
 و مالي و خواتيم عملي و ما القى ربي و خولني اجرتك الله و عظمة الله و جبروت  
 الله و سلطان الله و رحمة الله و آية الله و قدرته الله و غفران الله و قوته  
 الله و حلال الله و يصبح الله و اذ كان الله و يجمع الله و يرسل الله عليه السلام  
 بقدره الله على ما شاء من شئ السامة و الهامة و من شر الجن و الانس  
 و من شر ما يدب في الارض و ما يخرج منها و ما ينزل من السماء و ما يهبط فيها  
 و من شر كل دابة ترى اكل بناتهما ان ربي على صراط مستقيم و هو على كل شئ  
 قدير لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم بدستگاری این توبه است که حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم از برای مسنین صلوات الله میخواند و میفرمودند که چون کسی



مختصالی بجاه هزار ملک برو مکل گرداند که در آن شب او را ایسالی کنند و از حضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خداوند بیدشت از  
 برای او بیا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهایش بریزد چنانکه برگ از درختان میریزد  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که سوره الفکم التکاثر در وقت  
 خواب بخواند از عذاب قبر این گردد و پسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که  
 یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از خواب بخواند گناهایش آمرزیده شود و او هم سالکانش  
 از بلا محفوظ مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه سال از آینده عمرش آمرزیده شود و در حدیث  
 معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب بگوید اللهم انی اشهدک انک اقترضت علی طاعة  
 علی ابن ابیطالب و الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد  
 و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن  
 بن علی و الحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین اگر در آن شب ببرد داخل بهشت میشود  
 و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند حقا  
 یازده ملک برو مکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین  
 صلوات الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که در وقت خواب این آیات را بخواند از درد این گردد  
 قل ادعوا لله و ادعوا للرحمن ایاماً ما دعا هؤلاء الأسماء الحسنى ولا تجهر بصلواتک ولا  
 تخاف بها و اشیع بین ذلک سبیلاً و قل الحمد لله الذی لم یخجل ولداً و لم یکن له شریک  
 فی الملک و لم یکن له ولی من الدنل و کثیراً و کثیراً و در حدیث معتبر از حضرت علی بن حسین  
 صلوات الله علیهما منقول است که هر که در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پستی از او دور گردد  
 و هیچ گزافه با دوزخ رساند اللهم انت الاول فلا تثنی قبلک و انت الظاهر فلا تثنی

فَوَكَ وَكَتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ  
الْعَالَمِينَ السَّعِيدِ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّعِيدِ وَرَبَّ الثَّوَرَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَعُوذُ بِكَ  
مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُسْتَقِيمٌ وَأَنْتَ هُوَ اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَالْكَسَمُ مَنْقُولٌ هُتْ كِهْ هِرْ كِهْ دُرُوقْتِ رَفْنِ رِغْتِ خَوَابِ سُوْرَةُ ثَبَارَكِ الَّذِي بِيَدِهِ  
الْمَلَكُ يُجَاوِزُ بَسْمُ كُوِيْدِ چَارْمَرْتِهْ اللَّهُمَّ رَبَّ الْجَلِّ وَالْجَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ عَلِّجْ رُوحَ حَمَلِ  
عَنِّي خَيْرٌ وَسَلَامًا خَيْرًا إِلَى دَوْلَاكِ رَابِرِ دَمُوكَلِ كِرْدَانِدِ كِهْ بَزْدِ حَضْرَتِ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
بِرُفْدِ وَكُوِيْدِ كِهْ فَلَا شَيْءَ خَيْرَ سَلَامٍ مِيزَانِ بِسْ حَضْرَتِ فَرْمَايِدِ بَرَاوِيْدِ سَلَامِ حُرْمَتِ وَبَرَكَاتِ  
الْهِبِ **فصل ششم** در دفع ترسیدن خواب و خواب پریشان دیدن و تسلم شدن از حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید  
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَشْرَكَ كَذِبُ يَحْيَى وَنُفِيتُ وَنُفِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ  
پس هیچ حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طلب الاثم زیاد کرده است که آیه الکری  
وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نِیرِ بخواند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون کسی  
در خواب ترسد یا از روی خوابی بر بختی شود این آیه بخواند فَضَى مَا عَلَى إِذَا نَفِيتُ فِي الْكَهْفِ  
سِتْنِ عَدَدِ دَاثَمُ لَعْنَاهُمْ لَعْنَهُمْ آئِ الْخَرِيبِ أَحْصَى لِمَا كَذَبُوا أَمَلًا أَوْ أَكْرَفَ لِسَانِ سِیَارِ  
گریه کند این آیه را بر بخواند و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است  
که هر که در خواب ترسد در وقت خوابیدن سوره قلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ سوره قلْ أَعُوذُ بِرَبِّ  
الْفَلَقِ آیه الکری بخواند و در روایت دیگر منقول است که برای ترسیدن شب ده مرتبه این دعا بخواند  
أَعُوذُ بِكَ يَا اللَّهُ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ  
هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَجْزِفَنِي وَإِيَّاهُ الْخِطْبُ الْغَاسِقُ أَمْتَمْنَاهُ وَجَعَلْنَا  
نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَدَرَحْدِثِ مُعْتَبِرِ منقول است که شهاب بن عبد الله بخندت حضرت صادق  
علیه السلام عرض کرده که زنی در خواب من می آید و مرا می ترساند حضرت فرمود که با خود بردار  
تسبیح در دست خواب و سی چهار مرتبه الله اکبر و سی سه مرتبه سبحان الله و سی سه مرتبه الحمد لله  
بگوید ده مرتبه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ اللَّهُ الْمَلِكُ وَكَدَّ الْحَمْدُ يَحْيَى وَنُفِيتُ

وَمِثْلُ وَنَحْيِي بَيْدِهِ النَّجْمَ فَلَا اخْتِلَافَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهَذَا  
در سیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها مخبر است در وقت خواب بیان آنکه سبحان الله  
پیش از آنکه بخوابد بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که در سجده تسلیم درود  
بر حق خواب نبرد و در آنجا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأَخْطِئَامِ وَمِنْ مَقُولِ الْأَخْلَاقِ  
وَمِنْ أَنْ يَتَلَا عَنِّي الشَّيْطَانُ فِي اللَّيْظَةِ وَالْمَنَامِ و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن پهلوی که خوابیده است  
به پهلوی دیگر برگردد و بگوید اِنَّمَا السَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَاقٍ لَهُمْ  
شَيْئًا اَلَا يَذُنُ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ مِمَّا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمَقْرَبُونَ وَانْشَاءُ  
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادَةُ الصَّالِحِينَ مِنْ شَرِّ مَا ذَاكَ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و در حدیث  
معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید اَعُوذُ بِمَا  
عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمَقْرَبُونَ وَانْشَاءُ اللَّهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادَةُ اللَّهِ الصَّالِحِينَ  
وَالْاِكْفَةُ الْاَشِدُّونَ لِلْهَدْيُونَ مِنْ شَرِّ مَا ذَاكَ مِنْ مُرَوِّيَايَ اَنْ لَّصُرْنِي مِنَ  
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ پس بجانب چپ خود سه نوبت آب دهان خود را بسیندازد و در روایت دیگر  
وارد شده است که شخصی بان حضرت شکایت کرد که دغری دارم و در شب و روز بسیار می ترس  
فرمود که قصه اش بگوین و در روایت دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد که دغرم بسیار در خواب  
می رسد و گاهی بسیار حالش صعب شود و اعضایش سست و بی حس می شود و می گویند که  
از تصرف جن است فرمود که قصه اش بگوین و آب شبت را با عسل به پزوسه روز با و ده که نخورد  
چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر منقول است که شخصی حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد  
که زنی در خواب من شکایت و مرا می نرسد حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدی گفت بیدم فرمود که  
بستی نمیدی بعد از آن زکوة را بخد مت حضرت فرستاد و آن حال از او بر طرف شد فصل هفتم  
در دعا برای دفع بیماری و برای بیدار شدن در آخر شب و در حدیث معتبر از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که هر که در وقت خوابیدن این آیه را بخواند قل اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ  
يُوحِي اِلَيَّ اَلْمَلَكُ الْوَاحِدُ مَنْ كَانَ يَوْجُوَ الْمَاءَ مَرَّةً فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا كَثْرَةً

لَعِبَادَ اللَّهِ سَرَّيْهِ أَحَدًا هَرُوفَتِ أَرْشَبُ كَمَا خَوَاهُ يَبْدَأُ شُؤْدَةً وَرَوَايَتٌ دِيْكَرُ مُنْقَلٍ هَسْتُ  
از آنحضرت که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ ہر کہ خواہد در آخر شب بیدار شود و چون  
برخت خواب رود بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْمِتْنِيْ مَكْرُكًا وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ  
اَقُوْمُ سَاعَةً كَذًا اَوْ كَذَا اَيْفِيْ در فلان ساعت بیدار شوم چون این دعا بخواند خداوند حق تعالیٰ ساعته  
موکل سازد کہ او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم  
علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ خواہد کہ در شب بیدار شود در وقت خواب رفتن بگوید اَللّٰهُمَّ  
لَا تُؤْمِتْنِيْ مَكْرُكًا وَلَا تُؤْمِتْنِيْ مَكْرُكًا وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ وَلَا تُؤْمِتْنِيْ لَيْلَتِ السَّالَاتِ  
إِلَيْكَ اَدْعُوكَ فِيْهَا فَسَجِيْبَ لِيْ وَاَسْأَلُكَ خُطْبَتِيْ وَاسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرَ لِيْ اِنَّكَ  
لَا تَغْفِرُ الدُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ کہ چون این دعا بخواند خداوند حق تعالیٰ دو ملک  
بفرستند کہ او را بیدار کنند و اگر بیدار نشود امر کنند آن دو ملک را کہ از برای او استغفار کنند  
و اگر در آن شب بمیرد و شهید مرده باشد و اگر بیدار شود ہر حاجتی کہ بطلد خدا و عطا فرماید  
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ هرگز نم کند کہ در ساعتی  
از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خدا تعالیٰ و اند کہ ارادہ او دو آن صادق است  
ہستہ دو ملک را بفرستند کہ در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر  
از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ بی خوابی او را عارض شود و خوابش نبرد این دعا  
بخواند سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ دَارَكُمْ الشُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ و در روایت معتبر  
دیگر منقول است کہ حضرت فاطمہ صلوات اللہ علیہا شکایت فرمود بر رسول خدا صلی اللہ علیہ  
آلہ وسلم از بی خوابی فرمود کہ این دعا بخوان یا مُشَبِّعُ الْبُطُوْنِ الْجَالِعَةِ وَ يَا كَاغِيَّ الْجُنُوبِ  
الْحَاكِرَةِ وَ يَا مُسَكِّنَ الْعُرْضِ الضَّارِبَةِ وَ يَا مُقَوِّمَ الْعِيُونِ السَّاهِيَةِ سَكِّنْ عُرْضِيْ  
الضَّارِبَةَ وَ اَذِّنْ لِيْ عَيْنِيْ نَوْمًا عَاجِلًا فَصَلَّ شَمِ در میان نماز و دعا از برای خواب ہائی  
نیک و بدین و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ خواہد  
کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکوی بعمل آورد  
و چهار رکعت نماز بگذارد و در ہر رکعتی بعد از حمد مرتبہ آتہ الکرسی بخواند و بعد از نماز ہزار مرتبہ

صلوات بر محمد و آل محمد بر سر دست و بر جامه پاکیزه بخوابد که بر سر و انجامه با حلال و حرام جماع  
 نموده باشد و دست راست را در زیر جانب راست روی بگذارد و صد نوبت بگوید سبحان  
 الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله پس  
 صد مرتبه بگوید ماشاء الله چون چنین کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید  
 و در روایت دیگر منقول است که اگر خواهد که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را در  
 خواب ببیند چون بخوابد این دعا بخواند اللهم اني استسلك يا من له لطف خفي و يا فيه  
 باسطه لا تخفي استسلك بلطفك الخفي الذي ما لطفك به عبد الا كفى ان  
 تبيني هؤلاء امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام في مناجي و در روایت دیگر منقول است  
 که اگر کسی خواهد که یکی از مردگان را خواب ببیند با وضو بر جانب راست بخوابد و سبع حضرت فاطمه  
 علیه السلام بخواند پس بگوید اللهم انت الحي الذي لا يوصف و الايمان لا يعرف  
 منه منك بديت الاشياء و اليك تعود فما قبل منها كنت ملجأ و منجأ و ما بعد  
 منها لم يكن له ملجأ و لا منجأ منك الا اليك فاستسلك بذا اله الا انت و استسلك  
 ببيم الله الرحمن الرحيم و بحق جيبك محلي صلعم سيد النبيين و بحق علي  
 خير الوصيين و بحق فاطمة سيدة نساء العالمين و بحق الحسن و الحسين  
 اللذين جعلهم اسديا في شباب اهل الجنة عليهم اجمعين السلام ان تصلي على  
 محمد و آل محمد و ان توتي ميتي في الحال التي هو فيها منقول است که چون حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم برخیزد خواب میرفتند میفرمودند که یا نبی الله احياء  
 یا نبی الله احياء و چون بیدار میشدند میفرمودند الحمد لله الذي احياني بعد ما اماتني  
 و اليه الشور و اگر حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون از خواب برخیزد بگوید  
 سبحان الله رب النبيين و اليه المرسلين و رب السنتعفين و الحمد لله  
 الذي يحيي الموتى و هو على كل شيء قدير چون این را بگوید حتماً میفرماید که دست  
 نعت بنده من و کمر و مرا و در حدیث دیگر منقول است که چون آنحضرت در آخر شب  
 برخیزد دست بصدائی بلند می‌گفتند اللهم احيي علي هوى المطالع و وسیع على المصبح



وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبِلَ الْمَوْتُ وَأَرْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَرَوَيْتُ دِكْرَ مَنْقُولِ  
است که چون از خواب بیدار شوی بگو سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سُبُّحْتَ  
وَحَمْدُكَ غَضَبُكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ  
الرَّحِيمُ الْغَفُورُ و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر وقت که از پهلوی پهلوی  
دیگر بگردی بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقول است که چون  
در میان شب بیدار شود از پهلوی پهلوی دیگر بگردی بگو لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ  
كُلِّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَاللَّهُ الْمُسْلِمِينَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ  
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى  
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در روایت دیگر وارد شده است که چون از  
خواب بیدار شود بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي بَرِيًّا لَا يَحْكُمُ وَأَعْبُدُهُ و در حالتی  
نظر کردن و عقیق در آداب انگشتری بست کردن گذشت و سایر دعاها بی این باب چون از  
مقدمات نماز شب است انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاها بی وقت  
خواب و این را که گنجایش زیاده ازین نهشت فصل نهم در سبب خواب است و در غی و تعبیر  
خواب و در حدیث معتبر منقول است که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که چه بسیارند  
که مومن گاهی خواب می بینند و چنان میشود که دیده است و گاهی خواب می بیند و اثری از آن  
ظاهر نمیشود فرمود که چون مومن خواب می رود و در خوش بختی بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه  
روح مومن در ملکوت آسمان می بیند در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه  
در زمین و هوا می بیند خواب پریشان است را وی پرسید که آیا خوش بختی با آسمان می رود و هیچ  
در بدن نمی ماند فرمود که اگر چنین باشد خواب مرد بلکه از باب آفتاب است که در آسمان است  
و روشنی و شعاعش بر زمین است هم چنین روح مصلحتش در بدن است و پرتوی از او با آسمان  
حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر  
مومنی که خواب می رود روح او را بنزد عرش پروردگار می برند پس آنچه در آنجا می بیند حق است  
و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند خواب پریشان است و برین مضمون احادیث



بسیار است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شیطان است  
 که او را هرگز نمیگویند هر شب از مشرق تا مغرب میگرداند از بدن خود و خواب مردم را میباید برب  
 مردم خوابهایی پریشان میسند و در روایت دیگر مرویست که دو نفر را بترساید و بگوید که  
 چند سئله سوال کردند و عا جرت شد پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله ایشان را جواب  
 گفت از جمله آنها آن بود که خواب درست و دروغ چیست و دروغ چه سبب دارد و فرمود که حقیقی روح را خلق  
 کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته و سلطان او نفس است چون آدمی خواب میرود  
 روح بیرون میرود و سلطان در بدن بماند پس روح میگذرد بر هر چه پسندد از ملائکه و اگر چه پسند  
 از جن پس چون خواب درست است از ملائکه است و هر چه خواب دروغ است از جن است و در روایت  
 دیگر منقول است که خوابهایی مومن صحیح میباشد زیرا که نفسش پاکیزه و تقویش درست است  
 و چون خوش بدر میبرد با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بهتر از همه است و در حدیث دیگر  
 منقول است که وحی بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقطع شد اما خوابها بشارت  
 دهنده است و در حدیث دیگر وارد است که خوابهایی است یک حسنه و از مفاد جز و غیرت  
 و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که رویائی مومن خواب او در هر  
 زمان بر مفاد جز از اجزائی پیغمبری است و حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
 که چون صبح میشد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم با صحاب خود میگفت که آیا کسی خواب بشارت  
 دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شخصی از  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سوال کرد از تفسیر این آیه که یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا  
 يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ یعنی آن کس که ایمان آورد و دین پرور  
 بودند ایشان را بشارت است در زندگی دنیا و آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگی دنیا خوابها  
 نیکو است که مومن در دنیا میبیند و آن بشارت می یابد و شاید میشود و در حدیث حسن از حضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای مومن دوام  
 نرسانیدن شیطان نوم خوابهایی پریشان و در حدیث معتبر دیگر فرمود که خوابهایی دروغ که اثرش  
 ظاهر نمیشود آن خوابهایی است که در اقل شب دیده میشود که وقت سلطنت و استیلا شیطان

مفرد است و آنها خیالی چند است که نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی نماند و اما خواب  
رہت و آن خوابی چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است  
وقت سحر و آن خواب رہت میباشد و مختلف میکند گر آنکه جنب خوابیده باشد یا بی وضو یا بچرخ  
سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجانیا ورده باشد پیش از خواب که اگر باین حالت خوابیده باشد بخوابد  
بغل نمی آید یا در لعل می آید و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که رسول خدا  
صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود که هر که مراد از خواب بید چنان است که مرادیده است در بیداری  
زیرا که شیطان تمثیل نمیکند بصورت من و نہ بصورت یکی از او صیائی من و نہ بصورت  
یکی از شیعیان خالص ایشان بیدتیکه خوابهای است یک چیز و از بهفتاد جزو پیغمبری است و از  
حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است که در آخر زمان خواب مومن در وضع نمی شود  
هر که رہت گو تر است خوابش درست تر است و شقیق این مقال آنست که چون حق سبحانه و تعالی  
روح مومن را از عالم قدس خلق کرده است و او را ارتباطی با ارواح اسبیاد و صیاد داده است  
و در عالم ارواح بایشان مشغور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است که ارواح  
لشکر با جمعی متع بودند فوج فوج در عالم ارواح پس ارواحی که در آن عالم آشنائی یکدیگر نموده اند  
در عالم بدن هم آشنائی میشوند و اگر در آن عالم جدائی و نفرت داشته اند درین عالم نیز یکدیگر را نمی شناسند  
و از یکدیگر نفرت میمانند و چون بحسب مصلح غیر متناهی آن ارواح مقدسه را در زندان بدنهای  
کمشیف ظلمانی محبوس گردانیده اند با انواع تعلقات جسمانی و شبهات نفسانی و حیالات  
شیطانی مبتلا ساخته اند بسبب این او را از عالم قدس بعضی مغفلتی روداده اما اشخاص را درین  
باب اختلاف بسیار است جمعی که مفران درگاه الهی اند ارواح ایشان بطلا اصلی رفته و این تعلقات  
جسمانی ایشان را از آن عالم دور میدارند است بلکه باین مردم مشغور اند و ارواح ایشان پیوسته  
با قوسیان بلا مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح القدس با ایشان مشغول را زد تیار است  
و افاضات ربانی علی الدوام بر ارواح ایشان فائض است و جمعی هستند از اشیاء که با کلیه آن عالم را  
فراموش کرده اند و بغیر این نشاء فانیه و لذات مفعولیه چیزی بخاطر نمی کنند حتی جمعی از ایشان از  
کثرت شقاوت و ضلالت نشاء دیگر را بغیر ازین نشاء باور نمی کنند و پیغمبران را در امر حادثه مذکور بیخبر

وایشانرا محروم بر دیده و گوش و دل ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند  
و جمعی دیگر هستند که با وجود شب باین مطلق غیبه دست از تحصیل مراتب علییه بر نهشته اند  
و در مقام نفس روانه خود را بسته اند گاهی گوش دل شیطان میدهند و گاهی از ملک نصیحت  
می شنوند زمانی با و اعطای و راه نمایان شهر مشورند و با شیاطین پیش خول فسق و فجور اندگاه بلوث گناه  
خود را آفرینند و گاه باب تضرع و لوجه خود را بطریق سیر نمایند این جماعت چون روح ایشان را باعتبار  
اشغال و تعلقات و خطایات و سیئات بتدریج عظیم از قاضی الحاجات و نهیب و ائمه و ملائکه  
سموات بهر سیده در وقت خواب که نفس را از اشغال بینی فی کجمله فراغی ماصصل شد و خیالات  
فاسده که از راه روزنهای شاعر بینی برود داخل می شد مسدود کردند فی کجمله او را با هم شنایان فہیم  
یاد می آید و باد وستان روحانی طرح اختلاطمی اندازد و با همان صورت و مخفی عروج می نماید  
و بار و مانیان و قدسیان. هم زبان میگردد و اما در اقل شب چون پاره از خیالات بیداری  
در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای تعلقات خود پرواز میکند و بطیش بآن عالم ناقص است  
پس باین سبب شیاطین بر توعلی میشوند و خیالات و مطلق باطله او را بصورتہائی گوناگون  
در نظر او در می آورند هر چند از اقل شب دور تر میشود و نفس و خیالات بیدار می شتر می شود  
پرواز او بحالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود از این آسمان و زمین و هوا و  
خواہشہائی و پستہائی رنگین بدرفته زیر عرش الہی صحبت مقربان فائز گردیده استیلای شیاطین  
ضیف میشود و لطف ربانی ملائکہ آسمانی را بر آئینہ خفا فلان و بیدار کردن از خواب غفلت  
در برون و دور کردن عساکر شیاطین و جشیان فرود می فرستد لهذا در آنوقت خواہشہائی روحانی  
و اخلاقیات سبحانی بر ارواح مؤمنان فائض میشود و ایشانرا برای نماز و تضرع و زاری و توبہ  
و پشیمانی آنچه در روز غفلت کرده اند بیدار می کنند و باین سبب نماز شب را در آن وقت  
مقرر ساخته اند و آیه کریمہ **اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّیْلِ هِيَ اَشَدُّ وَطْأًا وَاَقْوَمُ قِيْلًا** و در شأنش فرستاده  
که حاصل مضیوش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت حل با زبان مدائن تیرست  
و گفارد آن درست تر است پس سعادت مندی که قدر آنوقت یاد دارند و اندازہ آن نعمتہائی  
بی اندازہ در شناسند و آنکہ روحانی را بر دفع وساوس شیطان و یاور خود گردانند و روح مقدس

خود را از آلودگیهای تعلقات دنیوی پاک گردانیده بساحت قرب پروردگار خود رساند و در آن  
وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است با خداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان گردانید  
و قدری قدر خود را بداند و انکی اصل خود را بیاد آورد و آن جوهر قدسی خود را بهیهای کم نفروشد  
و آن طائر عرشی را در قفس طلاق محبوس نگرداند و حَقَّنا اللَّهُ تَعَالٰی و سَأَلُوا الْمُؤْمِنِينَ لِمَ تَقُولُونَ  
مَسَالِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ لِلتَّشْبِيهِ عَنْ نَوْمِ الْغَافِلِينَ و بدانکه چون این پرده را از کنار نگ تعلقات  
جهانی و تشبیهائی الوان ریختهائی دنیوی در وقت خواب و پیش رویه ددل آویخته است  
و با وجود سروج بمراتب علیه باز بصیرتش باین خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتها  
دیگر دیده میشود و هر چیزی را عجب بار مناسبات شکلها و صورتهاست که در کلام الهی و سخنان  
انبیاء و اوصیا برای عقلهای ضعیف و بصیرت کماتوف محبوبان سه غرور بآنها مثل زده اند  
چون ایشان خود را از معقولات معزل ساخته در ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را  
در لباس محسوسات ایشان بنمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماری است که خط و خال نیکو  
دارد و طفل نادان بآن فتنه می شود و در میانش می کشند است و چنانچه علم که باعث حیات  
دلها است تشبیه کرده اند بآب که باعث حیات بدنها است و چنانچه سیر زمین بآب است  
سبزی دلها بعلوم است و چنانچه علم را بار دیگر بنور آفتاب و چراغ تشبیه کرده اند زیرا که نور تاریکیهای  
ظاهرا بر طرفت کند علم ظلماتهای شکوف و شبهات و حیرتهائی جهالت و ضلالت را زایل میکند  
و کلام حق تعالی و انبیاء و اوصیا باین امثال مشحون است و سرش همان است که مذکور شد لهذا در  
عالم خواب عجب بآضعف بصیرت ایشان هر چیزی بصورتی نحوه میشود و باین سبب خواب محتاج  
تعبیر باشد و کار تعبیر کننده نیست که از ان صورتهائی صورت منتقل شود چنانچه  
کسی در خواب بیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است  
مُعْجِبِ اند که این صورت دنیا است که و پیش مردم آگاه از فضله و حبیفه گندیده تر  
است میداند که مال بدست او می آید یا می بیند که در میان آب است طعم او را  
رو میدهد و این علمی است عظیم و مخصوص انبیاء و اوصیا است و مجده حضرت  
یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام بچشمی است که این ساله گنجاش آن ندارد و ان شاء الله

در کتاب دیگر در خاطر است اگر خدا خواهد بروم کامل مذکور شود در حدیث صحیح از حضرت امام رضا  
علیه السلام منقول است که فرمود که بسیار است که خوابی می بینم و تعبیر خواب برائی خود می کنم و خواب  
بهان خواب که تعبیر آن می کنم واقع می شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که منی در زمان حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم شوهرش در سفر بود خواب دید که ستون خانه اش شکست بجزت عرض  
کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید سلامت پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت و چنین  
خوابی دید حضرت چنین تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی  
دید و هر دو مومی بر خورد و این خواب را نقل کرد و گفت که شوهرش می رسد و چنان شد این سبب  
آن حضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خواب خوب برآورد کرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
روایت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می فرمودند که خواب مومن در میان زمین و  
آسمان بر بالا سرش برود و می کند تا آنکه خود از برائی خود تعبیر کند یا دیگری برآورد تعبیر کند پس آن نحو  
که تعبیر کرد و ندانم می شود پس خواب خود را نقل کنید مگر برائی شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر  
دیگر از آنحضرت منقول است که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برائی مومنی که خالی باشد از حسد و عداوت  
و طغیان و در حدیث حسن منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت که  
خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود و بر بزم حضرت فرمود که نور ساطعی و دین کاملی تو خواهد  
رسید اگر همه زرافرا می گرفت در دین حق غوطه بخوردی آن شخص گفت دیگران بپادشاه  
تاویج کنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران تو پادشاه بودند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاه  
بهتر است از دین حق که آن امید بهشت بهم میرسانی و در روایت دیگر منقول است که محمد بن  
مسلم بخدمت آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه شدم زخم آمد و گردگان بسیاری  
شکست و بر سرم ریخت حضرت فرمود که متعنه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد و رستمهای تو  
که بر بدنت پوشیده باشی پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست گردگان بمنزله جامه است محمد بن  
مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رستمهای تو که در عید بایم پوشیدم در بر کردم و بر در خانه نشستم  
و دختر می گنفت او طلبیدم و بجانم بردم و باو متعنه کردم زخم مطلع شد و آمد بسردن و آن دختر  
که بخت و من در خانه ماندم رستمهای تو را پاره پاره کرد و منقول است که شخصی دیگر بآن حضرت

عرض کرد که خوابی دیدم و بسیار ترسیدم و نادانم داشتم که مرده است خواب دیده ام که دشت ده  
 گردن من کرد و میترسیدم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش هر صبح و شام و از مرگ گریزان  
 مباشش اما معافه با مردگان علامت طول عمر است بگو که داما تو چه نام داشت گفت حسین  
 فرمود که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد زیرا که هر که معافه با منام  
 آن حضرت در خواب یکند توفیق زیارت آنحضرت می یابد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که هر که  
 در خواب بیند که در حرم است اگر ترسان باشد این گرد و شخصی گفت در خواب دیدم که چوب نیزه  
 در دست داشتم فرمود که آه می برش بود گفت نه فرمود که اگر آهن در دست میداشت خدا ترا پیر  
 میداد چون آهن نباشد است خدا تو دختر می خواهد و ادب ساعی صبر کردند بعد از آن پرسیدند  
 که آن نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود و دوازده دختر بهم خوابی رسانید محمد بن یحیی  
 میگوید که من این حدیث را شخصی نقل کردم او گفت که فخر بن زید یکی از ان دخترانم دیارده خانه  
 دارم و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که من در شب مولای  
 علی ابن حسین را در خواب دیدم که در میان خوشش خیدی بود چنین تعبیر کرده ام که بدین حق در خواب  
 آمد و در حدیث دیگر منقول است که یامیر خادم بخدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد که در خواب  
 دیدم که پهنه کاشیده در میان قصبی افتاد ناگاه آن قصبه استاد و شیشه شکست حضرت فرمود که  
 اگر خواب راست است بپایش شخصی از اهل بیت و خوشان من بفرستد روز پادشاه شود بعد از آن  
 بمیرد پس محمد بن ابی بکرم در کوفه با ابواسحاق خروج کرد و بعد از پهنه روز بزم و در روایت دیگر  
 منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در خواب دیدم که قدحی از شیر  
 پرست من دادند آنقدر خورم دیدم که از میان پاهایم بیرون آید پرسیدند که چه تعبیر کردید فرمود که علم  
 و در حدیث دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که خواب  
 دیدم که از شهر کوفه بیرون رفتم و بوضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر آن چوبی سوار بود  
 و شیرینی در دست داشت و حرکت میداد و من آنرا مشاهده میکردم و میترسیدم حضرت  
 فرمود که دلالت میکند برین که تو میخواهی بفریب شخصی را از روزی خود بر آوری از خدا ترس و درگ  
 بیاد آور چنین مکن آن شخص گفت که گواهی میدهم که خدا اعظم عظیم بتو داده است و علم را از منطفی



اخذ کرده بدستیکه شخصی از همسالگان من میزدن آمد و گفت که مراد دارم و تو بنحو اجماع فرمودم  
 من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد و در صفا گذرانیدم و غم کردم که لقمیت بسیار  
 از زلی بخرم فصل دهم در آداب بیداری و مذمت خواب بسیار از حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله و سلم منقول است که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از نماز خفتن مکروه است و در حدیث  
 معتبر و بزرگ از آنحضرت منقول است که شب بیداری دشمن خواب نیست مگر در سه چیز در نماز شب  
 گردن و سر آن خواندن در آن و در طلب علم و بر آغوشی که بخانه شوهرش بر نهد از حضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که هیچ کس اندک خواب نبرد و نکسیکه قصد کشتن کسی داشته باشد و کسیکه  
 مال بسیار داشته باشد و اینی داشته باشد که بر او اعتماد کند و کسیکه در میان مردم دعوای و پیمان  
 بسیار گفته باشد و کسیکه مال بسیار از خود بپسندد و این نداشته باشد و کسیکه محبوبی را خواهد و تر  
 میزد و جدا شود و پدرم علیه الرحمه و الرضوان فرمود که ممکن است که این تنبیهی باشد مردمی را که  
 خواب غفلت بسیار می کنند زیرا که همه کس باید که در بیداری کشتن نفس آماره خود باشد که دشمن  
 اندونی است و پیوسته در کشتن این کس است و سرمایه ایمان و طاعات که این کس دارد  
 اینی ندارد و نفس و شیطان و هوا و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و پیمان  
 بسیار گفته است هر کس را و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید تحصیل  
 نکرده اند و چون خدا ببرد دارند و خواب غفلت قرب او را از دست میدهد پس یکایک این  
 همه اسباب بیداری درو باشد چگونه خواب کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که عجب دارم از کسیکه دعوی محبت الهی میکند و شبها خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین  
 صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از شیخون عذاب خدا ترسد باید که کم خواب کند  
 و منقول است که چهار چیز است که دشمن بسیار است آتش و خواب بیماری و دشمنی و از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که مادر حضرت سلیمان علیه السلام با وی گفت که زنیا  
 در شب خواب بسیار کن که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن آنکه بیدارشی شده باشد و خنده  
 کردن تعجبی و سایر چیزهای خوردن و فرمود که اول معصیت که خدا را گرداندشش چیز بود محبت دنیا

[illegible]

وَالْعَمَّ الَّذِي لَوْ حَبَسَتْهُ عَنِّي هَلَكْتُ لَكَ الْحَمْدُ أَغْنِيَنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ الْبُقْعَةِ  
وَأَخْرِجَنِي مِنْهَا سَالِمًا وَأَحِلَّ لِي فِيَّ وَبَيْنَ طَائِفَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَچون داخل شود پای چپ  
مقدم دارد و بنا بر شهر و محدثش بنظر رسیده است و چون عورتش باز شود بسم الله بگوید  
تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بعورت او نیفتد و چون در ششید بگوید اللَّهُمَّ أَذْهَبْ  
عَنِّي الْقَذَى وَالْأَذَى وَاجْعَلْ لِي مِنَ الْمُطَهَّرِينَ جمعی گفته اند که سنت است که کتبه بر پای  
چپ کند و پای راست را کشاده گذارد و پسندش بنظر رسیده است و چون غایط یا بول بر شوار  
بیرون آید و بعضی گفته اند که مطلقا اینده مانجوانه اللَّهُمَّ كَمَا أَطْعَمْتَنِيهِ طَبِيقًا غَافِيَةً فَأَخْرِجْهُ  
مِنِّي خَيْرًا غَافِيَةً و در حدیث است که هر بنده یا فرشته مومل است که سر او را بر زیری اندازد  
در بیت اخلا که نظر سجدت خود کند پس آن فرشته میگویی که ای خداوند آدم این عاقبت خود را  
نست که سعی بیدار و خوبی و پاکیزگی او میکردی پس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت کجا  
رسیدی پس ز او را آنست که در آن حال بنده اینده مانجوانه اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الْخِلَالَ وَجَبِّنِي  
الْحُرَامَ وَچون نظرش بآب استنجا افتد بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَلَمْ  
يَجْعَلْهُ نَجَسًا و چون خواهد که استنجا کند بگوید اللَّهُمَّ خَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ عَوْنِي وَخَصِّنْ  
عَلَى النَّارِ وَوَقِفْنِي لِمَا يُقَرَّبُنِي مَنَّاكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و چون بر خیزد دست شکرش  
بالمه و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَتَأَنِي طَعَامِي وَشَرَّبَنِي وَغَاثَنِي مِنَ الْبَلْوَى وَچون خواهد  
که بیرون آید پای راست را مقدم دارد و بنا بر شهر و دست شکرش بالمه و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
عَزَّفَنِي لَدُنْكَ وَأَبْقَى فِيَّ جَهْدِي قُوَّةً أَخْرِجْ عَنِّي أَذَاهُ يَا لَهَا مِنْ لَيْعَةٍ لَا يَفْقَدُ سِرَّ  
الْفَادِرُونَ قَدَرَهَا و در بعضی از کتب حدیث یا لها من لئمة سه مرتبه وارد شده است  
و سنت است که بعد از انقطاع قطرات بول استبرکند و بعضی استبراج پسیدانند و طریق استبرک است  
که انگشت بیان دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه  
و انگشت شهادت نیز ذکر بگذارد و انگشت میهن را بر بالای آن بقوت بکشد تا سه مرتبه  
و اکثر علماء گفته اند که سر ذکر را بقدر سه مرتبه و این سندی ندارد و سنت است استنجا با آب  
کردن که دفع نجس میکند و بیانش سنن در بیت اخلا کرده است و منقول است که حضرت

لقمان فرمود که در بیت کلاما نوشته اند که بسیار شستن در بیت اخلا باعث بوسیری شود  
 دستجا استخوان و سرگین کردن کرده است زیرا که اجنه تجرست حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله و سلم آمدند و از برای خود حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان برای ایشان  
 و سرگین برای حیوانات ایشان فرستاد و این سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست و  
 هم چنین استجا بسائر مطعومات کردن خصوصاً آن که حریمیت شدید دارد و استجا بجزایحی ستره  
 مثل تربت حضرت امام حسین علیه السلام نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبر یا نام ائمه صلوات  
 علیهم جمیع یا بدیش یافته بوده باشد حرام است و اگر بر وجه استخفاف کند کافی شود و استجا برب  
 است کردن مطلقاً مکروه است و بیت چپ هم مکروه است و صورتیکه در آن گشتی باشد که  
 در آن اسم خدا باشد و آحق کرده اند علماء اسلام بسیار و ائمه صلوات الله علیهم جمیع را  
 هرگاه بقصد نام ایشان کنند باشد و مکروه است یا خود برین بیت اخلا چنین گشتی را هر چند  
 و گشت نباشد و همچنین یا خود برین تکرار و تعویذ و دعا و همچنین یا خود برین تکرار و دعا و گشت  
 و گشت نباشد و مکروه است مگر آن که درین در بیت اخلا باعث کند دهان نشود و مکروه است  
 در گشتن در اخلا که ذکر خدا و دعا الهی است و آیه الکرسی و حمد الهی کردن و آنچه مؤمن میگوید  
 از پی او گفتن چنانچه منقول است که حضرت موسی علیه السلام در مناجات با خداوند خو گفت  
 که حالتی چند بر من میگردد که ترا از ان بزرگتر میدانم که بدان احوال ترا یاد کنم فرمود که ای موسی  
 در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکوست و واجب است در سلام یا اگر حضرت  
 رسول را بنویسد صلوات بر سر تنه بار قول جمعی نیست است که اگر عطسه کند حد بگوید صلوات  
 بر سر تنه بار است که اگر کاری بپا داشته باشد و ترسد که تا بیرون آمدن فوت شود و باشد  
 و دست زدن اعلام نتوان کرد سخن بگوید و منقول است که هر که در بیت اخلا حرف بگوید یا شمس  
 بر آرد و نشود و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجایی کردن که  
 بویش متغیر شده باشد بغير نجاست مگر اگر آب دیگر یافته نشود فصل و او از هم در بیان حوال  
 و اوضاع و مکانهای که نهی از آنها وارد شده است واجب است که عورت خود را از ناظر  
 محرم پوشاند و از زدن و ضربه خود و از گیزی که وطنی آن تواند کرد و از اطفالی که نیز نباشند

باشند و نبات حیوانات و عورت ذکر است و صیغین و دوبر و سرج زن و سنت است که تمام بدن را بپوشانند  
یا آنکه نهان شود و در کوئی یا در خانه و اگر در محضر باشد دور شود که کسی چشمه او را نبیند و اکثر علماء بر آنند که  
حرام است رو بقبله کردن و پشت بقبله کردن در حال بول و غایط خواهی بود یا نه باشد و خواه در پناه و خواه  
جستاب است چنانچه از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که برابر قبله بول کند از روی  
فراموشی پس بخاطر شش آید از برای تعظیم و اجلال قبله برگردد و بجانب دیگر از نجاست بگذرد آنکه حق تعالی  
او را بیامرزد و احوط آنست که در حالت استنجائیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است که پشت  
بمشرق یا مغرب کند و این احکام نسبت به بلادی است که قبله آن ما بین مشرق و مغرب باشد و احوط  
آنست که از ما بین مشرق و مغرب نیز اجتناب کند و احوط آنست که اگر قبله نداند سعی کند در معرفت  
قبله تا خاطر جمع کند که رو و پشت بقبله نکرده باشد و اگر متعذر باشد باکی نیست و درین صورت اگر پشت  
بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلند ی و یا جایی که خاک بسیار داشته باشد  
برو که تا خاطر جمع باشد که با و شرح نیکند چنانچه منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
از هر کس بیشتر استرازا ببول میکرد تا آنکه هرگاه اراده بول میکرد بجا ی بلند ی می نشستند یا جایی که  
خاک نرم بسیار بود که مباد بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد شده است که بیشتر عذاب  
از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول کردن مکروه است و در آب پستاده بول کردن  
بدتر است و در احادیث معتبره وارد شده است بخیر بول کردن در آب روان و وارد شده است  
که در آب پستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین است و مورث دیوانگی و غلبه فراموشی  
است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند و ایستاده بول کردن مکروه است بلکه غایط  
را هم ایستاده کردن مکروه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که ایستاده بول  
کند یم آنست که دیوانه شود و از جایی بسیار بلند بول بریزد کردن مکروه است و مکروه است بول  
کردن در سطح جانوران و بول و غایط کردن در مجرائی آب هر چند آب کثیف باشد و هم چنین  
در میان راهها و کنار آنها و در مسجد یا نزدیک بدیواری مسجد یا در خانه ها و در جاهای که  
سبب آن مردم بشنام دهند و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دارد و قوسیمکه میوه داشته  
باشد زیرا که ملائکه در آنوقت بآن درختان می نشینند که نگاه میدارند میوه را از ضرر جانوران و بعضی

گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروه است در جاهائی که مردم قافله مسافری آیند و جاهائی که مردمان  
در آن متاعی میشوند حتی از نوعی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است که حق تعالی لعنت کرده است کسی که غایط کند در سائنه که قافله در آنجا منزل نمی کند  
و کسی که منع میکند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمه ها مردم توبت بر آن وارد می شوند  
یا آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب توبت شخصی باشد که صاحب توبت را منع کند و کسی که راه شایع  
روم را سد کند بدین که کشیدن یا راهزنی کردن یا غشور کردن یا پنهان کردن در آداب حجامت و تفتیه و  
خواص لطیفی و در بعضی مواضع از امر اضطرار و کفری و ندادن جبهه و سحر از فصل اقل در ثواب بیماری و صبر کردن  
بر آن و بیان شدت ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سر بجانب آسمان بلند کرد و گفت  
فرمودند صحابه از سبب آن سوال کردند حضرت فرمود که تعجب کردم از دو ملک که از آسمان  
بر زمین سرود آمدند و بنده مؤمن صالحی را در جائی نمازش طلب کرد و ندانم که عمل روز و شب او را بنویسند  
و او را در جائی نمازش نیافتند با آسمان فرستند و گشتند پروردگار اهلان بنده را در جائی نمازش  
طلب کردیم و او را نیافتیم و او در بند بیماری است حق تعالی فرمود که بنویسید بر بنده من مثل آنچه  
در حال صحت از افعال خیر در شب و روز میکرده است تا و ام که در بند من است و در حدیث معتبر  
دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون بر مؤمن ضعف پیری غالب شود  
حق تعالی امر می کند ای که آنچه در قوت و جوانی میکرده است برای او بنویسید همچنین ملک اموات  
میگردانند که برای مؤمن بنویسند آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از بزرگای خیر  
بجای بنویسند آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن از حضرت امام محمد باقر  
علیه السلام منقول است که میداری یک شب از بیماری و در بهتر است از عبادت یک سال و در حدیث  
دیگر منقول است که حق تعالی ملک دست چپ را امر می فرماید که در ایام بیماری گناه بر بنویسند  
و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که بنی که بیمار کند و طغیان بهم میرساند  
و خیری نیست در چنین بستر و در حدیث دیگر فرمود که یک شب برابر است با عبادت یک سال و در حدیث  
تیسر برابر است با عبادت دو سال و شب برابر است با عبادت هفتاد و سال و از حضرت صادق علیه السلام



که کیشب کفاره گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله وسلم منقول است که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد و به احدی از عبادت  
خدا گناش شکایت نکند بلی بگیرم از برای او گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون او پس  
اگر او را عافیت هم از گناهان پاک بگیرم او را اگر بگیرم بسوی رحمت خود می برم او را و در احادیث  
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که کیشب بیماری بکشد و تسبیح کند آنرا آنچه  
شرط قبول کردن است با آنکه سیرا خیزد از آنچه شیده و چون صبح شود خدا اشکر کند حق تعالی  
بفضل خود ثواب عبادت شصت سال یا عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقول است  
که حد شکایت نه است که بگوید که تسبیح را خواب نزد پای دوشتم بلکه نه است که بگوید بلبائی  
مبتلا شدم که هیچکس با من مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده است به چگونگی رسیده است  
و مثل اینها و در حدیث دیگر فرمود که تسبیح رسول مرگ است و زندان خداست و در زمین و گشت  
از چشم است و بهره مؤمن از چشم همین است و از حضرت علی بن حسین صلوات الله علیه منقول  
است که نیکو دردی است تسبیح بر غصوی میرساند بجهه از بلاها و خیری نیست در کسی که بلا مبتلا نشود  
و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون تسبیح کند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت  
و اگر برخت خواب مبتلا نشود ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از  
پهلوی پهلوی که میگردد مانند کسی است که در راه خدا شیر زند و از حضرت امام رضا علیه السلام  
منقول است که بیماری برای مؤمن پاک کننده است از گناهان و رحمت الهی است نسبت با او  
و از برای کافر عذاب و لعنت است و فرمود که کیشب در دهم هر گناهی را بر طرف میکند مگر گناه کبیره  
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از سه تنه  
برای او میفرستد تسبیح یا دوسه یا در چشم و در احادیث معتبر بسیار وارد شده که بلائی که بر کسی  
از همه بس شدیدتر است پس از بعد از ایشان اوصیائی ایشان پس بعد از اوصیایم که نیکوتر و افضل تر  
است و چون بقدر ایمان و اعمال نیکیش بلا باد می رسد پس هر که ایمانش صحیح تر و عملش نیکوتر است  
بلایش شلتر است پس هر که ایمانش ضعیف تر و عمل نیکیش کمتر است بلایش کتر است و در احادیث  
معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ثواب عظیم با بلا عظیم می باشد و هیچ گرهی را

خدا دوست نیدارد مگر آنکه ایشان را بتلا بلا میگرداند و فرمود که حق تعالی را بنده گان خالص است  
که از آسمان سیح تخمه بر زمین نیفرستد مگر آنکه از ایشان میگردد بسوی غیر ایشان و سیح بلا  
نیفرستد مگر آنکه میگردد و اندازد دیگران بسوی ایشان و بر وایت مقبره دیگر از حضرت امام حسین  
علیه السلام منقول است که چون حق تعالی بنده را دوست میدارد و غوطه میدهد او را در بلا غوطه  
دادنی و میریزد بر او بلا را نخستین پس اگر خدا برائی دفع آن بلا بخواند حق تعالی میفرماید لَسْبِكَ  
ای بنده من اگر زود توبه بهم آنچه طلب میکنی قادرم بر آن و اگر ذخیره کنی چنانی روز جزا بهتر است  
از برای تو و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مومن چهل شب بد  
نمیکرد مگر آنکه او را امری رومی دهد که اندوگین می شود که بسبب آن تذکره و آگاه گردد و در  
حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در بهشت منزلی است که هیچ کس آن منزل را نرسد مگر  
آنکه بائی بدن او برسد و فرمود که اگر مومن بداند که در مصیبتها چه ثواب بگذاشت هر چند  
آرزو کند که پیش از آن مقراض پاره پاره کند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که خداوند عالیا  
یاد میکند مومن را به تخمه بلا چنان کسی است که بر او خیر نرسد و او را بر خیر نیفریاید از دنیا چنانچه طیب بن ابی حمزه  
میفرماید از پدرش که او بفرموده میرساند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله را بخانه خود طلبید و سرست چون داخل خانه او شدند دیدند که مرغی بر بالا  
و دیوار هم کرد و آن تخم افتاد بر روی می که در میان دیوار بود و بند شد و نیفاذ و شکست حضرت  
تعجب نمودند آن شخص گفت که از این تعجب شما نمیدانید بخی آن خداوندی که ترا برستی فرستاده است  
که هرگز نقصان بن نرسیده است حضرت بر خاستند و طعام او را تناول فرمودند و گفتند  
که هر که نقصانی با و نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا مومن را بهر بلائی  
مبتلا میکند و بهر مگر و راهی میراند اما عقاش بر طرف نمیکند نمی بینی که شیطان بر مال و فرزندان  
و اهل حضرت ایوب تسلط شد و بر عقاش تسلط نشد که آن عقل خدا را به بیگانه گلی شناسد و در حدیث  
حسن دیگر فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر ندان این بود که مومن بدو دل خود چیزی می یافت آئینه عصا  
بر سر کافری بستم که هرگز در سودا و زسد فصل دوم در فضیلت و آداب حجامت بسند صحیح  
از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دو چهار چیز است حجامت کردن و دوا دادن و پیری

چنانکه در حق و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت که شصت و پنج جماعت  
 میکردند فرمودند که چه میشد شما اگر تا آخر میکردند تا پسین روز یا شنبه که در درامیشتر از بدن کشید  
 و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم در روز و شنبه جماعت میکردند  
 و آنحضرت جماعت میدادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 در روز و شنبه بعد از عصر جماعت میکردند و فرمود که جماعت کردن در هر روز و شنبه در  
 از بدن میکشد کشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام موسی علیه السلام  
 در روز جمعه جماعت میکردند گفت فدایتوشوم در روز جمعه جماعت میکنی حضرت فرمود که هرگاه  
 خون زیادی کنی بر تو خواه در شب خواه در روز آیه الكرسی بخوان و جماعت کن و آنحضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که جماعت کند در روز و شنبه هفتاد و یک بار  
 یا بیست و یک بار او را شفا دهد از درد دهای همه سال و شفا بخشد او را از درد سرد و در دندان و  
 دیوانگی و خوره و پسی و در روایت دیگر منقول است که شخصی دید که حضرت امام علی الفقی علیه السلام  
 در روز چهارشنبه جماعت میکردند گفت که ای کدو دینه آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 روایت میکنند که هر که در روز چهارشنبه جماعت کند دویس شود طاعت نکند مگر خود را فرمود  
 که دروغ میگویند کسی پیش شود که مادرش در حیض یا و عامله شده باشد و آنحضرت صادق علیه السلام  
 منقول است که هر که خواهد که جماعت کند باید که در روز و شنبه جماعت کند بر سینه که در هر جمعه  
 خون از جایی خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود بر میگردد و تا صبح روز و شنبه بفرمود که  
 هر که جماعت کند و چشمتان را بخواهد در اقل روز در و بالذنب نشاند و در حدیث دیگر فرمود که چون  
 جماعت کنی و خون از محل جماعت بیرون آید پس بگویش از انکه محمد را بریزند بسم الله اعوذ  
 بالله الکبریم فی جماعتی هذیم من العین فی الدام و من کل سوء و در حدیث دیگر فرمود  
 آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم جماعت دویس در میان هر دو کتف و در پشت گردن میکردند  
 و یکی را بافتن سینه بود دیگری را منقبضه یعنی بفریادرسنه و سیوم را منقبضه یعنی خلاص کننده از  
 بلا یا و در روایت دیگر فرمود که منقبضه آنست که بر سینه بکشی بجانب بالا و بهر جا که برسد و آنجا  
 جماعت کنی و در روایت منبر منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام در روز چهارشنبه

حجامت کردن و تیپ بر طرف نشدن پس در روز جمعه حجامت کردند و تیپ بر طرف شد و از حضرت  
 امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در چهارشنبه آخر ماه حجامت کند برای روبرای طسیره  
 عافیت یابد از هر بلائی و محفوظ ماند از هر دردی و محل حجامتش سبب نشود و در روایت دیگر منقول  
 است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المومنین  
 صلوات الله علیه و آله منقول است که حجامت کردن بدین صبح میکند و عقل را محکم میکند و سبب بود که  
 حجامت کنند در روز چهارشنبه که روز نهمی است و در روز جمعه ساعتی است که هر که در آن  
 ساعت حجامت کند ببرد و در حدیث دیگر فرمود که روز سه شنبه روز خون گرفتن است و در  
 روایت دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی وارد شده است از حجامت کردن  
 در روز چهارشنبه و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که در روز پنجشنبه حجامت  
 نمائید و پسند معجز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که اگر در چیزی شفاست  
 و ریشنه حجام و در خوردن عمل است و فرمود که نیکو عادتی است حجامت دیده را جلای میدهد  
 و در دماغی برود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که جبرئیل علیه السلام بر آن حضرت رسول خدا  
 صلی الله علیه و آله و سلم ملوک و طلال و حجامت را آورده و در فقه الزمان ذکر است که چون  
 اراده حجامت کنی چهارزانو در پیش حجام بنشین و بگو یا الله الرحمن الرحیم اعوذ بالله  
 الکرم فی حجامتی من العین فی الدام و من کل سوء و اعطانی و امراض و اسقام و اوجاع  
 و اسکات العافیة و الخافاة و الشفاء من کل داء و در حدیث دیگر منقول است که بخت  
 صادق علیه السلام عرض کردند که مردم بمیدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه را فرمود  
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرگاه کسی زیادتی خون در خود یا بدین حجامت  
 کند که میباید او را بکشد و فرمود که اول سه شنبه که از آذر ماه رومی که ماه اقل بهار است حجامت کند  
 باعث صحت بدن آدمی شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم هیچ آزاری بهم نرساند مگر آنکه پناه حجامت می بردند و در حدیث دیگر فرمود  
 که حجامت سرشخای همه درد است بغیر از بزرگ و در حدیث دیگر فرمود که هر که نظر کند باطل مجسمه  
 از خون او که بریزند آن یا باز و چشم تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق علیه السلام

منقول است که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت میکردند آب سر و غسل میکردند  
تا مازت خون فرو نشیند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حجامت  
اقبل و پشت گردن میکردند پس بر پیل آمد و امر کرد آنحضرت را حجامت ایمان دو کتف و در  
حدیث دیگر فرمود که حضرت صادق علیه السلام حجامت کردند و بعد از حجامت سیارچه فند  
یا نبات طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متوکه میکند و سرات را قطع میکند  
و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقول است که انار شیرین بعد از حجامت خون را ساکن  
و خون اندر و ناصاف میکند و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که حجامت روز شنبه باعث صحت میشود  
و در روایت دیگر منقول است که بسیار بود که حضرت امام رضا علیه السلام در شب زیادتی خون میخفتند  
بر آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در ماه مبارک رمضان  
بهتر است که در شب حجامت کند و فرمود که حجامت در روز یکشنبه است و حجامت میان ماه شوال و فرمود که  
از نه حجامت نماند مگر آنکه چیزی نخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن میشود  
و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را بیرون میکند و اگر پیش از  
اکل باشد خون صالح بیرون میرود و خون فاسد در بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت  
حضرت صادق علیه السلام بودم که حجامم را طلبیدند و فرمودند که محبسه خود را بشو و بند کن پس انار  
طلبیدند و تناول فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند  
و گفتند که خوردن انار در بین وقت صغرا را فرمودی نشاند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابو بصیر  
پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیزی خوردند گفت برگ کاسنی و سرکه فرمود که باکی نیست  
و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که یکم خواهد حجامت کند در روز شنبه کند و فرمود  
که حجامت کردن در روز یکشنبه شغائی همه در و ما است و در روایت دیگر وارد شده است  
که نباید از حجامت در روز چهارشنبه نگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت امام ضیاء علیه السلام منقول  
است که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون نلرشد در بدن تفرق میشود  
پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی وارد شده است از حجامت کردن در وقت  
چهارم و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که بفرماید چندی از آنکه که در اول

تابستان است حجامت بکن و اگر نشود در چهاردهم بکن و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که حجامت را در خسر روز بجا آرید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که حجامت در گوشت سر موجب غلبه فراموشی است و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که حجامت سر بفریاد رسنده است و برای هر دردی نافع است بجز از مرگ پس از هر دو طرف  
 ابرو شبر گردند بجانب پشت و آنجا که انگشت چهارم نشان دادند که در اینجا حجامت بسیار کرد  
 و در روایت دیگر منقول است که در روز سه شنبه ساعتی است که اگر حجامت در آن ساعت  
 اتفاق افتد خون در بدن بند نمی شود تا بر قوسه مود که هر که در وقت ظهر در جمعه حجامت کند  
 دلبائی با و برسد ملاست نکند مگر خود را و در حدیث دیگر فرمود که آیه الکرمی بخوان و در هر روز که خواهی  
 حجامت بکن و فرمود که حجامت سر نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و در دندان و در  
 حدیث دیگر تاریکی چشم و در سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه او را یکبار  
 حجامت کنی در گوشت سر که لعابش را خشک میکند و سرات را از سر و برش میکشد و منقول  
 است که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه بسبب اطلبیدند و فرمودند که رگ کف دست  
 بکشاید و منقول است که شخصی بخد مت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد جگر حضرت  
 او را فصد پا فرمودند و شخصی دیگر از خارشش بدن شکایت کرد فرمودند که سه مرتبه هر دو پا را حجت  
 کن و پشت پا و در میان کعب و بند پا و شخصی بخد مت حضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد  
 از سبب فرمود که فصد پائی رست بکن و بقدر دود در هم روغن بادام شیرین بر رواج کشک  
 بریز و بخورد و ماهی کوسه که مخور و شخصی دیگر بخد مت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از سبب  
 فرمود که رگ اکحل را یکشاه فصل سیوم در میان انواع تداوی که از آنکه علیه السلام وارد شدند  
 و میان جواز رجوع طبیبان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در دسه است  
 در دسه است پس در دمه است یعنی سفرا و سودا و بلغم و خون و دود و اخون حجامت است و دوا  
 مرهسل است و دوائی بلغم تمام است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دوائی  
 زنجبیر آن است حجامت کردن و لوبه کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقول است که بهترین دواها شامخه است و دوا در بینی چکانیدن و حجامت کردن



و حمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب و حجامت حقنه است و آخر دوائی  
ایشان داغ کردن است و در حدیث دیگر فرمود که طبابت عرب در وقت چیز است  
حجامت حقنه و دارو و بینی چکانیدن و حمام رفتن و خوردن و غسل و آخر دوائی ایشان داغ  
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حقنه از جمله دوائی عظیم است  
و شکم را بزرگ میکند و فرمود که دو چهار چیز است حجامت و دارو و مالیدن و خوردن و حقنه  
کردن و فرمود که طبیبان حجامت حقنه و حمام و قی و دارو و در بینی چکانیدن و خمس دوا  
دارند و سوختن است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که بهترین چیز بای که آن مداومت کشید حقنه است شکم را  
فربه میکند و در دوائی اندر قی را پاک میکند و بدین اوقات میدهد و فرمود که روغن بنفشه در بینی  
چکانید و در حقنه الرضا مذکور است که حمیه و امساک سرمد و او است و معده خائمه همه در دوائی  
و هر بنی را بنده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که حبت ناب کن از دوا خوردن تا بدست ناب  
ورد دارد و فرمود که هرگاه گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه تشنه شوی آب بخور و هرگاه که بول آید  
بول کن و تا ضرر نشود جماع کن و هرگاه ترا خواب گیرد خواب کن چون چنین کنی بدست صحیح  
باشد همیشه و فرمود که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتی که مقدر شده است  
که آن مرض تا آنوقت باشد و چون آن مدت منقضی شود او را رخصت اثر میدهد و آن دوا  
شفای یابد مگر آنکه پیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر کند که خدا بیشتر از آن مدت دوا را  
رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در غسل شفا می هر دردی است که هر که یک انگشت عمل هشتا بخورد  
بلغم را دفع میکند و سودا را بر طرف میکند و دهن را صاف میکند و قوت میدهد حافظه را هرگاه  
با کندی خورده شود آب سرد حرارت و سفر را فرومی نشاند و طعام را هضم میکند و اضطرابی که  
در فم معده است میگرداند و پرا بر طرف میکند و فرمود که اگر چیزی بدینا فربه میکند مالیدن  
بلن است و جامه آئینم پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را مالند گلی گشته  
وزنه شود بیدار است و تصدق بلامائی آسمانی را دفع میکند و قضا بایمی محکم را بر طرف میکند و  
بجاری را نمی برد چیزی مثل دعا و تصدق و آب سرد و فرمود که مستبائی پر میزد و امساک

چهارده روز است و پرمیز غنیمت که چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر بخورد و فرمود که صحت و  
مرض در بدن آدمی باید که در مقام معارضه و مقابله اند پس هر وقت که صحت غالب آید بیمار  
بشعوری آید و اشتها می طعام هم میرساند پس بگاه طعام بطلبید پس شاید شفایش در آن  
باشد و فرمود که شفا می هر دو در قرآن هست پس بیمار آن خود را دعا کند پس تصدق و طلب شفا  
کنند بقرآن که هر که قرآن شفا می پس چیز شفا می آید است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
مروی است که هر که درد بار در بدن خود یا بد حسد رت بر مزاج خود غالب یا بد یازان جماع کند  
که حرارت را فرو می نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عامه درد با و بیماری با  
از غلبه سودا و صفرا و خون سوخته شده و بطن زیاد می باشد پس باید که آدمی تعدا احوال خود کند  
پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
بر آسانید معتبره منقول است که دو انگیز بیمار آن خود را تصدق و فرمود که تصدق بلا می محکم را  
رفع میکند و فرمود که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقول است  
که شخصی بخت امام موسی علیه السلام عرض کرد که من باده نخر از عیال هم پیام فرمود که ایشان را دعا  
کنید تصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند و پسندید از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که شخصی چهار شد حضرت امیر المومنین با و فرمود که از زن خود یک هم  
از مهری که با داده بطلب که بتو بخشد و عمل بخور و آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت  
از سبب آن پرسیدند از آن حضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زانی از مهر خود بشما بطیب خاطر  
چیزی بخشد بخورید گوارا و با عاقبت نیک و در باب عمل میفرماید که در آن شفاست از همه در  
از برای مردمان و در آب باران میفرماید که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارا می  
حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شد و در حدیث دیگر منقول است که مرد پیری بخدمت حضرت  
صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطباء شرب گفته اند و بخورم حضرت  
فرمود که چرا دعا خود نیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز بآن نهد است گفت با من محنت  
نیکند فرمود که چرا غسل نخوری که خدا شفا می مردمان گردانیده است گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا  
شیر نخوری که گوشت و استخوان بنت از شیر پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود

بنوای که ترا خست بهم که شراب بخوری و الله که هرگز چنین نگم و در حدیث معتبر از آنحضرت  
 منقول است که راه رفتن بیمار باعث کس مرض و زیادهائی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر منقول  
 است که شخصی خدمت آنحضرت عرض کرد که بیمارانی که نزد ما بیمار میشوند اطباء ایشان را ما سزا  
 و پیر میزنیم و فرمود که ما اهل بیت اساک نمیکنیم مگر از خرافه خود را و اینک سبب و آب سرد  
 پرسید که چرا اساک از خرافه میسید فرمود برای آنکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
 حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را در بیماری از ان اساک فرمود و در روایت  
 دیگر از آنحضرت پرسیدند که تا چند روز میباید پیروز اساک بیمار را فرمود که تازه روز و در روایت  
 دیگر یازده روز و در حدیث دیگر فرمود که اساک و پیر بعد از هفت روز دیگر نفی ندارد  
 و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پیر میزان نیست که در اصل چیزی بخوری بلکه  
 هست که بخوری و دکتر بخوری و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که حضرت موسی بن عمران علیه السلام مناجات کرد که پروردگار در درگاه میدی خطاب رسید  
 که من رسیدم که دعا از کتبت خطاب رسید که از من پرسید که پس چه میکنی مردم این حکیمان را  
 خطاب رسید که دلشائی مردم را خوشن میکنند و در حدیث صحیح منقول است که علی بن حنفیه از  
 امام موسی علیه السلام سوال کرد از داغ کردن بیمارانی و عودها و افسانه ها بر ایشان خواندن فرمود  
 که باکی نیست در داغ کردن و افسانه که شنید را دانی و در حدیث صحیح دیگر منقول است که شخصی  
 نزد آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم طبیب نصرانی و بنزد او معالجه میروم و بر سلام میکنم  
 و او را دعا میکنم فرمود که باکی نیست دعا و سلام تو با واقعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که  
 ناممکن است رجوع به عالجہ طبیبان کنید که این مانند عمارت کردن است که اندکش بسیار  
 میکشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که مسلمان را باید که دعا کند  
 تا غالب شود بیماری او بر مقتضای آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که محتاج به پیر یا شغال  
 باشد و معالجه کند و پیر و من از دین از م و در حدیث دیگر فرمود که هر که باین حال دعا بخورد  
 اعانت کشتن خود کرده است و در حدیث دیگر منقول است که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 پرسید که عالجہ طبیب نصرانی عمل مستوان کرد فرمود که باکی نیست شغال است خدمت

و قدر وایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی دوای بخورد و گاه هست که او را  
 میکشد و گاه هست که شفا می یابد اما بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حقیقی دوا را فرستاده  
 است و شفا می فرستد و هیچ در وی خلق نکرده است مگر آنکه دوائی برای آن فریده است بخورد  
 نام خدا بر در وقت خوردن و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند که زنی با مردی شش  
 آب سیاهی آورد و اطفال بگویند که چشم ترا سیل میزنیم میباید که گدازد یا چهل روز بر پشت  
 بخوابی و حرکت نکنی و با این حال نماز با آنها میباید بکنی حضرت فرمود که چون مضطرب است باکی  
 نیست و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیغمبری از پیغمبران بیار شد پس گفت که  
 دوایکم تا آن سیکه آورد داده است شفا بدو حقیقی با دوی فرستاد که نادانگانی من شفا  
 ندیم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی آنحضرت عرض کرد که من جسته تبار می برم و داغ میکنم  
 آتش فرمود که باکی نیست گفت که دوایائی تلخ که سببیت دارد بمردم میدهم مثل خار یقین فرمود  
 که باکی نیست گفت که گاه هست که میبرد حضرت فرمود هر چند که ببرد باکی نیست گفت که گاه هست  
 که شراب و بوزه میدهم که بخورند فرمود که در سردام شفا می باشد و در حدیث مقبره دیگر منقول است  
 که شخصی آن حضرت عرض کرد که شخصی دوای بخورد و گاه میکشد و گاه میکشد و گاه میکشد و گاه میکشد  
 که او را میکشد فرمود که کنسید و در حدیث دیگر عرض کرد که کسیکه داغ میوزاند بر بدن و گاه  
 که میگردد فرمود که شخصی در زمان پیغمبر داغ میوزانید و حضرت به لایس شش پیدا شده بودند و در  
 حدیث معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما منقول است که هیچ دوائی نیست مگر آنکه در  
 بدن در دوا برمی انگیزد و هیچ چیز در بدن نافع تر از این نیست که تا محتاج نشوی تصرف بدین نکنی  
 فصل چهارم در معالجه انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که ما در اینجا نمی بینیم  
 مگر نخستین آب سرد بر بدن و خوردن حبیب و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که پند بونی چنین است و  
 نشانه حوائج آب سرد و در حدیث دیگر فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافع تر از دوا آب  
 سرد نیست و آن مفضل منقول است که بخد مت آنحضرت رفت و آیام بستان و آنحضرت تب  
 داشتند و دید که طبعی گذشته است پرازیب سبب عرض کرد که مردم این را خوب نمیدانند بلی  
 تب فرمود که این تب را بر طرف میکند حسرات را فردمی نشاند و در حدیث دیگر فرمود که مقلد

و در هم قند آب سرد ناستا خوردن برای دفع تب نافع است و از حضرت امام رضا علیه السلام  
منقول است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد حضرت امیر المومنین صلوات الله  
علیه آمدند و آنحضرت تب داشت فرمودند که سنجیدار اول فرمایید و آنحضرت امام موسی علیه  
السلام منقول است که خاریدن بدن و غلبه خواب و تبورها و در آنها علامت زیادتی خون است  
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقول است که شکستگی گرمی تب را به بنفشه و آب سرد  
و در زناستان بر بدن صاحب تب آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفاست  
از تب و سنج و در دوا و وسادشیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را پاک میکند  
و در دوا دفع میکند و در حدیث معتبر منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از شخصی پرسید  
که شما بپایان خود را بچه چیز دوا میکنید گفت که باد و انانی تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیار شود و قند سفید  
بگوید و آب سرد بریزد و باد بخوراند که آن خداوندی که تلخ شفا میدهد قادر است که بشیرین  
شفا دهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب فح تب میکند و در حدیث دیگر فرمود که آب دفع تب میکند و فرمود  
که دوا به بیماری کشیدم خدا ما را الهام کرد که برنج را گندم کنند و انکی بر روغن آتش بپزد و در سیاه  
خور و در دوا فح خوف کردم و پاره را در میان آب کردم و خوردم بر طرف گردید و فرمود که بپزد و در سیاه  
و در برابر دیگران میباشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که صلاح تب به سپید  
میباشد بقی و غرق و تسهل و از ابوسعید خضری منقول است که بخد مت حضرت صادق علیه السلام  
رفت و شکایت کرد از تب ریع فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و ناستاد  
هر وقت که هست بیلج آب خوردن شود بخور چنان کرد و روزی شفا یافت و حضرت امام موسی  
علیه السلام فرمود که در معالجه تب غلبه عمل در سیاه دانه نا با هم مخلوط کن و سه انگشت  
از آن بخور که این هر دو مبارک است و خدا عمل فرموده که شفاست و حضرت پیغمبر صلی الله  
علیه و آله و سلم فرمود که در سیاه دانه شفای همه در دواست مگر مرگ و از حضرت امام علی نقی  
صلوات الله علیه و آله منقول است که بهترین چیز برای تب ریع آنست که در روز نوبت پلو  
عمل بسازی و در میان بسیار در آن بکشی و در آن روز غیر آن چیز بخوری و از حضرت امام رضا علیه السلام  
منقول است که این تعویذ است برای شیمیان ارسلا یا الله یا لمرب الاکباب و یا سید السادات

وَيَلَلَهُ الْأَلْهَمَةُ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ وَيَا جَبَّارَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ائْتِنِي مِنْ  
 دَائِي هَذَا فَأَتَى عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبَ فِي قَبْضَتِكَ وَتَأَصَّلَتْ يَدَاكَ سَمَرَتِهِ  
 این دعا را بخوانی تا خدا ترا شفا دهد بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم این دعا را عارض شد جبریل آمد و این محوّه را بر حضرت خواند و در ساعت پیش آمد  
 بِسْمِ اللَّهِ أَزِيدُكَ بِسْمِ اللَّهِ أَتُغْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُغْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَافِيكَ  
 بِسْمِ اللَّهِ خُذْهَا فَتُغْنِيكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَلَا أَفِيمُ بِمَوَاقِعِ الْجُوعِ لَسْتُ بِأَنْ  
 بِإِذْنِ اللَّهِ و در چند حدیث معتبر منقول است که بر هیچ بیماری و صاحب درد و نقاد مرتبه سوره  
 حمد خوانده نمیشود مگر آنکه آن در دساکن میشود و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت  
 حضرت صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که یک ماه است که تب میکنم و اینچنان بگفتند بعل  
 آوردم و بر طرف نشد حضرت فرمود که بند بمانی پیر این خود را بکش و سدا در گریبان بپوشان  
 داخل کن و اذان و اقامت بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت که چنان کردم  
 گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقول است که یکی از سید زعمان آن حضرت بیمار شد و  
 ثمره مرتبه یا الله بگو که هیچ نمک نمیگوید مگر آنکه حقایق میفرماید که بسبب حاجت خود را بگوید و در  
 حدیث دیگر فرمود که هر کرا علقی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند و اگر بر طرف نشود بمقادیر  
 بخواند که من فاسمکم که آن علت بر طرف شود و در حدیث معتبر منقول است از داود بن اخیلف که  
 گفت بیمار شدم و در مین پیاپی شدی چون این سوره بخوانی اما جعفر صادق علیه السلام رسید  
 بنوشته که یک صاع گندم سه و بر پشت بخواب و آن گندم را بر سینه خود بریز و بگو اللهم  
 اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضَرٍّ وَ مَكَّنْتَ  
 لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ  
 بَيْتِهِ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي بِرِسْتِ نَبِيِّنَ وَ كُنْتُ رَاحِمُ كُنْ وَ بَارِكْ أَنْ دَعَا نَجْوَانَ فَانْ  
 كُنْتُ رَاحِمُ رَاحِمَةٍ كُنْ رَاحِمَةً بِيكَ فَقِيرَةً وَ بَارِكْ دَعَا نَجْوَانَ وَ كُنْتُ رَاحِمُ كُنْتُ رَاحِمَةً  
 رَاحِمَةً وَ بَارِكْ رَاحِمَةً وَ كُنْتُ رَاحِمَةً وَ كُنْتُ رَاحِمَةً وَ كُنْتُ رَاحِمَةً وَ كُنْتُ رَاحِمَةً  
 بیماری را هفت مرتبه بگوئی اَعْمِدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَرِيْفٍ



فَعَارَوْهُ مِنْ شَرِّ حَزَنَاتِهِ وَكَرِهُوا ذِكْرَ سُورَةِ هُودٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَإِنَّا لَنَزَّلْنَاهُ فِي  
 بَيْتِهِ الْقُدْرَةِ وَآيَةِ الْكُرْسِيِّ بِأَنْتَ شَهِادَتِ بَرِئُوهِي بِمَا رُبَّيْتُمْ لَيْسَ إِلَهُكُمُ اللَّهُ  
 جَلَّ لَا الرَّفِيقُ وَعَظُمَ الْمَدْفُونُ مِنْ سُورَةِ الْخُرَيْقِ يَا أُمَّ مِلْكٍ إِنْ كُنْتَ أَمْنَتْ  
 بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا تَأْكُلِ الْكُفْمَ وَلَا تَشْرَبِ اللَّذَّةَ وَلَا تَسْهَى الْجَنَّةَ وَلَا تَضِدَّ الرَّحْمَنَ  
 وَتَقْلِبَ عَنْ فُلْكَ بَنِي فُلَانٍ وَامَامِ أَوْدَادِ شَيْخِ بَنِي نُوَيْسٍ إِلَى مَنْ يَجْعَلُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ غُلُوًّا كَثِيرًا وَدَرَرُ رَوَايَتِ دِيكَرُ فَرَسُودِ كِه بِمَا سَرَرَا  
 وَرُكْرِيَانِ خُودِ دَاخِلِ كِنْدِ وَادَانِ وَاقَامَتْ بِكُوَيْدِ وَسُورَةُ هُودٍ مَوْذُومِينَ وَبِهِ رَتَبَهُ قُلْ هُوَ اللَّهُ جَوَّ  
 وَكُوبِيَا عَيْدُ خَفْسِي بَعْدَ اللَّهِ وَقَدْ سَرَّ اللَّهُ وَعَظَّمَهُ اللَّهُ وَسُلْطَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِ اللَّهِ  
 وَبِحَمْدِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ وَبِعِزَّتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِعِلَالَةِ أَمْرِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ  
 مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ  
 الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَذَلِّوْنِي بِذَلِكَ  
 وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ وَدَرَرُ رَوَايَتِ دِيكَرُ مَفْعُولِ اسْتِ كِه شَخْصِي بَانَ حَضْرَتِ شَكَايَتِ كَرْدِ كِه تَشِشِ  
 بَسِيَارِ بَطُولِ نَجَاسِيْدِهِ اسْتِ فَرَسُودِ كِه آيَةِ الْكُرْسِيِّ رَاوِظِي فِي بَنُوَيْسٍ وَبَابِ حُلْ كُنْ وَبُخُورِ وَتَضَعِي  
 اِرْكَتَبِ مَعْبَرَةَ مَفْعُولِ اسْتِ كِه بَرَائِي تَبَايِنِ تَعْوِيذِ رَا بُوَيْدِ دِرْ بَارِزِ دِي رَهْتِ بِنْدِ وَسُورَةُ هُودٍ  
 تَاخِمْ بُوَيْدِ وَبَعْدَ اِزَانِ بُوَيْدِ يَلْمِ اللَّهُ وَبِاللَّهِ اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ كُلِّهَا الَّتِي  
 لَا يَجَاوِزُ هُنَّ بَرْ وَلَا فَاجِرُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَمَّ وَبَرَّ وَأَوْ مِنْ شَرِّ الْعَامَةِ وَالسَّامَةِ  
 وَالْعَامَةِ وَالْآمَةِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ مُقَاتِلَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ  
 وَمِنْ شَرِّ مُقَاتِلَةِ الْبَنِي وَالْأَنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّ كَيْدِ مَنْ شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ  
 وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ الْخَلْدُ بِمَا صَيَّرَهَا إِنْ مَرَّتْ عَلَى صِرَاطٍ سُسْتَقِيمٍ رَبَّنَا عَلَيْنَا نَوَكُنَا  
 وَإِلَيْكَ إِنبَاءٌ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ يَا فَا رُكُوْنِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى بَرَاهِيمٍ وَأَدَاوِيَاهِ  
 كَيْدًا فَجَعَلْنَا هُمُ الْآخَسِرِينَ بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى فُلَايِ بْنِ فُلَانَةَ نَامِ بِمَا رَاوِظِي شَرِّ  
 رَبَّنَا لَا تُوَاخِذْنَا إِنْ لَيْسَ بِنَا أَوْ أَخْطَا فَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ  
 مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَجْعَلْنَا مِلًّا لَهَاظِمَةً لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَرْسَلَانِ فَارِسِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَنْقُولٌ هُست  
گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله ده روز از خانه بیرون آدم در را  
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله را ملاقات کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه صلوات  
الله علیها که تحفه از بهشت برائی و آمده میخواهد که به تو عطا فرماید تعجیل بخودت آنحضرت شتافتم  
فرمود که دیر در زمین موضع نشسته بودم و در خانه بسته بود و غمگین بودم و فکر میکردم در منقطع  
شدن وحی آبی از ما و بنیادن ملائکه بسوی ما نگاه میدیدم که در کشوده شدند و خیره اندرون  
آمدند که کسی بحسن و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبویی ایشان هرگز ندیده است چون ایشان را  
دیدم بر خاستم و سوال کردم که شما از اهل بکته ای یا از اهل مدینه گفتند ای خست حضرت رسول خدا  
صلی الله علیه و آله السلام ما از اهل مدینه هستیم ما را پروردگار عزت از اهل بهشت جاوید بسوی  
تو فرستاده و بسیار شتافی تو بودیم او یکی که بزرگ تر می نمود پرسیدم که چه نام داری گفت  
مقدوده گفتم چه سبب ترا این نام کرده اند گفت بخت آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام  
پس اندوگیری پرسیدم که چه نام داری گفت دونه از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای  
البودن خدای خلق شده ام از سوم پرسیدم چه نام دارد گفت سلی از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که الیه سگمان  
کار آنها کرده بود و تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که پس از بهشت من طبعی پسندیدن آورد  
مانند گرده های انجائی بزرگ از برف سفید تر و از مشک خوشبو تر پس سگمان گفت که حضرت  
فاطمه علیها السلام کی از ان طبعها من دادند فرمودند که اشب باین طبعها افطار کن پس دعا  
هسته اش را برائی من بیا در پس آن طبع را گرفتم و بیرون آدم بجمع که از اصحاب رسول خدا  
صلی الله علیه و آله وسلم میگوشتم می پرسیدند که ای سگمان مگر رشاک همراه داری میگفتم بلی

الحسبه من ان دمار العالم من سرافرمود که اگر خواهی که تاور دنیا باشی از ارتب نیای برین  
و عامو طبت کن این است بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله التور بسم الله نور التور  
بسم الله نور علی نور بسم الله الذي هو مدبر الامور بسم الله الذي خلق النور  
من النور والحمد لله الذي خلق النور من النور وانزل النور على  
الطوري كتاب منطوري ربي منشور بقدر مقدور وعلى نبي مجبور الحمد لله الذي هو  
بالعز مذكور وبالغفور مشهور وعلى الشرايع والضر ائ مشكور ووصلى الله على سيدنا  
محمد والى الطاهرين سنان گفت که ايند عار به زياده از هزار نزار بل کمه ودينه که پشتمند  
تعليم کردم چه از تب نجات يافتند و در حديث من منقول است که بعضی پسر زندان حضرت  
احم بن صادق عليه السلام يار شد حضرت فرمود که ايند عار انخوان اللهم اشغني بشفائك  
وذاواي يدوايك وياخي من بلائك فاني عبدك وابن عبدك وازبرائى تب ربي  
منقول است که اين آيه را بنويسند و برو به بندند يا ناكوفي بؤدا و سلاما على ابااهيم  
و در روايت ديگر ايند عار را بر بازوى بنويسند بسم الله الرحمن الرحيم ولو ان قنا  
سيف به الجبال او قطعت به الاذن او كلم به المولى بل لله الامر جميعا يا شافي يا كافي  
يا معافي ويا الحق انزلنا ويا الحق نزل اسم فلان بن فلان و امام او پدرش را بنويسند  
بسم الله و بالله و عني الله و الى الله و لا غالب الا الله و از برائى تب رزده اين آيات را  
بنويسند و بر بازوى يار به بنويسند اللهم مرج البحرين بالمقيان بينهما بؤدح لا يغيان  
و جعل بينهما بؤدح و حبرا محجورا يا ناكوفي بؤدا و سلاما على ابااهيم الا ان حبرا الله  
همم العالمون و لقد سبقت كلنا لعباد المرسلين انهم لهم المصورون  
وان جندنا لهم العالمون فصل پنجم در ادعيه باسند و ادويه مركبه نافعه در حديث معتبر از حضرت

وَمِنْ شَيْءٍ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي هَفْ مَرْتَبَةً يَكُونُ وَدَرِ رَوَايَتِ دِگَرِ فَرمود که دست را  
بر موضع درد میگذاری و میگوئی بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَتَحْتِ سُرُّوْلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ لَا هَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ امْشَعْ عَنِّي مَا أَجِدُ وَدَرِ مَرْتَبَةً بِرُفْعِ مَشْغَلِ قَدَرِ  
روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت و هفت مرتبه  
میگوید أَيُّهَا الْوَجْعُ اسْكُنْ بِكَيْفَتِهِ اللَّهُ وَقَرِّبُوا فَا رِ اللَّهِ وَانْجِزْ بِحَاجَتِ اللَّهِ وَاهْذُلْ  
بِهَدْيِ اللَّهِ أُعِيدْكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا آعَاذُ اللَّهُ فِيهِمْ خَشَعَةً وَمَلَائِكَتُهُ يَوْمَ الرَّجْعَةِ  
وَالزَّلَازِلِ وَدَرِ رَوَايَتِ مَعْرِفِ فرمود که برائی هر آزار این دعا بخواند بِأَمْرِ الزَّلَازِلِ وَمَلَائِكَتُهُ  
الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى مَائِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً وَآزِ حَضَرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
مَنْقُولِ است که هر که باورسد الی در پیش این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاَوْسَرِ رِسَالَةٍ  
اَعُوْذُ بِعِزَّتِکَ اللَّهُ وَقُدْرَتِکَ عَلَی الْاَشْیَاءِ اُعِیْذُ نَفْسِیْ بِحَبَابِ السَّاءِ اُعِیْذُ نَفْسِیْ بِمَنْ  
لَا یَقْرُبُ مَعَ اَشْیَادِ اَعِیْذُ نَفْسِیْ بِالَّذِیْ اَمْنُهُ بَرُکَةٌ وَشِفَاءٌ وَآزِ حَضَرَتِ صَادِقِ  
علیه السلام مَنْقُولِ است که هر که دردی بهر سان و دست را بر موضع درد بگذارد و با خدای  
قَبْلِ بَکْوَرِ وَنَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَلْغَالِبِیْنَ  
الْاَخْسَا اَلْبَشَرِ مَا فِیْهَا مِنْ اَزْهَرِ عِلْمِی وَدَرِ حَدِیْثِ دِگَرِ فرمود که هر که اسوره حمد را در  
احد شفا نمیدهد هیچ چیز او را شفا نمیدهد و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام مَنْقُولِ است  
که هر گاه کسی آزاری در خود پدید بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سُرُّوْلِ اللَّهِ وَ  
اَقْبَلْ بَيْنَهُ وَاعُوْذُ بِعِزَّتِکَ اللَّهُ وَقُدْرَتِکَ عَلَی الْاَشْیَاءِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَدَرِ حَدِیْثِ دِگَرِ  
مَنْقُولِ است که شخصی بخدمت آنحضرت آمیخته گشت که در آب سیر میزدی و پریشانی فرمود که

المیلید و آله را بسیار و با غسل خیر کند و بخورد حضرت فرمود که این است که شما اطفال میگویید  
و در طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخت امام علی نقی صلوات الله علیه عرض کرد  
که در همسایگی با شخصی را مغرب گزیده است و بیم آن است که هلاک شود فرمود که بخورانید  
با و دو جامه را که از حضرت امام رضا علیه السلام باز سیده است پس فرمود که سبیل  
و در عمران و قاطعه و سر قوما و خربق سفید و بندر بسنج و طفل سفید همه مساوی یکدیگر و فربس  
دو برابر هر یک از آنها بسیار نرم بگویند و از سیر بیرون کنند و با غسلی که کفش گرفته باشند  
خمیر کنند و کسی را که با عقیقه گزیده باشد یک حب آن را به آب عسلیت با و بخوراند که در  
ساعت شفای یابد و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از برای  
فاج و لقوه یک حب آن را با آب سر زنگوش و رینی بچکانند و از حضرت امام محمد تقی صلوات الله  
علیه نقل کرده است که از برای سکه و معده و خفقان قلب نافع است که یک حب آن را با آب  
زیره بچته بخورند و در روایت دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که از برای  
از اسهال و یک حب آن را با آب سکه و داندک سر که بخورند و از حضرت امام رضا علیه السلام  
نقل کرده است که از برای درد پهلوی راست یک حب آن را با آب زیره بچته بخورند و از برای  
درد پهلوی چپ یک حب آن را با آب ریشه کرفس که بچته باشند بخورند و در حدیث دیگر فرمود  
که از برای اسهال یک حبش را با آب سر بچته بخورند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت  
آورده است که یک حبش را با آب سداب یا آب زیره بچته بخورند و از حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله وسلم منقول است که اگر مردم بدانند که در سنا چه نفعهاست هر سینه قیمت هر شفا  
و و شفا طلا شود و بدینکه امان نمی باشد از بهی و می و خوره و دیوانگی و فاج و لقوه و اگر با میوه  
سرخ یا دانه و میله کالی و میله زرد و میله سیاه همه حب مساوی عمل آورند و هر روز ناشتا

سبک پائینه بسند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از آن پاشان بخورند از برا  
عظمت سودا و صفرا و بلغم و در ریه و ترکیدن دست و پا و قی و تب و زجر در شکم و در دگر  
و سبب است سردی برقان و پشیمانی شدید و در دستانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از غرما  
و ناهنجاری که در ریه پدید آید و عتاشی باشد با روغن کنجد و دوائی دیگر نقل کرده است که از  
بلغم سیاه و لیلیه زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دار فلفل و حبسبیل خشک  
در نیمان و شش شش سرح و نمک سبز از هر یک چهار مثقال و از نارسیک و قافله و سبیل  
و شقائق و چوب بلسان و دانه بلسان و سیلیمه متقشر و عاکس و عاقر قرحا و در حبسبیل از هر یک  
دو مثقال مجموع و با آب الیگ که بکوبند و نیزه و سقمونیا که بکوبند و نیزه و ششاد و پنج مثقال سکر را در پاتیل آب بکوبند  
و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن چسبند را با آنها همچون سازند و در وقت حاجت و مثقال  
را از آن پاشند و دو مثقال را در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع و سحر را  
از مفاصل بدن ببرد و فائده می بخشد بر آرد و تپگاه و باد وانی شکم و در مفاصل و سلسل لول و  
طبعین بل و تواثر نفس و استکلامه و گرم معده و دل را جلا میدهد و کشتبانی طعام می آورد  
و در کینه و زردی چشم و زردی رنگ و برقان و غلبه شنگی را می برد و بر آب پرزه و در دهانی  
گهنه و در سردی و بی دماغی نافع است بسند دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل را  
همگی ضیافت کرد و در هر طعام ایشان را خل کرد که ایشان را هلاک کند و حق تعالی این زوال را بفرست  
موسی علی نبینا و علیه السلام فرستاد و چون خوردند از زهر ایشان آب پی بر سید جبرئیل گفت  
که قدری سیر قشر بگیر و بشکن و نرم بکوب و در پاتیل بسند از او روغن گاؤ الله بر آن سیر را بریز



چنانچه نمی شود نیکوتری شود و فرمود که نافع است بر دفع لقمه کینه و تازنه و درد اندرون و  
چنانچه تازنه کسیر که سرانده باشد و برای سبیل چشم و دردها و ضعف معده و صرع و غش اطفال و  
ترسیدن زنان در خواب و زرد آب و خوره و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و عصب و فرمود  
که چون یک ماه برین دوا بگذرد برادر و زمان و امراض بلغمی بقدر نصف گردگان هشتا بخورد  
و چون دو ماه بران بگذرد برائی تب و لیزه و آلت های چشم نافع است و چون سه ماه بران بگذرد  
برائی صفرا و بلغم سوخته و بسیج مرضهای صفراوی هشتا خوردن هفت و چون چهار ماه بران بگذرد  
برائی تاریکی چشم و تنگی نفس نافع است و چون پنج ماه بران بگذرد دو سیکه در دسره شسته باشد  
بقدر نیم عدد سس ازین دوا باروغن بنفشه مزوج گردانیده در بینی بچکاند و چون شش ماه بران بگذرد  
سیک در دقیقه دشته باشد بقدری که حدس از این بادوغن بنفشه مخلوط گردانیده در بینی  
بچکاند از آن بجائ که در دسکند در اقل روز و چون هفت ماه بران بگذرد برائی دفع بادمی که در  
گوش بهر بقدر یک حدس باروغن گل سرخ مزوج ساخته در گوش بچکاند در اقل روز و  
در سنگام خواب و چون هشت ماه بران بگذرد آرزای آب خوردن بر دفع خنده نافع است  
و چون نه ماه بگذرد نافع است بر غلبه خواب و بزدان گفتن در خواب در سحر و بیم باید که باروغن  
تخم تربا نشتا و وقت خواب بقدر یک حدس خورده شود و چون ده ماه بگذرد برائے  
غلبه صفرا و پشهائی از ردنی و احتلاط عقل بقدر یک حدس با سرکه بخورند و بران سفیدی چشم  
ناشتا در وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بران بگذرد برائے سودا و ایکه اینکس با برنس  
و دسکس انداز و بستر بخورد باروغن گل سرخ هشتا و بقدر یک نخود بی روغن در گام

خوابیدن بخورد و چون دوازده ماه بگذرد بر آن کج گفته و آنزه با آب مرز گوش بقدر یک نخود  
بخورد و باروغن زیت و نمک بر پاهالده و در وقت خواب و از سر که و شیر و است و سبزیها  
و اما حی استناب نماید و چون سیزده ماه بگذرد یک نخود از ان با آب سداب حل کند و در  
اقل شب بخورد نافع است برائی درد اندرون خستیدن بی سبب و باریش بازی کردن و اگر  
چهارده ماه بگذرد بر آن دفع زهر با نافع است و اگر زهری باو خورنده باشد تخم بادنجان را  
توبند و بوشانند و صاف کنند و بایک نخود ازین دوا واده بخورند و آب نیم گرم از عقیقش  
بخورند سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بگذرد بر آن دفع حر و باد با نافع است و چون  
شانزده ماه بگذرد بقدر نیم عدس آنرا با آب باران تازه حل کرده بیده کسی بکشند که پیش  
کم شده باشد و در باد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اگر بر طرف نشود تا هشت روز  
و چون هفده ماه بگذرد بر آن دفع خوره یک گلوله از ان باروغن پارچه گاو داشتند و در وقت  
خواب بخورند و بقدر یک جبه اش بر بدن بالند و اندکی را باروغن زیت یا باروغن گل سرخ  
در سینی بچکانند آنهمه سرور و زرد حمام و چون هیجده ماه بگذرد بر آن دفع بوق آنموضع را سون  
بزنند که خون در آید بقدر یک نخود باروغن بادام تلخ یا روغن صنوبر بخورند و اندکی را در  
بچکانند و با نمک بر آنموضع بالند و چون نوزده ماه بگذرد اگر آب انار شیرین را گرفته با قدر  
نمک آنه جواز خنظل و بایک نخود ازین دوا داشتند بخورند بر آن دفع سهو و فراموشی و بطنم خسته  
و تب گفته نافع است و چون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس از ان گرفته آب کنند حل  
کنند و بر آن سنگینی گوش در گوش بچکانند و اگر نفع ظاهر نشود در روز دیگر بار بچکانند و اندکی  
بر گله و سرش بریزند و از برای صاحب مرض سرسام با آب انار ترش نافع است و در حیت  
دیگر روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم آورد و فرمود که چهار رطل از شیر قشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل  
شیر گاؤ بر آن بریزند و بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاؤ بر آن بریزند و آنقدر  
بجوشانند که روغن نماند پس بقدر دودهم با بونه بر آن بپاشند و برهم بزنند تا خوب بقوام  
آید و در کوزه کرده سرش را به بندند و در میان جویا خاک پنهان کنند در مدت ایام استن

و در زمستان بیرون آورند و در باد او بقدریک گردگان بخورند برای هر در و نافع است  
 و گویی در حدیث معتبر روایت کرده است که اسماعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت  
 صادق علیه السلام از تشنه و اینکه طعام در معده اش نهضم نمی شود حضرت فرمود که چرا  
 نیگیری آن بسید را که مایه خوریم و باعث نهضم طعام می شود و با او باد بانی شکم را دفع میکند  
 پس بود که یک صاع از مویز گیر و دانه اش را بپزد و پاک بشو و در ظرفی کن و آنقدر آب  
 بر آن بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز و در تابستان یک شبانه روز پس صفا  
 کن و آب صافش را در دیگ کن و آنقدر بجوشان که دو حصه برود و یک حصه بماند پس نیم غل  
 اصل در دیگ بریز و آنقدر بجوشان که آنقدر بشود که پیش از غسل نخستین شده بود پس بجنبیل و  
 خونجان و دانه چینی و زعفران و قند نخل و صطلی را بگیر و همه را کوب و در میان پاره پاره کنه نازکی  
 بن و در دیگ بنهار که چند جوشی بریز پس دیگ را پائین بگذار تا سرد شود پس صاف کن و هر صبح  
 و شام یکسپین قدر از آن بخور و او می گفت که چنان کردم آزارم بر فست شد فصل ششم در معالجه  
 درد سر شقیقه و کاهم مرغ و اختلال دماغ و تصرف جن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
 که برای دفع درد سر و نصف سر ایند ما بنویسد و بدان جانب سر که درد میکند بیاورد اللهم انت  
 اکت بالیه ایستجد سنائی کانت یبید ذکرک و لا تمک شراً کاء یقضون معاک و لا کان  
 ملک الله نذ عولاً و تقو ذیاً و متصرع الیه و قد تمک و لا اغانک علی خلقنا من احد  
 شک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلان و صلی الله  
 علی محمد و آهل بیت و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در  
 سر داشته باشد ابوالش بند شده باشد دست بر موضع درد بگذارد و بگوید اللهم شکک  
 بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو الشیخ العظیم و از حضرت امام علی نقی صلی الله  
 علیه منقول است که از برای دور کردن این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد و اوله و الذین کفروا  
 ان القوان و الارض کانتا رقیقتناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی و ان الله لیموت  
 و در حدیث معتبر منقول است که بسبب سیاهی شکایت کرد بخدمت امام محمد باقر علیه السلام که  
 هفته دو مرتبه از قند سید میگیر و نموده که بگذارد دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه

يَا ظَاهِرَ أَمْوَجِهِمْ وَأَيُّهَا غَيْرُ مَقْفُودٍ بَارِدُ دُعَايِ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ أَيُّهَا دِيكَ  
الْبَحْلَةُ وَأَذْهَبْ عَنِّي مَا بَيْنَ يَدَيَّ إِنَّكَ رَحِيمٌ وَدُودٌ وَدَرِّ مَرِثٍ وَبِكْرِ مَسْرُوعٍ  
أَبْرَأِي دَفْعَ دَرَسِ دَسْتِ بَرِّ بَالِدٍ وَهَفْتُ نَوْبَتِ بَكْوِيهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي مَسَكَنَ لَهُ  
مَلَأَ الْبَرَّ وَالْجَزَرَ وَمَلَأَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَهُوَ التَّيَمُّعُ الْعَلِيمُ وَدَرِّ رَوَايَتِ دِيكَ  
مَنْقُولِ اسْتِ كِهْ بَرَأِي دَفْعَ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ  
دِيكَ فَرَمُودِ كِهْ بَرَأِي دَفْعَ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ دَرِّ  
يَقُولُونَ إِنَّا لَا نَبْتَغِي إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنزَلَ اللَّهُ  
وَالِىَ الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُلًا وَدَرِّ حَدِيثِ مَعْبَرِ مَنْقُولِ  
اسْتِ كِهْ شَخْصِي نَحْدِ مَتِ حَضْرَتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ آمَدُ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
هُوَ لَنَا كِهْ  
دَسْتِ رَابِرِ بَالَا سَوَكْدَارِ وَيَا وَازِ بَلَدِ بَكْوِ الْخَيْرِ وَبَيْنَ اللَّهِ يَتَعَوَّنُ وَكَلَّمَ اسْلَمَ مَنْ فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَنْ شَخْصِي كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
شَدَمِ كِهْ  
شَدَمِ كِهْ  
دِيكَ مَنْقُولِ اسْتِ كِهْ شَخْصِي بَانِ حَضْرَتِ شَكَايَتِ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
مِيكَرِ وَبَحْدِي كِهْ  
بِرْطَرِ بِي بُوَيْسِ وَبَابِ بَشَوَاتِي كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
بِرْطَرِ شَدِ وَدَرِّ حَدِيثِ دِيكَ فَرَمُودِ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
يَا رَجُلُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّسُؤُلِ اللَّهِ  
مَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَالِدِ عَلَى جَنِّ وَأَدَى الصَّبْرَ فَأَجَابُوا وَأَطَاعُوا مَا أَجَبْتُ وَأَطَعْتُ  
وَخَرَجْتُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ السَّاعَةَ وَدَرِّ رَوَايَتِ دِيكَ مَنْقُولِ اسْتِ كِهْ شَخْصِي خَسْتَلَالِ  
وَلَمْ يَكُنْ يَسِيرُ بِهِ بُوَ حَضْرَتِ أَوْ فَرَمُودِ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ كِهْ  
وَاللَّهُ أَهَمُّ مَتِ بِاللَّهِ وَكَلَّمَ بِالطَّاعُونَ أَلَهُمْ أَحْفَظُنِي فِي مَتَاحِي وَفِي يَفْقَتِي أَعُوذُ

بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ اِيَّاكَ اَحَدُ وَاَزْ حضرت امام محمد باقر عليه السلام منقول است که گسیار  
 که با وجن گیرد به سورۃ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را ده مرتبه  
 بخوانند و این سورۃ را در جامی یا شاک و زعفران بنویسند و با بخور نهند و آب وضو  
 و غساش داخل کنند و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام شخصی را  
 دیدند که عرضش گرفته است قبح آبی طلبیدند و سورۃ حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ  
 برب الفلق بر آن آب خواندند و بر سر و روی او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در خانه که چنان سنگ اندازند صاحب خانه  
 آن سنگ را بردارد و بگوید حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفِيَ اللَّهُ لِي دَعَائِلِي وَ دَعَاءُ اللَّهِ مُنْتَهَى  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که برای در و دروغن شنیز را و بینی بچکانند  
 و شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از در و دروغن سر فرمود که بجام برو و پیش  
 از آنکه داخل شوی هفت جام آب گرم بر سر و روی و هر مرتبه بسم الله بگو و منقول است که شخصی  
 بخدمت امام رضا علیه السلام شکایت کرد که سر و روی و دروغن بر سر خود می یابم بخدمتی که اگر با دروغن  
 بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن بنفشه و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بر ماغ بچکان و در حدیث  
 صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ یک از فرزندان آدم نیست مگر آنکه در  
 و درگ است یک رگ در سرش که خوره را ب حرکت می آورد و دیگری در پش که پی را ب حرکت  
 می آورد پس چون آن رگ ب حرکت می آید خدا ز کام را بر آن مستط میگرداند که در و کام را  
 میکشد و اگر آن رگ بن حرکت می آید حق تعالی و قل را بر آن مستط میگرداند که در و کام را  
 میکشد پس سیکه ز کام و قل را بهر ساند خدا را شکر کند و در روایت معتبر دیگر فرمود  
 که ز کام لشکری است از لشکرهای خدا تعالی میفرستد که در و کام را بر طرف میکند و در چند روایت  
 دارد شده است که ز کام را علاج نمی باید کرد و در یک روایت از آنحضرت دارد شده است  
 که در و کام پنجه بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود بگذارد و در  
 روایت دیگر فرمود که یک دانگ سیاه دانه و نیم دانگ کندش را نرم بکوبند و در و کام را  
 ز کام را بر طرف میکند فصل هفتم در معالجه سائر امراض سر و روی و در حدیث معتبر از حضرت



امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که هرگاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیه الکرسی  
 بخواند یا اعتقاد درست که هست شفا می یابد و در روایت دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام  
 شخصی سه روز بود که میخواست دعای تعلیم بنام ترا که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد  
 و در چشم ترا زایل کند گفت ای فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اللهم  
 اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْکَ اَنْ تَصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
 وَانْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصْرِیْ وَالبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالبَقِیَّةَ فِیْ فُلْکِیْ وَالاِخْلَاصَ فِیْ  
 عَمَلِیْ وَالتَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالتَّعَاقُبَ فِیْ رِزْقِیْ وَالتَّشْکُرَ لَكَ اَبَدًا اَمَّا الْبَقِیَّةَ  
 و در حدیث دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم برای در چشم  
 دعا را میفرمود که بگو الحمد لله متعنی بمعنی و بصری واجعلهما الوارثین منی و انصرنی  
 علی من ظلمنی و اونی فیة ثابری و در روایت دیگر منقول است که شخصی نزد حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام آمد و دید که چشم آن حضرت از اعظم دارد و دیگر نمیدانست آن حضرت  
 رفت و دید که هیچ آزار نمانده است از سبب آن پرسید فرمود که این تعویذ را خواندم اَعُوذُ  
 بِحِزْبِ اللَّهِ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ  
 اَعُوذُ بِكُرْیَمِ اللَّهِ اَعُوذُ بِمَهَارِ اللَّهِ اَعُوذُ بِغَمْرَانِ اللَّهِ اَعُوذُ بِحِلْمِ اللَّهِ اَعُوذُ  
 بِذِکْرِ اللَّهِ اَعُوذُ بِرِسْوَالِ اللَّهِ اَعُوذُ بِالرَّسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ  
 عَلَیْ مَا أَجِدُ فِیْ عَمَلِیْ وَ مَا أَخَافُ وَ مَا أَكْذَرُ اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّیِّبِیْنَ اَذْهَبْ ذَٰلِكَ  
 عَنِّیْ بِحَوْلِكَ وَ قُدْرَتِكَ اَبْنُ سَهْرٍ شُوبِ روایت کرده است که هر کوشی بنید که حضرت امیر المؤمنین  
 صلوات الله علیه وآله این دعا را بخواند شخص نجسه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از نماز  
 این دعا را خواند و چون باین موضع رسید آن شخص النور فی بصری دیده اش سیاه شد دعا  
 این است اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ یَا رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِیَةِ وَ رَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِیَةِ  
 اَسْئَلُکَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الْوَاجِعَةِ اِلَی الْجَادِهَا وَ بِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمَلْتَمَةِ اِلَی  
 اَعْضَائِهَا وَ بِإِشْقَاقِ لِقَبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَ بِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ فِیْهِمْ وَ اَتَّخِذْ لَكَ  
 بِالْحَقِّ بَیِّنًا اِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ یَنْظُرُونَ قَضَائَكَ وَ یَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَ یَحْأَقُونَ



بَطْنِكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ يَوْمَ لَا يُنْفِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُصْرُونَ إِلَّا  
مَنْ حِمَاهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ اسْتَكَ يَا رَحْمَانُ أَنْ تَجْعَلَ التَّوْرِي بِصَوْنِي وَتَقْرَأَ  
فِي عِلِّيِّ وَتَذَكَّرَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي أَبَدًا أَمَا الْبَقِيَّةُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَدَرَسَ  
وَبَكَرَ از حضرت امام موسی علیه السلام نقل است که شخصی آن حضرت شکایت کرد از ضعف باصره  
گفت که بفرموده پیغمبر است که شب بیدار نشوید و فرمود که آیه اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأُخْرِجُ  
النُّورَ وَجِلْدِي بَنُوسٍ وَأَبْ مَحْكُونٍ وَأَبْ دَرَشْتَنُ واز سبیل چشم بکش راوی گفت که کمتر از  
صد میل کشیدم که بنیاشدم و در حدیث معتبر نقل است از حضرت امام رضا علیه السلام  
که شغابی در خواندن سوره حمد است وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْمَلَكِ وَ  
آیه الکونین گوشه کن قطع و میرو کند ریت و دعائی در گوش در دعاهای در سر گذشت  
و در حدیث دیگر نقل است که شخصی بجز از حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از سنگینی  
گوش فرمود که دست بر گوش بکش و این آیه را بخوان لَوْ أَنَّ لَنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ  
لَرَأَيْنَاهُ فَاتَّخَذْتُمُوعًا مَتَّصِلًا غَامِقًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَقَالَ الْأَمْثَالُ نُصْرِي النَّاسَ لَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغُيُوبِ وَالتَّهَادِي هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ  
الْمَكْبُورُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ  
الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ و در روایت دیگر  
دارد شده است که برای در گوش بر روغن یا روغن بنفشه هفت مرتبه این دعا بخواند  
كَانَ لَمْ يَمْعَهَا كَانَ فِي أُنْفِهِ وَقَرَأَ إِنَّ التَّمَعَّ وَالْبَصَرَ وَالْفَوَادَ كُلَّ أُولَئِكَ كَانَ  
عَنْهُ مَسْئُولًا پس از روغن را در گوش چکاند و از برای قطع رطافت نقل است که بر شانی او  
بنویسد وَقِيلَ يَا أَرْضُ اطْلَعِي مَا عَكَرَ يَا سَمَاءُ اظْلَعِي وَغِيصَ الْمَاءِ وَفَقِي الْأَمْرَ  
وَأَسْتَوْتُ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و در روایت دیگر این آیه را  
بخواند مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ  
الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلْجَحِينِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا يَا أَرْضُ اطْلَعِي

مَاءٍ لَكَ وَاسْمَاءُ أَقْلَمِي وَغِيصُ الْمَاءِ وَفُفِي الْأَمْرُ وَاسْوَتْ عَلَى الْجَوْدِي وَقِيلَ  
 بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ  
 وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ  
 قَدْرًا وَبَعَثْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سِدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سِدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ  
 لَا يُبْصِرُونَ وَنَقَلَ سَكَنُ خَيْرٍ مَا نَقَلَ عَلَيْهِ سَلَامٌ كَرَامَتِ كِرَوَارِزِ دُرِّ دِيَانِ فَرَسِ  
 لَرُوتِ بَرْدِيَانِ بَكْرَارِ دُرِّ بَكْرِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ  
 دَاءُ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَ شَيْءٍ قَدْرًا وَ سَاقِدًا وَ سَاقِدًا وَ سَاقِدًا  
 بِأَوَّلِ الظَّاهِرِ الْمُقَدَّرِ الْمُبَارَكِ الَّذِي مِنْ سُلْطَانِهِ أَعْطَيْنَاهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ  
 احْبَبْتَهُ اسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ  
 تُعَافِيَنِي بِمَا أَحْدَثْتُ فِي رَأْسِي وَ فِي بَصَرِي وَ فِي بَطْنِي وَ فِي ظَهْرِي وَ فِي يَدَيَّ  
 وَ فِي رِجْلَيَّ وَ فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا أَبُو بَقِيرٍ كَايَتِ كَرْدِ بَدِستِ حضرت امام محمد باقر  
 عليه السلام از درود همان گفت شبها از این درود بپا رسی با شرم فرمود که هرگاه اثرش ظاهر  
 شود دست بر موضع درد بگذارد و سوره حمد و قل هو الله احد بخوان پس این آیه را بخوان و قو  
 الْحَيَالُ تَحْسِبُهَا جَاوِدَةً وَ هِيَ ثَمَرُ مَرَاتِلِ النَّجَابِ خُصَّعَ اللَّهُ الَّذِي أَتَقَنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِتَانَهُ  
 خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اینها را بخوان با سوره انا انزلنا  
 فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که برائی دفع درد دندان  
 دست بر موضع سحر و جادو بگذارد و بر مضمونی که در میکند بباله و گوید بسم الله و الشافی الله و لا حول  
 وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در روایت دیگر منقول است که برائی دفع درد دندان سوره  
 حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد بخوان پس گوید بسم الله الرحمن  
 الرَّحِيمِ وَ كَلِمَاتِ كُنْ فِي الْكَلِيلِ وَ التَّمَارِ وَ هُوَ الْقَبِيعُ الْعَلِيمُ طَبَا بِأَنَارِ كَوْنِي مِنْ دَاءِ  
 وَ سَلَامًا عَلَى آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ كَلِمَاتِ كُنْ أَفْجَعَلْنَاهُمْ الْأَخْسَرِينَ نُودِيَ أَنْ بُورِكَ  
 مِنْ فِي النَّارِ وَ مَنْ حَوَّلَهَا وَ سَجَّانَ اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا كَافِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا  
 يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ إِلَّا عَبْدُكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَ يَسْتَعِذُّ وَ مِنْ شَرِّ الرَّجِيمِ

الَّذِي يَشْكُو إِلَيْكَ وَدَر روایت دیگر منقول است که جبرئیل تعویذ را برای حضرت امام  
 حسین علیه السلام آورد بجهت درد دندان که دست را بزند آن که گرم خورده است بگذارد و  
 هفت مرتبه بخواند الْحَبِّ كُلِّ الْحَبِّ لَكَ آتِيَةً تَكُونُ فِي لَفْمٍ تَأْكُلُ الْعِظَمَ وَتَتْرِكُ اللَّحْمَ  
 أَنَا رَبِّي وَاللَّهُ شَاقِي الْكَافِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِذْ قُلْتُمْ نَفْسًا  
 فَإِذَا أَنْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوا بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُخَيِّ اللَّهُ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَيُؤْخِذُ الْكَافِرِينَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَدَر روایت دیگر بخوبی بگوید و در سورۃ حمد و قل اعوذ  
 برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را سه مرتبه بخواند پس بگوید مِنْ يُخَيِّ الْعِظَامَ وَهِيَ  
 وَمِنْهُمْ يَا خُزْيسُ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ وَام صاحب درد و پسرش بگوید أَكَلْتُ الْحَادِ وَالْبَارِدَ  
 فَبِالْحَارِ تَلْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَلْكُنِينَ وَلَكِنَّ مَاسَكُنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ الْقَبِيحُ الْعَلِيمُ  
 وَشَدَّ ذَنْتَ مَا عَزَّ هَذَا الضُّرُّ مِنْ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ پس منج در دیوار  
 بگوید اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ وَدَر روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت امام موسی علیه السلام  
 شکایت کرد از گند دمان حضرت فرمود که در سجده بگوید يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مَنْ يَأْتِي  
 الْأَنْبَاءُ يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ يَا مَالِكَ الْمُلْكِ يَا مَلِكَ الْمُلُوكِ اِسْتَفْنِي بِشَفَاكَ  
 مِنْ هَذِهِ الدَّاءِ وَأَصْرِقْ عَيْنِي فَإِنَّ عَبْدًا لَكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ وَأَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ  
 راوی گفت که بگو این دعا را در سجده خواندم شفا یافتم و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقول است که دیملان از گیاه بهشت است و آبش از برای در چشم نافع است و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که مسواک کردن آن بخشن چشم را زایل میکند و چشم را جلا میدهد  
 و در حدیث صحیح منقول است که شخصی بخدمت صادق علیه السلام شکایت کرد از آزار چشم فرمود  
 که در آب باران بپاش و کافور و همه چیز را مساوی یکدیگر و در روایت دیگر فرمود که ضعف  
 چشم و خالوات دیگر را بر طرف میکند و در روایت دیگر فرمود که دانه فراگ بر آتش بپزد  
 که بر روی بامهر سد نافع است و در روایت معتبر از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است  
 که صمغوطی و کافور یا مسواک یا دیگر بپاشند و آب بر روی بپاشند و آبهای یک مرتبه  
 در چشم بکشند که درد بامی سرد و چشم را میکشد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقول است

که شخصی از اصحاب خود فرمود که لیل از در باب هفت دانه فلفل بسائی و بریز و در دبه کفش قدری است  
دیگر منقول است که شخصی سجدت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از سفیدی  
که در چشمش پدید آمده بود و از درد دغان و درد مفاصل فرمود که فلفل و دار فلفل نیم یک و در دهم  
و نوشاد پاکیزه صاف یکدر هم هر سه را خوب بسا و از چوب سیریر و کن و در هر خوشی میل کنش و  
ساعتی مبر کن که سفیدی روی آید و راقطع میکند و گوشت چشم را پاک میکند و در را ساکن میکند  
چشم را با آب سرد بشوئی و بعد از آن سره سنگ کفش و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت  
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله سلمان را بوز فرمود که تا در چشم دارید بر پهلوی چپ بخوابید  
چهارم خورید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که ماهی خوردن بر آید چشم زبان دارد و  
دست جبرشمالین بعد از دست شستن بعد از طعام از در چشم امان میدهد و در چشم  
و همه شارب و ناخن گرفتن از در چشم امان میدهد و در روایت دیگر منقول است که شخصی  
شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون از گوشم بیاید فرمودند که نیر بسیار بکنند را  
قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن مخلوط کن و بر رو آتش نرم گرم کن و چند قطره در گوش میگذارد  
بریز و در روایت دیگر از برای درد گوش منقول است که یک کف کچل پوست کنده و یک  
گف خمدل هر یک را بخیلده بکوبند و با یک دیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در  
شیشه بکشند و سرش را با گشتر آهن مضمحل کنند و هر وقت که خواهند و قطره از آن در گوش  
چکانند و چند در گوش بگذارند و سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر وارد شده  
است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش چکانند و از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله منقول است که سداب بر آید گوش نافع است و از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که برای درد گوش سیب کافرا از خوردن شیر نیست و بسند معتبر از حضرت  
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که حضرت عیسی علیه السلام شهری گشتند  
دیدند که مردم آن شهر روگای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مریضیان  
حضرت شکایت کردند فرمود که گر شا گوشت را با شسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمیرو  
مگر آنکه چنانی با و است بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیا شعله بر طرف شد و حضرت

مدی شهری دیگر گذشتند و دیدند که دندانهای نخیسته بود و روی ایشان باد کرده بود و فرمود  
که در وقت خواب دهان را باز کنند و برهنه بگذارند و چنان کردند آن ملت از ایشان زائل  
شد و آنحضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که برای درد دندان سعد را بران بگذارند  
فرمود که سرکه که از شراب بعلل آورده باشند بن دندان حکم میکند و در حدیث معتبر منقول است  
که حمزه بن طیار بخدمت آنحضرت آمده که شب در خدمت پرستیدند که چه میشود ترا گفت که دندانم  
درد میکند فرمود که حجامت بکن ساقش شد بعد از آن حضرت فرمود که هیچ دروغ بگجاست و خوردن  
عسل نیز سوده در حدیث معتبر دیگر فرمود که برای درد دندان منقل را بگیرد و پوستش را بکند پس روغن را  
بگیرد و اگر دندانش را گرم نمایی کرده باشد در میان آن دندان چند قطره از روغن بچکاند و پسند را  
باز روغن آلوده کرده در میان آن دندان بگذارد و بر پشت بخوابد تا شش شب چنین کند و اگر بن  
دندان درد کند و دین گوشتی که جانب آن دندان واقع است در چند شب هر شب دو قطره یا سه  
قطره بچکاند و باز فرمود که هر کس که در دهان داشته باشد یا خون از بن دندان آید یا درد کند  
یا دانه اش جوشیده باشد و گفن سرخی مبتل گشته باشد یک منقل تازه که رسیده باشد و زرد  
شده باشد بگیرد و تماش را بگل بگیرد و سس را سوراخ کند و کاریک از آن سوراخ داخل کند و مغزش  
بترشد و هواری که سوراخ نشود پس که بسیار نندی که از شراب بعل آورده باشند در آن سوراخ  
بریزد و بر سر گوشتش بگذارد که بسیار بچوشد پس بر آورد و هر وقت که احتیاج شود بقدر ما خنی  
بگیرد و بر دندانها و دهان مالند و بعد از آن سس غصه کند و اگر خواهد آنچه در میان منقل است  
در شیشه یا ظرف دیگر خالی کند و هر چند آبش خشک شود سرکه برایش بریزد و هر چند که تر شود  
نفسش بیشتر است و در حدیث معتبر منقول است از ابراهیم بن نظام گفت دندان مرا درد کرده فکند  
و پالوده گرم و دانه که دندان بعد از آن دانه را بر برف کردند پس دندانها را تمام نخیست آنحضرت  
امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که فرمود که سعد در دهان بکن تا دندانها بیت برود بعد از  
چندگاه نشخوار کردم که حضرت امام رضا علیه السلام به محل ما وارد شده است و خبر اسان میرود و بخت  
آنحضرت فتم و حال خود را عرض کردم بهمان فرمود که در خواب نموده بود چنان کردم دندانها را روید  
فصل هشتم در معالجه تئازیر و جبرج و قروح و آل و ثبور و خوره و میسی و بهق و امثال آنها



[illegible]



چنین گنی آن ورم برودی بر طرف شود و در کتاب مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع آله

۱۳	۲	۳	۱۹
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۹	۶
۱	۱۴	۱۵	۴

و کم بیرون آوردن فعل کرده است و بهتر است که ترتیب عدد بنویسد  
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بر این مشور و دلهای بریزد

که در بدن بیرون می آید و در اول که اثرش ظاهر شود انگشت شهادت بر دوش بگرداند و هفت  
مرتبه بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ** در مرتبه هفتم انگشت را بر روی آن بقوت گذاشت  
و در روایت دیگر فرمود که این دلهای و مشور را اثرش از خون فاسدی است که در وقت طغیان  
آن از بدن بیرون نمی کنند پس سر که در و اینها حادث شود چون بخت خواب رود بگوید  
**أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِكَلِمَاتِهِ الثَّقَاتِ الَّتِي لَا يَنْجُو مِنْ بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ مَنْ**  
**شَرِّ كُلِّ ذِي نَفْسٍ تَأْزِيْمًا وَسَائِرُ دُرِّهَا طَائِفَتٌ يَابِدُ وَ دُرِّ رَايَتٌ دِيْكِرُ مَقُولُست که برای**  
**گرمی و دل و قوبالین آیات را بخواند و بنویسد و بخورد و نگاه دارد بسم الله الرحمن الرحيم**  
**وَقُلْ كَلِمَةً خَافَتْهُ كَثِيرَةٌ خَافَتْ مِنْ خَوْفِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِمَّا**  
**خَلَقْنَاهُ وَفِيهَا نُحْيِيكُمْ وَفِيهَا نُمِيتُكُمْ ثُمَّ نُنْزِلُكُمْ أَثَرًا آخِرًا اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَنْتَ أَكْبَرُ**  
**اللَّهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** و در حدیث صحیح منقول است که یونس  
بن عازر گفایت کرد بحضرت صادق علیه السلام از پسی که در رکع او بهم رسیده بود حضرت فرمود  
که چون ثلث آخر شب شود وضو ساز و بنماز شب برخیز و در سجده آخر در رکعت اول ناز شب  
این دعا بخوان **يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا سَامِعُ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ**  
**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَاصْرِفْ**  
**عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَانْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعَ وَامِنْ أَنْ أَزَارَا**  
**بِرَدَائِيهِ قَدْ غَاظَنِي وَخَوَّفَنِي وَبَالَهَ دَرَضْرَعِي وَعَاكَبَنِي** راوی گفت چنان کردم سه روز  
بموضع رسیده بودم که آن پسی از من بر طرف نهد و در روایت دیگر منقول است که اسحق بن  
اسماعیل و غیره از همین علت با حضرت شکایت کردند فرمود که وضو سازید و دو رکعت نماز کنید  
و حمد و ثنای الهی بجا آورید و صلوات بر محمد و آلین است و او بفرستید و بگوید **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ**  
**يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ يَا رَحِيمُ**

يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ  
الرَّاحِمِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا سَرَّ  
الْعَالِينَ يَا وَبَّ الْعَالِينَ يَا رَبَّ الْعَالِينَ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُزِلَ الْبَرَكَاتِ  
يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَخَيْرَ الْآخِرَةِ  
وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَذْهَبْ مَا بِي فَقَدْ غَاظَنِي الْأَمْرُ وَآخَرَنِي  
وَدَّرَ رَوَايَتِ دِيكَرُ مَرُودُ كِه سُوْرَةُ الْعَامِ رَا بَاعِلِ دَرْ ظَرْفِي بِنُويسِ دُ آبِ شَبُو وَبُخُوْرَا بِرْ طَرْفِ  
شُوْد وَدَرْ رَوَايَتِ دِيكَرُ مَرُودُ كِه سُوْرَةُ لِيْنِ بَاعِلِ بِنُويسِ وَشَبُو وَبُخُوْرَا وَدَرْ كَارَمِ الْأَخْلَاقِ مَكْنُوسِ  
كِه بِرْ كُيُوسِي وَخُوْرَةُ اِيْنِ آيَاتِ رَا بُخُوْرَا وَدَرْ بُوَيْسِ وَبَاخُوْدُ نَكَاهُ دَرْ لِيْهِمُ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ  
يُحْيِي اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُمِيتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ الْحَكْمُ لِلَّهِ فَاطِمَةُ السَّوَابِ وَالْأَرْضِ  
جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولِي الْأَجْنَحَةِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَا أَيُّهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ يَا أُمَّ  
وَادِرْشِ رَا بِنُوَيْسِ وَدَرْ بَرَاءِي بِهَقِي بِرْ اِنْمَوْضِعِ بِنُوَيْسِ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَ فَاطِمَةَ الْكَاذِبَةِ وَمَا  
تُؤْتِيهِ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ هَلْ يَفْعَلُونَكَ إِذْ تَدْعُوْنَ أَوْ يَفْعَلُونَكَ أَوْ يَفْعَلُونَكَ وَدَرْ  
رَوَايَتِي دِيكَرُ مَنَقُولِ اِسْتِ كِه حَضْرَتِ اِمَامِ مُحَمَّدِ بَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَرَايِ صَاحِبِ جِدَا حَتَّى مَرُودُ كِه قَدَرُ  
اَزْ قِرَانَهُ بِيْگِرِ وَهَمَانِ قَدَرِ اَزْ بِيْهِيْزِ بَرْفُوْرِ دُوْرَا بِرْ سَبُوْئِيْ تَا زِهْ بَالِ دَرْ بَرْدِ آتَشِ زَرْمِ بِنْدَارِ اَزْ اِيْمَانِ دَرْ قِيْ  
ظَهْرِ اَوَقْتِ عَصْرِ سِ پَارَةُ كِتَابِ كَسْبِ بِيْگِرِ وَآنِ تَسِيْرِ رَا بَرِ اِنِ طَلَاكُنِ وَبِرْ رُوْئِيْ جِسْمِ اِسْتِ بِنْدَارِ  
وَاگر حُرْمَتِ سُوْرَانِحِيْ دَشْتِهْ بَاشْدِ كِتَابِ فَرَسِيْلِهْ كُنِ وَبَقِيْرَةِ اَلُوْدِهْ كُنِ وَدَرْ مِيْاْنِ جِدَا حَتَّى بِنْدَارِ دَرْ  
مَدِيْنَتِ مَعْبَرِ مَنَقُولِ اِسْتِ كِه جِرَا حَتَّى دَرْ بِلَكِ مَنَوَكِلِ بِيْرُوْنِ اَمْدُ كِه مُشْرِفِ بَرِ طَلَاكُ شَدِ وَاطْبَا جِرَاتِ  
نَسِيْكِرِ وَنَدَكِهْ بِيْشْتَرِ بَزْمَنْتِ اِيْنِ خَاطَمَانِ دَرْ زِيْرِ مَنَوَكِلِ نَجْدِ اِسْتِ حَضْرَتِ اِمَامِ عَلِيْ نَقِيْ صَلَوَاتِ اللَّهِ  
عَلَيْهِ فَرَسْتَا وَدَرْ حَالِ مَنَوَكِلِ اِعْرَضِ نَمُوْدُ حَضْرَتِ خُزْمُوْدُ كِه رَسْرِيْنِ گُوْنِ سَفَنْدَكِهْ دَرْ زِيْرِ دَسْتِ وَپَا ئِيْ  
گُوْنِ سَفَنْدَانِ شَدِ بِرْ شُوْدِ بِيْگِرِيْدِ وَبَا كِلَابِ مَخْلُوْطِ كَسْبِيْدِ وَبَرِ اِنِ جِلْعِ بِنْدَارِ اِيْچُوْنِ اِيْنِ خَبَرِ سَبِيْدِ  
اطْبَاخِ سَفَنْدِيْنْدِ كِه اِيْنِ چِهْ فَا نَمِهْ يَكُنْدِ دَرْ زِيْرِ گِفْتِ كِه اِنْخَضَرْتِ وَاَمَّا تَرِيْنِ خَلْقِ اِسْتِ اِنْجِهْ فَرَسْتَا  
اِسْتِ بَايَكِرِ دَرْ پَسِ اِنْجِهْ فَرَسْتَا بُوْدِ بَعْلِ اَوْرُوْدِ دَرْ دُشْ سَاكِرِ شَدِ وَبُخُوَابِ رَفْتِ پَسِ اِنْجِهْ جِلْعِ  
اَشُوْرْدِهْ شَدِ وَچِرْ كِه سَبِيْارِ دَفْعِ اَشُوْرْدِهْ اَفَا فْتِ وَآزِ اِنْخَضَرْتِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنَقُولِ اِسْتِ كِه

چند را با گوشت گاو پختن و خوردن پی را بر طرف میکنند و در حدیث دیگر منقول است که  
شخصی شکایت کرد با آنحضرت از بهی و پی می نمود که بحام رو و خارا با نوره مخلوط کن و بر آن  
موضع مال که دیگر نخواهی دید اثر آنرا و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که گوشت  
گاو خوره و پی را زائل میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هیچ چیزی نافع تر  
نیست برای پی از تربت امام حسین صلوات الله علیه با آب باران بخورد و بر آن موضع مال  
و فرمود که کندن موی بینی امانت از خوره و تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
خوره را زائل میکند و فرمود که از کسی که خوره و پی داشته باشد بگیرد و بر نظر ایشان بکشد  
و ایشان معاشرت ننمایند که سرایت میکند و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود  
که در هر جمعه شارب گرفتن امان میدهد از خوره و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است  
که هیچکس نیست مگر آنکه رگ خوره در بدن او هست و آن رگ را میگذارد و خوردن شلغم و در حدیث  
دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرده که ماده طاعون در بدن من ظاهر شده است فرمود  
که سبب بخور آن شخص خوردن صافیت یافت فصل نهم در معالجه امراض اندرونی و قولنج و باد  
و آزار معده و سرفه منقول است که شخصی بخت امام جعفر صادق علیه السلام شکایت کرد از دروسینه  
حضرت فرمود که طلب شفا کن این قرآن را که حق تعالی میفرماید که قَدْ شَفَاكَ لَكَ فِي الصُّدُورِ بِنِی  
و قرآن شفاست برای آنچه در سینه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمد و گفت برادرم از درد شکم آزار دارد  
فرمود که آب گاو نمکی از غسل با آب گرم بخورد و روز دیگر آمد و گفت که خوره و دفع نکرد فرمود که برو و یاز  
عسل بده بخورد و هفت مرتبه سوره حمد را بخوان چون آن شخص رفت فرمود که برادرت شفاقت  
است باین سبب خوردن عسل او را دفع نه بخشید و در روایت دیگر منقول است که شخصی بخدمت  
امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب گرم بخورد و این دعا را  
بخوان یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا رب الاکابر یا الله یا الله یا مکن للکون  
یا سید العالمات اشفنی بشفایک من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک انقلب  
فی قبضتک و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت

[illegible]

رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خرمایش تا خوردن کرم معده را می‌کشد و آنحضرت  
 صادق علیه السلام منقول است که هر که هفت دانه خرمایی بخورد در وقت خواب بخورد که مهابائی  
 معده اش را می‌کشد و در چند حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است برای  
 دفع اسهال که قدری از برنج بگیرند و بشویند و در سایه پنجه‌کانه و بر روی آتش بپوشند و نرم  
 بگویند و هر بار با یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر از آنحضرت منقول است که برای  
 دفع اسهال که برنج را در دیگ کن و با آب بپوشان و چهار یا پنج پارچه سنگ در زیر آتش بگذار  
 تا سرخ شوند و پیه تازه قلوه را بگیر و با آن سنگها در میان کاسه بپزند و کاسه دیگر بر سرش  
 بگذار که بخارش برود و حرکت ده تا آن پیه آب شود چون برنج پخته شود این روغن را  
 بر رویش بریزد و بخورد و در روایت دیگر منقول است که شخصی از حیر شکایت کرد بحضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام فرمود که گل ارمنی را بگیر و بر روی آتش ملایم بپوی بده و سفوف کن و بخور  
 و در حدیث دیگر فرمود که بزقطونا و صغ عسل و گل ارمنی را بپوی بده و سفوف کرده  
 بخور که زحیر را بر طرف میکند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امام رضا علیه السلام  
 شکایت کرد از درد و خارش شکم فرمود که گردگان را بگیر و بر روی آتش بگذار و چون پختن بریان  
 شود پوستش را بکن و بخورد و در حدیث دیگر مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السلام شکایت  
 کرد از قرصه شکم فرمود که سیاهانه بخور با عسل و در حدیث معتبر منقول است که شخصی بحضرت  
 صادق علیه السلام شکایت کرد از ضعف معده فرمود که جسه را با آب سرد بخورد و جزا گویاست  
 شبیه بگرس آزار میوه را میگویند فصل و هم در معالجه اوجاع مفصل فالج و بواسیر و امراض  
 شانه و سائر امراض در حدیث معتبر منقول است که علی بن خنیس بحضرت صادق علیه السلام  
 شکایت کرد از درد و فح فرمود که عورت خود را در موضعی کشوده که سزاوار نبوده و باین  
 سبب این درد بران بهر سبب است دست چپ را بر سرج خود بگذار و این دعا بخوان  
 بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرٌ لَا يَنْدَرُ بِهِ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
 وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوْضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ  
 يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیر المؤمنین شکایت کرد از درد

را نه فرمود که آب گرمی در پشت کفن و در میان آب بشین و دست بر آن موضع که در  
 دارد بگذارد و این آیه را بخوان **أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا نَقْعًا  
 فَنَقَعْنَاهُمَا وَجَعَلْنَاهُمَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** و در حدیث دیگر منقول است  
 که شخصی بخد مت حضرت امام حسین صلوات الله علیه شکایت کرد از درد پا فرمود که از اقل  
 سوره آتافتحنا بخوان تا و کان الله عزیز احکیم و در روایت مقبره وارد شده است  
 که ابو جسر ب حضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد زانو فرمود که بعد از نماز ایستاده  
 بخوان **يَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَى وَبَاحِثٍ مَنْ سُئِلَ يَا اَكْثَمَ مَنْ اسْتَرْحَمَ اِنْ حَصَّ ضُحْفِي وَقِلَّةَ  
 حِيلَتِي وَطَعْفِي مَنْ دَجَّنِي** چنان کرد و بزودی عافیت یافت و در روایت دیگر منقول است  
 که سالم مجاهد شکایت کرد ب حضرت صادق علیه السلام از درد ساق و بندها و گفت که این درد مرا  
 از همه کارها حصر کرده است فرمود که این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان **وَأَقْلُ مَا أَقْبَحِي  
 إِلَيْكَ مِنْ كِتَابٍ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتَسَلِّمًا** و در حدیث  
 دیگر منقول است که شخصی ب حضرت امام حسین علیه السلام شکایت کرد از درد بندها فرمود که دست  
 بر آن موضع بگذارد و گوید **اللَّهُ وَبِاللَّهِ وَالتَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ  
 وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ  
 بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ** و در روایت دیگر منقول است که شخصی ب حضرت صادق  
 علیه السلام شکایت کرد از دروشانه فرمود که این آیات را در وقت خواب سه مرتبه و بعد از  
 بیدار شدن یک مرتبه بخوان **أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ  
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَلَكُهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ** و در حدیث دیگر منقول است  
 که شخصی ب خدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه نوشت که شخصی شیعیان شهابوش  
 بنده شده است حضرت در جواب نوشتند که آیات قرآن بسیار بر او بخوان تا شفا یابد و از  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر سه در آیات آخر **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ  
 بَيْنَكُمْ بَاطِلًا** و در سوره سه مرتبه بخوان و در سه مرتبه آب دمان بر آن موضع بیندازد و در روایت دیگر  
 منقول است که شخصی ب آن حضرت شکایت کرد از دروغ حاصل فرمود که این دعا بخوان **اللَّهُمَّ ارْقُبْ**



اسئلك يا مخلصنا و تبركك و دعوتك نبينا الطيب المبارك المكين عندك و يفتح  
 و يفتح ائمة فاطمة بفتحهم المبارك و يفتح و يفتح امير المؤمنين و يفتح سيدنا  
 شيبا اهل الجنة الا انه ليس عني شئ ما احد يفتح و يفتح يا الله العالمين چون  
 ايند علوانه ها ساعت در ساكن شود و حديث ديگر مرويت كه شخصي حضرت صادق  
 عليه السلام را كذايت كرد و عسوق النساء بود كه هرگاه اثرش ظاهر شود دست بر آن موضع  
 بگذارد و بگويسم الله الرحمن الرحيم بسم الله و بالله اعوذ بسم الله العظيم  
 و اعوذ بسم الله العظيم و من شر كل عرق لقا و من شر خبز النار ان شخص  
 سه مرتبه ايند علوانه و از ان مرض نجات يافت و در روايت ديگر وارد شده است  
 كه شخصي را القوه در دماغش شده بود بخدمت حضرت صادق عليه السلام آمد حضرت فرمود  
 كه برو برو رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم در ركعت نماز كن و دست برو بگذارد و بگو  
 بسم الله و بالله بهذا اخرج اقمعت عليك من عين النسي و عين جن اخرج  
 اخرج اقمعت عليك يا الذي اتخذ ابنا هيم خليلا و كلمه موسى عليه السلام و خلق  
 عيسى من روح القدس لما هكذات و طوت كاطفت نار ابراهيم اطفئ  
 يا دين الله و در مرتبه چنين كرد عافيت يافت و در كلام الاطلاق ذكر است كه بر آن  
 عرق مدني كه بغارسي رشته ميگويند شش مرتبه است بكندي كار و سيقراض و بجا برفت  
 گره بان بزند و بر هر گري سه مرتبه سوره حمد را بخواند پس سه مرتبه بران رشته يا بر آن شخص  
 ايند علوانه بسم الله الاكبر الاكبر المحصي العدد القريب لما بعد الطاهر غير الاول  
 العالي عن ان يؤلف النجر لما وعد العزيز بلاعداء القوي بلامد و لم يلد و لم يولد  
 و لم يكن له كفوا احد يا خالق الخليقة يا عالم البير و الحفيرة يا من السموات بعدد  
 من خال يا من الارض بعروق مدهوكة يا من الجبال يا راد قه مرسالا يا من مجاه صاجب  
 الغرق من كل افة و بليتة صلى الله على محمد خير خلقك و اشفي اللهم فلان بن فلان  
 يسئلك و دا و دا و دا و لك و عافه من بلك انك قادر و على ما تشاء و انت ارحم  
 الراحمين و صلى الله على محمد النبي و آله و امة حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه و آله

منقول است که خواندن این دعا برای دفع بوسه نافع است یا جَوَادُ یا مَاجِدُ یا وَجِهُهُ  
یا قَرِيبُ یا مُجِيبُ یا بَارِحُ یا رَاحِمٌ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْ عَلَى نِعْمَتِكَ وَكَفِّعْ  
أَمْرَ وَجْهِي وَدَر حدیث دیگر منقول است که شخصی حضرت امام رضا علیه السلام سکایت کرد  
از بوسه فرمود که سوره لیس را عمل بنویس و شود بخورد و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
علیه السلام منقول است که هر که در می چسبده حتی به هر سدکاری را بگیرد و در آن موضع ببالد و بگوید  
بِسْمِ اللَّهِ أَزِيْقُكَ مِنَ الْحَكْدِ وَالْحَكْدِيدِ وَالْحَكْدِ وَفِيهِ أَثَرُ الْعَوْدِ وَمِنَ الْحَجَرِ الْمَلْبُورِ  
وَمِنَ الْعَرَقِ الْفَاقِرِ وَمِنَ الْوَرَمِ الْآخِرِ وَمِنَ الطَّعَامِ رَحِيحٌ وَمِنَ الشَّرَابِ وَبُورٌ أَفْضَلُ  
إِلَيْكَ يَا ذَا بِنِ اللَّهِ إِلَى أَجَلٍ مُّتَعَيَّنٍ فِي الْأَمْسِ وَالْأَقْبَامِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحَتْ وَبِسْمِ اللَّهِ  
نَخَفَتْ پس آن کاه را در زمین فرو برود و در حدیث دیگر فرمود که چون حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم را و امانگی یاد و سینه عارض میشد دست میکشوند و سوره حمد و  
قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق میخوانند و دست را بکشند  
و در حدیث معتبر منقول است از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که بر آن قولنج و باد باورد  
مفاصل و گشتی بدن و برودت اندرون یک کف سینه را با یک کف انحرش شک بگیرند  
و آنقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ پاکیزه بپزند و صاف کنند و یک روز  
بخورند و یک روز بخورند تا آنکه در مجامع روز با بقدر یک قیج بزرگ خورده شود و در حدیث  
دیگر منقول است که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که بادی از سینه پاپ  
مر اگر فته است فرمود که عشر دروغ و حق را ناشتا بدماغ بچکان و در روایت دیگر  
منقول است که صحاب بن محارب بن حضرت امام موسی علیه السلام عرض کرد که شخصی را با دلقه  
در رو به هر سیده است و در دوشش را برگردانیده است فرمود که پنج مثقال آتش نفل بگیرد  
و در شیشه بکند و سرش را محکم ببندد و کل ببالد و در آفتاب بگذارد و بعد از یک روز در بستان  
و دور در دزدستان پس از شیشه بردن آورد و نرم بکوبد و با آب باران مخلوط سازد  
و بر پشت بخوابد و آن طرف بدن که گریخته است ببالد و بر آن حال خوابیده باشد تا آن که نفل  
خشک شود و چنان چنین کند آن مرض از او برطرف شود و در حدیث دیگر منقول است که شخصی

بجرت امام مجتهد علیه السلام شکایت کرد از آنکه بوش قطع نمیشود و همیشه قطرات بلبل اند  
می آید فرمود که بخندد و بگیرد بوش ثوبت بآب سرد و بکوبد بآب گرم بشوید و در سایه خشک کن پس بار وغن گل  
چرب کن و بخوف کن و بخورد و در روایت دیگر منقول است که برای ریگ شانه ابله و ابله  
و امل و طفل و طفل و چپرسی و خربیل و شقاقل و ایشون و خولجان حبس از اسادی گرفته  
بکوبند و پزند و بار وغن گاوانه مخروج کنند و دو برابر تمام حبس از اسل صاف کرده باشد  
پنزد افش کنند و در هر مرتبه بعد رفتن بخورند و چند روایت دارد شده است که خورند  
نه بر طرف میکند بوسیر او در روایت دیگر فرمود که برنج و خسرمانی نارسی بوسیر را را  
میکند و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام این دو را برای دفع بوسیر  
فرمود که ابله سیاه و ابله حبس از اسادی گرفته بکوبند و از حریر پیر کون کنند پس قدری  
از منقل ارزق گرفته در آب تیره بخیسانند شب پس این دو را بار در میان آن برنج نیمه  
کنند و دست را بر وغن بختی چرب کرده آنرا بقدر حدس بکنند و در سایه بخت کنند و اگر  
در تابستان باشد بقدر یک مثقال بخورد و اگر در زمستان باشد بقدر دو مثقال بخورد و در آن  
آیام که این را بخورد از زامای و سکه که و سبز بها حبت ناب کند و در حدیث دیگر منقول است  
که شخصی بجرت امام علی نقی شکایت کرد از آنکه دهان فرمود که خرمائی برنی بخورد و دیگری شکایت  
کرد از بیست مزاج فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخورد و آب بر بالایش بخور چنان کرد و فریب شد و  
رطوبت بر مزاجش غالب شد باز از رطوبت شکایت کرد و فرمود که خرمائی برنی را ناشتا بخورد  
و آب بعد از آن بخورد چنان کرد و مزاجش مستقیم شد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که برای دفع زیادتی بلغم بکوبد ران رومی و کند و آب ریشم و سیان و سیاهانه حبس از اسادی  
یکدیگر و همه را نرم بکوبد و بپزد و با اسل خیمین و سرشب در وقت خواب بقدر یک فندق  
بخورد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بگیرد از ابله زرد یک مثقال و از خسرمان  
دو مثقال و از حاقور و حاک مثقال و بپازرم بکوبد و ناشتا برونند آنها بمال که بلغم را دفع  
میکند و درین را خوشبو میکند و در آنها را محکم میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که ناشتا بحام رفتن بلغم را دفع میکند و بعد از طعام بحام رفتن سودا و صفرا را دفع میکند و حضرت

امام محمد بن علی علیه السلام فرمود که بسیار شانه کردن بگویم را کم میکند فصل باز و هم در بیان قلیلی  
از تعویذات برای دفع سحر و سحوم و گزندگان و سائر بلاها و در حدیث معتبر منقول است که حضرت  
امیر المومنین علیه السلام فرمود که برای دفع سحر این تعویذ را بر پوست آهو بنویسد و با خود  
نگهدارد و بگوید **اللَّهُمَّ وَاللَّهُ بِنِعْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ لِيَسِيرَ اللَّهُ وَلِأَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُكَ بِالشَّجَرِ إِنَّ اللَّهَ سَيُطِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُفْلِحُ عَمَلُ الْمُتَّصِدِينَ  
فَوَقَّعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَخَلَبُوا هَٰذَا لَكَ وَأَنْقَلَبُوا أَصَاغِيرِينَ و در روایت  
دیگر فرمود که اگر از ساحری یا طالمی ترسی بعد از نماز شب قبل از شروع در نماز روبرو بجانب خانه او  
بگویند **وَمَنْ تَبِعُوا بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكَ مُلْكًا نَافَا**  
**فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكَ يَا أَبَاتِنَا أَنْتَ وَمَنِ اتَّبَعَكَ الْعَالِيُونَ** و در روایت دیگر منقول است  
که جبرئیل علیه السلام خبر داد بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را که سبید بن عامر یهودی  
سحر برای نبی حضرت کرده است پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المومنین علیه السلام  
علیه و آله را طلب فرمود که برو در فلان چاه و سحر را بیرون آور و حضرت امیر المومنین علیه السلام  
آن موضع رفتند و در آن چاه داخل شدند و از تیر آب حقه بردار آوردند و بزرگ حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله و سلم آوردند و در آن حقه کانی بود که یازده گره بر زده بودند پس جبرئیل علیه السلام  
قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را از آسمان آورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم فرمود که یا علی این دو سوره را بر این گرهها بخوان پس آید که حضرت میخواندند یک گره  
آشوده می شد چون هر دو سوره تمام شد گرهها کشوده شد و سحر بر طرف شد و آماجیث معتبره  
وارد شده است که چشم بردان تاثیر می باشد و فرمودند که بسیار باشد که چشم آدمی را بقبر و شتر را  
بیک داخل کنند پس یکم خوشش آید و از چیزی از کسی الله اکبر بگوید و در روایت دیگر نام خدا  
برود و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ترسد که چشم او در کسی  
یا چشم کسی در او تاثیر کند سه مرتبه بگوید **مَا شَاءَ اللَّهُ لَا أَحْوَلُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**  
و فرمود که هرگاه کسی با هیأت نیکو خواهد که از خانه بیرون رود سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ  
برب الفلق را بخواند بیرون رود تا چشم برود و تاثیر نکند و در روایت دیگر فرمود که هرگاه اثر

چشم باور سیده باشد و ستهار برابر و بلند کند و سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ بر التماس  
و قل اعوذ بر رب الفلق بخواند و دست بر پیش بر کشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقول است که هر که از شیاطین و جاد و گران تبر سیدایه بخورد و از آن بگوید و قل الله الذي خلق  
السموات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش أنشئ الليل والنهار فطلب  
حشيشا والقمص والقصر والجوهر مستخرات بأمرها إلا أنه الخلق والأمر وتأوك الله  
رب العالمين ادعوا وقلتم نضربوا وخفينا أنه لا يحب الضدين ولا تضيدوا وفي الأرض  
بعد اضلالها وادعوا خوفا وطمعانا إن رحمة الله قريب من المحسنين و در روایت  
دیگر منقول است که شخصی حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از بسیاری خیالات فاسده و  
وسوسه شیطان که بر دست یافته فرمود که دست بر دل بگذارد و سه مرتبه بگوید بسم الله و با  
اللهم متبت علی بالإیمان و اودعنی القرآن و زدقنی حیات شهر رمضان  
فامن علی بالرحمة والرضوان والرافة والعفوان و تمام ما اولیبتنی من العیبر و  
الاحسان یلحان یامنان یاد آید یا رحمان سبحانک و لیس لی احد سواک سبحانک  
اعوذ بک بعد هذا الذکر اما من الهوان واسئلك ان تجلی عن قلبی الاخوان  
پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرست و در روایت دیگر منقول است که شخصی بان حضرت شکایت  
کرد که چون تخاشوم میترسم و چون میان مردم میروم بر طرف می شود فرمود که دست بر دل بگذارد  
و بگوید بسم الله بسم الله بسم الله پس دست بر دل بکمال و بگوید اعوذ بعزرة الله واعوذ  
بقدرته الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمته الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسوله  
الله واعوذ باسماء الله من شر ما احدث ومن شر ما اخاف علی نفسی مفت من  
اینه عار الخوان و در روایت دیگر وار شده است که شخصی بان حضرت شکایت کرد از آرزوی  
بسیار کردن و دوسوهای سینه فرمود که دست بر سینه بکشد و بگوید بسم الله و با الله محمد  
رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم  
امسح عني ما اجد بيني وبينك من سوء و مرتبه بخوان این دعا تا آن شخص چنین کرد و آن حالت  
ازان زایل شد و شیخ احمد در کتاب عدة الداعی از برای کشودن کسیکه او بسته باشند بر نفس



این دعا را نقل کرده است که بنویسد و بخواند بسم الله الرحمن الرحيم اِنَّا قَسَمًا  
لَكَ فَتَحًا مُبِينًا لِيُخَفِّرَ لَكَ اللهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ قَنَدِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَبِئْسَ قَسَمًا قَلْبُكَ  
وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللهِ وَالْفَتْحُ  
وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ  
كَانَ تَوَّابًا وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ لَكُمْ مِنَ الْأَنْسَامِ أَزْوَاجًا لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ  
مُؤَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ادْخُلُوا عَلَيْكُمُ الْبَابَ فَإِذَا  
دَخَلْتُمُوهُ فَالِقُوا لِحَابَتَهُمْ فَمَقْعَاتُ أَبْوَابِ الْمَعَادِ عَلَيْكُمْ مُقِيمٌ وَفُتِحَ نَارُ الْأَرْضِ غِيَاثًا فَالِقُ  
الْمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ قَدْ دَرَبْتُ شَرْحِي فِي صَدْرِي وَلَيْسَ لِي أَمْرٌ وَأَخْلُ عَقْدَةً  
مِنْ لِسَانِي يَقَعُهَا أَقْلِي وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ  
فَجَمَعْنَاهُمْ جَمَاعًا إِلَيْكَ حَالَتْ خُلْدَانُ بَيْنَ فَلَانَةٍ عَلَى فَلَانَةٍ بَيْنَ فَلَانَةٍ لَقَدْ جَاءَكُمْ  
رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَوِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ  
فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که چون زن یهودی  
گو سفند زهر آلوده نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورد و گو سفند بریان سخن آمد با رسول  
و گفت یا رسول الله منور از من که مرا زهر آلوده اند جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت پروردگار  
سلامت مبرسانه و میگوید که این دعا بخوان و بخور که زهر بتو سبب نبرد سازد پس حضرت امر  
فرمود اصحاب بخور که هر یکی این دعا خواند و آن زن گو سفند خود ایشان تناول کردند پس زهر  
ایشان را که جهانت بکشد دعا این است بِسْمِ اللهِ الَّذِي يُسَمِّيهِمْ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِأَمْرِ عَزَّ  
كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِوَجْهِ الَّذِي أَضَاءَتْ نُجُومُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي خَضَعَ  
لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَتَنَكَّلَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ مِنْ شَرِّ النَّفِّثِ وَالشَّجْوَرِ وَالْكَهْمِ بِسْمِ  
الْعَلِيِّ الْمَلِكِ الْقُدْرَةِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَتَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ  
لِلْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات  
الله علیه و آله منقول است که سیکه از شیر حیوانات درنده بزخوره اگر گو سفند آن خود ترسد هرگز بخور



وَأَنبَاهُ عَلَى كَيْفٍ وَكَبِيرِ اللَّهِ مُرَدِّتَ مَا نَبَأَ وَالْحَبِّ وَرَبِّ كُلِّ اسْمٍ مُتَسَائِدٍ حَقِيقَةٍ  
وَاحْتِظْ عَلَى عَقْبِي وَفَرِّدْ كَسِيكَ أَرْعَبِ تَرَسِدِ ابْنِ آيَاتِ رَاخُوَانِ سَلَامٍ عَلَى دُجُوحِ فِي  
الْعَالَمِينَ أَمَّا كَذَلِكَ فَجَزَى الْمُحْسِنِينَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَرِثِ مَعْبَرٍ مَقُولِ  
أَنَّ هَؤُلَاءِ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَخْصِي كَقَوْلِهِ شِيرَابِ بَنِي وَرَدِي أَدَايَةَ الْكُرْسِيِّ بِخَوَانٍ وَكَبُورِ  
عَلَيْكَ بِعَرِيقَةِ اللَّهِ وَغَرِيقَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَغَرِيقَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمُ  
السَّلَامُ وَغَرِيقَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأَمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الْإِخْتِصَافُ  
فَلَوْ نَقِصْنَا وَلَهُ نَفْسًا نَأْمُرُ بِالْأَنْفُسِ رَأَى كَقَوْلِهِ شِيرَابِ رُخْوَرِ دَمٍ وَابْنِ عَاخُوَانِ شِيرَابِ  
بَزِيرِ إِذَا خَتَّ وَدَمٍ رَادِرِ مِهَانِ بِأَمِيٍّ خَوْشِيهِ وَرُغْتِ وَدَرِثِ مَعْبَرٍ مَقُولِ اسْتِ  
شَخْصِي بِحَضْرَةِ أَمَامِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرْضِ كَرْدِ مَنْ جَانُورِانِ دَرِثِ شِيرَابِ مَكِينِ وَشَبِّهِ دَرِثِ  
وَمَا بِهِيَ بِلَا مَكِينِ بِرِيسَمِ فَرَمُودِ كَقَوْلِهِ خَرَابِ شَوِي بِأَمِيٍّ رَسْتِ دَاشِ بِكَارِ بِسَمِ اللَّهِ  
أَمَامِ وَجْهِ بَرِوَنِ آيِ بِأَمِيٍّ رَاشِ بِكَارِ بِسَمِ اللَّهِ كَقَوْلِهِ سَبِي بِتَوْنِ سِدِ وَآزِ حَضْرَةِ أَمَامِ  
رَضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولِ اسْتِ كَقَوْلِهِ شِيرَابِ بَنِي وَرَدِي أَدَايَةَ الْكُرْسِيِّ بِخَوَانٍ وَكَبُورِ  
وَالْكَبُورِ وَاجَلِّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخَفَاءِ وَلِحَدِّدِ وَجْهِ سَاكِ بِرُودِي تَو  
فَرَادِ كَرْدِ وَحَدِّ كَرْدِ ابْنِ رَاخُوَانِ بِأَمَامِ الْحَجِّ وَالْأَنْفُسِ ابْنِ اسْتِطْعَمُ أَنْ تَقْدُوقِ  
مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْقُذْ وَالْأَنْفُسِ ابْنِ الْإِسْلَامِ وَأَزِ حَضْرَةِ أَمَامِ  
مَعْبَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولِ اسْتِ كَقَوْلِهِ رَضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولِ اسْتِ كَقَوْلِهِ شِيرَابِ بَنِي وَرَدِي  
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَاللَّهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
بِخَيْرِ اللَّهِ أَعُوذُ بِفَضْلِ اللَّهِ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ شَيْءٍ كُلِّ هَامَةٍ تَدْبُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
إِنَّ نَبِيَّكَ عَلَى صَوَابٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَزِ حَضْرَةِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقُولِ اسْتِ كَقَوْلِهِ شِيرَابِ  
نَرَسِ نَظَرِ كَرْدِ بِشَبِّهِ سَمَاءِ سَهَا كَقَوْلِهِ نَزْدِكِ سَمَاءِ دَرِثِ مَاتِ النُّشْرِ اسْتِ دَرِثِ مَاتِ مَوْلَا اللَّهِ  
بِأَمَامِ أَمَامِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ وَحَمْدُ قُرْبَانِهِمْ وَتِلْكَ مِنْ تِلْكَ نَبِيٍّ رَأَى  
كَفَتْ كَرْدِ مَالِ كَيْشِ نَخْوَانِ دَرِثِ مَاتِ النُّشْرِ اسْتِ دَرِثِ مَاتِ مَوْلَا اللَّهِ  
أَزَارِ وَغَرِثِ تَرَسِدِ دَرِثِ مَاتِ النُّشْرِ اسْتِ دَرِثِ مَاتِ مَوْلَا اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

أَخَذَتْ الْحَارِثَ وَالْجَنَابَ كُلَّهُمَا بِأَذْنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِأَفْوَاهِهِمَا وَأَذْنَاهُمَا وَاسْمَاعِيَّةَ  
 وَأَبْصَارِهِمَا وَقَوَاهُمَا عَيْنِي وَعَشَنَ أَحْبَبْتُ إِلَى صُحُوبَةِ التَّهَارِ إِنْ تَسَاءَلَهُ اللَّهُ وَدَرَوَيْتَ  
 دِكْرَ فَرَمُودَ كِهْ اَيْنِدِه عَا نَخَوَانِدِ بِنْدِ اللَّهِ وَيَا اللَّهُ وَكَوْكَلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمِنْ يَوْمِ كُلِّ نَحْلٍ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَبِيبٌ  
 إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَفِّكَ وَفِي جَوَارِيكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ  
 وَدَرَوَيْتَ مَعْبَرِ از حضرت موسی علیه السلام منقول است که اصحاب حضرت رسول صلی الله  
 علیه وآله وسلم در بعضی از جنگها با حضرت شکایت کردند از بسیاری یکی فرمود که در وقت  
 خواب ایند عا بنخوانید اینها الْأَسْوَدُ الْوُثَابُ الَّذِي لَا يَكُنِي غُلَقًا وَلَا بَاغَا عَزَمْتُ عَلَيْكَ  
 بِأَمِّ الْوُثَابِ أَنْ لَا تُؤْذِنِي وَلَا أَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَكُنْ قَبْلَ الْكَلِيلِ وَيَجِيئُ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَهُمْ  
 وَاز حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که غضب ستولی شود اگر پستاده باشد  
 بنشیند ساکن شود غضب او و اگر برخیزد غضبش خود غضبناک شده باشد بدن خود را بیدار  
 برساند تا ساکن شود و در حدیث دیگر فرمود که هر کس که غضبناک باشد عا بنخواند اللَّهُمَّ أَذْهِبْ  
 عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاعْظِمْنِي ذَنْبِي وَاجْعَلْنِي مِنْ مُصْلِدَاتِ الْفِتَنِ اسْأَلُكَ رِضَاكَ وَأَعُوذُ  
 بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاسْأَلُكَ جَنَّتَكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ  
 وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي الْهَدَى وَالسَّوَابِ اجْعَلْ شَرَّيَا مَرِيضًا غَيْرَ مَيِّتٍ وَلَا مُضِلٍّ  
 وَدَر حدیث معبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون چیز را شیطان از  
 خاطر تو محو کرده باشد و خواهی بیاد آوری دست بر پشانی بگذارد و گوید اللَّهُمَّ إِنِّي اسْأَلُكَ  
 بِأَمْرِ ذِكْرِ الْخَيْرِ وَفَاعِلِهِ وَالْأَمْرِ بِهٖ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَكِّرَنِي مَسَائِدَ  
 أَفْسَانِيَةِ الشَّيْطَانِ وَدَر احادیث معبره وارد شده است که از برای ادائیگی دست بر  
 ایند عا بنخواند اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحِلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَنْ مَوَارِكِ بَشَرِيَّةٍ  
 بنجد است حضرت امام محمد تقی علیه السلام نوشت که قریب سیصد و دهم حضرت زین العابدین علیه السلام  
 انتخاب بسیار بکن و زیارت را تر بار بخواند سوره الفاتحه را از زبان او سرودند و در آن روز که سرودند  
 و شمع پریشانی هر روز صد مرتبه آنرا از زبان بخواند و اگر حضرت امام موسی علیه السلام تلمیذ است  
 که برای دفع فتنه و پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ بِحَقِّكَ

استغفر الله واسئله من فضله و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
وسلم منقول است که هر که فقیر و بسیار در آرد بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم  
بیتیک این کلمه گنجینه از گنجهای بهشت دوران شفا از بهفتاد و دو روایت که کمتر آنها مانده است و در  
حدیث بسیار معتبر وارد شده است که هر که هر روز صد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم  
بگوید بهشت از نوع از بلاها از دور گردد که سهل تر آنها نم و آذوه باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول  
است که هر که هزار مرتبه ماشاء الله یک دفعه بگوید در آن سال اواراج نصیب شود  
و اگر در آن سال نشود زنده ماند تا توفیق حج یابد و در احادیث بسیار وارد شده است  
لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم دفع اندوه میکند و در احادیث معتبر از حضرت  
علی بن حسین صلوات الله علیه منقول است که هرگاه من این دعا را بخوانم پروا ندارم اگر  
جن دشمن من شود برای ضرر رسانیدن بنی اللهم الله و بالله و من الله و الى الله و فی  
سبیل الله اللهم ایاک استسئلت و ایاک وجهت وجهی و ایاک فوضت  
امری فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدئ و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی  
و من هوئی و من تحتی و اذفع عنی جموعک و قوئک و لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم  
و در روایت دیگر منقول است که حضرت صادق علیه السلام روزی نزد منصور  
و واقع فرستند و او در نهایت شدت و غضب بود حضرت در وقت داخل شدن این  
دعا خواند غضب او ساکن شد یا عدلی عندی و یا عولی عندی کفنی احرشی  
یعنی اکتی لانام و اکتفی بکلیک الذی لا یؤام و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
است که برای گشتن غلام گرفته بر کاغذی آیه الکرسی را در بنویسد و در میان آن بنویسد  
اللهم السماء لك و الارض لك و ما بینهما لك فاجعل ما بینهما اخیق علی فلان  
و نام غلام را بنویسد من جلی جعل حتی تزده علی و تطهرنی به و این دعا را بخواند  
و این کاغذ را در آن وضعی که شبها در آنجا آن گرفته میخواهید است دفن کند و چیزی سنگین  
بر بالا نشین گذارد و در حدیث دیگر فرمود که سیرانی یا حیوانی که شود این دعا بخواند اللهم  
انک تله من فی السماء و اله من فی الارض و عدل فیها و انت الهادی من الضلالة

تَرُدُّ الصَّلَاةَ قَدْ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَأَتِيَهُمَا مِنْ رِزْقِكَ وَخُطْبَتِكَ اللَّهُمَّ لَا تَقْنِ بِمَا مَوُفَّقًا وَلَا  
تَقْنِ بِمَا كَافِرًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَارْحَمْتِ  
إِمَامَ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامَ مَنْقُول است که برای گم شده بگویم عِنْدَ لَا مُفَاتِحَ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا  
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوقِ وَالْبَحْرِ مَا تَشْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةَ فِي ظِلْمَاتِ  
الْأَرْضِ وَلَا دُخَانٍ فِي الْآثَانِ كِتَابٍ مُبِينٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ اللَّهُمَّ صَلِّ  
وَرَحِّمْ مِنَ الْعَمَى وَتَرُدُّ الصَّلَاةَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْ لِي وَرُدِّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَدَر حَدِيث دیگر از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است  
که برای رولم شده دو رکعت نماز بگذار و دو رکعت بعد از هر رکعت یکس سجده و بعد از  
نماز دست بسوی آسمان بردار و بگوید اللَّهُمَّ رَادِّ الصَّلَاةِ وَالْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَارُدِّهَا إِلَى سَلِيلَةٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ  
فَاتَّيَاهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَايَاكَ بِأَعْبَادِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَيَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ  
رُدِّ وَأَعْلَى ضَالَّتِي فَأَتِيَهُمَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَايَاكَ وَدَر روایتی منقولست که از حضرت  
صادق علیه السلام پرسیدند که تویزی یا خود میداریم و جنب می شویم چیست فرمود که  
باکی نیست اما چون زن حائض شود باید که تویزی که با خود نگاه دارد در میان پوست  
باشد و نه مود که هر چه از دعا و تر آن و تویز که خواهید بر آگوستها و در دبا بخوانید  
اما آفونها که معنیش معلوم نباشد بخوانید و نه مود که بسیار از تویزها و آفونها کفر است  
فصل دوازدهم در فوائده تربت شریف حضرت امام حسین علیه السلام و خواص بعضی از اوی  
مفروده در احادیث مقبره بسیار واروده است که در خاک تربت حضرت امام حسین  
علیه السلام شفای هر دردی هست و آنست دوا بزرگ و در حدیث دیگر از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که هر که اعلتی حادث شود و تربت آنحضرت را واکند لبسته شفا یابد  
مگر آنکه علت مرگ باشد و در حدیث دیگر فرمود که تربت آنحضرت شفای نباشد از هر دردی  
و اما آن مبدء از هر ترسی و در حدیث دیگر فرمود که کام سر زندان خود را تربت آنحضرت  
بردارید که اما آن مبدء از بلا و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام رضا علیه السلام

هیچ تنای بجای نمیفرستادند مگر آنکه قدری از تربت آنحضرت در میانش میگذاشتند  
که برکت آن محفوظ بماند و در حدیث مغیر منقولست که ابن ابی یعفور از حضرت صادق  
علیه السلام سوال کرد که بعضی از مردم از تربت امام حسین صلوات الله علیه میگیرند و مستفیع  
میشوند و بعضی نفع نمی یابند فرمود که والله هر کس که اعتقاد نفع داشته باشد البته نفع می یابد و در  
حدیث دیگر منقول است که شخصی با آنحضرت عرض کرد که زنی رسته بمن داده است که بخندم و بنه  
مغفله بهم که جامه حسب را بآن برونند حضرت فرمودند که آنرا به و غسل بدهند آن بچه و خاک  
قبر حضرت امام حسین علیه السلام بگیر و بآب باران نرم کن و در میان غسل و خیران بریز و  
بشیمیان باده که بپار آن خدا بآن دعا کنند و در روایت دیگر فرمود که خاکت حسام بن  
صلوات الله علیه شفا می دهد و دواست هر چند ثلث فرسخ دور تر از قبر بر داری و در روایت  
دیگر فرمود که اعتقاد و دل از تربت شفا میستوان برداشت و در روایت مجتهد دیگر فرمود  
که تربت شفا می آید و سیخ و ثلث فرسخ از اطراف قبر میستوان برداشت و فرمود که هیچ  
مثل آن نیست در شفا بخشیدن مگر دوا و چسب که برکت آنرا کم میکند در جاهای نامناسب  
که داشتن است و کم اعتقاد می آن کسی است که بخورد آنرا کسیکه یقین داند که آن شفاست هر وقت  
که آن محال که البته او بر دانه دیگر محتاج نمیشود و فاسد و کم می کنند نفع تربت را بشیمیان  
و بشیمیان کافر که خود را بآن میالند و هر یک که میگذرد آنرا میسوزند و شیاطین و کافران  
چون شک می برند قبر و دندان آدم پس خود را بآن میالند که خوشبوی و نفیض را کم کنند و هر  
تربتی که از عائر بیرون می آورند آنقدر که نتوان شمرد و از شیاطین که از بیم ملائکه داخل خانه نمیشوند  
و بیرون مهبایا میباشند که از جای بیرون آورند خود را بآن میالند و اگر تربت از این سالم  
ماند هر بیماری که بخورد و معامت شفا یابد پس چون تربت را بر خاک بنده و پنهان کن و نام خدا  
بر آن بسیار بخوان و من شنیده ام که بعضی تربت را بر سیدارند و آنرا سبک می شمارند حتی آنکه  
در میان توبه چهار پایان یا در میان ظرف طعام می اندازند از چنین تربتی چون شفا یا چه بیشیک  
کسی که صاحب یقین نیست استحقاق براموسی که موجب صلاح اوست اعمال خود را فاسد  
میگرداند و در حدیث دیگر منقول است که شخصی آنحضرت عرض کرد که مراد من در قرآن بسیار میباشد



وهره که خورده نفع کرد پس مرود که چار تربت امام حسین علیه السلام را بخوری که در آن شاهی ستر  
است و امان از بریم است و تسمیه که بر میدار تربت را بگو اللهم انی استلک بحق الطینة  
الطینة و بحق الملک الذی احدا ما و بحق النبی الذی مبعوث و بحق الوصی الذی  
حل بها صل علی محمد و اهل بیته و اجعل لی فیها شیفاء من کل داء و اما ما من کل  
خوفی پسید که شاهی مرود را از بیم بگذرد امان باشد هر خوفی فرمود که هرگاه ملاطی الذی بلائی اندیش  
دشمنه باشی از خانه بیرون بسیار آنکه نماند بر تخت بانو باشد و در آنوقت که خاک را بخورد  
بر میداری بگو اللهم هدی لی حبیباً قریباً الحسن و الحسین و ابی و ابنتی و اولادک فها جزا  
لی الخائف و ما لا اخاف و از آن سوخته شالی سفول است که حرمت صادق علیه السلام فرمود که  
چون خوابی تربت قبر را بر داری و ده حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و  
قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و اما از آنکه در ایستاده اند و کس و آیه الکری و ان  
بگو اللهم ینقذنی من عبیدک و من یبیک و من یبیک و من یبیک و من یبیک و من یبیک و من یبیک و من یبیک  
علی بن ابیطالب عبیدک و اخی رسولک و بحق فاطمة بنت نبیک و من یبیک و من یبیک  
و بحق الحسن و الحسین و بحق الائمة الزاهدة و بحق هدیة التوبة و بحق  
الذی انزل بهادری الوصی الذی هو فیها و بحق العبد الذی تعمت ذنوبه بحق ابی الطیب الذی تعمت ذنوبه  
جمیع ملایک و انبیاء و رؤسایک و سلک علی محمد و اهل و اجعل لهذا الطین شیفاء لی  
و من یستغنی به من کل داء و سقم و مرض و اما ما من کل خوفی اللهم بحق محمد  
و اهل بیته اجعل لی انا فیها و رزقا و ایعما و شیفاء من کل داء و سقم و افة و عاهة  
و جمیع الاوجاع کلها انک علی کل شیء قلیب و پس بگو اللهم رب هذا الشربة  
المبارکة الممونة و المای الذی قطب بها الوصی الذی هو فیها صل علی محمد و اهل  
محمد و انفعنی بهما انک علی کل شیء قلیب و من یبیک و من یبیک و من یبیک و من یبیک  
تربت را بخوری امان بحس و محمد و دیده بگذرد و زیاد از یک نخورد مخور که هر که زیاده بخورد و چنانست  
که گوشت و خون را خورده است و در تسمیه که بر میدار بگو اللهم انی استلک بحق  
الملک الذی مبعوث و استلک بحق النبی الذی مبعوث و استلک بحق الوصی الذی



خَلَّ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَّا مَنْ كُلَّ  
 خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ لَيْسَ تَرَاهُ بِرَبِّهِ بَدَّ وَبَدَّ وَسُورَةُ الْأَنْزِلَانِ رَابِعُونَ وَدَرِجَتِ  
 مَعْتَبِرٌ دَرَجَتِ مُرَوِّدٌ مَرَّةً تَرْتِ رَابِعَةً شَاخُورٌ وَجَانِ اسْتِ كِهْ كُوشْتِ مَارِ خُورِدِ اسْتِ  
 وَجُونِ بَقْعِدِ شَاخُورٌ وَبُكُورِ بَسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 الطَّاهِرَةِ وَدَرِجَتِ الْوَرْدِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَرَبِّ الْحَسَنِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ  
 الْمُكَرَّمِينَ بِهِ اجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْ لَنْزَارُ ذَكَرَ كُنْدِ بَسْمِ تَرْتِ رَابِعَةً شَاخُورٌ  
 يَا حَبِيبَ عَذَابٍ لَعْنُ الْبُخُورِ وَبُكُورِ الْهُمَّةُ اجْعَلْهُ شِفَاءً وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَتَقْفُ حِينَ خَمِينَ كُنِي وَفَعِي شُودِ الْبُخُورِ خُورِي يَا أَنْزَارُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 وَدَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ خُورِ دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ اجْعَلْهُ  
 بَرِّغَا وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ ذَكَرَ كُنْدِ بَسْمِ تَرْتِ رَابِعَةً  
 وَرَبِّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارِدُهُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ  
 كُلِّ دَاءٍ وَأَمَّا مَنْ كُلَّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مَوْلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُلٌ اسْتِ كِهْ كُوشْتِ مَارِ خُورِدِ اسْتِ  
 وَفَنِ كُنْدِ دَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ اجْعَلْهُ  
 وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ ذَكَرَ كُنْدِ بَسْمِ تَرْتِ رَابِعَةً  
 سَجِي حَارِدَانِ بَدَّ وَبَدَّ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ  
 بَحْرِ اسْتِفْقَارِي هَمْدِ اسْتِفْقَارِي بَرِّغَا أَوْ نُوْشْتِ مِشُودِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ ذَكَرَ كُنْدِ بَسْمِ تَرْتِ رَابِعَةً  
 حَضَرَتِ امَامِ حَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ وَفَنِ كُنْدِ دَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَفَنِ كُنْدِ دَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ  
 مِشُودِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ ذَكَرَ كُنْدِ بَسْمِ تَرْتِ رَابِعَةً  
 خُورِ دَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ  
 لَعْنُ الْبُخُورِ وَبُكُورِ الْهُمَّةُ اجْعَلْهُ شِفَاءً وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ  
 دَرِجَتِ رَابِعَةً دَرِجَتِ الْبُخُورِ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ وَبِاللَّهِ الْهُمَّةُ مِنْ كُلِّ دَاءٍ أَوْ كَلَّا أَوْ أَنْزَارُ

امیر المؤمنین صلوات الله علیه وآله منقول است که غاب شب را زائل میکند و در روایتی منقول  
 است که ابن ابی نضیب گفت دیده من سفید شده بود چیزی ننخیدم شبی حضرت امیر المؤمنین  
 صلوات الله علیه را در خواب دیدم فرمود که غاب را بکوب و در دیده بکش چون بیدار شدم  
 غاب را با هسته اش سائیدم و در دیده کشیدم دیده ام صیقل و بینا شد و در حدیث صحیح معتبر  
 از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقول است که مرا و کنسید به ناکه اگر چیزی مرگ را  
 رد میکند آن سنابست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چهار چیز است که  
 طبعیت را بحال می آورد و آنرا سوراخ و خرمائی زار و نخجسته و بنفشه و کاسنی و از حضرت صادق  
 علیه السلام منقول است که سیاه دانه شفا می دهد در دست بغیر از مرگ و در بعضی از روایات وارد  
 شده است که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله پرسیدند که چگونه استعمال کنیم فرمود که  
 بیت و یکدانه اش را در کیسه بکنید و کیش در آب بخیسانید و چون صبح شود در بینی است  
 و قطره و در بینی چپ یک قطره بچکانید و در روز دوم نیز چنین کنید و در روز سوم و در بینی  
 راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره بچکانید و در هر شب دانه ها را تا ز که نهد و در روایت دیگر  
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که شخصی با نختر شکایت کرد که از بسیار آمدن بول  
 آزار می خورم فرمود که سیاه دانه در آخر شب بخور و فرمود که من آنرا بخورم برکت است و در روز  
 و از ارچشم و دروشکم و جمیع درد با و خدا را بآن شفا میدهد و از حضرت رسول صلی الله علیه و  
 آله وسلم منقول است که فرمود که بر هر یک از برگ دانه و درخت اسفند مکی موکل است  
 که بآنها هست تا آنکه بوسه و ریش آن و شاخش غسم و سحر را بر طرف نمیکند و در دانه اش شفا  
 هفتاد و دو دروست پس مرا و اکنسید به اسفند و کند و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که خانه که در آن اسفند است شیطان تا هفتاد خانه از آن خانه دور می یکنند و آن  
 شفاست از هفتاد و مرض که آسان تر آنها خوره است و در روایت دیگر منقول است  
 که پیغمبری بخدا شکایت کرد از بین امت خود و می بر و مانع شد که امر کنست خود را که اسفند  
 بخورند که باعث شجاعت می شود و فرمود که کند برگ زیده پیغمبر است و هیچ کس دزد ترازد و دود  
 آن با آسمان بالا نبرد و آن دود کننده شیاطین دفع کننده بلاهاست و از حضرت امام

حسین صلوات الله علیه منقول است که اگر مردم بدانند که چه منافع در طبله نذر دست  
بر سپینه بوزن آن طلا بخزند و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که بخورید آنچه که برای  
دفع قویج نافع است و فرمود که گند دبا را بر طرف کتفانرا محکم میکند و مودر بدن میرود و پاند  
و در دمای برود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خوردن شیر تر و خشک  
بوسیر را قطع نمیکند و قمر برودت باطن را نفع میدهد و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
که هرگز نه عقل را زیاد میکند و هیچ گیاهی از آن شریف تر و نافع تر نیست و حضرت امام  
رضا علیه السلام فرمود که باد و ج از است و تره تیزک از بنی امیه است و حضرت صادق علیه السلام  
فرمود که گاهو خور از فردی نشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خوراک حضرت  
خضر و الیاس کرفس و دیلانت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که هر  
سحاب بخورد و در شب بخوابد آن شب بیدار نشود و در دما کبرونی و اندرونی و ذات کجیب  
و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت زینیان و سیاهانه و اشتم را سفوف میکردند و بعد از آن  
و لکما کیم فرمود که از آن بود و تا دل نمیخورد و گاهی با لک سائیده مزه و ج ساخته پیش از  
طعام بخورند و میخوردند که چون باد و این را بخورم از خوردن هیچ چیز پرهیز نکنم و تقویت  
معده میکند و بلغم را میبرد و امان میبخشد از لقوه و فرمود که حقیقی برکت قرار داده است  
در غسل و در آن شفا از جمیع دردها است و بر آن هفتاد و غیر برکت فرستاده است و حضرت  
صادق علیه السلام فرمود که سرکه شراب بن دندان محکم میکند و که مهای شکم را می کشد و عقل را محکم می  
و فرمود که خوردن اشنان را نوبار است میکند و آب پشت را فاسد میکند و فرمود که هر  
زینیان و گردگان با هم بخورد و بوسیر را می سوزاند و باد را دفع میکند و معده را زیر میکند و گردها  
گرم میکند و فرمود که اشتم و نمک با یکدیگر با دما را دفع میکند و سداب را می کشاید و بلغم را می سوزاند  
و موجب ادرار بول میشود و دهن را خوشبو میکند و لقوه را دفع میکند و معده را نرم میکند و قوت جماع را زیاد میکند  
و در حدیث دیگر وارد شده است که مالیدن نمک در غریب را و گزندگان را دفع میکند  
باب دهم در آداب معاشرت با مردم و حقوق همناف ایشان فصل اول در بیان حقوق  
نوشان و غلامان کنیزگان در آداب معاشرت معتبر بسیار وارد شده است که جمیع درود و فایست

چنگ و عرش آبی میزند و میگوید درد گار اهر که مراد دنیا صلّه کرده است تو امر و زاور بر حمت  
خود وصل کن و هر که مرا قطع کرده است در دنیا تو امر و زاور از رحمت خود قطع کن و در احادیث  
بسیار وارد شده است که نیکی با خویشان کردن باعث قبول اعمال است و مال را زیاده میکند  
و بلاها را دفع میکند و عمر را دراز میکند و حساب قیامت را آسان میکند و در حدیث حسن از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دو طرف مرا طاعت و صلّه رحم است پس کسیکه  
در امانت مردم خیانت نکرده است و با خویشان خود نیکی کرده است از طرف مرا طاعت با سالی  
سیصد روز و بهشت میرود و کسیکه خیانت در امانت نکرده است و قطع رحم کرده است  
عمل دیگر او را نفع نمیدهد و مرا طاعت او را آتش می افکند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که صلّه  
رحم کردن و با همسایگان نیکی و سلوک کردن خانه را آبادان میکند و عمر را دراز میکند و از  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر چه علی ثوابش زودتر از صلّه رحم نرسد  
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما چیزی را ننمیدانیم که عمر را زیاده  
میکند مانند صلّه رحم تا آنکه گاه هست که شخصی را سه سال از عمر او مانده است و بسبب صلّه رحم  
عمرش سی و سه سال میشود و گاه هست که کسی که از عمرش سی و سه سال مانده است بسبب  
قطع جسم سه سال شود و در حدیث موثق منقول است که شخصی از آنحضرت سوال کرد که خویشان  
دارم که شکی نیستند آیا ایشان را بر من جقی هست فرمود که بلی حق رحم را هیچ چیز قطع نمیکند  
اگر شبیه باشند و جقی دارند حق رحم و حق اسلام و فرمود که صلّه رحم و نیکی با برادران مؤمن  
حساب قیامت را آسان میکند و از گناهان نگاه میدارد پس صلّه رحم و نیکی با برادران ترک  
مکنید اگر چه اسلام کردن و نیکی و جواب سلام دادن باشد و حضرت امیر المومنین صلوات الله  
علیه و آله فرمود که هر گاه خویشان با یکدیگر برمی کنند مال ایشان بدست بدکاران می افتد  
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که سه چیز است که هر که مرتکب آنها  
میشود پیش از مردن عقوبت آنها را می یابد ظلم و قطع رحم و قسم دروغ و بسیار است که جماعی را گرفتار  
و بسبب صلّه رحم مال نرسد زنان ایشان بسیار میشود و قسم دروغ و قطع رحم خانه را از آتش خلی  
میکند و نسل را منقطع میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بیانی

خود بخانه خویشان برود بدین ایشان یا از برای آنکه مالی ببرد که ایشان برباوند حق تعالی ثواب  
 صد شب بیدار اگر است فرماید و بعد هر گاهی که بر دارد چهل هزار حسنه و زائده عملش نوشت  
 شود و چهل هزار گناه نوح شود و چهل هزار درجه از برای او در بهشت بلند شود و چنان  
 باشد که صد سال عبادت خدا با خلایق کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی اندک  
 داخل بهشت نمی شود که یک همیشه شراب خورد یا همیشه سحر کند یا قطع رحم کند و فرمود که هر که  
 رعایت حق خویشان خود کند حق تعالی در بهشت با و هزار هزار درجه کرامت کند که از هر درجه  
 تا و درجه دیگر صد ساله راه باشد یک درجه از نقره و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری  
 از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و هم چنین از سایر چیزائی که  
 خدا در بهشت خلق کرده است و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که در شعب سراج  
 دیدم رحمی لبش را و پنجه از رحم دیگر شکایت میکند پروردگار خود پرسیدم در چند بهشت  
 نسب تو او بهم میرسد گفت که در چهل بهشت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که ضامنم برای کسی که  
 سلمه رحم کند آنکه خدا او را دوست دارد و در ویش فسخ کند و عمر را زیاد کند و او را داخل بهشت  
 کند و فرمود که بعضی بهشت از هزار ساله راه شنیده میشود و آنرا نمی شنود عاق پدر و مادر  
 و قطع کنند رحم و مرد و پسر را کار و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
 که هر که بنده خود را حتی از حدود آبی بر غنبل آنکه جسمه از او صادر شده باشد که بحسب شریع  
 مستحق آن شده باشد کفاره نیست گناه او را غیر از آن زد کردن او و در حدیث معتبر منقول است  
 که از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه پرسیدند که بنده که فرمان صاحبش نبرد آیا حلال است  
 زدن او فرمود که نه اگر موافق طبیعت باشد نگاهدار و گرنه بفرودش بیاور تا کن و در حدیث  
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در مادیب اطفال و غلامان و کنیزان  
 پنج نازیخ پادشاه از بانه بیشتر زنند و آنرا هم برفی و همواری بزنند و در حدیث معتبر دیگر  
 منقول است که زراره از آنحضرت سوال کرد و از زدن بنده فرمود که هر چیزی که در دست او  
 تلف شود بی تقصیر او بود چیزی نیست اما اگر دهنسته نافرمانی تو کند میستوائی زدن او گفت  
 چه مقدار بزنم او را فرمود که سه یا چهار یا پنج نازیخ و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است

که فرمود که پیوسته جبریل مراد صیت میکرد در باب غلام و کنیز تا آنکه گمان کرد که برای ایشان  
 حدیثی سر خواهد کرد که چون آنجا برسند آنرا بشنوند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست  
 که بنده که مؤمن باشد چون هفت سال خدمت کند آزادی شود بعد از آن خدمت کردن او  
 حلال نیست و حاصل کرده امیرین همیشه آنکه سنت متکلمه است که بعد از هفت سال او را آزاد  
 کنند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چهار صفت است که در  
 هر کس باشد حق تعالی او را می آمرزد و ساکن میگردد در اعلائی علیین و در اعلائی غنیه فرمائی شرف  
 آنکه پناه دپیستی را و متوجه احوال او گردد و از برای او بمنزله پدر محرم بان باشد و کسیکه رحم کند  
 بر ضعیفان و اعانت ایشان نماید و کسیکه مال خود را صرف پدر و مادر نماید و با ایشان مدار کند  
 و احسان نماید و ایشان را آزاده نکند و کسیکه ندی و سخاوت باینده خود نکند و او را یاری نماید  
 بر خدا تا بیکه با دمی نماید و کار کمی بر او دشوار باشد با و نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقولست که بهندگان خود بخورانید آنچه خود میخورید و با ایشان پوشانید آنچه خود  
 میپوشید و در روایت دیگر منقول است که آنحضرت با صاحب خود فرمودند که میجو سید جبردهم  
 شمارا به بدترین مردم گفتندی یا رسول الله فرمود که کسیکه نتواند سفر کند و عطا خود را از مردم  
 منع کند و غلام خود را بزند و در حدیث دیگر فرمود که کسی اندک اگر بر ایشان ظلم کنی ایشان بر تو  
 ظلم می کنند و زمان و زن تو و خادمان تو و در حدیث دیگر فرمود که بندگان خود را بقدر عقل  
 ایشان مورد عتاب سار و در حدیث دیگر منقول است که روزی غلامی از حضرت صادق علیه السلام  
 ناپید شده بود حضرت او را طلبیدند تا آنکه دیدند که در جایی خوابیده است بر بالین و نشسته  
 و او را باد میزدند تا او بیدار شد پرسش نمودند که ترسیت که شب در روز همه خواب کنی شب خواب  
 کن و روز خدمت کن و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که کسی اندک نماز ایشان مقبول  
 نیست غلامی که از آقائی خود گر خسته باشد تا آنکه برگردد و خود را تسلیم آقا نماید و شخصی که پیش نماز گری  
 کند که با و ارضی نشیند و زنی که شوهر از خوشنماک بخواب رود و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقول است که اول کسی که داخل بهشت شود شبیه است و غلامی که نیکو عبادت  
 کند پروردگارش را و خیر خواه آقائی خود باشد و مرد عیال داری که از حرام و شبهه عفت ورزد و در آخر



مقبوره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که بنده آزاد کند حق تعالی  
بهر عضو از ان بنده عضوی آزاد را از آتش جهنم آزاد گرداند و حضرت صادق علیه السلام  
فرمود که مستحب است که در عتق و در زعفران بخدا تقرب بجویند باز کردن و تصدق نمودن  
فصل دوم در حقوق همسایگان و پیمان و غیره و سبیل آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
وسلم منقولست که پیوسته در اجبرئیل وصیت می نمود بر عیاسته همسایه تا آنکه گمان کردم  
که برای او میراثی قرار خواهد داد و فرمود که هر که همسایه خود را آزاد کند حق تعالی ابوی بهشت را بر او  
حرام گرداند و او را می آید به هم باشد و فرمود که هر که از همسایه پیشین بفریاد زمین خیانت کند خدا  
آن زمین را تا طبعه و هضم طوقی گرداند در گردن او تا چون او را به تمام حساب آورد آن طوق  
در گردن او باشد مگر آنکه توبه کند و آن زمین را پس دهد و آن حضرت صادق علیه السلام منقولست  
که هر که آزاد خود را از همسایه باز دارد حق تعالی در قیامت از گناهان او درگذرد و آن حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که سه چیز است که بدترین بلاهاست پادشاهی یا صاحب علی  
اگر احسان با او کنی شکر نکنند و اگر بی کنی نگذارند و همسایه که چشمش تر بیند و دلش مرگ ترا  
خواهد اگر نیکی پسند پسند و مذکور سازد و اگر بدی پسند ظاهر کند و منتشر گرداند و زنی که  
اگر با طاعتی ترا شاد نگرداند و اگر غائب باشی خاطرت بان مطمئن نباشد و در حدیث دیگر فرمود  
که هر که از همسایه کند برای طمع در خانه او خدا خانه او را به همسایه برساند و در حدیث معتبر منقولست  
که از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند که آیا در مال حق بغیر از زکوة هست فرمود  
نیکی و احسان کردن بخویشان که با تو بدی کنند و احسان کردن به همسایگان مسلمان بدستیکه  
ایمان بمن ندارند و کسیکه شب بیدار شود و همسایه مسلمانش گرسنه است و در چند حدیث معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهل خانه از هر طرف همسایه اند و در حدیث دیگر فرمود  
که از جمله حقوق مال الحق با عون است که حق تعالی وعید جهنم فرموده است برای کسیکه منع آن نماید  
و آن تعرضی است که همسایه و همایانی که بایشان کند یا ضروریات خانه که بایشان عاریت دهد  
مادعی سرخ کرد که همسایگان داریم که اگر چیزی بایشان بچاریت بدهیم نمی شکنند و ضایع نکنند  
در نیصورت بر آگاهی است اگر بایشان ندهیم فرمود که هرگاه چنین باشد گناهی بر شما نیست

اگر ایشان همسید و در حدیث دیگر فرمود که حلال نیست منع کردن نمک و آتش از همسایگان  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که با محسن را منع نماید از همسایگان  
 حق تعالی مانع نماید از خیر و احسان خود را در خیرست و او را بخود و گذارد و ای بر حال او و آ  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که زنها را متوجه حقوق مشویه که بر خود لازم نیستند آنچه  
 از خرجها که بر قبیله واقع میشود همسید و مضائقه نکنید و اگر از قبیله شما کسی شما را تکلیفی کند  
 که ضرر شش بر شما زیاده از نفعی باشد که باو میرسد قبول کنید و در حدیث دیگر منقول است که حضرت  
 امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله در یکجا به یمن مصعب بن صوحان که از اصحاب بزرگتر آنحضرت بود  
 تشریف آوردند پس فرمودند باینکه من بیایات تو آدم فخر کنی بر قوم خود و اگر ایشان را در امری  
 خود را از ان امر بکنار گیر که آدمی بی نیاز نیست از قوم و قبیله خود و ایشان محتاج است و اگر بایک  
 ایشان منع کرده و یا ریهای بسیار ایشان را خود گردانیده پس گشایشان را در حال خوبی به بینی یاری  
 ایشان بکن بر آن امر و اگر در بلائی باشند ایشان را و گذارد و بایک یاری کردن آنها بایک دیگر در عمت  
 خدا باشد بر شکیکه همیشه بار فاهیت و نعمت خواهد بود و اگر یاری یک دیگر کنید در عمت  
 خدا و باز استیاد از مصعب خدا و در حدیث معتبر منقول است که اسیر چند را بنزد حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم آوردند از کافران پس یکی از ایشان را پیش آوردند که گردن بزنند در آن حال  
 حضرت جبرئیل نازل شد و گفت یا محمد این اسیر که میخواهی که گردنش را بزنی بمردم طعام میخواهند  
 و مهماناری میکرد و خرجهای که در میان قبیله واقع میشد میداد و بیکارگان اهل قبیله را برادرش  
 خود میداد پس حضرت بان فرمودند که حق تعالی چنین می فرستاده است او من ترا آزاد کردم  
 اگر شتر این خصلتها آن اسیر گفت که پروردگار تو این خصلتها را دوست میدارد و فرمود که ای اسیر  
 گفت شهادت میدهم بوجدانیت خدا و پیغمبری تو بختی آن خداوندی که ترا برستی فرستاده است که هرگز  
 از مال خود کسیر برگردانیدم و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که خوردن مال یتیم  
 بناحق از جمله گناهای کبیره است و در حدیث معتبر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 فرمود که هر که نگاهداری کند مینی را و او را نفقه دهد من و او در بهشت مانند این هدایت با هم  
 باشیم و اشاره با گشت شهادت و میانی فرمودند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سیر را در عیال خود

داخل کند خرج او را بدینا اوستغنی شود از دوزخ و بهشت را بر او واجب گرداند چنانچه  
برائی خورنده مال نیست چنانچه را واجب گردانیده است و در روایت معتبر از حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه را که منقولست که هر مرد مؤمن و زن مؤمنه که متبرع بر حیرتیم بکشد از رو  
رحم حق تعالی بعد هر سالی که دستش بر آن میگرد حننه برائی او بنویسد و در روایت دیگر منقول  
است که هر حوئی حق تعالی نوری با او گریست فرماید در قیامت و در حدیث معتبر از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که از سنگینی دل خود آزاده باشد و خود را  
درش نرم شود تیری را نزد یک خود بخواند و با او مهربانی کند و بر سر خوان خود بنشیند و از رو  
شفقت دست بر سر روی او بمالد برستیکه تیرم را بر مردم حق عظیم است و در حدیث دیگر  
فرمود که چون تیرم بگریخته شش آبی بر او برزد پس پروردگار عالم فرماید که گیت آنکه بگیر  
آورده است این بنده مرا که پدر و مادرش را گرفته ام عزت و جلال خود سوگند بخورم که هیچ  
بنده او را ساکن نگرداند مگر آنکه بهشت را برائی او واجب گردانم و در احادیث معتبره از حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی در قرآن مجید برای کسی که مال تیم را با حق بخورد و دو  
عقاب بسته ز فروده یکی عذاب جهنم در آخرت و دیگری آنکه در دنیا بعد از او بایستیمان او بکنند  
آنچه او بایستیمان دیگران کرده باشد و آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حق تعالی جماعتی را  
در قیامت از قبر با مشور گرداند که از دهنهای ایشان نشی شعله و آتش باشد و آنها جماعتی باشند  
که مال تیم از خود بکشند چنانچه حق تعالی فرماید برستیکه آنجماعتی که مال تیم را از بطلم بخورند  
نیخورند و در شکم خود گرم نشینند و بر روی آتش آید و در جهنم گردند بدانکه وای تیم که تصرف در مال او  
نواند شود پدر است جد پدری و وصی که ایشان تعیین کرده باشند و اگر اینها نباشند حاکم شرع  
یعنی امام علیه السلام و کسیکه آنحضرت تعیین کرده باشد و اگر امام حاضر نباشد اکثر علماء را اعتقاد  
بهست که مجتهد جامع الشرایط میکند یا کسیکه او نصب کرده باشد و از احادیث معتبره ظاهر  
میشود که مؤمنان صالح از برای خدا متکفل احوال ایشان و ضبط اموال ایشان میتوانند شد که بچه  
صرف و ضبط ایشان باشد رعایت کنند و اگر پریشان باشند و سعی در مال تیم مانع کسب ایشان  
باشد بقدر خرج ضروری خود از مال ایشان خرج بپسوانند کرد و بهتر آنست که رعایت کنند

که زیاده از اجرت متعارف آن عمل بر ندارند و هم چنین پدر و جد بزرگ و صبی باید که نهایت رعایت  
 در مصرف ایشان بکنند و اگر آنقدر مال بدشته باشند که وفا بقرض کنند از مال ایشان تسخیر نمایند  
 و اگر پدر و جد بزرگ پریشان باشند بقدر نفقه ضروری خود از مال ایشان میتوانند برداشت و اگر  
 مادر هم پریشان باشد نفقه او را ولی از مال میسر میتواند داد و اگر قدح خرج طفل را صاحب کنند  
 و بانفقه خود ضم کنند و باهم چیزی بخورند باینست فصل بیستم در حقوق صداقت و اخوت  
 و در حدیث مقبره منقول است که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله در وقت فوت  
 وصیت نمود بچهرت امام حسن علیه السلام که برادر کن بابرادران از برای خدا دوست دار  
 صالحان را برای صلاح شان و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که برادر مؤمنی را  
 برای خدا دوستی نماید خانه و بهشت یافته باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقولست که کسی که بعد از اسلام فائده نیافته است که بهتر باشد از برادری که از برای خدا  
 گرفته باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد  
 که بسیار است که اندوگین میثوم بی سببی بحدی که اهل دیاران من اثر آنرا از روی من  
 مشاهده می کنند فرمود که حقیقی مؤمنانرا از طینت بهشت آفریده است و از نسیم رحمت  
 خود روح در ایشان باری بر نیاید پس این سبب مؤمنان برادران پدر و مادر یک دیگرند  
 پیچون روح یکی از مؤمنان اندکی رسیده مؤمنان دیگر برآمده اند و محزون میشوند و در حدیث  
 مستبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که نظر کردن بگو امام عادل عبادت  
 است و نظر کردن بسوء عالم عبادت است و نظر کردن بروی برادری که دوست داری او را برکت  
 خدا عبادت است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که  
 برادران و دو نوع اند یکی برادرانی که محل اعتماد باشند و دوستی زیاری و دیگری برادران  
 خندین و صحبت دشمن تا اول پس ایشان بمنزله دست اند و باند و مانند و مانند پس چون  
 برادر بی چنین اعتماد داشته باشی از برای او هر قدر کن مال و بدن خود را و بادوستی  
 و دوستی کن و با دشمنانش دشمنی کن و در او را برپوشان و همیشه را بطنی دار و نیکیهایش را افشان

و بما که این قسم برادران کتر از ازا گوگرد سرخ که سیرت و اقامت پس تولدت صحبت  
 ایشان را می بای این را از ایشان قطع کن و توقع زیاده از ایشان مدار و در احادیث معتبره  
 وارد شده است که اخوت و برادری و آشنائی در عالم ارواح در میان مؤمنان بهر سیه  
 و درین نشا چون یکدیگر را دیدند آنرا یاد می آورند و در احادیث معتبره وارد شده است که مؤمن  
 برادر مؤمن نیست و دیده اوست و راه نمائی اوست با او خیانت نه میکند و بر او ظلم نمیکند و  
 او را فریب نمیدهد و با او و صده که میکند غفلت نکند و با او دروغ نگوید و غیبت او نمیکند و در  
 حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که صداقت و یاری و دوستی حدی چند دارد  
 که هر که همه آنها درو نباشد او را کمال صداقت نسبت نمیکند هیچ یک از آنها درو نباشد  
 بدیسی چیز از صداقت او نیست مگر اقل آنکه شکار و چغانیش با تو یکی باشد و دوم آن که  
 زینت تر از نیت خود داند و عیب ترا عیب خود داند سیوم آنکه بهر سانیدن مالی یا حکومتی  
 سبک او را با تو بغیر هر چهارم آنکه آنچه توانائی او بآن رسد از تو منع نکند پنجم آنکه در وقت  
 محبت تمام بلا ترا و آنکه از دو زک یاری تو نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که از برادران  
 مؤمن نوس مرتبه با تو بغضب آید و در هیچ مرتبه حرف بدی در حق تو نگوید او را بد دوستی و یار  
 خود بگیر و در حدیث صحیح دیگر فرمود که اعتماد بسیار بر برادر دوست خود کن که راز نمائی خود را  
 با او سپاری که در وقتی که او را تو برگرد و چا و نتوانی کرد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول  
 است که محبت بیست ساله خوبشاوندی است و علم اش را با یکدیگر بیشتر جمع میکند و رابطه میدهد  
 از چهران و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون دوستی داشته باشی و حکومتی بهر  
 وجه یک آنچه با تو دوستی بیکر و بکنه دوست بدی نیست از برای تو و از حضرت امیر المومنین علیه السلام  
 علیه السلام منقولست که دوستی با دوستان خود هموار کن و خود را پر مه ایشان بلکه روز دشمن  
 تو شوند و دشمنی را با دشمنان خود هموار کن شاید که روز دوست تو شوند و از حضرت صادق  
 علیه السلام منقولست که مطلع گردان دوستان خود را بر راز خود مگر رازی که اگر دشمن تو برانند تو  
 ضرری برسد زیرا که گاه هست که دوست بیک دشمن میشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول  
 است که بهترین چیز دنیا فاضی خانه و یار دوستان است و حضرت لقمان پس خود را گفت

آنکه با صد کس صاحب است بکن و با یک کس دشمنی بکن و ایضا پیش کسی که غلام بیکان باشی و راضی شو  
آنکه فرزندان بدان باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که پنج چیز است که در هر کس که  
نباشد زبیری بر دگوار نیست صحت بدن و امنیت و ثواب و نگرانی و قناعت و مونس موافق و در  
حدیث دیگر فرمود که هر که را نهد هنده از دانش و خبر گشته از نفس و مصاحبی که او را بر او خیر  
بدارد نباشد شیطان بر گردش سوار میشود و در حدیث دیگر فرمود که قطع آشنائی از دوستان  
پدر خود مکن که دشمنی احوال تبار یکی مبتل میشود و فرمود که هر که محبت خود را بنیر فاش بگذارد  
خود را بر قطع محبت خود شده است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست  
که هر که خود را در محل نهمت در آورد و ملامت نکند کسی را که گمان بد با او پیدا شود هر که را از خود را پنهان  
دارد و خستیار با خودش است و هر کسی که از دو کس گشت فاش میشود و چون با کسی بر ادبی کند  
آنچه از او پنهانی بر محل نیک حل کند تا آنکه بجدی رسد که دیگر محل نیک نیابی و زنجار گمان بد بر سرخانی  
که از برادرت صادر می شود تا محل نیک برای آن نیابی و بسیار گیر از برادران نیک که ایشان در  
وقت رفاهیت همیشه اند برای وقت بلا و در وقت بلا سپردن برائی دفع اعدا و دشواریها  
چون که از خدا ترسند و برادران مومن را بقدر هر سیر گاری ایشان دوست دار و هر سیر از زندان  
بد و از نیکان ایشان در حدیث باشد و از حضرت امام رضا علیه التجه و نه منقولست که اگر خواهی که  
تمام شود برائی نیت و کامل شود برائی تو مردی و مروت و با صلاح آید برائی تو امور معیشت پس  
شریک مگردان غلام و مردم و در کارهای خود که اگر ایشان را این گردانی خیانت میکنند  
و اگر خنثی با تو گویند دروغ میگویند و اگر بلای پیش آید ترا یاری نمیکنند و با عاقل صاحب بکن  
هر چند که گریه نباشد و از عقاشی دور شود از خلق پیشی حذر از کن و با کز به مصاحبت کن هر چند  
عاقل نباشد که بعقل خود از کرم او مستفیع بشوی و بگریز نهایت گریختن از احمق که تحصیل باشد  
فصل چهارم در بیان حقوق مؤمنان بر یک دیگر و حسن معاشرت با خلق پسندیده منقولست  
که علی بن خنیس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسید که حق مسلمان بر مسلمان چیست فرمود  
که هفت حق است که هر یک از آنها واجب است و اگر یکی از آنها ترک کند از دوستی و طاعت  
خدا بدر می رود پرسید که آنها چیست فرمود که میترسم که بدانی و بعمل نیادی در رعایت آنها



آسان ترین اول آن حقوق آنست که آنچه از برای خود دوست میداری از برای او دوست  
 داری و آنچه از برای خود نمیخواهی از برای او نخواهی و دوم آنکه هر سیر از غضب او و پیری  
 خوشنودی او بکنی و آنچه فرماید اطاعت کنی سی و سوم آنکه او را یاری کنی بجان و مال و نیز  
 و بدست و پا چهارم آنکه دیده و رهنما و آسینه او باشی پنجم آنکه تو سیر نباشی و او اگر سینه باشد  
 و تو سیراب نباشی و او نشسته باشد و تو پویشیده نباشی و او عریان باشد ششم آنکه اگر تو  
 خدمتگار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است که خادم خود را بفرستی که جامه او بشوید  
 و طعامش را سازد و رخت خوابش را بگستند و مضم آنکه ترا اگر قسم دهد بعل آوری و اگر ترانجام  
 دعوت کند قبول کنی و اگر بیمار شود بیا و تشکر و اگر ببرد و بجنانه اش حاضر شوی و اگر  
 دانی که حاجتی دارد پیشی گیری بفرمان آن پیش از آنکه از تو سوال کند چون چنین کنی پیوند  
 محبت خود را به محبت او و محبت او به محبت خود و در حدیث دیگر فرمود که هیچ عبادتی  
 نزد خدا بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست پسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست  
 که وعده کردن مؤمن برادر مؤمن خود را نذر است که کفاره ندارد و هر که خلف وعده کند  
 اول ابتدا بخلف وعده خدا کرده است و عرض غضب الهی شده است و در حدیث  
 حسن دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر که ایمان بخدا آورد و روز  
 قیامت دارد باید که وفا کند بوعده خود پسند حسن از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 منقولست که مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است اول آنکه در حضور او تعظیم نماید و  
 محبتش ورزید و او باشد و مال خود را به او صرف نماید و غیبت او را بر خود سلام دهند و چون بیازنند  
 بیاورند او و چون ببرد و بجنانه اش حاضر شود و بعد از مرگش از نیکی او چیزی بگوید و  
 پسند حسن از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که دوست دار برادر سلطان خود را  
 و بخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و بخواه از برای او آنچه از برای خود نمیخواهی و چون  
 محتاج شوی از او سوال کن هرگاه از تو سوال کند باو عطا کن و نیکی را از او ذخیره کن تا او هم  
 از تو ذخیره کند و یا در او مالش را و نیز بیاور تو باشد و اگر غایب شود و غایبانه نگاه دارد چون بیاورد  
 برو و او را اگر می داری بستان که او را نستی و تو از وی و اگر بانو در مقام محتاب باشد از او جدا مشو

تا کسی را از سینه او بمانی و اگر نشستی با او پس خدا را شکر کن و اگر بمانی او پیش آید یا در او بشن  
و با او محبت زیاده کن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مسلمان را  
بر برادر مسلمان شش حق هست هرگاه با او برسد بر او سلام کند و سه گاه چهار شود بجا و نیاید و  
برود و هرگاه که عطسه کند در او دعا کند و چون ببرد بجهنم نازد او حاضر شود و هرگاه او را الضیافت  
بطلب قبول کند و از برای او رختنه دهد آنچه از برای خود دوست میدارد و از برای او دشمن دارد آنچه  
از برای خود دشمن میدارد و بپند آید حقیر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
که هر که صبح کند و تمام با او مسلمانان نه نشسته باشد او مسلمان نیست و کسی که بپوشد که کسی فریاد  
میکند که ای مسلمانان این سیرا من سیرید و یاری افکنند او مسلمان نیست و فرمود که محبوب ترین مردی  
کسی است که نقش مجرم بر پیشانی او فرمود که هر که گروه از مسلمانان ضرر آری یا آتش بدفع کند  
بهشت او واجب شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق مؤمن بر  
مؤمن است که او را اهل دوست دارد و اهل خود را از او دریغ ندارد و اگر بسوی او رود یا بخواند اهل  
او بپروازد و اگر کسی بر او ظلم کند او را یاری نماید و اگر عظامی مسلمانان میسند و او غائب باشد بصره و اهل  
از برای او بگیرد و چون ببرد بر یارت قبرش برود و بر او ظلم کند و او فریب ندهد و با او خیانت  
نکند و بر روی او اف نگوید و اگر آن بگوید دوستی از میان ایشان بر طرف شود و اگر گوید تو دشمن  
می یکی از ایشان کافر باشد زیرا که اگر دروغ گفته است خود کافر است و اگر راست گفته است  
دیگری کافر است یعنی صاحب کبر است و چون او را به همتی متهم سازد ایمان بدو نشکند و چنانچه در کتاب  
و در حدیث دیگر فرمود که باید بر برادر مسلمان خود بخوابد و از برای عزیزترین اهل خود بخوابد و نخواهد از برای او آنچه از  
برای عزیزترین اهل خود بخوابد و دوستی او را خالص گرداند از شوائب تا آنکه از شادی او شاد باشد و در  
انده او اندوگین شد و اگر تواند سعی کند که غم او را زایل گرداند و الا دعا کند که خدا اندوختن را  
بردارد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی خدمت آن حضرت آمد از او پرسیدند که برادران خود  
بر چه حال گذشتی گفت که بر نیکو حالی گذشتم ایشان فرمود که تو نگران ایشان چگونه باحوال  
فقیهیران میسرند گفت که فرمود که تو نگران چه قدر بیدار بیدار میگردی گفت که فرمود که تو نگران  
چه مقدار احسان بغیر این نیست گفت چیزی چند میفرماید که پیش از اینهای چه فرمود که

پس چگونه ایشان دعوتی شیعیه می کنند و در حدیث دیگر فرمود که برادران من چگونه باشند  
و از برای خدا یک دیگر دوستی کنید و بدین یکدیگر روید و باید یکدیگر شیعیه و دین ما و احکام  
ما را یاد کنید و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که واجب است از برای مؤمن  
بر مؤمن که هفتاد و یک بار او را بپوشاند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجب است  
از برای مؤمن بر مؤمن که خیر خواه او باشد در حضور غیبت و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد

بخیر خواهی خلافتی که هیچ عملی نزد خدا ازین بهتر نیست فصل پنجم در قضای حاجت مؤمنان  
و می نمودن دعا برای ایشان و شاد گردانیدن ایشان در حدیث صحیح از حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله و سلم منقول است که هر که مؤمنی را شاد گرداند مرشاد گردانیده است و هر که مرشاد  
گرداند خدا را شاد گردانیده است و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
که بیستم کردن در دینی برادر مؤمن حسنه است و عاشاکی از او برداشتن حسنه است و هیچ عبادتی با  
خدا دوست تر نیست از شاد گردانیدن مؤمن و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی خطاب فرمود  
با حضرت موسی علیه السلام که بپرستی که مرا بندگانی است که بهشت را برای ایشان مباح می کنم  
و ایشان را حاکم بگردانم در بهشت حضرت موسی گفت پروردگار کیستند ایشان فرمود که کسی که  
سور بمؤمن داخل کند پس حضرت فرمود که مؤمنی در مملکت پادشاه جبار می بود آن پادشاه  
در مقام آزار او بود از او گرفت و شتم کفار رفت و پناه بجای فرستاد آن کافر او را جادو و مهر بانه  
و سیافت کرد چون وقت مرگ آن کافر شد حق تعالی بادی فرستاد که بغزت و جلال خود  
سوگند میخورد که اگر ترا در بهشت جای می سپردم هرگز این ترا بهشت نمی آوردم ولیکن بهشت حرام  
است بر سیکه کافر میبرد پس خطاب نمود با تشیچم که او را بر سران اما سوزان و امر فرمود  
که در اقل آن خورده چرا او روزی ببرد و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که  
حق تعالی وحی نمود بحضرت داود که بنده از بندگان من حسنه نزد من بیاورد که من بهشت را  
بر او مباح میگردانم حضرت داود پرسید که آن حسنه که ام است فرمود که بنده مؤمن خوشحالی داخل  
گرداند اگر چه یک دانه خرما باشد و اقد گفت که پروردگار از آن چه است که کسی که در بهشت باشد  
قطع امید خود از تو کند و در حدیث دیگر فرمود که کسی که مؤمنی را شاد گرداند و او را شاد گردانم

است و بس ملکه مارا شاد گردانیده است بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد  
 گردانیده است و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که چون مؤمن از قبر بیرون می آید  
 با او شش نخی سپردن می آید و می گوید بشارت باد مر ترا بکرامت از جانب خدا  
 و خوشحالی پس مؤمن با او میگوید که خدا ترا بشارت به نیکی به پس با او می باشد و بجهر هوای  
 میگذرد و میگوید که این از تو نیست و بجهر نیکی که میگذرد میگوید که این از تست و پیوسته او را  
 چنین بشارت میدهند تا آنکه بمقام حساب آید پس چون امر کند که او را به بهشت برند با او میگوید  
 که بشارت باد که خدا فرمود که ترا به بهشت برند مؤمن گوید که تو کیستی که از قبر تا اینجا بشارت  
 دادی و مؤمن من بود و از جانب خدا بمن خبر رسانیدی گوید که منم آن شادی که در دل  
 برادر مؤمن خود داخل کردی در دنیا خدا مرا از ان خلق کرده است که بشارت دهنده تو بود  
 تنهایی مؤمن تو باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را شاد گرداند حق تعالی هزار هزار حسنه  
 برای او بنویسد و در حدیث معتبره دیگر فرمود که هر که یک حاجت برادر مؤمن خود بر آورد و گفتا  
 در قیامت صد هزار حاجت او را بر آورد که یکی از آنها بهشت باشد و دیگری آنکه خوشان  
 و آشنایان خود را داخل بهشت گرداند اگر ناصبی نباشند و در حدیث دیگر فرمود که بر آوردن  
 حاجت مؤمن بهتر است از هزار بندگان آزاد کردن و هزار سپه بدر راه خدا جنگ فرستادن  
 و در حدیث دیگر فرمود که بهتر است از میت حج که در هیچ صاحبش صد هزار درهم صرف کند  
 و در حدیث معتبره از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که یکسج بهتر است از هفتاد بند  
 از آوردن خورج کشیدن و نفقه دادن اهل یک خانه از مسلمانان که ایشان را سیر کند و بپوشاند  
 و سعی ایشان را از سوال کردن حفظ کند بهتر است از مقدار حج و در حدیث حسن از حضرت امام  
 جعفر صادق منقولست که هر که هفت شوط طواف در دو خانه کند حق تعالی برای او شش هزار حسنه بنویسد  
 و شش هزار گناه نمکند و شش هزار درجه برائی او بدهد کند و شش هزار حاجت او را بر آورد  
 بر آوردن حاجت مؤمن بهتر است از ده طواف و در حدیث دیگر فرمود که هر مسلمانی که  
 حاجت مسلمانی بر آورد حق تعالی او را خدا کند که ثواب تو بر من هست در انبی نیشوم برای تو  
 بنیز از بهشت و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی بر آوردن حاجت مؤمن راه رود در حدیث

دو ملک را سوختل گرداند از جانب دست و چپش که برائی او ستغنا کنند و دعا کنند  
 حاجتش برآورده شود و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که  
 برادرش را برادر او و پسر او را پسر او حاجتی او در حق است که خدا تعالی بسوی او فرستاده است  
 اگر قسبل کند پس پیوندد کرده است دوستی او را بدوستی ما و دوستی ما بدوستی حق تعالی  
 موصولست و اگر او را در کار او و او را در کار او حاجتش برآورده شود و خدا تعالی بر وی تسلط گرداند و در قبر او  
 از تشنگی او را بگز و تار و قیامت خواهد در روز قیامت او را خدا بیا مرزد و خواهد عذاب  
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مؤمنی که برادرش را برادرش حاجتی برادر او بیاورد  
 و او قادر باشد بر آوردن حاجت او و دلش نگیرد شود و بسبب این خدا بهین بهشت را  
 برائی او واجب گرداند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مؤمنی که در حاجت برادر  
 مؤمن خود راه رود و حسنه برائی او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده درجه بهشت بر او  
 او بلند شود و برابر ده بنده آزاد کردن باشد و بهتر باشد از اعتکاف یک ماه در مسجد امام و از حضرت امام  
 رضا علیه السلام نقلست که خدا را بندگان است که سعی میکنند در حاجت مردم  
 ایشان اینانند در روز قیامت و هر که دل مؤمنی را شاد کند خدا تعالی دل او را در قیامت  
 شاد گرداند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که راه رود برادر او را در حاجت  
 برادرش مسلمان خدا بمقتاد و پنج هزار ملک را بفرستد که او را سایه کنند و بجز قبی برائی او  
 حسنه بنویسند و گناهی محو کنند و درجه بلند کنند و چون از کار سازند ای و فارغ شود ثواب  
 چهل و سه در نامه عایش بنویسند و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون راه روم در حاجت  
 برادر مسلمان دوست تر میدارم از آزاد کردن بنده و هزار کس را بر سپان زین و لجام  
 کرده سوار کنم و بجهاد بفرستم و در حدیث دیگر فرمود که هر که سعی کند و راه رود در حاجت برادر او  
 مسلمان خود از برائی رضائی خدا تعالی برائی او بیاورد از حسنه بنویسد که بسبب آنها خوشایان  
 و مسالکان و آشنایان او را بیاورد و هر که باو نیکی کرده باشد در قیامت باو خطاب برسد  
 که داخل جنت شود و هر که در دنیا باو نیکی کرده است او را برودن آورد و داخل بهشت کنی اگر آنکه  
 دشمنی بهیست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و فرمود که خدا تعالی خسرو است

که ملائک عیال من اند محبوب ترین ایشان نزد من کسی است که ایشان مصروف باشند  
و سعی در بر آوردن حاجت ایشان بیشتر کند و فرمود که هر که بفریاد رسد برادرش را بگوید و خود را  
در سنگام شدت و غمی بپسندد او را برادر و حاجت او را بر آورد و حقیقی واجب گرداند برادر  
او متباد و در محنت که بلی را در دنیا بآید بهر که کارشائی و نیائی او با او ساخته شود و متباد و یک  
رحمت دیگر بگوید که او ذخیره کند بر گنیز سها و شدتهائی روز قیامت و فرمود که هر غمی از مؤمنی  
بردارد حقیقی غمهای آخرت را از او بردارد و چون از قبر بیرون آید شش مطهرش و شاد باشد  
و هر که مؤمنی را طعام دهد حقیقی از میوه های بهشت او را طعام دهد و هر که مؤمنی آب دهد  
حقیقی از شراب بهشت او را آب دهد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غمی از مؤمنی بردارد  
حقیقی حاجات دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که حبیب مؤمنی را بپوشاند حقیقی او را بپوشاند  
عیب از عیبهای دنیا و آخرت او را بپوشاند و تا مؤمن در یاری برادر مؤمن است خدا با او  
است و در حدیث معتبر از حضرت علی بن حسین علیه السلام نقل است که هر که  
حاجات برادر مؤمن خود را بر آورد حق تعالی صد حاجات او را بر آورد که یکی بهشت باشد و هر که  
غمی از مؤمنی بردارد حق تعالی غمهای او را در قیامت بردارد و هر که اعانت کند مؤمنی را بر  
طاعتی خدا او را یاری کند و در گذشته شش بهر طریقی که قدمها بگذرد و هر که حاجت مؤمنی را بر آورد  
خدا او را شادمان و چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را شاد کرد و باشد و هر که مؤمنی  
را آب دهد و وقت تشنگی حقیقی او را از شراب بهشت حیراب گرداند و هر که مؤمنی را سیر کند  
حقیقی از میوه های بهشت او را سیر کند و هر که بزرگ مؤمنی را بپوشاند در وقتیکه نریان باشد  
خدا او را از دنیا و حیرت بهشت بپوشاند و هر که جامه بپوشاند و غیر عریانی بپوشد در دنیا  
خدا باشد از بلاها تا زمان جامه بر آن مؤمن ناری بانی باشد و هر که خادش بپوشد خدا او را بهشت  
بهشت خادم بدهد و هر که او را از پیاده بودن سوار کند حقیقی او را بر تاج از انعامهای بهشت بخشد  
آنکه که در قیامت با ملائکه سیاهات کند و هر که بعد از مردن کفن بپوشاند مؤمنی چنان باشد که او را  
جامه داده باشد از سنگام ولادت او وقت مردن و هر که زنی بپوشد بهر که بالوائس گیرد و حقیقی  
در قبر علی مؤمنی او گرداند بصورت محبوب ترین اهل دوزخ و او هر که در سحر عیادت مؤمنی کند



طاغور از همه جهت فرو گیرند و گویند خوشحال بود و گوارا باد بهشت از برای تو و الله که حق است  
حاجت مومن بهتر است نزد خدا از روزه داشتن و احتیاف کردن روزه از ماههای حرام  
و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که خدا در قیامت سایه مقرر ساخته است که در  
زیر آن سایه غیبت مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری یا مؤمنی که بنده مومن را آزاد کند یا مؤمنی که در حق  
مومن را آزاد کند یا مؤمنی که مؤمنی را بکشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که مؤمنی در روز قیامت بگذرد بر شخصی که حقتالی امرش نموده باشد که او را بهشت  
برند و ملک او را بر وجهی خطاب کند مؤمنی را که بفریادم پرسد که در دنیا من تو نیکی میکردم  
و حاجت ترا بر می آوردم مؤمن بگوید که دست از بردار حقتالی من نه مباد که چون  
بنده مومن شفاعت او کرد و او را بگنارد و در حدیث معتبر از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام  
علیهما منقولست که گردان مسلمانان از خود بمنزله اهل خانه خود پیران ایشان را بمنزله پدر خود  
بران و خود را ان ایشان را بمنزله فرزندان خود بدان و آنها که هم سن تو باشند بمنزله برادر خود  
بران هر کدام یک دنیا خواهی که ستم کنی یا بفرین کنی یا عیب ایشان را فاش کنی و اگر شیطان  
خواهد که ترا فریب دهد که خود را از دیگران بهتر دانی اگر کسی را بینی که از تو بزرگتر است بگو که او  
برایمان و اعمال شایسته بر من پیشی گرفته است پس از من بهتر است و اگر خود ترا از خود  
به پیشی بگو که من شیراز دگناهان کرده ام پس او از من بهتر است و اگر هم سال خود را به پیشی بگو  
که این گناه خود را در عهد گناه و شک دارم پس هیچ یقین خود را برای شک بگذارم و اگر بینی  
که مردم ترا تعظیم و بزرگتر می کنند بگو این یکی از ایشان است که بحاسن آداب عمل می کنند  
و اگر ایشان از تو دوری کنند ترا محرمت ندارند بگو که این از گناهایی است که من کرده ام چون  
چنین گفته زندگانی بر تو آسان شود و دوستان بسیار شوند و دشمنان کم شوند و از نیکی  
ایشان شاد شوی و از بدی ایشان دست کشی و بگو که گرامی ترین مردم بر مردم کسی است  
که خیرش با ایشان رسد و از ایشان ستغنی باشد و سوال نکند از ایشان و بعد از آن گرامی تر  
حسی است که محتاج باشد و سوال نکند از ایشان زیرا که اهل دنیا یکی از بی مال میرود و کسی که  
با ایشان در مال مزاحمت نمیرساند عزیز است نزد ایشان و هر که مزاحمت نمیرساند و از مال خود

هم پاره بایشان میرساند عزیزتر و گرامی تر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت  
 عیسی علیه السلام یکی از اصحاب خود فرمود که آنچه میخواهی که با تو بکنند با هیچکس مکن مگر  
 کسی طایفه بر جانب بدست ویت بزند جانب چپ را پیش کن و در حدیث معتبر از حضرت  
 صادق علیه السلام منقولست که هر مسلمانی که مسلمان دیگر بزند او بیاید برای حاجتی و اوقاف  
 باشد بر آوردن آن حاجت و بر نیارد و حقیقی او را قیامت سرزنش کند و توبه نکند  
 و بگوید که برادر تو برای حاجتی بزند تو آمده که من ترا قادر گردانیده بودم بر آوردن آن  
 و بر نیاردمی برای آنکه ثواب آنرا خواستی بجزت خود سوگند میخورم که در هیچ حاجت  
 نظر رحمت بسوی تو نکنم خواه ترا بیا مرزم و خواه ضارب کنم و در حدیث دیگر فرمود که هر سونی که  
 منع کند از مؤمنی چیزی که او بان محتاج باشد و او قادر باشد که آنرا از نزد خود یا از نزد دیگران  
 بیاورد یا حقیقا او را در روز قیامت بار و سباه و سپاه بگوید و ستمها در گردن غل کرده باز دارد پس  
 بگوید که این است خاشی که با خدا و رسول خیانت کرده است پس بیاید که او را بچشم بزند  
 و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در قیامت کسی در سایه عرش الهی بنشیند  
 در روزی که سایه غیر آن نباشد کسی که برادر مسلمان خود را زنی بدد و کسی که خادمی بیاورد

و کسی که زنا و زانیان دارد و فصل ششم در دین مؤمنان و عبادت بپارایان ایشان  
 در احادیث معتبر بسیار وارد شده است از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات الله  
 علیهما که هر که بدین برادر مؤمن خود برود از برای رضائی خدا یا حقیقی او یا دینا و دینا ملک او  
 موکل گرداند که او را نکند تا بخانه خود برگردد که خوشحال بود گوارا بود بهشت از برای تو  
 و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بر بخیل را خبر دهد  
 که حقیقی او را بزمین فرستاد آن ملک سپید بپردی که بر در خانه پستاده بود و از صاحب  
 خانه رخصت طلبید که داخل خانه شود ملک پرسید که با صاحب این خانه چه کار داری  
 گفت که برادر مسلمان من است از برای خدا بدین او آمده ام ملک گفت که هیچ مطلبی  
 بغیر از این ندار گفت نه ملک گفت من رسول پروردگارم بسوی تو آمده ام ترس نام میرسانم  
 و بگوید که بهشت را واجب گردانیدم برای تو و می رسد مایه که هر مسلمانی که بدین مسلمان

برود چنان است که بزیارت من آمده است و ثوابش بر من بشت است و در حدیث  
دیگر از آن حضرت منقولست که هر که بدین برادر مؤمن خود بخواند و احتقالی او را خطاب  
نماید که تو همان منی و زیارت من آمده و همانی تو بر من است و بشت را بر تو  
و واجب گردانیدم بسبب آنکه دوست و دشمنی برادر مؤمن خود را و در حدیث دیگر از  
امام محمد بن عیسیٰ السلام منقولست که مؤمنی که بر وطنی آید بجزم دیدن برادر مؤمن خود  
خداوند عالیان مکی یا موقل میگرداند که یک بالش را بر زمین بگذارد و یک بال دیگر  
بر سرش سایه می افکند پس چون داخل خانه مؤمن شود خداوند جبار او را تحسین کند کای  
بنده که تعظیم حق من کردی و متابعت آثار پیغمبر من نمودی لازم است بر من که ترا تحسین کنم  
از من سوال کن تا بنوعی اکتفا کنم و مرا بخوان تا ترا اجابت دهائی تو بکنم و اگر خواهی ساکت باش  
تا من ابتدا بر حجت بکنم پس چون برگردد ملک او را متابعت کند و بال بر سر او داشته باشد  
تا خانه خود برگردد پس حق تعالی او را ندا کند که ای بنده که حق مرا بزرگ شمردی لازم است  
بر من که ترا اگر می دارم تحسین کنم بشت را برائی تو و واجب گردانیدم و ترا در حق بنده گان  
خود شفاعت دادم و آن حضرت صاف میگوید السلام منقولست که بدین برادر مؤمن رفتن  
از برای خدا بهتر است از ده بنده مومن آزاد کردن و هر که بنده مؤمن را آزاد کند حق  
بهر خصوصی از آن بنده خصوصی از آنش جتنم آزاد گرداند و در حدیث مقبر منقولست که آن  
حضرت به دافین سرخان فرمود که شیعیان مرا از من سلام برسان و بگو خدا رحمت کند  
بنده را که با دیگری بنشیند و یاد کند احادیث را که سوم ایشان ملکی است که از برای ایشان  
استغفار میکند و هرگاه که با کسی دیگر بنشیند یا و احادیث را بگوید که بسبب این  
و مذکور شد مذکور شد پس ماند میشود و بهتر بر مردم بعد از ما کسی است که مذکور شد احادیث را  
بگوید و یاد کند و آن حضرت امام محمد بن عیسیٰ السلام منقولست که بدین یک دیگر بروید  
خانه بگوئید که باین بنده میباید دین ما خدا رحمت کند کسی را که مذکور شد یاد کند و آن حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خوشحال آنکه دوستی کنی بنده را که بر خدا  
و بر من و بر جنت خود می خلق کرده است از یا قوت سرخ و بران عهد و پیمان

قصر است و در هر قهری هفتاد هزار غرفه است که خدا خلق کرده است آنها را از برای کسانی  
که دوستی با یکدیگر کنند و بدین یکدیگر برونند از برای خداوند حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که هر که قادر باشد یکبار احسانی بکند بصاحبان شیعیان ما احسان کند تا ثواب  
احسان کردن با دوازده عمارت فرشته شود و هر که قدرت بر دیدن دوازده شتر باشد بدین  
صاحبان شیعیان مبرود تا ثواب دیدن مائیه را برای او نوشته شود و در حدیث معبره حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که هر که عبادت کند مسلمان یکبار را در آن روز هفتاد هزار  
بر و صلوات فرستد اگر صبح باشد تا شام اگر شام باشد صبح در حدیث دیگر فرمود  
که هر که بیماری را عیادت کند هفتاد هزار ملک او را شایسته کنند و بر او استغفار  
کنند تا بخانه خود برگردد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مؤمنی را  
عیادت کند در رحمت الهی سه درود پس چون نزد او بنشیند رحمت با او احاطه کند پس چون  
برگردد حقیقی هفتاد هزار ملک را با او موکل گرداند که از برای او طلب آمرزش کنند و بر او  
ترحم کنند و گویند که خوشحال تو گووارا باد بهشت از برای تو تا روز دیگر با تو وقت و باو  
عطا فرمایند و بهشت که سواره و بان چهل سال بتازد و از حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری عیادت کند از برای خدا حقیقی باو موکل سازد  
ملکی را که در قبر او را عیادت کند و برای او استغفار کند تا روز قیامت و در حدیث دیگر  
فرمود که هر که عیادت کند بیماری را حق تعالی باو موکل سازد و هفتاد هزار ملک را که همیشه  
بخانه او آیند و در آن خانه تسبیح و تهلیل و تکبیر و تهلل الهی گویند تا روز قیامت و نصف ثواب  
ایشان از برای او باشد و در حدیث دیگر فرمود که سزاوارست که کسی که بیمار شود بر او  
مؤمن را اعلام کند که عیادت او بیایند که آنها ثواب برند و او ثواب بیا بجز کردن آنها که اگر  
چنین کند ده حسنه برای او نوشته شود و ده گناه از او محو شود و ده روز از برای او طیب شود و ده  
حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که چون کسی بیمار شود مردم را رخصت  
دهد که عیادت او بیایند پس آنکه میخواست مگر آنکه او را دعای مستجابی است و از  
حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که عیادت بر او مؤمن برود ده روز برای بیمار خود

طلب دعا کند که دعائی او مانند دعائی ملائکه است و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
است که هر چه چشم عبادت نمی باشد و در اول بیماری سه روز متوالی او را باید دید و بعد از آن  
یک روز نه یک روز پس چون بیماری بسیار طول کشد او را با عیالش میباید گذاشت و  
عیادت نباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون بدین بیمار روید سببی یا ناری یا  
یا نهی یا بوی خوشی یا خودی یا خود برید که بیمار بان استراحت مییابد و در حدیث دیگر  
فرمود که از تمامی عبادت آنست که دست بر ذراع بیمار بگذارد و وقت دعا کردن  
و در خبر حسینی که عیادت استخوان و شوار تر است بر بیمار از دوا و از حضرت امیر المومنین  
صلوات الله علیه و آله منقولست که از عیادت کنندگان کسی ثوابی بیشتر است که زود  
تر بر خیزد مگر آنکه بیمار شستن او را خواهد و از دو سوال کند که نشیند فصل هفتم در طعام

دادن مومنان و آب دادن بایشان و جامه پوشانیدن و سایر اطعمه های ایشان  
و یاری کردن مطلوبان از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مومنی را سیر کند  
بهشت برو واجب شود و هر که کافر را سیر کند بر خدا لازم است که شکم او را پر از زقوم جهنم  
کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که سه نفر از مسلمانان را سیر کرد خداوند حق تعالی او را از بهشت  
طعام و درخت الفردوس و جنت عدن و جنت طوبی و در حدیث دیگر فرمود که هر که  
مومنی را طعام دهد تا او سیر شود و بچاک از خلق خدا نماند که او را چه ثواب است نه ملک  
مغرب و نه پیغمبر مسل مگر خداوند عالمیان این نعمت فرمود که از جمله چیزهاییکه آمرزش واجب  
میگردد و آن طعام دادن مسلمان گرسنه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقولست که هر که شربت آبی مسکینی بدهد و در جائیکه آب بهر سه حق تعالی بهر شربتی بخشد  
هزار حسنه باو عطا فرماید و اگر او را آب دهد در جائی که آب کمیاب باشد چنان باشد که ده  
بنده از سه زندان اسماعیل آزاد کرده باشد و در حدیث حسن منقولست که هر که طعام دهد  
بر او مومن خود را از بر خدا چنانست که صد هزار گرسنه دیگر از طعام داده باشد و در حدیث  
حسن دیگر فرمود که بسیر صراف که چه مانع میشود ترا که هر روز یک بنده آزاد کنی گفت مال من  
و خانمی کند یا این نعمت فرمود که هر روز یک مسلمان را طعام بده که این ثواب از برای تو باشد پس بید



که مالدار یا پیرش از فرموده که مالدار هم گاه هست که خواش طعام دارد و در حدیث صحیح  
 دیگر فرمود که یک لقمه که برادر مسلمان بخورد نزد من بهتر است نزد من از یک بنده آزاد  
 گردان و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی مالدار سی را طعام دهد برابر است با یک بنده  
 از فرزندان اسماعیل که او را از کشتن آزاد کند و هر که مؤمنی مستحبی را طعام بخورد برابر است  
 با صد بنده از فرزندان اسماعیل که از کشتن آزاد کند و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز  
 است که هر یکی از آنها بجا آورد داخل بهشت شود کسی که نشسته را سیراب گرداند یا اگر سینه را  
 سیر کند یا عریانی را بپوشاند و یا بنده را که در مشقت باشد آزاد کند و آن حضرت رسول صلی  
 علیه و آله وسلم منقول است که بهترین اعمال نزد حق تعالی سه چیز است سیر کردن مسلمان  
 اگر سینه یا قرض مسلمان را دادن یا غمی از او برداشتن و فرمود که خیر و برکت بخانه که در آن  
 طعام داده میشود و در ترمیز و در آن فرزندش کار و بکوهان شتر و آن حضرت علی بن ابی  
 صلوات الله علیه منقول است که هر که جامه زیادی داشته باشد و داند که برادرش  
 آن محتاج است و بادهد حق تعالی او را سزگون و داناترین چشم اندازد و هر که سیر بخوابد  
 و نزدیک او مؤمنی گرسنه باشد حق تعالی بکافه نماید که شمارا گواه میگيرم برین بنده  
 که من او را اگر گرسنه و نافرمانی من کرد و اطاعت دیگران کرد و بداند که او را بعمل خود گذارستم  
 و هرگز او را نیامرزم و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ایمان نیاید  
 است مگر بیکه یخوابد و برادر مسلمانش گرسنه باشد و آن حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که هر که خانه داشته باشد و مؤمنی محتاج شود که در خانه ساکن شود و او راضی شود  
 حق تعالی بکافه نماید که بنده من بخل و رزیه بر بنده من بساکن شدن در خانه او در  
 دنیا بعد از خود سوگند بخورم که هرگز او را در بهشت ساکن نگردانم و آن حضرت رسول صلی  
 علیه و آله وسلم منقول است که هر که دور کند از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار ایشان  
 باشد حق تعالی ثواب خواندن چهار صد آیه بزرگ او بنویسد که بهر حرفی ده سینه برائی او بنویسد  
 و در روایت دیگر فرمود که بنده داخل بهشت شد بیکت خاری که از راه مسلمانان شربت  
 و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از یک حاجت



گویند و فرمود که هر یک یک نفر است که هر یک سینه باران سینه بامیر و فرمود که واکم گردانید  
هر یک را پس فرستاد و نظرهای هر یک و فرمود که هر یک پرتو قسم است بدیه که در برابرش  
توقع نفی داشته باشی و هر یک که بعنوان ثبوت فرستی و بدیه که از برای خدا فرستی و غرض  
دیومی اندیشه باشی فصل هشتم در حقوق فقرا و غنیان و مظلومان و پیران و اصحاب بلا  
و آداب معاشرت ایشان در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فقرائی  
مؤمنان چهل سال پیش از توگران ایشان بهشت تنعم می شوند پس فرمود که مثلی سبک تو برغم مثل  
فقر و غنی و کشتی است که بشمار بگذرنده کشتی حار از دورانه میکند و نگاه نمیدارد کشتی پر از بار از برای  
صاحب نگاه میدارد و حدیث دیگر فرمود که هر چند ایمان بنده زیاده می شود تنگی روزیش بیشتر شود  
و فرمود که اگر ندانم بود که مؤمنان احوال و مبالغه در دعای طلب روز میگردند هر سینه  
ایشان از احوالی تنگ تر از آنچه دارند می انداخت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقولست که فقر و درویشی مانعی است از خداوند خلقش پس که از اینچنان دارد و تحقیقا  
او را مثل ثواب کسی بدد که روزها روزه باشد و شبها نماز استاده باشد و هر که آنرا اهل  
گند پیش کسی که قادر باشد بر آوردن حاجت او و کند خجسته که آن فقیر راکشته است  
بیشتر و نیزه بلکه آن جبراحتی که در عمل او کرده است و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
است که حق تعالی در روز قیامت خطاب نماید با فقرائی مؤمنان مانند کسی که معذرت  
طلبد و بگوید که بعزت و جلالت خود سوگو کنم که شمار دار دنیا فقیر نگردانیده ام برای  
خواری شمار دمن و امروز خود مسکین دیدم که با شما چه خواهیم کرد و هر که در دنیا با شما نیکی کرده  
است و کشتن پاکیزه و داخل بهشت کنید پس یکی از ایشان گوید که پروردگار اهل دنیا را  
نخورد و خوشترند و جامه های نرم پوشیدند و طعامهای نیکو خوردند و در خانه های نیکو کینه  
گردند و بر سپان نفیس سوار شدند پس از آنجا عطا فرمود حق تعالی فرماید که بهر یک از شما  
دادم مثل مفاد برابر آنچه بجمع اهل دنیا داده ام از اهل دنیا تا آخر دنیا و در حدیث دیگر فرمود  
که مردی که از برای جامه های پاکیزه پوشیده بود نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
آمد و گفت پس مردی که جامه های پیرکین پوشیده بود آمد و در جامه های پیرکین

آن مالدار بجا نرود از زیران او کشید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود  
که آیا ترسیدی که از فقر و چیزی تو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که از تو نگری تو چیزی  
باو برسد گفت نه فرمود که ترسیدی که جامه های چرکین شود گفت نه فرمود که هیچ چنین  
نگردی گفت یا رسول الله مرا همنشین می هست از نفس شیطان که هر برای من  
زینت میدهد و هر نیکی را در نظر من میکند و من بتدارک آنچه کردم عاف مال خود را  
باو می خشم حضرت برادریشان خطاب فرمود که قبول میکنی گفت نه تو نگر گفت که خجسته  
نمیکنی گفت میترسم که مثل تو شوم و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شخص پریشانی  
فرمود که آیا باز از میردی و میوه باو چیزی بانی نیستی یعنی که قادر بر رسیدن آنها نباشی گفت  
بلای من بود که بجز چسبیده که بر بینی و قدرت بر فرودیدن آن نه داشته باشی چسبیده برائی تو نوشته  
می شود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که در روز قیامت گروهی از مردم خرسین  
و بیایند تا در بهشت پس ملائکه ایشان گویند که شما کیستید گویند فقیری ملائکه گویند که پیش  
از حساب آمده اید که بهشت روید جواب گویند که چیزی بمانداده اید که ما را بدان حساب  
نماید حق تعالی فرماید که رست میگویند بروند بهشت و از حضرت امام موسی علیه السلام  
منقولست که حق تعالی میفرماید که من بسیار را تو نگرنگه دانیدم بر آنکه ایشان گلابی چندین  
و فقیر از ابی چیز نگردم ام برای خواری ایشان نزد من ولیکن تو نگر از امتحان کردم بفقیران  
و اگر فقیران سیب بودند تو نگران هم اگر منسوب بهشت می شدند و آنحضرت صادق علیه السلام  
منقولست که هر که ذلیل و خوار شمارد مومنی را برای پریشانی او حق تعالی او را حصصیم  
خلائق در قیامت رسوا کند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر تائی جنگه باشد  
تسبیح آزار کند بنده مومن را و باید که ایمن نباشد از غضب من و سیئه بر او می دارد و بنده مومن  
مراد اگر از میان شرف تا مغرب نباشد مگر یک مومن با یک امام عادل چنانچه بجاوت دارند  
استغنی شوم از جمیع آنچه خلق کردم در زمین و هر آینه هفت آسمان و هفت زمین با ایشان بجا  
و بگویم از برای ایشان از ایمان ایشان مومنی که محتاج بونس دیگر نباشند و در احادیث  
معتبره بسیار منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که دوستی از دوستان مرا بخوار دارد چنان

که بر روی من بجا میماند است و من بسیار نود یاری میجویم و دوستان خود را و آن  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را  
خوار کند و در حدیث دیگر فرمود که هر که مؤمنی را ذلیل کند خدا او را ذلیل کند و قسمه بود که حق  
مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده است چنانکه بر او طعن کند یا سخن را  
رو کند بر خدا در کرده است و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست  
که حقیر شمار میخیزد برادران خود را که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا او را با مؤمن و بهشت  
جمع نکند مگر آنکه توبه کند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار  
شودیده موئی گرد آلوده که دو جامه کهنه پوشیده باشد اگر بر خدا قسم دهد قشش بار داند کند  
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که کسی که با مردم استیزا کند در محبت ایشان طمع نداشته  
باشد و قسمه بود که حقیر شمارید مؤمنی را که هر که حقیر شمارد مؤمنی را یا استخفاف او کند  
خدا او حقیر شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله  
علیه و آله منقولست که حلال نیست مسلمان را که مسلمان را بدینبرساند و آن حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که هر که اعانت کند بر آزار مؤمنی به نیم کله در روز قیامت در میان چشمش  
نوشته باشد که نا امید است از رحمت الهی و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقولست که هر که گرامی دارد برادر مؤمن خود را یک کله از روی لطف یا حاجت او را  
بر آرد و یا غمی از دبر او در پیوسته رحمت الهی بر او سایه انداخته باشد مادر کار سازی و  
مهر بانی برادر مؤمن باشد پس فرمود که مؤمن را برای این مؤمن بیگویند که مردم در جان و مال  
خود از او این و مسلمان کسی است که مردمان از دست و زبان سالم باشند و مهاجر کسی است  
که از گناهان چسبته است و هر که مؤمنی را دستنی زنند که او را بآن سبب ذلیل کند یا طبایع بر او  
او زنند یا چیزی بخواهند نسبت با او بجا آورد و ملائکه پیوسته او لعنت کنند تا او را راضی کند  
و توبه کند پس زنهار که تعجیل کنید و آزار مردم که شاید او مؤمن باشد شما ندانید و صبر  
و پستی در سوار نمیکنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و استغنی نیست و در حدیث دیگر فرمود  
که هر که طبایع بر روی مسلمان زنند حق تعالی در قیامت استخوانهایش را از هم بپاشد و دست

و اگر در غل کرده محسور شود تا داخل جهنم شود مگر آنکه توبه کند و در حدیث معتبر دیگر فرمود  
 که و شام دادن مؤمن گناه بزرگ است و با او جنگ کردن برست و غیبت او  
 آوردن پسمانی خدا است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که  
 هر که برساند مؤمنی را بصاحب علمی که آزاری با او برساند و نرساند او را آتش است و اگر ترساند  
 و آزار با او برساند با فرعون و آل فرعون باشد در آتش و در حدیث معتبر از حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هر که بکشد کسی که قصد کشتن او نداشته باشد و بزند کسی  
 که قصد زدن او نداشته باشد ملعون است لعنت خدا و در حدیث دیگر فرمود که بخی میخوانند  
 که جانم در جفقه قدرت اوست که اگر اهل آسمانها و زمینها همه جمع شوند بکشتن مؤمنی یا آزار  
 شوند بکشته شدن او هر راداخل جهنم کند و بحق آن پروردگاری که جانم بدست قدرت  
 اوست که هیچکس را بناحق تازیانه نمی زند مگر آنکه در جهنم مثل آن تازیانه را میخورد و فرمود  
 که هر که نظری کند بمؤمنی که او را بان نظر کردن ترساند خدا او را ترساند و روزی که بحسد او پناه  
 نباشد و او را بصورت مورچه محسور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
 که لعنتی که از دامن شخصی بیرون می آید میگردد اگر صاحبش را می یابد در آنجا قرار میگیرد و اگر نه  
 بگویند هوش بر میگردد و در حدیث دیگر فرمود که هر که طعنی کند بر کسی مؤمنی بیهوده بدترین  
 مردنهاست و او است که عاقبتش بخسبه نباشد و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بآن حضرت  
 عرض کرد که چه میفرمائید در امر مسلمانی که مسلمان دیگر بدین او بیاید و او در خانه باشد پس  
 رخصت بطلبه و او رخصت ندهد که داخل شود و خود بیرون نیاید فرمود که هر مسلمانی که بدین  
 مسلمانی بیاید یا بی گارمی بیاید و او در خانه باشد و او را رخصت ندهد و خود بیرون نیاید پیوسته  
 و لعنت خدا باشد تا بیکدیگر ملاقات کنند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که  
 هر مؤمنی که میان او و مؤمنی چلبانی باشد که با او نتواند رسید قصصاالی میان او و جهشت در  
 قیامت هفتاد هزار حصار قرار دهد که غلظت هر حصاری هزار ساله راه باشد و از هر حصاری  
 تا حصار دیگر هفتاد هزار ساله راه باشد و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
 که در زمان نبی است این چهار نفر از مؤمنان بودند پس نفر از ایشان در خانه جمعی بودند بر سر

گفتگوی چهارم آمد بر آن خانه و در زو غلام بیرون آمد و پرسید که مولای تو کجاست گفت  
 در خانه نیست آن شخص گریست و غلام رفت و بولائی خود گفت که فلان شخص آمد من با او  
 چنین گفتم و برگشت او ساکت شد و پروائی نکرد و غلام را اطاعت نکرد و هر چه را چنین گفتی و از  
 پیشتر آنم و از روزه نشدند هیچکس از ایشان و مشغول سخن خود شدند و روز دیگر آنم و باید داد  
 بنزد ایشان آمد دید که ایشان از خانه بیرون آمده اند و بزرعه خود میروند بر ایشان سلام کردم  
 و گفتم من باشم بیا بیا بگویم گفتند بلی و عذر روز گذشته را از تو بخواستند زیرا که آنم و بر ایشان و  
 محتاج بود در آشنائی راه ناگاه ابری ظاهر شد گمان کردند که باران خواهد آمد تند رفتند چون  
 ابر مجاذبی سر ایشان شد منادی از میان ابرند کرد که ای تمش ایشان را بگیر و منم چه میل رسول  
 از جانب خدای ناگاه آتشی آمد و آن سرفراز را بود و آنم و محتاج ترسان و حیران و متحجب ماند  
 پیش هر گشت و بخت حضرت پوشش آمد و آن خبر را نقل کرد حضرت پوشش فرمود که خدا  
 بر ایشان غضب کرده از آنکه ایشان را رضی بود سبب آنچه نسبت تو عمل آوردند و آن قصه را  
 برای او نقل فرمود آنم و گفتم من ایشان را حلال کردم و در گذشته شتم از کرده ایشان پوشش گفت  
 که اگر پیش از آمدن عذاب میبود دفع میکرد اما احکام دفع نمیکند و شاید در قیامت ایشان را  
 نفع دهد حلال کردن تو و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یار  
 انگند برادر مؤمن خود را و او قادر بر یاری کردن او باشد خدا او را در دنیا و آخرت یاری کند  
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حاضر نشود احدی از شما در توحید که عالم ظالمی  
 سیر از دنیا کند یا ستم بر او کند هر گاه یاری او نکند زیرا که یاری مؤمن بر مؤمن واجب است  
 هر گاه حاضر باشد و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که شخصی از میانان را  
 در سببش نشانند پس با او گفتند که ماصد از یانه از عذاب الهی تو میزیم گفت طاقت ندارم  
 پس یکی کم کردند گفت طاقت ندارم تا اینکه یک تازیانه رسید گفت طاقت ندارم گفتند  
 چاره نیست از یکی پرسید که چه سبب این تازیانه را بر من میزید گفتند این سبب که روزی  
 بیوضو نماز کردی و بر صیغی گذشتی که بر تو ظلم می شد و او را یاری نکردی پس تازیانه از عذاب  
 خدا بر تو زدند که قبرش بر آتش شد و در حدیث دیگر فرمود که چهار کس اند که حق تعالی در دنیا

نظر حمت بسوی ایشان می‌نگذد شخصی که سبک چیزی از دوزخیه باشد و پشیمان شود و پس دهد  
 و از قبول کند و سبک نفریاد مضطرب شد و کسی که بنده آزاد کند و سبک غنی را که خدا کند و آن  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کسی که بفریاد برادر مؤمن خود برسد که او را  
 از ورطه یا غمی یا اندوهی بیرون آورد حق تعالی برای او ده حسن بنویسد و ده درجه بلند کند و حق تعالی  
 ده بنده آزاد کردن با و کرمت فرماید و ده عذاب را از او بردارد و ده شفاعت برای او  
 در قیامت مهیا گرداند و از حضرت امام عسکری علیه السلام منقولست که هر که پسندد بیچاره  
 را در راهی که چهارپایان فدا شده است و کفنی فریاد او نرسد پشیمان فریاد او برسد و او را بر چهار  
 پایی خود سوار کند و بارش را بردارد حق تعالی با و خطاب نماید که خود را بشفقت انداختی و نهایت  
 سعی کردی و فریاد برادر مؤمن خود برای تو موکل سازم مگر چندی که حد دشان زیاده باشد  
 از جمیع آدمیان از اهل دنیا تا آخر دنیا و هر یک را آنقدر قوت باشد که آسان باشد برو  
 برداشتن آسمانها و زمینها تا بکشند برای تو در بهشت قصرها و خانهها و بلند کنند برای تو  
 درجهها و چون در بهشت رائی از پادشاهان بهشت باشی و سبک دفع کند از مظلومی ضرر ظالمی را  
 که خواهد ضرر دیدن او یا مال او برساند حق تعالی خلق کند بعد از او گوسفتهایی او و بعد در حرکت  
 از حرکات او و درنگی از درنگهای او صد هزار ملک که دفع کنند از او شیاطین را که قصد کنند  
 که او را بکشد و بازائی هر ضرر قلیلی که از او دفع کرده باشد صد هزار از خدمتگاران بهشت  
 و صد هزار از حوریان با و عطا فرماید که او را خدمت کنند و گرامی دارند و گویند که اینها همه در برابر  
 آن دفع کردن ضرر است از مال و بدن برادر مؤمن و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول  
 است که هر که حرمت مرد پیری را بشناسد پس او را تعظیم کند برای سنش خدا او را ایمن گرداند از ترس  
 روز قیامت و فرمود که از تعظیم خداست تعظیم کردن مؤمن بیش سفید قنور مود که از انیمست هر که  
 خردان ما را رحم کند و پیران ما را تعظیم نکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که کفایت کند برای کودک  
 حاجتی از حاجات دنیا را و برای او در آن حاجت راه رود و سعی کند تا خدا آنرا بر آورد حق تعالی  
 او را بیزاری و سدا از نفاق و از آتش جهنم و مقاد حاجت از حاجات دنیائی او را بر آورد و بپوشد  
 در حمت الهی باشد تا برگردد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خیر پیوسته را شنواید این



بی آنکه دستنگ شوی تصدقی است آسان و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقول  
 است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که هر که قاید کوری شود چهل گام  
 بر زمین بپاورد و فانی کند بقدر سوزنی از آن اگر تمام زمین را بپرسند از طلا و اگر بر سرش  
 مهلک باشد و او را از آن نجات دهد و بگذارد او را در ترازوی حسانتش کشاده تراز دنیا بیابد  
 هزار مرتبه در همه گناهانش زیادتی کند و همه را محو کند و او را با علایم سه جہانی بهشت برساند و از  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بسیار نظر کنیید بسوی اصحاب بلا و آنها  
 که خوره دارند که اندوهناک میشوند و در حدیث دیگر فرمود که از کسی که خوره داشته باشد بگریز  
 چنانچه از شیر بگریزد و با او سخن گویند مگر آنکه بقدر یک ذراع از دور بپشاید و از حضرت  
 صادق علیه السلام منقولست که چون ایشان را ببینید از خدا عافیت بطلبید و از مرض  
 ایشان خافل شوید که بمبادی شما میرسد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
 که هیچ کس اندک بهر حال از ایشان چسبناک مباد که در کسی که خوره داشته باشد و پیش دیو  
 و کله الزما و غرب بادی نشین و در حدیث دیگر فرمود که کم نظر کنید باهل بلا و نزد ایشان  
 مروید و چون ایشان بگریزند بگریزید که شما رسیده اید و در حدیث  
 موثق از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون سیراب منی که بملایم مبتلاست  
 بگو الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و فضلنی علیک و علی کثیر ممن خلق آهسته  
 بگو که او نشنود و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که چون کسی از صاحبان بلا را بمنی رسد  
 آهسته بگو که او نشنود الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به و لو شاکت فعل که هر که چنین کند  
 هرگز بلا با و نرسد و در حدیث مقبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مبتلا  
 را ببیند و این دعا بخواند هرگز آن مبتلا نشود الحمد لله الذی عدل عنی ما ابتلاک به  
 و فضلنی علیک یا عافیة الهمم عافنی مما ابتلیت به و در روایت دیگر فرمود که این دعا بخوان  
 اللهم انی لا استخر ولا استعز و لکن الحمد لك على عظیم نعمائک علی و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقولست که چون محاب بلا را ببینید حمد کنید و ایشان شنوایند که عیش  
 اند و ایشان میشود فصل نهم در رعایت حقوق مؤمنان غیبت ایشان در حدیث مقبر منقولست

که شخصی حضرت امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد که فلان شخص شما را گمراه و مستعد میبند  
حضرت فرمود که حق بهم نشینی و مرا رعایت نکردی که سخن او را بمن نقل کردی و حق مرا رعایت  
نکردی که چنانکه من بپنداشتم از او بمن رسانیدی همه را مرا گمراهیست و محذور خواهم شمرد  
و وعده همه قیامت است و خدا میان ما حکم خواهد کرد زنها را که غیبت مکن که ناخوششان گمان  
جهنم است و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که ایمان  
بخدا و رسول و از نوشته در مجلسی که به امامی دشنام دهند یا غیبت مسلمانان کنند و در حدیث  
دیگر فرمود که هر که غیبت کند مسلمانان را ثواب روزه و وضویش بر فیه شود و در روز قیامت  
از دلوئی آید گنده از دلوئی مردار که اهل محشر همه در آزار باشند و اگر پیش از توبه بر سر و حلال کرده  
باشد چنین که خدا حرام کرده است و هر که احسان کند برادر مؤمن در مجلسی که غیبت او  
کنند و نگذارد که او غیبت کند حقیقی از انواع بیکار دنیا و آخرت از دور کند و اگر رود کند و نقد  
بر روی غیبت او شسته باشد مثل گناه آن غیبت کننده هفتاد برابر شسته باشد و از حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که هر که را بدیده خود به بینی که گناهی کند و دو گواه عادل بر او گواهی  
نمایند که گناهی کرده است او از اهل عدالت است و گواهیست مقبول است هر چند در واقع  
گناهکار باشد و هر که غیبت کند او را گناهی که درو باشد او از دوستی و یاری خدا بیرون است  
و در دوستی و یاری شیطان داخل است و تحقیقی که خبر داد مرا پدرم از پدرش از رسول خدا صلی الله  
علیه و آله وسلم که هر که غیبت کند مؤمنی را چیزی که درو باشد خدا در میان ایشان و بهشت جماع  
نمیدارد و هر که غیبت کند مؤمنی را چیزی که درو نباشد محصنت میان ایشان بریده شود و غیبت  
کننده در جهنم باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که در حق برادر مؤمن خود بگوید آنچه چشمش دیده  
و گوشش شنیده باشد از آنها خواهد بود که حق تعالی چنانکه بایست که او را بدوستان و در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر  
شایع شود گناهان برادر مؤمنان برای ایشان عذاب در دنیا و آخرت و در حدیث دیگر  
فرمود که غیبت آنست که در برابر مؤمن بگوئی عیبی و گناهی را که خبر و پوشانیده است و بهتان است  
که درو چیزی بگوئی که درو نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که غیبت کند برادر مؤمن خود را بی آنکه  
دشمنی در میان ایشان باشد شیطان در لطف او شریک شده خواهد بود و در حدیث دیگر فرمود

و نه خصلت است که در هر که باشد چهار چیز برای او لازم میشود و کسی که چون گوید دروغ گوید  
 و چون با مردم خلط کند بر ایشان ظلم کند و چون وعده کند بوعده خود وفا کند و جب است که  
 عدالت او در میان مردم ظاهر شد و مروت او در میان ایشان هویدا باشد و غیبت او بر ایشان  
 حرام باشد و اخوت او بر ایشان واجب باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
 که غیبت بدتر است از زنا زیرا که زنا کار تو به میکند و خدا تو پیش را قبول میکند و غیبت کننده  
 تو به پیش من است تا آن شخص او را حلال نکند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست  
 که برادران خود را یاد کنید هرگاه غائب باشند شما بهتر از آنچه دوست میدارید که ما را غائبانه یاد  
 و در حدیث دیگر فرموده که چون فاسق علانیه گناه کند و پیر و انکند او احرمت نیست و غیبت  
 او حرام نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که کسی که ایشا را احرمتی نیست  
 کسی که صاحب عرت باشد و آنم و پیشوائی ظلم کننده و فاسقی که علانیه فسق کند و از حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که رد کند حرفه بدی را که در عرض برادر مسلمانش گویند برای او  
 نبیند بهشت را البته و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که نزد  
 او غیبت کنند برادرش را پیش او را احرمت و یاری کند خدا تعالی او را در دنیا و آخرت  
 و اگر قادر باشد که دفع آن غیبت از او بکند و یاری او در آن باب بکند و نکند خدا هست کند  
 او را در دنیا و آخرت و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که حاضر باشد  
 در مجلسی که در آن مجلس کسی در عرض برادران مؤمن افتاده باشد و صاحب جاه و اعتبار باشد و او  
 رد کند بران ظالم و عرض برادر مؤمن را نگاه دارد حقیقی آنکس بکشد ملائکه را جمع میشوند نزد بیت  
 المعمور بر آن سجده و آنها نصف ملائکه آسمانهایند و ملائکه کر عی و عی و ش را و ایشان نصف ملائکه حجب اند  
 که ایشان همه نزد خدا احوال و ستایش میکنند و از برای او از خدا رفعت و منزلت و بلند می مرتبه  
 او را سوال میکنند پس حقیقی فرماید که من واجب گردانیدم برای او بعد و هر یک از شما که مدح او کنید  
 مثل صد و سیصد شهادت و جات بهشت و قصرها و باغها و بوستانها و درختان از آنچه خواهیم که عقل مخلوق  
 بآن احاطه نکرده باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس گفتی که در مذمت  
 مؤمنی برای آنکه عیب او را ظاهر کند و مردمی او را در هم شکنند و او را از دیدهای مردم بپندارند

خدا و او را از دوستی و یاری خود بیرون کند و در دوستی و یاری شیطان داخل کند و در احادیث  
معتبره منقولست که هر که دور و دور زبان داشته باشد که در حضور مردم هیچ ایشان کند و در غایت  
غیبت ایشان را گوید چون در قیامت محشور شود و زبان از آتش داشته باشد یکی پیش روی  
و پشت سر و در محشر بگفتند که این بود که در دنیا دور و دور زبان داشت و در روایت دیگر منقول  
است که محمد بن سبیل حضرت امام موسی کاظم علیه السلام عرض کرد که شخصی از برادران مؤمن من  
چیزی از زمین میرسد که خوشم نمی آید پس از سوال میکنم و او انکار میکند و حال آنکه جمیع از مردم ثقه  
این خبر را بمن نقل کرده اند آنحضرت فرمود که چشم و گوش خود را بکنند یک کس بدستی برادر مؤمن خود  
اگر بخواهد کس شهادت بدهند و سوگند یاد کنند و او خلاف آنها بگوید سخن او را تصدیق کن و  
آنها را بکنند یک کس و برای او چیزی را فاش نکن که موجب نقص عیب او باشد و آنحضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که کسی را رسوا کند در گناه بی چنان است که آن گناه را خود  
گرفته است و هر که مؤمنی را بخیر سرزنش کند از دنیا برود و آنرا خود نکند و آنحضرت صلی بن  
الحسین علیه السلام منقولست که هر که خود را از بدگویی در عرض مسلمانان نگاه دارد و خدا تعالی  
گناهایش را در قیامت بیاورد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست  
که هر که بهستانی بگوید برادر مؤمن یا این مؤمنه بخیری که در دنیا باشد خدا تعالی او را در میان چوک  
فروج زنا کاران که در دیگهای جهنم جوشد نگاه دارند تا آنکه از عهده گفته خود بر آید و آنحضرت  
امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که کسی را بگوید که مردم آنرا دانند نصیب نیست  
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اظهار شامت و شادی کن  
در بلای که برادر مؤمن تو نائل شود که خدا تعالی او را رحم میکند و از دفع میکند و بر تو میفرستد  
آن بار را و فرمود که هر که شامت کند بر صبیبت برادر مؤمن خود از دنیا بیرون رود تا آنکه بگفته  
نشود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که نزدیک ترین احوال بنده بجنبه آنست  
که کسی با مؤمنی برادر می کند و غش و شهادت را در خاطر نگاه دارد که یک روز آنرا با آنها سرزنش  
کنند و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود که ای جماعتی که بزبان مسلمان  
شده اید و ایمان بل شما رسیده است مذمت مسلمان کنید و تفحص صیبهای ایشان نکنید که هر

تقصص عیسیٰ مردم کنند خدا و ارسوا کند اگر چه گناه را در میان خانه خود کرده باشد و حضرت امام  
امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که هر که سرشش مؤمنی کند خدا او را در دنیا و آخرت سرشش کند  
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بدترین دروغها گمان بد ب مردم برون  
است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که متهم سازد برادر مؤمنش یا ایمان  
در دلتش گذاشته می شود چنانچه نمک در میان آب گذاخته میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله و سلم منقولست که فرمود که میخواهید خبر دهم شمارا از بدترین شما گفتند بلی یا رسول الله  
فرمود که آنها که در میان مردم بخی چسبی راه میروند و در میان دوستان جدائی می اندازند و از  
برائی عیبی بجان عیب میجویند و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که بهشت حرام است بخرت  
چسبیدن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که دو شخص بازرگی از هم جدا  
گشتی شوند مگر آنکه یکی ستمی بر اسی و لعنت آبی میشود و بسیار باشد که هر دو ستمی شوند شخصی گفت  
که اگر یکی مظلوم باشد چه ستمی لعنت شود و فرمود که براه آنکه چنانچه آید بزدان دیگری که او را بدارد  
بصله و احسان و از مبی او در گذرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
که از روی وجدائی زیاد ماز سه روز نمی باشد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست  
که پیوسته شیطان فرس و شادی است تا دو مسلمان از یک دیگر آزرده اند و دوری کنند  
و چون با هم ملاقات کنند از انوائش برسم بخورد و بند مالش جدا می شود و فریادی کند که وای  
چه بلا بگو بکبر سر من آمد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر دو مسلمان که از  
هم دور می کنند و سه روز بگذرد که صلح نکنند از اسلام بدر میروند و میان ایشان دوستی ایمانی  
بر طرف می شود و پس هر یک که زودتر باز دیگری سخن بگوید در قیامت زودتر بهشت خواهد رفت  
فصل دهم در آداب معاشرت ظالمان و غلبی از احوال ایشان بسند معتبر از حضرت امام موسی  
کاظم علیه السلام منقولست که بشیعیان خود فرمود که ای گروه شیعه گردنهای خود را دلیل کنید  
بزرگ اطاعت پادشاه خود پس اگر عادل باشد از خطا بپسید که او را از شما باقی دارد و اگر ظالم  
ستیمار باشد از خطا بپسید که او را با صلاح آورد که صلاح شما در صلاح پادشاه شماست  
و پادشاه عادل بمنزله پدر مهربانست از برای آنچه بخواهید آنچه از برای خود میخواهید و از برای او نخواهید

آنچه از برای خود میخواهد و بسند منبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خدا رحمت کند کسی که یاری کند پادشاه خود را بر نیکی کردن با او و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که متعرض پادشاه ظالمی بشود و او را ناسی بیاید خدا و را بر آن آزاد و ثواب دهد و صبر و استقامت کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که مدح کند پادشاه ظالمی را و نزد او طعنه کشد و تذلل کند برائی طمع دنیا قرن او باشد در جهنم زیرا که حق تعالی فرمود: **إِنَّ الَّذِينَ يَكُونُونَ لِلدُّنْيَا نَافِلًا يَكُونُونَ فِيهَا مُنَادًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ** یعنی بل میل کنی به بسوی آنها که ظلم می کنند پس من کند شمار آتش و فرمود که هر که زنهائی کند ظالمی را بر ظلم و رجعت با ما مان و زنی عیون باشد و هر که از جانب ظالمی خصوصیت کند یا داری آن نماید و آن خصوصیت چون ملک موت بزند او آید بگوید شارت باد ترا لعنت خدا و آتش جهنم و هر که از یانه در دست گرفته نزد پادشاه یا حاکم جا بری پیوسته حق تعالی آن را از یانه را در قیامت از دوائی گرداند از تمش که در از می آن نهاد و ذراع باشد و سله گرداند از ابر و در دست و می نمود از حاضر شدن بر منبره فاسقان و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله وقت فوت وصیت فرمود بجزرت امام حسن که دوست دار صالحان را برائی اصلاح ایشان و مدارا کن نظام هر بنا فاسقان و در دل دشمن ایشان پیش و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که دوست دارد و با خدا خالمان دوست داشته است که خدا تعالی را معصیت کند و هر که دوست دارد که خدا را معصیت کند با خدا تعالی دشمنی کرده است علانی و در حدیث دیگر فرمود که حضرت عیسی بنیستینا علیه السلام بانی اسرائیل میگفت که یار منی سپید ظالم را بر غلش که فضل شما باطل میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چهار چیز است که دل را فاسد میکند و خاق را در دل میرد و باند چنانچه آب درخت را میرد و باند شبنم سازد و خواند گیاه خشکفتن و بدر خانه پادشاه رفتن و از پی شکار رفتن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که نگاهدارید و حفظ کنید دین خود را پی پیسیر کاری از محرمات و قوت دهید دین خود را به نقیه کردن از مخالفان و متبغی شدن بخدا از طلب کردن حویج از پادشاهان و بدانید که هر مومنی که خصوص و شکستگی کند نزد صاحب طاعتی پاک کسی مخالف او باشد در پیش از برای طلب آن دنیائی که دیوست اوست خدا او را گم نام کند و دشمن دارد و او را بخود بگرداند اگر چیزی از دنیا برنشاید یا به خایه کت را از آن بردارد و او را ثواب ندهد



اگر چه می کند و هیچ پسر یا بنده آنکه درین مورد حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
منقولست که چون دروز قیامت شود منادی از جانب خدا تعالی ندا کند که کجائی ظالمان و  
مردگار ان ایشان و آنکه دوات ایشانرا ایستاده اند یا سر کیه بر ایشان بسته اند یا بد قلمی ایشان  
واده اند آنها را هم با ظالمان محسوب کنید و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هیچ بنده یا پادشاهی نزدیک  
نمی شود مگر آنکه از خدا دور میشود و هیچ بنده مالش نیاده نمی شود مگر آنکه حسابش دشوارتر میشود و هیچ بنده  
اتباعش نیاده نمیشود مگر آنکه شیاطین او بیشتری شوند و فرمود که زنهار از کینه سید از در خانه  
پادشایان و آنها که با پادشایان سی باشند که نزدیکترین شایانها دورترین شمایانها از خدا و سر  
پادشاه را بر حق تعالی خستیار کند خیار بریز گاری را از او بردارد و او را حیران کند و در حدیث صحیح  
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که معذور دارد ظالمی را در ظلم او خدا مستطاف دارد  
بر او سیر که ظلم بر او کند پس اگر دعا بشنود و عایش سنجاب نشود و خدا او را بران ستم که میکشد ثواب  
نهد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که یاری دهد ظالمی را بر مظلومی پیوسته حق تعالی با او دشمنانکند  
نادرست از ان یاری بردارد و در حدیث دیگر فرمود که در زمان حضرت موسی علیه السلام پادشاه  
ظالمی بود که حاجت نمونی را بشفاعت بنده صالحی بر آورد پس آن پادشاه و آن مرد صالح  
هر دو در یک روز مردند و مردم اهلی بر بنانه آن پادشاه جمع شدند و در بازار ایستادند و بگفتند  
آن تاسه مرد و آن مرد صالح در خانه خود ماند تا که هرهای زمین برایش را خوردند پس حضرت موسی بعد از سه  
روز آن مرد صالح را با آنحال مشافهه فرمود و گفت پروردگار آن دشمن تو بود که با آن پادشاه و اگر ام  
او را بر شتند و این دوست تست و این حال مانده است حق تعالی او را فرستاد و او که با موسی  
این دوست من از ان جبار حاجتی سوال کرد و او بر آورد و او را مکافات داد و مرا بر آورد و من  
آن نمون و کرهای زمین را بر روی این مسلط گردانیدم برای سوالی که از ان جبار کرد و در حدیث  
دیگر منقولست که سلیمان پسر داود است حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که میخیزد  
دیکرهای که مردم متکلم می شوند از جانب پادشایان حضرت فرمود که داخل شدن در اعمال ایشان  
و یاری ایشان کردن و سعی در حوایج ایشان نمودن معادل کفر است و عموما نظریه ای ایشان که دین گناه  
گیره است و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که برود بنزد نوگری و بنزد او کشتگی کند

برای توگران اود و ثلث و پیش میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که برود نزد پادشاه ظالمی و او را امر به پرستش گاری کند و پند نصیحت بگوید او را ثواب جن و انس داده باشد و از علی بن ابراهیم منقولست که گفت من دوستی داشتم از نویسندگان بنی امیه با من بخدمت حضرت جعفر صادق علیه السلام آمد و عرض کرد که من در دیوان بنی امیه کار میکردم و مال بسیاری بهرسانیده ام حضرت فرمود که اگر نه این بود که مردم بر بنی امیه کتابت نمی کنند و نیست برای ایشان جمع نمی کنند و از برای ایشان جنگ نمی کنند و بزرایشان حاضر میشوند هر چند حق ما را غصب نمیکردند لکن شغل گفت که ایام اچارهاست حضرت فرمود که اگر بگویم خواهی کرد گفت میکنم فرمود که هر چه کسب کرده در دیوان ایشان آنچه صاحبش را می شناسی پس ده و آنچه نمی شناسی تصدق کن و اگر چنین کنی من ضامن بهشت میشوم برای تو پس آن شخص ساعتی سردپیش افکند پس گفت چنین میکنم علی بن ابراهیم گفت که آن جوان با ما بگو ف آمد و تمام مال خود را و حتی آنجا مهابائی که پوشیده بود و ادربیان خود مالی جمع کردیم و جامها بر او خریدیم و خر برای او فرستادیم بعد از چند ماهی بجا شد چون من بدیش رفتم در حالت جان کندن بود چشمش کشود و گفت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بضامن خود وفا کرد این را گفت و مرد پس او را دفن کردیم و در سال دیگر خدمت آنحضرت رفتم چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که والله که برای رفیق تو وفا بضامن خود کردیم و از فضل بن مزید که نویسنده خلفا بود و شنیده منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم و عرض کردم که میدانید خدای تعالی که من بزرادین خلفا میکنم حضرت فرمود که آنچه بهم برسانی بشیعیان بده حقتالی میفرماید که دستا گنابان و سیات را می برد و در حدیث معتبر منقولست که صفوان شتر دار آمد بخدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام حضرت فرمود که همه چیز تو خوب است بغیر از آنکه شترائی خود را به ماران رشید گرایه میدی صفوان گفت که والله که من شتر خود را با دو گرایه نداده ام برای کاری بزرگ یا سکاری یا بیهوی ولیکن از برای راه گله منظمه با دو گرایه داده ام و من خود با دو نمیروم تو گران و خدامان خود را میفرستم فرمود که آیا میخواهی که اینقدر رزنده باشی که گرایه ترا بدهد گفت بلی فرمود که هر که زندگی ایشان را خواهد از ایشان هست و هر که از ایشان هست از اهل جهنم هست و

حدیث دیگر منقولست که عبدالغفار بن قاسم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که چه میفرماید  
در باب رفتن نبرد پادشاه فرمود که خوب نیندازم برای تو گفت بسیار است که بشام میروم و مرا نبرد  
اینکه پس پیر ولید میرند حضرت فرمود که رفتن نبرد پادشاه و حکام باعث سرخیزی شود اول  
محبت دنیا دژم فراموشی مرگ شوم راضی نبودن با آنچه خدا ترا روزی کرده است گفت  
یا ابن رسول الله من مرد عیال دارم و تجارت میروم با نجار برای منفعت حضرت تجویز آن فرمود  
و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد حکم پادشاه ظالمی و اعانت او  
کنند از دوستان او خواهد بود و از حضرت رسول صلوات الله علیه و آله وسلم منقول است که  
ووصف انداز است من که صلاح ایشان موجب صلاح تمام است و فساد ایشان  
موجب فساد جمیع امت فقیهان و پادشاهان و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود امید  
نجات دارم برای کسی که اعتقاد بامان داشته باشد ازین امت مگر کسی صاحب اختیار  
که ظلم کند بر عیبت خود و کشیک در دین بخت کند و کسی که علانیه فتنه کند و فرمود که کسی اندک که  
ایشان سازعت کند دلیل و بیقدر می شود پادشاه و شمشیر خواهد و از حضرت رسول صلی  
علیه و آله وسلم منقولست که یوفاترکم دوست تر از همه کس پادشاهانند و در حدیث حسن از  
آن حضرت منقولست که هر که حکومت خستیار کند و عدالت کند و در خانه خود را بکشد و پرده بردارد  
و نه کسی را بدو داشته باشند و باحوال همه مردم برسد بر خدا لازم است که ترسل او را در قیامت  
باینی مبتل گرداند و او را داخل بهشت گرداند و در حدیث دیگر فرمود که چون حقیقی خیر عتی خواهد  
پادشاه مهربان بر ایشان مسلط گردد که نداند برای او وزیر عادل میسر میگردد و ندانند مقبر از  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که خداوند عالمیان فتنی نماید که نمیرد و رگباری  
بجز من خدائی نیست آفریده ام پادشاهان را و دلہائی ایشان پرست من است پس سرگردانی که  
اطاعت میکنند دلہائی پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گردی که حصیت من میکنند  
دلہائی پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس مشغول گردانید خود را بر شخام و ادن پادشاهان و  
تو گنبد بسوی من نادلهائی ایشان را بر شما مهربان گردانم و در حدیث دیگر فرمود که چون حقیقی  
بهشت را خلق نمود فرمود که بزرگوارسی خود سوگند میخورم که داخل بهشت نمیکنم کسی را که همیشه شر

خود و مخم چسبنازا و دیوث را و چو کیان ظالم از او شکافند گان قسرها را و تمنایان را  
که مشهور از مردم میگردد قطع کنند و هم را که سبک بجز قابل باشد در حدیث دیگر فرمود  
که هر که بناحق سر کرده جماعتی شود بر ایشان استیلا یا بدحق تعالی او را در کنار جهنم باز می برد  
هزار سال یا در و چون محو شود و ستمهاش بگذرد نشسته باشد پس اگر با خدا و یا انبیا عجل کرده باشد  
خدا او را بکشد و اگر ظلم بر ایشان کرده باشد او را به جهنم اندازد و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
منقولست که هر که والی مسلمانان شود و ایشان را ضائع گذارد و باحوال ایشان نپرداخته و خدا او را  
ضائع گذارد و رحمت خود را از او باز گیرد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول  
است که هر والی که مردم را ممنوع سازد از آنکه کارایی خود را با عرض کنند حق تعالی در قیامت  
حاجات او را بر نیارد و اگر چیزی برسد بیدیه بگیرد چنان است که غنیمت و زودی کرده است  
که بدین و زودی است و اگر رشوت گیرد چنان است که بخدا شک آورده باشد و در حدیث معتبر  
از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی و می فرستد و بسوی غیر از پیغمبر  
که در مملکت پادشاه جاری بود که برویان پادشاه بگو که من ترا پادشاه نموده ام که خون مردم را  
بریزی و الهامی ایشان را بگیرد بر این ترا پادشاه کرده ام که مدالهای مظلومان را از من بازگیری  
بدستیک من ترک بازخواست ستمهای که بر ایشان میشود نمیکند هر چند کافر باشند و از حضرت  
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در جهنم کوهی است که آنرا صده میگویند و در آن کوه  
وادی است که آنرا سقر میگویند و در آن وادی چاهی است که آنرا بیب میگویند هر گاه که پرده  
آن چاه را بر میدارند اهل جهنم از گرمی آن بفریاد می آیند و آن چاه جای جباران است و در  
روایت دیگر منقولست از محمد بن اسمعیل بن بزیع که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که خدا  
در در خانه پادشاهان جماعتی است که خدا بدین خود را با ایشان عطا فرموده است و ایشان را استیلا  
بر شهید داده است که بسبب ایشان از دوستانش ضرر پادشاهان را دفع کند و بکشت ایشان  
صلاح آورد و مسلمانان را و مؤمنان در مالهای بد ایشان پناه میبرد و محتاجان شعیمان را  
با ایشان منوسل میشوند و ایشان خدا ترس مؤمنان را میبندد و در مملکت ظالمان  
ایشان را مؤمنان بحق و راستی و ایشانند ایشان خدا در زمین دلور ایشان روشن میدهد اهل آنرا

چنانچه ستاره باروشنی میسند اهل زمین را در قیامت نور ایشان عرض مشرق را روشن میکنند  
و ایشان برای بهشت خلق شده اند اگر خواهی که از ایشان باشی شاد گردان نومنان از شیعیان  
باز در حدیث صحیح از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی  
علیه وآله وسلم منقولست که هر که بر سائید پادشاهی حاجت کسی را که نتواند حاجت خود را با و  
رسانیدن حقتعالی پایش را در قیامت بر صراط ثابت گرداند و در حدیث معتبر منقول است  
که حمیری عرضه نوشت بخدمت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه که شخصی هست که قصد  
اوقافست و حلال میداند نصف آنها را بلی پروا میگرد و و صرف میکند و من گاهی در راه او  
وارد می شوم و اگر طعام او را نخورم با من عداوت میکند و گاهی بدیدم بهم بر آن من میفرستند حضرت  
در جواب نوشتند که اگر آن مرد مالی و معاشی بغیر از آنچه در دست اوست از وقف و اطماعش  
بخور و احسانش را قبول کن و اگر بغیر آن اهل حرام چیزی دیگر ندارد طعامش را نخور و مالش را قبول کن  
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه دعاست که از درگاه خدا رد نمی شود  
دعائی بد برافشی بر زندیکو کار و نفرین او بر سر زند بکار نفوس بین مظلوم بر ظالم و دعائی بد  
مظلوم بر کسی سبکه که انتقام از ظالم بر او بکنند و دعای مؤمن بر آن مؤمنی که از برائے  
دوستی الهیت او را ببال خود اعانت کند و نفرین مؤمن بر کسی که اعانت او کند با قدرت  
و محتاج آن مؤمن با و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که حق تعالی  
میفرماید که غضب من سخت و شدید است بر ظالمی که ظلم کند بر کسی که یا در محبت من نماید  
و در حدیث دیگر منقول است که حقتعالی میفرماید که من توبه نمیکنم دعای کسی را که مظلوم از  
کسی نزد او باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه وآله منقولست که ظلم کننده و یار  
کننده او بر ظلم و سبکی با کسی آن ظلم باشد هر سه در گناه شریک اند و از حضرت امام جعفر صادق  
علیه السلام منقولست که هر که ظلمی بر کسی بکند حقتعالی بر انگیزد کسی را که مثل آن ظلم نسبت  
او یا فرزند ز غان یا فرزند ز غان او بکند و در حدیث دیگر فرموده که هر که حق مؤمنی را حبس  
کند حقتعالی در قیامت او را پانصد سال بر پایدارد تا آنکه از عرقش برود خانه جاری شود و هنگامیکه  
نداند که این است ظالمی که حق خدا را حبس کرده است پس چهل روز او را زنجیر کنند پس

بفرماید که احدی بکهنم نرزد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که بهترین چهاردها آنست که چون کسی صبح کند غلیم کسی در خاطر داشته باشد فعلی از دهم در آداب معاشرت با کافران و مخالفان در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سزاوار است نیست مومن را که با کافران اهل ذمه شرکت کند یا امانتی بایشان بدهد که برایش چیزی بخسند یا چیزی بایشان بپارد و یادوستی بایشان بکند و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که مسلمان را نباید که با کفر در یک کاسه چیزی بخورد و یا او در یک خانه بشیند و یا با او صاحب کند و در حدیث دیگر فرمود که اگر محتاج شوی طیبی بسلامتی نیست که بر او سلام و او را دعا کنی که دعای توفیقی با و نمیرساند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که ابتدا آئین اهل کتاب را بسلام و چون ایشان بر شما سلام کنند علیکم بگویند در جواب ایشان و با ایشان مصافحه کنید و ایشان را بجنسیت نام مبرید مگر آنکه با آنها مضطر شوید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد که من ببلاد کافران میروم و مردم میگویند که اگر آنجا بمیری با آنها مشغور خواهی شد حضرت فرمود که اگر آنجا بمیری آنجا مشغور خواهی شد و نور تو در قیامت پیش ویتو خواهد بود و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که پرسیدند که دعا برای یهودان و زرتسایان چگونه بکنم فرمود که بگویند بَارَكَ اللهُ لَكَ فِي دُنْيَاكَ لَعْنَةُ اللهِ عَلَى يَدَاكَ یعنی برکت دهد خدا از برای تو در دنیای تو و در حدیث دیگر فرمود که اگر با ایشان مصافحه کنی از زیر جامه مصافحه کن و اگر دستش بدست تو برسد دست را بشوی و در حدیث دیگر فرمود که اگر اهل ذمه یعنی یهودان و زرتسایان گوسه ان مصافحه کنی دست را بخاک یا بدیوار بمال و اگر با دشمن اهل بیت مصافحه کنی دست را بشوی و شهر میان سلام آنست که آن دست را بخاک یا بدیوار مالیدن بصورتیست که دست مسلمان و ایشان هیچیک تر نباشد و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر کسی با کفری مصافحه کند دستش را بشوید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که یهود یا زرتسایا بگری یا پسیند بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ يَا لَيْسَ لَكَ دِينًا وَ لَاقَرَانٌ كِتَابًا وَ مُحَمَّدٌ نَبِيًّا وَ عَلِيٌّ إِمَامًا وَ يَا مُؤْمِنِينَ اخْوَانًا وَ يَا لَكُمُ الْعِزَّةُ قَبْلَهُ



خدا تعالی میان او و آن کافران و مجنوم جمع نکند و حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام  
منقول است که تقیه سپردن است و ایمان ندارد کسی که تقیه نمی کند فرمود که نه عشر دین تقیه  
است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله منقول است که تقیه در بلاد مخالفان کفر و  
وجوب است و کسی که از دشمنی قسم بخورد و از برای آنکه دفع ضرر از خود بکند بر او گناه و کفاره نیست  
و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که گرامی ترین شما نزد خدا کسی است که تقیه بیشتر کند  
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که دین خود را حفظ کنی و پنجاه واریت تقیه  
گردد از مخالفان بدستیکه شمار در میان سنیان از بابت مگر علی علیه و السلام بر مغان اگر مرغان  
بدانند که غسل و شکم آنهاست یکی را زنده نیکه زنده و اگر سنیان بدانند که محبت مادر سینه  
شماست هر سینه همه شمار را پاک کنند و حضرت امام رضا علیه السلام میفرمود که تقیه  
تقیه را ترک کند چنان است که نماز را ترک کرده است بدانکه تقیه در بلاد مخالفان  
و سنیان وجوب است هرگاه بیم ضرری باشد بآنکه اظهار دین خود نکنند بلکه دین ایشان را بکشند  
و دوستیکه ایشان مطلع باشند و وضو و نماز و سایر عبادات را بطریقه خود مخفی واقع نتوانست  
وضو و نماز و سایر عبادات را بطریق ایشان اهل آئند و آدمی خود بهتر میداند که در چه وقت خوف  
فهرست و تقیه لازم است و تقیه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که آدمی ظن ضرر داشته باشد لازم  
است گردن خون که در آن تقیه نیست باشد مثل آنکه گویند کسی را بکش و اگر ترسیدیم بایک که خود کشته شود  
و او را نکشد فصل دوازدهم در بیان حقوق مردگان بر زندگان بدانکه چون بر کسی انار موت میسر  
شود اول کسیکه باید باحوال او و پیران و آن شخص خودش است که سفر اید و بی آخرت در پیش دارد و در خود  
آن سفر او را نوشته میباید پس اهل چیزی که او را ضرر است اقرار بگناه و اعتراف بتقصیر و دامت از  
گذشتهها و توبه کامل کردن است و تضرع و زاری بجناب مقدس ایزدی کردن که از گناهان گذشته  
او درگذرد و در احوال و اموالی که در پیش دارد او را بخود و انگذار و پس متوجه وصیت شود و حقوق  
خدا و خلق را بخود و زوجه او باشد و اگر دیگران نگذارند که بعد از مردن تسلی از دستش میدرد و  
بحسرت و اموال خود نکند و شیا عین چمن و نس و سوسه پاک کنند و او عیاد و از ثمان او را مانع شوند  
که زنده او را بر چسبازند و او را چاره نباشد و گوید برگردانید مرا که انگذار بچانه اعمال نیست و خود را هم

در مال خود کم و از دشمنان و حسرت و ندامت سودی نبخش پس بقدر ثلث مال خود از برادر  
خویشان و تصدقات و خیرات و آنچه که مناسب احوال خود و اندوختن کند که زیاده از ثلث را  
خستیا ندارد پس اگر از برادران مؤمن خود بطلب و هر که رغبت کرده باشد یا الهامی یا  
آزادی باور سانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او احلال کنند و اگر حاضر  
نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او ابرائی ذمه بخورند پس امور اطفال و عیال خود را  
بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بگذازد و وصی بر او و اولاد غیر خود تعیین نماید پس کفن خود را  
مهیّا کند و از شهدای بن و عقائد حق و اذکار و اعدی و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است فلین  
رساله ذکر گنجایش آن نهادن و تربت حضرت امام حسین صلوات الله علیه بفرماید که بنویسد و این  
در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن اهمیت نگرفته باشد و اگر نه مؤمن میسباید که همیشه  
تفکّر میهن باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که  
تفکّر میهن او باشد در خانه اش در از غافلان نویسد و هرگاه که نظر کند آن کفن ثواب یابد و باید که بعد از  
در فکر زن و سرزند و مال نباشد و متوجه جناب مقدس ایزدی شود و بیا و او باشد و تفکر کند که این مرد  
فانی بکار آدمی آید و بفرمان لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی نماند یا او نمیرسد و بدان که  
چون توکل بر حق تعالی کند امور باز ماندگان او با حسن و جود صورت خواهد یافت و بدانکه اگر خود را  
ان بدین شیت آلی لغی یا ایشان نمیتواند رسانید و ضرری از ایشان دفع نمیتواند کرد و آنرا خلاص  
که ایشان فهمیده است از دوا ایشان مهربان تر است و باید که در مقام رجاء و امید باشد  
و از رحمت الهی بسیار امید دارد باشد و از شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت  
ایمه معصومین علیه السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قدم شریف ایشان باشد و بدانکه هر گاه در  
آنوقت حاضر بشوند و شیعیان خود را بشارت میدهند و ملک الموت را سفارشهای میکنند  
و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو  
کند علامت نقصان عقل و مردوت اوست گفتند که یا رسول الله چگونه نیکو وصیت کند فرمود که  
چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللهم فاطمة القموات و الا ذنوب  
تالم الغیب و الله اعلم الریحین الریحین فی اعمده الی الی الی انی اشهد ان لا اله الا انت

وَحَدَّثَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ  
السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبْعُثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِجَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ  
حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ النِّعَمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالشَّرِبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ  
وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا نَزَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ  
كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَأَنِّي أَخَعِدُكَ إِلَيْكَ  
فِي دَارِ الدُّنْيَا إِنِّي رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا  
وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَلَنْ أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَهْمِي  
اللَّهُمَّ أَنْتَ نَفَعْتَنِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَاؤِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتَنِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي  
تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي وَالْهَمِي وَالْأَبَاؤُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي  
إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا أَوْ إِلَى قَبْرِ أَبِي وَخَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا لِيَوْمِ  
الْقَالِ مَشُورًا لِي حَضَرَ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَرَمُودَكَ أَيْنَ عَهْدِي بِيَانِ مِتُّ أَمْ  
بِأَخِي وَرَضِي كَيْفَ يَخُودُكَ وَصِيتُ كَيْفَ وَصِيتَ لِي وَوَجِبَ لِي وَوَجِبَ لِي بِرِي سَلَامِي بِحَضْرَتِ  
الْإِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ أَنْ قُلْتُ أَيْنَ حَدِيثُ فَرَمُودَكَ لِي صَدِيقِ أَيْنَ مَخْرُجِي مِنْ رِسْوَةِ مَرِيضَتِي  
كَمْ حَقًّا لِي بِفِرَائِدِ لَا يَمْلِكُ الْوَنُ الشَّعَاعَةُ الْآمَنُ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا أَيْ دَقِيقًا  
مَالِكِ شَفَاعَتِي سَتَدْرِكُنِي كَمْ كَرَفَةٍ بَاشَدَ نَزْدِي وَرَوْدًا كَمْ خَشْنَةٍ عَمْدِي وَأَيْنَ أَنْ عَهْدَتِ  
وَحَضَرَ رَسُولَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَضَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودَكَ أَيْنَ وَصِيتُ  
لِي وَبِأَخِي وَبِأَخِي خَوْشِي عِيَانِ خَوْشِي وَبِهِ چَانِجِ جَبْرِئِيلَ تَعْلِيمِي مَنْ نُمُودَ الْكَرِيمَةِ خَوْشِي  
وَرَسْتِ نَكْرَهُ بَاشَدَ جَمْعِي أَيْنَ مُؤْمِنَانِ رَا حَاضِرُكَ وَبِأَعْقَادَاتِ خُودِ الْإِسَارِ الْكُوهِ بَكِيرِ وَبِأَيْنِ نَحْوِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ  
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ  
وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ لِيَسْأَلَ بَارِئِ  
كَأَنِّي بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمَشْهُورُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ  
فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَانِ بْنِ دَانَمِ خُودِ وَبِهِ خُودِ نَبِيْدَ أَشْهَدُ لَهُمْ وَأَسْتَوْدِعُهُمْ وَأَقْرَأُ

عندهم أنه كنهه أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وإن محمد عبده و  
رسوله وآله مع جميع الأنبياء والرسل عليهم السلام وأن علياً ولي الله وإمامه  
وأن الأئمة من ولد الإمام أحمد وأن أولهم الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد  
بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي  
بن محمد والحسن بن علي والفاطمه الحجة عليهم السلام وأن الجنة حق والنار  
حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور وأن محمداً صلى  
الله عليه وآله رسوله جاء بالحق وأن علياً ولي الله والخليفة من بعده رسول الله  
وبستخلفه في أمته مؤدياً الأمر به تبارك وتعالى وأن فاطمة بنت محمد وابنتهما  
الحسن والحسين أبناء رسول الله وسيطان إماما الهدى وقائداً الرضا وأن  
علياً ومحمداً وجعفر وموسى وعلياً ومحمداً وعلياً وحسناً والحجة عليهم السلام أئمة وقادرون  
ودعاة إلى الله عن وجهه على عباد الله يسر كوي بگوایان که نام شان در آن سیف  
نوشته خواهد شد یا فلان یا فلان یا فلان نام شان را گوید آیتشوا علی هدی الشهادة عندكم  
حتى تلقوني بها عند الخوف يسر كوا یا بگویند یا فلان نستودعك الله و  
الشهادة والافراز والاخاء مؤثوداً عند رسول الله صلى الله عليه وآله و  
نقر عليكم السلام وصلى الله وبركاته پس فی راه پیچیده و گسترده بهر آن شخص  
و بهر گویان و از جانب دست میت با جریه بگذرانند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقولست که بر شخصی از انصار در وقت جان کنن حاضر شدند و از او پرسید که  
خود را چون میبایی گفت که امید رحمت الهی دارم و از گناهای خود تیر فسم بود که این دو  
حالت درین وقت در من نمی باشد مگر آنکه خدا امیدش را میدهد و از آنچه که میرسد او را  
ایمن میگردد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شدند  
بزر شخصی که در حال حضار بود و فرمود که بگو اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک  
واقبل منی الیسیر من طاعتک و اما آنچه متعلق بخویشان و برادران مؤمن است باید که او  
در چنین حالی تخلف نکرند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره کس و الصافات نزد او بخوانند

واعتماد بر وحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و امامت ائمه  
معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و سایر اعتقادات حق را از بهشت و دوزخ و صفات  
کمالیه الهی و تنزیه خدا از انقائص بزرگ گویند که او بگوید و اگر نتواند گفت بر او بخوانند و عاصیده را  
بر او بخوانند و مخیش را اگر کسی نداند بر او الفاکسند و پایش را بسوی قبله کنند و در آنوقت  
حاضر و غیاب نزد او یابند که ملائکه از ایشان است می کنند و اگر کسی دیگر حاضر نباشد بر او  
اضطرار نزد او باشند و چون نزدیک شود که جانش بیرون رود و آنها بیرون روند و در آنوقت  
مقبور وارد شده است که اگر جان کند بر او دشوار شود و آنرا پیر بنما بجا می که همیشه باز میگردد  
است پیر روی جانمان می که بر او نماز می کرده است او را بخوابانند که اگر امید شفای هست  
شفای یابد و اگر نه جانش باستانی بیرون می آید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم داخل شدند بر شخصی فرزند آن عبد المطلب و او در حال احتضار بود  
فرمودند که پائی در آبسوی قبله کنسید تا ملائکه باور و آورند و رحمت الهی متوجه او گردد و آن  
حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در بیمار در حالت احتضار دست بر او می گذارید  
و اگر دست و پا زدن انحرش شود چنانچه جاهلان می کنند و ز او قرآن بخوانید و یاد کنید  
و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقولست که فرزند می از حضرت امام  
جعفر صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در کنار خانه نشسته  
بودند و هرگاه کسی نزدیک او میرفت منع میکردند و نمی نمودند که دست بر او می گذارید که او  
درین حالت در نهایت ناتوانی است هر که دست بر او می گذارد چنان است که او در بهشت است  
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که لمقین سید مردگان  
خود را که لا اله الا الله بگویند که هر که آخر نفسش که لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در  
حدیث دیگر فرمود که لا اله الا الله لمقین ایشان بگویند که گناهار در هم می شکنند و در حدیث  
صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابند  
این کلمات فرج را لمقین کنند که او بگوید لا اله الا الله العظیم الکرمیم الکریم لا اله الا  
الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما



فِيهِمْ قَوْمًا يَكْفُرُونَ قَرِيبَ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَدَرِ حَدِيثِ دِیْگَرِ  
 مَنْقُولِست که هرگز از اهل خانه حضرت امیر المؤمنین مجتبر نشد آن حضرت کلمات فرج را تلقین  
 ایشان فرمودند که بخوانند چون بخوانند نمی فرمود که برو که دیگر بر تو پاکی نیست و در حدیث  
 حسن دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نزد شخصی از بنی هاشم حاضر شدند  
 در حالت جان کندن فرمودند که این کلمات را بخوان چون خواند گفتند الحمد لله که خدا  
 او را از آتش جهنم نجات داد و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که هیچکس  
 نیست مگر آنکه شیطان جمعی از شیاطین را مکل میکرد و اندر بر او در وقت مردن که او را بشکافتند  
 در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر کسی مؤمن کامل باشد نمیتواند او را بشکافت انداخت  
 پس در آنحال تلقین ایشان بکنند کلمات تسبیح و شهادتین و تسبیح را بمائمه علیهم السلام بیکبار  
 تا او از سخن گفتن باز ماند و در حدیث دیگر فرمود که اگر بت پرستی در وقت مردن تسبیح را بت  
 ائمه معصومین علیهم السلام بکند و تسبیح را اعتقاد کند آتش جهنم بر هیچ عضو او نرسد و در حدیث  
 دیگر فرمود که شخصی را مرگ رسید حضرت رسول نزد او حاضر شدند با جماعتی از صحابه و او پیش  
 بود پس حضرت فرمودند که ای ملک الموت دست از او بردار تا از سوال کنم پس آن شخص  
 بهوش آمد حضرت فرمود که چه چیزی می بینی گفت سفیدی بسیار و سیاهی بسیار می بینم حضرت فرمود  
 که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت سیاهی پس حضرت فرمود که بگو اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ  
 مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلَ مِنِّي الْمَسِيئَةَ مِنْ طَاعَتِكَ پس آن شخص بهوش شد باز ملک الموت فرمود  
 که دست از او بردار پس دهبوش آمد حضرت فرمود که چه چیزی می بینی گفت که سفیدی بسیار  
 سیاهی بسیار فرمود که کدام یک بتو نزدیکتر است گفت که سفیدی حضرت فرمود که او را آمرزیدند  
 پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که نزد هر که حاضر شوید در این حال بگوئید که این دعا را  
 بخواند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم نزد جمعی حاضر شدند  
 در وقت مردن و باو گفتند که بگو لا اله الا الله زبانش نده شده بود و نتوانست گفت  
 حضرت پرسیدند از زنی که بر بالین او نشسته بود که این مادر دارد گفت که من مادر او نیستم فرمود  
 که از خوشنودی یا بر او غضب نمایی گفت شش سال است که باو سخن نگفتم فرمود که از او راضی



پس حضرت بانجوان گفت که بگو لا اله الا الله زبانش شوده شد و گفت پس حضرت از د  
 پرسیدند که چه چیزی بینی گفت که مرد سیاهی بد رو بد بوی جامه چرکین رومی بنیم که نزدیک من  
 است و گفتمی مرا گرفته بود حضرت فرمود که بگو یا من یقبل الیسیر و یعقوب عن الکثیر اقبل  
 منی الیسیر و اغف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم چون انجوان این دعا بخواند  
 حضرت فرمود که چه چیزی بینی گفت که مرد سفید روی خوشبو خوش جامه رومی بنیم که نزدیک  
 من است و آن مرد سیاه می رود فرمود که باد بگیر این دعا بخوان چون خواند فرمود که چه چیزی بینی  
 گفت که آن سیاه را نمی بینم و سفید رومی بنیم که نزدیک من است این را گفت و فوت شد پس چون  
 فوت شود سنت است که دیانش را برسم گذارند و چانه اش را بر بندند و پیش را بر هم گذارند  
 و دستهایش را بر پهلویانش بکشند و جامه بر رویش بیندازند و قرآن نزد او بخوانند و زود  
 پیر و ازندش و آن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که سزاوار است که برادران را  
 خبر کنند بیرون تا با جنازه او حاضر شوند و بر او نماز کنند و هرگاه که مستغفار کنند و میت  
 ثواب بر دوشان ثواب ببرند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست  
 که چون بمومن را بفرستند از زندان می کنند او را که اهل عطائی که ترا وادیم پشت است و اقل  
 عطائی که وادیم آنها را که جنازه تو آمده بودند آمرزش گناهایان است و در حدیث دیگر فرمود که اول  
 تنه که بمومن میدهدند قبر آن است که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده است و در  
 حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را دفن کند حق تعالی او قیامت بهشت و ملک  
 بر او بکار و که همراهی او کنند و مستغفار بر او خوانند از قبر تا بموقف حساب و سهرمود که هر که  
 یک طرف جنازه را بگیرد میت پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان  
 بیرون آید و بهتر آنست که اهل دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بهوش  
 دست خود بر دارد پس پای راست میت را به دوش راست خود بر دارد پس پای چپ میت را  
 به دوش چپ بر دارد پس دست چپ میت را به دوش چپ بر دارد پس چون خوابد که دیگر تبریع  
 کند از پیش روی جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و با جنازه شش تبریع جا آورد و بهتر  
 آنست که پشت جنازه یا پهلوی جنازه راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر حدیث آنست

که اگر جنازه مومن باشد پیش آن راهبستن خوب است و در جنازه خلاف نهیم پیش آن نباید  
رفت زیرا که ملائکه او را استقبال عذاب می کنند و اجازه سواربستن مکرر است و آن حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند هیچ ملکی در آن  
نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و الله اکبر و هلمنا اما وعدنا الله ورسوله وصدق الله  
وصدقوله اللهم زدنا ایمانا وقلوبنا الهدى الذى نعرف بالقدرة وفضل العباد بالموت و  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر که تشییع جنازه کند بجز قومی که بر او در  
صد مهر احسنه بر او نوشته شود و صد هزار گناه از او محو شود و صد هزار درجه بر او باشد و  
و اگر جنازه پیش نماند حق تعالی بعد از فوت او صد هزار ملک را بفرستد که بر جنازه او نماز  
کنند و از برای او استغفار کنند اوقتیکه دفن شود و اگر بماند اوقت دفن همان صد  
ملک را حق تعالی مقرر فرماید که از برای او استغفار کنند تا از قبرش بیرون آید و قیامت و  
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و چو  
او را از پهلوی به پهلوی برگرداند و این دعا بخواند گناهایان یک ساله او آمرزیده شود مگر گناهایان کبیره  
اللهم هذا عبدك المؤمن وقد اخرجت روحه منا ووقعت بيننا  
فغفوك عفوكم ودر حدیث دیگر فرمود که هر مستی را غسل دهد و آنچه از عیبها آن بیت  
بر او ظاهراً شود کسی نقل کند گناهایش آمرزیده شود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت موسی  
علی نبینا و علیه السلام از پروردگار خود پرسید که چه ثواب دارد کسی که قتی را غسل دهد و حی باو  
رسید که او را از گناهایان می شویم مانند روزی که از مادر متولد شده و در حدیث حسن از حضرت  
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که مؤمنی را غسل دهد و در وقت غسل دادن  
مکرر بگوید رب غفوك خدا او را بیامرزد و در رقعه الرضا مذکور است که قدر تو یک سوت  
بر کشش مال داند ما خواند اللهم انى استاك حب محمد وآله صلوات الله عليهم فى الدنيا  
فاستاك به سبيلى من محبتك ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست  
که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن پوشش او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند  
از برای مؤمنی بکس چنان باشد که او را در خانه موافق جا داده باشد تا روز قیامت و آن حضرت

رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر کہ ہر چارہ نماز کند ہفتاد ہزار ملک بر او نماز  
کنند و گناہان گذشتہ اش آمرزیدہ شود پس اگر ہر ای کند تا او را دفن کنند بھر قدمی کہ بردارد  
قیراطی از ثواب باو پہنند کہ آن قیراط مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود کہ ہر مؤمنی کہ بر  
جنازہ نماز کند بہشت او را واجب گردد مگر آنکہ منافق یا عاقل پدر و مادر باشد و بسند معتبر  
از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست کہ چون مؤمنی بمیرد بر جنازہ او چهل نفر از  
مؤمنان حاضر شوند و بگویند **اللَّهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِاهْلٍ مِنْ اَحْسَنِ**  
خداوند ما از تو بغیر از نیکی نمیدانیم و تو دانائی باحوال و از ما چون این را بگویند حق تعالی فرستاید  
کہ من شہادت شمار قبول کردم و آمرزیدم آن گناہانی را کہ من میدانم و شما نمیدانید و در حدیث  
معتبر دیگر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ اہل چیزی کہ در عنوان نامہ مؤمن  
میں نویسند بعد از مرگش آنچہ پیست کہ مردم در حق او میگویند اگر نیک میگویند نیک می نویسند  
و اگر بد میگویند بد می نویسند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام منقولست  
کہ چون میت را بقبر رسانی او را از پیش پای تو داخل کن پس چون در قبرش گذاری آیت الکرسی  
بخوان و بگو **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى حِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**  
**وَأَلِهِ اللَّهُمَّ فَتَرَكْهُ فِي قَبْرِهِ وَ الْحَقُّهُ بِتَسْبِيَةِ اللَّهِ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ**  
**فِي اِحْسَانِهِ وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَانْخِصْ لَهُ وَاَدْخِلْهُ مَوْجِدًا وَنَعْنَهُ وَاسْتَغْفِرْ لِرَبِّهِ**  
بسیار بگو و حضرت علی بن ابی طالب علیہ السلام چون میت را داخل قبر میکردند این دعا میخواندند  
**اللَّهُمَّ جَانِبِ الْاَوْصَالِ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِلِ عَمَلِهِ وَلَقَبْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ در حدیث دیگر**  
فرمود کہ چون میت را بقبر در گذارند باید کہ اولائی مردم باو نزدیک سرش باشد و امام خدا  
برد و صلوات بر حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بفرستند و پناہ بردند از شر شیطان  
و سورہ حمد و قل اعوذ برب الناس قل اعوذ برب الفلق و قل هو اللہ احد و آیت الکرسی بخواند  
و اگر نتواند رویش را برسد کند و بر خاک بگذارد و در آنجا طمین کند و بر شہادتین دستار  
باند و معصومین علیہم السلام و سایر اعتقادات حق و در حدیث دیگر فرمود کہ چون خاک بر  
میت بریزی بگو **اِنَّمَا نَا بِكَ وَ لَعَدُّ يَاقَا بَعَثَكَ هَذَا اَمَّا وَعَدُ نَا اللَّهُ وَ مَرَسُولُهُ**

تا آنکه بعد از وفات از آنجا که در نامه آن نوشته شود و چون قبر را بکنند و مردم برگردند  
 نزدیک ترین مردم با و نزدیک سر قبر نشینند و با و از بلند او را تلقین کنند که این ثقیفین باعث  
 این میشود که منکر و فکر از او سوال نکنند و سنت مؤکده است که در نزد قبر بعد از دفن میت  
 اهل او را تعزیت بگویند و پیش از دفن میت نیز تسبیح است و در حدیث معتبر از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اندوگمین را تعزیت بگوید در قیامت  
 بعد از طبع پوستاند و مثل ثواب آن صاحب مصیبت او را باشد بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود  
 و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مردگانی از زیارت کنید  
 که ایشان خبر میشوند بعد از رفتن شما و شادی شوند و بشما انس میگیرند و چون نزدیک قبر  
 روید بگویند اللَّهُمَّ جَافِ الْكَرْخَ عَنْ جُفُوفِهِمْ وَصَاحِبِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ وَلَقِهِمْ  
 مِنْكَ رِضْوَانًا وَسَلِّمْ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِمْ وَخَلِّ لَهُمْ وَلَوْ قُتِلُوا وَخُتِمَتْ  
 أَمَّا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ عَقْدٌ فَإِنَّ قَوْلَهُ أَحَادِيثُ معتبره وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن  
 خود برود و در قبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند  
 از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و در روایت دیگر منقولست که حقتلی او را و صاحب  
 قبر را هر دو بیاورد و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام نزد قبر یکی  
 از شیعیان ایستاد و این دعا خواند اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُفَّتَهُ وَصَلِّ وَخَلِّ لَهُ وَارْزُقْهُ رِزْقًا  
 وَارْزُقْهُ رِزْقًا وَسَلِّمْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ يَوَاكُ وَارْحَمَهُ  
 بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ و در روایت دیگر منقولست که هر که سوره انا انزلناه نزد قبر مؤمنی بخواند  
 هفت مرتبه حقتعالی علی را بفرستد که عبادت الهی کند نزد قبر او و ثواب عبادت آن ملک  
 برای میت بنویسد و چون از قبرش مشغور شود بهر سولی از احوال قیامت که برسد حقتعالی  
 بسبب آن ملک آن سولی را از او دفع کند تا داخل بهشت شود و منقولست که مستحبست  
 آنکه نزد قبر مؤمنی سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیه  
 لا اله الا الله را سه مرتبه و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه بخواند و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقولست که هر که بر قبرستان بگذرد و یاد ده مرتبه سوره قل هو الله احد

بخواند و ثوابش بمر دگان آن قبرستان بخشد بعد از آن مردگان بجز ثواب باید تا آنکه چون این رساله محل  
 و کرامت حضرت غفرل و کفن نماز و دفن نبود قیامی از آداب در اینجا مذکور شد که این رساله ازین فوائده  
 خالی نباشد و مفصل جنگی در کتاب بحار الانوار مذکور است باب یازدهم در آداب مجالس از  
 سلام و مصافحه و معانقه و بوسیدن و آداب عطسه کردن و آداب شستن و بر بستن  
 و صحبت داشتن و امثال اینها فصل اقل در فضیلت سلام و آداب آن در حدیث معتبر  
 منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود را امر نمود بهیفت  
 خصلت عیادت بیمار و تشایع جنازه مردگان و قبول کردن گفته کسی که این کس را  
 قسم دهد و دعا کردن برای کسیکه عطسه کند و یاری کردن مظلوم و بفرستادن سلام کردن و تسبیح  
 ضیافت کردن و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که در بیست و نه غرضه چند است که از  
 اندوختن بیرون سیخاید و بیرونش اندرون سیخاید کسی از است من در آنها ساکن می شود  
 که بر زبان نیک بامروم سخن گوید و طعام ببرد و بخواند و افشای سلام بکند و نماز کند در شب  
 و قریبیکه مردم همه در خواب باشند پس فرمود که افشای سلام آنست که بخیل نورزد و سلام  
 کردن بر احد از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که جمله تواضع و  
 شکستگی آنست که بامر که بر خوری سلام کنی و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقولست که هر که ابتدا کند سخن گفتن پیش از سلام جوابش بگویند کسیر ابطام خود می بیند  
 پیش از آنکه سلام کند و در حدیث دیگر فرموده عاقل ترین مردم کسی است که از دعا عاجز باشد  
 و خجیل ترین مردم کسی است که سلام کردن بخیل کند و در حدیث دیگر فرموده که هر که بر سر  
 از مسلمانان بر خورد و بر ایشان سلام کند ثواب یک بنده آزاد کردن و زانده علفش نوشته  
 می شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که جماعتی از مؤمنان  
 سلام کند ملائکه در جواب سلام او می گویند سلام علیک و رحمة الله و بركاته و آید  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سلام کردن سنت است و  
 جواب سلام گفتن واجب است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون  
 کسی سلام کند بنده سلام کند که بشنود تا گوید که سلام کردم و جواب سلام می گفتند



و چون کسی جواب سلام بگوید بلند بگوید که آن سلام کند نه گوید که من سلام کردم و جواب سلام  
من گفتند و در حدیث دیگر فرمود که هر که التَّسْلَامُ عَلَیْکُمْ بگوید و حسنه برای او باشد و اگر  
سَلَامٌ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ بگوید حسنه برای او بنویسند و در حدیث دیگر فرمود  
که کسی اندک تصبیح صبح با ایشان سخن می باید گفت هر چند که نخواهند که عطا کنند بگوید  
لَا یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ هَرَجِد و دیگری با او باشد و کسی که سلام بکسی نمیگوید التَّسْلَامُ عَلَیْکُمْ  
و کسی که سیر او عاقل و عاقله الله هر چند که یکی باشد زیرا که با اینها ملاکه می باشد  
و در قصه مؤمنان غائب را هم داخل رحمت آن کرد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست  
که کرده است که کسی بگوید بِرَحْمَةِ اللَّهِ لَمْ یَمُوتْ لَمْ یَمُوتْ لَمْ یَمُوتْ بِرَحْمَةِ اللَّهِ بِالتَّسْلَامِ و از حضرت امام  
جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس اندک بر ایشان سلام می باید کرد کسی که با اجازه و امان  
روود کسی که بی اجازه برود و کسی که در حمام باشد و محل کرده اند بر صورتیکه نکست بسته باشد  
و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد شوی و مردم نماز کنند  
بر ایشان سلام کن و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم سلام کن و متوجه نماز شود و اگر  
مجلسی داخل شوی که مردم سخن گویند بر ایشان سلام کن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه  
المنقولست که کسی که داخل خانه خود شود بر اهل خانه سلام کند و اگر اهل نهشته باشد و خانه  
خالی باشد بگوید التَّسْلَامُ عَلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ و فرمود که اگر کسی بتو بگوید بِرَحْمَةِ اللَّهِ بِالتَّسْلَامِ  
و جواب بگو آن تَحْمِیْلُكَ اللَّهُ بِالتَّسْلَامِ وَ أَهْلُکَ وَ انْصَرَفَ و از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون بیکر اوقات کنی سلام و مصافحه  
و چون از یکدیگر جدا شوی بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و در حدیث دیگر فرمود که کسی  
داخل خانه شود سلام بکند که بسم الله الرحمن الرحیم و در حدیث دیگر فرمود که کسی  
امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون زن بر جفاقتی داخل شود بگوید کَلِمَةُ السَّلَامِ  
و چون مرد داخل شود بگوید که التَّسْلَامُ عَلَیْکُمْ و در بعضی از اخبار وارد شده است که هر کس  
که بر ایشان سلام می باید کرد و خود دیگر و ترسان و بیت پرست و کسی که در بیت الخلا باشد  
و کسی که بر سر خوان شراب نشسته باشد و بر شاعری که بر زبان حمزه عجب خوش گوید و بر عاقلی



خوش طبعی ایشان و شمام مادر است و کسیکه نزد ایشان بیایند از انواع تما بازی کند و بفر  
کسی که طبع بور یا عود نواز و قادی که مردم با او عمل بوطت کنند و کسی که در ایشان نماز باشد  
و کسیکه سوز خور و قاضی که علانیه فسق کند و هر واکند و در دایت دیگر وار شده است  
که سلام کردن کسیکه شطرنج بازی کند گناه کبیره است و هم چنین نهی وار شده است از سلام  
کردن کسیکه شراب خور و درویش که اکثر اینها محمول باشد بر اینکه سلام کردن بر اینها فضیلت  
بسیار ندارد باینکه از روی مهر بانی و محبت و راضی بودن بگناه ایشان سلام بر ایشان  
نباید کرد زیرا که اخبار بسیار وار شده است که بر همه کس سلام کردن خوب است و از  
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی از مجلسی بریزد و دایع کنای  
آن مجلس سلام کردن که اگر بعد از حرف خیر می بگویند در ثواب شریک ایشان خواهد بود  
و اگر حرف بدی بگویند گناهش بر ایشان خواهد بود و بر او گناهی نخواهد بود و از حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام منقولست که کوچک بریزد گتر سلام میکند و کسی که گدازد بر کسی که نشسته باشد  
سلام میکند و جماعت کمتر بر جماعت بیشتر سلام می کنند و در حدیث دیگر فرمود که سواره  
باید که بر پیاده سلام کند و سوار بر خر سوار سلام کند و پاسبان بر سوار سلام کند  
و ایستاده بر نشسته سلام کند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که چون جماعتی بر جماعتی  
بگذرند یکی از ایشان که سلام کند از دیگران مجزئست و اگر کسی بجماعت سلام کند یکی از آنها که جواب  
بگوید از دیگران مجزئست و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم بر زنان سلام کردند و ایشان جواب می گفتند و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر زنان  
پیرو سلام میکردند و گمراه است و دشمنان از سلام کردن بر زنان جوان و فحش سودند که تیرسم  
خوشم آید و از او گناه بر من داخل شود زیاده از ثوابی که سلام کردن طلب میکنم و امثال اینها  
بی علمی تعلیم دیگران نموده و خود از امثال اینها مصوم و منزله بودند و از حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام منقولست است که ابتدا گفتید اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و مجوس را  
بسلام و چون ایشان سلام کنند بگویند علیکم و در روایت دیگر فرمود که چون یهودی یا  
نصرانی یا مشرک و بت پرست بر تو سلام کنند بگو علیک و بدانکه از جمله سلامها سلام

نخست است که چون خواهند داخل خانه کسی شوند پیشتر است که در بیرون خانه سه مرتبه سلام  
 کنند اگر جواب سلام نشنوند داخل شوند و اگر نه برگردند و جواب این سلام واجب نیست و از  
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که نخست طلبیدن سه مرتبه است در مرتبه اول می شنوند  
 در مرتبه دوم حذر می کنند در مرتبه سوم اگر بخوانند نخست میدهند و اگر نخوانند ساکت  
 میشوند که او برگردد و حقیقی فرموده است که داخل شوید در خانه غیر خانه ای خود تا استیضاس  
 بکنید و سلام بر اهلش کنید حضرت صادق علیه السلام فرمود که هفتین کفش بر زمین زدست و  
 سلام کردن است که ایشان خبر شوند فصل دوم در فضیلت مصافحه یعنی دست یکدیگر گرفتن  
 و معاافه یعنی دست در گردن یکدیگر کردن و بوسیدن و آداب هر یک در حدیث صحیح از حضرت  
 امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که از تمامی تحیات و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن  
 است و تمامی سلام کردن کسی که از سفر آمده باشد دست در گردن یکدیگر گرفته دست و در حدیث  
 معتبر از ابوسعید بن جعفر منقولست گفت من هر که با او حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم و من  
 اول بجاده میرفتم پس آنحضرت بجاده میرفتند و چون هر دو در بجاده دست می شستیم حضرت  
 بر من سلام میکردند و احوال از من میگرفتند مانند دو کس که مدتی باشد که یکدیگر را ندیده باشند  
 و با من مصافحه میکردند و چون از بجاده میرودمی آمدیم اول آنحضرت فرود می آمدند پس چون هر دو در  
 زمین را می گرفتند سلام میکردند و احوال میگرفتند مانند دو کس که مدتها یکدیگر را ندیده باشند  
 من گفتم که یا ابن رسول الله شما کاسب چند می کنید که مردمی که نزد ما هستند چنین میکنند حضرت  
 فرمود که مگر نیدانی که مصافحه کردن چه ثواب دارد بدستیکه دو مؤمن که با یکدیگر ملاقات  
 کنند مصافحه کنند پیوسته گناه الاثان میریزد چنانچه برگ از درخت بریزد و حقیقی  
 نظر رحمت بسوی ایشان میکند تا از یکدیگر جدا شوند و در حدیث دیگر از ابوسعید منقولست  
 که گفت من بجاده بودم با حضرت امام محمد باقر علیه السلام پس چون باران فرود آمدیم حضرت  
 اندک راهی رفتند پس آمدند و دست مرا گرفتند و فشار سختی دادند گفتم فدایتوشوم من بشما  
 بودم در بجاده حضرت فرمود که مگر نیدانی که مؤمن چون اندک سر کتی بکند و بعد از آن دست  
 برادر مؤمن خود را بگیرد و با او مصافحه کند حقیقی نظر لطف بسوی ایشان میکند و روی

رحمت خود را بجا بایشان میگرداند و گنایان میسر باید که فرود نرند از ایشان تا آنکه چون  
اینک دیگر جد می شوند و یکدیگر هیچ گناه بر ایشان نمانده است و در حدیث حسن از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که در مصافحه آنست که دو دور و دور درخت خرابگر و ند پس بعد از آن باز  
مصافحه سنت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که سر او را آنست که دو مؤمن که از  
یکدیگر بگریزان شوند اگر چه بد رفتی باشد که در میان ایشان فاصله شود پس در ملاقات گفتند یا  
محمد مصافحه کنند و در حدیث دیگر فرمود که هر که دست را در زیر بر میدارد ثوابش بیشتر است  
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم هرگز با کسی  
مصافحه نکردند که دست را از دست او بکشند تا آنکه آن شخص دست را کمی شیب دهد و حدیث  
دیگر فرمود که باید که مصافحه کنید که گینه بار از سینه با میبرد و فرمود که مصافحه کردن با مؤمن بهتر  
است از مصافحه کردن با کافر و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله وسلم منقول  
است که چون با برادران مؤمن ملاقات نمایند با ایشان مصافحه کنید و لباس است و خوشحالی  
نزد ایشان ظاهر کند تا آنکه چون جدا شوید هیچ گناه بر شما نمانده باشد و یا دشمن خود نیز  
مصافحه کنید هر چند او نخواهد که حقتالی چنین امر فرموده است و باعث دفع دشمنی او شود  
و در حدیث دیگر از ائمه منقولست که گفت من در کوفه میجویم و شیعیان بسیار نزد  
من آمدند من از شب بترسیدم و غلام خود را امر کردم که هر که مرا خواهد بگوید که اینجا نیست پس  
در آن سال کج رفتم و چون بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم آن حضرت را از خود متغیر رفتم  
گفتم فدایتو شوم چه چیز باعث تغییر شما شده است از من فرمود که آنچه باعث تغییر تو شده است  
از مؤمنان گفتم فدایتو شوم از شهرت رسیدم و خدا میداند که چه مقدار ایشان را دوست  
میدارم حضرت فرمود که ای سحاق ملان بهم رسان از بسیار آمدن برادر مؤمن بدین تو  
که چون مؤمن با برادر مؤمن خود بر خورد و با او مرجا میگوید خدا از برای او تاقیامت مرجا  
میسزید پس چون با یکدیگر ملاقات نمایند و مصافحه می کنند حقتالی میان دو پهلوان  
ایشان صدمت میفرستد که نود و نه نای آنها از آنست که دیگری را بیشتر دوست میدارد  
پس حقتالی روی رحمت را بسوی ایشان میگرداند و هر یک که دیگری را بیشتر دوست میدارد

روی رحمت بسوی او بیشتر است پس چون دست در گردن یک دیگر کنند رحمت ایشان فرسود  
میگیرد و پس چون از برای خدا بایکدیگر ایستند و غرض نیوی همشته باشند بایشان خطاب میرسد  
که آمرزیده شدید عمل از سر گیرید پس چون از یک دیگر احوال گیرند و سخن گویند ملائکه بایکدیگر می  
گویند که دوز شود که ایشان خواهند که بایکدیگر راز می گویند و خدا بر ایشان پوشانیده است  
اسحاق گفت که پس چه میگوید ملائکه پس نویسد حضرت اهی بنکشد پسند و گریستند آنقدر  
که آب دیده مبارک ایشان بر روی او نشوید و آن شد و فرمودند که ای اسحاق حقتعالی ملائکه را  
امر فرموده است که چون دو مؤمن بایکدیگر ملاقات کنند از ایشان دور شوند برای تعظیم  
ایشان و اگر چه ملائکه پسند اما خداوندی که مطلع است بر احوال ایشان و راز پنهان  
و آنچه در سینه پنهان است نزد او آشکار است میداند که چه میگویند پس ای اسحاق از خدا ترس  
چنانچه گویا اورامی بینی و اگر تو اورامی بینی او ترا می بیند و اگر گمان میکنی که او ترا نمی بیند مگر  
می شوی و اگر میدانی که او ترا می بیند و گناه را از مخلوقین پنهان میکنی و نزد او هویدای کنی  
پس او از هر کس بهتر شمرده و در حدیث دیگر فرمود که شمار در مصافحه کردن مثل ثواب آنها  
است که در راه خدا جهاد می کنند و آن حضرت امام محمد تقی علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام  
منقولست که هر مؤمنیکه از خانه بیرون رود بقصد دیدن برادر مؤمن خود و حق او شناساند  
حقتعالی بهر گامی حسنه در نامه محاسب بنویسد و گناهی را از او محو کند و درجه برای او بلند کند  
پس چون در خانه آن مؤمن را بگوید در ایام آسمان بر او کشته شود پس چون بایکدیگر ملاقات کنند  
و مصافحه کنند و دست در گردن یکدیگر کنند حقتعالی روی رحمت خود را بسوی ایشان بگرداند  
پس حقتعالی ایشان با ملائکه مبارکات کند و فرماید که نظر کنید بسوی این دو بنده من که بیدین  
بله بگرفتند و از برای رضائی من بایکدیگر دوستی کردند بر من لازم است که بعد از این ایشان را  
عذاب نکند پس چون برگردد او را مشایعت کنند ملک چند بعد از نفضائی او و گاههای او  
و سخنهای او که او حفظ کنند از بلاهای دنیا و آخرت ناروید دیگر آنوقت و اگر درین میان  
بیر و از حساب قیامت نجات یابد و اگر آن مؤمن دیگر هم حق او شناساند و حرمت او را بداند همین  
ثواب او هم داشته باشد و آن حضرت صادق علیه السلام منقولست که شامیغیا از انوری در پیشگاه

هست که آن نور شمارا در دنیای شناسند چون بیک دیگر بر خورید آن موضع نور را از پیشانی  
یکدیگر بوسید و حدیث حسن و دیگر فرمود که نبی باید بوسید سر و دست کسی را اگر رسول خدا  
صلی الله علیه و آله و سلم با کسی که مراد از بوسیدن سر و دست او حضرت رسول باشد و محفل است  
که مخصوص آن معصومین علیهم السلام باشد و اظهر آنست که شامل سادات و علمای باشد زیرا که  
تقظیم ایشان بزرگ آن می کنند که فرزندان آنحضرت یا حافظ علوم و مروج دین آنحضرت اند و چنانچه  
آنست که غیر دست پیغمبر و امام را نبوسند چنانچه در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که شایسته نیست دست بوسیدن مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر را و در حدیث صحیح از حضرت  
امام موسی علیه السلام منقولست که کسی خویش خود را برای خوشی بوسد بر او چیزی نیست و بر او عیب  
پهلوانی رسد ایشان را بوسند و امام را میان دو چشمش بوسند و از حضرت صادق علیه السلام  
منقولست که دوازده بوسیدن نمیداشد مگر از برای آن فرزند خود فصل سیوم در آداب  
نستمن مجالس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که وصیت فرموده  
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله که هر کس اندک که اگر خوار شوند علامت نکند  
مگر خود را کسیکه حاضر شود بر سر سفره که او را خوانده باشد و کسیکه حکم کند بر صاحب خانه و  
کسیکه طلب بکند از دشمنان خود و کسیکه توقع احسان کند از لایمان و نجیلان و کسیکه خود  
را در آورده در راهی که میان دو کس باشد بی رحمت ایشان و کسیکه استخفاف نماید پادشاه و کسیکه  
در مجالس هدج بنشیند که او سزاوار آن نباشد و کسیکه سخن با کسی گوید که گوش سخن او ندیده و آن  
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که کسی که مجموع این سه خصلت یا یکی  
از آنها در او نباشد و در صد مجلس بنشیند احتیاج است اول آنکه هر چه پرسند جواب تواند گفت  
دوم آنکه چون دیگران صحبت شوند او حق را بیان تواند کرد و سیوم آنکه در زمانی که را کسی که صلاح  
ایش و آن باشد تواند کرد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سزاوار نیست مؤمن را  
که بنشیند مگر بعد از آن جماعتی که نشسته اند زیرا که با بگردن مردم گذاشتن و بالا رفتن علامت  
سبکی عقل است و بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از علامات  
تواضع فی سهو آن است که آدمی راضی شود بجا کسی که است تر باشد از مجلسی که سزاوار او است

او بجز کسی که بر سر اسلام کند و ترک مجادله نکند هر چند حق با او باشد و بخوابد که او را به پیر گار کسی متعلق  
 کنند و در حدیث دیگر فرمود که چون مردم در جائی خود بنشینند و دیگری در آنجا آید اگر کسی از آنها  
 را در طلبید و جای از ایشان بکشاید برود که آن گزاشتی است که نسبت با او کرده است برادر مومن  
 او را اگر کسی جای از برای او بکشاید هر جا که گشاده تر است آنجا بنشیند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که  
 چون کسی بخانه شخصی بیاید هر جا که صاحب خانه بفرمایند بنشیند که صاحب خانه نیک و بد خانه خود  
 را بهتر میداند و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله فرمود که زنهار که بر سر راهبان بنشینید  
 و در حدیث دیگر فرمود که نباید کسی در میان جماعتی بنشیند و جامه را از اندام خود دور کند و از حضرت  
 امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که راضی باشد بنشیندن در جایی که مناسب شرف او  
 بالاتر از آن باشد پیوسته خدا و ملائکه بر او صلوات میفرستند تا بر خیزد و از حضرت صادق علیه السلام  
 منقولست که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داخل مجلسی میشد بهر جا که بنگاه نزدیکتر  
 بودی نشستند و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در اکثر اوقات  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رو بقبله می نشستند و در حدیث حسن منقولست که حضرت امام  
 جعفر صادق علیه السلام در خانه خود نزدیک درگاه می نشستند رو بقبله و در حدیث دیگر منقول  
 است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رو بقبله می نشستند گاهی را انوار از زمین بر میخاستند  
 و دستها را بر مابین زانوهایک نهشته ساعد یک دست را بدست دیگر میگرفتند و گاهی دو زانو  
 می نشستند و گاهی یکپا را بر روی پای دیگر میگذاشتند و هرگز چهارزانو نمی نشستند و در  
 حدیث حسن از ابو حمزه منقولست که گفت دیدم حضرت امام زین العابدین علیه السلام نشسته  
 بودند و یکپا را بالای ران پای دیگر گذاشته بودند گفتم که مردم این نشستن را خوب نمیدانند  
 و میگویند که این نشستن پروردگار است حضرت فرمود که من از برای و اما ننگی چنین نشسته ام  
 و خدا را اما ننگی نمیباشد و او را پینکی و خوابی نباشد و جسم نیست و نشستن او از برای باشد  
 و در روایت دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام چنین نشسته بودند و پائی رست را  
 بر روی ران چپ گذاشته بودند و در حدیث معتبر منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 و سلم فرمود که سزاوار نیست که جماعتی که بایکدیگر بنشینند در تابستان بقدح استخوان فرار کنند



تقریباً یک شب بر باشد از هر طرف میان خود و دیگری فاصله بگذارند که اگر آزار نکشند و از حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که آدم شمار کسیر که در جامی ننگ چهار زن نوشیدند و در چن  
حدیث وارد شده است که حبت بدیوار عربالت و احتبا آنست که پاپا را با پشت به جام  
بر بندند بروش مکند و مدت یارست را قفل کنند بز انوا چنانچه گشت یعنی ایشانرا در محرابا  
و جهاها که نزدیک بدیوار باشد این بوض تکبیر بدیوار کردن است و در حدیث موثق از حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که پرسیدند که احتبا چونست فرمود که اگر عورت نمایان نشود  
باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که جائز نیست مرد را که حبت بکند و بر آب حبه فصل چهارم  
در آداب ملاقات صاحب خانه با کسی که بخانه او می آید در حدیث معتبر از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که بر خاستن از برای تعظیم کرده است مگر از برای کسی که بجهت دین باشد  
علم و صلاح و نیکی او تعظیم کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که حق کسی  
داخل خانه می شود بر اهل آن خانه آنست که در وقت داخل شدن بیرون رفتن پاره با او راه  
روند و نه مود که چون کسی داخل خانه شود بر صاحب خانه حاکم است تا که بیرون رود و آنچه گوید  
می باید که صاحب خانه اطاعت او کند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که  
تختی برای مؤمنی بیاورد مثل بالشی یا مشکائی یا طعامی یا پوششی یا سلامی کند بر و پشت بند  
شود که او را مکافات دهد پس حقیقتی با و می نماید که من طعام اهل بهشت را بر اهل دنیا حرام  
گروه ام مگر پیغمبری یا وصی پیغمبر پس چون روز قیامت شود بهشت خطاب رسد که امرو  
مکافات تختهای ایشانرا بده پس غلامان و سیزان از بهشت بیرون آیند با طبقهائی که بر روی  
آنها دستمالها از مروارید انداخته باشند و نیز دلیشان بیاورند چون ایشان نظر کنند به جهم  
و اهل آل آن و بهشت و آنچه در آن هست عقل شان پرواز کند و اذان طبیبها بخورند پس  
مناوی از زیر میسرش ایشانرا اندکند که حقیقتی حرام کرده جهنم را بر کسی که از طعام بهشت بخورد  
پس دست دراز نکنند و بخورند و در حدیث معتبر منقولست که دو شخص بخانه حضرت امیر  
المؤمنین علیه السلام آمدند حضرت از برای کسی که از ایشان بالشی انداخته یکی بر روی بالشی  
نشست و دیگری ایستاد حضرت فرمود که نشین که ایستاد از گرامت مگر خراج از این

نه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هرگاه بیاید بسوی شما کسی که نزد قوم خود گرامی باشد  
 شما او را گرامی دارید و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که کسی را که کسی  
 جایی حق ایشان نیست بگویند یا نهی کسی که در اسلام ریش سفید شده باشد و کسی که حامل لفظی باشد  
 قرآن باشد و امام عادل فخر مود که از تعظیم خداست تعظیم بر آن کردن و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم منقولست که کسی را که اگر اکر اکر استند و اگر اکر اکر استند باید که او قبول کند و رد کند  
 که رد میکند که است را مگر نزد در چند حدیث منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند  
 که کدام است این که است که رد نیست باید کرد فرمود که مثل آنکه جای از برای او بکشایند یا بگو  
 خوش برای او بیاورند یا بالشی برای او بگذارند یا مثل اینجا از کرامتها و از حضرت امام حسن  
 عسکری علیه السلام منقولست که اگر اکر اکر کنی یا چیزی بگویم و دشوار باشد و از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم منقولست که هر که خدمت کند گروهی از مسلمانان را حق تعالی مثل حد ایشان  
 خدمتکاران و بهشت باور است فرماید و حضرت صادق علیه السلام فرمود که هر که برادر مؤمن  
 او بسوی او بیاید و او را گرامی دارد چنان است که خدا را گرامی شونده است و از حضرت رسول  
 صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که هر ملاحظتی که کسی با برادر مؤمن خود بکند حق تعالی او را  
 از خدمت بهشت گرامی فرماید و در حدیث دیگر فرمود که هر که اکر اکر کند برادر مؤمنش را بیک کلمه  
 که از روی لطف با او بگوید غمی از او بردارد پیوسته در سایه رحمت الهی باشد تا مشغول بر اکر اکر  
 باشد فصل پنجم در بیان مجالسی که در آنجا داخل شدن رو است و جماعت یکده هفتاد و هشت  
 ایشان را دارد است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که متابعت کن کسی که از  
 میگرایند و خیر خواه است و متابعت کن کسی که ترسناکند و در مقام فریب دادن است  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که نظر کنی که با که سخن بگویند و صحبت  
 می کنی که هر که است در وقت مرگ مصاحبانش را با او می نمایند که اگر حالشان نیک  
 است از مصاحبت ایشان شاد می شود و اگر حالشان بد است غمگین می شود و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که بهترین برادران من نزد من کسی است که عیبها من بگویم  
 فرمود که بر تو باد و مصاحبان بکنند و حذر کن از مصاحبت مصاحبان تازه که ایشان را عهد

و انسانی و وفائی نیست و پر حذر باش از هر که سر بر خیزد اعتماد بسیار داشته باشی و حضرت امیر  
المومنین علیه السلام در وقت وفات وصیت فرمود که زنجار حبت ناب کن از جابائی که محل  
تهمت انداز مجلسی که گمان بد با و میریزد که منشین بد فریب میدهد صاحب خود را و از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که سزاوارترین مردم تهمت کسی است که با اهل  
تهمت بهم نشین باشد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که خود را  
در محل تهمت اندازد دلا مت کند کسیر اگر گمان بد با و میریزد و از حضرت امام موسی علیه السلام  
منقولست که هرگز از مواضع شک و تهمت و باید که کسی با مادر خود در میان راه نایستد  
زیرا که هر کس نپیدا نند که مادر است و در حدیث معتبره منقولست که حضرت عیسی علیه السلام فرمود  
که صاحب بد اخلاقش هرگز نمیکند باین کسی و منشین بد باینکس را هلاک میکند ز نظر کن  
که با کجمنشی میکند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که دوستی بیکان باینکان نوابست  
برای بیکان و دوستی بدان باینکان فضیلتی است و دشمنی بدان باینکان نیت است برا  
بیکان و دشمنی بیکان با بدان خوانی است برای بدان و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام  
منقولست که با هیچکس مصاحبت و هم زبانی و رفاقت مکن زنجار که با در و علو مصاحبت مکن  
که او از بابت سر است بدو غمهای خود ترا فریب میدهد و دور را برای تو نزدیک نماید و نزدیک  
را برایت دور و دیگر داند و زنجار که مصاحبت مکن با فاسق که او ترا بیک طعام خوردن یا کمتر نزد  
دیگر آن خیر و شد و با بخیل مصاحبت مکن که او ترا ببال خود ریائی میکند و در سنگامی که نهایت  
احتیاج بهرسانی را با حق مصاحبت مکن که او اگر خواهد که تو نفع برساند ضرر میرساند و با کسی که  
قطع رحم کند مصاحبت مکن که حقیقی در سه موضع از قرآن مجید او لعنت کرده است و حضرت  
صادق علیه السلام فرموده که سزاوارست مسلمانان که با صاحب و احق و درنگو بر ادبی کند و حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کس اندک نشیند باینکس ایشان دل را میبردند شستن با مردم  
دنی و سخن گفتن با زبان و شستن با نوک زبان و حضرت لعمان با پسر خود گفت که بسیار با آشنایان  
نزدیک و چو بان شو که باعث جدائی میشود و از ایشان دوری هم مکن که خوار میشوی و نیکی با کسی کن  
که خواهان آن باشد و هم چنانچه میان اگر گشتن دوستی نیست میان نیکوکار و بدکار دوستی

تسب باشد هر که نزدیک قبر میرود بسته باو چپ پندم چنین هر که باید کرد از مصاحبت میکند از پیرها  
او می آموزد و هر که مجاوله با مردم میکند و شام می شود و هر که در مجالس بد داخل می شود و تهت  
زود می شود و هر که با هم نشین می نشیند از بدی سالم بماند و هر که زبان خود را نگاه نمیدارد  
همیشه پشیمانی میرود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و نشینی با صاحب  
بخت بکنید که نزد مردم مثل آنها خواهید بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
فرمود که آدمی بدین دوست و صاحب خجسته باشد و فرمود زنها را با حق مصاحبت مکن  
که در سنگامی که از در ارضی تری نزدیکتر است با آنکه ترا برنجاند و از حضرت رسول صلی الله علیه و  
آله و سلم منقولست که حکیم ترین مردم کسی است که از صحبت جا بطلان بگریزد و از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که کسی که برادرش را برادر می گوید که کرده باشد ببیند و تواند که او را  
برگرداند از آن امر دیگر گرداند خیانت کرده است در برادری او و کسی که جهتناب نکند از  
مصاحبت احمق برود می اخلاق او را بر میسازد و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و  
آله فرمود که بدترین صاحبان آن کسی است که محصیت خدا را در چشم توزینت دهد و فرمود که  
هم نشینی با بدان مورث گمان بد بردن است در حق یکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که نظر کن بچهره که نفع دینی تو نمی بخشد مصاحبت او عتسانان او بکن  
در صحبت او غیبت مکن و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که ضایع می شود و محبتی که با  
کسی داشته باشی که بی وفا باشد و نیکی که با کسی بکنی که شکر تو نکند و علمی که به کسی بیاموزی که گوش  
ندارد و آزاری که به کسی بپاری که نگاهداری را نکند و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست  
که در مزاجها با عالم صحبت دشمن بهتر است از محبت دشمن با جا بیل بر و فرقه های نیکو  
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که حواریان بخت عیسی علیه السلام  
گفتند که با که هم نشینی کنیم و با کسی که خدا را بیادش آورد و بدین او و در علمش ما بفرزاید سخن  
گفتن او و شما را بسوی آخرت رغبت بفرماید کردار او و در حدیث دیگر فرمود که با اهل دین شستن  
شرف دنیا و آخرت است و حضرت امام محمد بن عبد الله علیه السلام فرمود که با شستن با کسی که بر او  
اعتماد داشته باشم نزد من بهتر است از عبادت یک سال و در حدیث دیگر فرمود که با نوکران نشیند

که بند که اقل بایشان می شیند چنان میدانند که خدا بر نعمت بسیار دارد و هنوز بر خاسته است  
که چنان گمان میکنند که خدا هیچ نعمت بر ندارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول  
است که چهار چیز است که دل را میبرد اندک گناه بعد از گناه کردن و باز آن بسیار سنگین است و آن  
احسان مجاوله کردن که تو گوئی و او گوید و بحق برنگردد و نهم نشینی با مردگان کردن گفتند یا  
رسول الله مردگان چیستند فرمود که هر تو نگری که خدا را فراموش کرده باشد و از حضرت امام  
زین العابدین علیه السلام منقول است که بفرزندانش خود میفرمود که با اهل دین و معرفت نهم نشینی  
نماید و اگر بدست شما نیاید بخائی مونس تو و سالم است از مصاحبت غیر ایشان و اگر ناچار  
باشد از نهم نشینی مردم پس با صاحبان مروت بنشیند که ایشان در مجالس خود خوش نگویند  
و از حضرت موسی علیه السلام منقول است که سزاوار آنست که آدمی مصاحبان پدر خود را نگاه  
دارد که نیکی او بایشان مانند نیکی با پدر است و در حدیث دیگر منقول است که حضرت لقمان علیه السلام  
خود فرمود که ای پسر بدیده بصیرت نظر کن در مجالس اگر جماعتی را به بینی که یا خدا می کنند بایشان  
بنشین زیرا که اگر تو عالمی علم تو نفع پیدا بدت و از نهم نشینی بایشان علم تو زیاده می شود و اگر  
بیاطمی ترا علم بیاموزد و شاید خدا رحمتی بر ایشان بفرستد و ترا هم بایشان نهد و اگر بیاطمی  
به بینی جماعتی را که یا خدا نمی کنند بایشان بنشین که اگر تو عالمی علمت تو نفع نیرساند و اگر بیاطمی  
جهلت زیاده میشود و شاید که عذابی از خدا بر ایشان نازل شود و ترا هم بایشان نهد و از حضرت  
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بر تو باد بجا فرشتیدن در مجالسی که آنجا یا خدا  
نمکنند و در حدیث دیگر فرمود که دانا بمان در زمان گذشته می گفتند که سزاوار آنست که  
تو و کردن بچانهایی یکی از ده وجه باشد اول رفتن بجائ خدا از برای ادای حج و عمره دوم در خا  
پادشاهان دین که طاعت ایشان بطاعت خدا متصل است و حق ایشان واجب است  
و نفعشان عظیم و ضرر مخالفت ایشان سخت سوم در خانه علما که از ایشان استغاده معلوم  
دین و دنیا نمایند چهارم در خانه اهل جو و خوشش که مال خود را با امید ثواب آخرت می دهند پنجم  
در خانه نجیب و انیکه مردم در حوادث دهر بایشان محتاج می شوند و در حاجتها با ایشان پناه ببرند  
ششم در خانه بزرگان برای طلب عزت و تکیه بایشان هفتم در کافه جمعی که



نزد ایشان امید صنعت دارند از جهت رای مستقیم ایشان و لغویت فهم ایشان در امور و شورت  
ثرون با ایشان به شتم و در خانه برادران و پس بپایانگه مصلحت ایشان واجب و حق ایشان لازم  
است بهم در خانه و ثمنائی که بواسطت و مدارا کردن ساکن محشود ضرر رایی ایشان و بر فرق و مدارا  
و دین عداوت ایشان دفع می شود و هم در خانه جمعی که از دین ایشان آداب سینه استفاد می توان  
کرد و انس به خزان ایشان میتوان گرفت فصل ششم در آداب عطسه و آروغ و آب دمان  
انداختن از حضرت صادق منقولست که مسلمان را بر برادرش حق لازم است که چون او را ملاقات کند به  
سلام کند و چون بپا شود او را بپاوت کند و در خانه نه خیزد و او باشد و چون عطسه کند او را دعا کند و باید  
که آنکه عطسه میکند بگوید **اللهم رب العالمین لا شریک لک** و دیگران با او بگویند **یرحمک الله**  
و او در جواب بگوید **بکم الله و بحضرت بالکم** و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقولست که چون کسی عطسه کند او را دعا کنند **یا رب العالمین** فاصله باشد و در  
حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در این دهه از شیطان است  
و عطسه از جانب خداوند عالیهان و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی نعمتهای بسیار بر بند  
است و هر یک گام صحت بدن و سلامتی اعضا و جوارح و بنده را موشش میکند که خدا را بران  
نعمتها شکر کند پس این سبب خدا امر میفرماید باینکه در شکرش جولان بکند و از عیش بیرون آید  
پس از نیجست مفر گردد و اند که درین حال خدا را حمد بگوید که این حمد غلانی شکر آن نعمتها باشد  
که فراموش کرده است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده که نیکو چیزی است عطسه لغوی  
میرساند بدن و خدا را یاد می دهد و در حدیث حسن از حضرت منقولست که چون کسی عطسه کند بگوید **الحمد لله رب العالمین**  
و او در جواب بگوید **اللهم رب العالمین لا شریک لک** و دیگران با او بگویند **یرحمک الله**  
و او در جواب بگوید **بکم الله و بحضرت بالکم** و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مغل غلانی  
نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عطسه کرد و گفت **الحمد لله** حضرت با فیه فرمود  
**یا رب العالمین** و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام عطسه کرد و عین



[illegible]

باشد بگوید عافاك الله و اگر طفل باشد بگوید رزقك الله و اگر بیمار باشد بگوید شفاك الله  
 و اگر کافر دمی باشد بگوید هذاك الله و اگر بنیر امام باشد بگوید صلی الله علیه و در جواب  
 بگوید یغفر الله لنا و لكم و آنحضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار عطر کردن  
 این سبک روان از پنج در دواقل خوره و دوم لغوه سوتم نزول آب در چشم چهارم صلابت و  
 خشونت پرده های بینی پنجم پیردن آمدن مود چشم و اگر خوابی که کم شود یا بیرونش  
 در بینی بچکان بقدر یک دانگ را وی گفت که پنجره را چنانیدم طبعه فشد و آنحضرت امام محمد  
 علیه السلام منقولست که هر که در بیت اخلا عطره کند چه آبی را در خاطر خود بگذارد و تنی است  
 که مراد هسته گفتن باشد و آنحضرت امیر المومنین صلوات الله علیه آنکه منقولی است که چون  
 کسی عطره کند با و بگویند یا محمدك الله یا او در جواب بگوید یغفر الله لنا و لكم و این حدیث است و آن  
 حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که صلوات بر حضرت رسول و آل آنحضرت واجب است  
 نزد عطره کردن و نزد کشتن حیوانات و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
 که یکبار اروق زند بجانب آسمان بلند نمکند و سه سو که اروق نعمت خداست بعد از آن  
 حد آبی کند و آنحضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که مؤمن آب و باران بجانب سید  
 نبندازد و اگر از روی نیشی بینداند استغفار کند و در حدیث حسن از حضرت  
 صادق علیه السلام منقولست که هرگاه کسی در نماز عطره کند بگوید اَعْمَدُ لِلَّهِ وَ رَحْمَتِ  
 دیگر فرمود که اگر بشنوی که کسی عطره میکند و تو در نماز باشی بگو اَلْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَی اللّٰهُ عَلَیْ مُحَمَّدٍ  
 اگر چه در میان تو و آن شخص که عطره کرده است در میان است فصل هفتم در مزاج کردن  
 و خندیدن و سرگوشی کردن و اداب صحبت و راز مجالس اینچنان درشتن در حدیث  
 صحیح از حضرت امام محمد علیه السلام و در حدیث دیگر از امام موسی کاظم علیه السلام منقول  
 است که چون نیت در مجلسی بنشد و نائی ایشان با یک دیگر سرگوشی که موجب لذت  
 و ایذائی آن فریق دیگر است و در حدیث منبر از حضرت رسول صلی الله علیه و  
 آله و سلم منقول است که هر که در میان سخن برادر سلمان خود سخن بگوید چنان  
 است که صدقه و خسته اش در روئے او کرده است و در احادیث بسیار متقه

است که مهالس با مات است یعنی آنچه گذشت باید که در جائی دیگر مذکور نشود مگر آنکه دانند که ایشان  
راضی اند و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که احدی نایست که سخنی را که  
صاحبش پنهان دارد و او نقل کند مگر آنکه علمی باشد که آنها را آن لازم است یا ذکر نیکیهای آن  
شخص باشد و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که مهالس با مات است مگر  
مجلسی که در آن خون حسامی ریخته شود یا فرج حرامی را که حلال کنند یا مالی را که بناحق بر بند و آن  
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در و مزاج و خوش طبعی می باشد  
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت از شخصی پرسیدند که خوش طبعی کردن شما بایکدیگر چون  
است گفت کم است حضرت فرمود که بکنید که مزاج کردن از نیکی خلق است و موجب  
خوشحالی برادر مؤمن میشود بسیار بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم مزاج میکرد  
باشخصی که او را شاد گردانده و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که خدا دوست میدارد  
حسب آنکه خوش طبعی کند در میان مردم مادام که فحش نگوید و آن حضرت صادق علیه السلام منقول  
است که خندیدن مؤمن بسیار به که بتم باشد و صدانهشته باشد و در حدیث دیگر فرمود  
که بسیار خندیدن دل را میبرد و دین را میگیرد از دین آنچه آب نمک را میگیرد از دینش بود  
که از نادانست خندیدن بی آنکه تعجبی باعث آن شود و در حدیث حسن فرمود که زنهار مزاج  
بسیار کند که آب و رومی بر دوش برود که چون سیرادوست داری با او مزاج کن و مجادله  
کن و در حدیث حسن دیگر فرمود که تفهیم کردن از شیطانست و تفهیم بود که بسیار خندیدن  
از آب و رومی برد و آن حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که زنهار مزاج کنید  
که گیند با هم میرسد و دشنام کوچک است و آن حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست  
که چون خنده تفهیم بکنی بعد از فارغ شدن بگو **اَللّٰهُمَّ لَا تَمَقِّتْنِیْ** و آن حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که مزاج کردن آب و رومی بر دوش مهابت مردان را بر طرف میکند و  
در حدیث دیگر فرمود که مجادله کن که محبت را می برد و خوش طبعی کن که باعث جرات مردم  
می شود بر تو و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که مزاج کن  
که نور ایمان را می برد و مردوب و مردیت را سبک میکند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت

یحیی علیه السلام میگفت و نمیخندید و حضرت عیسی علیه السلام میگفت و نمیخندید و آنچه که حضرت عیسی  
 میگرد و بهتر بود از آنچه که یحیی میگرد و در حدیث دیگر منقول است که حضرت داود علیه السلام بفرست  
 سلیمان علیه السلام میگفت که ای فرزند زنه که بسیار خنده کن که بسیار خندیدن آدمی را  
 فقیر کند در رقیامت و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که عجب دارم از کسی که با  
 به بجهنم دارد چه این بخندد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که چه بسیار کسی که بسیار خندد و از روی  
 لعب در قیامت گریه شن بسیار باشد و چه بسیار کسی که بسیار گریه برگناه خود در بهشت خوشحالی  
 و خنده شن بسیار باشد پس از این چهار و اخبار دیگر چنین می شود که مومن میباید که عجب  
 و گرفته نباشد و کشاده رو و خندان باشد و قدری از مزاح مطلوب است اما بسیار خندیدن  
 و بسیار خوش طبعی کردن مذموم است و فعل آن چه روان و سفیهان است فصل هشتم در سائر  
 آداب مجالست و حقوق اصحاب مجالس یکدیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقولست که نیکو مجاورت کن پس یکدیگر با تو مجاورت کند تا مؤمن باشی و نیکو مصاحبت کن  
 با مصاحبان خود تا مسلمان باشی و از مفضل منقولست که بخندمت حضرت صادق علیه السلام  
 رفتم فرمود که مصاحب تو که بود در راه گفتم که شخصی از برادران مؤمن بود چه شد گفتم که از اخیل  
 مدینه شده ام جایش را ندیدم فرمود که بگریه ای که کسی که چهل گام با کسی مصاحبت کرد و حق  
 از حق از او سوال میکند در قیامت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که  
 همین عجیب است آدمی را که از عجیب مردم چیزی چند بیند که از خود چشم را پوشیده و  
 مردم هرگز نشکند بر چیزی که خود ترک آن نمیتواند کرد و آثار کند بهشتین خود را بر چیزی که نفعی باد  
 نهد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مردم یا مؤمن اند یا جاهل پس مؤمن را آزار  
 نباید کرد و با جاهل چنانچه بخواهد کرد و اگر نه مثل او خواهی بود و از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که از نایب کسی که نیکو مصاحبت نکند با مصاحبان خود و نیکو رفاقت نکند با رفقا  
 خود و نیکو کمک خواری نکند با کسی که کمک خور و با او و نیکو مهربانی نکند با کسی که با او مهربانی کند  
 و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که با منافق بر زبان خوش ساز کاری بکن و محبت  
 قلبی را خالص گردان برائی مؤمنان و اگر یهودی یا توهم نشین کند نیکو مجالست کن با او و حضرت

رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که مهربانی کن با مردم تا را دوست دارند و در حدیث دیگر  
 فرمود که سه چیز است که محبت آدمی را برائی برادرش صاف و خالص میگرداند اول آنکه چون  
 با بر خور و برخوردی و خوشحالی او را ملاقات کند و دوم آنکه جا از برائی او بکشد چنانچه چون نزد او نشین  
 ستوم آنکه بفرمانی که دوست سپارد او را بخواند و سه مود که اظهار دوستی و مهربانی با مردم کردن نصف  
 عقل است و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را دوست داشته  
 دوستی خود را با او اظهار کن که بیشتر باعث ثبات محبت میشود میان شما و در حدیث صحیح دیگر فرمود  
 که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم قسمت میکردند نظر کرده نهای خود را در میان اصحاب  
 خود که یکی بیشتر از دیگری نظر میکرد و هرگز در حضور اصحاب خود پا دراز نمیکردند و در حدیث صحیح  
 از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که چون کسی حاضر باشد او را بحسبیت بخوان و چون  
 غائب باشد نامش را بگو و در میان عجم القاب بجای کنیت است مثل آخوند و آقا و میرزا و  
 نواب و امثال آنها و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که چون کسی برادر  
 مسلمان خود را دوست دارد باید که نامش را و نام پدر و نام قبیله و خویشانش را برسد از و  
 که این از جمله حقوق لازم بر ادرسی و دوستی است و اگر نه آن شخصائی احقران خواهد بود و در  
 حدیث دیگر فرمود که عجز سه چیز است یکی آنکه شخصی بر کسی طعامی مهیا کند و او خلف و صده کند  
 و نزد که طعام او را نخورد و دوم آنکه شخصی با کسی صاحبیت و هم نشینی کند و معلوم نکند که  
 ثبست و از کجاست تا از وجه اشود ستوم آنکه با زن خود جماع کند پیش از آنکه زن آب بدهد  
 او آب بدهد بلکه میباید که بتائی بکند و کث کند تا مهر و آب بدهند و از حضرت امام موسی  
 منقولست که بسیار پرده از میان خود و برادر مؤمن خود بردار که باعث بر طرف شدن  
 حیاست و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که از روی برادر مؤمن خود کاسبی  
 یا خاشاکی یا کثافتی بردارد حق تعالی چو ستم در نامه عاقلش بنویسد و هر که بتم کند در رو  
 برادر مؤمن خود حق تعالی بر او ستم بنویسد و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله  
 منقولست که هر خاشاکی یا مانند آن از برادر مؤمن بردارد او بر او عمل و بگوید یا ماط الله  
 عَنْكَ مَا تَكُنْ یعنی خدا دور کند از تو آنچه را نمیخواهی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نہیں فرمود لکن اگر کسی کو یہ کہی کہ لاَوْ حَيَاتُكَ وَحَيَاتُ فُلَانٍ چنانچہ  
 دنفار سعی بیکونید کہ بجان خود و جان فلان و در حدیث دیگر فرمود کہ بدترین اہمیت مرگ جاحقی  
 آنکہ مردم ایشان را اگر می میدانند از ترس بچہ ایشان بستیکہ از من نیست کہ ہر کہ چنین باشد  
 و آن حضرت صادق علیہ السلام بقول است کہ ولد الزنا را چند علامت است اول شستن  
 اہل بیت رسالت دوم آنکہ نائل است بآن سہ ہک کہ از خلق شدہ ہست سوم آنکہ دین را  
 و سبک شمار و چہانم آنکہ مردم را در حضور ایشان آزار میکنند و سچا کس با مردم بد برخورد  
 و آزار ایشان نمیکند مگر آنکہ ولد الزنا است یا در حیض یا در شش ما و حاملہ شدہ است و آن  
 حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ زہار با مردم نہایت گنہید کہ  
 گرامت را می برد و مروت را بظرف میکند و پیوستہ جہر پیل علیہ السلام مرا ہی کرد از  
 مجاہدہ با مردم کردن چنانچہ ہی میکرد او شہاب خوردن و بہت پرستیدن و آن حضرت  
 صادق علیہ السلام منقولست کہ کینہ مؤمن در ہمان محل میباشد کہ نشستہ است چون  
 از برادرش جدا شود دیگر در و لش کینہ نہ ماند و کینہ کافر در تمام عمر باشد و آن حضرت امام  
 محمد باقر علیہ السلام منقولست کہ شخصی بخدمت حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آمد و  
 گفت کہ مرا دیتی فرما حضرت فرمود کہ ملاقات کن برادر خود را باروی کشادہ و حضرت  
 صادق علیہ السلام فرمود کہ حدیثی خلق آنست کہ ہر باطنی و سخت را نیکو کنی و با مردم باروی  
 خوش برخوردی و آن حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ خوشحال و خوش رو  
 با مردم برخورد کن کینہ را میبرد و حضرت صادق علیہ السلام فرمود کہ سہ چیز است کہ از بکار  
 دنیا و آخرت است آنکہ عفو کنی از کسی کہ بر تو ظلم کند و پیوند کنی با کسی کہ از تو بد و ظلم کنی با  
 کسی کہ با تو بخردی کند و در حدیث صحیح دیگر فرمود کہ ہر کہ خشمی نہ و خور و ضاعت اورا مد  
 دنیا و آخرت زیادہ گرداند و آن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقولست کہ ہر کہ خشمی نہ و  
 خور و قمار باشد کہ آنرا بعل آرد و حق تعالی دانش را از اینی دایمان پذیرد در روز قیامت فصل نہم  
 و فضیلت ذکر خدا در مجالس کردن آن حضرت رسول صلی اللہ علیہ السلام منقولست کہ مبارکست کہ  
 بسوی باغ نمائی بہشت رسیدن کہ است باغ نمائی بہشت فرمود و طاعت با جمیع کما یاد دلان کنند و حق تعالی



امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله فرمود که در هفتاد و یک بار یا گویند که اوه هه جابا شاست و  
 در حدیث معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم از هیچ مجلس برخاستند هر چند که  
 نشسته باشند تا آنکه بیست و پنج مرتبه استغفار میکردند و در احادیث معتبره منقولست از  
 حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که یا گویند خدا در میان غافلان مانند کسی است  
 که چادر کند و در راه خدا در میان گمراهان و گمراهان و چنین کسی ثواب او بیست است و در  
 حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر مجلسی که در آن جمع شوند نیکوکاران  
 و بیکاران و غیره میزنند و یاد خدا در آن نکرده باشند در قیامت باعث حسرت و زهدت ایشان  
 خواهد بود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که هر گروهی که در مجلسی شوند  
 و در آن مجلس یاد خدا نکنند و صلوات بر پیغمبر خود نفرستند آن مجلس حسرت و وبال است  
 بر ایشان در روز قیامت و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است  
 که نوشته است در توراتی که تغییر یافته است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود  
 سوال کرد که خداوند اجلسی پسند بر من وارد می شود که ترسناک تر و جلیل تر میدانم از آنکه  
 ترا در آن مجلس یاد کنم حق تعالی در جواب فرمود که یا موسی نام من بردن و یاد من کردن در  
 همه حال نیکوست و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حق تعالی فرمود که ای فرزند  
 آدم مرا یاد کن در جمیع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمیع تو باشد و در حدیث دیگر فرمود  
 که ای فرزند آدم مرا یاد کن در جمیع مردم تا ترا یاد کنم در جمعی که بهتر از جمیع تو باشد و در حدیث  
 دیگر فرمود که حق تعالی می فرماید که هر که مرا یاد کند در میان جمعی از مؤمنان من او را یاد کنم در  
 میان جمیع ملائکه و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که خواهد که در قیامت  
 ثواب کامل به او قسوتیکه بخوابد که از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ مَا يَشْفُونَ  
 وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و در حدیث دیگر منقولست که این کفا  
 کتابان مجلس است فصل دهم در فضیلت ذکر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و آنست  
 علیه السلام در مجلس و مباحثه علمم ایشان بدون و احادیث فضائل ایشان را یاد کردن  
 از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر قومی که در مجلسی جمع شوند و خدا را یاد نکنند

و بارایا بکنند آن مجلس بر ایشان وبال و حسرت خواهد بود در قیامت حضرت امام محمد باقر  
علیه السلام فرمود که یاد ما کردن از یاد خداست و یاد دشمن ما کردن از یاد شیطان است و از حضرت  
صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی را ملکی چند هست که ایشان میگرددند در زمین و هر گاه که  
میگذرند بر جماعتی که یاد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله می کنند بیکدیگر میگویند بایستید که  
مطالب خود را بپسندید پس نشینند و با ایشان شریک می شوند در آن امر پس چون بر میخیزند  
اگر جایز شوند بعبادت ایشان میروند و اگر نمیروند بجهانها ایشان حاضر میشوند و اگر غائب می شوند  
جستجوی ایشان می کنند و در حدیث دیگر فرمود که ملائکه که در آسمانها نظر می کنند بسوی  
یک و دو و سه از شیعیان که فضیلت آل محمد صلوات الله علیهم را ذکر می کنند پس یکدیگر  
میگویند که نمی بینید این جماعت را با یکی ایشان بسیار دشمنان ایشان سببست آل محمد  
صلی الله علیه و آله و سلم را ذکر می کنند پس ملائکه دیگر از ملائکه در جواب ایشان میگویند که این  
فضل خداست بهر که میخواهد میدهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و در حدیث منقولست  
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام از میر سپید که با شما شیعیان با یکدیگر خلوت نمی کنید  
و از علوم طریقت و فضائل ایشان آنچه خواهید میگویند گفت علی و الله حضرت فرمود که والله  
من دوست میدارم که با شما باشم در آن مجلس و الله که من بوی شما دوست دارم و شما دوست  
میدارم بدوستیکه شما بر دین خدا و ملائکه اید پس هر کسی نیاید ما در شفاعت خود بر پر میر نگار  
از محرمات و سعی در طاعات و در حدیث دیگر فرمود که جمعی میشوند نفس از مؤمنان یا زیاده  
یا کم از ملائکه مثل ایشان جمع میشوند و اگر چیزی از خدا می طلبند ملائکه آید میگویند و اگر بخواهند خدا  
میریزد از شری و عامی کنند ملائکه که خدا آن بد از ایشان بگرداند و اگر حاجتی می طلبند ملائکه  
از خدا سوال می کنند که حاجت ایشان را بر آورده و جمع نمی شوند نفس یا زیاده از آنکار کنند گاه  
حق اهل بیت علیه السلام مگر آنکه ده برابر ایشان شیاطین حاضر میشوند و هر چه میگویند  
شیاطین هم مثل سخن ایشان سخن میگویند و اگر سخنند با ایشان میخندند و اگر مذمت و ستان  
خدا می کنند با ایشان رفاقت می کنند پس اگر کسی از مؤمنان بتلاش خود بهم نشینی ایشان  
چون شروع کند بخدمت و ستان خدا بر خیزد و شریک و هم نشین شیاطین باشد که هیچ

ما با مقابله است غضب خداوند و لعنت خداوند هیچ چیز دفع نمیکند و اگر نتواند که خیرش را بدل آنجا  
 کند و آنرا یک ساعتی خیرش را دو بار بزرگتر دهد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هیچ چیز  
 شیطان و لشکرش را نمی تواند دفع نمیکند مثل رفتن بر او ان نموس بریدن یک و دیگر از برای  
 خدا بپرستید و نموس که بایکدیگر می خوردند و یاد خدا می شدند بفصلیت ما اهل بیت را یاد می نمود  
 بر روی شیطان هیچ پاره گوشت نمی ماند مگر آنکه فرسوده می شد و زانکه در خوش استغاثه می آمد از  
 شدت الهی که از این امر سبب پادشاهی آنکه آسمانها و غارها را بشت بر این معنی مطلع می شوند و  
 او را لعنت می کنند و هیچ ملک نمی تواند که آنکه او را لعنت میکند پس اسید و جسم و طوطی  
 بر زمین افتد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که زینت در سید مجاهد خود را  
 بنابر فضائل علی بن ابیطالب علیه السلام که در دو دفتر خلاصت اخلاصهای پیغمبران است و در  
 حدیث دیگر فرمود که حق تعالی بر من بر او درم علی بن ابیطالب علیه السلام فضیلتی چند قرار داده  
 که از بسیاری اخصای آنها نیست و آن که در این کتب فضیلت از فضائل او ذکر کند از روی  
 اقرار او اعلان گنان گذشته و آینده او آمرزیده شود هر چند در قیامت با گناه انس و جن بیاورد  
 و هر که فضیلت از فضائل او بنویسد تا علامتی از آن کتاب باشد بلکه از برای او و همفکار  
 هستند و هر که گوش در فضیلت از فضائل آنحضرت خدا یا امر زوگنالی را که بگوشت و ادن کرده باشد  
 و هر که نظر کند بنوشته که فضیلتی از فضائل آنحضرت در آن نوشته باشد خدا از دنیا امر زوگنالی را  
 که بپرست کرده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر او بر او بر او بر او بر او بر او بر او بر او بر او  
 بشاید بسوی بشت برستی که لا اله الا الله خود را میگوید از برای طلب کسب کننده علم با وضو  
 و خوشنودی و استغفار می کنند از برای طلب کسب کننده علم که در میان و هر که در زمین است حتی  
 با میان در باب فضل عالم بر عابد مانند فضل ماه است در شب چهارده بر سائر ستارگان و در  
 حدیث دیگر فرمود که اف باد بر روی که در هر جمعه خوراک از کارهای دنیا با نفع نماز و دیگر کارها  
 اگر چنین مسائل درین خود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی هر سالی که مذکور علم در میان بندگان  
 من و پادشاهی مرده را بزرگ میکند و در حدیث دیگر فرمود که بایکدیگر مذکور کنید و ملاقات کنید  
 و حدیث نقل کنید که حدیث جلالت به و لها را بپرستید و لها را بپرستید و لها را بپرستید

بزرگ بگیرد و بکارد و بکشد است از حضرت امام محمد علیه السلام منقولست که مذکور  
 علم ثواب نماز مقبول و در فصل یازدهم در مشورت کردن ابرار و ان مؤمن و آداب آن از حضرت  
 امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که بعضی خود را بنحاطره بانی اندازد و کسیکه مستغنی شود  
 برائی خود از رائی دیگران و در حدیث دیگر فرمود که مشورت کن با جماعتی که از خدا خرسد و دوست  
 و ابرار و ان مؤمن را نقد بر پر بیز گاری ایشان و بر پیروی از ان بدو از بندگان ایشان در حدیث  
 اگر ترانگی امر کنند مخالفت کن بشی از اطاع کنند در آنکه موافقت ایشان کنی در بدیها و در  
 حدیث دیگر فرمود که من بزرگم از کسیکه مسلمانی با او مشوره کند و آنچه خیر او را و ان و اندر گوید  
 از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر گرویی که با یکدیگر مشوره کنند در  
 میان ایشان کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد و در مشوره ایشان داخل  
 باشد البته آنچه خیر ایشان است بر ایشان ظاهر شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست  
 که چهار سال باطلی فرمود که اگر خواهی نعمت الهی بر تو مستقیم باشد و غرورت تو کامل و زندگانی  
 تو نیکو باشد در امور خود مشوره کن با بنده و با مردم دون و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
 منقولست که مشوره کن جستان و ترسانان که راه بدو شد را بر تو ننگ می کنند مشوره کن  
 با غنیل که مانع می شود ترا از رسیدن بغایت مقصود خود و مشوره کن با سیکه حرص دنیا داشته  
 باشد که زینت میدهد برائی تو بر راهی را که بدتر است و در حدیث دیگر فرمود که باطلی کسی که طلب  
 خیر از خدا بتعالی میکند حیران نمی شود و کسیکه در کار با مردم مشوره میکند شیطان نمی شود  
 و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که پلانی نمی شود کسیکه مشوره کند و در حدیث دیگر  
 منقولست که بسیار بود که حضرت امام موسی رضا علیه السلام با آن عقل کامل مشوره میکرد و با  
 سیاهی از فلان خود مضیه فرمود که بسا باشد که خدا خیر را بر زبان او جاری کند و در احادیث  
 مستقره منقولست که با محافل دیندار بر پیروی کار مشوره کن و چون کسیکه بخیر خلاف آن مکن که  
 موجب فساد دنیا و آخرت نومی شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که  
 سر که برادر بونش با او مشوره کند و آنچه محض خیر او باشد نگوید خدا عقل در این امر می کند  
 و در حدیث دیگر فرمود که مشوره کن آن حدیث دارد که هر که آنها را نداند مضرت مشوره بر او

پیش از منفعت است اول آنکه آن سبکه برائی او مشوره می کنند عاقل باشد و دهم آنکه آزاد و متین باشد و نهم آنکه برادر و دوست و یار او باشد چهارم آنکه او را بر تمام سده خود مطلع گرداند که چنانچه خود جهات آن امر را میداند او بهم مانند اما پنهان دارد و کسی نقل نکند زیرا که اگر عاقل است مستغنی بشوی مشوره او و اگر آزاد و دیندار است آنچه حق سنی است میکند و در خیر خواهی تو و اگر یار و دوست است چون از خود ماو گفتی انشاء میکند با آنکه از هر فضیلت مشوره و تمام در آن همین کافی است که چون سبانه تعالی پیغمبر خود را که عمل کلمات بود در قرآن مجید امر مشوره فرموده است قَوْلُهُ اَعْلَى وَاَسَاوِرُهُمْ فِي الْاَكْمَرِ فَاِذَا نَعَزْتُمْ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ يَعْنِي مشوره کن با اصحاب خود در امور پس چون سزم کردی پس توکل کن بر خدای عز و جل فصل دوازدهم در آداب نامه نوشتن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مهربانی و موصالت در میان برادران مؤمن در حضر باین است که بدین یک دیگر بروند و در سفر و حضر باین است که نامه بیکدیگر بنویسند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که جواب کتابت نوشتن واجب است مانند جواب سلام گفتن و در حدیث دیگر فرمود که ترک کن نوشتن بسم الله الرحمن الرحيم اگر چه بعد از آنکه نویسی و فرمود که میباید که بسم الله الرحمن الرحيم بهتر از سایر چیزها است و نویسی بنویسی و در حدیث موثق از آنحضرت پرسیدند که در نامه ابتدا با اسم شخص که نامه با او می نویسد پیش از نام خود کردن چون است فرمود که بایستی این اکر می است که او را می کنند و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت امر فرمود که نامه بجائی بنویسند و چون هست آنحضرت دادند فرمود که چگونه امید دارد که آنچه در نامه نوشتی بعمل آید و حال آنکه انشاء الله تعالی در جایگاه مناسب است نه نوشته آید پس فرمود که به بین که هر جا که انشاء الله تعالی ندارد بنویسد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه التحیه نوشتن بنویس است که چون نامه را نوشتی نماند را بر رو نامه پاشید که حاجت بهتر روا می شود و در حدیث منقولست که حضرت امام علی نقی علیه السلام در اول نامه می نوشتند بسم الله الرحمن الرحيم اذکر انشاء الله تعالی و الاکثر یبید الله و قد فرمودند که اگر بگویم که سبکه ترک میکند گفتن و نوشتن بسم الله و کار یا نوشته باشد یا مثل کسی است که نماز را ترک کند هر آینه است گفتن

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از نامه نوشتن هر کس استدلال بر عقل و بینائی او  
مستوان کرد و از رسول و ائمه استدلال بر مبهم و بیزیری او مستوان کرد و در حدیث دیگر فرمود  
که چون بقعه یا نامه برائی حاجتی بنویسی و خواهی که آن حاجت بر آید تعلیم پیدا بر سر بقعه بنویس که  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْخُرُوجَ مِنْكُمْ بِكَرْهُونَ وَالرَّزَقَ  
مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ جَعَلْنَا اللَّهُ وَايَاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ  
راوی گفت که هرگاه چنین میکردم حاجتم برآورده می شد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت  
امام موسی کاظم علیه السلام پرسیدند که کاغذ باز و جامع می شوند آیا آتش مستوان سوزانید هرگاه  
در آنها نام خدا باشد نه نمودند بلکه آب اول بشوید و در حدیث صحیح دیگر منقولست است از  
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که کاغذ را سوزانید و لیکن بخونسید و بدرید و در حدیث  
حسن اینست حضرت پرسیدند که نامی از نامهای خدا را آب دهن میخورد مستوان کرد و فرمود که بیاک تر  
چیزی که بیابید بخونسید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که کتاب خدا و  
نام خدا بیاکترین آنچه میباید بخونسید و بهی فرمود از آنکه بسوزانند قرآن را و از آنکه تعلیم بخونسند  
و در بعضی نسخها بجائی قلم قدم است باب دوازدهم در آداب خانه و داخل شدن و بیرون رفتن  
فصل اول در کشادگی خانه و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست است  
که از سعادت آدمی آنست که خانه او کشاده باشد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام  
موسى کاظم علیه السلام خانه خریدند و یکی از موالیان خود را فرمودند که در آنخانه ساکن شو که خانه  
تو تنگ است آن شخص گفت این خانه آنست که پدرم احداث کرده است برست تو نم رفت حضرت  
فرمود که هرگاه پدر تو احمق باشد تو نیز باید که احمق باشی و از حضرت صادق علیه السلام منقولست  
که سه چیز اند که موجب راحت مؤمن اند خانه کشاده که عیب پیدا و امور مخفی او را از مردم پنهان  
دارد و وزن صالحه که در امور دنیا و آخرت او را یاری نماید و دختری یا خواهری که او را از خانه  
بیرون کند یا بگردن یا بشوهر دادن و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست است که یکی  
نهنگالی در کشادگی خانه و بسیاری خدمتگاران است و در حدیث دیگر فرمود که زیادتی لذت  
دنیا در سه امر است خانه و بسیاری دوستان است و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست



اگر از شقت زندگانی است خانه تنگ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از انصار از تنگی  
 خانه شکایت کرد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت فرمود که با او زیاده ببلند از حد طلب  
 که کشادگی در خانه تو برسد و در حدیث دیگر فرمود که از سعادت آدمی آنست که قدر نهش باشد و  
 شبیه باشد وزن خوش روی دیندار و هشته باشد و چهار پای به چهار پشته باشد و  
 خانه کشاده و هشته باشد و در حدیث دیگر فرمود که شومی خانه و تنگی ساحت است و بد  
 همسایگان و بیانی همسایگانست و در حدیث دیگر فرمود که چهار چیز است که از سعادت  
 است زن صالحه و خانه فراخ و همسایه شایسته و مرکب نیکو و چهار چیز است که از شقاوت  
 است زن بد و خانه تنگ و همسایه بد و مرکب بد و از حدیث صادق علیه السلام منقول  
 است که از تنگی زندگانی است از خانه بخانه نقل کردن و آن از اناز خسرین فصل دوم  
 در حدیث کثیف بسیار در خانه کردن و بلند بسیار ساختن و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
 علیه السلام منقولست که هر که مالی را از غیر حلال کسب کند مقتضای بر او سلطه میگردد و آن عمارت  
 کردن و خاک و آب که آن مال حرام را در آنجا ضائع کند و در حدیث دیگر فرمود که نهائی که زیاده  
 بر قدر شایع باشد در قیامت و بال است بر صاحبش و در حدیث دیگر فرمود که هر که  
 عمارت کند زیاده از آنچه در او سکنی نماید و در قیامت او را تکلیف میکند که آنرا بردارد و آن  
 حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که ضایع مالی در زمین خود بقیعه چند قرار داده است  
 و آنها را مر حومات بنامند و دوست میدهد و که نام او را در آن بقیعه میبرد و او را بخواند  
 و اجابت دعائی ایشان بکند و خداوند تعالی در زمین بقیعه چند قرار داده است که آنرا بنام  
 میسرها میگویند پس چون کسی مالی را غیر حلال کسب کند خدا یک زمین از آن میسرها را بر او  
 سلطه بگذارد که آن مال را در آنجا صرف نماید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المومنین  
 علیه السلام از خانه تنگی گفتند که از چه ساخته بود حضرت پرسیدند که این در خانه کیست  
 شخصی گفت که از فلان مرد و غافل خسته و در پس در خانه دیگر گذشتند که صاحبش از آجر ساخته  
 بود حضرت فرمود که این خانه از مغرور و غافل دیگر است و آن حضرت رسول صلی الله علیه و  
 آله وسلم منقولست که هر که خانه بنا کند از برای بیای و همه که مردم بیسند و بشنوند و در روز

قیامت آن خانه با آطبقة مقیم زمین آتشی گشتند فروخته دور گردان او اندازند پس او را در جهنم اندازند  
و هیچ چیز او را نگاه ندارد و تا قهر جنم مگر آنکه که تو بگوئی پس بگویند که یا رسول الله بر این زیاد و سمع و  
بصری دارد فرمود که یعنی زیاده از قدر حاجت بسیار و برائی آنکه زیادتی کند بر وسایل گانش فحش  
و مباحات کند با برادرش و آن حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی ملکی را موی کل  
گردانیده است بهمارت که هر که سقف خانه اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند یا و میگوید که  
آنجا بخوابی بروی آفاق و در روایت دیگر ای فاسق ترین فاسقان و در چند روایت دیگر  
و بار شده است که هر که سقف خانه را زیاده از هشت ذرع بلند کند جنتیان و شیاطین  
در آن خانه جامی کنند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد بحضرت صادق علیه السلام  
که جنتیان از اراذل خانه و عیال من می کنند حضرت فرمودند که ارتفاع سقف تو چه مقدار  
است گفت ده ذراع حضرت فرمود که از زمین تا هشت ذرع به پیاده از این تنگه آیه الکرسی  
بنویس بر دیوار خانه زیرا که هر خانه که ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع باشد جنتیان در آن خانه  
حاضر میباشند و در آنجا مسکن می کنند و در چند حدیث دیگر منقولست که هر خانه که  
ارتفاع آن زیاده از هشت ذرع باشد بر سر هشت ذرع آیه الکرسی بنویس و در حدیث دیگر  
منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از جنتیان که بار از خانه  
بردارند حضرت فرمودند که سقف خانه ها غی خود را هفت ذرع کنسید و کبوتر و طوطی  
خانه جاد بیدار می گفتند که چنین کردیم دیگر مدی ندیدیم و در حدیث معتبر از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که بنا کن خانه خود را هفت ذرع که آنچه زیاده از هفت ذرع است  
شیطان در آنجا ساکن می شود زیرا که شیطان در آسمان و زمین سیاه باشد بلکه در میان  
هوای سیاه باشد و در روایت معتبره منقولست که ابو نعیمه گفت در خانه حضرت صادق  
علیه السلام دیدم که آیه الکرسی بر دیواره نوشته بودند و در جانب قبله نمازگاه آنحضرت  
نیز آیه الکرسی نوشته بود و فصل سیوم در نقاشی کردن و تصویر کشیدن و صورت خط  
رومی را ساختن که سایه داشته باشد مشهور میان علما آنست که حرام است چنین چیزی  
را ساختن بر دیوار یا با جامها و نقش کردن کرده است و بعضی بجهت قائل شده اند و احوط

آنست که طلا کار نمی کنند و مطلقاً صورت نکشند حتی صورت درخت و امثال آن خصوصاً  
 صورت انسان که نام و کمال باشد و اگر صورتی کشیده باشند بهتر آنست که آنرا ناقص کنند مثل آنکه  
 چشمش را بکشند یا عضوی را از آن بکشند و آنحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقولست که جبرئیل علیه السلام گفت که یا محمد پروردگارت سلام میرساند و ترانهایی میکند از شماها  
 و صورتهای کشیدین در خانهها و در احادیث معتبره از آنحضرت منقولست که جبرئیل گفت که ما  
 گروه ملائکه داخل خانه نمی شویم که در خانه سگ باشد یا صورت بدنی باشد یا طافی باشد که در آن  
 بول کنند و در احادیث معتبره وارد شده است که هر صورتی که بساد داد و در قیامت مذکب کند  
 که جان در آن صورت بدد و نتواند و در حدیث موثق منقولست که از حضرت امام جعفر صادق  
 علیه السلام پرسیدند از بالش چیستی که صورت داشته باشد فرمود که بانی نیست که در خانه نشو  
 باشد که پامال شود و بر رویش نشینند و راه روند و در حدیث حسن از حضرت امام مجتبه علیه  
 السلام منقولست که بانی نیست که صورتهای در خانهها باشد اگر سه شش یا تغییر دهند سائر نش  
 به حال خود باشد و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که نماز کن در خانه که صورتی  
 در برابر تو باشد گر آنکه چاره نداشته باشی پس آنصورت را قطع کن و نماز کن و در چند حدیث معتبر  
 از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را بینه  
 فرستادند که هر صورتیکه باشد بکش و بیا که بنده ما را کنیم و گفتم که شما را بگویم و در حدیث دیگر از حضرت  
 صادق علیه السلام منقولست که عمارت بر الائی فرمایند و صورت در سقف خانه کشید که حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم ازین دو چیز گریست و در حدیث دیگر از آنحضرت پرسیدند  
 اُشبین صورت درخت و آفتاب و ماهتاب فرمود که بانی نیست اگر صاحب حیات نباشد فصل  
 چهارم در آداب شرفخانه آنحضرت امام موسی علیه السلام منقولست که سرچریت که صورت است  
 چهارپایانیکو و ملام خوشرو و فرشی نفیس و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آدمی فرشی بزرگ  
 خود و فرشی بزرگ زوجه خود و فرشی برای جهان در کار است و زیاده ازین از شیطان است  
 و در روایت دیگر منقولست که در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام پشهادت میدادند و با یهود  
 و در آن شباهت میکردند و صورت با یهود و بر روی آنها می نشستند و در حدیث دیگر منقولست

است که همگی بنحای آنحضرت آمدند بالمشاهد و فرشهای نفیس دید و عرض کردند که ما در منزل شما چیزی  
چند می بینیم که خوش نمی آید ما را حضرت فرمودند که ما زمان بجهانم و محرابها را امید به ایشان  
آنچه میخواهند از برای خود بخشدند آنها از ما نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی خدمت  
حضرت امام محمد باقر علیه السلام رفت و دید که آنحضرت در خانه مرتبی نشسته اند که فرشها نیکو  
و لگ گسترده اند پس توبه دیگر رفت و دید که در خانه نشسته اند که بغیر از حصیر هیچ کوریان نیست  
و خود پیرایس گنده پوشیده اند پس حضرت فرمود که آنچه و بیرون دیدی اینجا ناز من نبود از روی  
من بود و بیرون بخت او بود و در حدیث صحیح منقولست که شخصی حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
عرض کرد که شخصی نشیند بر فرش یک در آن صورتهاست فرمود که همان تعظیم می کنند  
چنین نشی را و آنرا دشمن میداریم و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از حضرت امام موسی کاظم  
علیه السلام پرسیدند از فرش سیر و دنیا آیا بروی آن توان خوابید و گم کرد و نماز کرد حضرت  
فرمود در زیر می اندازی و بر رویش ایستای اما سجده بر آن نمیکنی و در حدیث دیگر منقولست  
که حضرت امام رضا علیه السلام در تابستان بر رک حصیر می نشستند و در زمستان بر رکوپا  
و در خانه جامه های گنده می پوشیدند و چون بیرون می آمدند برای مردم زینت میکردند و در  
روایت معتبر منقولست که چون حضرت امیر المومنین علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام  
نزدیج کردند پوشش ایشان عبا می بود و فرش ایشان پوست گوسفندی و بالش ایشان به  
پوستی بود که در میانش لیف خرما بر کرده بودند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق  
علیه السلام فرمود که بسیار است که نماز میکنم و در پیش روی من بالشی هست که در آنصورت  
مرغان است پس جامه بر رک آن بالش می اندازم و نماز میکنم و فرشی چند از شام بر کمر من می  
آوردند و در آنها صورت مرغان نقش کرده بودند فرمودم که سر بانی ایشان را تغییر دادند و بصورت  
درخت کردند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت پرسیدند که گاه هست که فرشها نزد  
معی گسترند که در آنها صورتهاست حضرت فرمود که چیزی را که فرش کنند و پهن کنند و بر  
رویش راه روند باکی نیست اما صورتهایی که بر دیوار و کرسی نصب کنند خوب نیست فعل پنجم  
در آداب عبادت کردن بنحای آنحضرت در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که

حضرت امیر المومنین علیه السلام حجره در خانه مقرر فرموده بودند که در آنجا بغیر از فرشی و مصحفی و  
ششیری چیزی دیگر نبود و در آن جبهه نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است  
که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله حجره در خانه قرار داده بودند که بسیار کوچک  
بود و بسیار بزرگ از برای نمازگاه خود و چون شب میشد طفلی را با خود آن جبهه میبردند  
و در آنجا نماز میکردند و در حدیث موثق دیگر منقول است که آنحضرت نوشتند بهیچ که دوست  
میدارم از برای تو که در خانه خود نمازگاهی تشریفی و در جاسه گنده کهنه پوشی و با آن موضع  
بروی و از خدا سوال کنی که ترا از آتش جهنم آزاد کند و ترا داخل بهشت کند و دعائی نامشروع  
همین نویسد پس هر کس مکن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
که منور گردانید خانه های خود را تلاوت قرآن و خانه های خود را مثل گوز خود کند چنانچه  
بهرود و نصاری گردند که نماز را در مسجد یا خود میکردند و خانه های خود را محطل میگذاشتند  
بدستیکه خانه که در آن تلاوت قرآن بسیار شود و خیر آن خانه بسیار شود و اهلش بر فاهیت  
و نعمت میباشد و آن خانه روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستار بار روشنی میدهد اهل زمین را  
و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که خانه که مسلمانی در آن است آن خوانده  
اهل آسمان آن خانه را با یک دیگر میسپارند چنانچه که اهل آسمان اهل زمین یک دیگر میسپارند  
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که خانه که در آن قرآن خوانده شود  
و یاد خدا در آن خانه کرده می شود برکت آن خانه بسیار شود و ملائکه حاضر میباشند و شیاطین  
دور می شوند و روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستار بار اهل زمین را روشنی میدهد و خانه که در آن  
قرآن خوانده نشود و یاد خدا در آن نکنند برکت آن خانه کم میباشد و ملائکه دور می میکنند و  
شیاطین در آن خانه حاضر میباشند فصل ششم در گناه داشتن حیوانات در خانه خصوصاً کبوتر  
نهمه و س از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حیوانات را در خانه بسیار نگاه  
دارد که شیاطین آنها مشغول شوند و با اطفال شمانه رزسانند و آنحضرت امام محمد باقر علیه السلام  
منقول است که خوب است حیوانات در خانه داشتن مثل کبوتر و مرغ و زغال تا آنکه اطفال  
جانبان با ایشان بازی کنند و با اطفال شمانه بازی کنند و در حدیث معتبر منقول است



که شخصی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حکایت کرد از تخیالی حضرت فرمود که یکجفت  
 کبوتر در خانه نگهدار و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کبوتر از فرمان  
 پیغمبران است و در حدیث حسن دیگر فرمود که کبوتر آن جسم از نسل کبوتری چنداند که حضرت  
 اسماعیل علیه السلام نگاه داشته بودند و با آنها انس میگرفتند پس سبب است که در خانه کبوتر  
 چند نگاه دارند که بال شان از چیده باشند که با آنها انس بگیرند و در حدیث دیگر فرمود که در خانه که در آنجا  
 کبوتر باشد آفتی از جن باطل آنجا نرسد زیرا که حیوان جن باز نمیکنند و خانه چون کبوتر در خانه است  
 مشغول آن می شوند و متوجه آدمی نمی شوند و در حدیث دیگر فرمود که کبوتر در خانه نگهدارند که  
 دوست داشتنی است و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مثل آن  
 باعث انس نمی شود و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست هر باری که کبوتر می زند  
 باعث نفرت و گریختن شیاطین میشود و در روایت دیگر از داود بن جندب منقولست  
 که گفت در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر را عجب دیدم که بسیار سخنان از حضرت فرمود  
 که میدانی که این کبوتر چه میگوید گفتم نه فرمود که نفرین میکند بر قاتلان حضرت امام حسین  
 علیه السلام پس ایشانرا در خانه خود نگهدارید و در حدیث دیگر منقولست که راوی گفت  
 که آنحضرت را دیدم که از بانی کبوتری چند که در خانه آن حضرت بودند آن ریزه میکرد و در  
 حدیث دیگر از عبد الله بن عمر منقولست که گفت رفتم بخانه آن حضرت و دیدم که سه کبوتر سبز  
 در خانه آن حضرت بود عرض کردم اینها خانه کبوتر شریف می کنند حضرت فرمودند که سبب  
 است نگاه داشتن آنها در خانه و در حدیث دیگر فرمود که در خانه حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله وسلم یکجفت کبوتر نر و ماده بود و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله  
 علیه و آله چاهی کنده بودند خبر دادند آن حضرت که حیث بیان بان چاه سبب می اندازند  
 حضرت آمدند و بر آنجا ایستادند و فرمودند که دست ازین عمل بردارید و اگر نه کبوتر را  
 در آنجا بایستد هم نفس نهد که مدتی مال کبوتر شیاطین را دفع میکند و از محمد بن کرمه منقول  
 است که گفت بخدایت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام رفتم یکجفت کبوتر در منزل حضرت  
 دیدم که کبوتر سبز بود و او را نهی ضعیف داشت و کبوتر ماده سیاه بود و حضرت امام بر آن



آنها ریزه میگردند و قسم میدهند که اینها در شب حرکت نمیکنند و مؤمنان اند و هر مرتبه که در شب  
بال بهم میزنند جستیان و شیاطین را که داخل شده اند دفع می کنند و در چند حدیث از حضرت  
صافق علیه السلام منقول است که کبوتر را که بجائی دور فرستند تا سینه مرغ را از روی و آله  
میخورد و بر میگردد و آنچه زیاده از این است از روی و آله نیست بلکه آن خورش تقهیر کننده ای بود  
و در چند حدیث منقول است که کبوتر خانگی را کبوتر یا هو یا خدا بسیار می کنند و اهل بیت را دوست  
میدارند و صاحب خانه را و حامی می کنند که خداوند تعالی شمار برکت دهد و در حدیث معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقول است که خروس بال کشاده سفیدی که در خانه باشد آفت خانه و هفت  
خانه دور آن خانه را از بلا نگاه میدارد و یک بال زدن کبوتر و دو گز بهتر است از هفت  
خروس سفید و در حدیث دیگر فرمود که خروس سفید یار من و یار هر مؤمنی است و از حضرت  
امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در خروس پنج خصلت است از خصلتها هیچ غیر آن  
سختاوت و شجاعت و شناختن وقت نماز و بسیار جماع کردن و غیرت و از حضرت امیر المؤمنین  
علیه السلام منقول است که فرما و کردن خروس نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست  
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که گوشتش را میخورد خروس را که از برای  
نماز مروت را بیدار میکند فصل پنجم در سخاوت و بخشش گوشت و در خانه در حدیث موثق از حضرت  
صافق علیه السلام منقول است که هر آن خانه که یک گوسفند نگاه دارد و خدا روزی آن گوسفند را بایشان  
میدهد و روزی ایشان را از آن بکشد و فقر از ایشان یکسان است نه بال و دوزی شود و اگر دو گوسفند  
نگاه دارند خدا روزی آنها را رساند و روزی ایشان را از آن بکشد و پریشانی از ایشان دو منزل  
دورنی شود و اگر سه گوسفند نگاه دارند خدای تعالی روزی آنها را ببرد و روزی ایشان را از آن بکشد  
و پریشانی از ایشان سه منزل بر طرف شود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر  
آن خانه که نزد ایشان گوشت شیر و گاو باشد هر روز دو مرتبه ملائکه را ایشان میگویند که خدا شما را  
برکت دهد و در حدیث دیگر از حضرت صافق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که در خانه  
او یک بز شیرده باشد هر روز یک مرتبه ملائکه را خداوند پاک شپید  
و خدا برکت و بد شما را و نیکو باد احوال شما و نیکو باد ناخوش شما و اگر دو بز شیرده باشد هر روز

دو مرتبه ملک چنین دعا کند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
باعثه خود فرمود که چه مانع است ترا از آنکه در خانه خود بر کنی نگاهداری گفت یا رسول الله برکت  
تو امام است فرمود که گو سفندی که شیر در پیش فرمود که هر که در خانه او گو سفند شیر درده یا بر شیر  
یا گاو شیر درده باشد باعث برکت خانه او می شود و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی چه چیز  
برگت فرستاده است آب و آتش و گو سفند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول  
است که هر اهل خانه که سی گو سفند هر پسر داخل خانه او شوند ملائکه نگاهبانی ایشان می شوند  
ما صبح و در حدیث دیگر فرمود که گو سفند نگهدار و شیر نگاه دار و حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله وسلم فرمود که نیکو مالی هست گو سفند و در حدیث دیگر فرمود که چون گو سفند نگهداری  
نخواه نگاه ایشان را نیکو و پاکیزه کنند خاک از بدن شان پاکستید فصل هشتم در بیان احوال سایر  
طیور و ذکر بعضی از حیوانات که کشتن ایشان رواست یا روا نیست و در حدیث معتبر منقول  
است که فاخته در خانه حضرت امام محمد باقر علیه السلام بود آنحضرت روزی شنیدند که او خنجر  
میگرفت و فرمود که میدانید که چه میگویند گفتند نه فرمود که میگوید فاخته گفت که یعنی نیست  
شوید نیست شوید پیش فرمود که من آنرا دفع میکنم پیش از آنکه او را دفع کند پیش فرمود که آنرا  
کشتند و در حدیث دیگر منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام بخانه اسماعیل فرزند  
خود آمدند دیدند که فاخته را در قفس کرده است و فریاد میکند حضرت فرمود که ای سینه زنده باعث  
شده است ترا که این فاخته را نگاه داشته نگزیدانی که این شوم است و مگر نیدانی که نفرین  
میکند صاحب خانه را پس آنرا نیت کنی پیش از آنکه او شمار نیت کند و در حدیث معتبر  
منقول است که روزی حضرت صادق علیه السلام شسته بودند شخصی که شست و پیرنگ شسته  
دست داشت حضرت جریستند و آنرا از دست او گرفته بر زمین زدند و فرمودند که آیا  
عالم شما امر کرده است شمارا که این مرغ را بکشید یا فقیه شما بدستیکم را خبر داد پدرم از جوش  
که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود از کشتن شتر جانور گمشدگی و مورچه  
و دوزخ و قهر و عذاب و پستک اما اگر عمل زیر که پاکیزه بخورد و پاکیزه از جدامی شود و آنست  
چیزی که خدا با و می کرده است که نه از جن است و نه از انس در آنجا که فرموده است

وَإِذَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ الْفُتُوحَ ۖ وَأَمَّا مَوْجُزٌ لِّكَ فَخَطَمُ ۚ وَرِزْقُكَ يَخْلُقُ بِهٖ سُلَيْمَانَ ۖ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ  
بهم رسید آن حضرت بطلب باران با اصحاب خود بیرون فرستند آگاه موریچه را دیدند آن  
حضرت که بر پایستاده دست آسمان دراز کرده و میگوید که پروردگار ما از جمله پسرهای  
تویم و از روزی تو بی نیازیستیم پس رو کرده باز نزد خود و مادر و گویانهای و خیران از فرزندان  
آدم علیه السلام پس حضرت سلیمان علیه السلام فرمود که برگردید که حق تعالی شما را بدعای دیگران  
باران داد و اما وضع زیر که چون نمود آتش بر آن حضرت ابراهیم علیه السلام بر فروخت  
جانوران زمین از خدا رخصت طلبیدند که آب بر آن آتش بریزند حق تعالی هیچیک را رخصت  
نفرمود و بخیر از وضع پس دولت او از آتش سوخت و یک شل آب باقی ماند و اما بدین که آن  
دلیل حضرت سلیمان بود بسوگنک بلقیس و اما مرد که آن مرغی است که سر زنگی دارد و کشک  
شکار میکند زیرا که راههای حضرت آدم علیه السلام بودند از بلاد و از سب تا بلاد هبه یک ماه  
و اما پرستک زیرا که گردن آن در هوا بر آسمان و اندوهی است که بر مظلومیت است  
رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم دارد و شجوش غلغلان سوره حمد است مگر نمی بینی که در  
آخر خوانندگی خود میگوید **وَالضَّالِّينَ** و در حدیث صحیح منقول است که از حضرت امام موسی  
علیه السلام پرسیدند از کشتن موریچه حضرت فرمود که مکش مگر آنکه ترا از آر کند و پرسیدند  
از کشتن بید فرمودند که آزارش مکن و مکش و بیج مکن که نیکو مرغی است و در حدیث  
دیگر از حضرت امام رضا علیه السلام و الثناء منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه  
و آله و سلم نهی فرمود از کشتن بیخ جانور و صولم که مرغی است در میان نخستان پیش  
و معروف است و گسار و موریچه و موریچه و موریچه و موریچه و موریچه و موریچه و موریچه  
نوبه و مار و عقرب و سگ در زده و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله  
و سلم فرمود که هر که ماری را بکشد چنان است که کافری را کشته است و در حدیث مؤلف  
منقول است از حضرت امام موسی علیه السلام پرسیدند از کشتن مار حضرت فرمود که حضرت  
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مار را بکشد که کشتن آن گناه است  
از من نیست اما اگر از برای این کشی که حیوانی است و به تو آزار نمیرساند باکی نیست و در حدیث

دیگر منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود از آنکه حیوانی را با آتش بسوزانند  
و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هتالی عذاب فرمود و بخارا از برای آنکه گریسته  
بود تا آتش نگی مرده بود و در حدیث معتبر منقول است که باکی نیست که بشتن مویچه خواه از ارب  
بگند و خواه نکند و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که پرستگار  
حرمت بداری که زیاده از هر مرغان انس مردم میگیرد و در ذکر می که میکند سوره محمد بخواند و در  
حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که در هر بال هر دوازده هزار کسریا نوشت  
است که *اَللّٰهُمَّ خَيْرُ الْبَرِّ* یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بهترین خلایق اند و در حدیث  
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مخورید هر چه را و دشنام دهید و مدح دهید  
با طفال که باز نمی شنند که تسبیح خدا بسیار میکند و تسبیح اینست که *لَعَنَ اللَّهُ مُتَّبِعِي آلِ مُحَمَّدٍ*  
*عَلَيْهِمُ السَّلَامُ* یعنی لعنت کند خدا دشمنان آل محمد را و در حدیث دیگر از حضرت علی بن  
الحسین علیه السلام منقول است که آن کاکلی که بر سر هر وجه است از دست مالیدن حضرت  
سلیمان علیه السلام بهم رسیده است زیرا که روزی یک بار او خود خواست که جمع شود  
و ماده مضائقه میکرد و نگفت میخواهم که فرزندی بهم رسد که خدا را یاد کند پس ماده را ضعیف شد  
چون خواست که تخم بگذارد گفت که تخم را کجا میگذاری گفت میخواهم که دور از راه بگذارم  
نگفت اگر ز راه بگذاری بهتر است که اگر کسی باید یگان کند که بر سر او نه چیدن با نجا آمده  
است آن چنین کرد چون نزدیک شد که جوجه بیرون آورد ناگاه دیدند که حضرت سلیمان  
علیه السلام بالشکرش می آیند و مرغان بر سر سایه کرده اند ماده گفت اینک سلیمان  
بالشکرش رسیده و میترسم که او تخم ما را پال کند و نگفت که حضرت سلیمان مرد رحیم  
و مهربان است یا ز تو پیزی است که بر آن جوجه خود پنهان کردم باشی گفت بی طمی دارم  
که از تو پنهان کرده ام بایستی جوجه خود یا تو چیزی بر آن جوجه بوی و خیر کردی و نگفت بی  
تخم سم دارم که از تو پنهان کرده ام بر آن جوجه خود ماده گفت که پس تو خرمائی خود را بردار  
و من طمخ خود را بر میدارم و هر دو بخدمت حضرت سلیمان میرویم و هدیه خود را میگذاریم  
و حاجت خود را عرض میکنیم سلیمان هدیه را دوست میدارد پس ز خرما را در نهاد گرفت

و او ده طایفه را بچنگال گرفت و هر دو پرواز کردند و بنجد دست حضرت سلیمان آمدند و آنحضرت بر روی  
 تخت خود نشسته بود چون ایشان را دید دستها را کشود زیر دست راست آنحضرت نشست  
 و او ده بر دست چپ آنحضرت و حضرت از حال ایشان سوال نمود قصه خود را نقل کرد و سلیمان  
 هدیه ایشان را قبول نمود و لشکر خود را از جانب تخم ایشان بجانب دیگر گردانید و دست بر سر  
 ایشان مالید و دعا کرد بر آن ایشان بیکت پس این سبب این کاکل بر سر ایشان بهر سید  
 و در چند حدیث معتبر وارد شده است که چو چرا از آشیان شکار کنید بلکه بذارید که پرواز  
 کنند بعد از آن ایشان را شکار کنید و شب بر سر آشیانه مرغان مروید که ایشان را شکار  
 کنید که شب در امانند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
 که باکی نیست شب مرغان را از آشیانها گرفتن لهذا اصلاً گفته اند که مکروه است شب مرغان را  
 شکار کردن و چو چرا از آشیان گرفتن و هم چنین حیوانات را در شب شکار کردن مکروه است و در  
 حدیث دیگر منقول است که در خدمت حضرت امام رضا علیه السلام تعریف حسن طاووس  
 میکردند حضرت فرمود که هیچ حیوانی حشش زیاده از خود سفید نیست و خروس خوشتر از  
 حراز است و کبوترش بیشتر است و ترا آگاه میگردد در وقت نماز با و طاووس نفس نرین و ویل  
 و عذاب بر خود میکند آن گناهی که کرده است و بآن سبب منع شده است و در حدیث  
 دیگر منقول است که طاووس پنجم بنجد دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد حضرت از او  
 پرسید که تویی یا نه گفت بلی حضرت فرمود که طاووس مرغ شومی است که بساحت هیچ  
 گروهی داخل نمیشود مگر آنکه ایشان را آواره میکند و در حدیث دیگر منقول است که سالم بن جندب  
 آنحضرت رفت چون نشست جمعی از کتبشکها فریاد میکردند حضرت فرمود که میدانی که چه میگویند  
 گفتند فرمود که میگویند که خداوند ما را آفریده چندیم از آفرید بانی تو دو چاره نیست ما را  
 از روزی ثواب پس طعام و آب بده ما را و در حدیث دیگر منقول است که حضرت امام زین  
 العابدین علیه السلام در چنین حالی فرمودند که ایشان تسبیح بر ده گار خود میگویند و طلب  
 روزی خود از خدا تعالی نمیکنند و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است  
 که چند مرد نان سابق در خانهها جا میگرد و در وقت طعام خوردن نزدیک خوان می آمد

و طعام بزوش می‌نخستند و بخورد و چون حضرت امام حسین علیه السلام را شهید کردند از آبا و اجداد بیرون رفت و در خرابها و کوچه‌ها و صحرا با جا گرفت و گفت بد امتی هستی شما فرزندان غیر خود را می‌کشید من اینم بستم از شما که مرا کشتید و در چند حدیث از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا حضرت امام حسین علیه السلام شهید کردند چند روز با پیدانی شود و عین در شب پیدای شود از آن روز قسم خورده که در آبادانی جا نگیرد و پیوسته روزها روزه می‌شاید و اندویناک و چون شب می‌شود افطار می‌کند و پیوسته ناله و گریه می‌کند چهره حضرت امام حسین علیه السلام تا صبح و در حدیث دیگر آن حضرت منقول است که اگر این بود که گس بر طعام مردم می‌نشیند هر آنکه به گس نخورد بستاند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که چون گس در ظرف طعام یا آب پیفت آنرا غوطه دهید و بسیندازید که در یک بالش نه هر است و در بال دیگر شفاست و آن بال زهر آلوده را در آب و طعام فرو میریزد و شما آن بال دیگر را هم فرو برید که ضرر نرساند فصل نهم در منع از نگاه داشتن رنگ در خانه در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مکروه است که در خانه مسلمان سگ بوده باشد و در حدیث دیگر از آن حضرت منقول است که هیچ کس نیست که سگی در خانه نگاه دارد مگر آنکه هر روز از ثواب اعمالش یک قیراط کم می‌شود و در حدیث صحیح از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که خیری نیست در سگها مگر رنگ شکاری یا رنگ کله و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است و در حدیث موثق که نگاه برار سگ شکاری را در خانه مگر آنکه در میان تو و او در یک باشد که بر تو آن بسته شود و در حدیث موثق دیگر فرمود که سگهایی که تمام بدن ایشان سیاه است از جن اند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که سگها از ضعیفان جن اند هرگاه طعام خورید و سگی حاضر باشد با طعامش می‌پزد و او را می‌نماید که نفسهایی بد دارند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که سگی که سیاه یک رنگ یا سفید یک رنگ یا سرخ یک رنگ بوده باشد اینها همه از جن اند و سگهایی ابلق سرخ شده اند از جن و انس و در حدیث صحیح از ابو حمزه منقول است که گفت در دست حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم در میان که مدینه ناگاه آن حضرت



ملفت شدند بجانب چپ سگ سیاه یکرنگی را دیدند فرمودند که چیست ترا خدا قبیح گردانده ترا  
چپ بسیار تند میروی ناگاه دیدم که شبیه مرغی شد و پرواز کرد و پرسیدم که این چه چیز بود  
فرمود که این عجم نام دارد و یک خستیان است درین ساعت هشتم مرده است او  
پرواز میکند هر شب و خبر مرگ او را میرساند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله وسلم خصت وادند جماعتی را که خانهای ایشان دور باشد از آبادانی که سگ  
حکمدارند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که از پی  
شکاری بسیار مرود که بیم ضرر است بنما و چون صدائی سگ و فریاد و خرابش نوید پناه بر  
سجده از شر شیطان جسیم زیرا که آنها می بینند چیزی چند که شمان می بینند و در حدیث  
موتقی منقولست که حیوانات را باید که یکرنگ باشند و اگر ختن خوب نیست مگر سگ را  
که تازند بر حیوانات بر شکار کردن و در احادیث معتبره بسیار وارد شده که هر حیوانی  
را که سگ تعلیم کرده شکار کند اگر برسی و جان داشته باشد آنرا بچ کن و اگر جان نداشته  
باشد حلال است اگر در وقت فرستادن سگ بسم الله گفته باشی و هر چه را حیوانات دیگر  
شکار کند یا سگی شکار کند که آنرا شکار کردن یا موش خسته باشند اگر برسی و تیکه جان داشته  
باشد و آنرا بخشی حلال است و اگر نه حرام است و هر حیوانی را که شکار کنی به تیر میکاندار یا به تیر  
بی پیکان که مدبشش فرود و آنرا بکشد و اگر برسی و جان داشته باشد آنرا بچ کن و اگر  
جان نداشته باشد حرام است و اگر نام خدا برده در وقت انداختن حلالست و همچنین اگر  
بشمیر و نیزه و حربهای دیگر شکار کنی این حکم دارد و اگر سگ یا تفنگ یا کمان گلوله و  
سائر چیز را که آهنی ندارد و بگینی میکشد شکار کنی اگر وقتی برسی که جان داشته باشد و بچ کنی  
حلالست و اگر نه حرامست و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول  
است که شکاری که سگ سیاه یکرنگ کند مخورید زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
وسلم فرموده که چنین سگی را بکشند و عطا حل برکراست کرده اند و همچنین نه  
وارد شده است از خوردن شکاری که سگی بکند که یهودی یا نصرانی یا مجوسی آنرا تعلیم  
کرده باشد و این را حل نیز برکراست کرده اند و همچنین کرده است ما می را شکار کردن

در روز جمعه پیش از نماز و در شکار باهی شط است که آنرا زنده از آب بذارند و در بیرون آب  
یکم درآگر در میان آب بمیرد حرام است و باید که مسلمان بدر آورد و طاکر کافر بدر آورد و مسلمان از د  
بگیرد و در دست مسلمان بمیرد حلال است و هم چنین اگر باهی خود در کفار بمیرد و مسلمان او را بگیرد و  
زنده باشد حلال است و اگر ببیند که زنده است و دست گرفته بمیرد خلاف است و احوط  
جهت ناب است و شکار طبع آن شود که مسلمان آنرا بدست خود یا آلت شکار بگیرد و طبعی که  
بپرواز نیاید باشد حلال نیست و بد آنکه شکار لهو و لعب کردن که مطلب از آن سیر کردن  
باشد باین نحو که زنده و اندازند جائز نیست و نماز را در چنین سبب تمام میباید کرد و روز را  
میباید گرفت و اگر مطلب فنی عیان یا تجارت باشد حلال است و نماز را قصر میکند و روز  
ممنوعه و ایری ساله گنجایش فکر مفصل احکام شکار ندارد و از محاش طلب باید کرد و فصل دهم  
در آداب پراغ افروختن و خانه خرمین و در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله وسلم منقول است که چراغها را در شب خاموش کنی بد که آن فاسق است یعنی موش  
فستیل را آتش که آتش در خانه بیندازد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که چهار چیز است که ضائع میشوند و کسی از آنهاست فتنه نمی شود یکی خبایط و یا هتاب  
روشن کردن و در حدیث دیگر از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که پنج چیز است  
که ضائع میشوند چراغی که در آفتاب روشن کنند و غن ضائع میشود و از دوشناختن منقطع  
نمیستوان شد و بارانی که بر زمین شوره زار بار و باران ضائع میشود و از زمین نفیض عادمی شود  
و طعامی که شخصی در آن تکلف کند و نزد کسی بیاورد که او سیر باشد منقطع نمی شود و زن  
خوشه دمی را که عود کنند و برائی شوهر عتین بپزند و نمکی که شخصی بکشد که شکر نکند و در حدیث  
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چراغ روشن کردن پیش از غروب آفتاب  
پیریشانی را بر طرف نمیکند و روزی را زیاده میکند و در حدیث معتبره دیگر از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله وسلم منقول است که اگر است دارد که شخصی داخل خانه تاریک شود مگر آنکه  
در پیش روی او چراغی یا آتشی باشد و خسته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون  
چراغ را باندرون خانه بیاورد ندانند خانه بخواند اللهم اجعل لنا نوراً یخشی به فی الناس

وَلَا تَقْرَبُوا الْقَوَاعِدَ يَوْمَ تَأْتِي سَافِرًا وَاجْعَلْ لَنَا نُورًا إِنَّكَ تُوَفِّيهِ اللَّهُ إِلَّا أَنْتَ وَجْهَ خَاصٍ  
 منند ایند عاجزانند اللَّهُمَّ اخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَدَعَا دِثِ مَقْبَرَةِ هَازِ  
 رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ ہر کہ خانہ بجز و سنت است کہ ویدہ مہانی بکن  
 و در حدیث مقبرہ دیگر از آنحضرت منقول است کہ ہر کہ خانہ سازد پس گنج سفند فی سبب بہشت  
 و گوشتش را ببرد و پیریشان بخوراند پس گوید اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي مَرَدَّةَ الْجَنَّةِ وَالْإِلَافِ  
 وَالتَّيَابِينِ وَبَارِكْ لِي فِي مَالِي حَقَّقَ عَلَيَّ دَفْعَ ضَرْمِ تَمْرٍ وَانْجِنِ الْوَسْطَ شَيْطَانٍ وَانْجِنِ الْوَسْطَ  
 خانہ ساختن را از برای او مبارک گرداند فصل یازدہم در بیان سائر آداب خانہ در حدیث  
 مقبرہ از حضرت امیر المؤمنین صلوات اللہ علیہ وآلہ وسلم منقول است کہ اگر اہت وارد کہ آدمی در خانہ  
 شب بروز آورد کہ در پی و پرورہ نہشتہ باشد و در حدیث دیگر از حضرت رسول صلی اللہ علیہ  
 وآلہ وسلم منقول است کہ کسی اندک حقیقی حفظ و حایت خود را از ایشان بر وارد کشیک  
 در خانہ شکستہ نازل شود و سکنے نماید و کشیک در میان راہ نماز کند و کشیک چہار پای خود را  
 سرودہ و بندی بر آن نگذارد و کسی بر آن نگارد و در حدیث مقبرہ صحیح از حضرت صادق علیہ السلام  
 منقول است کہ صاحبانی خانہ خود را جار و کبند و شیبہ شویید بہ ہودان کہ ایشان جار و  
 نمی کنند و در روایت معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیہ السلام منقول است کہ خاک رو بہ خانہ  
 را شب در خانہ گذارید و بیرون برید کہ شیطان در آن جایگیرد و حضرت امام محمد باقر  
 علیہ السلام فرمود کہ خانہ را جار و کبند کردن پریشانی را بر طرف میکند و حضرت رسول صلی  
 علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ خانہ شیطان در خانہ ہائی شما چائی است کہ عنکبوت می تند و در حدیث  
 موثق از حضرت صادق علیہ السلام منقول است کہ دمان ظرف ہائی آب و طعام را بہ بندید و در  
 خانہ را بہ بندید کہ شیطان بہ سببہ و طرف ریب تنہی کشاید و چراغ را خاموش کشید کہ موش  
 آتش در خانہ شما بنہند و در حدیث دیگر منقول است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم  
 سلم و بہستان کہ از خانہ بیرون می آمدند برای خوابیدن در رختخواب بیرون می آمدند و چون  
 بہ کمرہ می شد داخل خانہ ہائی شدند بر آن خوابیدن و در روز جمعہ داخل میشدند و در حدیث  
 صحیح از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقول است کہ ہر کہ بر سر قبری بول یا خایط کند یا بہستان

بول کند یا در آب تهاوه بول کند یا در خانه تنها بخوابد یا دست آلوده بطعام بخوابد و شیطان او را  
 بگیرد و دیوانه بکند و دست از دین بردارد و در هیچ حالی شیطان بر آدمی استیلا ندارد الا مانند این چهل  
 برستی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بکنج میفرستند و بولادی رسیدند که در آن جن  
 بسیار بود و در میان اصحاب خود اگر دزد که هر روز دست یکدیگر را بگیرد و داخل این وارد  
 شود و یکس تخان و یک شخص تخاف و او را صرع گرفت بخت خبر دادند حضرت انگشت  
 همین او را گرفتند و فشرود گفتند **بسم الله اخروج خبیث انما رسول الله** پس شخص  
 صرع را ابل شد و برخاست و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت از شخصی پرسیدند که در کجا  
 فرو آمده گفت در فلان موضع حضرت فرمود که آیا در آنجا کسی هست بانو گفت نه حضرت فرمود  
 که در خانه تنها باش و از آنجا نجات بگیر و نقل کن که شیطان در هیچ وقت بر آدمی بهر آن نماند  
 مثل آنکه در خانه تنها باشد و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که دست ال گوشت را شب در پورت نگذارید که آن خوابگاه شیطان است و خاک رویه را  
 در پشت درج کنید که آن جایگاه شیطان است و چون بر حنجره خود بپسیدید **بسم الله**  
 بگوئید که شیطان بگیرد و چون داخل حنجره شود سلام بکنید که برکت نازل می شود  
 و ملائکه انس بگیرند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خاک رویه را  
 شب در خانه بگذارید و روز بیرون برید که آن جایگاه شیطان است و از حضرت  
 امیر المومنین علیه السلام منقول است که اگر کسی در خانه های خود را از غنکبوت که گذشتن  
 آن در خانه باعث فقر و پشیمانی میشود و حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که شستن طرهای و جامه و بکردن خانه ها و ساحت اندرون و بیرون خانه روزی را زیاده  
 میکند و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که تنبیه غنکبوت را و خاک رویه را  
 در خانه گذاشتن باعث پشیمانی میشود و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است  
 که بستمالی که از آن دست را پاک کرده اند و آلوده بطعام و چربی است شب در پورت  
 نگذارید که آن خوابگاه شیطان است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
 که طرهای خود را میسروش نگذارید که طرئی را که در پیشانی و شانه شیطان در آن پست

و من کے انداز و انانچہ دران ہست انچہ سچو اہد بر میدارد و از حضرت رسول صلی اللہ علیہ  
 وآلہ وسلم منقول است کہ چار یا پان اطفال و یا اران خود را می نفلت نمایند بعد از فرو رفتن  
 آفتاب تا وقت خفتن کہ درین بابین شیاطین بر ایشان ستولی میشوند و در حدیث معتبر منقول  
 است کہ حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود از آنکہ کسی در خانہ مسایط نکند  
 و در حدیث دیگر فرمود کہ حق تعالی شش فصلت برای من خواستہ است و من نخواستہم سہ امان  
 از فرزندان من شیعیان ایشان با دست و ریش و جامہ خود بازی کردن و نماز و خش لفتن  
 در روز روزہ و مت گذشتن بعد از تصدق و جنب بسجہ و بارفتن و در قبرستانہا خندیدن  
 و بر خانہائی مردم مشرف شدن و در حدیث صحیح منقولست کہ روزی حضرت رسول صلی اللہ علیہ  
 وآلہ وسلم در حجرہ بعضی از زنان بودند شخصی از رخندہ رگاہ آن حجرہ نظر کرد حضرت فرمود  
 اگر نزد یک سیوہم خیمت را کو میکردم فصل و دوازدهم در آداب خانہ داخل شدن و بیرون  
 رفتن از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ بعد از یک خواب اول شب از خانہ  
 بیرون مروید کہ خدا را خلقی چندانست کہ درین وقت پہن میشوند و در زمین و انچہ می نمایند  
 و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا علیہ السلام منقولست کہ چون از خانہ بیرون رومی بگوید  
 بِسْمِ اللّٰهِ اَمْسْتُ بِاللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ کہ چون  
 این را بگوید ملائکہ بر روی شیاطین میزنند و ایشان را از تو دور می کنند و از حضرت رسول  
 صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست کہ ہر گاہ کسی از خانہ بیرون آید و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ ملائکہ باو  
 میگویند کہ سلامت ماننی پس چون بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ملائکہ باو میگویند  
 کہ کار بایت ساخته شد پس چون بگوید تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ملائکہ باو میگویند کہ از بلا ہا نگاہرشتہ  
 شدی و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا علیہ السلام منقولست کہ چون پدرم از خانہ بیرون  
 می آمدند ما بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّةِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ  
 وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَتَوَكَّلْتُ بِالْاَدَبِ مُنْعَزِعًا لِرَبِّكَ فَانْتَبِہْ عَلَیَّ و در حدیث  
 معتبر از حضرت امیر المومنین علیہ السلام منقولست کہ چون کسی داخل خانہ خود شود بر اہل  
 سلام کند و اگر اہل نہشتہ باشد بگوید اَللّٰهُمَّ عَلَیْکُمَا مِنْ رَبِّکُمَا و چون داخل خانہ می شود



سوره قل هو الله احد بخواند که فقر و پریشانی را برطرف میکند و چون کسی خوابد که بی حاجتی رود  
باید در وقت بخوابیدن برود و آیات سوره آل عمران را که پیش از آنست ان فی خلق السموات والارض  
ایک لا تخلف الیه العباد بخواند و آیه الکرسی و سوره انا انزلناه و سوره حمد بخواند و در حدیث صحیح  
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون از خانه بیرون رو گوید بسم الله توکل علی  
الله ما شاء الله لا قوه الا بالله اللهم انی استلک خیر ما خرجت له و اعوذ بک  
من شر ما خرجت علیه اللهم اوسع علی من فضلك و اتممه علی نعمک و استعملنی  
فی طاعتک و اجعلنی راغباً فیما عندک و توفیقی فی سبیلک و علی ملتک و صل  
رسولک صلی الله علیه و آله و در حدیث صحیح دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند خدا گناهانش را بیامرزد و توبه  
قبول کند و کارهایش را بسازد و او را از پدیدهها و شرنگها و دوا و دمانیت آعوذ بما عادت به  
ملائکه الله و رسله من شر هذا الیوم الجدید الذی انا غابت نعمته لکم بعد من  
شر نفسی و من شر غیری و من شر الشیاطین و من شر من نصب لا یدعی الله و من  
شر الجن و الارواح و من شر السباع و الطوامع و من شر کوب الحادیم کلها اعیز نفسی  
بالله من کل سوء و در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در وقت  
بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و حفظ و حمایت الهی باشد تا خانه خود  
برگردد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت در وقت بیرون رفتن از خانه این دعا بخواند  
اللهم بک خرجت و کانت و بک امنت و علیک توکلت اللهم بارک لی فی  
یومی هذا و ازرقنی فونه و فتحه و قصه و طهوره و هداة و برکته و اصرف  
عنی شره و شر ما یندبهم الله و ایا الله و الله اکبر و الحمد لله رب العالمین اللهم انی  
خرجت فبارک لی فی خروجه و انفعنی به و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که  
چون آدمی از خانه بیرون آید الله اکبر بگوید سه مرتبه پس بگوید یا الله اخرج و یا الله اخل  
و علی الله اتوکل سه مرتبه پس بگوید اللهم افتح لی و جعی لهذا الخیر و اخرج لی من غیر ذی  
شر کل دابة انت اخذت باصبعها ان رقی علی حراط مستقیم چون این دعا بخواند پیوسته



ورضمان حقتالی باشد تا برگرداند او را بآن مکان که در آنجا بوده است و در حدیث موقوف از  
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه این دعا بخواند  
 حقتالی کارهای دنیا و آخرت او را بر آورد و بگویم **اللَّهُ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ**  
**إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورٍ كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَدَرَزَاتِهَا**  
 ویکر منقولست که چون آنحضرت محسبه بیرون آمدند این دعا میخواندند **بِسْمِ اللَّهِ تَخَرَجْتُ وَ**  
**عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست  
 که هر که در وقت بیرون آمدن از خانه بگوید **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** دست بگرداند و در آن نظر کند  
 و سوره انا انزلناه بخواند پس بگوید **أَمِنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَّثَ لَا شَرَّ يَكُ لَكَ أَمِنْتُ بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ**  
**وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ** در آن روز نه بینه چیزی که کرده او باشد و در روایت دیگر منقولست که در وقت  
 بیرون آمدن از خانه بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ**  
 پس سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله احد و آیه الکرسی  
 هر یک را از جانب پیش رو پشت و سر جانب راست و جانب چپ و بالاسر و پائین پا  
 بخواند و در وقت داخل شدن خانه بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ**  
**وَحَدَّثَ لَا شَرَّ يَكُ لَكَ وَاشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ** پس سلام بر اهل خانه بکند  
 و اگر کسی در خانه نباشد بعد از آن دعا بگوید **السلام على محمد بن عبد الله خاتمه النبيين**  
**السلام على الأئمة الهادين المحمدين** **السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين**  
 و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خضام منم برای کسی که تحت الحماک  
 بسته از خانه بیرون رود آنکه سلامت بخانه برگردد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقولست که چون بطلب حاجتی بیرون رود در روز بگوید که در شب حاجت  
 برآورده می شود با کسی توهم در آداب پیاده رفتن و سوار شدن و بازار رفتن و تجارت  
 و زراعت نمودن و چهار پایان نگاه داشتن فضل اهل در سوار شدن اسب و استروالاع  
 و انواع هر یک از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از سعادت آدمی است  
 که چهار پایی را بموای و شمشه باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار پا که پدید

که زینت شماست و کارهای شما بآن ساخته می شود و روزی شریف بر خداست و آن حضرت امام محمد  
 باقر علیه السلام منقولست که از بدی زندگانی است چهارپایی بد داشتن و حضرت صادق علیه  
 السلام فرمود که هر که چهارپایی بد سواریش از دست و روزی شریف بر خداست و در حدیث  
 دیگر فرمود که از سعادت مؤمن است که چهارپایی بد داشته باشد که برای حوائج خود و کار ساز  
 بر او را ن مؤمن بران سوار شود و در حدیث دیگر منقولست که آن حضرت فرمود بیونس بن  
 یعقوب که الاغی نگاها را که بارت را بردارد بدستیکه روزی شریف بر خداست را بوی گفت که  
 الاغی خسریم و چون هر سال پنج خج خود را دیدم هیچ زیاده نشده بود و در روایت دیگر  
 منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام از ابی یغفور پرسیدند بر چه چیز سوار میشوید  
 گفت بر الاغی فرمود که بچند خریده گفت بسیزده اشرفی حضرت فرمود که این سرف است  
 که الاغی باین قیمت و یا بوی نمی که گفت خرج یا بوی بیشتر است فرمود که آن کسی که خرج  
 الاغ را میرساند خرج یا بوی را هم میرساند مگر نیکدانی که هر که اسی نگاها را و انتظار خسرو و ج  
 ا به بیت بکشد و دشمن با آن چشم آورد و نگاها بشستن آن بسیار حقیقی روزی شریف را برساند  
 سینه اش را کشاده گرداند و آرنجهایش را بر آورد و با و راست بر حوائج او و در روایت دیگر  
 منقولست که روزی حضرت امام موسی علیه السلام بر سر سوار شدند شخصی از مخالفان گفت  
 که این چه چهارپاست که سوار شده که از بی دشمن نمیتوان دوامد و بر رو آن جنگا نمیتوان  
 کرد حضرت فرمود که رفعت و سرف سوار اسب را ندارد و مذلت الاغ را ندارد و بهترین  
 وسط آنهاست و در حدیث دیگر از آن حضرت منقولست که هر که بپندد اسب پر و ما در عربی را  
 هر روز از نامه غل او سه گناه محو شود و یا زده حسنه نوشته شود و هر که اسبی بر بندد که یکی از مادر  
 و پدرش غن عربی باشد هر روز دو گناه از نامه عملش محو شود و هفت حسنه برای او نوشته  
 شود و هر که یا بوی بر بندد بر زینت خود و بر آوردن کارهای خود یا دفع دشمن خود هر روز یک  
 گناه از نامه عملش محو شود و شش حسنه برای او نوشته شود و در روایت معتبره از حضرت  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله منقولست که خبر نیکی بر پیشانی اسپان بسته است  
 تا روز قیامت و در حدیث دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که

نگاه دارد و اسپ رخ موئی که در پیشانی سفیدی بسیار پاک می بود و پشه و اگر سفیدی پیشانی نباشد  
آمد باشد و چهار دست و پایش سفید باشد بهتر است نزد من پس خانه که در آن چنین اسپ  
باشد قدر پیشانی داخل آن خانه نمی شود و مادام که آن اسپ در ملک آن شخص داخل است ظلم  
در آن خانه داخل نمی شود و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که از خانه خود یا از  
خانه دیگری بیرون آید در اول روز و اسپ پاک پیشانی سفیدی را ببیند که در دست و پایش  
هم سفیدی باشد در آن روز نیز از خوشحالی نمی بیند و اگر سفیدی پیشانی تا پانزده روز باشد پس  
نهایت خوشحالی در آن روز او را رود و اگر بی کاری رود و چنین اسپ را ببیند آن حاجتش  
برآورده شود و حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله چهار اسپ  
از زمین بهودی آوردند بر آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند که در میان آن  
اسپی است که نشان سفیدی داشته باشد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که بلی اسپ  
آل نشان دانست فرمود که آن را برای من نگاهدار باز فرمود که دو کهر نشان دانست فرمود که  
آن را برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام نگاهدار پس فرمود که چهارم اسپ سیاه رنگ است  
فرمود که آن را بفروشن و قیمتش را صرف عیال خود کن که مبارکی و سیمت اسپ در نشانهای  
سفید است و گویا درین حدیث مراد نشان سفید است و پا باشد و حضرت امام موسی علیه السلام  
فرمود که چهار پایان بزرگ بودند که است و در دیگر الاغ و ستر و نشانهای سفید در الاغ  
و ستر که است و در و نشان سفید در پیشانی است که است و در و اگر آن سفیدش تا پانزده  
شبهه باشد و آن هم بر خوب نیست و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که بهترین  
چهار پایان نزد من الاغ است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که سیمت  
اسپ در رخ و در سیاه پیشانی سفیدی است که دست و پایش سفید باشد و دست  
و پایش سفیدی داشته باشد و از طرخان دلال چهار پا منقول است که حضرت صادق علیه السلام  
از من طلب کردند استریای که زیر شکم و میان پایهاش و دوشش سفید باشد فصل دوم در اسپ  
نگاه داشتن در عایت حقوق چهار پایان در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقول است که چهار پا را بر صاحبش شش حق است باید که البته کند بعلف دادن آن

چون سه و آید و هرگاه که آب رسد آب را برو غرض کند که اگر خواهد بخورد و بر رویش چیزی نزنند  
 که تسبیح پروردگار خود میکند و بر کوه آن سواره نه است و در وقتی که چهار گشتند در راه خدا و  
 زیاده از توانائی آن بارش نکنند و تکلیف رفتار آنقدر بکنند که طاقت رفته باشد و از حضرت  
 صادق علیه السلام مثل این منقولست و زیاده از این سه بود که بر رویش داغ نکند و از حضرت  
 امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که هر که چهار پایی را بسفر برد چون سه و آید اول  
 او را آب و حلف دهد پیش از آنکه خود چیزی بخورد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 فرمود که کسی که چهار پا ردیف سوار شود که یکی از ایشان با حواست یعنی آنکه پیش نشسته است  
 و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت شتر می را دیدند که بار بر پشتش هست و پایش بسته  
 است فرمودند که صاحب این شتر را بگویند که مستعد باشد که این شتر را او در قیامت خصومت  
 خواهد کرد و در حدیث معتبر منقولست که قطار شتر می از پیش حضرت صادق علیه السلام گذشت  
 و دیدند که بار یک شتر می بسته است بصاحب شتر گفتند که عدالت کن بر این شتر که عدالت  
 دوست میدارد و در احادیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام  
 بست چرخ کرد بر شتر می و یک تازیانه بر آن نرزد و در احادیث معتبر منقولست که تسبیح  
 صاحب روحی را چرخ بر رویش نرزد که تسبیح پروردگار میگویی و هر چیز اهرتی است و حرمت  
 حیوانات در رویشان است و از ابوذر غفاری رضی الله عنه منقولست که چهار پایان بگویند  
 که خداوند مالک کنونی با کرم است فرما که رفتی و مدار کند با ما و یکی کند با ما و آب و حلف با بخواند  
 و علف و تعدی بر نکند و بعد بخند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و امام موسی کاظم  
 علیه السلام منقولست که هر دایه که صاحبش خواهد که بر و سوار شود در آنوقت بگوید اللهم اجعله  
 علی سبیح و دعا او را بر این مهربان گردان و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام  
 منقولست که شخصی دید ابوذر رضی الله عنه را که در زبده الاغ خود را آب میداد و پرسید که مگر  
 کسی نداری که برای تو این الاغ را آب دهد گفت شنیدم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 که فرمود تسبیح دایه نیست مگر آنکه تسبیح از خدا سوال میکند که خداوند را و چون کن مرا صاحب هست  
 کنونی که مرا از حلف میر و از آب سپرد گرداند و زیاده از توانائی مرا تکلیف نکند بایر و تسبیح

میخواهم که خود آنرا آب دهم و در حدیث موقوف از صفوان شتر دار منقول است که گفت شتری  
 برای حضرت امام جعفر صادق علیه السلام خریدم بهشتاد و نه روز چون بخدشت آنحضرت بروم فرمود  
 که آیا کجا می توانی برداشتی پس من کجا دهم بر آن بار کردم و بخدشت عرض کردم حضرت فرمود که  
 اگر مردم بدانند که حقتالی چهار پایان ضعیف را چگونه توانائی باری برداشتن میدهند بر سینه هرگز  
 چهار پای آن شخصند و در حدیث دیگر از ابن پیغفور منقول است که حضرت صادق علیه السلام دید  
 که من پیاده راه میروم فرمود که چرا سوار نمی شوی گفتم شتر من ضعیف است میخواهم که بارش سبک  
 باشد فرمود که مگر نمیدانی که شتر ضعیف و قوی هر دو را خدا تاب و توانائی بر دشتن میدهند و در چند  
 حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر کوهان شتری شیطانی نشسته  
 است آنرا بکافیه بانی و نرم کنی و نام خدا بر آن ببری در وقت سوار شدن و بار کردن و در  
 حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هفت مرتبه آنرا بچ برند و در موقف عرفات حاضر  
 شود البته حقتالی آنرا چهار پایان بهشت گرداند و در حدیث دیگر پنج و در حدیث دیگر سه هم  
 دارد شده است و آن حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بر شتر یا بر مرکب سوار شود  
 و خود را از آن بیندازد در وقت پائین آمدن و میرود داخل جهنم شود و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه  
 چهار پا در زیر کسی بر آید و صاحبش را بگوید که هشت یعنی هلاک شوی چهار پا میگوید لا حول و لا قوة الا بالله  
 یعنی هلاک نشود هر که نافرمانی پروردگار خود بیشتر کرده است و در حدیث معتبر از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله منقول است که اگر دانه در دهان او را بنزد و در سبب آمدن فرزند او را  
 و در حدیث دیگر فرمود بر مرکب چهار پا ببرد و پائی دیگر نگذارد یا آنکه بیک جانب میل نکند  
 و شتر را محکم نکند که ایستاده بر مرکب آن محبت بدارد بلکه قوتیک راه نرود پس و آید  
 و چون خواهید به راه روی سوار شوید و آن حضرت صلی بن حسین علیه السلام منقول است که حیوانات  
 این چهار چیز خافیه نمی باشند پروردگار خود را می شناسند و مرگ را میدانند و فدا دهنه را می شناسند  
 و هرگاه خوب را میدانند و آن حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که در چه وقت دانه را بنزدیم  
 برای راه نرود فرمود که اگر آن رشت که در وقت جوع بطولیه برود و آنرا بزین فصل سوم  
 در آداب زین و لجام بدانکه احوط و ادبی آنست که زین و لجام هیچ یک طلا و نقره نباشد و نشت

است که بالش زین و از نوک که بر روی اسب اندازند و قطیفه که بر روی شتر اندازند و سوار شوند  
 حسی بر نباشد و سرخ نباشد و زانبر بر زین سوار شدن که اوست شدید دارد و در احادیث معتبره  
 وارد شده است که از جمله علامات بدی که در خمره الزمان ظاهر شود آنست که زنان بر زین سوار شوند  
 و بروایت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زین مرکب طعوت برای زمان و  
 بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که جائز نیست زن را سوار شدن بر  
 زین مگر از برای ضرورت یا در سفر و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام جعفر  
 علیه السلام پرسید که آیا سوار میتوان شد بر پی که زین با جام آن نقره باشد فرمود که اگر  
 کوش باشد که از آن جدا میتوان کرد و باکی نیست و اگر چنین نباشد نمیتوان شد و در  
 حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حلقه بینی ناله حضرت رسول خدا صلی الله  
 علیه و آله و سلم از نقره بود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که زنهار سوار شو بر شیره سرخ که آن از  
 چیزهای است که شیطان بر آن سوار می شود و شیره بالش زین است و بالشی است که بر روی  
 چهار شتر میگذازند و بر رویش سوار میشوند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام زین  
 العابدین علیه السلام بر روی قطیفه سرخ سوار می شدند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت  
 صادق علیه السلام پرسیدند از پوست حیوانات دزنده مانند پوست ببر و پلنگ و شیر  
 حضرت فرمود که بروی آنها سوار نمیتوان شد اما در وقت نماز نمیتوان پوشید و در احادیث  
 معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که فرمود پنج چیز است که مامورن ترک  
 نکنند یکی سوار شدن در الافج جبل کرده و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که در مینی هر  
 چهار پایی شیطانی است چون خواهید که آنرا لحاکم کنید بسم الله بگوئید و در حدیث صحیح از  
 حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار پایی که خموشی کند در وقت لحاکم کردن و غیر آن  
 یارم کند و گوشش اگر بگذارد و اگر نه بر بخواند این آیه را اَفْخِرْ مَدِينِ اللَّهُ يَعْوَنُ وَكَأَسْلَمَ  
 مَنْ فِي الْقَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَالْيَدِ يَجْعُونَ فصل چهارم در ادعیه و آداب  
 سواری بسند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون کسی بر چاه



سوار شود و بسم الله بگوید ملکی رودیف اومی شود و او را نگاه میدارند و آید و اگر در وقت سوار  
شدن بسم الله بگوید شیطان رودیف اومی شود و باو میگوید که خوانندگی بمن اگر نتوانی نزد  
مرد و باو میگوید که آرزوی باطل بمن پس او پیوسته در آرزوست تا پائین آید و نه مود که هر که  
در وقت سوار میگوید بسم الله لا حول ولا قوة الا بالله الحمد لله الذي هدانا لهذا  
لهذا او ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا لآله  
مقرنين لبسته محفوظ باشد خود و چهارپایش پس بگوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقولست که هر که سوار شود و آیه الکرسی بخواند پس بگوید استغفر الله الذي لا اله الا  
هو الحي القيوم و اتوب اليه اللهم اغفر لي ذنوبي فانك لا تغفر الذنوب الا انت  
حق تعالی باینکه خطاب نماید که بنده من میدانم که گناهانرا بغیر از من نمی آموزد کسی پس گاه شبیه  
که گناهان را و آمرزیدم و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چون خواست  
بر چهارپایان خدا را بکوشید و بگوید سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا لآله مقرنين و انا  
الى ربنا المنقلبون و از علی ابن ابی حمزه منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام چون پا در  
رکاب گذاشته گفتند بسم الله پس چون درست سوار شدند این دعا خواندند الحمد لله  
الذي كرمنا و سخر لنا في البرية البحر و درمنا من الطيبات و فصلنا على كثر من خلق  
تفضيلا سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا لآله مقرنين پس سه مرتبه سبحان الله و  
سه مرتبه الحمد لله و سه مرتبه الله أكبر سرودند پس این دعا خواندند مرتباً اغفر لي ذنوبي فانك  
لا تغفر الذنوب الا انت و در روایت دیگر منقولست که چون حضرت صادق علیه السلام  
پا در رکاب میگذاشتند میفرمودند سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا لآله مقرنين و مفت  
مرتب سبحان الله و مفت مرتبه الحمد لله و مفت مرتبه لا اله الا الله گفتند و در روایت دیگر  
منقولست که چون آن جناب سوار شتی شدند این دعا میخواندند بسم الله لا حول ولا  
قوة الا بالله سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا لآله مقرنين و انا الى ربنا المنقلبون  
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بر کوهان خستنی شیطانی هست  
چون سوار آن شود چنانچه خدا فرموده است بگوید سبحانه الذي سخر لنا هذا او ما كنا

که مقررین و در حدیث منقولست که چون چهارپای حضرت امیر المومنین علیه السلام بسروزی  
 یا پیش نمی رسیدند باندله خوانند اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ  
 وَمِنْ فَجَاءَةِ بَعْثِكَ وَدَر حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق علیه السلام گشت  
 آرد که وای من کیگیر است و در هنگام رفتار یک دفعه می ایستد حضرت فرمود که این آیت را در گوش  
 اجخوان اَوْ كَمْ تَرَوْا اَلَّذِينَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ اَيْدِيُنَا اَلْعَاقَابُ فَيَوْمَ لَا يَكُونُ لَهُمْ اَنْفُسٌ يَكْفِيهِمْ اُولَئِكَ اَمْثَلُ  
 لَهُمْ فِيْهَا نَظْرًا كَمَا هُمْ وَمِنْهَا اَكْلُوْنَ وَدَر حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که لازم است که سواره خبر کند پیادگان را که با ایشان ضرر رساند چهارپای او خسته شود که  
 روزی حضرت امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام سوار شدند جمعی پیاده با حضرت روان شدند  
 فرمود که آیا کاری دارید گفتند و لیکن میخوایم که در کاب توراه رویم فرمود که برگردید که را  
 رفتن پیاده با سواره باعث غرور و فساد سواره و وجوب مذلت و خواری پیاده است و  
 در حدیث دیگر از عبد الله بن عطاء منقولست که گفت روزی بخدمت حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام رفتم فرمود که دو چهارپای بری ازین کن رفتم الاغی و دیگری را زین کردم و دست را  
 پیش بردم که آنحضرت سوار شوند فرمود که الاغ را پیش بیا که بهترین چهارپایان نزد من الاغ است  
 و دست را خود سوار شو پس الاغ را آوردم و در کاب رفتم چون سوار شدند گفتند الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
 هَدَانَا لَاسْلَامٍ وَكَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَمَنْ عَلَّمَنَا بِحِكْمِ صَليِّ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي  
 سَخَّرَ لَنَا هٰذَا اَوْ مَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِيْنَ وَاِيَّا اِلٰهِي رَبَّنَا اَلْقَلْبُ يُوْنُ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ السَّالِطِيْنَ  
 پس روان شدند و در انسانی راه دیدم که الاغ شومی در رفتار میکرد حضرت خود را به پیش زین  
 چسپانیدند عرض کردم که با این سوار شدی شمار آزار می هست فرموده رسول خدا صلی الله علیه  
 و آله وسلم الاغی داشت که او را بغیر می نامیدند و چون سوار آن می شدند از شادوسی آن که  
 حضرت بر آن سوار شده است شومی در رفتار میکرد که در شعبه های مبارک آنحضرت را حرکت  
 می آورد و آنحضرت خود را به پیش زین چسپانیدند و میفرمودند اَللّٰهُمَّ لَيْسَ مِنِّيْ وَلَكِنْ فَاَمِنْ  
 عَفْوِيْ یعنی خداوند این از من نیست ولیکن این خیار و تخیر از عفو است من نیز چنین کردم که  
 عزیزان تفکر کنید که آن بزرگوار آن از خیار و تخیر رفتار الاغ اندیشه داشتند و در نگاه خدا

عذر می طلبید پس آنکه بر پاهای ناز و خوش رفتار بآن نخت و خنج و دلال سوار میشوند  
 در آستان و زمین بر رفتار خود منت مینهند و غیر خود کسیر اموجود می شمارند چگونه عذر خواهند  
 خواست و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آیا شرم نمی کنید که شمار بر  
 چهار پایی خود خوانندگی کنید و آن در زیر شاتسیج پروردگار خود میگوید و از حضرت امیر المؤمنین  
 علیه السلام منقولست که فرمود که چهار پایی من برگزیده دنیا بد زیرا که هرگز من بر روی زمین  
 که آنرا از نامم و گشت زار کسی را پامال نکردم فصل پنجم در آداب پیاده رفتن بعضی از احادیث این  
 فصل در آداب کفش و جامه پوشیدن گذشته و در حدیث معتبر از حضرت موسی ابن جعفر  
 علیه السلام منقول است که تندر راه رفتن حسن مؤمن رومی برد و در حدیث حسن از حضرت  
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که زنان باید که در کنار راه بروند و مردان در میان راه  
 و در حدیث دیگر فرمود که سواره احق است بمیان جاده راه رفتن از پیاده و پایی هر سینه احق  
 است بمیان راه رفتن از کسی که کفش پوشیده است و در حدیث معتبر منقولست که  
 حضرت امام زین العابدین علیه السلام چنان بهو اگر راه می رفتند که گویا مرغ بر سر حضرت  
 نشسته است و می ترسند که پرواز کند و دست راست آنحضرت بردست چپ پیسته  
 این میگرفت و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هرگاه راه  
 رود کسی بر روی زمین به تکبر و خيلا لعنت کند او را بر زمین و آنچه در زیرین است و آنچه در بالائی  
 زمین است و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه که کرکوشی کنند امت من از سلطان در قوتیکه  
 از ایشان چیزی طلبند و از روی خجسته راه روند پروردگار من بجزت خود سوگند خورده  
 است که ایشان را بیک دیگر عذاب کند و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه است من در رفتار  
 بتخر کنند و دستها را کشند و خدمت ایشان کنند غلامان فارس و روم در میان ایشان  
 فتند و فساد باشند و بیک دیگر شتر کشند و در حدیث دیگر فرمود که هر که با عصا راه رود  
 از روی تواضع و شکستگی در سفر و حضور هر گاه بی او بزار حسنه نوشته شود و هزار گناه از او محو  
 شود و هزاره رحمت برای او بلند شود و در حدیث دیگر فرمود که عصا بدست بگیرند که او ستمها  
 پنهان است و بی او ستمهای منمیر و پیر و جوان ایشان عصا بدست میگیرند تا آنکه خوا

و کجاست در راه رفتن پیوسته بود که بر کشتن حصا فقر و در نیانی را بر طرف بکند و شیطان نزدیک  
 او نمی آید و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که اگر عاقلی مسایل را که بهر جانب که متوجه شود  
 اولویت خود را درست نکند و عرض محیی بر حرکت خود قرار دهد و نهی کنی نفس را از آنکه از او پیشتر  
 منظور داشته باشد و باید که در راه رفتن پیوسته در فکر و اندیشه باشی و در هر قدمی از عجایب صنع  
 الهی بستی بگیری و در زمانه بخت کنی و دیده خود را پوشی از چیزی که در بین خدا پسندیده است و  
 پیوسته مشغول ذکر خدا باشی برستیکه مواضعی که در آن ذکر نه کرده شود شباهت میدهد  
 برای او در قیامت و استغفار می کنند برای او تا داخل بهشت شود و در راه با مردم سخن  
 بسیار گوید که خلاف اوست و اکثر آنها را کین گاه شیطان است از کرا و غافل میشناس  
 و چنان کن که رفتن و برگشتن در طاعت خدا باشد و رفقا بر چیز می باشد که موجب  
 خوشنودی خداست برستیکه هیچ حرکات تو در نامه عیالت نوشته می شود و فصل ششم  
 در نگاهشتن تر و گاؤ و کوسفند در حدیث مقبره منقولست که از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم پرسیدند که کدام مال بهتر است فرمود که زراعتی که آدمی بکار و در وقت  
 در کردن حق خود را بردارد و حق خدا را بدد گفتند بعد از زراعت دیگر کدام مال بهتر است  
 فرمود که شخصی که گوسفندی چند داشته باشد و در هر جا که آب و علفی باید آنها را بچراند و نماز را  
 بجا آورد و زکوة مال خود را بدد گفتند بعد از گوسفند کدام مال بهتر است فرمود که گاوی که  
 در باغ او پشین شیر بدد گفتند که بعد از گاؤ کدام مال بهتر است فرمود که آنها که پا در گل فرو  
 برده اند و در خشک سال میوه میدهند یعنی درختان خرباش میوه که نیکو مالی است و درخت  
 خرما که هر که آن را بفروشد قیمتش از بابت خاکستری است که بر سه کوه بلند است در باوندند  
 گنی مگر آنکه بعضی آن درخت خرمائی دیگر بخری پسیدند که بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است  
 حضرت جواب فرمودند شخصی گفت که چرشته را بفروشد و پدر فرمود که در شتر شفت و قصب  
 و دوری از منزل است و صبح خرج میخواهد و شام خرج میخواهد و در حدیث دیگر فرمود که گوسفند  
 و قتی که روی میکند رو کرده است و وقتی که پشت میکند رو کرده است یعنی وقتی که در میان  
 شان مرگ می افتد هم بیکشی و پیجوری و نقصان نمی کند و گاؤ و قتی که روی میکند رو کرده است

و وقتی که پشت میکند پشت کرده است و شتر و مسایه شیطان است اگر رو میکند پشت کرده است و اگر پشت میکند پشت کرده است یعنی قوت یکده خوب است هم برای صاحبش ضرر دارد و نفع ندارد گفتند یا رسول الله بعد از آنچه شما در باب شتر فرموده اید که نگاه خواب و پشت و فروتنی که همیشه بر بختان و فاجران هستند که آنرا نگاه میدارند و در حدیث دیگر فرمود که نه عشر روزی در تجارت است و یک عشر آن در نگاه داشتن گوسفندان و در حدیث دیگر فرمود که بر شما باد بنگاه داشتن گوسفندان که هر باد او پسین نفع شان بشمارد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که شتر باعث عزت اهلش است و در حدیث صحیح منقول است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بصفوان شتر دار فرمود که شتر برای من نجسه و باید که بصورت باشد نه عمرش درازتر است و در حدیث دیگر منقول است که فرمود که شتر آن سیاه بد صورتی که پدید آید عمر شان درازتر می باشد و در حدیث معتبر دیگر منقول است که فرمود که شتر آن سرخ شود آنقدر که عمر شان کوتاه تر می باشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که از میان قطار شتر بد مروید ویرا که هیچ قطار شتری نیست مگر آنکه در میان بد و شتر شیطان است و در حدیث حسن منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بر آنکه اگر ام خود شتری بصدای شری بخیزد و سوار می شدند و در حدیث معتبر از حضرت ایل الوثین علیه السلام منقول است که یکی از حاملان عرش بصورت گاوست و گاوسید و بهترین حیوانات است و در میان حیوانات خوشتر و تر و سرتر از تر و گاوست و آنکه بنی اسرائیل گو ساله پرستیدند آن ملکی که بصورت گاوست از شرم سر در زیر افکند و آن سبب هر گاوسی چنین شد و از شرم نگاه بجانب آسمان نمیکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که خورید گوشت و شیر شتر را که فضله آدمی را خورد و سوز آن میشود آنکه چهل روز او را علف بهر سید و علما خوردن گوشت و شیرش حرام میدانند و سواریش مکرر و می نمایند و این حکم را در حیوانات دیگر هم و پاک کردن آنها بآن می شود که علف پاک بخورانشند بآنها در دنی چند که برائی هر یک است در شده است و در کتابهای علامه مذکور است فصل پنجم در ادب بین و نگاه داشتن حیوانات در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام



منقولست که هر که چهارپایان خمس در جانب چپ او بایستد و موسی پیشانی را به دست راست بگیرد و بر سرش بخواند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سوره شمس و انزلنا هذا القرآن انزلنا و خمس سوره بنی اسرائیل قبل ان دعوا الله او ادعوا الزمخدر تا آخر و آیه الکرسی پس چون چنین کند آن چهارپایان یا با بر جمیع جنبهها و در حدیث موثق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سیزی خواهی بگو اللهم انی استخیرک و استعینک چون جوانی خواهی بگو اللهم قد تولى اطولنا حيا و اكثرنا منفعه و حقن عافیه و در حدیث صحیح منقولست که علی بن حصیب از حضرت امام موسی علیه السلام سوال کرد که آیا دابه را بر رویش میستوان زد و رویش را وان میستوان کرد فرمود که بآی نیست یعنی سحر است اما کفر و هت چنانچه در حدیث موثق منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند از واغ کردن حیوانات فرمود که در غیر روی شان واغ میباید کرد و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از آنکه حیوانات را در رویشان واغ بکنند یا چیزی بر رویشان بزنند زیرا که تسبیح پروردگار میگویند و در حدیث دیگر از آن حضرت پرسیدند از واغ کردن روگو سفندان فرمود که واغ را بر گوش ایشان بکنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که در وقت پوشیدن شیر حیوانات آنکس شیری در پستان بگذارد تا زودش چرب شود و پستان که اگر تمام را بدوشید شیر دیرتری آید و در حدیث دیگر فرمود که خوابگاه گو سفندان پاک کنید و آنچه از بینی آنها بیرون می آید پاک کنید و نماز در طلوع آنها بکنید که گو سفندان از حیوانات بهشت است و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که صغیر کنف بسیار گو سفندان در وقت رفتن و صدا بزنید ایشان را بوقت گشتن و در حدیث معتبر منقولست که از آن حضرت پرسیدند از خسی کردن حیوانات فرمود که بالک نیست و از حضرت امام محمد بن حنفیه علیه السلام منقولست که اگر هست و از وضعی کردن حیوانات و بچنگ انداختن آنها بایکدیگر و در حدیث دیگر فرمود که روزی که حضرت امیر المومنین علیه السلام در راهی گشتند که حیوان نری را بر او می کشیدند در میان راه حضرت روگردانیدند و فرمودند که سزاوارست که چنین سب که این شکر و بیج است بلکه باید این را در جایی واقع سازید که



مردی وزنی نه بیند و در حدیث مقبره نقلست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که  
و نه گو سفند زنده را میتوان بریند نمود که اگر غرض تو این باشد که مال خود را با صلاح آوردی  
باکی نیست اما آن ذبیحه است و از آن استغنی نمی توان شد و بدانکه شهید و بیان علما فوق  
احادیث معتبره است که اگر بره یا بزغال شیر خوک را بخورد آنقدر که گوشت و استخوانش  
از آن پرورده شود گوشت آن حرام است و هر چه از گو سفند آن معلوم باشد که از نسل او بیند  
حرام است و هر چه معلوم نباشد حلال است و اگر چند شیری خورده باشد و این حد نه رسیده  
باشد گوشت و شیر آن مکروه است و کراهتش این بر طرفی شود که اگر هنوز شیر خورده و هفت روز  
شیر گو سفندی را نخورد و اگر او شیر باز کرده باشد آنرا هفت روز علف و دانه حلال است و آن  
بخوراند و در حدیث صحیح منقول است که شخصی عرض نمود که من نزد حضرت امام علی نقی علیه السلام رفتم  
که زنی بزغال داده و شیر داده است تا بحدیکه او شیر باز گرفته است آنرا و احوال از آن بزغال  
فرزندی بهم رسیده است و شیر میدید شیرش را می توان خورد و در جواب نوشتند که فعل مکروه  
گرفته است و باکی نیست بخوردن شیر آن فصل هشتم در بیان مجالی از احوال و اقسام حیوانات  
و احادیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر چه از حیوانی در دریا و صحرا  
شکار کرده نمی شود مگر آنکه آن سببی که دارند ضایع کنند و در حدیث دیگر فرمود که جمیع مرغان  
و دشتیان و درندگان با یک دیگر مخلوط بودند تا آنکه من زنده آدم علیه السلام را درش کشت  
پس از یکدیگر لغت کردند و گریختند و هر حیوانی بشکل خود میل کرد و در حدیث دیگر منقولست  
که حضرت یعقوب علیه السلام بفرزند خود گفت که زنا کن که مرغی که زنا میکند پرهایش می ریزد  
و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون گرگ شکار می کند و میگوید که ای فرزند  
آدم هر روش که زندگانی میکنی آخرش مرگست و باز صدا میکند و میگوید که امی و انامی بچانه ها و  
ای دفع کنند بلاها و طوائف میگوید که بر خود ظلم کردم و مغرور به زنیتم خود شدم پس بیا بر  
مرا و دراج میگوید ان الله علی العرش استوی و خرو میگوید که هر که خدا را شناخت باو  
او را فراموشش نکند و هر که خدایکی میگوید که امی خداوند حق تویی حق و گفته تو حق است و باشد  
میگوید یا بیان آوردم بخداوندی تو و روز قیامت و کور کوره میگوید که تو کل کن بر خدا ما ترا

روزی دیدم عتاب میگوید که هر که اطاعت خدا کند به نجات نمی شود و نشان میگوید سبحان الله  
 خا خا و چند میگوید که در روز از مردم انبیا شریک و کفار میگوید که ای میگوید بفرستند عذاب  
 و کلام میگوید که خداوند انکار دارد از شر دشمن بن و لک سنگ میگوید که هر که از مردم نهانند  
 از آزار ایشان نجات یافت و آرد میگوید که آمرزش تر از این خواهیم بیاورند و بعد میگوید چه بسیار  
 شقی است کسی که مصیبت خدا کند و قهر میگوید ای دانی نهان و در از انچه او دید کسی شبیه  
 بقمری و سرخ رنگ است میگوید توفی خداوند خداوندی غیر از توفیست ایچا و کتب میگوید  
 که طلب آمرزش میکنم از خدا از هر چیز که خدا بخیرم آورد و ببل میگوید لا اله الا الله خا خا و لک  
 میگوید نزدیک است حق نزدیک است حق و شما میگوید ای من خدا آدم چه عاقلی از مرگ  
 و فاخته میگوید که یا واحد یا احد یا صمد یا منزه و سبزه قبا میگوید که ای مولائی من از ادکن مرا از  
 آتش چشم و هو چه میگوید که سوگند من قبول کن تو چسب گناه کاران را و دیگر تو را خاکی میگوید که اگر  
 گناه مرا بیاورنی شفی و بد بخت خواهیم بود و شتر مرغ میگوید که مجبور از خدا نیست و پر شک  
 سوره حمد بخواند میگوید ای قبول کننده توبه جمیع گناهان ای خدا تر است حمد و بزم میگوید  
 که مرگ بس است برائی نیک گرفتن و بفرغ میگوید که مرگ نه بد نیست و گناه هم نیک نیست بسیارند  
 و شایه میگوید که در امر ننگی خدا بسیار است تمام می باید کرد و گاؤ میگوید که دست از گناه بردار که تو در  
 پیش خداوندی هستی که او را نمی بینی و او همه را می بیند او خداوند عالمیان است و قیل میگوید که  
 برائی دفع مرگ قوت و چاره سودی نیست و تو میگوید که عیسه نیز با جبار یا متکبر و الله و شتر  
 میگوید که منزله است پروردگاری که دلیل کننده جباران است تنزیه میکنم او را و آسب  
 میگوید منزله است پروردگار منزله است او و اگر میگوید که چیزی را که خدا حفظ کند ضایع نمی شود  
 هرگز و شغال میگوید که عذاب و عین بر گناه کاریست که بر گناه خود مصرع شده و سنگ  
 میگوید برین است مصیبت نهانی خدا برائی خواری و سرگوش میگوید پاک کن مرا از خدا تر است  
 حد و دوا به میگوید که دنیا مانده فریب است و آه میگوید که نجات نده مرا از آزار و اگر گران میگوید  
 بفریادم بپرس و گرنه پاک نمی شوم و پلنگ میگوید منزله است پروردگاری که بسیار برتر است  
 بعض قدرت خود و تنزیه میکنم او را و میگوید چه بسیار بخت است کسی که تر از او باقی کند ایچا و

بخشنده و عقرب بگوید که بدی بیک موشی است پس حضرت فرمود که هیچ خلقی نیست  
مگر آنکه او تسبیحی است چنانکه خدا نموده است و آن موش شیء الا تسبیح بحال است لکن لا  
تفقهون تسبیحهم یعنی تسبیح چیزی نیست مگر آنکه خدا تسبیح بگوید و سحر و شامی او تبلیست  
ولیکن شما نمی دانید تسبیح ایشان را و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که حیوانی که  
منع شده و انود و از ده صنف اند اما قیل پس آن پادشاهی بود که زنا و لواط میکرد و خرس  
اعرابی با دیشینی بود که دیوئی میکرد و جگر گوش زنی بود که با شوهر خود خیانت میکرد و غیل  
حیض نمیکرد و شیر خراشی مردم را میدزدید و سهیل مرد بود درین عشاری میکرد و زهر  
زنی بود که مردم میگویند که باروت و باروت از او فرسپ خورده قتیمن و خوک جماعتی بودند  
از بنی اسرائیل که در روز شنبه شکار کردند و اما سوار و چلپا سهیل بودند از بنی اسرائیل  
مرد زمان حضرت عیسی علیه السلام چون مانده از آسمان نازل شد ایمان نیاوردند و منع شدند  
پس یک گروه ایشان بر یافتند و دیگری بجهاد او اعتراف مرد سخن چینی بود و اما زبور  
قصابی بود که تراندد و می میکرد و در روایت دیگر منقولست که خروس مرد بود که مردم  
با او عمل قبیح میکردند و سوار اعرابی بود که مال حاجیان را میدزدید و عنکبوت زنی بود که از  
برائی شوهر خود میکرد و قمر و سخن چینی بود که در میان دوستان جدائی می افتاد  
و اما ماهی دیوش بود و شیر خرا از درخت میدزدید و سمیون یهودی اند که ماهی را در شنبه  
شکار میکردند و خوک جماعتی اند که ایمان نیاوردند و از حضرت امام رضا علیه السلام  
منقولست که موشی که دوی از یهود بود و کذا بر ایشان غضب کرد و پیشه شخصی بود که استهزا  
پیغمبران میکرد و پیش از حد منع شد و روز پیغمبری از پیغمبران بنی اسرائیل نماز میکرد یکی از  
بخند و آن بنی اسرائیل آمد در برابر او و استهزا میکرد و بصورت پیش منخ شد و چلپا سهیل  
جماعتی از بنی اسرائیل بودند که فرزندان پیغمبران را میزدند و با ایشان دشمنی میکردند و  
در حدیث دیگر منقولست که خدا پشت مردی خلقی بود و در بعضی از روایات وارد شده است  
که زهر و سهیل منع شده اند این دو ستاره هستند بلکه دو جانورند در دریای محیط و در روایات  
مستبرور وارد شده است که هر یک از بنی امیه که میزند بصورت چلپا سهیل می شوند و چلپا سهیل

که هرگاه چلپاسه را کشتی غل بکن و در روایت معتبره منقولست که آنها که مسخ شدند زیاده از سه روز  
نماند و مردند و حقیقتی بصورت آنها حیوانی چند خلق فرمود و گوشت آنها اعرام کرد تا دیگران  
عبرت بگیرند از دیدن اینها و مثل اعمال آنها کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
منقولست که حقیقتی اهفت صدامت را مسخ کرد و هرگاه که بعد از پیغمبران اطاعت او بسیار  
ایشان نکردند پس چهار صد صنف ایشان بصرافت نمود و سه صد صنف بدو یافتند فصل نهم  
و فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن در احادیث معتبره از حضرت رسول صلی الله علیه  
و آله وسلم منقولست که نیکو یاوریست بر هر کاری از معاصی خدا و تو انگری و از حضرت امام جعفر  
صادق علیه السلام منقولست که چیزی نیست در کسی که نخواهد که مالی از حلال جمع کند آن مال  
روی خود را میوه مال حفظ کند و فرض نخواهد کرد و انکه او را نشانی حاصل بکنند و در حدیث دیگر فرمود که استعانت  
بجوئید بنیابر آخرت و بار مردم مشوید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست  
که ملعونست کسی که با عیال خود را بر مردم پسنداند و در حدیث حسن منقولست که شخصی از  
حضرت صادق علیه السلام پرسید که ما طلب دنیا می کنیم و دوست میداریم که مال دنیا بمار و کند  
فرمود که برای چه میخواهی آنرا گفت بزرگ آنکه خرج خود و عیال خود بکنم و صلواتی بکنم و تصدق و حج  
و عمره بکنم فرمود که مال بد برای اینها کسب کردن طلب دنیا نیست طلب آخرت است و در حدیث  
و دیگر فرمود که تو انگری که ترا از ظلم منع نماید بهتر است از پریشانی که ترا بر گناه بار و در حدیث  
معتبر منقولست که شخصی از علمای اهل سنت بحضرت امام محمد باقر علیه السلام رسید در روز  
بسیار گرمی دید که آنحضرت بر دو غلام کیده کرده براه میروند گفت که شما مردی ستمید از  
بزرگان اهل قریش مناسب نیست که درین وقت از برای طلب دنیا بیرون آئید اگر مرگ  
درین حال برسد چه خواهید کرد حضرت فرمود که اگر مرگ درین حال برسد در وقتی رسیده  
خواهد بود که مشغول طاعت خداوند عالمیانم و کاری بکنم که خود را و عیال خود را باز دارم از  
سوال کردن از تو و از دیگران من از آن میترسم که مرگ برسد و در مصیبت خدا باشم گفت  
راست گفتی میخواستم ترا بگویم تو مرا پند گفتی و در حدیث معتبره از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
منقولست که حقیقتی خطاب نمود بحضرت داؤد علیه السلام که نیکو بنده بودی تو اگر از بیت

المال میخوردی و بدست خود کسب میکردی چون این خطاب بود حضرت دافد چهل روز گریست  
 پس حق تعالی بآمین وحی فرستاد که نرم شو برائی بنده من و او پس در دست آنحضرت نرم شد  
 مانند موم پس هر روز یک زره برست خود میساخت و بهر ادرم میفروخت تا آنکه سیصد  
 شصت زره ساخت و از بیت المال استغنی شد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق  
 علیه السلام احوال عمر بن مسلم را پرسیدند ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه  
 فرمود که عل شیطان است مگر نبدانی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم تجارت  
 فرمود حق تعالی مرجع میفرماید جماعتی را که مردانی چند اند که غافل نمیکردند ایشان را تجارت و فروتنی  
 از یاد داشتند جماعتی بودند که تجارت میکردند و چون وقت نماز میشد مشغول نمازی شدند  
 و این بهتر است از کسیکه تجارت نکند و نماز را در وقت خود بگذرد حدیث موقوف منقول  
 است که آنحضرت عرض کردند که شخصی هست بگویند که در خانه منی شصت نماز میکنم و روزه میدهم  
 و عبادت پروردگار خود میکنم و روزی من بپوشیده برائی من میرسد حضرت فرمود که این مرد یکی از  
 کس است که دعائی ایشان استجاب نیست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی با آنحضرت  
 عرض کرد که میخواهم دعا کنم بیک خدا را روزی ده بار حاجت فرمود که طلب روزی بکنی چنانچه خدا  
 ترا امر کرده است من دعا میکنم از برائی تو و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت احوال شخصی را  
 پرسیدند شخصی گفت که او پریشان شده است حضرت پرسیدند که چه کار مشغول است گفت که  
 در خانه نشسته است و عبادت الهی میکند فرمود که معاشن بچه نمیکند و گفت که بعضی از  
 برادران مؤمن به احوال او میرسند حضرت فرمود که آن کسیکه روزی او را میدد عبادتش  
 بهتر است از عبادت او و در حدیث معتبر از حضرت ابامحمد باقر علیه السلام منقولست کسی که  
 طلب دنیا کند برائی آنکه از مردم سوال نکند و روزی عیال خود را فراخ گرداند و همسایگان خود  
 احسان کند در روز قیامت روی او مانند قاشب چاقو شده باشد و آنحضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم منقول است که عبادت بخدا در دو است و بهترین آنها طلب حلال است  
 و در روایت معتبر منقول است که چون در دکان میجا کشودی متاع خود را بهین کردی آنچه بر تو  
 بود کردی دیگر بر خدا توکل کن و خدا حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم



منقولست که در حجة الوداع فرمود بدستیکه جبرئیل علیه السلام در دل من دید که هیچ  
صاحب جانی نمیرد مگر آنکه روزی بمقدور خود را تمام بخورد پس از خدا ترسید و به الله و طلب  
روزی گشت و در رسیدن روزی که نذر شمار را برائی آنکه طلب چیزی از روزی را به حصیت  
خدا بکشد زیرا که حقیقتا روزی را در میان خلق حلال قسمت کرده است و حرام قسمت نکرد و است  
پس سیکه از حصیت خدا پر میزد و صبر کند روزی که او از حلال میرسد و هر که پرده در می کند  
بجعیل نماید و احرام بگیرد از روزی حلال او همان مقدار کم شود و در قیاست حساب او خواهند  
گرفت و بر آن روزی احرام و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اگر بنده در سوره  
باشید خدا روزی او را میرساند پس بر مبالغه در طلب روزی بکنید و در احادیث معتبره از آن  
حضرت منقول است که خدا روزی مؤمنان را از جای چند متر فرموده است که گمان نداشت  
باشد برائی آنکه چون نمیدانند که روزی ایشان از کجای آید و عا بسیار می کنند و در احادیث  
دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تجارت کردن عقل را زیاده میکند و ترک  
تجارت کردن عقل را کم میکند و حضرت امام موسی علیه السلام با جرمی سزده که با داد برده  
لبسوی چینی که موجب عزت است یعنی بازار و در احادیث دیگر منقولست که با داد و طلب  
روزی برود و تحقیق این مطلب با احادیث دیگر در کتاب عین الحیات مذکور است فصل دهم  
در بیان آداب تجارت از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بر نمیزد بگوید  
که امی گروه سوداگران اول یا دیگرید مسائل تجارت را بعد از آن مشغول تجارت شوید و الله  
که ریادین است خفی تر است از جائی پائی مورچه بر روی سنگ سخت و قیم دروغ بخورید بترسید  
تا جرم فاجر است و فاجر در جهنم است مگر سیکه حق بگیرد و حق بدد و از حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله و سلم منقولست که هر که خرید و فروشی کند از پنج چیز اجتناب کند از سود خوردن  
و قیم خوردن و عیب متاع را پوشانیدن و بیح کردن چیزی که فروشد و بخت کردن چیزی  
که بخرد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المومنین علیه السلام هر روز با داد و دزد را  
برویش میگوشتند و در بازار پائی که نه می گشتند و میفرمودند که چون مشغول خرید و فروش  
می شوید اول خیر خود را از خدا طلبید و خرید و فروش را به ولایت بکنید و کار را تنگ



بگیرد تا برکت بیاید و نزدیکی و محرابی کشید یا شترها و بر دباری را زینت خود گردانید  
 و از قسم خوردن و دروغ گفتن کناره گیری و ستم بر مردم کشید و با مظلومان انصاف از خود  
 مدینه و نزدیک رها و سودمروید و کیل و وزن را تمام ببید و تر از دزدی کشید و در پیش  
 دیگر فرمود که نشیند در بازار مگر کسیکه مسائل خرید و فروش میداند و هر که با نادانی تجارت کند  
 در بازار خوردن فسد و میرود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که  
 در بازار و پسین که بازار رود چون پدر بازار گذارد بگوید **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَ**  
**خَيْرِ أَهْلِهَا** حق تعالی ما و ملکی موکل گرداند که او را و متاعش را محافظت نماید تا بخانه برگردد پس  
 باو میگوید که امروزان یاغی از شهر این بازار داخل این بازار آمد و روزی تو شد خیر این بازار  
 داخل این بازار با مرخص پس چون در مکان نشیند بگوید **لَشَيْءٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ**  
**لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ**  
**سِرِّ قَاحِلِ الْأَكْبِيَاءِ وَاعْوِذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةِ خَاسِرِينَ**  
 و یمنین کا ذیل چون آیند صاحبخانه ملکی که باو موکل است میگوید که بشارت باد ترا که امروز  
 درین بازار کسی از تو بهره اش فرایان نرست تعجیل کردی در جمع آوردن ثوابها و محو کردی  
 از خود گنا باز و بزودی می آید بسوی تو آنچه خدا روزی تو گردانیده است حلال طیب مبارک  
 و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون داخل بازار شوی  
 این دعا بخوان **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا وَاعْوِذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ**  
**شَرِّ أَهْلِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ يُعْنَى عَلَيَّ وَاعْتَدِي**  
**أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الْبَلِيْسِ وَجُودِيَّةٍ وَشَرِّ صَفْقَةِ الْعَرَبِ**  
**وَالْعَجَةِ وَحَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ** و در حدیث  
 صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هر که داخل بازاری یا مسجدی بشود و یک مرتبه بگوید **أَشْهَدُ**  
**أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ**  
**اللَّهِ بِكُرَّةٍ وَ أَحْسَنُ** و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله  
 برابر است با یکسجده مقبول و در حدیث معتبر دیگر منقولست که هر که در بازار بگوید **أَشْهَدُ**

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ حَقًّا  
هزار هزار حسنه برائی او بنویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست  
که هر که داخل بازار شود و بگوید شریک نیست و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
لا شریک له و آن محمد عبد و رسول الله یعنی اشهد ان لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
من الظلم و المظلم و الماثر و در روایت دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است  
که هر که داخل بازار شود بگوید لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
عبد و رسول الله یعنی اَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْمَظْلَمِ وَ الْمَظْهَرِ حَقًّا بعد و آنچه در  
بازار هست از سخن گو و غیر سخن گو ثواب بر او بنویسد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
منقولست که یا خدا و بازار بسیار بخشد در وقتی که مردم مشغول دنیا باشند که کفاره  
گناهان شما باشد و باعث زیادتى حسنات شما شود و شمار از غافلان نویسد و چون خواهد  
اجتناج خود را از بازار خیر بدو وقت داخل شدن بازار بگوید شهادت ان لا اله الا  
الله و وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسول الله صلى الله عليه و آله  
اللهم انى اعوذ بك من صفقة خاسرة و مبيع فاجور و اَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَكْبَرِ  
و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که در وقت داخل  
شدن بازار بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و وحده لا شریک له  
الملك و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله و لا اله الا الله  
بعد و آنچه داخل شود که به است آیات با و ثواب کرامت فرماید و در حدیث صحیح از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که چون خواهی متاعی یا غیر آن بخری سه مرتبه الله اکبر بگو پس سه مرتبه  
ایند ما بخوان اللهم انى اشتريتك القيس فيه من خيرك فاجعل لي فيه خيرا اللهم  
انى اشتريتك القيس فيه من فضلك فاجعل لي فيه فضلا اللهم انى اشتريتك القيس  
فيه من ديمقك فاجعل لي فيه مديقا و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا  
علیه السلام بر دو متاعی که بخری بیدینوشند برکة لنا و محصل است که مراد نوشتن گشت  
باشد و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی که چیزی بخری

سمر تبه اینده بخوان یا سحی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام یا رحیم استغفرک بعزیزک و قد ربک  
و ما احاط به علمک ان تقسم لی من ایتانک الیوم اعظمها من ذفا و اوسعها فضلا و خیرها  
عاقبة فانه لا خیر فیها الا عاقبة له و مرود که چون جوانی یا بنده خواهی که بگوید اللهم قد  
لی اطولها حیوة و اکثرها منفعة و خیرها عاقبة و در حدیث حسن از آنحضرت منقول  
است که چون خواهی که چهار پانجی که سمر تبه اینده بخوان اللهم انک انت عظیم  
البرکة فاضلة النفعه مبنیة الساجیة فیسری فی نیراءها وان کانت غیر ذلک فاصرفنی  
عنها الی الذی هو خیر لی منها فانک تعلم و لا اعلم و تقدر و لا اقدر و انت علام  
الغیوب و در روایت دیگر منقول است که چون خواهی بی کار سی برو و اقرب انک بینه  
شده باشد که سرخی شعاعش بر طرف شده باشد و در رکعت نماز کن در رکعت اول بعد از حمد  
قل هو الله احد و در رکعت دوم قل ایها الکافرون بخوان پس چون سلام بگویی این دعا  
بخوان اللهم انی عذرت فی فیضک کما امرت فی فاد زفنی من فضلك سر ذفا  
و ابعثنا خلا لا یلبسنا و اعطنی فیما رزقتنی العاقبة عذرت و تحویل الله و قوتی عذرت  
بخیر حول منی و لا قوتی و لکن بحولک و قوتک و اکرم الیک من الحول و القوت  
اللهم انی استلک بركة هذا الیوم فبارک لی فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین  
و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهیرین و رفته الرضا مذکور است که چون خواهی  
که متاعی را ببندی و نگه داری آیه الکرمی بخوان و سپس در میان متاع بگذار و این دعا  
را نیز بنویس و جعلنا من بین یدیک ایدیم سدا و من خلفهم سدا فاغشینا لهم فهم  
لا یبصرون لا ضیعة علی ما حفظه الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو  
علیک توکل و هو رب العرش العظیم چون چنین کنی آن متاع از هر بلائی محفوظ ماند  
و نه مرود که اگر مالت تلف شود اینده بخوان اللهم انی عبدک و ابن عبدک  
و ابن امنتک و فی قبضتک ناصیتی یدیک تحکم فیما تشاء و تفعل ما تری و اللهم  
ذلک الحمد علی حسن قضائک و بلائک اللهم هو مالک و مرزفک و انا عبدک  
حوالتی حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک فیما و الصبر علی حین اصبحت و اخطت

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَصَبْتَ اللَّهُمَّ لَا تَخْرُجْ مِنِّي كَوَابَةٌ وَلَا تُسَيِّرْ مِنِّي خَلْقًا فِي  
دُنْيَايَ وَآخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنَا لَكَ ذَلِيلٌ وَالْيَاكُ وَفَيْتَكَ لَا أَمْلِكُ  
لِنَفْسِي حَتَّى أَقُولَ لَا نَفْعًا وَدَرِ حَدِيثِ مَعْبَرٍ از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم منقولست  
کہ بدترین بقیعہائی زمین بازار است و آنها میدان شیطانند هر روز با ما مد علم خود را در  
بازارهای رند و کرسی خود را میگذارد و بران نمی نشیند و فرزندان خود را پهن میکند کہ  
یکی فرساید بدهند کہ تراز و کم می کشد و دیگری کیل را کم میکند و دیگری گزمیدزد و دیگر  
در اسب المال دروغ میگوید پس گوید بفرزند ان خود کہ بر شما با جماعتی کہ پدر ایشان مرده است  
یعنی حضرت آدم علیہ السلام و پدر شما زنده است پس ادا کی که داخل بازار می شود شیطان  
داخل میشود و با خر سیکه بیرون میرود و بیرون میرود و بهترین بقیعہائی زمین نزد خدا مسجد است  
و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است کہ زودتر بسجده رود و دیرتر بیرون آید و در حدیث  
دیگر فرمود کہ دشمن ترین مردم نزد خدا کسی است کہ زودتر بازار رود و دیرتر بیرون آید و از  
حضرت صادق علیہ السلام منقولست کہ مخر چیزی از مردمی کہ کار بر ایشان بسته شده است  
اگر سودا بایشان برکت نمیدارد و در حدیث دیگر فرمود کہ با گردان مخالط نکنید کہ ایشان  
گروہی اند از جنیان کہ حقیقاً پل پرده از ایشان برداشته است و در احادیث معتبره  
وارد شده است کہ معامله نکنید با جماعتی کہ مرضهائی بمشروع وارند مانند پستی  
و خوره و در احادیث دیگر فرمود کہ بانو کینه سودا کنید و با کسی سودا کنید کہ در مال او نعمت نشود و بگفته  
باشد و در حدیث دیگر فرمود کہ با مردم دون کہ از دشنام دادن و شنیدن پروا ندارند  
سودا نکنید و در حدیث دیگر فرمود کہ از نایست کسی کہ فریب دهد مؤمنی را و فرمود کہ  
حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نهی فرمود از آب در شیر کردن و در حدیث  
حسن منقولست کہ حضرت امام موسی علیہ السلام پشام فرمود کہ در تاریکی در زیر سقف  
متاع بفروش کہ متاع خوش فامش بیناید و آن غش است و غش کردن حلال نیست  
و فرمود کہ کسی کہ خردگر بقم و بفروشد بقرقم حقیقاً در قیامت نظر رحمت بپوشی او  
نفرماید و از حضرت امیر المومنین صلوات اللہ علیہ وآلہ منقولست کہ دنیا را قسم بخورید کہ اگر

متاع را روا میکند اما بگوشش را میبرد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست  
 که کسی که بفروشد و بخرد و روزی می یابد و کسی که نگاه میدارد و ببرد آنکه گران شود ملعونست  
 و فرمود که فاطمه که متاع آورد کسی از او بیرون شهر استقبال نکند بگذارد که داخل شهر نشوند  
 و شهری وکیل نشود و در خمر و درخت برای بادیه نشینان خدا تعالی بعضی از مسلمانان را  
 پس بعضی دیگر روزی میدید و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام  
 با اسحاق بن عمار فرمود که فرزند خود را بصرافی ده که طرف از با سالم نیماند و بگفتن فروشی  
 ده که گفتن فروش از وی هرگز مردم نمیکند و بسیار غریب مردم او را خوش می آید و بخود  
 گذرم فروشی ده که سالم نیماند از جمع کردن و نگاه داشتن بر گران و بسلامتی ده که رحم  
 اندیش بر طرف میکند و کسی که سنگین دل است از خدا دور است و برده فروشی ده که  
 بدترین مردم کسی است که مردم را فروشد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول  
 است که فرمود که بخانه خود غلامی خریدم و نهی کردم او را از آنکه بقصابی یا حجامت کردن  
 یا زگر می کردن ببرد و در احادیث دیگر منقولست که اگر مرد حجامت را اول شه طاکند  
 و آنچه بعد از حجامت بدهند قبول کند باکی نیست و در بعضی از اخبار مذمت جولایی وارو شده  
 است و در حدیث دیگر منقول است که شخصی از حضرت صادق علیه السلام پرسید از  
 تعلیم کردن اطفال فرمود که مزدوران بگیر گفت که کتابهای شمس و رساله ها و مانند آن  
 میخوانند اول شه طاف و خود با ایشان بکنم فرمود که بی الا بشرطیکه اطفال نزد تو برابر باشند  
 و بعضی را بر بعضی زیادتی ندی و در حدیث دیگر منقولست که بآن حضرت عرض کردند که  
 ستمیان میگویند که کتب معلوم حرام است فرمود که دروغ میگویند این دشمنان خدا میگویند  
 که اطفال مردم قرآن یاد بگیرند اگر کسی دیت فرزند خود را بعلم پدر و حلال است و بهتر آن  
 است که اول شرط زد کند و آنچه میدهند بگیر و در احادیث معتبره و در حدیثی که چون قرآن فروشید  
 کاخذ و جلد را بفروشی قصد فروختن نوشته کنی و در حدیث صحیح از حضرت امام  
 موسی علیه السلام منقولست که باکی نیست در مزد گرفتن بر نوشتن قرآن و در حدیث  
 معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که تمام شب بیدار باشد برائے

تسب کردن و بهره دیدن خود را از خواب بیدار کردن آن کسبش حرام است و اکثر علما اجل  
برگذاشته اند و در چند حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که هر که بخود را بعنوان نوکر  
بمردم به اجاره ببرد روزی را بر خود حرام کرده است و خود را از روزی خود محروم گردانیده است  
فصل یازدهم در فضیلت زرع است کردن و درخت کشتن از حلالی است و جزء منقول است  
که حضرت امام موسی علیه السلام را دیدیم که در زمین خود کار میکردند و با پاهای آنحضرت و مسدود  
فرو رفته بود گفت فدا شویم خود را بکاران که گرفته اند که شما خود را این کار نمی کنید فرمود که بایست  
از زمین کار کرده است کسیکه بهتر از من و پدر من بوده است یعنی فرمود که حضرت رسول خدا  
صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و آله و تمام پدران من در  
زمین پرست خود کار کرده اند و این کار پشیمان و اوست بگوشان و صاحبان ایشان است  
و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حق تعالی برای پیغمبرانش  
شخم زرع کردن از عتق یا کرده است که از آمدن باران که هیت نهشته باشند و در حدیث  
دیگر فرمود که حق تعالی روزی پنجم را از او زرع است و در شیرستان حیوانات فرار داده است  
تا از قطره از باران آسمان که هیت نهشته باشند و در حدیث دیگر فرمود که زرع کسب  
و درخت بنشانید و الله که مردم کاری ازین حلال تر و پاکیزه نمی کنند و الله که زرع است  
خواهید کرد و درخت خواهید کشت بعد از بیرون آمدن و حال هم و در حدیث معتبر از حضرت  
امام زین العابدین علیه السلام منقولست که بهترین اعمال زرع است که از آن نیکوکار و بزرگوار  
گرد و در سجود و انیکو کار آنچه سجود و برای او استغفار میکند و الله که و آنچه سجود و اوراعت  
میکند و حیوانات و مرغان نیز از آن بخورند و از حدیث صادق علیه السلام منقولست که کس که بزرگ  
زرع زرع کردن است و در حدیث دیگر فرمود که زرع کسب از گناهان بزرگتر است و مردم  
نیکوکار و روزی نیکوی پاکیزه خدا اگر هست میفرماید و با نیکان ایشان در قیامت از سایر مردم  
نیکوتر است و منزلت ایشان از دیگران نزدیک تر است و ایشان را از روز سبزه باران میدهند  
و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمودند که زرع است  
فهمید که حق تعالی بپادشاه و پادشاه را چنانچه بپادشاهان میگوید و در احادیث معتبره منقولست



که آنحضرت بر جماعتی گذشتند که شخم میکردند فرمود که زراعت کنید که حضرت امیر المومنین  
 علیه السلام بابل و در زمین کار میکرد و در غررها آبادان میکرد و حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله همیشه خوراکی آب و دهان مبارک خود را میکرد و در زمین فصد و میرد و در ساعت  
 سحر بخشد و حضرت امیر المومنین علیه السلام نیز از غلامان که بکند خود میداد و آزاد کرد و  
 در حدیث موثق منقولست که شخصی سپید حضرت امیر المومنین علیه السلام دید که زیاده از سی  
 من شپا هسته خرابار کرده اند و میرند پرسید که اینها چیست فرمود که صد هزار درخت خرافات  
 الشبه الله تعالی پس آنها را در غستان خود کشتندی از آنها حطاشند و در حدیث مقبر از آن  
 عمر و منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام جامه گنده پوشیده بودند و سیله  
 دوست داشتند و در باغ خود کار میکرد و عرق از پشت مبارکش میریخت گفتم خدا تو شوم  
 به من بکنم فرمود که دوست میدارم که آدمی از اربکته از آفتاب برای طلب معیشت و در حدیث  
 مقبر دیگر از آنحضرت منقولست که شش خصلت است که مؤمن بآنهاست نفع میشود بعد از  
 مردن فصد و در صامی که برای او استغفار کند و مصحفی که از او بماند تلاوت کنند و چاهی که  
 بکند و درختی که بکار و تصدق آبی که جاری کند و سنت نیکی که در میان مردم بگذارد که بعد از  
 مردم بآن عمل کنند و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که هیچ چیز را آدمی بعد از مرگ  
 خود نیگیرد که بر او دشوار تر باشد از زراعی گفت چه کند فرمود کاشی و خانه بخشد و در حدیث  
 دیگر فرمود که در توریت نوشته است که هر که زمین یا آب بخشد و بدو بعضی آن زمین یا آب  
 دیگر بخشد و بیشتر باطل شود و نفع نگیرد و از آن فصل و دوازدهم در آداب زراعت کردن  
 و درخت کشتن پس بعد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت  
 آدم علیه السلام بر زمین آمد محتاج بخوردن و آشامیدن شد پس جبرئیل علیه السلام سگای  
 کرد جبرئیل علیه السلام گفت که زراعت بکن آدم علیه السلام گفت دعائی مرا تعلیم کن جبرئیل  
 گفت که بگو اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوًى دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبَيْتِ الْعَاقِبَةِ  
 حَتَّى تَقْبَلَنِي الْعَبْدَ وَ در حدیث حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون  
 خواهی زراعت کنی یک کف از خرم بگرد و بقبله ایست و بگوشه مرتبه افتو آیتهم ما تحمّلون

عَنْكُمْ تَرْحَمُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّالِمُونَ بِسْمِ اللَّهِ أَجَلُهُ حَبَابٌ مَبْدُوكَا وَكَرُمًا  
 فِيهِ السَّلَامَةُ پَسْ آنانه که در کف داری بپاش و در روایت دیگر منقول است که چون وانه را بپاش  
 بگو اللَّهُمَّ قَدْ بَدَرْتُ وَأَنْتَ الزَّالِمُ فَأَجَلُهُ حَبَابٌ مَبْدُوكَا و در حدیث دیگر فرمود که در  
 وقت درخت نشاندن و دانه پاشیدن بر هر درختی و دانه بخوان که سبحان الباعث الوارث  
 که انشاء الله خطا نمیکند و در روایت دیگر فرمود که در وقت درخت کشتن و زرع کردن  
 این آیه را بخوان وَمِثْلُ كُلِّ طَبِيبَةٍ كَثْرَةُ طَبِيبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَقَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تَوْنِي أَكْثَرًا  
 كُلِّ جَنٍّ بِإِذْنِ رَبِّهَا و از حضرت امام محمد بن علی علیه السلام منقول است که یکت بعضی از تخم گم  
 و رو قبله بایست و بگو سه مرتبه عَاثَمُ تَرْحَمُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّالِمُونَ بِسْمِ اللَّهِ أَجَلُهُ  
 حَبَابٌ مَبْدُوكَا وَكَرُمًا فِيهِ السَّلَامَةُ وَالْقَامَةُ وَاجْعَلُهُ حَبَابٌ مَبْدُوكَا وَلَا تَحْرِمْهُ  
 خَيْرٌ مَا اتَّبَعِي وَلَا تَقْتَرِي بِمَا مَتَّعْتِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الطَّيِّبِينَ پَسْ آنت بعضی را بپاش و  
 از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خواهد که درخت خرا خوب بار بردارد و درختها  
 نیکو شود و میوههای کوچک خشک را بگیرد و نیم کوب کند و در هر شگوفه اندکی بپاشد و باقیش را  
 در کبیره پاکیزه کند و در میان درخت خرا جا دهد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقول است  
 که درخت را را برید که خراب بر شما مانده شود و در روایت دیگر فرمود که بریدن درخت  
 خرا مکرره است پرسیدند خستههایی دیگر را بریدن چو نیست فرمود که بآکی نیست پرسیدند  
 که درخت سدر را بریدن چو نیست فرمود که درخت سدر که در بادیه باشد بریدن خوب نیست  
 زیرا که در آنجا گرم است و در شهر بآکی نیست و از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدند که  
 چون است بریدن درخت سدر فرمود که پدرم درخت سدر را برید و بجائی آن درخت انگور  
 گشت و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که بآکی نیست عذر آدمی را  
 و فرزند عیال بریزند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که حضرت سید  
 علیه السلام بشهری گذشتند در میوه با ایشان گرم بسیار بود و درین باب آن حضرت  
 شکایت کردند فرمود که شما چون درخت می کارید اول خاک که حبه نریزد و در آن آیه صد مرتبه  
 بآن سبب گرم در میوه با هم میرسد پس ازین اصل آب بر نریزد و بعد از آن خاک که بر نریزد چنین

گرفتند گرم در میوه بپاشان بر طرف شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که درخت  
سدر را آب بدو چکان است که مؤمنی را از وقت تشنگی آب داده باشد و نه بود که حق تعالی  
هیچ درختی را خلق نکرده است مگر آنکه میوه داشت که میستوانست خورد و چون مردم از برای  
خدا بفرزند قایل شدند میوه نصف درختان طریف شد پس چون با خدا شریک قرار دادند  
درختان خا برهم رسانیدند باب چهارم در آداب سفر فصل اول در بیان سفرهای نیک و بد و ایام  
و ساعات نیک و بد از برای سفر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکمت آل داود  
نوشته است که نباید کسی سفر کند مگر از برای سه چیز سفری که نوشته آخرت در آن حاصل شود  
یا سفری که باعث برست امور معاش گردد یا سفری که از برای سیر ولایتی باشد که حرام نباشد  
و در حدیث دیگر فرمود که سفر کنسید تا به بنائی تمام صحیح شود و جهاد کنسید تا امنیت دنیا و  
آخرت بیاید و حج کنسید تا مال و دیوبنی نیاز شود و در حدیث دیگر فرمود که سفر قطعه ایست  
از عذاب چون کار شما در سفر ساخته شود زود به اهل خود برگردید و در حدیث صحیح منقولست  
که محمد بن مسلم از حضرت صادق علیه السلام پرسید که زمینی میروم که در آنجا غیر از یاف و هیچ چیز  
نیست فرمود که چون مضطربت تیمم کند و دیگر به چنین زمینی نرود که دیش در آنجا هلاک شود  
و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام آمد و گفت من خواهم  
بسفر روم برای من دعا کنید فرمود که در هر روز یکبار بگو گفت در روز دوشنبه از برای  
برکت آن روز زیرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز دوشنبه متولد شده است  
حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه متولد شدند هیچ  
روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز وفات  
گرفتند و وحی از آسمان از آن قطع شد و در آن روز حتی با غصب کردند میخواستی که خبر دهم ترا و دلا  
نم بر وی سهیل آسانی که خلاصم کرد و در آن روز آهن را برای حضرت دوا و گفت بلی نه فرمود  
که آن روز شنبه است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که  
اراده سفری داشته باشد باید که در روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از کوهی ببرد و در روز  
شنبه بسته آنرا خدا تعالی بجائی خود برگرداند و هرگاه که کار با برود شوار شود در روز شنبه

طلب کند که آن روزی است که آهن برای حضرت داود علیه السلام نرم شده است و در حدیث  
 معتبره منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز پنجشنبه سفر می فرستند و می فرستند  
 که روز پنجشنبه را خدا و رسول و ملائکه دوست میدارند و در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه  
 السلام منقولست که مکروه است سفر کردن و سعی و حجاج کردن در بامداد روز جمعه از برای  
 آنکه مباد از نماز بازماند اما بعد از نماز از برای تبرک خوبست و در حدیث دیگر فرمود که با کسی  
 نیست سفر کردن در شب جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در چهارشنبه  
 آخر ماه سفر کند بر او آنجا عقی که بفعل بد می رسد اندک از هر بلائی نگذاشته شود و حاجت شرعی را خدا بر آورد  
 و در بعضی از روایات وارد شده است که سفر کن در روز ششم ماه و در چهارم و روز پنجم و روز  
 روز سیزدهم و روز شانزدهم و روز بیستم و روز نهم و یکم و روز بیست و چهارم و روز بیست  
 و پنجم و روز بیست و ششم و در روایت دیگر منقولست که روز چهارم و بیست و یکم برای سفر  
 خوبست و در روایت دیگر منقولست که هشتم ماه و بیست و سوم ماه برای سفر خوب نیست  
 و اگر روز یائمی ماه یا روزهای هفته محارض شود رعایت کردن روزهای هفته اعلی است زیرا که  
 احادیث معتبره در ایام هفته بیشتر است و در روایت معتبر دیگر منقولست که هر که سفر کند یا  
 زن بخوابد و ماه و در عقب باشد عاقبت نیکو نبیند فصل دوم در دفع غوشتهای سفر بقصد  
 و دعا در حدیث صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که تصدق کن و در هر روز که خوا  
 برو بسفر و در حدیث صحیح دیگر منقولست که از آن حضرت پرسیدند که آیا اگر هست در سفر کردن  
 در روزی از روزهای مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که فستاح سفر خود بتصدق کن و در هر روز  
 که خواهی برو و در حدیث صحیح دیگر منقولست که این بیع می گفت که من در علم نجوم نظر می کردم  
 و طالع را می شناسم و در خاطر می خلید در بعضی ساعات بعضی از کارها خیر است یا بد و درین  
 باب بخدمت حضرت امام موسی علیه السلام گفتم که هرگاه در دل تو چه بخت تصدق  
 کن بر اول سکنی که می بینی و برو که حق تعالی ضرر آنرا از تو دفع میکند و در حدیث دیگر از حضرت  
 صادق علیه السلام منقولست که هر که در اول روز تصدق بکند حق تعالی بخواست آن روز را از او  
 دفع میکند و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعضی از روزها

خود بخوانند بروند میفرزند سلامتی خود را از خدا بخواهند میسر می شود از تصدق و این تصدق را در  
وقتی میدادند که پا در رکاب میگذشتند و چون خدا آنحضرت را به سلامت بر میگذاشتند و ایند شکو  
حد آیهی میگردند و تصدق میکردند باینجه میسر میشد و در حدیث حسن منقولست که عبد الملک بن خدمت  
حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من بستانا بعلم نجوم شده ام و گاهی میخواهم بی کاری بروم  
و باطل علم نظر میکنم می بینم که در طالع شری هست می بینم و ترکتش میکنم و اگر در طالع نیکی می بینم  
میروم حضرت فرمود که آن حاجت برآورده نشود تا حکم بنجوم میکنی گفت بلی فرمود که کتابهای  
نجومت را بهوزان و سید ابن طاووس علیه الرحمته روایت کرده است که چون خواهی که متوجه  
سفر شوی در وقتی چند که سفر کردن در آن اوقات کراهت دارد پیش از متوجه شدن سوره حمد  
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه الكرسي و الا انزلناه فی لیلة القدر و آخر سوره الف  
عمران ان فی خلق السموات و الارض الاخر سوره بقره ان پس بگو اَللّهُمَّ بِكَ يَصْغُلُ الصَّالِحُ  
وَبِكَ يَطْوُلُ الطَّائِلُ وَلَا حَوْلَ لِحُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَلَا خَفَاةٌ بَمَتَانٍ هَذَا وَ قَوْلُهُ اَلَا  
مِنْكَ اسْتَلْكَ بِصَفْوِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ تَحْلِلُ نَبِيَّتَكَ وَعِثْرَتَكَ وَ سَلَامَتَكَ  
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَ اَكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَصَرِّكَ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ  
وَمِنْهُ وَبَرَكَاتِهِ وَاقْضِ لِي فِي مَصْرَفَاتِي بِحَسْرِ الْعَاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْحَبَةِ وَالظَّفَرِ بِالْأَمْنِيَّةِ  
وَكَفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْمُعْوِيَةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَذِيَةٍ حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ  
مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ وَابْلِغْنِي فِيهِ مِنَ الْخَافِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَالِقِ فِيهِ لِي رَاحَةً لَا  
يَصُدُّنِي صَادٌّ عَنِ الْمَرَادِ وَلَا يَحِلُّ لِي طَارِفٌ مِنْ أَدَى الْعِيَادِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ و در حدیث صحیح است  
حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که هفت چیز است که اگر در برابر مسافر باشد شود بر او  
او شوم است کلامی که فریاد کند از جانب راست او و سگی که دُم را علم کرده باشد و گری که  
بر دُم خود نشسته باشد و بر سگ او فریاد کند پس سه مرتبه بلند شود و پست شود و آیهی که از جدا  
است او بیاید به جانب چپ او برود و چندی که فریاد کند و زن پیر سفید مو که روبروی او  
بیاید و ماده الاغی که گوشه شش بریده باشند که سبکی از دیدن اینها ترسی در خاطرش بیاید بگوید

اِغْتَصَمْتُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ شَيْءٍ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَأَعْصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ چُون این بگویم  
ضرری با و نرسد و در روایتی منقولست که چون پیش از سفر تصدق کند در وقت تصدق این  
دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَسَلَامَةَ سَفَرِي وَمَنَافِعِي  
فَسَلِّمْ وَسَلِّمْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ و بعد از تصدق  
بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ مُسَبِّحُ اللَّهِ رَبِّ  
السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ  
الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَالِدِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ كُلِّ  
شَيْطَانٍ مَرِيدٍ بِسْمِ اللَّهِ تَخَلَّتْ وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَذْتُ مِنْ يَدَيْ  
بَيْتَانِ وَعَجَلْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا أَذْكُرُكَ أَمْ نَسِيتُهُ  
اللَّهُمَّ أَنْتَ السُّتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ  
فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَأَطْوِلْنَا الْأَرْضَ فَسَيَرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ  
وَطَاعَةِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ اصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِي مَارِزِقَتِنَا وَبِقَاعِلَانِ  
النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَحْذَرُكَ مِنْ وَعْثَائِ السَّفَرِ وَكَابَةِ النُّقْلِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ  
فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَصَدِي وَنَاصِرِي اللَّهُمَّ اقْطَعْ  
عَنِّي بَعْدَكَ وَمَشَقَّتَكَ وَأَحْصِبْنِي فِيهِ وَأَخْلُقْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا  
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فصل بیستم در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن  
سید ابن طاووس علیه الرحمه روایت کرده است که چون کسی از راه سفر نایست است که غسل کند پیش  
از بیرون رفتن در وقت غسل بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ  
الْعَظِيمِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ  
اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَهِّمْ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَلَقِّنْ لِي قَهْرِي  
اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي نُورًا وَطَهُورًا وَحِزًّا وَشَفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَخِيقْ  
عَاصِيَةً وَنُوعِي مِمَّا أَخَافُ وَاحْدَرْ دُكْهَرِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَ



دَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَفُجِي وَعَصَبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي  
 شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ  
 وَدَر حَدِيثِ معتمر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که هر یک خلیفه آومی در این  
 نیکو دار و بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي  
 اسْتَوْدِعْكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي  
 وَأَبْنِ طَاوُسُ علیه الرحمه گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد و در رکعت دوم انا لله  
 فی لیل القدر بخواند و در حدیث معتمر منقولست که چون حضرت امام محمد باقر علیه السلام را او  
 سفری میکردند عیال خود را در حبس جمع میکردند و این دعا بخواند اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي اسْتَوْدِعْكَ الْغَلَّةَ  
 نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَالشَّاهِدَ مِنَّا وَالْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا  
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ لَنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تَغَيِّرْ مَا بَيْنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَ  
 فَضْلِكَ وَسَيِّدِ ابْنِ طَاوُسُ علیه الرحمه روایت نموده که بعد از نماز این دعا بخواند اللَّهُمَّ  
 ارْحَمْنِي اسْتَوْدِعْكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بَسْبِيلًا لِمُشَاهِدَةِ  
 مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنِي وَرَحْمَتِكَ  
 وَلَا تَكُنْ لَنَا فَضْلَكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ  
 الْمُنْتَلَبِ وَسَوْءِ الْمُنَظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوُلَدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي ارْحَمْنِي  
 إِلَيْكَ هَذِهِ التَّوَجُّهُ طَلَبًا لِرُضَايَكَ وَتَفَرُّبًا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فَبَلِّغْنِي مَا أَوْمِدُّهُ وَأَرْجُوهُ  
 نَيْكَ وَفِي أَوْلِيَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَارْجُوا هِيَ نِيد عَاهِمُ بِنَوَانِ اللَّهُمَّ خَرَجْتُ  
 فِي وَجْهِ هَذَا أَبْلَا لِنَفْسِي لِعَيْنِكَ وَلَا رَجَائِي بِإِلَّا إِلَيْكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا لَكَ  
 عَلَيْهِمْ وَلَا حِيلَةَ إِلَّا جَاءَ إِلَيْهِمَا الْكَطَلَبُ وَضَاكَ وَابْتِغَاءُ رَحْمَتِكَ وَتَعَرُّضًا لِنُورِكَ وَسُكُونًا  
 إِلَى الْحُسْنِ بِمَا نَدَيْتَ وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عَمَلِكَ فِي وَجْهِ مِمَّا أَحْبَبْتُ وَالْكَرَّةُ  
 اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَمُقَضًى كُلِّ لَوَاءٍ وَابْطَلْ عَلَيَّ كُنْفًا مِنْ  
 رَحْمَتِكَ وَطَعْمًا مِنْ عَفْوِكَ وَسَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَمَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَجَمَاعًا مِنْ مُعَاوَنَاتِكَ  
 وَوَقْفًا لِي فِيهِ بِإِذْنِ جَمِيعِ قَضَائِكَ عَلَى مُوَافَقَةِ هَوَايَ وَحَقِيقَةِ أَمَلِي وَادْفَعْ عَنِّي

اَحَدٌ رُوِيَ مَا لَا اَحَدٌ رُوِيَ عَلَى نَفْسِي وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَاَجْعَلْ ذَلِكَ خَبْرًا لِي وَلَا لِغَيْرِي  
 وَدُنْيَايَ مَعَ مَا اسْأَلُكَ اَنْ تَخْلُقَنِي فِيهِمْ خَلَقْتَ وَمَا لِي مِنْ وَلَدِي وَاهْلِي وَمَالِي  
 وَاخْوَانِي وَجَمِيعِ خَزَائِنِي بِأَفْضَلِ مَا تَخْلُقُ فِيهِ عَاشِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَمُودَةٍ  
 وَحِفْظِ كُلِّ مَضِيعَةٍ وَتَمَامِ كُلِّ اَعْمَةٍ وَدِفَاعِ كُلِّ سَيْفَةٍ وَكِفَايَةِ كُلِّ مَحَلٍّ وَفِرَافِ كُلِّ مَكْرٍ  
 وَكَمَالِ مَا يَجْمَعُ لِي بِهِ الرِّضَا وَالشُّرُوفُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ اَرْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ  
 وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَاجْعَلْ الرِّضَا اَللَّهُمَّ اِلَى اسْتَوْعِدَكَ الْيَوْمَ دِينِي  
 وَنَفْسِي وَمَالِي وَاهْلِي وَذُرِّيَّتِي وَجَمِيعِ اخْوَانِي اَللَّهُمَّ احْفَظِ الشَّاهِدَ مِثْلًا وَالْغَائِبَ اَللَّهُمَّ  
 احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكَ وَلَا تَكِلْنَا لِفِتْنِكَ وَلَا تَهْتِكْ مَا بَيْنَنَا  
 مِنْ فَخْرَةٍ عَافِيَةٍ وَفَضْلٍ وَدَر حَدِيثِ مَقْبَرِ مَقُولَتِ كَيْ جَوْنِ حَضَرْتِ مَا ذُقَ عَلَيْهِ سَلَامُ  
 ارَادَهُ سَفَرٍ يَكُونُ دَايِمًا مَا يَخُونُهُ اَللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاحْسِنْ كُنُوزَنَا وَاحْفَظْ عَافِيَتَنَا  
 وَدَر رَوَايَتِ دِيكَرِ مَقُولِ اسْتِ كَيْ جَوْنِ حَضَرْتِ رَسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ارَادَهُ سَفَرٍ  
 مِيسُودٍ مَا يَنْدَرُ مَا يَخُونُهُ دَر وَرَقْتِ يَكُونُ خَوَاسِمْ كَيْ مَتَوَجَّهْ شَوْهَدُ اَللَّهُمَّ بِكَ اَنْشَرْتُ  
 وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اَعْتَصَمْتُ اَنْتَ تَقِي وَرَجَائِي اَللَّهُمَّ اَكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي وَمَا  
 لَا اَهْتَمُّ لَهُ وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اَللَّهُمَّ وَدِدْنِي التَّقْوَى وَاعْفُ عَنِّي الْخَيْرَ  
 حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ وَدَر حَدِيثِ مَقْبَرِ اَزْ حَضَرْتِ اِمَامِ مُوسَى جَعْفَرِ عَلَيْهِمَا سَلَامُ مَقُولَتِ  
 كَيْ هَرَكَةُ ارَادَهُ سَفَرِي نَمَايِدِ وَدَر عَانَةِ خُودِ بَايَسْتِ رُو جَانِبِي كَيْ ارَادَهُ وَارَدَكَ مَتَوَجَّهْ شَوْهَدِ سُورَةِ  
 حَمْدِ اَزْ بِشِ رُو جَانِبِ رَسْتِ وَجَانِبِ چَپِ بَخَوَانْدِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ رَايِزِ اَزْ بِشِ رُو جَانِبِ  
 رَسْتِ وَازْ جَانِبِ چَپِ بَخَوَانْدِ بِسْمِ اَللَّهِمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَسَلِّطْنِي وَ  
 سَلِّطْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ حَقَّ عَلَيَّ احْفَظْ كُنْدَاوَرَا اَنْجَبَاو  
 اسْتِ وَبِلَا اسْتِ دَاوَرَاوَا اَنْجَبَاو اسْتِ وَسَيِّدِ بِنِ طَاوُسِ عَلِيَا الرَّحْمَةِ رَوَايَتِ كَرْدِ اسْتِ  
 كَيْ چُونِ بَرَزْ عَانَةِ بَايَسْتِ سَبِيحِ حَضَرْتِ فَاطِمَةِ عَلَيْهِمَا سَلَامُ بَخَوَانْدِ سُورَةِ حَمْدِ آيَةِ الْكُرْسِيِّ رَا  
 بَخَوِي كَيْ كَرْدِ اسْتِ بَخَوَانْدِ بِسْمِ اَللَّهِمَّ اِيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَقْتُ اَهْلِي وَمَالِي  
 وَمَا خَوْلَتْنِي قَدْ وَفَّقْتَ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ ارَادَكَ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ

حَفِظَهُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِيمَا عَيْتُ عَنْهُ وَلَا تُكَلِّفْنِي إِلَى نَفْسِي  
يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَيِّبْ لِي الْمُرَادَ وَسَجِّرْ لِي عِبَادَكَ  
وَيَلَدَكَ وَارْزُقْنِي زِيَادَةَ نَبِيِّكَ وَوَلِيكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تُخَيِّرْ بَيْنِي وَبَيْنَ  
أَهْلِ بَيْتِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُدَّنِي مِنْكَ بِالْعَوْنَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَلَا تُكَلِّفْنِي  
إِلَى نَفْسِي وَلَا إِلَى غَيْرِي فَكُلِّ وَأَعْطِبْ وَرَوِّدْنِي التَّقْوَى وَاعْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ  
الْأُولَى اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي وَجْهًا مِنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ مَا يَنْدَعِي رَايِزُ نَجْوَانِ بِنِيعِ اللَّهِ وَبِإِلَهِ  
وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَعْنْتُ بِاللَّهِ وَالْجَانُّ ظَهَرُوا إِلَى اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ  
مَرَّةً أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَوْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَّا  
أَنْتَ وَلَا يَصْرِفُ الشُّعُوبَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَاوَدَكَ وَجَلَّ شَأْنُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ  
عُظِّمَتْ الْأَوْكَ وَلَا تُخَيِّرْكَ بَرَسْتِكَ وَرَوَايَتِي وَارْشَدَهُ اسْتِ كَهْرِكُ صَبِيحِ زَخَانِهِ بِيرون  
قَيْدِ مَا يَنْدَعِي رَايِزُ نَجْوَانِ بِلَالِي بَاوَنْرَسْدِ شَامِ كَهْرِكُ نَجْمَانِ بَرَكُودِ وَهْرِكُ دَرِشَامِ نَجْوَانِ وَازْخَانِهِ بِيرون رَوْدِ بِلَالِي  
بَاوَنْرَسْدِ مَا صَبَحَ كَهْرِكُ نَجْمَانِ بَرَكُودِ وَرَوَايَتِي وَبَرَكُودِ وَارْشَدَهُ اسْتِ كَهْرِكُ صَبِيحِ زَخَانِهِ بِيرون  
بِسْفَرِي بَرَسْتِكَ مَا يَنْدَعِي رَايِزُ نَجْوَانِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا  
مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُكَ بِاللَّهِ اسْتَغْفِرُكَ وَبِحَجَلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ  
إِلَيْكَ أَلَا أَسْأَلُكَ فِي كُلِّ حَرْوَةٍ وَدَلِيلِي فِي كُلِّ صَعُوبَةٍ وَأَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَسْأَلُكَ  
وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا أَحَدُ رُفِي عَافِيَةٍ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ مَا يَنْدَعِي رَايِزُ نَجْوَانِ  
أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَجَلَّ وَبِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي  
سَفَرِنَا أَمْنًا وَإِيمَانًا وَسَلَامَةً وَسَلَامًا وَفِيهِمَا تَوْفِيقًا وَبَرَكَةً وَهُدًى وَشُكْرًا وَ  
عَافِيَةً وَمَغْفِرَةً وَعَزًّا مَا لَا تُفَادِرُ دُنْيَانَا وَآخِرَتَنَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
مَنْقُولُست كه چون کسی بسفر بیرون رود بگوید اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْحَامِلُ  
عَلَى الظُّمْرِ وَالْخَالِفَةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ پَس باید که ایندها را که از برائی خانه بیرون  
آیند و سوار شدن در فصلهایی سابق گذشت بخواند پس چون سوار شود بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
هَذَا أَمَّا لِلدَّسْلَامِ وَمَنْ عَلَيْهِمَا جَمَلٌ وَاللهُ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ

وَأَنَا إِلَى رَبِّكَ مُتَقَبِّلُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَامِلُ عَلَى الظُّهْرِ وَ  
الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا شَلِّغْ بِهِ إِلَى خَيْرٍ بِلَاغًا نَبْلُغْ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَغُفْرَانِكَ  
وَمَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ لَا ضَيْرَ لَاصِيرِكَ وَلَا خَيْرَ لَاصِيرِكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرِكَ فَصَلِّ عَلَى حَامِدٍ  
وَرَسَائِلِ آدَابِ بَرُونَ رَفِيقِ وَبِهَانِ سَيِّدِ كَبِيرِ كَيْفَ بَابِ بَاخُو دَهْرُونَ وَرَحِيتِ مَعْبُورِ حَضْرَتِ  
امير المومنين عليه السلام منقولست که حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرمود کہ ہر کہ  
بسفری رود و باخود برادر عصائی از چوب با دام تلخ و این آیات را بخواند حق تعالی او را این  
گرداند از ہر سبع درندہ و ہر دزدی و ہر صاحب زہری تا باہل خود برگردد و با او ہفتاد و ہفت  
ملک ہند کہ از برای او تضرع کنند تا برگردد و عصا را بگذارد و این است آیات و کلمات  
تَوَجَّهَ تَلَقَّاهُ مَدِينَ قَالَ عَسَىٰ رَاقِي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدِينَ  
وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَةً مِنَ النَّاسِ لَاسِقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذَانِ قَالَ مَا  
خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْفَقِي حَتَّىٰ يَصْلِيَ الرَّجُلُ عَلَيْنَا وَابْنُ شَيْخٍ كَبِيرٍ فَتَقَىٰ الْمَاءَ ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى  
الْبَيْتِ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَتُكَلِّمُ الْيَتَامَىٰ مِنْ خَيْرٍ فَفَتِيْرُ فَجَاءَتْهُ أَحَدُهُمَا تَمَثَّلْنِي عَلَىٰ اسْتِجَاءٍ قَالَتْ إِنَّ  
أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيكَ أَجْرًا فَاسْقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَكَ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَحْزَنُ  
فَجَوَّزَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتِ اخْدُهَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ  
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُؤْيِيكَ أَنْ تَكْلُمَ أَحَدًا مِنْ ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُوْنِي ثَمَّ إِنِّي  
سَجَّحَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا مِنْ عَمَلِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِذَا شَاءَ اللَّهُ مِنَ  
الصَّاحِبِينَ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ إِنَّمَا الْكَلِمُ قَصَصْتُ لَكَ لَعَلَّكَ تَعْلَمُ وَإِنْ عَلَىٰ وَاللَّهُ عَلَىٰ  
مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ وَرَوَايَتِ دیگر از آنحضرت منقولست کہ ہر کہ خواہد کہ زمین در زیر پای او  
پیچیدہ شود باخود عصائی درخت با دام تلخ برادر و در حدیث دیگر فرمود کہ حضرت آدم  
علیہ السلام مرض شد یک بہر سانیدہ و او را وحشتی عارض شد جبرئیل فرمود کہ چوبی از درخت  
با دام تلخ جدا کن و بسینہ خود بچسبان چنین کرد و حق تعالی وحشت را از او دفع کرد و بیان کہ  
از جملہ چیز ہای کہ باید در سفر باخود داشتہ باشد تسبیح تربت حضرت امام حسین علیہ السلام  
است چنانچہ منقولست کہ چون حضرت صادق علیہ السلام بعراق شریف آوردند و در آن

نزد آنحضرت گرد آمدند و پرسیدند که تربت ما را میسر کند که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر درد  
 است آیا باعث ایمنی از خوف و بیم میشود و بود که هرگاه کسی خوابد که او را از بیماری امان بخشد  
 تسبیحی از تربت آنحضرت گیرد و سه مرتبه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ مُنِّعًا بَيْنَ مَا بَيْنَكَ  
 وَجَوَارِكَ الْمُنِيعَ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُتَحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَائِبٍ مِنْ سَائِرٍ مَنْ  
 خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّالِحِ وَالنَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ حَوْفٍ بِلَيْاسٍ  
 مَا اخْتَرَ حَصِينَةً وَلَهُيْ وَلَا تَكُنْ اَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُتَحَجِّرًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ  
 لِي اِلَى اَذْيَاتِهِمْ يَجِدُ اِرْحَمِيْنِ الْاِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالنَّسْكَ بِجَلَالِهِمْ  
 جَمِيعًا مُوقِنًا اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَلَهُمْ اَوَالِي مِنْ وَالْوَاوِ اَعَادِي  
 مَنْ عَادَ وَاَوَالِي مِنْ جَانِبِ اَفَاعِيْلٍ فِي اَللّٰهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَنْتَ بِهِ عَظِيمٌ  
 حَجَرْتُ الْاَعَادِي عَنِّي بِكَ بَيْعَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ اَتَجْعَلُنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا اَوْ  
 مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا اَفَاغْشِيَانَاهُمْ فَهُمْ لَا يَبْصُرُوْنَ اَيْسَبِيحْ رَابِعُ وَبَرِ بِرُوحِشْمُ كَلْبُ  
 وَكَبُوْدُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التَّوْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ  
 جَلَدِهِ وَبِحَقِّ اَبِيهِ وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَبِحَقِّ اَخِيهِ وَبِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرَيْنِ اَجْعَلْهَا شِفَاءً  
 مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَّا مَنْ كُلِّ حَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اِذَا رُصِبَ حُشِنَ كَنْدَرُ اَمَانِ  
 خدا باشد تا شام و در روایت دیگر منقولست که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد و چون  
 از خانه بیرون آید چنین کند **حسره** باشد برای او از شر ایشان و در فصلی خواهیم گذشت  
 اکثری که مناسب است که در سفر یا خود داشته باشد و در حدیث معتبر از حضرت صادق  
 علیه السلام منقولست که ضامنم برای کسی که عمامه بر سر بسته از خانه بیرون آید آنکه سالم  
 بماند خود برگردد و در روایت معتبر دیگر از حضرت موسی علیه السلام منقولست که من ضامنم  
 برای کسی که از راه سفری داشته باشد و عمامه بر سر بدهد و سر عمامه را در زیر خنک  
 بپندد و آنکه او را زد و غصب شد و سوختن بر بخورد و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا  
 علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که روز شنبه  
 از خانه بیرون رود و عمامه بر سر داشته باشد که تحت آن خنک داشته باشد و اگر برود یا



لوی که آنرا از جا بکنند هر سینه بعمل آید و در هشت متفرع قول است که حضرت لقمان بپسر خود  
 گفت که ای پسر من چون بفر روی شمشیر و کمان و اسب و سوزده و عمامه و سنهالی که فرو  
 میشود و مشک آب و سوزن و خیاط با خود بردار و از دیوایا آنچه تو و اصحاب تو بآن محتاج  
 باشند بردار و در حدیث دیگر منقولست که چون حضرت رسول بفر فرستند شیشه روغن  
 و سرمد و ان و مرقاض و نپند و مسوک و دشانه و سوزن و دیربان و چیزیکه بآن کشتن اسپینه  
 کنند و تسه بای نعل را بر میداشتند و از جمله تعویذاتی که در سفر مناسب است تعویذی  
 است که مرویست که در سینه شمشیر حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم تعبیه  
 شده بود و آن این تعویذ است بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ اسْأَلُكَ  
 يَا مَالِكِ الْمُلُوكِ الْأَوَّلِ الْقَدِيمِ الْأَكْبَرِ الَّذِي لَا يُرْوَلُ وَلَا يَحُولُ أَنْتَ اللَّهُ الْخَاطِمُ  
 الْكَافِي كُلَّ شَيْءٍ الْحَيَّ بِكُلِّ شَيْءٍ اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ لِأَجْلِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ  
 الْقَدِيمِ الَّذِي لَهُ الْيَدُ الْأُولَىٰ وَالْيَدُ الْآخِرَةُ وَلَمْ يُؤْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَاجْعَلْ شَرَّ ذُرِّيَّتِي وَشَرَّ  
 الْأَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسُوءَ فِتْنَتِهِمْ وَبَلَاءِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ فَدَائِهِمْ حِطَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَنِّي شَرَّ  
 مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ يَحْجِزُكَ الَّذِي احْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يُنْظَرْ إِلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ مُنْقَذَةِ الْجَنِّ  
 وَالْأَنْفُسِ وَمِنْ شَرِّ سَلَاحِهِمْ وَمِنْ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يَخُوفُ وَيُجْدَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ  
 شَيْءٍ لَا يَبْلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ بِهِ أَعْلَمُ وَعَلَيْكَ أَقْدَرُ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ  
 عَلَى نَبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا عَزُودَهُ وَرِمَانِ عَمَامَتِهِ كَذَرْدِ أَقْبَلُ وَلَا تَخَفُ أَنْتَ مِنَ  
 الْأَمِينِ لَا تَخَفُ نَجْوَتِ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لَا تَخَفُ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ لَا تَخَافُ النَّفْسِ  
 مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ لَا تَخَافُ عَرَكَ وَلَا تَخْشَىٰ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَنَهُمْ مِنْ  
 خَوْفٍ فَسَيَكْفِيكَهُمْ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَإِنَّهُ خَيْرُ حَافِظٍ وَهُوَ أَرْحَمُ  
 الرَّاحِمِينَ أَنْخَلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلُوا عَلَيْهِمْ فَأَلْجَأُوا الْيَهُودَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا  
 إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ عَزُودَهُ كَبَرُهَا بِأَمْرِ سَوَارِي بِنْدَةِ اللَّهِ حَفِظْتَ عَلَىٰ مَا لَوْ حَفِظْتَ  
 غَيْرَ لَضَاعَ وَأَسْرُ عَلَىٰ مَا لَوْ سَرَّ لَا غَيْرَكَ لَشَاحَ وَأَحْلَ عَنِّي مَا لَوْ حَفِظْتَ غَيْرَكَ لَكَامَحَ  
 وَأَجْعَلَ عَلَىٰ لَوْلَا عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ بِهِ كُلٌّ مَنْ رَامَنِي بِسُوءٍ أَوْ لَصَبَ بِي مَكْرًا أَوْ هَبَانِي



تَكُونُ هَاجَتُ يَوْمَئِذٍ وَهْوَ غَيْرُ ظَافِرٍ لِي وَلَا قَادِرٍ عَلَيَّ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي كَمَا حَفِظْتَ  
بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلَ عَلَيَّ قَلْبِي بِذِيكَ الرَّسُولِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ إِنَّا نَحْنُ  
نُؤْتِيكَ الذِّكْرَ وَإِنَّكَ لَتَحْفَظُونَهُ وَأَنْتَ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْقُولُست که هر که سوره  
عجس را در کافه سفیدی بنویسد و بهر آنکه رود با خود نگاهدارد و در آن راه نیز از نیکی بزمین  
و از مفاسد آنرا محفوظ بماند فصل پنجم در آداب توشه برداشتن در سفر و آداب سفره که در آن  
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بسفر روی سفره با خود بردارید و طعاهای نفیس  
در آن سفر بگذارید و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که از شرف آدمی  
است که توشه خود را نیکو گرداند هر گاه بسفری رود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام  
زین العابدین علیه السلام چون بسفر حج یا عمره میرفتند از بهترین توشه ها بر می داشتند مانند  
نوز و شکر و قاصد و ترش و شیرین و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که آن دو میا  
توشه بخود بدار که باعث برکت میشود و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی  
علیه السلام نظر کردند بسفره که در آن حلقه ها از برنج بودند که این حلقه ها را بکنید و حلقه ها  
را من بگذارید تا جانوران داخل سفره نشوند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق علیه السلام  
از بعضی از اصحاب خود پرسیدند که بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السلام می روید گفت بلی  
فرمودند که سفره با خود بر می دارید گفت بلی فرمودند که اگر بزیارت قبر بران یا مادران خود بروید  
چنین نخواهید کرد گفت پس چه چیز بخوریم فرمود که نان با شیر یا است و در حدیث دیگر فرمود  
که شنبه ام که جمعی هستند که چون بزیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه میروند  
با خود سفره بر میدارند که در میان آن بزغال بریان و حلوا یا است و اگر بزیارت قبر دوستان  
خود بروند چنین نمی کنند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که بهترین  
خرج کردنها نزد خدا میانه رومی است و خدا اسراف را دشمن میدارد و اگر در راه حج یا عمره  
و در حدیث حسن منقول است که صفوان از حضرت صادق علیه السلام پرسید که من اهل خود را  
با خود بچم می برم سفری خود را و اگر خود به تنم حضرت فرمود که بلی پدرم میگفت که از قوت  
مسافر است که نفقه خود را احتیاط کند و در حدیث دیگر منقولست که دیگری با حضرت عرض

کرد که درمی که صورتها در آنها نقش کرده اند باخوردارم و آنها را در میان میکنم و بر کمری بندم  
در حالت احرام فرموده بانی نیست خرجی تست و اعتماد تو بعد از خوابرا تست فصل  
مشتم در رفیق با خود بردن و رفیق و آداب معاشرت ایشان در احادیث معتبر بسیار  
وارد شده است که شکی نه با سبفر و ملعون است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علیه السلام وصیت نمود که یا علی هرگز تنها  
بسفر موی که شیطان با یک کس است و از دو تا دور تر است یا علی شخصی که تنها بسفر رود  
گمراه است و دو کس که میروند و گمراه اند و سه کس که میروند مسافرانند و در روایت دیگر منقولست  
که شخصی بحضرت حضرت صادق علیه السلام آمد حضرت پرسیدند که در راه که صاحب تو بود  
گفت تنها بودم فرمود که اگر من بیشتر ترا میدیدم ترا نیکه تا دیب میکردم که چگونه باید بسفر رفت  
پس فرمود که یک کس شیطانیست و دو تا دشیطانند و سه نفر صاحبانند و چهار نفر رفیقانند  
و پنجم معتبر از حضرت موسی ابن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که تنها بسفر رود بگوید ماشاء الله لا حولی ولا  
قوة الا بالله اللهم انی وختی واکوئی علی وختی واکوئی و در حدیث معتبر از حضرت رسول  
صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که اقل رفیق همسران پس بسفر رود و فرمود که دو کس با هم  
رفیق میشوند گر آنکه محبوب ترین ایشان نزد خدا و آنکه شش شش است که در ارباب نقش  
شیر گند و در حدیث دیگر فرمود که بهترین رفیقان مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و پنج گروهی  
زیاد از هفت کس میشوند مگر آنکه صدای شان بسیار می باشد پس ازین احادیث معلوم شد  
که اقل رفیقان سه اند اکثر ایشان هفت و آنکه زیاده از هفت خوب نیست و رفیقان  
هم نوشته و هم سفیر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که شش است  
که رفیقان هم نوشته اول خرجهای خود را بدهد و در هر وی یکدیگر بگذرانند که این شیر باعث  
خوشنودی خاطر و نیکی اخلاق ایشان میشود از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست  
که مصاحبت کن در سفر هر یک که فضیلت ترا بخورند آن قدر که تو فضیلت او را بخور و بسیار  
و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مصاحبت و رفاقت کن با کسی که تو با او  
یابی و مصاحبت کن با کسی که او تو را نیت یا یعنی تو کسب علم و کمالات از او توانی

و در حدیث دیگر از شهاب منقولست که گفت بخیرت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که شما  
 میدانید حال تو نگری مرا و احسانی که بابرادران خود میکنی پس با جماعتی از ایشان فریاد می شنوم  
 و میگویند که در ایشان توسعه میکنی و بسیار خرج میکنی فرمود که ای شهاب چنین بکن اگر تو دوست  
 بخرج کردن بگشائی و ایشان هم بکشایند بایشان ضرر میرسد و بر ایشان می شود و اگر توسعه  
 ایشان نکنند باعث نذرت ایشانست پس رفاقت با جماعتی کن که مثل تو باشند و تو نگری و دانائی  
 و در روایت دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر مصاحبت یکنی با مثل و  
 مانند خود مصاحبت و رفاقت بکن و با کسی فریاد نشود که خرج ترکش که این موجب خواری  
 مؤمن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حق مسافر فریاد آنست که  
 چون بیار شود سه روز برائی او توقف کنند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام  
 محمد باقر علیه السلام پرسیدند که جماعتی بایکدیگر فریاد می شوند و در میان ایشان مالدار و  
 پریشان است آیا آن مالدار خرج آنها را میتواند کشید فرمود که اگر آنها لطیف خاطر را حقیشان  
 باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که شخصی  
 رفیق می شود با جماعتی مالدار و از آنها مالش کمتر است و آنها خرج خود را بر او می آورند و او  
 مثل آنها نمیتواند خرج کردن فرمود که من دوست نمیدارم که خود را دلیل کند با کسی فریاد  
 شود که مثل او باشد و احادیث معتبره منقولست که از آن نیست کسی که با مصاحبانش نیکو  
 مصاحبت نکند و با رفیقانش نیکو رفاقت نکند و با کسی که نمک خورد و حق نمک رعایت نکند فصل بیستم  
 در بیان سائر آداب فرمود حدیث منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که حضرت سلمان  
 خود را الضیعت فرمود که چون سفر کنی با گروهی مشوره با ایشان بسیار بکن در کارهای خود  
 و کارهای ایشان و بر روی ایشان قسم بسیار بکن و در نوشته خود صاحب کرم باش و میان  
 ایشان و چون ترا بضریافت بطلبند قبول کن و اگر از تو مد و طلبند یاری ایشان بکن  
 و به چیز بر ایشان غلبه کن بسیار بی خاموشی و بسیاری نماز و سجادت و جوانمردی در هر چه  
 با خود داری از چهار پا و مال و نوشته و اگر گواهی از تو طلبند یا بر حق خویش ترا گواه  
 بکنند اطاعت بکن و چون با تو مشوره کنند تا توانی سعی کن که رأی نیکو بر آن ایشان

خستیا رکنی وزه و عزم کن و رای خود را با ایشان مگو تا مایل کنی فرسگر کنی و جواب ایشان  
گو و مشوره ایشان تا آنکه در آن فکر کنی و خبر بگیر و نشینی و بخوابی و چیزی بخوری و نماز کنی  
و در آشنائی این احوال فکر خود و حکمت خود را در مشوره ایشان بکار فرمائی زیرا که هر که خیر  
خواهی خود را برائی کسیکه با او مشوره کند مالمس مگر داند حق تعالی را و عقل او را از مطلب  
می بیند و امانت را از دبر میدارد و هرگاه بینی که رفیقان تو پیاده میروند با ایشان پیاده برو  
و هرگاه بینی که کاری میکنند با ایشان بکن و اگر تصدیق کنی صدای قرضی دهند تو نیز با ایشان  
بده و بشنوخن کسیر که از بزرگ تر باشد و هرگاه رفیقان کاری به تو فرمایند یا چیزی از تو  
سوال کنند بگو بلی و نه مگو که ز گفتن موجب بد و ملامت است و چون راه را گم کنید و  
حیران بمانید سر و دانهید و اگر در راه مقصود شک کنید یا تسبیح و یا یکدگر مشوره کنید  
و مصلحت بینید و اگر یک کس را بینید خیر راه از او پرسید و مصلحت از او بینید که یک  
شخص در میان این کسها اشک می اندازد که شاید جاسوس وزدان باشد یا شیطان باشد  
که خواهد شمارا حیران کند از دو شخص نیز حدیث کنید مگر آنکه چیزی چند از علامتها و تسبیحا  
بینید که من نمی بینم زیرا که عاقل میداند خود که نظر میکند بسوی چیزی آنچه حق است  
از آن می شناسد و حاضر چیزی چند می بیند که غائب نمی بیند ای سرزند چون وقت  
نماز در آید از برای امری او را تاخیر پسند از نماز را بجا آورد و دست بلباب که نماز فرضی است  
هر چند بشیر او را بیکسری بکسبار میشود و نماز را با جماعت بکن هر چند بر سر تیره باشی و بر سر  
چهار پا خواب کن که زود باعث زخم پشت آن می شود و این از کردار دالایان نیست مگر  
آنکه در میان مجاهده باشی که ممکن باشد که بخوابی بر آن سستی مفاصل و چون نزدیک شو  
بمنزل از چهار پائی خود سه و دانی که آن چهار پایا و رست ابتدا کن بجلوف دادن آن پیش  
از آنکه خود چیزی بخوری و چون خواهی که فرو آید رخت بپوش و از بقیه هائی زمین  
مکانی را که خوشترنگ تر و خالش نرم تر و پر گیاه تر باشد و چون سه و دانی پیش از آنکه بنشینی  
دو رکعت نماز بکن و چون خواهی بقضای حاجت بروی بسیار دور برو پس چون خوابی که  
بار کنی دو رکعت نماز بکن پس آن زمین را وداع کن و سلام بر آن زمین و اهل آن زمین کن که

هر بقعه از زمین را اهل چندان ملائکه است و اگر توانی مخور هیچ طعامی را مگر آنکه قدری از آن  
تصدق کنی و بر تو باخواندن تسبیح آن مادم که سوار باشی و بر تو بادشویه و یاد خدا کردن تا مشغول  
کاری باشی و بر تو بادید عا کردن در قتی که نهاده و پیکار باشی و زنجار که در اول شب راه مرد  
بلکه در اول شب سه و آبی و در نصف آخر شب راه روزنه را که در راه رفتن صدایند مکن  
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که مروت و مروی در حضر خواندن  
قرآن است و منشی با علما کردن و تفکر در فقه و علوم کردن و محافظت بر نمازهای جماعت  
کردن و امامت سفر پس توشه خود را صرف کردن و مخالفت رفیقان نکردن و خدا را در  
هر بندی و پستی و دامن و ایستادن نشستن بسیار یاد کردن است و در روایت دیگر  
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که مروت سفر توشه بسیار برداشتن است و پاکیزه  
گردانیدن توشه است و عطا کردن آن بجایی که رسیق تواند و آنکه بعد از مفارقت از رفیقان  
رازمای ایشان که بر آنها مطلع شده به پوشانی و مزاج و خوش طبعی بسیار بکنی در چیزی که  
خدا بر خشم نیاد و در حدیث دیگر فرمود که از مروت نیست که ثقل کند آدمی چیزی چند را  
که در سفر دیده است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که توشه مسافر  
حدی خواندن است و خواندن شعری چند که در آن سلامی و باطلی نباشد و از حضرت صادق  
علیه السلام منقولست که چون با جماعتی منشی شوی بگو اینچا فردا نمید یا اینچا فردا میاید  
که در میان ایشان کسی هست که این کار را نکند اگر تو ایشان بگذاری و در احادیث معتبره  
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که اعانت کند مومن مسافری  
حق تعالی از او هفتاد و سه شدت از شدتهائی دنیا را بر دارد و او را امان دهد از غم و اندوه و  
هفتاد شدت و غم در آخرت از بر دارد و در قتی که از شدت احوال قیامت نفسهای مردم  
گرفته باشد فصل هشتم در آداب راه رفتن و دامن در احادیث معتبره از حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که چون از پیاده رفتن مانده شویدی استعانت  
جوئیدی به سدر رفتن که مانگی را بطرف میکنی و حدیث معتبره که فرمود که اگر محکم بینیدی و بر روی شکم بینیدی  
تا آنکه پیاده رفتن بر شما آسمان شود و در حدیث معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست

ثم در طرف با مداد و پنبین راه روید و در روایت معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 منقولست که بر شما باد به راه رفتن در شب که زمین در شب پیچیده می شود و از حضرت صادق  
 علیه السلام منقولست که زمین در شب پیچیده می شود و گفته بود که چون حضرت امیر المومنین  
 صلوات الله علیه و آله سفر میکردند و آخر شب حرکت میکردند و از حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله وسلم منقولست که چون در شب بود آید بر سر راه فرو می آید و در شکم رو و خانه ها  
 فرو می آید که محل و زندگان و بار است و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول  
 است که در میان رو و خانه فرو می آید که مبادی سیلاب بیاید و بشما خبر برساند و در حدیث  
 معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که تحقیق ای بار اگر در آن راه دوست  
 میدارد و یاری میکند بر آن پس چون بر حیوانات لاغر سوار بشوید و در منزلت بیاورید و آید پس اگر  
 زمین خشک باشد و گیاه نداشت باشد تند بر دید و اگر گیاه باشد منزل منزل فرو آید و از حضرت  
 امام محمد باقر علیه السلام منقولست که اگر در زمین خشک بی گیاه سفر کنید تند بر دید و اگر در زمین  
 پر آب و حلف روی بستانی و در راه بروید از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست  
 که چون راه غلط کنید بجانب راست میل کنید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله  
 علیه و آله منقولست که هر که در سفر راه گم کند یا در راه یا در کوه یا در جنگل بدستگاه برآورد  
 نموسن شما از ایشان شخصی هست که صالح نام دارد و از برای خدا و محمد و ابابکر و دو چون  
 صدای شما را می شنود جواب بگوید و راه نمائی میکند و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر  
 علیه السلام منقولست که چون راه گم کنی فریاد کن یا صالح یا صالح امرشید و قال فی الخبر  
 من حکم الله راوی حدیث گفت که مادر سفری راه گم کرد و پیغمبر شخصی رسیدیم که از مادر شده  
 فریاد کرد و این بخو که مذکور شد پس برگشت و گفت که صدائی آهسته شنیدم که گفت راه  
 از جانب رست است اندک مسافتی که فرستیم راه را یافتیم و از عمر بن یزید که از ثقات  
 اصحاب ائمه است روایت کرده اند که گفت مادر یک سالگر سفر که غلطه راه گم کرد و پیغمبر رسید  
 ما دیدیم و راه را طلبیدیم تا یافتیم پس چون روز سوم شد آئی که برشته بودیم آخر شب پس جامه های  
 احرام پوشیدیم بعنوان کفن وחנו و کردیم در آن حال شخصی از رفیقان ما برخواست و فریاد



گوید که یا صالح یا ابا الحسن پس کسی از دو جواب گفت پرسیدم که کیستی خود ترا رحم کند گفت  
 من از ان گروهم از جن که بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند و من که  
 بغیر از من از آنها نمانده است و کار من این است که گم شده را بر راه حیرت نام ما هم جا ز پی صدقه  
 فرستیم تا بر راه رسیدیم فصل نهم در بیان دعا با که در راه و در منازل باید خواند و در حدیث صحیح  
 از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 و سلم در سفر با شریب میرفتند سبحان الله می گفتند و چون سه یا لا اله الا الله می گفتند که  
 می گفتند و در حدیث صحیح دیگر فرمود که چون در سفر باشی بگو اللهم اجعل مسیری  
 عبدا و صفتی تفکرا و کلامی ذکر او در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 و سلم منقولست که هر که بر دو خانه پائین برود پس بگوید لا اله الا الله و الله اکبر کند  
 آن دو خانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لا اله الا الله و الله اکبر  
 بگوید در بلندیا آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین همه لا اله الا الله و الله اکبر  
 بگویند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که دو کس آمدند خدمت حضرت رسول صلی الله علیه  
 و آله و سلم گفتند ما میخواهیم برای تجارت بشام برویم که تو تعلیم ده ما که در راه بخوانیم  
 فرمود که چون در منزل فرود آید و نماز خفتن بکند بعد از نماز پهلور ابر رخت خواب  
 بگذارد و تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند پس آیه الکرسی بخواند چون چنین  
 کند تا صبح محفوظ میماند چون ایشان روانه شدند جمعی از دزدان در عقب ایشان فرستند  
 چون فرود آمدند و نماز خفتن کردند خوابیدند و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و آیه الکرسی را  
 خواندند پس دزدان غلام خود را فرستادند که از ایشان خبر بگیرد چون نزد ایشان آمد و دیوار را  
 و از ایشان اثری نیافت چون دزدان خبر داد ایشان نیز آمدند و همین حال را مشاهده کردند  
 چون صبح شد نزد ایشان آمدند و پرسیدند که شما دی شب کجا بودید گفتند در همین موضع  
 گفتند آیدیم بفحص شما و بغیر از دو دیوار چیزی ندیدیم شما قصه خود را نقل کنید ایشان گفتند  
 که ما در وقت خوابیدن بتعلیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح حضرت فاطمه  
 علیها السلام و آیه الکرسی خواندیم دزدان گفتند که بروید که دزد می بر شما دست نخواهد

یافت و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در منزلی فرود آید که از درندگان ترسد یا عدا  
بخواند اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له که الملك و که الحکم و بید و الخیر  
و هو علی کل شیء قدير اللهم انی اعوذ بک من شر کل شیء چون این دعا بخواند ایمان گیرد  
از شر درندگان تا از ان منزل بار کند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول  
که کسی که خواهد که داخل شود بموضع که خوفی داشته باشد این آیت را بخواند مرتب ادخالتی  
مداخل صدق و آخری مخارج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا  
پس چون ببیند آن شخص یا آنچیزی را که از بیم دارد آیت الکرسی بخواند و در حدیث دیگر  
فرمود که هر گاه در سفر یا بیابانی باشی و از جنیان یا غیر ایشان ترسی دست رست خود را بر سر  
بگذار و بآواز بلند بگو افعیز دین الله یغفون و که اسلم من فی السموات و الارض  
طوعا و کرها و الیه ترجعون و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول صلی الله  
علیه و آله وسلم حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که یا علی چون در منزل فرود آئی بگو  
اللهم انزل لی منزلا مبارکا و انت خیر المزلین یا اکه نیکو منزل تر از منی شود و شر آن  
از تو دفع شود و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت  
امیر المومنین علیه السلام فرمود که چون اراده داخل شدن شهر یا دهی داشته باشی چون نظرت  
بر آن شد بگو اللهم انی استلک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم احفظنا من  
جناها و احذرنا من و باها و حبیبنا الی اهلها و حبیب صالحی اهلها الینا و در روایت دیگر  
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون بر شهر مشرف شوی و نظرت بر آن بیفتد  
بگو اللهم رب السموات السبع و ما اظلت و رب الارضین السبع و ما اقلت و رب  
الرباح و ما دمرت و رب الشیاطین و ما اضلت استلک ان تصلی علی محمد و آل محمد  
استلک من خیر هذا القرین و ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها و در حدیث  
دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شیاطین در میان محلهها و کجاوهها بد رمی آیند و  
شرتر از ارم میدهند پس از بدی دفع ایشان آیه الکرسی بخواند و از حضرت امام موسی علیه السلام  
منقول است که هر که در سفر باشد و از دزدان یا درندگان ترسد بریال پیش بنویسد

لا تخاف دبرك ولا تخشني يا خضر انما باذن الهى اذ بر طرف شود راوى گفت كه من بسبب حج رفتم  
و میان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافله را زدند و من میان ایشان بودم این آیه را بر یال سپ  
نوشتم پس بحق آن خداوندی كه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بر سالت فرستاده و  
حضرت امیر المومنین علیه السلام را بامت مشرف گردانیده است كه حق تعالی ایشان را  
از من كود گردانید و ضرری از ایشان بمن نرسید و در روایت دیگر مرویست كه چون حضرت  
رسول صلی الله علیه و آله وسلم بسفر می رفتند و شب می شد این دعای خواندند  
یا ارحم الراحمین و ربك الله و اعوذ بالله من شره و من شر ما فيك و سوء ما يدب  
عليك و اعوذ بالله من الشر و سوءه و من شر الحية و الحفر و من شر ساكن البلد  
و من والي و ما وكذا اللهم رب السموات السبع و ما اظللن و رب الارضين السبع  
و ما اقللن و رب الرياح و ما ذرين و رب الشياطين و ما اظللن اسئلك ان تصلي  
على محمد و آل محمد و اسئلك خير هذا الالكتر و خير هذا اليوم و خير هذا الشهر  
و خير هذا السنة و خير هذا البلد و اهله و خير هذا القرية و اهله و خير  
ما فيها و اعوذ بالله من شرها و شر ما فيها و من شر كل مائتة ربى الخد بناصيتها  
ان ربى على صراط مستقيم و سيد ابن طاووس عليه الرحمة روایت كرده است كه هر گاه  
تسبیحی را بلسان یا بی بالا رود بگوید الله اكبر و الله اكبر و الله اكبر و لا اله الا الله و الله  
اكبر و الحمد لله رب العالمين اللهم لك الشرف على كل شرف و در ادعیه نیز منقول است  
كه هر كه در راه اردوشمان و دروان ترساند عا بنحوه یا الخد انوا صي خلقهم و السابق بها  
الى قد مرتبه و المنقذ فيها خلد و خالقها و جاعل قصائدها غالباً اني مكين  
ليضعني و ليقتولك على من كادني احرقت فان حلت بيني و بينهم فذلك ما اخرج  
وان اسئلك اليهم غير و امالي نعمتك يا خير المنعمين لا تجعل احداً مغيراً لنعك  
التي انعمت بها علي سواك و لا تغيرها انت ربّي و قد ترى الذي نزل في فعله  
بيني و بين شرهم بحق ما به تستجيب الدعاء يا الله رب العالمين و از بزرگ  
دفع دشمنان از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است اين دعا بخواند اللهم اني

اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَجَلُ فِيْ هَذِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَقْتَصِرَ  
 فِيْ عِبَادِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَضَيَّعَ فِيْ سُلْطَانِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اُغْلِبَ وَلَا كُفْرِكَ  
 وَاَنْتَ صَافِقٌ عَلَيْهِ سَلَامٌ قَوْلُست که چون غولان بسیار خورند در راه اذان نماز گوید  
 و سید بن طاووس علیه الرحمہ روایت کرده است که چون در منزل فرود آید بگوید اَللّٰهُمَّ  
 اَنْزِلْنِيْ مِنْ لَّامُبَادٍ وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ پس دو رکعت نماز بگذارد و سوره حمد و سوره  
 که خواهد از سورهای کوچک پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنزِلْنِيْ خَيْرَ هَلِكٍ لَا الْبَقْعَةَ وَاَعِدْ نَامِثًا  
 شَرًّا هَا اَللّٰهُمَّ اَطْلِعْنَا مِنْ جَاهَا وَاَعِدْ نَامِثًا وَاَبَاها وَحَبِيْبًا صَالِحِيْ اَهْلِيْهَا اَللّٰهُمَّ اِنزِلْنِيْ  
 اَسْمَدًا اَنْ لَا اَلَا اَللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَاَتَشْمَدُ اَنْ تَحْتَمِلَ اَعْبُدَكَ وَرَسُولَكَ  
 وَاَنْ عَلِيًّا امِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَمَّةً اَتَوَلَّاهُمْ وَاَتَبَرَّجُ مِنْ اَعْدَائِهِمْ  
 اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ خَيْرَ هَلِكٍ لَا الْبَقْعَةَ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ  
 دُخُوْلِيْ هَذَا اَصْلَاحًا وَاَوْسَطُهَا اَحْسَنًا وَاٰخِرُهُ نَجَاحًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا فِيْ قُلُوْبِ  
 اَزْجَانِ وَاَنْ زَمِيْنَ تَرَى اَيْنِدَ طَائِفَانِ که از جمله دعاها سر است یا ذاری مَنْ فِيْ الْاَوْصِيَّ  
 كُلِّهَا اَعْلَمُ بِمَا يَكُوْنُ بِمَا يَكُوْنُ فَمَا ذَرَأَتْ لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى كُلِّ مَنْ دُوْنَكَ اِنِّيْ اَعُوْذُ  
 بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَمِنْ الضَّرْرِ فِيْ بَدَنِيْ مِنْ سَبْعٍ اَوْ هَامَةً وَاَوْعَارِضٍ مِنْ سَائِرِ  
 الدَّرَابِ يَا خَالِقَهَا بِفُطُوْنِهِ اَدْرَأَهَا عَنِّيْ وَاَحْجُهَا وَاَلَسُّطَهَا عَنِّيْ وَغَافِلِيْ مِنْ شَرِّهَا  
 وَبَايَسَهَا يَا اَللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ اَحْفَظْنِيْ بِحِفْظِكَ وَاجْعَلْنِيْ بِسَبْرِكَ الْوَلِيَّ فِيْ خَلْقِيْ يَا كَرِيْمُ  
 و شیخ طبرسی رحمه الله ذکر کرده است که چون خواهی بارگنی دو رکعت نماز بگذارد و از خدا  
 بطلب حفظ و حمایت آری را و آن موضع و اهل آن موضع را و دعای کن که هر موضع را اهل آن ملائکه  
 هست پس بگو اَلسَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِيْنَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِيْنَ  
 وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ فصل دهم در آداب سفید دریا و گذشتن از پلها و جسرها در حدیث  
 صحیح از حضرت امام محمد تقی و امام جعفر صادق صلوات الله علیهما منقولست که مکرده است  
 بر یا سوار شدن از برای تجارت و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که نیکو  
 طلب رود مکرده است کسیکه بر یا سوار شود برای تجارت و در حدیث صحیح از حضرت

امام محمد بن طاهر علیه السلام منقولست که سیکه بشتی سوار می شود برای تجارت دین خود را در  
 معرض تلف در آورده است و در اخبار معتبره وارد شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و  
 آله و سلم نهی فرمود از سوار شدن در یاد در وقت تلاطم و سبجان آن و در حدیث حسن از  
 حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که چون بشتی سوار شوی بگو **بِسْمِ اللَّهِ فَجَاهَا**  
**وَسِرِّهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ** و چون در بروج آید بر جانب چپ تکیه کن و دست راست  
 بسوی موج اشاره کن و بگو **قَرَّيْ بِعِزِّ اللَّهِ وَاسْكُنْ بِسَكِينَتِهِ اللَّهُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ**  
**قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** و در بعضی از روایات وارد شده است که در وقت اضطراب  
 و تلاطم دریا بگو **بِسْمِ اللَّهِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقَرِّبُوا قَارِ اللَّهِ وَاهْدَأْ أَبْذُنِ اللَّهِ**  
**وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ** را وی گفت که من مکرر بشتی سوار شدم و در وقت تلاطم  
 امواج دریا آنچه حضرت فرموده بودند خواندم پس در ساعت ساکن شد چنانچه گویا هرگز نبوده  
 است و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که هر که از غرق شدن  
 ترسد بگوید **بِسْمِ اللَّهِ تُجْرُهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ**  
**وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ**  
**بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ** و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که چون از غرق  
 شدن ترسد بگوید **اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَهُوَ سَيُّدُ الصَّالِحِينَ وَ مَا قَدَرُوا**  
**اللَّهَ** تا آخر کلام و در روایت دیگر منقول است که چون خواب بشتی سوار شود صد مرتبه **اللَّهُ أَكْبَرُ**  
 بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه بر طالم ان آل محمد لعنت کند  
 باین نحو که **اللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ** پس بگوید **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ**  
**عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى الصَّادِقِينَ مِنْ آلِهِ اللَّهُمَّ احْسِنْ مَسِيرَنَا وَعَظِّمْ أَجُورَنَا**  
**اللَّهُمَّ بِنَا أَنْتَ تَنْتَرْنَا وَآلَيْكَ تَوَجَّهْنَا وَبِكَ آمَنَّا وَبِعَبْدِكَ اعْتَصَمْنَا وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا**  
**اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْسَتْنَا وَرَجَاؤُنَا وَنَاحِرَتُنَا وَلاَ تَجْلِبُنَا مَا لَا تَحِبُّ اللَّهُمَّ بِكَ نَحْمِلُ وَبِكَ**  
**نَسِيرُ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاعْظِمْ عَافِيَتَنَا أَنْتَ الْغَلِيَّةُ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَأَنْتَ**  
**الْحَامِلُ فِي الْمَاءِ وَ عَلَى الظَّهِيرَةِ قَالَ أَرْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ فَجَّيْهَا وَمُرْسَاهَا**

اِنَّ رَبِّيْ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ وَمَا قَدَرُوْا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖمْ وَالْاَرْضُ جَمِيْعًا بَضْعَةُ يَوْمٍ الْقِيٰمَةِ  
 وَالتَّسْوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بَيْنَ يَدَيْهِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ  
 اِلَيْهِ الرِّجَالُ وَشَدَّتْ اِلَيْهِ الرِّجَالُ فَاَنْتَ سَيِّدُى اَكْرَمَ مَرْوَرٍ وَاَكْرَمَ مَقْصُوْدٍ قَدْ  
 جَعَلْتَ لِكُلِّ زَانِرٍ رَّكَاۡمَةً وَّكُلِّ وَاٰفِدٍ نُّحْفَةً فَاَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ نَحْفَتَكَ اَيَّامِى فِكَاكٍ  
 رَقَبَتِى مِنَ النَّارِ وَاَشْكُرُ سَعْيِى وَاَذْحَمُّ مَسِيْرِى مِنْ اَهْلِى بِغَيْرِ مَنْ مِثِّى عَلَيْكَ بَلْ  
 لَكَ الْمِنَّةُ عَلٰى اِذَا جَعَلْتَ لِى سَبِيْلًا اِلٰى نِزَاۡدِى وَلِلَّهِ وَعَزَّ مَتْنِى فَضْلُهُ وَحَفِظْتَنِى  
 فِى لَيْلِى وَنَهَارِى حَتّٰى بَلَغْتَنِى هٰذَا الْمَكَانَ وَقَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَاۡىِ وَاَمْلِكْ  
 فَلَا تُخَيِّبْ اَمْلِى وَاَجْعَلْ مَسِيْرِى هٰذَا الْفَاَنَةَ لِيْ نَوْبِى يَا اَذْحَمُّ الزَّاحِيْنَ  
 سید ابن طاووس رحمہ اللہ گفته است کہ اگر مطلبش از کشتی نشستن غیر از زیارت باشد  
 عبارات را تغییر نپذیرنجوی کہ مناسب مقصود او باشد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر  
 صادق علیہ السلام منقولست کہ بر بندى ہر جہزی دہلی شیطانى است چون آنجا برسد  
 بسم اللہ گوئید تا از شما دور شود و در حدیث دیگر منقول است کہ چون قدم خود را بر جہزی  
 یا بر پلی گذاری بگو **بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِذَا حُرِّعَنِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيْمُ** فصل یازدہم  
 در آداب مشایعت و استقبال مسافر و آداب برگشتن او در حدیث صحیح از حضرت صادق  
 علیہ السلام منقولست کہ چون حضرت رسول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم موسی را وداع میکردند  
 می فرمودند **مَحْمَدٌ اللّٰهُ وَزَوْدُكُمْ التَّقْوٰى وَجَهْلُكُمْ اِلٰى كُلِّ خَيْرٍ وَقَضٰى كُلِّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ**  
**كُلُّكُمْ بَيْنَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَمَرَدُّكُمْ سَالِمِينَ** یعنی خدا شما را رست کند و پرہیزگار را  
 توشہ شما گرداند و شما را بسوی هر چہ متوجہ گرداند و جمیع حاجات شما را بر آورد و دین و دنیا  
 شما را سالم دارد و شما را سلامت برگرداند بسوی جمعی کہ ایشان سلامت بہند و در حدیث  
 مقبر دیگر از حضرت امام محمد باقر علیہ السلام منقولست کہ چون حضرت رسول صلی اللہ علیہ  
 وآلہ وسلم مسافر را وداع میکردند دست بہت او را میگرفتند و می فرمودند **اَتَقْسَمُ لَكَ**  
**لَكَ الْعُقَابَةُ وَ اَكْلُ لَكَ الْحَوْنَةُ وَ سَهْلُ لَكَ الْحَرَوْنَةُ وَ قَرَبَ لَكَ الْبَعْدُ وَ كَلَامَكَ**  
**اَللّٰهُمَّ وَحَفَظَ لَكَ دِيْنَكَ وَ اَمَانَتَكَ وَ حَوَاتِيْمَ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ**



[illegible]

که هر وقت تخمیاست و یک شقال نقره باشد و آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم  
 منقولست که سواری بکنید و تیر اندازی کردن را دوست تر میدانم از سواری کردن و سوار  
 که هر لحه و بازی که نموس کند باطل است مگر در سه چیز تا دیب و تعلیم سپ کردن و تیر انداختن  
 و بازی خود بازی کردن که اینها حق است و بدستیکه یک تیر که در راه خدا بیندازد و حقیقتاً  
 کس نامی آمرزد آن سیکه آن تیر را ساخته است و آن سیکه آن تیر را بجا کند بخشیده  
 است و آن کسی که آن تیر را بر جهاد انداخته است و در حدیث معتبر منقول است که ملائکه میگیرند  
 در هنگام گرو بندی و لعنت می کنند کسی را که این کار میکند مگر در شتر و فیل و دوانی  
 یا اسب و استر و الاغ و دوانی و تیر اندازی یا شمشیر و نیزه بازی و بدانکه گرو دوانیدن در اسب  
 و استر و الاغ و شتر و فیل جائز است و گرو بستن بر کبوتر پرانی که کدام یک دوتر بر برونند  
 یا پرستی را ندن که دو کشتی را بر روی آب بدوانند یا آنکه دو کس گرو بدهند که بدزدند که کدام  
 یک شتر برونند یا در کشتی گرفتن که کدام یک دیگری را بر زمین بزنند یا در برداشتن  
 چیزهای گران جائز نیست اما بی آنکه گرو بدهند خلاف است و جائز بودن اینها قوی است  
 خصوصاً در کشتی گرفتن که بعضی از احادیث دلالت بر جواز میکند چنانچه در حدیث معتبر منقول  
 است که شبی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بخانه حضرت فاطمه علیها السلام آمدند و  
 حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما با آن حضرت بودند پس حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله وسلم با آن دو نور دیده خود فرمودند که برخیزید و با یک دیگر کشتی بگیرید پس  
 ایشان مشغول کشتی گرفتن شدند و حضرت فاطمه علیها السلام بی کار می بیرون رفتند  
 چون برتند شنیدند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید که ای حسن بگیر حسین  
 و بر زمین انداز حضرت فاطمه علیها السلام فرمود که ای پدر چه عجب است که هرگز ترا غیب  
 می رسانی که کوچک را بر زمین می گند حضرت فرمود که ای دختر اینک جبرئیل میگوید که  
 حسین را بر زمین انداز من در برابر او چنین میگویم و در قه الرضا منقول است که  
 زمار چوگان بازی کن که در آن حال شیطان با تو می بازی و در فرشتگان از تو نفرت  
 میکند و اگر کسی را در آن حال چارپاش بر سر آید او بمیرد و بهنم میرود و بدانکه در گرو بستن

مطلقاً شرط است که آنهایی را که قرار می‌کنند برای کسی که می‌کنند که پیشی گیرد پس اگر  
از برای آنکسی که می‌کنند که پس مانده است جائز نیست و هم چنین اگر از برای کسی که می‌کنند  
که با ایشان در عمل شریک نباشد جائز نیست چنانچه متعارف است که دو کس با یک دیگر  
گرومی بندند و دو کس تیری اندازند یا اسپ می‌تازند و اگر امام از بیت المال مسلمانان  
قرار کند که هر که بیشتر برود یا بیشتر میزند این قدر میزدیم جائز است و هم چنین اگر کسی  
مالی بدر آورد و بگوید که این مال از کسی است که بیشتر برود ازین دو کس می‌تازند جائز  
است و هم چنین جائز است که آن دو کس اسپ می‌تازند هر یک با پدر آوردند و بگویند  
که این هر دو مال من است که بیشتر برود و مشروط است گردوانیدن موافق مشهور میان  
علماء بچند شرط اول آنکه تعیین کنند ابتدا و انتهائی مسافتی را که در آن می‌تازند که اسپ  
هر یک که درین مسافت پیشی گیرد او برده است و دوم آنکه مالی را که گرد بر آن مال می‌بندند  
مقدار و جنس آن معلوم باشد که چند است و از چه جنس است نقره است یا طلا یا غیر آن  
سوم آنکه حیوانی را که بر آن هر یک سوار می‌شوند معین کنند بدین و بعضی اعتقاد است  
که اگر تعیین آن باوصاف بکنند جائز است چهارم آنکه هر یک از آنها متحمل باشد  
بسبب حادث که برد دیگری پیشی گیرد پس اگر حیوان بسیار کم راه لاغری را بتازند با حیوان  
بسیار تند و فربهی که معلوم باشد حادث که بر آن پیشی نیست تواند گرفت جائز نیست پنجم  
آنکه دو حیوان که می‌تازند از یک جنس باشند که هر دو اسپ باشند یا ستر پس اگر اسپ را با  
استر یا لاغ یا شتر یا فیل بتازند جائز نیست که درین شرط خلاف است و نزد فقیر  
ثابت نیست ششم آنکه هر دو را یک مرتبه بتازند پس اگر شرط کنند که یکی زودتر از دیگر  
بتازد جائز نیست مشهور میان علماء هفتم آنکه سوار شوند و بدو اند اگر سپه‌باری  
آنکه سوار شوند و بدو اند جائز نیست بر این گروستن هشتم آنکه مسافتی تعیین کنند  
که پیش از رسیدن بکنتهائی آن مسافت آن چهار پایان مانده نشوند نهم آنکه آنها که باهم  
می‌تازند مردان باشند نه زنان و نهم آنکه هر دو در وقت مآختن بر یکدیگر دیگر پیاده  
باشند و درین شرط خلاف است و اظهر آنست که اگر یکی پیشتر از دیگری پیاده باشد

جائز است و ده اسپ را که با یک دیگر ترازند در میان عرب هر یک نامی دارد آن که از هفتم تیر  
روانرا محلی میگویند و آنکه از آن پس مانده است و بر دیگران پیشی گرفته است آنرا بمصلی  
میگویند و بعد از آنرا تا میگویند و بعد از آنرا رابع میگویند و بعد از آنرا مزاج میگویند و  
بعد از آنرا مطلق میگویند و بعد از آنرا عاقل میگویند و بعد از آنرا متول میگویند و بعد از آنرا  
لطیم میگویند و هم فاسک میگویند که از همه پس مانده است و از برای همه جائز است چیزی  
قرار دهند بغیر از آخر پس اگر این ده اسپ همه بیک بار با خرمیدان برسند از برای هیچیک  
چیزی نخواهد بود و بدانکه که بر تیر شیر و نیزه و تیر جائز است و در تیر انداختن چند چیز شرط است بحسب  
مشهور میان علما اقل آنکه تعیین کنند که چند تیر که بر تیر برده است دویم آنکه تعیین کنند که  
این چند تیر را در میان چند تیر بر تیر سوم آنکه تعیین کنند که بچه بخور و بنشان بیک از آنها که بعد از  
این بیان خواهم کرد چهارم آنکه تعیین کنند که از نشانه چه مقدار دور باشند پنجم آنکه تعیین کنند  
بزرگی نشانه را و موضع آنرا از الماحمانه ششم آنکه کمان هر دو تیر هر دو یکس باشد و دین  
شرط خلاف کرده اند و اقوی آنست که شرط نیست اما اتفاقی است که در کار نیست که کمان و تیر  
مغضبی اش شرط کنند بلکه بعضی گفته اند که اگر شرط تعیین کنند باطل است هفتم آنکه یا مبادره  
باشد یا محاطه و مبادره آنست که شرط کنند که هر که در عرض نیست تیر پنج تیر را مثلا بیشتر بر تیر  
برده است پس اگر هر یک ده تیر انداختند و یکی از ده مانع از د بر نشانه و دیگری چهار تیر از ده  
آنکه پنج زد برده است و اگر هر یک پنج تیر زدند هیچ یک از دیگری نبرده است و محاطه آنست که شرط  
کنند که در عرض نیست تیر مثلا آنچه زده اند از کم هم بر روند اگر یکی پنج تیر مثلا بیشتر از  
دیگری زده باشد او برده است پس اگر هر یک بیست تیر بسند از ند یکی پانزده تیر را بر نشانه  
زده باشد و یکی ده تیر را زده باشد آنکه پانزده زده است برده است و اگر یکی چهارده تیر را زده  
دیگری ده تیر هیچیک نبرده اند و احوط آنست که در اقل یکی ازین دو صورت تعیین کنند  
تا بی خلاف صحیح باشد و باید دانست که زدن نشانه بچند قسم میباشد اول جامع یعنی در اول  
بر زمین خور و از زمین بجهت بر نشانه خور و دوم حاضر یعنی بر یکی از دو جانب نشانه متصل  
باشد سوم حارق که نشانه را زخم کند و در آن سه دزد و چهارم خاسق که نشانه را سوراخ کند

و بنزد شود پنجم مارق که بر نشانه بخور و از طرف دیگر در رود ششم خاتم که پهلوی نشانه را  
بزند و در میان نشانه فسر و فرو دین باید که در اول شرط کنند که بکدام نحو که بزند بر دوش است  
و اگر شرط کنند که اگر بر پهلوی نشان بزند برده باشد و او بر میان نشانه بزند باز برده است و اگر شرط کنند  
که بر نشانه فرو رود و جهان بزند که از جانب دیگر بگذرده است و هم چنین هر که بپست تر شرط کند و نیکو تر بزند  
برده است و اگر نیکو تر شرط کند و پست تر بزند برده است و باید دانست که در تیر اندازان  
گرد و دانی محلل میباشد یعنی سیکه با ایشان شریک میشود که اگر بر دوشه بگیرد و اگر بازو  
چیزی ندارد و بهتر است که اگر هر دو مال بیرون آورند برای گرد بندی چنین سیرا با خود شریک  
کنند و احوط آنست که در اول سیخه بگویند که یکی از آنها این عقد را با این شرطها که  
مذکور شد بلفظ در آور و دیگری قبول کند و سنت آنست که در هنگام تیر انداختن و  
اسپ تا ضمن غنای ایشان محض این نباشد بلکه مطلب ایشان در روش چهار در راه خدا و تقوی  
وین و ایمان و حمایت شعیمان از شر مخالفان بوده باشد تا ثواب عظیم بیابند و در ریشه  
معتبر منقولست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم اصحاب خود فرموده  
که اسپ تاخته اند و آنچه بران گرو بسته اند از مال خود میدادند و در روایت دیگر منقولست  
که بر صد و پنجاه و چهار مثقال نقره گرو بستند و چون از جنگ تبوک برگشتند با اسامه  
بن زید شتر گرد و دانیدند و جناب مقدس نبوی صلوات الله علیه و آله و سلم از لعب بازی  
ستیزه و مسره بودند بلکه از برای تقویت دین اسلام و تحریک مردم بر جهاد فی سبیل الله بود  
ناکافران بر مسلمانان و مخالفان بر شعیمان ستعی نشوند و جان و مال و عس و عس مردم از شر  
اش را محفوظ باشد و جهادی که در زمان غیبت امام علیه السلام میباشد آن است که دفع  
ضرر کافران و مخالفان بر شعیمان بکنند و اگر جمعی از مخالفان با کافران بر سر گروسته  
شعیمان بیایند بر آنجماعت واجب است که جهاد بکنند و دفع آنها و اگر گشته شوند  
شهادت کنند اگر آنها حاضر باشند بر جمیع مومنان واجب است که مدد ایشان بکنند و در دفع  
آن کافران بکوشند و در احادیث معتبره وارد شده است که سیکه برای دفع از عرض خود  
یا مال خود گشته شود شهادت و در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله

منقول است که تمام خیرات در شیر و زیر سایه شمشیر است و شمشیر اهل حق کلید بهشت است و شمشیر  
اهل باطل کلید جهنم است و در حدیث مقبر دیگر از آنحضرت منقول است که بهشت را درمی هست  
که آنرا درگاه جاهلندگان میگویند آنها که در راه خدا جهاد کرده اند بسوی آن در میروند و می بینند  
که برای ایشان گشوده اند ملائکه ایشان را می جانمیگویند و فرمود که حق تعالی آنست مرا عزیز گردانیده است  
بسم اسپان ایشان و سنان نیزه های ایشان و فرمود که جبرئیل مرا خبر داد که هر که اندامت تو  
در راه خدا جهاد کند و یک قطره بارانی یا در سربا و برسد ثواب شهادت در نامه عملش نوشته  
شود و در حدیث مقبر منقول است که لشکر معاویه علیه لعنة والعذاب الشدید در زمان حضرت  
امیر المومنین صلوات الله علیه و آله بر ارباب که محلی است در حوالی کوفه غارت کردند آنحضرت  
خطبه خواندند که بعضی از فقرات خطبه ترجمه می شود بدینستیکه جهاد کردن از برای خدا واریت  
از درهائی بهشت که حق تعالی برای مخصوصان و دوستانش گشوده است و نعمتی است که برای  
ایشان ذخیره گردانیده است و جهاد زره حفظ نمایند خدا و سپهر محکم الهی است پس هر که ترک  
گند جهاد را با قدرت بران حق تعالی بروجامه مذلت و خواری بپوشاند و بلا او فرستد اگر و د  
نخستنودی از او دوری کند و در دید ما حقیر و بنیقدار شود و در راه اندیشه بر او پیش نشود و مغلوب  
حق گردد و با ابدان صاف و عدالت سلوک کنند بدینستیکه من شمارا مکرر خوانده ام جهاد را  
گروه و شرب و روز آشکار و پنهان و گفتم که با ایشان جهاد کنید پیش از آنکه ایشان جنگ شما  
آیند تسبیل نکرده اید و الله که گروهی که در میان دیار و مملکت ایشان با ایشان جنگ کنید  
استه ایشان ذلیل و خوار و بیقدامی شوند در نظر پاسبانی و در دید و یک دیگر حواله کردید  
تا آنکه غارتها بر شما آورند و وطنهای شمارا مالک شدند اینک سردار معویه لشکرش را انبار کرده  
و حسان رسته و حرهای لشکری شمارا گرفتند و شنیده ام که شخصی از ایشان بنام زن مسلمانی  
یا کافری که حبس نمیدهدی آمد و دست برنج و خلخال در زاین او را میکشده است و او چاره بجز  
تضرع و عجز کردن و آنا لله و آنا الیه و ارجعون گفتن نداشته است پس گشته اند آن طاعنان  
با مال و اسیران و بیچیک از ایشان جدا گشته و خونی از ایشان بر زمین ریخته است  
پس اگر مرد مسلمانی بعد از چنین مصیبتی بمیرد و از حزن و ماتمف محل ملامت نخواهد بود بلکه نزد من



پسندیده خواهد بود پس بسی تعجب دارم که دلها را میسیر اند و غمها را جمع میکنند از جمعیت آن  
 جماعت بر دین باطل خود و پرانندگی شما از دین حق خود پس بنحالی حال شما دانده هستیا از بر  
 شما که نشاء تیر و شمنان کرده اید بر شما خارت می آورند و شما بر ایشان خارت نمی برید و جنگ  
 شما می آیند و شما جنگا ایشان نمیروید و این قسم بیانی خدام می کنند و شما راضی نمی شوید اگر در  
 تابستان بیگویم جنگ بروید میگویند که صبر شدت گریاست ما را و مهلت ده تا اگر ما کم شود  
 و اگر در زمستان میگویم که بروید میگویند صبر شدت گریاست ما را و مهلت ده تا سر بابر طرف  
 شود هرگاه شما از سر میگیرید از شش شتر خواهید گریخت ای مردمان چه که مثل عقلمانی طفلان  
 و زنان دارید کاش شما هرگز ندیده بودم و شما نمی شناسختم دلم را پرازد چاک سینه ام را پر از شرم  
 گردید و بسکه فیهام کردید رانی مرا ضایع کردید قریش میگویند که پسر ابوطالب شجاع است  
 اما علم جنگ را نداند که از من و انا تر است جنگ و که از من بیشتر جنگ کرده است  
 پس نوزبیت سال پیشتم که شروع بجها و کردم و اکنون از شصت سال گذشته اما کسی را  
 که فرمان نبرد چه رانی بجار برود و در حدیث دیگر فرموده که حقتعالی جها را واجب ساخته و  
 عظیم شمرده و آنرا موجب نصرت و یاری گردانیده و الله که دین و دنیا با صلح نمی آید مگر بجها  
 و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که جها کند منخنده را با الهش رساند  
 چنان است که بنده آزاد کرده باشد و در ثواب جها و شریک باشد و در حدیث دیگر فرموده که  
 جها کند که باعث عزت و بزرگواری می باشد دندان شما می شود خاتم در بیان بعضی از آن  
 و اینست که فواید افعاله از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بسیار است که بعضی از شیعیان  
 او را فتاح بعضی از کارها را فراموش می کنند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم را پس حقتعالی ایشان را  
 امتحان نماید بیلائی بهت نبته شوند و بیا و آورند شکر الهی را و ثنائی او را حقتعالی بسبب  
 آن بلا محومی نماید از ایشان منقصت آن تقصیر را که از ایشان صادر شده است پس باید که  
 آدمی در ابتدای هر کاری فتاح نماید گفتن بسم الله و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام  
 منقولست که چون حقتعالی حضرت آدم را نهی فرمود از خوردن میوه درخت بهشت گفت  
 ایلی پروردگار و گفت ان شاء الله تعالی پس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون آمد پس

حق تعالی فرمود پیغمبرش را که **وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْكُمْ غُلًّا إِنَّا لَنَنصُرَ اللَّهَ**  
**وَأَذْكُرَ لَكُمْ تِلْكَ الْأَمْثِلَ إِذَا نَسِيتُمْ** پس فرمود یعنی مگو چیزی را که این را میکنم و در آنکه گفته شد نسبت الاهی  
 گردانی که بگوئی مگر آنکه خدا خواهد که بکنم و یاد کن پروردگار خود را هرگاه که فراموش کنی او را اینی هرگاه  
 که گفتن انشاء الله را فراموش کنی در هر وقت که بخاطرت بیاید بگو اگر چه بعد از یک سال باشد  
 و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که نه چیز است که  
 گردن آنها مورث غلبه فراموشی است خوردن شیب ترش کشنیز و پیژ و نیم خورده و نوش و بلبل  
 گردن در آب پیاده و خواندن نوشته قبر را و راه رفتن در میان دوزن و شش از نده افتادن  
 و حجامت کردن و گوشت گردن از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقول است که  
 سه چیز است که حافظه را زیاده میکند شواک کردن و دروزه داشتن و قرآن خواندن و در حقیقت  
 معتبر منقولست که روزی آنحضرت غلجین شدند فرمودند که نمیدانم بچه سبب غلجین شدنم بر حسب  
 ششم و میان کله گوشتان نگذاشتم و زیر جامه را پیاده نپوشیدم و دست در و را  
 براسن جامه پاک نکردم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ده چیز است که اندوه را  
 بر طرف میکند راه رفتن و سوار شدن و سرد آب خوردن و شب بیدار ماندن و خوردن  
 و آشامیدن و جماع کردن و شواک کردن و ششستن با خطمی و نظر بر دوزن و قبول کردن  
 و بامردان سخن گفتن و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه و آله منقولست که چنه چیز است  
 که باعث پریشانی می شود و چند چیز است که باعث تو آنگری می شود با آنها که باعث پریشانی  
 و فقر می شوند تا رعنکوت را در زمانه گذشتن و در حمام بجل کردن و در حالت خوابت چیزی  
 خوردن و با چوب گز غلال کردن و آب پیاده شانه کردن و خاکشیر را در خانه گذاشتن و ششم  
 و دروغ خوردن و زنا کردن و اهل با هر صحر کردن و خواب کردن و در میان نماز شام و خفتن و  
 خواب کردن بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب و دروغ بسیار گفتن و نماز خواندن گشایدن  
 و مزوی را که در شب سوال کند چیزی ندان و خشیج را زیاده از اندازه کردن و با خویشان  
 بدی کردن اما آنها که موجب تو آنگری و زیاده مال می شود نماز پیشین سپین را و نماز شام و  
 خفتن را با یک دیگر کردن و بعد از نماز صبح و بعد از نماز عصر تعقیب خواندن و با خویشان نگو

و احسان کردن و ساحت خانه را جاروب کردن و مال خود را با برادران مؤمن تقسیم کردن  
و با مادر و طلب روزگرفتن و استغفار بسیار کردن و جنابت در مال مردم نکردن و سخن حق  
و راست گفتن و آنچه مؤذن در اذان گوید از پی او گفتن و در بیت اخلاص گفتن و در ص  
و طلب دنیا داشتن و شکر کسی که نعمتی بر او نیکس داشته باشد کردن و از قسم دروغ چنان  
گرددن و پیش از طعام دست شستن و ریزه که در سفره ریزد خوردن و هر که هر روز سی مرتبه  
سبحان الله بگوید حق تعالی اینها انواع بلا را از او دور گرداند که کمتر آنها پریشانی باشد و در پیش  
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در معراج با طسبت صلوات الله علیه  
اجمعین یک مینی شجر بگوید حق تعالی برای او خانه در بهشت بنا کند و در حدیث دیگر فرمود  
که هر که در معراج با مینی از شجر بگوید مؤید بروح القدس گردد و در حدیث دیگر از حضرت امام  
رضا علیه السلام منقولست که هر مؤمنی که یک بیت شعر در معراج با اهل بیت بگوید حق تعالی  
برای او در بهشت شهر بنائند بزرگتر از هفت برابر دنیا و چون در شهر در آید هر ملک  
مقرب و هر خیمه مرسل بدین او بیایند و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله  
و سلم منقولست که شکم کسی که پراز چرک دریم باشد بهتر است از آنکه پراز شعر باشد و در حدیث  
معتبر منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرمود از چیزی خوردن در حال  
جنابت و فرمود که مورث پریشانی است و نهی فرمود از گرفتن اخن بدندان و از سوک  
گرددن در حمام و از آنبسی تا مداخلتن در مساجد و از خوردن نیم خورده مورث فرمود که مسجد را  
از راه گنبد که از دری در آید و از در دیگر بر روی مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارد و نهی کرد  
از آنکه بول کنند در زیر درخت میوه و در میان راه و نهی فرمود از آنکه برست چپ یا بر  
پهلوی که کرده چپ بخورند و نهی فرمود از گچ مالیدن تبرها و نماز کردن و قبرستان و  
فرمود که هر که در فضائی غسل کند با خبر باشد که عورتش کثوده نشود و نهی فرمود از آب  
خوردن از پیش بسته کوزه که در آنجا چرک جمع می شود و نهی فرمود از بول کردن در آب  
پستاده که باعث بر طرف شدن عقل می شود و نهی فرمود از آنکه کسی با یک پانفل  
راه رود و یا پستاده نعل بپوشد و نهی فرمود از آنکه کسی بول کند و فو جش معاذی آفتاب

یا اشتهاب باشد و نهی فرمود که چون داخل بیت الخلا شوید چنانکه پیش از شستن رو بقبله  
دشت بقبله و نهی فرمود از گریه بلند و فوج بلند کردن در مصیبت و نهی فرمود از رفتن زمان  
این بی حنازه و نهی فرمود از آنکه شوکتند چیزی از قرآن را با آب دهان یا آنکه چیزی از قرآن را  
با آب دهان بنویسند و نهی فرمود از خواب دروغ بستن و نهی فرمود که هر که چنین کند حقتاً  
اور تکلیف میکند که بر جوگره برزد و او تواند کرد باین سبب معذب باشد و نهی فرمود از سخن  
صورتها و فرمود که هر که صورتی بسازد حقتاً او را در قیامت تکلیف کند که جان در آن صورت  
ببرد و نتواند و نهی فرمود از آنکه حیوانی را با آتش بسوزانند و نهی فرمود از پوشش نام و آن خروس  
زیرا که از برای نماز عید میسکند و نهی فرمود از آنکه ثمنی خواهد که چیزی بفروشد و یا بخرد  
و دیگری بیاید و بگوید که من متاع بهتر از من از من بخرم یا من این متاع را بیشتر می خرم و نهی  
فرمود از بسیار سخن گفتن در وقت جماع و فرمود که اگر این می باشد لال بودن فرمود و فرمود  
که خاک روی را شب و در خانه بگذارد و روز بیرون برید که شیطان در آن جایسکند و نهی  
فرمود از آنکه در شب کسی بخوابد با دست آلوده بطعام پس اگر چنین کند و شیطان او را بدین  
گند طاعت نکند مگر خود را و نهی فرمود از آنکه کسی استنجاء کند پس در استخوان و نهی فرمود  
از آنکه زن بی رضیت شوهر از خانه بیرون رود پس اگر برود لعنت کنند او را ملائکه آسمانها  
و هر که برود گذرد از حیثیان و آدمیان تا بخانه برگردد و نهی فرمود از آنکه زن برای غیر شوهر  
خوردنیت کند پس اگر کند بر خدا لازم است که او را آتش بسوزانند و نهی فرمود از آنکه زن  
نزد غیر شوهر خود محسوساتش زیاده از پنج کلمه ضروری سخن بگوید و نهی فرمود از آنکه زنی  
در پہلوئی زن دیگر خوابد و جامه در میان ایشان حائل نباشد و نهی فرمود از آنکه زنی  
بازن دیگر نقل کند آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته باشد و نهی فرمود از آنکه کسی  
بازن خود رو بقبله جماع کند و نهی کرد از آنکه در میان راه با زن خود جماع کند پس اگر چنین کند  
خللا لک و همه مردان برود لعنت کنند و نهی فرمود از آنکه برود نزد جماعتی که خبر از آن نیده  
میگویند مانند بختان و کاهنسان و فرمالان و صوفیان کذاب هر که نزد ایشان رود و تصدیق  
کند پیش از این او بیزار شده است از چیزی بانی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم

نائل شده است و نهی نموده از بازی کردن نیز و شطرنج و طبل و تنبک و جود و خود  
 و نهی نموده از مصیبت کردن و گوش دادن بآن و از سخن چینی و گوش دادن بآن و فرمود  
 که من چنین داخل بهشت نمی شود و نهی نموده از رفتن بخیافت خاستان و نهی نموده از  
 قسم دروغ خوردن و فرمود که اهل خانه از خانه بیرون اندازد و فرمود که هر که قسم دروغ بخورد  
 برای آنکه مال مسلمانی را بهر خود بقیامت با او در غضب باشد مگر آنکه توبه کند و مال آن شخص را  
 پس بدو نهی فرمود از نشستن بر سر خوانی که در آن شراب خورند و نهی نموده از آنکه کسی زن  
 خود را بتحام فرستد یعنی در بلا که حتماً بیجا نباشد و نهی نموده از داخل شدن بتحام بی  
 لنگ و نهی نموده از طلب آنچه بر روزدن در وقت مصیبت و نهی نموده از سخن گفتن  
 که آدمی را از یاد خدا محفل گرداند و نهی نموده از آشامیدن در طرف طلا و نقره و نهی فرمود  
 از پوشیدن حریر و دیبا و نجینه مردان را از آن را باکی نیست و نهی فرمود از فروختن ضرار  
 درخت پیش از آنکه سرخ باز شود و نهی نموده از آنکه رطب را در درخت بخراب فرو کنند  
 و انگور را در درخت بویز و فرو کنند و نهی نموده از فروختن آلت نر و یا شتر مرغ و نهی فرمود  
 از خریدن و خوردن شراب و فرمود که حتماً الهی نیست کرده است شراب و آنرا که درخت انگور را  
 بقصد شراب بکار داند و آنکه انگور را برای شراب می فشارد و آنکه میخورد و آنکه ساقی می شود  
 و آنکه میفروشد و آنکه میخورد و آنکه قیتمش را میخورد و آنکه بر میدارد و آنکه از برای او می برند  
 و همه ملعونند و فرمود که هر که شراب بخورد یا چهل روز نمازش مقبول نیست و اگر ببرد و در  
 شکستن چیزی از شراب باشد بر خدا لازم است که بخوراند یا از آنچه از سح زنا کاران از  
 چرب و ریم برون آمده و سالها در گیهای جهنم چشیده است پس بخورد و بگدازد و خاشا  
 و اما و پوست ایشان را و نهی فرمود از خوردن سودا و شهادت ناحق دادن و از کشتن  
 کاه و سود و لعنت کرده است خدا گیرنده سود و دهننده سود و نویسنده سود و گواه سود  
 را و نهی فرمود از مصافحه کردن با کافران اهل زمره و نهی کرد از خواندن شعر و سجده و برای  
 گم شده قریا کردن در مسجد و نهی فرمود از آنکه در مسجد شمشیر بکشد و از آنکه چیزی بر روی  
 جانوران بپزند و نهی فرمود از آنکه کسی بعبادت مسلمانی نظر کند و فرمود که هر که دست بر عورت

نظر کنند مفتاد و نه از کمال او را انگشت کنند و نهی فرمود از آنکه دنی بورت زنی نظر کنند  
و نهی فرمود از آنکه بپزند در طعام یا در آب یا در موضع سجده و نهی فرمود از نماز کردن در قبرستان  
و در میان راه و در آسیا یا در درو خانه یا در جایانی که آنجا شتران را بندند و بر یکم خمیه  
مغظمه و نهی فرمود از شستن بکس غسل و از داغ کردن بر سر و چار پایان و نهی فرمود از  
آنکه کسی که بغیر از خدا تم بپزد و فرمود که هر که بغیر از خدا قسم بخورد از رحمت خدا بری شد صحت و نهی  
ندود از قسم خوردن بسوره قرآن و فرمود که هر که بسوره قرآن قسم بخورد که هر یک یک غاره بر دانه  
است و او را قسم خورده باشد خواهد بود و علمای حنبل و شیبان کرده اند و نهی فرمود از آنکه کسی قسم بخورد بیا  
تو یا بجان فلان و نهی فرمود از آنکه کسی جنب در سجده نشیند و نهی فرمود از برهنه شدن در  
شب و روز و نهی فرمود از هجامت کردن در روز چهارشنبه و روز جمعه و نهی فرمود  
از سخن گفتن در روز جمعه در هنگامی که پیش نماز خطبه خواند پس اگر چنین کند او را ثواب  
جمعه کامل نیست و نهی فرمود از انگشتی بر سب و آهن در انگشت کردن و نهی فرمود از آن  
که صورت حیوانی در نگین نقش کنند و نهی فرمود از نماز نافله کردن بخوابیدن آمدن و فرمود  
آفتاب در نزدیک زوال و نهی فرمود از روزه گرفتن در عید رمضان و عید قربان و سده  
بعد از عید قربان و دینی و یوم الشک بقصد ماه رمضان و نهی فرمود از آنکه بروش چار پایان  
و نهی فرمود از آنکه آب بپاشند و فرمود که با دستهای خود آبیاری و بپاشند که بهترین ظرفها  
شاست و نهی فرمود از آب دهان انداختن در چاهی که آب از آن بخورند و نهی فرمود از آنکه  
مزدورنی را کار فرمایند پیش از آنکه مزدش را قرار دهند و نهی فرمود از آنکه دو کس از یک گیر  
باززدگی دوری کنند و اگر از چار باشند زیاده از سه رو بکشند که هر که چنین کند آتش جهنم  
با و افلی است و نهی فرمود از آنکه طلار اطلال و فقره را بنقره بفرشند یا زنی بگلک میاید  
برابر یک دیگر بفرشند و نهی فرمود از حج کردن مردم در برابر ایشان و فرمود که خاک  
پاشید بر روی کسندگان و فرمود که هر که مزدیکر و دیگری را ظلم کند و با و دزد و حشاک  
ثواب اعمالش را ضبط کند و بپوشی بهشت را بر و حرام گرداند و فرمود که هر که قرآن را یاد گیرد  
و از روی بی اعتنا فراموش کند در قیامت دستبانش بگردانند و آتش باشد و حشاک



بهائیت نازی بر و سلطه گر و اندک گر آنکه خدا را پیا مرز و فرمود که هر که قرآن را یا می خواند پس بعد  
از این حد بخورد و یا نجات دنیا و دینیت دنیا را بر عمل کردن بقرآن خست بار کند مستوجب  
غضب الهی گردد و اگر توبه کند و اگر توبه بپیر و قرآن یا او خصی کند و هر که ناکند باز آن سزا  
باین ترسانی یا چه بود یا گبری خواه آزاد باشد آن زن خواه بنده و بی توبه بپیر و حق تعالی در قبر  
سیصد و از جهنم کشاید که از آنها بار و عقرب و اثر و با قبرش از جهنم و آیند و او در آتش شود  
یا روز قیامت پس چون از قبرش محو شود و مردم از گند او متاثری شوند و همه کس او را  
باین عمل قبیح شناسند که هم برود و فرمود که هر که دنیا را متوهمی نظر کند که بر امرست و او  
مطلع شود خدا او را محسوس گرداند با منافقانی که عیبها مسلمانان را تفحص میکردند و از دنیا برود  
نزد خدا آنکه خدا او را بر او کند گر آنکه توبه کند و فرمود که هر که راضی نباشد با آنچه خدا روزی او  
گردانیده است و شکایت کند و از برای خدا صبر بر تنگی روزی نکند هیچ حسد از او بالا  
نبرد و در قیامت خدا از او در خشم باشد گر آنکه توبه کند و فرمود که هر که ظلم کند بر زنی که مهر او را  
ندهد او نزد خدا ناکار است و حق تعالی در قیامت باو عتاب نماید که بکنشیز خود را بقدر تو  
آورد و بر مهری و پجانی و تو و فایده بیان من نکردی و بر کنیز من ختم کردی پس از حسد او  
او بگیرد و در عوض آن مهر بآن زن بپسند و اگر حسد آن تمام شود او را امر کند که به ختم بند  
و نهی نمود از پوشیدن گواهی و فرمود که هر کس گواهی نداد باشد و بیوشانه حق تعالی در قیامت  
در حضور غلامان گوشت بدن او را بخورد و بدو فرمود که پوست جبرئیل مراد صیت میکرد و در  
حق بهما لگان که من گمان کردم که میراثی برای او قرار خواهد داد و مراد صیت میکرد و در  
باب غلامان و کنیزان که من گمان کردم که حدی معتد خواهد کرد که چون آنقدر زدند می کشند  
آز او شوند و صیت میکرد و مراد صیت آنکه گمان کردم که وجب خواهد کرد و وصیت  
میکرد و مراد صیت آنکه گمان کردم که نیکان امت من در اصل در شب نخواهند خوابید و  
فرمود که هر که سبک شمار و مسلمان فقیری را پس حق تعالی را سبک شمارده است و حق تعالی  
اضاعه قیامت سبک شمار و اگر آنکه توبه کند و هر که مسلمان می پندارد اگر ای دارد در قیامت  
خدا از او خشنود باشد و هر که گناهی و خود خشنامی او را پیش آید و از ترس خدا ترسک نماید

حق تعالی جهنم برود حرام گرداند و او را از ترس بزرگ قیامت ایمن گرداند و دوزبشت که در  
قرآن آورده فرموده با وعطا فرماید و هر که در میان دنیا و آخرت مترد شود پس دنیا را  
بر آخرت اختیار کند در قیامت او رحمت نباشد که بسبب آن از جهنم نجات یابد و هر که آخرت  
را اختیار کند بر دنیا خدا از خوشنود گرداند و گناهایش را بپایام زدود هر که خستش را برگزاند از نظر  
گردن بسوئی یکم برود حرام باشد و بین او و حق تعالی دیده او را در قیامت از آتش برگزاند مگر  
آنکه توبه کند و هر که مصافحه کند با زنی که برود حرام باشد خدا از دشمنان گردود و هر که زنی را  
بحرام دبر گیرد و او را با شیطان در یک زنجیر آتش کشند و هر دو را جهنم اندازند و هر که  
فریب دهد سلمانی را در خرید و فروش از نایست و در قیامت بایهودان محسوس شود و فرمود  
که هر زنی که شوم خود را بر زبان آزار دهد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید تا او را از خود  
راضی گرداند هر چند روز یا بروزه باشد و شبها نماز است و بنده آزاد کند و مردمان را بر سپاهان  
سوار کرده بجهاد فرستد و هم چنین است حال مرد اگر بر زن خود قسم کند و هر که خشمی از  
کسی نخورد که تواند از انتقام بکشد حق تعالی با و ثواب شهید گریه فرماید و بهی  
فرمود از خیانت کردن در اموال مردم و فرمود که هر که خیانت کند امانتی را در دنیا و آتش  
پسند نامرگ او را در آید بر غیرت من موده باشد و حق تعالی در قیامت از او خشم  
باشد و هر که شهادت ناحق بر احدی از مردم بدهد حق تعالی او را بر زبانش در آویزد  
و در رک افل جهنم با منافقان و هر که مال خیانتی بخرد و نسته چنان است که خود خیانت  
کرده باشد و هر که حق برادر مؤمن را حبس کند حق تعالی برکت روزی را برود حرام گرداند  
مگر آنکه توبه کند و هر که گناهی را از کسی بشنود و آنرا فاش کند چنانست که خود کرده باشد  
و هر که برادر سلمانش با و محتاج شود در قرضی و قادر باشد و نه حق تعالی بوی بهشت را  
برود حرام گرداند و هر که صبر کند از برائی خدا بر کج خلقی زن خود حق تعالی ثواب بزرگ بدهد  
با و اگر است فرماید و هر زنی که سازگاری و مدارا با شوهر خود نکند و او را بدارد بر چه چاند  
که بر آن قادر نباشد حق تعالی هیچ حسنه او را قبول نفرماید و در قیامت از او خشم باشد  
و هر که گرامی دارد برادر سلمانش خود را چنانست که خدا را گرامی داشته است و بهی فرمود

از آنکه کسی پیش نمازی کرده باشد که ایشان با او راضی نباشند و هر که پیش نمازی کرده باشد بر حق  
ایشان کند در وقت مناسب حاضر شود و نماز را نیکو بجا آورد مثل ثواب آن کرده و شتاب باشد  
بی آنکه از ثواب آنها کم شود و هر که برود بنزد یکی از خویشان خود بدین ادب برای آنکه مالی از بر سر  
او ببرد و حق تعالی ثواب صد شهید او را کثرت فرماید و بهر گامی چهل هزار حسنه از برای او  
نوشته شود و چهل هزار گناه از او محو شود و چهل هزار درجه بر او بلند شود و چنان باشد که صد  
سال از عمر خدا عبادت کرده باشد و هر که از برای کوری حاجتی از حوائج دنیای او بر آورد  
و از برای او در آن حاجت راه ببرد تا آن حاجت برآورده شود و حق تعالی بیزاری از رزاق و بیزاری  
از دشمنان و عطا فرماید و هفتاد حاجت از حاجت های دنیا او را بر آورد و پیوسته در  
رحمت الهی باشد تا برگردد و هر که یک شب و یک روز بیاری باشد و عبادت کند گناهان خود شکایت  
کند حق تعالی او را با حضرت ابراهیم خلیل الله مبعوث گرداند تا آنکه بر صراط بگذرد و مانند برق  
لامع و هر که سعی نماید از برای بیاری در حاجتی خواه بر آورده شود و خواه نشود از گناهان بیرون  
آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود پیش شخصی از انصار عرض کرد که اگر آن بیمار از این  
خانه او باشد آیا تو ششستر هست فرمود که بل و فرمود که هر که از مؤمنی شدتی و غمی از غمها  
دنیا بردارد و حق تعالی هفتاد و دو غم از غمهای آخرت را از او بردارد و هفتاد و دو بلا از بلاهای  
دنیا را از او دفع کند که آسان تر آنها در شکم باشد و فرمود که هر که شخصی از حق طلبد و قادر  
بر ادای آن باشد و اخیر کند هر روز گناه تخاچی بر نوشته و هر که احسانی بر برادر مؤمن خود  
بکند و بروست گذارد حق تعالی عملش را ضبط کند و او را ثواب دهد و حق تعالی ایضا فرماید که  
که من بهشت را حرام کرده ام برشت نهند و بر خلیل و یحیی و عیسی که تصدق بکنند بوزن  
هر درمی برای او مثل کوه آمده باشد از نعیم بهشت و هر که تصدق را بر دو برکت محتاجی مثل ثواب  
آنکس شسته باشد که آن تصدق را داده است بی آنکه از ثواب او چیزی کم شود و هر که از ترس  
خدا آب از دید باغی او جاری شود هر قطره که از دیده او بیرون آید حق تعالی آن را قسری در بهشت  
با عطا فرماید که مرتین باشد بر او و سایر جواهر در آن قصر باشد آنچه چشم ندیده و گوش  
نشیده و بر خاطر نمی خورد و هر که بسوی مسجد برود برای نماز جماعت بهر گامی

که برادر و هفتاد هزار حسنه از برای او نوشته شود و هفتاد هزار درجه برای او بلند شود اگر این حال  
 مرگ او را برسد حق تعالی هفتاد هزار ملک با و موکل گرداند که در قبر او را عیادت کنند و مونس  
 او باشند در تحائی و از برای او طلب آمرزش کنند تا مبعوث شود و هر که اذان بگوید از برای او  
 حق تعالی با و ثواب چهل هزار شصت و چهار صد و چهل هزار صدیق گرامت فرماید و شفاعت  
 و چهل هزار گناهکار داخل بهشت شوند بدستیکه چون مؤمن مؤذن اشهد ان لا اله الا الله میگوید  
 برو هفتاد هزار ملک صلوات میفرستند و از برای او استغفار می کنند و در  
 قیامت در سایه عرش الهی باشد تا حق تعالی از حساب خلائق فارغ شود و ثواب تن او شصت  
 آنحضرت رسول الله ثواب چهل هزار ملک باشد و اگر در نماز جماعت محافظت نماید بر  
 اول و کبیر اول و آخر از مسلمانان کند حق تعالی مثل ثواب مؤمن در دنیا و آخرت او را گرامت  
 فرماید و هر که بیچ بدی حقیقت شمارید هر چند در نظر شما کوچک نماید بیچ کار یک بزرگ  
 شمارید هر چند در نظر شما بزرگ نماید بر ستمگر گناه کبیره و گناه صغیره میباشد با هر ملک چون  
 بر گناه صغیره اصرار کردی و توبه نکردی کبیره می شود و در حدیث دیگر منقولست که نهی نموده  
 از کشتن مارها که در خانه میباشند و نهی نموده از آنکه کسی گوشه یا بنجی جماعتی که نخواهند  
 که او سخن ایشان را بشنود اگر چنین کند در قیامت در گوشش سرب خواهند ریخت و نهی نموده  
 از خندیدن در قبرستانها و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسی که  
 نه حق تعالی در قیامت نظر رحمت بسوی ایشان نمی فرماید و اعمال ایشان را قبول نمیفرد  
 بعد از آنکه در خاک ایشانرا سوزد میگردد و آن مردی که دیوث باشد و کسی که فحش گوید و شهنود  
 و پروا کند و کسی که چیزی داشته باشد و از مردم سوال کند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست  
 که بهشت حرام است بر فحش گوینده کم حیائی که پروا کند از آنچه خود گوید و از آنچه با و گویند  
 چنین سیر اگر تفتیش کنی از حال او یا دلالت بر آنست یا شیطان در لفظ او شریک شده است  
 و در حدیث معتبر دیگر فرمود که بوی بهشت از پانصد سال می رسد و علقه پروا دارد و دیوث  
 آنرا نمی شنود پسینند که دیوث گیمت فرمود کسی که زشتی نکند و او داند و تعافل کند و در  
 حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که زانی که با یک دیگر مساحه می کنند

در قیامت ایشان را می آوزند و جامه های آتش مقبضها از تپش و زیر جامه ها از آتش برایشان  
میسپوشانند و عمووی از آتش در شکم ایشان می کشند و در جهنم می انداختند ایشان را اول کسی که  
عمل کرد قوم کو خا بودند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم منقولست که کافران بخدا  
عظیم ده کس از امت می کشند مردم بناحق و جاد و کفر و دیوث و کسی که در روز بزرگ بد علم جماع  
کند و کسی که با حیوانی جماع کند و کسی که بجهنم خود جماع کند مانند او خواهد و کسی که سعی در  
فتنه و فساد کند و کسی که حریبا بکشد آن فرد شد و کسی که زکوة مال خود بدهد و کسی که توانا  
رفتن حج و شته باشد و برود واجب بشود و از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست  
که هر که مست شود از شراب و بعد از آن تا چهل روز بمیرد و نزد خدا مانند بت پرست است و در حدیث  
دیگر منقولست که هر که در خانه او طنسبورا یا عود یا چیزی دیگر از آلههائی سازد و نزد و شرطی چهل روز  
جامه استوجب غضب الهی گردد و اگر درین چهل روز بمیرد و فاسق مرده باشد و جامی او جهنم  
باشد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقولست که کبوتر در خوانندگی که می کشند نفرین میکند  
بر آنها که ساز یا میزنند و کینه از آن خوانندگان نگاه میدارند و بی وعود میخوانند و در حدیث معتبر از  
حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که چهل روز در خانه او طنسبور بخواند و حق تعالی بر او تسلط  
میکرد و اند شیطان را که او را قند میگوید پس هیچ عضوی از اعضائی او نماند مگر آنکه آن شیطان  
بر آن نشیند پس چون چنین شود چنانچه او بر طرف شود و پروا نکند از آنچه گویشود و غیرت از او  
زایل شود تا آنکه اگر او را ندانند که باز نشیند نامی کشند غیرت نوزد و از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند  
از تفسیر این آیه که می فرماید فَاَجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ که ترجمه لغزش  
اینست که اجتناب کنید از نجس و بکله آن ته است و اجتناب کنید از گفتار باطل و فرموده  
آن تهها شرطی است و گفتار باطل غنا و خوانندگی است و نزد بدتر از شرطی است و اما شرطی  
پس نگاه بدترین آن کینه است و بازی کردن آن شرک است و یاد و دانش بکینه نیست اما گناه  
بسیوره ملاک کشنده است و سلام کردن بر کسی که بازی کند گناه است و کسی که دست در  
پای آن گدازد چنان است که دست در میان گوشت خوک گرداند و کسی که نظر کند  
به عوی آن چنانست که گویا نظر کرده است بر سرچ مادر خود پس در این حالت برود لازم است

و کسی که نرو بازی کند بقمار مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسی که با قمار و گردبندی  
 بازی کند چنانست که دست در میان گوشت و خون خوک گدازشته باشد و جائز نیست انگشتری  
 بازی و تخته که بر رویش گیمای چینه بازی می کنند اینها و امثال آن تمام قمار است سخته  
 بازی کردن اطفال بگردگان و زنها صبح مزین که شیطان باو میرود و ملائکه از تو بگریزند و از  
 حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که با پسری لواط کند حدش آنست که یا او را بکش  
 بسوزانند یا دیواری برش بکشند یا شمشیری باو بزنند که کشته شود و خواهر و مادر آن چهره را  
 می شووند و در روز قیامت او را بکلی بکشند و در کنار جهنم تا حقتعالی از حساب خلایق  
 فارغ شود پس او را در آتش اندازد پس در هر طبقه از طبقاتی جهنم او را عذاب کنند تا با آخر طبقات  
 جهنم برسد و لواط بدتر از زنا است زیرا که امتی را حقتعالی بزنای پاک نکرده و لواط شهری چند را  
 پاک کرد و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که لواط آنست که در غیر در بر پس  
 عمل کند اما اگر در بر و بر سر پس آن کفر است بخدا و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم  
 منقولست که هر که مصر باشد بر وطی بر پس آن نیردامیست ملا شود با آنکه مردم را تکلیف کند که  
 با او این عمل قبیح بکنند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حقتعالی میفرماید که بجز  
 و جلال فقوم میخورد که بر استبق و حریر نیست نشیند کسی که در بر او وطی کنند و در حدیث  
 موثق منقولست که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت مرا موغله بگو فرمود  
 اگر حقتعالی مشکفل روزی مردم شده است پس غنیمت خوردن تو برای چیست و اگر روزی از جانب  
 خدا قیامت شده است پس حرص از برای چیست و اگر حساب قیامت حق است پس جمع کردن  
 مال از برای چیست و اگر آنچه در راه خدا میدی خدا عوض میدد پس سخیل در زمین از برای چیست  
 و اگر عقوبت خدا جهنم است پس افرمانی خدا از برای چیست و اگر مرگ بر حق است پس شادی از  
 برای چیست و اگر همه چیز از خدا عوض شود پس کار از برای چیست و اگر همه کس بر صراط باید گشت  
 پس تعجب و خود ستایی از برای چیست پس آن بر همه چیز تعاضد و قدر الهی است پس اندوه برای چیست  
 و اگر دنیا فانی است پس دل دنیا بستن برای چیست و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم منقولست که عابدترین مردم کسی است که آنچه برود واجب گردیده است بجا آورد و نمی بیند



مردم کسی است که زکوة مال خود را بدو زاهدترین مردم کسی است که آنچه خدا حرام کرده است  
ترک نماید و همیشه گارترین مردم کسی است که در همه جا حق بگوید خواه برای او نفع باشد  
و خواه بر طبع او ضرر داشته باشد و عادل ترین مردم کسی است که برای مردم بپسندد آنچه برای  
خود بپسندد و زبردانی مردم نخواهد آنچه از برای خود نخواهد و بزرگترین مردم کسی است که یاد مرگ بیشتر کند  
و محسودترین مردم کسی است که بزرگ خاک فتنه باشد و از عتاب آفرین شده باشد و امید ثواب خدا داشته باشد  
و غافل ترین مردم کسی است که از گردیدنهای دنیا از حال محالی بپندگیرد و صاحب قدرترین مردم کسی است  
که دنیا را نزد او قدر نباشد و اناثرین مردم کسی است که علم مردم را با علم خود جمع کند و شجاع ترین مردم  
کسی است که بر خواهشهای نفس خود غالب باشد و گران ترین مردم کسی است که عملش فراوان باشد و کم هاین  
مردم کسی است که عملش کمتر باشد و کم لذت ترین مردم کسی است که رشاک بچشم مردم برود و کم راحت ترین مردم  
کسی است که بخیل است و بخیل ترین مردم کسی است که بخل در زود در چیزیکه خدا بر او واجب گردانیده است و اولای  
بخی مردم کسی است که عمل بحق بیشتر کند و سحرمت ترین مردم کسی است که خاسق است و بیوفاترین مردم پاشنا  
است و کم دست ترین مردم پادشاه است و فقیرترین مردم صاحب طمع است و بی نیازترین مردم  
کسی است که اسیر حرص نباشد و کسی ایمانش بیشتر است که خلقتش نیکوتر باشد و گرامی ترین مردم  
پرهیزگارترین ایشان است و کسی که قدرش عظیم است که چیزهایی که با او فائده نداشته باشد  
مستعرض نشود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و مناظره نکند هر چند حق با او باشد  
و بیحروت ترین مردم کسی است که دروغ گو است و شقی ترین مردم پادشاهانند و دشمن ترین  
مردم نزد خدا و خلق تنگتر اند و کسی که در طاعت الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گنا بان  
گرفته باشد و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که  
ببینکان خلطه نماید و حافل ترین مردم کسی است که با مردم مدارا بیشتر کند و سزاوارترین مردم تهمت  
کسی است که با اهل تهمت بهیچینی کند و طاعنی ترین مردم کسی است که کمند کسیر که تصدیق او  
نداشته باشد و بزرگسیر که او را نزد و سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بعفویت  
بیشتر داشته باشد و سزاوارترین گناه گاری کسی است که در حضور مردم سفاکت کند و در  
غایبان غیبت کند و دلیل ترین مردم کسی است که مردم بخوار کند و در اندیش مردم کسی است

که مردم را خوار کند و دورانیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و شایسته ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین مردم کسی است که مردم از او مشتفع شوند؛

## خاتمة الطبع

لله الحمد والمِنَّة که درین زمان مینت اقتران وادان برکت وسعادت نشان بفضل ورفیق  
ایزد و نشان وخالق سبحان نقش بند کن فکان و تائید حضرت سرور و سردار عالمیان و دیگر  
اوصیاء برحق و جانشینان مطلق آن فخر انبیاء و ستید مرسلان صلی الله علیه وآله و سلم کتاب  
مستطاب هدایت انتساب جامع محاسن اخلاق و محامد آداب که همه اش تنبیط و مستفاد از  
اخبار و احادیث ائمه طاهرين صلوات الله عليهم اجمعین و مستی و نام نهاده است جليلة المتقین  
تصنیف عالم ربانی محدث حدیم الظیر و فقیه لائمی حضرت خاتم المتحذین امام المتأملین جناب اخوند  
ملا محمد باقر بن ملا محمد تقی البجلي الاصفهانی طاب الله ثراهما و جعل الجنة مثواهما و در مطبع  
فیض منبج معروف و مشهور نزدیک و دور مطبع جناب منشئ قول کشور لازال بالفرح و السرور  
در اوایل ماه ذی الحجة سنة الهجری نبوی مطابق ماه اکتوبر ۱۱۴۲ عیسوی زیورخت تمام حلیه  
انتطالع پوشیده حامل گلوی مؤمنان و تعویذ بازوی متقیان گردید فله الحمد علی ذلک تعالی شانه  
و تبارک





# غلطنامه علیہ التیقین

صفحہ	سطر	غلط	صحیح	صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۶	۵	اِہر	اِظہر	۲۳	۱۷	خودا	خود را
۷	۱۸	در ردو بہ	وارد و بہ	۲۶	۱۸	خوردہ	خورندہ
۹	۲۳	برس	بروش	۲۷	۷	مجرئت	مجرئت
۱۰	۳	درا	دوا	۵	۲۲	لحمہ	ولحمہ
۱۶	۳	وَلَا تَزِجْ	وَلَا تَزِجْ	۵۱	۲	اَمَان	اَمَا اَنْ
۱۵	۱۰	جذب	جذت	"	۱۳	عَلٰی بَیِّنَاتٍ	عَلٰی بَیِّنَاتٍ وَ عَلَیْہِ
۲۱	۱۱	لَا تَذَرْنِیْ	لَا تَذَرْنِیْ	"	"	السلام	السلام
"	۱۶	ہر گاہ	سیر گاہ	"	۱۸	ابدش	از بدش
۲۲	۱۱	خَزِیْ وَ شَقِیْ	خَزِیْ وَ شَقِیْ	۵۶	۶	باب نیان	باب نیان
"	۱۶	اللہ	اللہ	۵۸	۳	از حضرت	حضرت
"	۲۱	الْمَلِکُ	الْمَلِکُ	۵۹	۲	باہیش	باہیش
۲۹	۸	گوہر	گوید	۹۵	۷	واگر بعد از ظہر	واگر بعد از ظہر میرد
"	۱۸	رَحْمَیْہُ	رَحْمَیْہُ	"	"	بیر حقیقہ ندارد	صقیقہ دارد
۳۰	۱	وَلِبَابَہُ	وَلِبَابَہُ	۹۸	۲	بکنید	بکنید
۵	۲۰	صَلٰی اللہ صلی	صَلٰی اللہ صلی	۱۰۸	۲۱	و حضرت	حضرت
"	"	لَا اللہ علیہ والہ	لَا اللہ علیہ والہ	۱۰۹	۱۱	مَرَّتَنِیْ بِالْبَقِیْ	مَرَّتَنِیْ بِالْبَقِیْ
۳۲	۱۰	حسن	حسن	۱۱۱	۲۲	امام موسیٰ ضا	امام موسیٰ
۳۷	۶	برای بہشت	برای بہشت	۱۱۲	۲۲	از و گرفتن	از گرفتن
۴۲	۱۹	می افزاید	می افزاید	۱۱۶	۶	رند آنها	دعا آنها

صفحہ	سطر	خط	صحیح	صفحہ	سطر	خط	صحیح
۱۳۶	۱۳	لہب	کہ شب	۱۹۳	۲۰	جراح	خراج
۱۳۷	۲۳۰	وودیت	وودیت	۱۹۵	۶	بخورد و شتا	بخورد و شتا
۱۳۸	۱۲	سحر	سحر	۱۹۶	۷	قَدْ قَدْ مَسَّ	قَدْ قَدْ مَسَّ
۱۳۹	۲	ساخت	ساعت	۱۱	۱۱	وَبَصْنَعِ	وَبَصْنَعِ
۱۴۰	۱۳	یسیر	پسیر	۲۰۰	۷	وَمِنْ شَرِّ	وَمِنْ شَرِّ
۱۴۱	۸	ایمنی داشته	ایمنی داشته	۲۰۲	۲	وَالْهَمَارِ	وَالْهَمَارِ
۱۴۲	۲۱	الْخَبَشِ	الْخَبَشِ	۲۰۵	۸	اِشْرَاحِ	اِشْرَاحِ
۱۴۳	۶	عشور کردن	عشور گرفتن	۲۰۷	۱۷	وَالْأَمْرِ	وَالْأَمْرِ
۱۴۴	۲۰	پسر زبده	پسر بده	۲۱۱	۲	تَضَمَّنَتْ	تَضَمَّنَتْ
۱۴۵	۱۲	کسی ز سر	کسی ز سر	۲۱۸	۲۰	از حق	از حق
۱۴۶	۲۱	منفیث	منفیث	۲۲۰	۸	جد	جد
۱۴۷	۱۲	حسبز	حسبز	۲۲۱	۱۰	کہ کسیکہ	کہ کسیکہ
۱۴۸	۹	لی کتاب	لی کتاب	۲۲۵	۱۱	براخوان	براخوان
۱۴۹	۱۲	وَدَّ اَوَّلِيَّ	وَدَّ اَوَّلِيَّ	۲۲۷	۲۳	مباشہ	مباشہ
۱۵۰	۱۲	بِالْوِاسْتِخْدَانِ	بِالْوِاسْتِخْدَانِ	۲۲۹	۳	بردارد	بردارد
۱۵۱	۱	بَاثَرْدُ	بَاثَرْدُ	۲۳۲	۲	کشت	کشت
۱۵۲	۱۹	رَسُولُ اللَّهِ	رَسُولُ اللَّهِ	۲۳۶	۲	امام	امام
۱۵۳	۲۳	يُكْفَى	يُكْفَى	۲۳۷	۱۳	دارد	دارد
۱۵۴	۲	شَاقِي	شَاقِي	۲۳۹	۳	ثواب جزائس	ثواب جزائس
۱۵۵	۹	فَالْحَاثِرِ	فَالْحَاثِرِ	۲۴۱	۵	رکبشہ	رکبشہ
۱۵۶	۲	برودش	برودش	۲۴۳	۲۳	اہل نماز	اہل نماز

صفحہ	سطر	عقل	صحیح	صفحہ	سطر	عقل	صحیح
۲۵۲	۱۲	ودعا به	ودعای	"	۲	عقل	صحیح
"	۱۳	بکشد	بکش	۳۰۶	۲۲	خانہ خجہ	خانہ
۲۵۲	۲	از روی قسم	از روی قسم	۳۱۵	۱۹	یغفور	یغفور
"	۳	اموالی	اموالی	۳۲۲	۱۲	خروسن	خروس
۲۶۰	۱۰	بردارش	بردارش	۳۲۳	۷	پرسیزگار	پرسیزگار
۲۶۱	۲۱	فَأَسْأَلُكَ بِهِ	فَأَسْأَلُكَ بِهِ	۳۲۵	۱۷	کہ ربا	کہ ربا
"	"	سَبِيلِ	سَبِيلِ	۳۲۶	۱۱	أُظْلِمَ	أُظْلِمَ
۲۶۲	۱۷	اِفْتَحْ	اِفْتَحْ	۳۲۷	۱۳	بَوَايِرُ الْاَيَةِ	بَوَايِرُ الْاَيَةِ
۲۶۳	۱۰	ویرش	ویرش	۳۳۱	۶	بایل	بایل
"	۱۵	گویند	گویند	۳۳۲	۱۲	وینج	وینج
۲۶۵	۱۶	أَنْتَ قَدِيكَ	وَأَنْتَ قَدِيكَ	"	۱۹	وحی از آسمان	وحی از آسمان
"	۱۷	مصافحه	مصافحه	۳۳۷	۱۶	وَأَخْلَقْنِي فِي	وَأَخْلَقْنِي فِي
۲۶۶	۳	سور	سور	۳۳۸	۱۱	وَلَا يَرْجَاءُ	وَلَا يَرْجَاءُ
۲۶۷	۱۱	هم در کجا	هم در کجا	"	"	أَتَكِلُ	أَتَكِلُ
۲۶۸	۱۶	محتد	محتد	"	۱۹	وَلَا حِيلَةَ	وَلَا حِيلَةَ
۲۶۹	۹	بفرستند	بفرستند	۳۳۹	۱	أَحَدُهُ	مَا أَحَدُهُ
۲۷۰	۲۳	میگویند	میگویند	۳۴۱	۱۷	قَضْتُ	قَضَيْتُ
۲۷۱	۶	نیک	نیک	۳۴۲	۹	جَانِبُوا	جَانِبُوا
"	۱۳	باغیان ترسان	باغیان ترسان	۳۴۷	۷	از بزرگ تر	از بزرگ تر
۲۷۰	۱۷	و در قیامت	و در قیامت	۳۵۰	۹	برود خانه	برود خانه
۲۷۱	۲	کشد	کشد	۳۵۳	۲	فرد آید	فرد آید
۳۰۳	۱۱	بخشنه	بخشنه			بگویند	بگویند



صفحہ	سطر	غلط	صحیح				
۳۵۲	۵۳۴	مَجْرِيهَا وَمَرَسَمَا	مَجْرِيهَا وَمَرَسَمَا	۲۵۹	۳	تا نے	تا لے
"	۸	بَوَقَايِر	بَوَقَايِر	"	۲	موتل	موتل
"	۱۶	مَجْرِيهَا	مَجْرِيهَا	"	۲۲	ماضر	خاضر
"	۲۱	وَلَا تَحُلُّ	لَا تَحُلُّ	۳۶۳	۷	از سر ما	از سر ما و گرا
۳۵۵	۲	وَقَدْ	وَقَدْ	۳۶۳	۱۰	بر عتبہ	عبرستیا در
"	۱۵	مَوْسَا	مَوْسَا	۲۷۲	۱۹	و نرذ بد تر	و نرذ بد تر
"	۱۷	سَالِمِينَ	سَالِمِينَ	"	۲۳	ما در خود	ما در خود
"			إِلَى سَالِمِينَ			پس در این حالت	
"	۳۲	وَأَسَاكَ	وَلَفَاكَ			برو حد لازم است	
"	۳۳	لِكُلِّ حَسْبٍ	لِكُلِّ خَيْرٍ				
۳۵۶	۱۹	مشهور	موافق مشهور				



عین البکال معروف بہ مجلس سید کتاب سید  
 نہایت ماسیکی و زبان سلاطین شہداء کے کہلاوا  
 شہادت سید الشہداء جناب امام حسین علیہ السلام  
 نہایت عمدہ اور مستند جو مجالس میں حیثیت اس  
 کتاب کے مضامین و ذکر پر مستند ہوا معین کو سزا  
 کوئی ہے جس آقا پر الغرض یہ کتاب نہایت عمدہ  
 رسالہ وحیزہ و تقویٰ نصیف آعلم العلماء  
 الفقہ الفقہ عالم جہانی مولانا اخوند خرد باقر مجلسی علیہ السلام  
 ہے جو قابل دیدار باب علم و ہنر ہے کہ اس حرجہ اختصا  
 کہ یہ فقہ و ہنر و علم ہیں۔

طرد المخالدين و تصنیف جناب مولانا میرزا  
 صاحب المعروف کتاب میرزا صاحب  
 مستفویہ کتاب مذہب امامیہ کی نہایت عمدہ ہو۔  
 حلیۃ العرائس سید کتاب زبان اردو فقہ بین  
 اسم باسمیہ ہوا میں عورات کے مسائل فقہیہ جو روزہ  
 کے کا لکھتے ہیں صاف صاف شرح لکھے ہیں اگرچہ  
 رسالہ مختصر ہو مگر فوائد عظیم مترتب ہیں جامع علی  
 تذکرۃ الصلوٰۃ وغیرہ کتابیں اکثر عورات کو پڑھانی  
 جاتی ہیں لیکن بعض باتیں اس میں اُس سے  
 زیادہ ہیں اور عبارت عام فہم نہایت سلیس ہو  
 اور مسائل بہت عمدہ عمدہ بہرہ سانسید میجو اس میں  
 موجود ہیں اسکا پڑھنا عورات کے لیے مثل  
 اکبر اعظم ہو مصنف اسکے مولوی امراد علی صاحب  
 لکھنؤ میں ہیں۔  
 بعد حمد ہندی سید کتاب مختصر روزہ کی بول بابل

سابقہ مدرس کی طرح و اکثر اطفال اور  
 عورتوں کے درس میں بھی ہی انسان کا نرا اور  
 قرین سنکر و نیکو کا سوال و جواب نہایت  
 آسان بہت عمدہ طور سے نظم ہو چھوٹے چھوٹے لڑکے  
 اور لڑکیاں اکثر از سر یاد کرتے ہیں جس سے مسئلہ  
 میں بھی واقفیت ہو جاتی ہو اور روزہ و نماز جو کہ  
 اصول مذہب ہو اس میں صلاحیت کامل پیدا ہوتی  
 اور عقائد بھی درست ہو جاتے ہیں اسی سبب سے  
 ہر مقام پر مروج ہو اور ہر شخص اسکو تربیت طفلان  
 کے لیے خرید کر لیتا ہو۔

خلاصۃ المصاب - یہ کتاب مصائب بلہیت  
 علیہم السلام میں مشہور و معروف ہو تالیفات سے محدث  
 مقبول ذاکر آل عبا جناب مولوی میرزا محمد باقر صاحب  
 صلیحہ جو ہم کی ہر دو مرتبہ پہلے بھی اس مطبع میں طبع ہو  
 تھی اور کئی اسطاع میں بھی چھپ چکی ہو اس مرتبہ نہایت  
 احتیاط سے کمال صحت طبع ہوئی ہو مصائب سید الشہداء  
 امام حسین علیہ السلام و الثنا کو جناب مولف مرحوم نے اپنا  
 عمدگی اور ربط مقبول سے ترتیب دیا ہو اور ایسا نادر  
 خلاصہ فرمایا ہو اور ایسے ایسے مضامین جگہ جگہ اس  
 مصائب امام ہمام اور اہلبیت علیہم السلام کے  
 لکھے ہیں کہ جنکے سننے سے سامعین کو خوش آتا ہو ایک  
 دریا آنسوؤں کا آنکھوں سے بہ جاتا ہو الغرض یہ کتاب  
 فیض انتساب اس مرتبہ کا غمدہ پر صاف و شفاف  
 چھاپی گئی ہو اعلیٰ درجہ کے خوشنویس سے لکھی گئی  
 اور قیمت بھی بغرض رفاه عام نہایت ازان ہو۔

مجموعہ ہر شیعہ نام کے میر نہیں۔ یہ مجموعہ تارہ کنندہ  
 غم و الم افزائندہ رنج و ماتم بخیرہ شیون و شینین  
 ابی عبد اللہ الحسین پر تمام کنایہ و حالات شہداء کے  
 کہ بلا بیلا کے رنج و بلا کے نہایت سزا و کد کے  
 بنین اور سلام و باریات کے سے اہل مجلس کو  
 سید کو بی سے غش آتا ہے ایک ریا سنگ کا انگڑوں سے  
 بیجا تاہر مصنف اسکے نامی گرامی مشہور کا فاضل نام  
 ممدوح خاص و عام بلاغت علی مرحوم مصائب کی  
 میر بہ علی مرحوم تخلص بہ افس میں اسکے کلام بلاغت  
 نظام میں وہ تاثیر ہے کہ اگر سنگ خارہ کے گوش میں  
 صدا پہونچے تو اسکا بھی جگر پارہ پارہ ہو جاوے  
 نرا انداز نیا عنوان ہے جسکا مداح سارا جہاں ہے  
 آج تک فن مرثیہ گوئی میں ایسا ناک نیاں نہیں  
 مقال عظیم الشان با کمال پیدا نہیں ہوا۔ اس مجموعہ  
 کی چار جلدیں ہیں جلد اول میں ۲۴ مرثیہ ہیں جلد  
 ثانی میں ۲۶ مرثیہ ہیں جلد ثالث میں ۲۸ مرثیہ ہیں  
 رابع میں ۲۴ مرثیہ ہیں۔

مجموعہ ہر شیعہ میر مونس۔ یہ مجموعہ نادر و گوہر  
 ہے بنار و نق ممبر غزاویہ نوحہ و بکا و خیرہ شیون  
 و شینین جامع مصائب ابی عبد اللہ الحسین علیہ السلام  
 پر مضمون جگر خراش جس سے دل الشرجان پاش  
 پاش ذکر حالات سوختگان آتش غم کشتگان غم و الم  
 اصحاب و اولاد امام ہمام پر سلطان الذاکرین  
 ملاو الشاعریں میر نواب صاحب مرحوم تخلص بہ  
 برادر میر امین کا کلام بلاغت نظام ہے بکا شہر

نارک جہاں و موشگافی و لعلون لکاری ہیں اس  
 مار و موشام ہے۔

مجموعہ ہر شیعہ میر زاد میر۔ یہ مجموعہ ہے نظیر و لیدر  
 مرثیہ دلیہ کے ہر صغیر و کبیر و نق ممبر غزاویہ  
 نوحہ و بکا جامع مصائب شہداء کے کہ بلا حضرت  
 امام حسین علیہ السلام پر مصنف سلطان الذاکرین قدو  
 الشاعریں میر غفرہ مرثیہ خوش تر مرثیہ اسلامت  
 خاص بہ میریہ نادر و ممدوح و جلد میں و جلد اول  
 میں ۲۴ مرثیہ اور جلد دوم میں ۲۴ مرثیہ ہیں  
 مجموعہ ہر شیعہ میر عشق کہ نام تاریخی سکا کلام  
 ہے یہ مجموعہ نایاب و نق مجلس غزاویہ نوحہ و بکا  
 احوال شہداء کے کہ بلا علی الشریب (الصلیلات  
 اصح الصفا البغ البیضا ملک الشعر خراب چیمین مرزا  
 متخلص عشق و ام ظلالہ عالی اس مجموعہ کی دو جلدیں  
 ہیں جلد اول میں بہت باعیات اور سلام اور قصائد  
 اور نوحہ ہیں بعد اسکے حال جناب سالت پیناہ  
 صلی اللہ علیہ آ کہ تو سلم سے تاحال جناب عباس علیہ السلام  
 علی الشریب ہے دوسری جلد شعی بریان غم میں حال جناب  
 علی اکبر علیہ السلام سے تا داخل اہل حرم مدینہ میں ہر جلد  
 کا ہر شیعہ علیہ علیہ طبع ہوا ہے۔

ممدوح۔ تالیف مرزا محمد جعفر صاحب تخلص  
 بہ اوج خلف الصدق جناب مرزا میر صاحب مرحوم پر  
 ہیں جناب میر المومنین علی مرتضیٰ علیہ السلام کی نسبت  
 عمدہ ہے یہ کی ہر قابل ملاحظہ مومنین ارباب شوق ہے۔

